# جامع الاحکام

مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی

آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

جلد ۲-۱

بسم الله الرحمن الرحیم

# جامع الاحکام

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# جامع الاحکام

## مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور : جامع‌الاحکام/ لطف‌الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، ۱۳۸ -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۶۳-۶ : ؛ ۱۶۰۰۰ ریال : ج.۱ ۹۶۴-۶۱۹۷-۲۵-۶ : ؛ ۱۶۰۰۰ ریال : ج.۲ ۹۶۴-۶۱۹۷-۲۵-۶ : ؛ ج.۲ ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۶۴-۳ :

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد دوم، ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، ۱۴۱۸ق. = ۱۳۷۸.

یادداشت : چاپ چهارم.

یادداشت : ج.۱ (چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۵).

یادداشت : ج.۲ (چاپ ؟: ۱۳۹۲) (فیپا).

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : فتواهای شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : دفتر آیت‌الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹ /ص۲۴ج۲ ۱۳۸۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۷۲۰۴۷

## جلد اول

### [مقدمه ناشر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

قال اللّه تعالی:

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ*[۱] خدای حکیم انسان را بی‌هدف و رها و بدون برنامه مشخص در زندگی فردی و اجتماعی نیافریده است و با توجه به این نکته که دین برای هر یک از رخدادها و پدیده‌های زندگی فردی و اجتماعی موضع و حکم مشخصی دارد عقل حکم می‌کند که باید موضع دین را در هر یک از آنها بدست آورد.

اما آیا هر کس با هر اندازه پشتوانه علمی و هر مقدار آگاهی از مبانی دین می‌تواند به این مهم نایل آید؟

بنابراین راه بدست آوردن نظرات دین چه در اصول و چه در فروع، مراجعه به منبع قرآن و عترت پیامبر (ص) است، و در زمان غیبت امام معصوم (ع) بنابر آنچه در توقیع شریف آمده است باید به حاملان علوم اهل بیت (ع) و روات احادیث مراجعه نمود.

«و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة أحاديثنا»[۲]

روش و سیره عقلاء در هر علمی پرسش از دانشمندان و کارشناسان همان علم بوده و هست و این روش در عمل مورد تأیید و امضاء شارع نیز قرار گرفته است.

ارجاع ائمه (ع) پرسش کنندگان را به اصحاب ثقات، نظیر: یونس بن عبد الرحمن، ابان بن تغلب، ابا بصیر و زکریا بن آدم، تثبیت این روش عقلائی است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶

پدیده‌های جدید و مسائل روزافزون به مقتضای آیه شریفه: «فاسئلوا أهل الذکر»، ما را وادار به مراجعه و پرسش از فقهاء و دانشمندان دین‌شناس برای بدست آوردن موضع دین و شرع می‌نماید.

این روش در عصرهای متمادی جاری بوده و برخی از این سؤال و جوابها در مجموعه‌های نفیسی گردآوری و به زیور طبع مزین گشته است از آن جمله می‌توان: رسائل شریف مرتضی، جامع الشتات میرزای قمی، سؤال و جواب صاحب عروه و ... را نام برد.

بنابراین کتاب «جامع الاحکام» را می‌توان در زمره این آثار بشمار آورد. این کتاب حاوی گزیده‌ای از استفتائاتی است که طی سه سال از نقاط مختلف ایران و سایر کشورهای جهان به محضر مرجع عالیقدر حضرت آیت اللّه العظمی صافی- دامت برکاته- ارسال گردیده، و تماماً توسط معظم له پاسخ داده شده است، و این مؤسسه به مناسبت میلاد مسعود ولی اللّه الاعظم امام زمان ارواح العالمین له الفداء آن را به زیور طبع آراسته می‌گرداند.

با در نظر گرفتن کثرت و تنوع سؤالات که در ابواب مختلف فقهی در عبادات و معاملات و مسائل اجتماعی و رشته‌های گوناگون علوم اسلامی مانند: تفسیر، کلام، اصول عقائد، درایة الحدیث و اصول فقه، شده است، این مجموعه نفیس در چهار مجلد حروف‌چینی و آماده چاپ گردیده است. جلد اول و دوم حاوی سؤال و جواب در زمینه احکام و جلد سوم مشتمل بر سؤالاتی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و جلد چهارم استفتائات عربی می‌باشد.

در خاتمه از تمام کسانی که در تنظیم این اثر ارزشمند صمیمانه همکاری نموده‌اند تشکر و امید است چاپ این مجموعه مرضی خداوند جَلَّ وَ عَلی و مقبول درگاه ملازمان آستان فرشته پاسبان حضرت بقیة اللّه ارواحنا له الفداء قرار گیرد.

بمنه و کرمه

نیمه شعبان ۱۴۱۸ ه. ق

مؤسسه انتشارات حضرت معصومه (س)

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷

احکام تقلید

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹

## احکام تقلید

### وجوب تقلید

#### س ۱

#### اشاره

- عمل بدون تقلید آیا مطلقاً باطل است یا بطلانش در صورتی است که مطابق با تقلید صحیح نباشد؟

**ج**

- عمل بدون تقلید در صورتی محکوم به صحت است که مطابق با فتوای مجتهدی که فعلًا وظیفه تقلید از اوست.

**س ۲**

**اشاره**

- مسائلی که انسان غالباً احتیاج دارد باید یاد بگیرد حال مراد از احتیاج احتیاج فعلی است یا شأنی؟

**ج**

- مقصود اینست که: مسائلی را که مورد ابتلاء می‌باشد که اگر یاد نگیرد در مخالفت تکلیف واقع می‌شود یاد بگیرد. و اللّه العالم.

**س ۳**

**اشاره**

- جوانان مسلمانی که به واسطه گرایش به مسائل روشنفکری تقلید از مجتهدین را قبول ندارند، اعمالشان بدون تقلید چگونه است؟

**ج**

- عمل بی‌تقلید محکوم به بطلان است مگر اینکه مطابق با فتوای مجتهدی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰

که فعلًا وظیفه آنها تقلید از او است باشد و در مورد عبادات با قصد قربت انجام گرفته باشد.

**س ۴**

**اشاره**

- این جانب ۲۷ سال سن دارم، طی این دوران از شخص بخصوصی تقلید نکرده‌ام، البته به تمام مسائل طوری عمل کرده‌ام که مطمئنم وظیفه خود را انجام داده‌ام، علّت اینکه تا به حال از شخص بخصوصی تقلید نکرده‌ام اینست که معتقدم علما در بسیاری از

مسائل توافق نظر دارنـد و در موارد اختلاف هم بایـد تحقیق و تفحص کرد که حق با کدامیک است، با این کار تنها به فکر و عقیده یک نفر بخصوص متکی نخواهیم بود.
این طرز فکر از موقعی در من ایجاد شـد که داستان پیـامبری حضـرت ابراهیم را در سوره انعـام خوانـدم، ایشان هر بار پدیـده‌ای را خـدای خود اعلام می‌کننـد و با افول آن می‌گوینـد این خدای من نمی‌تواند باشد و ... و در نهایت آن افول‌ناپذیر پایدار را به عنوان پروردگـار جهان برمی‌گزیننـد. آیا توجه به همین داسـتان نمی‌توانـد برای ما حجّت باشـد که ما به جای تقلیـد از علمای مختلف، در زمانهای مختلف (در صورت فوت آنها) دستورات نزدیک به یقین آنها را الگوی عمل قرار دهیم؟

ج

– علمـاء همچنانکه در بسـیاری از مسائل فرعی اتفاق نظر دارنـد در بعضـی از مسائل نیز اختلاف نظر دارنـد بنابراین، روش مـذکور، مبرئ ذمّه نیست و داسـتان حضـرت ابراهیم علیه السـلام ربطی به مسأله تقلیـد نـدارد بلکه مربوط به اصول دین است که بر هر فردی لازم است که به آن معتقد شود، علاوه بر اینکه آن حضـرت برای الزام بت‌پرستان و بطلان عقیده آنها از این طریق وارد شد تا کاملًا فسـاد عقیـده آنهـا را ثـابت نمایـد نه اینکه خودش ابتـداءً به چیزی معتقـد بود و بعـد به چیز دیگر، وشـما بـا این روش حکم خـدا را نمی‌توانیـد بطور یقین– که برای شـما عند اللّه حجت باشد– بدست آورید و بهر حال وظیفه در مسائل مورد اختلاف تقلید از مجتهد اعلم زنده است. و اللّه العالم.

س ۵

اشاره

– آیا تقلید از مجتهد جامع الشرائط می‌بایست با اجازه وی باشد؟

ج

– اجازه لازم نیست. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۱

تقلید از مجتهد

س ۶

اشاره

– تقلید از کدامیک صحیح است: اعلم عادل یا اعدل عالم؟

ج

– اعلم عادل مقدّم است.

س ۷

اشاره

– اگر کسی بزرگِ خانه‌ای باشد و از مرجعی تقلید کند آیا میتواند اهل خویش را هم تکلیف نماید که از او تبعیّت نموده و از مرجع منتخب او تقلید نمایند؟

ج

– هر کس در مسأله تقلید باید بتکلیف شرعی خود عمل کند و اجبار دیگران به تقلید صحیح نیست.

س ۸

اشاره

– کسانی که تازه بالغ میشوند و علی‌رغم تحقیق و بررسی و سؤال از اهل خبره، به نتیجه مشخصی نمی‌رسند تکلیف چنین افرادی چیست؟

ج

– اگر اعلمیت یکی از فقهاء برای چنین اشخاصی محرز نشده باشد و نیز هیچ‌یک محتمل الاعلمیهٔ هم نباشند مخیرند از هر کسی که واجد شرائط تقلید باشد تقلید کنند.

س ۹

اشاره

– اگر در صورت تقلید از مرجعی معلوم گردد که مرجع دیگر اعلم است می‌توان به او رجوع کرد یا خیر؟

ج

– در صورت مفروضه بنابر احتیاط واجب در مسائل اختلافی به اعلم رجوع نماید.

### س ۱۰

### اشاره

– اگر مرجعی که شخصی از وی تقلید می‌کند فوت نماید این مرجع در زمان حیات خود تصریح به اجتهاد و عدالت فردی نموده آیا این تصریح ملزم مقلد او می‌باشد که از ایشان تقلید نماید؟

### ج

– این تصریح بیش از شهادت بر اجتهاد نیست و موجب الزام شرعی مقلّد او بر تقلید چنین فردی نیست چنانکه شهادت بر اعلمیت او هم نیست بلی اگر از قول مرجعی که داشته علم به اجتهاد یا اعلمیت شخصی پیدا کند آن علم حجّت است به هر حال اجتهاد و اعلمیّت به علم یا بیّنه غیر معارض و یا شیاع بشرحی که در رسائل عملیه است ثابت می‌شود. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۲

### س ۱۱

### اشاره

– کسانی که بعد از بلوغ بدون موازین مقرر در انتخاب مرجع اعلم، از کسی تقلید نموده‌اند اکنون چه وظیفه‌ای دارند؟

### ج

– در فرض سؤال فعلًا، باید از اهل خبره تحقیق کنند پس اگر اعلمیّت یکی از مجتهدین حیّ برای آنها ثابت شد و یا احتمال اعلمیت یکی از آنها را معیناً بدهند باید از معلوم الاعلمیه یا محتمل الاعلمیه تقلید کنند و اگر نه علم به اعلمیت و نه احتمال آن هیچ‌یک نبود مخیرند در تقلید از هر یک از آنها.

### س ۱۲

### اشاره

– اگر شخصی از مجتهدی تقلید می‌کند که برای مسائل شرعی و ارسال حقوق دسترسی بوی ندارد می‌تواند به مجتهدی که در

سطح اوست و دسترسی بوی دارد عدول نماید؟

ج

- چنانچه تقلید محقق شده باشد عدول به مساوی اشکال دارد.

### تبعیض در تقلید

س ۱۳

اشاره

- اگر چند عالم زنده در یک سطح باشند (از نظر شخص مقلد پس از تحقیق) آیا شخص می‌تواند مسائلی را از یکی و مسائل دیگر را از دیگری و مسائل سومی را نیز از سومی تقلید کند؟

ج

- مانعی ندارد.

س ۱۴

اشاره

- در فرض عدم تشخیص اعلم تبعیض در تقلید از مجتهدین جامع الشرائط بنحوی که ساده‌ترین فتوا را انتخاب نماید جایز است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال تقلید و انتخاب فتوای سهل در بین فتاوی بلا اشکال است. البته بعد از انتخاب و عمل به آن دیگر نمی‌تواند در آن مسأله از دیگری خلاف آن را تقلید کند مگر اینکه اعلم باشد. یا فتوای او موافق با احتیاط باشد و اللّه العالم.

س ۱۵

اشاره

– اگر مجتهـدین در فقـاهت مساوی باشـند و به فتوی همه ایشان بقاء بر تقلیـد میت جایز باشـد آیا بنـده می‌توانم در مسائل احتیاطی رجوع به چند نفر از این آقایان بکنم. مثلًا در یک مسأله به یکی از ایشان و در مسأله دیگر به دیگری رجوع کنم؟

**ج**

– اتفاق فتوای ایشان مجوز بقاء بر تقلید میت است نه تبعیض در تقلید،

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳

که در صورت تساوی آنها در فقاهت، بشرط عدم علم اجمالی بمخالفت واقع، جایز است.

**س ۱۶**

**اشاره**

– آیا یک نفر می‌تواند از دو مجتهد تقلید کند مثلًا در مسائل حج از یک مجتهد و در بقیه مسائل از مجتهدی دیگری؟

**ج**

– اگر دو مجتهد اعلم از دیگران و مساوی با یکدیگرند مانع ندارد. و اللّه العالم.

**س ۱۷**

**اشاره**

– آیا می‌شود بعضی از مسائل را از مرجع قبلی تقلید نمود؟

**ج**

– اگر از مجتهـد میّت رجوع به مجتهـد حی نکرده باشـد میتوانـد در بعض مسائل به تقلید میت باقی بماند و در بعض دیگر رجوع به مجتهد زنده نماید. بلی اگر مجتهد میت اعلم از مجتهد زنده باشد احتیاط در تمام مسائل بقاء بر تقلید میت است. و اللّه العالم.

## عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

**س ۱۸**

**اشاره**

- آیا از مجتهدی می‌توان به مجتهد مساوی او عدول نمود؟

ج

- احوط در خصوص مسائلی که یاد گرفته ترک عدول به مساوی است.

س ۱۹

اشاره

- قبلًا مقلّد مرجعی بوده و حال مقلّد دیگری است. مورد ابتلا را در رساله مرجع دوّم نیافته است آیا می‌تواند فقط همان مسأله‌ای را که یافت نشده به مرجع اولی رجوع و بعد از تقلید آن مسائل باز به دومی برگردد (هر دو مرجع زنده می‌باشند)؟

ج

- اگر مرجع اولی اعلم است بنابر احتیاط واجب نمیتوانـد و لو در یک مسأله مقلّد غیر اعلم باشد مگر در مسائل احتیاطی که میتواند احتیاط نکند و مراجعه به فالاعلم کند و اگر هر دو مجتهد مساوی هستند مخیّر است از هرکدام تقلید کند یا در بعضی از یکی و در بعضـی از دیگری، لکن در مسـائلی که بر طبق تقلیـد یکی عمل کرده یا ملتزم به عمل شـده هر چنـد عمل نکرده باشـد بنا بر احتیاط نمیتواند در آن مسائل، از دیگری که مساوی با اوست تقلید کند. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴

## بقا بر تقلید میّت

س ۲۰

اشاره

- بقاء بر تقلید میت جائز است یا خیر؟

ج

- در مسـائلی که بفتوای مجتهـدی که در حـال حیـاتش عمـل کرده یا یاد گرفته بقصـد عمل اگر در آن مسائل بعـد از مردن مجتهد بفتوای مجتهـد زنـده رفتـار نکرده باشـد می‌توانـد بـاقی بمانـد بلکه جواز بقاء بر تقلیـد میت در سائر مسائل هم بعیـد نیست ولی اگر

مجتهد میّتی که از او تقلید می‌کرده اعلم از حیّ باشد بنابر احتیاط واجب باید بر تقلید او باقی بماند.

**س ۲۱**

**اشاره**

- اینکه فرموده‌اید اگر مجتهد سابق اعلم بوده بقاء بر تقلید واجب است آیا میزان علم فعلی به اعلمیت است گرچه در زمان حیات او را اعلم نمی‌دانسته است؟

**ج**

- میزان این ستکه فعلًا میت را اعلم از حی بداند و بقاء بنابر احتیاط واجب است.

**س ۲۲**

**اشاره**

- در توضیح المسائل فرموده‌اید احوط بقاء بر تقلید اعلم متوفی است آیا راهی برای عدم بقاء هست؟

**ج**

- اگر علم به اعلمیت میت داشته باشد می‌تواند با رجوع به مجتهدی که این احتیاط را ندارد از مجتهد مورد نظر که او را جائز التقلید می‌داند تقلید نماید. و اللّه العالم.

**س ۲۳**

**اشاره**

- آیا در بقاء بر تقلید میت رجوع به حیّ اعلم لازم است؟ در فرض لزوم آیا در صورتی که بقاء مورد اتفاق فقهاء عصر باشد نیز رجوع به حیّ اعلم لازم است؟

**ج**

- لازم است به حیّ اعلم مراجعه شود. بلی چنانچه همه فقهاء در خصوص مسأله و حدود و خصوصیات آن نظر متفق داشته باشند

رجوع به حی اعلم در این مورد لازم نیست. و اللّه العالم.

### س ۲۴

### اشاره

- اگر ده نفر از فقهاء وقت به جواز بقاء فتوی بدهند آیا می‌تواند به فتوی آن ده نفر بدون تعیین، بر تقلید باقی بماند یا خیر؟

### ج

- اگر اعلمیّت در آنها محصور باشد و همه بدون قید و شرط به جواز بقاء فتوی داشته باشند بدون تعیین کافی است
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۵

### س ۲۵

### اشاره

- اگر مجتهـد متوفّی در مسـأله‌ای احتیـاط واجب داشـته باشـد آیـا وجوب یا جواز بقاء بر تقلیـد شامل آن میشود یا اختصاص به فتوا دارد؟

### ج

- مسأله بقاء بر تقلید شامل موارد احتیاط وجوبی نمی‌شود.

### س ۲۶

### اشاره

- اگر شخصـی مجتهـدش فوت نمایـد و در مسأله بقاء بر تقلیـد از میت به مجتهد زنده رجوع نماید و مجتهد زنده نیز پس از چندی فوت نماید، حال بنا بر بقاء باید از کدام میت تقلید کند؟

### ج

- در فرض سؤال با تقلیـد از حی می‌توانـد به تقلیـد مجتهـد اوّل باقی بمانـد و بقاء بر تقلیـد مجتهد دوم که در مسأله بقاء از او تقلید

کرده در صورتی مفهوم دارد که نظر او در این مسأله از نظر مجتهـد حی اوسع باشـد بلی اگر بعـد از مجتهـد اول در بعض مسائل از مجتهـد دوم تقلیـد کرده و مجتهـد دوم از اوّل اعلم یا مساوی با او بوده در آن مسائل به تقلید او باقی بماند و در مسأله فروع دیگری نیز هست که چون زیاد مورد ابتلاء نیست به همین مقدار اکتفاء شد.

### س ۲۷

### اشاره

– در عروه در بحث تقلیـد مسأله یک: اذا اقلّد مجتهـداً ثم مات فقلّد غیره ثمّ مات فقلـد من یقول بوجوب البقاء علی تقلید المیّت او جوازه فهل یبقی علی تقلید المجتهد الاول او الثانی؟ الاظهر الثانی و الأحوط مراعات الاحتیاط بنده اینطور می‌فهمم اگر تقلید کردیم از مجتهـدی مثل مرحوم آیت اللّه العظمی خوئی و ایشان فوت شدند پس از ایشان تقلید مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی نمودیم ایشان هم فوت شدنـد پس از ایشان از مجتهـد زنـده‌ای تقلیـد کردیم که قائل به وجوب بقاء یا جواز بقاء است بر تقلیـد مجتهـد اول باقی باشـیم یا بر فتوای مجتهد دوم نظر صاحب عروه این است که می‌فرماید الاظهر الثانی یعنی فتوا می‌دهند که بر تقلید مجتهد دوم (که آیت اللّه العظمی گلپایگـانی است) بـاقی باشـید البته احتیـاط مسـتحب مراعـات احتیاط است خواهشـمندم فتوای خود را در این مسأله بیـان فرمائیـد و اگر کسـی تا بحال از اول تکلیفش از ۶ مجتهـد تقلیـد کرده و فعلًا به حضـرتعالی رجوع کرده باقی بر مجتهد چندم باشد؟

### ج

– حقیر اگر میت اعلم از حی باشـد بقـاء را بنـابر احتیـاط لازم می‌دانم بنابراین اگر آخرین مجتهـدی که از او تقلیـد می‌کرده اعلم از سابقین بر او و از حی بوده بقاء بر تقلید او بی‌اشکال است و اگر مجتهد قبل از او اعلم بوده و مجتهد بعد اعلم از حی بوده

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۶

در فتوای این دو مجتهـد عمل به احتیاط نماید این در صورتی است که مجتهد حی بقاء را به تفصـیل مذکور احتیاطاً لازم بداند ولی اگر جزماً واجب بدانـد بایـد به تقلید هر کدام که اعلم است باقی بماند و اگر مجتهد حی بقا را جایز می‌داند ظاهر این است که اگر بخواهد باقی بماند به تقلید آخری باقی بماند و در صورت اول و همچنین دوم فروع دیگر نیز هست که مجال تفصیلش نیست.

### س ۲۸

### اشاره

– کسانی که در حال تمیز قبل از بلوغ از مجتهـدی تقلیـد کرده‌انـد بهر دلیل و پس از رحلت مرجعشان بالغ شده‌اند می‌توانند باقی به تقلید او باشند و اصالهٔ الصّحهٔ درباره طفل جاری است یا خیر؟

### ج

- در صورت علم به اینکه تقلید او در حال تمیز و قبل از بلوغ، از آن مجتهد صحیح بوده جواز بقاء بر آن تقلید بعید نیست. و لکن اصالهٔ الصحهٔ نسبت به عمل قبل از بلوغ خواه تقلید باشد یا عمل دیگر جاری نیست.

**س ۲۹**

**اشاره**

- شخصی پس از رسیدن به سنّ تکلیف، در میان دو مرجع تقلید (زید و عمرو)، زید را اعلم تشخیص داده و از وی تقلید نموده، ولی پس از فوت هر دو مرجع تقلید به این نتیجه رسیده که تشخیص وی در آن زمان صحیح نبوده و عمرو اعلم بوده است، مستدعی است بفرمائید بر فرض وجوب تقلید از مجتهد میّت اعلم، تقلید از زید واجب است یا تقلید از عمرو (در صورتی که مقلد در زمان حیات عمرو، از زید تقلید نموده است)؟

**ج**

- در فرض سؤال بمجتهد حیّ رجوع نماید و طبق نظر حیّ عمل نماید.

**س ۳۰**

**اشاره**

- بعد از فوت مرجع تقلیدم مدتی فاصله شده تا اینکه رجوع کردم به مجتهد حی و عملم را طبق رساله اولی انجام دادم آیا به تکلیف خود عمل کرده‌ام یا خیر؟

**ج**

- اگر فقط در مسأله جواز بقاء به مجتهد حی رجوع کرده‌اید نسبت به اعمالی که طبق فتوای مجتهد اول انجام داده‌اید به وظیفه عمل نموده‌اید.

**س ۳۱**

**اشاره**

- این جانب مقلد حضرت آیه اللّه العظمی گلپایگانی- رحمهٔ اللّه علیه- هستم با توجه به اینکه می‌بایست در مسأله بقاء بر تقلید بنابر

نظر مرجع اعلم زمان عمل شود و با وجود مقداری تفحص هنوز نتوانسته ام به اعلمیت کسی

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۷

یقین پیدا نمایم خواهشمندم تکلیف شرعی حقیر را بیان فرمائید؟

**ج**

– در فرض مذکور چنانچه همه آقایانی که طرف شبهه اعلمیت هستند بقاء بر تقلید میّت را جایز بدانند بقاء بر تقلید حضرت آیه اللّه العظمی گلپایگانی قدس سرّه الشریف جایز است.

**س ۳۲**

**اشاره**

– استفتائات جدید که از مراجع تقلید سؤال شده و جواب کتباً با مهر داده شده در صورتی که در رساله‌ها و استفتائات امام خمینی نباشد و مورد ابتلاء و نیاز مقلدین ایشان باشد می‌توانند عمل نمایند؟

**ج**

– در اینگونه مسائل باید با رعایت مسائل تقلید به فتوای مجتهد حی جائز التقلید عمل نمایند. و اللّه العالم.

**س ۳۳**

**اشاره**

– در مسائلی که حضرت آیت اللّه گلپایگانی احتیاط می‌کردند بنده رجوع به حضرت آیت اللّه اراکی می‌کردم حال در این زمان هر دو به رحمت ایزدی پیوسته‌اند چه باید کرد؟

**ج**

– در مسائلی که به مرحوم آیت اللَّه آقای اراکی قدس سرّه رجوع نموده‌اید می‌توانید به تقلید ایشان باقی بمانید.

**س ۳۴**

**اشاره**

- اگر کسی از مجتهدی تقلید می‌کرده ایشان فوت می‌کنند بفتوای مجتهدی دیگر باقی میماند بر مجتهد اول بعداً او هم فوت کرده اکنون بفتوای حضرتعالی می‌خواهند باقی باشد آیا بفتوای مجتهد اول باقی باشد یا به فتوای مجتهد دوم و نیز کسی از مجتهدی تقلید می‌کرده‌اند از دنیا رفته و تا بحال به ۴ مجتهد رجوع کرده اکنون بفتوای حضرتعالی باقی بر مجتهد اول باشد یا چهارم؟

**ج**

- در فرض سؤال که بفتوای مجتهد دوم بفتوای مجتهد اول باقی مانده است در غیر مسأله بقا می‌توانند به تقلید مجتهد اول باشد و اگر اعلم از حی باشد احتیاط بقا بر تقلید او است و بر فرض دوم هم اگر بفتوای مجتهد دوم و سوم و چهارم باقی بر فتوای مجتهد اول بوده حکم همان است که در فرض اول بیان شد و اگر از هر یک از آنها به مجتهد بعد عدول کرده است فعلا اگر بخواهد باقی بماند باید به تقلید مجتهد چهارم باقی بماند و در صورتی که در بین سه نفر اول یک نفر اعلم باشد در هر مسأله‌ای که فتوای او موافق با احتیاط باشد بنابر احتیاط به فتوای او عمل نماید. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸

**س ۳۵**

**اشاره**

- این جانب از ابتداء مکلف شدن مقلد حضرت آیهٔ اللّه گلپایگانی قدس اللّه نفسه الزکیه بودم بعد از رحلت آن بزرگوار نیت نمودم که از حضرت آیهٔ اللّه اراکی رضوان اللّه تعالی علیه تقلید نمایم و بیش از یک مسأله از فتاوی آن مرجع که آن هم نماز جمعه می‌باشد عمل ننموده‌ام و در رساله حضرت آیهٔ اللّه بقاء بر میت را جایز مرقوم فرموده‌اید آیا ممکن است که این یک مسأله را از مرحوم آیهٔ اللّه اراکی و بقیه مسائل شرعیّه را کما فی السابق از مرجع تقلید قبلی آیهٔ اللّه گلپایگانی تقلید نمایم یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال در غیر مسأله نماز جمعه بقاء بر تقلید مرحوم آیهٔ اللّه العظمی گلپایگانی مانعی ندارد و همچنین در مسأله نماز جمعه بقاء بر تقلید مرحوم آیهٔ الله العظمی اراکی اشکالی ندارد.

**س ۳۶**

**اشاره**

- اگر شخصی از مجتهدی که تخمیس مؤونه را بعد از خروج از حاجت مطلقاً یا در صورت فروش واجب بداند تقلید کرده و بعد از فوت او به مجتهدی عدول نموده که این تخمیس را واجب نمی‌دانسته حال پس از فوت مجتهد دوم به فرض این که مجتهد اول از

دوم اعلم بوده یا با شک در اعلمیت او از دوم بنا بر این که بقاء بر تقلید میّت با اعلمیت میّت از حیّ را احتیاطاً لازم می‌دانید تکلیفش نسبت به تخمیس این مورد چیست؟

**ج**

– اگر علم به اعلمیت مجتهد اول از دوم و از مجتهد حیّ دارد احتیاط تخمیس مال مذکور است و با شک در اعلمیت اول از دوم و سوم و اعلمیت دوم از سوم تخمیس واجب نیست.

**س ۳۷**

**اشاره**

– فردی از مجتهدی تقلید می‌کرده و پس از رحلت ایشان در مسأله بقاء بر تقلید میت به مجتهد حیّ رجوع کرده و در بقیه مسائل به فتوای مجتهد اول باقی مانده اکنون که مجتهد دوم هم رحلت نموده آیا چنین فردی می‌تواند در مسأله «کثیرالسفر» به فتوای مجتهد دوم عمل کند و در بقیه مسائل به تقلید مجتهد اول باقی باشد یا خیر؟

**ج**

– اگر فقط در مسأله بقاء، به مرجع بعدی رجوع کرده رجوع به او در سائر مسائل
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۹
بعد از فوت او مجزی نیست و باید در مسأله بقاء بر تقلید از مجتهد اوّل، به مجتهد حی رجوع کند.

**س ۳۸**

**اشاره**

– کسانی که با اجازه مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی بر فتاوای مرحوم آیت اللّه العظمی آقای خمینی (ره) باقی مانده‌اند و بعد با اجازه مرحوم آیت اللّه العظمی اراکی آن بقاء را ادامه داده‌اند الان چه تکلیفی دارند؟

**ج**

– به نظر حقیر فعلًا هم بقاء بر تقلید مرحوم آیت اللّه العظمی آقای خمینی (ره) جایز است.

**س ۳۹**

**اشاره**

- شخصی مقلد حضرت امام بوده بعد از آیت اللّه خوئی و سپس از آیت اللّه گلپایگانی و بعد از آیت اللّه اراکی- رضوان اللّه تعالی علیهم- تقلیـد نموده با توجه به این که هر یک از آقایان بقاء بر تقلید میت را جایز می‌دانسـتند بر تقلید از مجتهد قبلی باقی مانده در حال حاضر تکلیف او چیست؟ آیا می‌تواند به فتوای همه آنها عمل کند؟

**ج**

- اگر فقط در مسأله بقاء از سه مجتهد بعدی تقلید کرده نمی‌تواند از این سه مجتهد تقلید کند.

**س ۴۰**

**اشاره**

- شخصـی مقلّـد مرحوم حضـرت آیت اللّه العظمی گلپایگـانی (رضوان اللّه تعالی علیه) بوده بعـد رجوع کرده به حضـرت آیت اللّه العظمی اراکی (رض) و بعد از ایشان رجوع بحضـرت عالی کرده خلاصه باقی بر تقلید می‌باشد سؤال این سـتکه باقی بر تقلید کدام از این دو بزرگوار باشد؟

**ج**

- در فرض سؤال چنانچه شـخص مـذکور بعـد از درگذشت مرحوم آیهٔ اللّه گلپایگانی، در مسأله بقاء بر تقلید میت رجوع به مرحوم آیـهٔ اللّه اراکی نمـوده بعـد از درگـذشت آیـهٔ اللّه اراکی چنـانچه به حقیر رجـوع نمـوده میتوانـد بـاقی بر تقلیـد از مرحـوم آیـهٔ اللّه گلپایگانی باشـد بلی اگر بعـد از مرحوم آقای گلپایگانی مقلـد آقای اراکی شده و باقی بر تقلیـد آقای گلپایگانی نمانده میتواند باقی بر تقلید آقای اراکی باشد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰

**س ۴۱**

**اشاره**

- کسانی که فرضاً از آیـهٔ اللّه العظمی خوئی تقلیـد می‌کرده‌اند یا از حضـرت امام و پس از رحلت مرجعشان مسأله بقاء را از آیهٔ اللّه العظمی گلپایگانی تقلیـد کرده‌انـد با مسائل جدیـد، یا تنها در مسأله بقاء، در صورتی که بقاء بر تقلیـد واجب یا جایز باشـد به کـدام یک از مراجع قبلی باقی باشد به اوّلی یا دوّمی و در صورت بیش از دو نفر چه کند؟

ج

– در فرض سؤال می‌تواند به اوّلی باقی باشد مگر در مسائلی که به دوّمی رجوع کرده بوده.

س ۴۲

اشاره

– یکی از دوستانم مقلد آیهٔ اللّه گلپایگانی بوده است و بعد از فوت ایشان به آیت اللّه اراکی رجوع کرده‌اند (در کل مسائل) آیا می‌توانند به شما در کل مسائل رجوع کنند؟

ج

– اگر مرجع تقلید سابق را اعلم بداند احتیاط واجب باقی ماندن بر تقلید او است و اگر مرجع زنده را اعلم بداند رجوع به او واجب است و اگر مساوی بداند در بقاء و عدم بقاء مختار است.

س ۴۳

اشاره

– شخصی مقلد مرحوم آیت اللّه بروجردی (رض) بوده پس از فوت ایشان به مرحوم آیت اللّه شاهرودی (رض) رجوع نموده و چون بقاء بر تقلید را آن مرحوم جایز نمی‌دانسته به مرحوم آیت اللّه خوئی (رض) رجوع کرده پس از رحلت آن مرحوم مدتی بقاء بر تقلید و سپس به مرحوم آیت اللّه گلپایگانی (رض) مراجعه نموده است. اکنون متوجه شده که باید در مسأله بقاء بر تقلید میّت مراجعه بحی نموده و با فرض اینکه مجتهد حی بقاء را جایز می‌داند بفرمایید تقلید وی از آیت اللّه بروجردی (رض) تا کنون چه حکمی دارد و در آینده وظیفه او چیست و می‌تواند باقی بر تقلید حضرت آیت اللّه گلپایگانی بماند یا خیر؟

ج

– در صورتی که فقط در مسأله بقاء به مرحوم آیهٔ اللّه العظمی خوئی و آیهٔ اللّه العظمی گلپایگانی (رض) مراجعه کرده‌اید فعلًا هم بقاء بر تقلید مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی مانعی ندارد و چنانچه در همه مسائل به مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی (رض) رجوع کرده‌اید فعلًا بقاء بر ایشان مانعی ندارد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱

مسائل متفرقه تقلید

### س ۴۴

#### اشاره

- آیا برای مراجع تقلید شرایطی علاوه بر آنچه که در رساله‌های عملیه قید شده است از جمله موافقت و همراهی با اساس نظام جمهوری اسلامی لازم است یا خیر؟

#### ج

- اساس جمهوری اسلامی حاکمیّت احکام اسلام است و این معنائی نیست که شخص مسلمان با آن موافقت نداشته باشد و انتظار همه همین است که احکام اسلام حاکمیّت پیدا کند و شرائط مجتهد جامع الشرائط و مرجع تقلید همان است که در رساله‌های عملیه مذکور است. و اللّه العالم.

### س ۴۵

#### اشاره

- کسانی که باقی بفتوای مجتهد میت هستند جوازاً یا وجوباً در مسأله پرداخت سهم سادات که به فتوای میت مانند سهم امام علیه السلام اجازه مرجع تقلید لازم داشته میتوانند این مسأله را بفتوای مرجع حی عمل کنند؟

#### ج

- در فرض مذکور با بقاء بر تقلید میّت که اجازه مجتهد یا مرجع تقلید را لازم میدانسته فعلًا باید با اجازه مجتهد یا مرجعی که به او در مسأله بقاء رجوع کرده سهم سادات عظام را بپردازد.

### س ۴۶

#### اشاره

- در رساله فرموده‌اید کسی که وصیت می‌کند لازم نیست بالغ باشد حتّی ده سال داشته باشد کافی است حال این ده‌ساله در مسأله اختلافی به فتوای کدام مجتهد عمل کند با اینکه بالغ نشده و تقلید بر او واجب نیست؟

#### ج

– در نفوذ وصیّت طفل ده‌ساله تقلید او از مجتهد شرط نیست بلی وصی و وارث او در این مسأله طبق فتوای مجتهدی که از او تقلید می‌نمایند عمل می‌کنند و اللّه العالم.

### س ۴۷

### اشاره

– نظر حضرتعالی درباره ولایت فقیه چیست؟

### ج

– به نظر حقیر ولایت فقیه جامع الشرائط در زمان غیبت ولی عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف فی الجمله ثابت و مسلّم است و تفصیل آن در رساله «ولایهٔ الفقهاء فی عصر الغیبهٔ» بیان گردید. و اللّه العالم.

### س ۴۸

### اشاره

– فرق بین حکم و فتوی چیست؟

### ج

– فتوی عبارت از بیان حکم کلی است که مجتهد آن را از کتاب و سنت
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲
استفاده کرده ولی حکم انشاء و دستوری است در موضوع خاص جزئی که مجتهد جامع الشرائط صادر می‌کند. و اللّه العالم.

### س ۴۹

### اشاره

– حکم حاکم را تا چه حد نافذ می‌دانید؟

### ج

- حکم مجتهد جامع الشرائط نافذ است و بر همه عمل بآن لازم است مگر آنکه کسی اشتباه و خطای او را در مبانی حکم بداند و بطور کلّی نفوذ حکم او در مواردی است که اگر مکلف خودش هم عالم بآن شود، مکلّف بعمل بمضمون آن حکم می‌باشد.

### س ۵۰

### اشاره

- نظر شما در مورد حدّ اطاعت از مرجع تقلید چیست؟

### ج

- فتاوای مرجع تقلید برای مقلّد واجب العمل است و اگر در موردی حکم کند آن هم واجب العمل است.

### س ۵۱

### اشاره

- عمل به استفتای یک مجتهد آیا تنها برای مقلدینش عمل بوظیفه است یا سایرین هم می‌توانند به استناد استفتای او عمل کنند؟

### ج

- فقط برای مقلّدین خود آن مجتهد حجت است.

### س ۵۲

### اشاره

- برای شخص محتاط آیا داخل کردن فتاوی فقهاء گذشته هم لازم است؟

### ج

- بلی برای رعایت احتیاط کامل باید فتاوی علماء جامع الشرائط تقلید در گذشته نیز ملاحظه شود. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳

## احکام طهارت

### اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵
طهارت

### اسامی متبرکه

### س ۵۳

### اشاره

- آیـا در کلمـاتی مثل «بسـمه تعالی» یا «هو» و یا کلمات فارسـی ماننـد «خـدا» و غیره، اجتناب از دست زدن بـدون وضو به آن لازم است و حکم اسماء جلاله را دارد یا خیر؟

### ج

- مسّ نام خداونـد متعال بهر لغتی که باشـد بـدون طهارت از حـدث جائز نیست و نسبت به ضـمیری که به خداونـد برمی گردد نیز احتیاط ترک است.

### س ۵۴

### اشاره

- آیه و یا کلمه ای از قران مثل اللّه نوشـته شـد و بقصد قرآنیت هم نوشـته شده بعد طوری اللّه قیچی شده فقط که یک سوم از الف اللّه مانـده اگر به این یـک سوم از الف بـدون وضو دست زده شود حرامست یـا نه و اصـلًا قیچی کردن بـدون قصـد بی‌احـترامی چه صورت دارد و اگر اللّه را بقصد ننویسد حکم بالا را دارد یا نه؟

### ج

- در مورد سؤال بدون وضوء احتیاط در ترک مسح حروف باقی مانده است
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶
و قیچی کردن اگر صـدق اهـانت کنـد اشـکال دارد و کلمه اللّه بقصـد قرآنیت نوشـته شود یا غیر قرآنیت حکمش یکی است. و اللّه العالم.

### س ۵۵

**اشاره**

– اگر قرآن نجس شود و بدانیم در صورت آب کشیدن خراب می‌شود چه باید کرد؟

**ج**

– باید آن را آب کشید اگر چه موجب محو کلمات آن شود. و اللّه العالم.

**س ۵۶**

**اشاره**

– چند ورق قرآن و اسم اللّه ریخته شده در یک ظرف آب و جوهر قرآن نوشته شده در آب ظرف حل شده آیا دست زدن بدون وضو به آب ظرف حرام است یا نه و آیا نوشتن «اللّه» روی دست شخص بدون وضوء جایز است؟

**ج**

– دست بی‌وضو زدن به آن آب اشکال ندارد و ولی نوشتن کلمه اللّه به بدن شخص بی‌وضو اشکال دارد. و اللّه العالم.

**س ۵۷**

**اشاره**

– آیا قرآنی که قابل استفاده نیست و کهنه شده را می‌توانیم دفن کنیم یا بسوزانیم؟

**ج**

– در محل پاکی که معرض هتک نباشد دفن کنند و سوزاندن آن حرام است.

**س ۵۸**

**اشاره**

– لفظ جلاله اللّه یا آیه قرآن روی سنگ‌های قبر نوشته شده عابر هم روی آنها قدم می گذارد اجازه می‌دهید آنها را بدون اجازه صاحب آنها که دست رسی به آنها ممکن نیست محو نمائیم؟

ج

– اگر معرض اهانت باشد و دسترسی به صاحبان قبور نباشد پاک کردن آنها واجب است.

**س ۵۹**

**اشاره**

– آیا حکاکی آیات کلام اللّه مجید بر روی سنگهای مزار جایز است یا خیر؟

ج

– در صورتی که سنگ مزار در معرض زیر پا قرار گرفتن و توهین باشد نباید آیات قرآنی و اسم جلاله و اسامی مقدّسه بر آن حک شود. و اللّه العالم.

**س ۶۰**

**اشاره**

– اگر در آیه حکاکی شده کلمه مبارک اللّه را حذف و یا پاک کنند کفایت می کند یا باید همه آیه حذف شود؟

ج

– پاک کردن اسم جلاله اثری در حکم بقیه آیه ندارد.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۷

**س ۶۱**

**اشاره**

– در صورتی که باید کلمه مبارکه اللّه و یا همه کلمات آیه پاک شود این امر بر عهده چه کسی است؟

**ج**

– پا گذاشتن و توهین بر آن نوشته‌ها حرام است و پاک کردن آنها بر هر کسی که متمکن باشد لازم است.
و اللّه العالم.

**س ۶۲**

**اشاره**

– آیا مسئولین گورستان می‌توانند از حکاکی آیات مبارک کلام اللّه جلوگیری نموده و یا آنهایی را که قبلًا حک شده پاک کنند؟

**ج**

– لازم است مسئولین گورستان به اشخاص تذکّر دهند که اسامی مقدسه و آیات قرآنی را در سنگهائی که ممکن است زیر پا واقع شوند ننویسند. و اللّه العالم.

**س ۶۳**

**اشاره**

– آیه قرآن مانند بسم اللّه الرحیم الرحیم را آهن بری کرده‌اند سایه آیه بر زمین یا دیوار نمودار است دست زدن بدون وضو به سایه آیه چه صورت دارد؟

**ج**

– اشکال ندارد.

**س ۶۴**

**اشاره**

– در عصر حاضر معمول شده که مردان بدن خود را خال‌کوبی می‌کنند و بعضی افراد حتی اسامی ائمه علیهم السلام را نیز در بدن خود خال می‌کوبند. اولًا بیان فرمائید اصل عمل خالکوبی چگونه است و ثانیاً اگر بعد از خال‌کوبی شخص جنب شود حکم مسأله

چه خواهد بود؟

ج

– خال‌کوبی اگر برای غرض عقلائی مثل درمان باشد جایز است و در غیر این صورت چون فی الجمله مضر است حکم بجواز محلّ تأمّل است ولی عـدم طهارت برای شـخص مـذکور اشـکال ندارد بلی آنچه با خال نوشـته شده مس آن با فرض صدق مسّ در حال عدم طهارت حرام است. و اللّه العالم.

س ۶۵

اشاره

– نوارهائی که آیات قرآن در آنها ضـبط شده اگر احیاناً مورد حریق قرار بگیرد یا در بالوعه (فاضـلاب) بیفتد حفظ آن از سوختن و خارج کردن آن از بالوعه لازم است یا خیر؟

ج

– بعید نیست که چون در نظر عرف توهین محسوب می‌شود حفظ آن از سوختن و خارج کردن از بالوعه لازم باشد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸

س ۶۶

اشاره

– آیا کلماتی نظیر «اللّه»، «بسـمه تعالی»، «هو الحکیم» و ... اگر به زبان خارجی بطور مثال به زبان انگلیسـی نوشـته شود، جزء اسـماء متبرکه می‌باشند یا نه؟

ج

– احکام اسامی متبرکه بر آنها مترتب است و باید احترام آنها رعایت شود. و اللّه العالم.

س ۶۷

اشاره

– مستدعی است نظر مبارك را در مورد چاپ لفظ جلاله، بعض آیات قرآن کریم و اسامی معصومین علیهم الصلاهٔ و السلام روی جا کلیدی بیان بفرمایید.

ج

– اصل چاپ و نوشتن این کلمات مبارکه بر روی جا کلیدی یا اشیاء دیگری که شخص همراه خود دارد اشکال ندارد فقط باید دارندگان این اشیاء محترمه رعایت قداست و احترام آنها را بنمایند و به طور بی‌احترامی و توهین‌آمیز از آن استفاده نکنند. و اللّه العالم.

س ۶۸

اشاره

– فروش روزنامه و مجلّات که گاهی به یقین در آنها اسماء مبارکه حقتعالی و ائمه معصومین علیهم السلام یا مضامین و آیات قرآنی نوشته و چاپ شده است، بعنوان کاغذ بلا استفاده و با عدم آگاهی از چگونگی مصرف توسط خریدار چه حکمی دارد؟ آیا تحقیق اینکه این اوراق که فروخته می‌شود در چه محلّی (مثلًا جهت بسته‌بندی پوشاك یا میوه و تبدیل به پاکت) مصرف خواهد شد لازم است؟

ج

– در مورد سؤال، روزنامه و هر ورقی که مشتمل بر آیات قرآنی و اسامی متبرکه انبیاء و ائمه علیهم السلام باشد دور ریختن آنها بطوری که زیردست و پا بیفتد و باعث اهانت بشود حرام است و همچنین اگر در اختیار کسانی قرار دهند چه بعنوان فروش و یا غیر فروش که می‌دانند نحوه استفاده موجب توهین است اشکال دارد و در صورت شك در نحوه استفاده آنها فروش آن اشکال ندارد و تحقیق لازم نیست.

س ۶۹

اشاره

– با توجه به وسعت و تعداد اسماء متبرکه در روزنامه و سایر نامه‌ها و کاغذهای باطله دور ریختن آنها چه حکمی دارد؟

ج

– دور ریختن آنها با اشتمال بر اسامی متبرکه و آیات قرآنی اشکال دارد.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۹

### س ۷۰

### اشاره

– آیا نشستن بر روی روزنامه‌هائی که احتمالًا ممکن است آیات و احادیث بر روی آنها نوشته باشد چه صورتی دارد؟

### ج

– اگر بدانید آیات و احادیث بر روی آن‌ها نوشته شده نشستن بر روی آنها جایز نیست.

## احکام آبها

### س ۷۱

### اشاره

– آبی که کمتر از کر باشد و نجس شود بمجرد اتصال با کر و یا آب جاری پاک می‌شود و یا امتزاج لازم است؟

### ج

– امتزاج لازم است همانطور که در رساله مرقوم است.

### س ۷۲

### اشاره

– آب مضاف حتی اگر به اندازه یک رودخانه باشد (گل آلود) حکمش چیست؟

### ج

– مجرّد گل آلود بودن موجب مضاف بودن آب نیست بلی اگر طوری باشد که بآن آب گفته نشود مضاف است و در فرض سؤال که خیلی زیاد است اگر یک قسمت از آن با نجس برخورد کند نجس شدن قسمت دیگر محل تأمل است.

### س ۷۳

#### اشاره

- اگر به واسطه بمب‌های باران‌زا ایجاد ابر و باران نمایند در طهارت همان حکم باران طبیعی را دارد یا خیر؟

#### ج

- مورد اشکال است.

### س ۷۴

#### اشاره

- مستدعی است بیان فرمائید که اولًا پس آبهای تصفیه شده فاضلاب منازل که اثری از نجاست همراه ندارد حکمشان از جهت نجاست و طهارت چگونه است؟
اگر نجس است از چه طریقی پاک می‌شود؟

#### ج

- در صورت نجس بودن تصفیه آن را پاک نمیکند باید بوسیله آب جاری و یا کر و یا باران تطهیر شود با شرائطی که در رساله عملیه ذکر شده.

### س ۷۵

#### اشاره

- اگر از پس آبهای تصفیه‌شده فاضلاب منازل برای مشروب نمودن سبزیجات و پرورش آبزیان نظیر ماهی و میگو بهره‌برداری شود، در این صورت
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰
استفاده از محصولات بعمل آمده چگونه است؟

#### ج

– استفاده از آب مذکور در کشاورزی و پرورش آبزیان اشکال ندارد.

**س ۷۶**

**اشاره**

– مردم محله‌ای در کوچه‌ای دارای جوی باریکی هستند و آب‌های حمّام و حیاط منازل این محله به جوی می‌رود و آنهایی که بچه کوچک دارند نجاسات بچه را در حمّام یا حیاط می‌شویند آیا این گناه است و باعث ضمان است (در ضمن آب در این جوی خیلی کم جریان دارد).

**ج**

– اگر این کار موجب اذیّت دیگران بشود گناه دارد و اگر در فاضلاب‌ها خون یا بول یا هر چیز نجسی وجود داشته باشد آن جوی نجس می‌شود بلی اگر آب جاری یا کر به مقداری که فاضلاب نجس، رنگ یا بو یا طعم آن را تغییر ندهد جریان داشته باشد جوی نجس نمی‌شود. و اللّه العالم.

### آب کشیدن و تطهیر چیزهای نجس

**س ۷۷**

**اشاره**

– کیفیت پاک شدن چرم و چوب نجس با فرض عدم استحاله را بیان فرمائید.

**ج**

– بوسیله آب ظاهر چرم متنجس و چوب پاک می‌شود. و اللّه العالم.

**س ۷۸**

**اشاره**

– کیفیت تطهیر موکت نجس که به زمین چسبیده را بیان فرمائید.

**ج**

- بعد از زوال عین نجاست آن را بوسیله شلنگ متصل به آب لوله‌کشی تطهیر نمایند و پس از تطهیر لازم نیست غساله آن گرفته شود.

**س ۷۹**

**اشاره**

- اگر بول و نجاست بچه به قالی و از آن به سیمان کف اتاقهای آپارتمان برسد آیا با آب کشیدن سطحی سیمان نجاست بر طرف می‌گردد یا خیر (با توجه به اینکه آب تا حدودی از سیمان عبور می‌کند)؟

**ج**

- ظاهر آن پاک می‌شود ولی باطن آن که بواسطه نفوذ رطوبت نجس نجس شده است بمجرد رسیدن رطوبت آب پاک نمی‌شود.

**س ۸۰**

**اشاره**

- ماشینهای لباسشوئی تمام اتوماتیکی که لباسها را پس از شستشو با مواد شوینده سه الی پنج مرتبه با آب قلیل آبکشی مینماید، با توجه به اینکه در هنگام شستشوی اولیه، کف متنجس را با توجه به حجیم بودن آن به قسمتهائی از
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۱
درب شیشه‌ای و لاستیک دور آن میرساند در صورتی که هنگام آبکشی آب به قسمتهای مورد نظر نمی‌رسد آیا البسه از نظر شرعی پاک میشود در صورتی که جواب منفی باشد چگونه باید عمل کرد؟

**ج**

- اگر بدانید قسمتهائی از شیشه یا لاستیک اطراف درب بوسیله آب قلیل پاک نمیشود و ترشحات آن به لباسهای داخل ماشین می‌رسد موجب تنجیس لباسها میگردد و باید آنها را در خارج ماشین تطهیر نمائید.

**س ۸۱**

**اشاره**

– من در منزلی زنـدگی می‌کنم که شخصـی در این منزل رفت و آمـد داشت و تصور می‌کردم ایشان کافر و نجس است. اما پس از تحقیق متوجه شـدم که ایشان کافر نیست. ولی متأسـفانه طی مـدتی که من تصور می‌کردم ایشان نجس است و کافر، دیگر خودم را موظف به رعایت طهارت و پرهیز از نجس کردن اشـیاء نمی‌دانسـتم زیرا ایشان را نجاستی سیّار می‌دانستم که همه چیز و همه جا را نجس کرده و فکر می‌کردم دیگر بر من واجب نیست از نجس کردن اشـیاء پرهیز کنم. مثلًا وقـتی دسـتم خون می‌آمـد بـدون اینکه دستم را بشویم به در، دیوار، تلویزیون، یخچال، همه چیز و همه جا می‌زدم.

اکنون که دانسـته‌ام آن شـخص نه کافر بوده و نه نجس متأسـفانه نه تنها مشـکلم حل نشده بلکه در حال حاضـر خودم را در خانه‌ای می‌بینم که همه چیز و همه جایش نجس است من خودم با دست خودم آنها را با نجاست واقعی نجس کرده‌ام.

آیا از غذای تهیه شده در این خانه که نجس است بخورم؟ و نمازم را بدون طهارت که باطل می‌شود بخوانم؟ و با دیگران معاشـرت کنم تا این نجاست را انتقال بدهم؟ یا اینکه وسایل خانه را در حد توان تطهیر کنم؟

**ج**

– اولًا در بسـیاری از اشـیاء و اثاث منزل مثل فرش و در و دیوار و وسائل، غیر از خوراک و نوشیدن شرط استفاده طهارت نیست ثانیاً تطهیر چیزی که شک دارید عین آن نجس شده یا نه لازم نیست و محکوم بطهارت است و ملاقی شـبهه محصوره تا چه رسد به غیر محصوره محکوم بنجـاست نیست می‌توانیـد ظرفهـائی را که یقین داریـد نجس شـده بشوئیـد و غـذائی را که یقین نداریـد ظرف آن نجس بوده نیز

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲

می‌توانیـد بخوریـد خلاـصه در حکم به نجاست بشـرحی که در رساله نوشـته شـده علم و یقین لازم است و با عـدم علم هر چیزی را شک داشته باشد نجس شده محکوم بپاکی است و در موارد شک احتیاط لازم نیست خود را به زحمت و حرج نیاندازید.

**س ۸۲**

**اشاره**

– اگر لباس یا ظرفی را شخص وسواسی چند بار آب بریزد اشکال دارد؟

**ج**

– در آب کر یا با آب جاری یک مرتبه شستن کافی است و وسواسی نباید به شک خود اعتناء کند و مثل متعارف مردم عمل نماید.

**س ۸۳**

**اشاره**

– آیا حائض بعد از بیرون آمدن از توالت باید دستهایش را غسل دهد یا آب کشیدن تنها کافی است؟

ج

– اگر دستش به نجاستی مانند خون یا غیر آن آلوده نشده شستن لازم نیست و اگر آلوده شده بشوید و در هر دو صورت غسل ندارد.

س ۸۴

اشاره

– اگر بخواهیم چیز نجس را آب بکشیم و در آن مانعی از آب ببینم که ندانیم قبل از نجس شدن بوده یا بعد تکلیف چیست؟

ج

– در صورت مذکور مانع را بر طرف نمائید و آن چیز را بشوئید.

س ۸۵

اشاره

– کسی که طریقه طهارت با آب قلیل را نمی‌دانسته و بعداً متوجه شد که طهارت او صحیح نبوده آیا نمازهایی که خوانده باید قضا نماید یا خیر؟

ج

– اگر یقین دارد به خاطر ندانستن مسأله وضوی او از جهت نجس بودن مواضع وضو باطل بوده باید آن نمازها را قضا کند و همچنین اگر یقین دارد از جهت مذکوره با لباس یا بدن نجس نماز خوانده باید به احتیاط لازم آن نمازها را قضا کند. و اللّه العالم.

س ۸۶

اشاره

– اگر لباسی آلوده به خون حیض یا خون‌های دیگر باشد و بعد از شستن آن لباس رنگ خون بر آن بماند آیا این رنگ نجس

می‌باشد یا خیر؟

ج

– اگر عین خون زایل شـده و فقط رنگ خون مانـده با آب کشـیدن پاک می‌شود و در این جهت تفاوتی بین خون حیض و غیر آن نیست. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳

س ۸۷

اشاره

– آب اوّل که مرد برای تطهیر مخرج بول می‌ریزد چنـانچه مسـیر طرف راست عورت را طی ولی آب مرتبه دوم به مسـیر طرف چپ عورت برود آیا هر دو مسیر پاک است یا یک بار دیگر آب بر هرکدام از این مسیرها برساند؟

ج

– در فرض سؤال یک مرتبه دیگر به هر یک از دو مسیر آب بریزد. و الله العالم.

س ۸۸

اشاره

– آبی که در هنگـام طهـارت به بـدن می‌پاشـد آیا پاک است یا نجس؟ اگر این آب بر روی دسـتشویی و بعـد به بـدن بپاشـد حکم چیست؟ اگر ندانیم به چه صورت آب پاشیده حکم مسأله چیست؟

ج

– در مـورد سـؤال، اگر تطهیر بوسـیله شـلنگ که متصـل به آب لوله‌کشـی که حکم آب جـاری را دارد و آبی که به بـدن می‌پاشـد مشـتمل بر اجزاء نجس نباشد پاک است و اگر تطهیر با آب قلیل باشد از ترشّـحات آن اجتناب نمائید و آبی که از دسـتشوئی ترشح میکنـد اگر دسـتشوئی نجس شـده و آبی که بآن میریزد و ترشـح میکنـد متصل بکرّ نباشـد اجتناب کنید و اگر ندانید به چه صورت پاشیده محکوم بطهارت است.

وضو

### س ۸۹

### اشاره

– هنگام مسح سر اگر دست به پیشانی برسد آیا وضوء اشکال دارد؟

### ج

– با آن قسمت از دست که به آب صورت رسیده مسح پا را نکشد. و اللّٰه العالم.

### س ۹۰

### اشاره

– شستن بار سوم در وضو حرام است آیا مبطل وضو نیز هست؟

### ج

– اگر دست چپ را سه بار بشوید چون میخواهد بعد از شستن مسح سر و پاها را با دستها بکشد و آبی که در دستها مانده آب خارج از وضو محسوب می‌شود وضو هم باطل است.

### س ۹۱

### اشاره

– آیا هنگام وضو گرفتن لب هم باید شسته شود و اگر لب چرب باشد اشکال دارد؟

### ج

– بلی لب هم باید شسته شود ولی اگر چربی کم باشد بطوری که عرفاً مانع محسوب نشود اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴

### س ۹۲

### اشاره

- نقّاشانی که امکان تفحص زیاد برای رفع حاجب از تمام اعضاء وضو ندارند و بعد از مدتی مشاهده رنگ روی عضوی می‌نمایند تکلیف امور عبادی آنها چیست؟

### ج

- باید بر اعضای وضو و غسل چیزی که جرمیت دارد و مانع از رسیدن آب به اعضاء است نباشد و الّا وضو و غسل صحیح نیست. بلی اگر ازاله رنگ یا هر مانع دیگری ممکن نباشد مگر به مجروح شدن عضو در این صورت حکم جبیره دارد که در توضیح المسائل مذکور است. و اللّه العالم.

### س ۹۳

### اشاره

- جوهر خودکار مانع از رسیدن آب به پوست بدن است یا نه؟

### ج

- چنانچه جرمیّت داشته باشد مانع است.

### س ۹۴

### اشاره

- بعضی‌ها می گویند اگر بیش از هفت قدم راه رفتید و بعد سر را مسح کشیدید این وضو باطل است آیا این سخن صحیح است یا نه؟

### ج

- اگر انسان شستن وضوئی را تمام کرده باشد و قبل از مسح سر، راه برود چنانچه به مقداری که عرفاً پی‌درپی بودن وضو محفوظ باشد وضو صحیح است و اندازه معیّنی برای راه رفتن نیست. و اللّه العالم.

### س ۹۵

**اشاره**

– هنگام وضو گرفتن برای یکی از نمازهای پنج‌گانه مسح را فراموش کرده‌ام (نمی‌دانم کدامیک بوده) تکلیف چیست؟

**ج**

– در فرض سؤال، یک نماز صبح و یک نماز مغرب و یک نماز چهار رکعتی بدون تعیین ظهر یا عصر یا عشاء بخوانید و اگر نماز ظهر و عصر را با یک وضو میخوانید، دو نماز چهار رکعتی لازم است.

**س ۹۶**

**اشاره**

– هنگام وضو اگر احیاناً و یا عمداً دست طوری قرار گرفت که آب وضو به طرف آرنج سرازیر شود اشکالی در وضو ایجاد می‌کند یا خیر؟

**ج**

– اشکال ندارد. و اللّه العالم.

**س ۹۷**

**اشاره**

– هنگام وضو که باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست اگر کسی سهواً دستش از پایین به بالا رفت و یا افقی شست آیا وضویش اشکال دارد؟

**ج**

– سهواً دست به طرف بالا برود اشکال ندارد و مجموعاً باید در نظر عرف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵

شستن، از بالا به پایین صدق کند هرچند گاهی افقی دست بکشد. و اللّه العالم.

**س ۹۸**

**اشاره**

– آیا در همه دست کشیدنها در وضو، باید از ابتدای بالا دست کشید و اگر کسی مثلًا از وسط دست کشید در عین حال که بالا را شسته است آیا اشکال دارد در حالی که از اسفل به اعلی را نشسته است؟

**ج**

– بعد از شستن هر قسمتی می‌تواند از بعد آن قسمت، وضو را ادامه دهد بنابراین در فرض سؤال دست کشیدن از وسط مانع ندارد. و اللّه العالم.

**س ۹۹**

**اشاره**

– در اماکن عمومی مواجه می‌شویم با اشخاصی که موقع شستن دست و صورت چه به نیت وضو و چه غیر وضو، بارانی از آب بر اطرافیان خویش که در حال انجام وضو هستند (و مسلماً باید شستن اول و دوم را رعایت و مسلماً از آب خارج از وضو اجتناب کنند) می‌پاشند آیا وضوی این اطرافیان صحیح است؟

**ج**

– اگر اطرافیان وضوی خودشان را با نیت مجموع آبی که در دست آنها است چه آبی که خودشان می‌ریزند و چه آبی که از وضوی دیگری ترشح کرده ادامه دهند اشکال ندارد.

**س ۱۰۰**

**اشاره**

– اگر در هنگام وضو گرفتن برای جلوگیری از اسراف در وضو در ظرف آب ریخته و با آن آب وضو بگیریم. در حالی که اطراف ظرف را قبل از وضو بشوییم آیا تری (خیسی) آب دور ظرف وضو را باطل می‌کند با توجه به اینکه هنگام وضو گرفتن ظرف آب را با دست راست یا چپ بلند می‌کنیم.

**ج**

- تری مذکور وضو را باطل نمی کند. و اللّه العالم.

### س ۱۰۱

### اشاره

- معلولینی که دست یـا پـای آنـان مصـنوعی است هنگام وضو گرفتن و غسل کردن و مواضع سـجده بر زمین گذاشـتن چه تکلیفی دارند؟

### ج

- شسـتن دست و پای مصـنوعی در وضو و غسل لازم نیست و همچنین گذاشـتن انگشت پای مصنوعی و یا کف دست مصنوعی بر زمین در حال سجده لازم نیست.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶

### س ۱۰۲

### اشاره

- با کفش یا نعلین مغصوب وضو گرفتن اشکال دارد یا خیر؟

### ج

- اشکال ندارد.

### س ۱۰۳

### اشاره

- اگر انسان منزلی را خریداری کرده باشد و تقاضای وصل آب و برق را داده باشد ولی برای او وصل نکرده باشـند و او با انشـعاب از آب و برق همسایه استفاده کند آیا این آب و برق مشکلاتی برای نماز و روزه او ایجاد نمی کند؟

### ج

- اگر مسئولین امر اجازه دهند اشکال ندارد.

### س ۱۰۴

### اشاره

- استفاده از آب قنات و آبی که صاحبانش مجهول میباشند برای گرفتن وضو و شستن فرش و غیره چگونه است؟

### ج

- وضو گرفتن از قناتهای بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحبان آنها راضـی هسـتند، اشکال ندارد، ولی شستن فرش و استفاده‌هائی نظیر آن مشکل است مگر آنکه بحسب مرسوم محلّ اینگونه استفاده‌ها معمول باشد و منعی هم از مالک نرسیده باشد.

### س ۱۰۵

### اشاره

- اگر شخصی که موی سرش ریخته بخواهد باصطلاح امروزه موی سرش را ترمیم کند و بعبارت دیگر روی سرش مو بکارد در این صورت حکم وضوء و غسلش چگونه خواهد بود؟

### ج

- اگر کاشـتن مـو بنحوی باشـد که مو به بـدن متّصـل میشود و رشـد میکنـدماننـد موی طـبیعی در این صورت غسـل و وضو هر دو صحیـح است ولی چنـانچه مو، روی حـاجبی بـافته شـده باشـد و یا آن را بوسـیله چسب و غیر ذلك بسـر بچسـبانند جایز نیست و در صورت چسباندن اگر قابل کندن نباشد باید علاوه بر وضو و غسل جبیره‌ای تیمم بدل از غسل یا وضو نیز بنماید.

### س ۱۰۶

### اشاره

- آیا زدن مقداری کرم به صورت و دست برای وضو اشکال دارد؟ از کجا می‌توان فهمید که این کرم مانع از رسیدن آب به پوست است یا نه؟

### ج

- اگر مانع رسیدن آب به بشره نباشد اشکال ندارد و تشخیص آن با عرف است.

### س ۱۰۷

### اشاره

- اگر قبل از دخول وقت نماز برای نماز وضوء بگیرد، صحیح است؟

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۷

در صورتی که صحیح باشد فرقی بین اینکه وقت نزدیک باشد یا نه هست یا خیر؟

### ج

- اگر وقت نماز نزدیک است میتواند بعنوان تهیّؤ برای نماز وضو بگیرد و اگر خیلی قبل از وقت است وضو را بعنوان بودن بر حال طهارت بگیرد و در هر دو صورت میتواند با آن وضو نماز واجب یا مستحب را بخواند. و اللّه العالم.

## غسل

### [مسائلی در باره غسل

### س ۱۰۸

### اشاره

- شخصی تاکنون غسلش را چنین انجام می‌داده (اول طرف راست بعد طرف چپ بعد سر و گردن) تکلیف نماز و روزه‌ها و همچنین حج او با این نحوه غسل چیست؟

### ج

- نمازهائی که شخص مذکور با این حال خوانده قضا ولی قضاء روزه واجب نیست کند و حج او نیز باطل است و احرام او باقی است و باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود. و الله العالم.

### س ۱۰۹

### اشاره

- در مورد غسل وقتی به نیت غسل زیر شیر می‌ایستیم هر قسمت را چند بار باید غسل دهیم؟ آیا دست کشیدن لازم است یا خیر؟

ج

– هر قسمت را یک بار بشوید کافی است و دست کشیدن لازم نیست یعنی وقتی به نیت مثلًا سر و گردن غسل می‌کنید باید آب بهمه جای سر و گردن برسد وقتی بهمه جا رسید غسل سر و گردن تمام شده و همینطور طرف راست و طرف چپ.

س ۱۱۰

اشاره

– کسانی که بدنی چرب دارند و بدنشان چربی ترشح می‌کند مخصوصاً صورت که چربی زیادی ترشح می‌کند آیا وجود این چربی در بدن در وضو و غسل اشکالی به وجود می‌آورد یا خیر؟

ج

– اگر چربی بدن به طور متعارف باشد و مانع رسیدن آب به پوست نشود به وضو و غسل ضرر ندارد. و اللّٰه العالم.

س ۱۱۱

اشاره

– کسی که در ماه مبارک رمضان چند غسل نموده مثلًا یک غسل را در پانزدهم و یکی را در بیستم و غسل سوم را در بیست و پنجم کرده باشد و بعد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۸

یقین کند که یکی از این غسلها باطل بوده لطفاً وظیفه این شخص را نسبت به نماز و روزه بیان فرمائید.

ج

– روزه‌های شخص مذکور محکوم بصحت است و نسبت به نمازها آن مقدار را که یقین تفصیلی دارد بدون طهارت انجام داده باید قضا کند یعنی ملاحظه نماید در صورت بطلان غسل اول چند روز نماز قضا بعهده او آمده و در صورت بطلان غسل دوم چند روز و در صورت بطلان غسل سوم چند روز و هر کدام کمتر بود همان مقدار را قضا کند و اگر بعد از غسل سوم موقعی توجه ببطلان یکی از اغسال پیدا کرده که هنوز هیچ نمازی با آن نخوانده چیزی بر او نیست، فقط برای نمازهای بعد غسل بجاآورد.

س ۱۱۲

اشاره

جامع الاحکام ؛ ج۱ ؛ ص۳۸

با غسل مستحبی مثل غسل جمعه می‌توان نماز خواند؟

### ج

- غیر از غسل جنابت برای نماز خواندن با اغسال دیگر وضو لازم است.

## س ۱۱۳

### اشاره

- آیا به همان ترتیب گفته شده در رساله می‌شود غسل را زیر دوش انجام داد یا باید حتماً کاسه کاسه روی خودمان بریزیم؟

### ج

- غسل زیر دوش که فعلًا در حمّامها معمول است صحیح و بی‌اشکال است.

## س ۱۱۴

### اشاره

- در پادگان هفته‌ای یک بار بیشتر امکان رفتن به حمّام را نداریم و به همین خاطر امکان غسل کردن برایم نیست برای انجام فریضه نماز چه باید بکنم؟

### ج

- اگر مجبور به خدمت در آنجا هستید و واقعاً دسترسی به آب ندارید با تیمّم نماز بخوانید و صحیح است.
و اللّه العالم.

## س ۱۱۵

### اشاره

- اگر مانند فردی که از ادرار خود نمی‌تواند جلوگیری کند مرتب جنابت برای او حاصل شود وظیفه او برای نماز و غسل چیست؟

### ج

- جنابت موجب غسل است و در فرض سؤال در هر دفعه که میتواند غسل کند باید برای نمازها غسل کند و هر وقت غسل ممکن نباشد باید تیمّم بدل از غسل کند. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۹

### س ۱۱۶

#### اشاره

- آیا برای غسل می‌توان با وسیله‌ای راه ادرار را مسدود نموده و غسل جبیره‌ای انجام داد؟

#### ج

- خروج ادرار ضرر بغسل نمیزند با همان حال غسل کنید و صحیح است لکن باید بعد از غسل برای خواندن نماز و امثال آن وضو هم بگیرید و اگر در موقع وضو هم ادرار خارج میشود چنانچه مسدود نمودن محل ادرار در حین وضو ضرر ندارد موقع وضو آنجا را مسدود کنید و اگر ضرر دارد با همان حال وضو بگیرید و بعد از وضو تیمم هم بنمائید لکن اگر مواقعی هست که ادرار خارج نمیشود وضو را در آن موقع بگیرید و در این صورت احتیاج به تیمم ندارد و لازم است بتوضیح المسائل از مسأله ۳۱۳ ببعد هم مراجعه نمائید.

### غسل جنابت

### س ۱۱۷

#### اشاره

- اگر ندانیم که فرد جنب چه کسی است و خود نیز جنب باشیم و نماز بخوانیم و بعد از مدتی که نماز خواندیم معنی جنابت و فرد جنب را بفهمیم آیا باید تمام نمازهایمان را دوباره به جای آوریم؟

#### ج

- هر مقدار نماز که یقین دارید در حال جنابت خوانده‌اید هر چند در آن موقع معنی جنابت را نمی‌دانسته‌اید باید پس از انجام غسل جنابت قضا نمایید. و الله العالم.

### س ۱۱۸

#### اشاره

- در غسل جنابت آیا همان نیت اول برای هر سه قسمت کافی است یا آنکه برای هر قسمت باید نیت جداگانه داشت؟

#### ج

– همین مقدار که توجّه دارید، سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را به جهت غسل جنابت به ترتیب شستشو می‌دهید کافی است. و اللّه العالم.

## س ۱۱۹

### اشاره

– آیا فرد جنبی که غسل جنابت را به خاطر عذر بیماری نمی‌تواند انجام دهد، آیا با تیمم بدل از غسل، می‌تواند تا موقعی که عذرش در انجام دادن غسل برطرف نشده، در مساجد تردّد نماید؟

### ج

– بلی در فرض سؤال تا مدتی که عذر او باقی است می‌تواند امور مشروطه به طهارت از حدث اکبر را انجام دهد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۰

## س ۱۲۰

### اشاره

– در رساله عملیه آمده است: آبی که از شخص مریض خارج شود همین که با شهوت خارج شده باشد حکم منی را دارد، منظور از مریض، چه نوع مرضی است؟

### ج

– منظور مریضی است که مرض او از جهنده بودن منی مانع باشد.

## س ۱۲۱

### اشاره

– فردی بی‌دستور پزشک نوعی داروی اعصاب مصرف می‌کند که در اثر مصرف آن در دفع ادرار اختلال پیش می‌آید و نیز در طول مدت مصرف احتلامی صورت نمی‌گیرد. لیکن پس از دفع ادرار یا ضمن آن مایع سفید رنگ رقیقی دفع می‌شود. این مایع چه حکمی دارد.

### ج

– اگر شک دارد منی است یا نه حکم منی را ندارد و اگر مایع با شهوت و لو بدون جستن بیرون آید، در مورد شخص مذکور که مریض است محکوم به منی بوده است البته احتیاط آن است که برای نماز وضو هم بگیرد.

### س ۱۲۲

#### اشاره

– اگر مکـانی یـا اشـیایی آلوده به عرق جنب از حرام باشـد آیـا اگر به آنهـا بـا دست مرطوب دست بزنیم برای نماز مسأله ای ایجاد می‌کند یا نه اگر اشکال دارد اگر کسی قدرت آن را نداشت که کلّیه آن اشیاء را بشوید تکلیف او چیست؟

#### ج

– بنظر این جانب عرق جنب از حرام پاك است ولی مادامی‌که رطوبت آن باقی است نماز صحیح نیست بعد از خشکیدن اگر دست مرطوبی به محلّی که عرق آن خشك شده برسد اشـکال ندارد و نماز با رطوبت جدید محکوم به صـحت است و محل پاك است و احتیاج به شستن ندارد. و اللّه العالم.

### س ۱۲۳

#### اشاره

– اگر هنگـام معاشـقه زن و مرد؛ بـدون اینکه آمیزش و دخول انجـام گیرد، با تحریکات جسـمی و روانی، زن به اوج لـذت برسـد و همان حالاتی که بعد از آمیزش معمولًا در زنان روی می‌دهد مانند سستی بدن و ... پدید آید، آیا زن در این حالت جنب تلقی شده و غسل جنابت بر او لازم خواهد بود یا خیر؟

#### ج

– چنانچه در حالت مذکور منی از او خارج شود جنب شده و غسل جنابت بر او لازم میشود.

### س ۱۲۴

#### اشاره

– مـدت یك سال است ازدواج کرده‌ام بعـد از نزدیکی با شوهرم و انجام غسل، در موقع نماز صـبح ترشـحاتی از من خارج می‌شود که فکر می‌کنم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۱
مربوط به خودم نباشد آیا مجدداً باید غسل به جا آورم یا خیر و آیا این ترشحات نجس است یا نه؟

#### ج

– اگر می‌دانیـد ترشـحات مـذکور بول نیست و یقین به منی بودن آن هم نداریـد محکوم بطهارت است و غسل ندارد و اگر یقین به

منی بودن آن دارید ولی مردد است بین منی مرد و منی خودتان نجس است ولی غسل واجب نیست.

### س ۱۲۵

### اشاره

– در بعضی مواقع که صحنه‌هایی شهوت‌انگیز می‌بینم (مثل عکسهای برهنه) مایعی لزج از من خارج می‌شود می‌خواستم ببینم آیا این مایع پاک است یا نه؟ (با استبراء یا بدون استبراء) اگر نجس است آیا تمام بدن نجس می‌شود یا فقط محل نجاست؟ (منظورم مسأله‌ای در توضیح المسائل است که در حالتی خاص عرق جنابت را نجس می‌داند).
اگر نجس است آیا جنابت است که غسل بخواهد یا اینکه فقط باید محل نجاست را تطهیر کرد؟
(و آیا می‌شود مواقعی جنابت باشد و مواقعی غیر از آن).

### ج

– در مورد سؤال اگر مایع لزج مذکور علامت منی نداشته باشد و بعد از استبراء باشد و احتمال اینکه بول باشد منتفی باشد پاک است و غسل هم لازم ندارد حتی وضو و غسل را هم باطل نمیکند ولی اگر استبراء نکرده باشید و یا احتمال بدهید که مایع مذکور بول باشد مایع مذکور محکوم به نجاست و مبطل وضو است و اگر علامت منی در آن باشد موجب غسل است ولی عرق آن نجس نیست.

### س ۱۲۶

### اشاره

– اگر که در طی ماه رطوبتی از رحم خارج شود در حالی که بعضی از نشانه‌های منی را داشته با این حال بدون غسل روزه گرفته و نماز خوانده. نماز و روزه‌اش صحیح است؟

### ج

– اگر یقین داشته که رطوبت خارج شده منی است باید غسل کند و نمازهائی را که با آن حال خوانده قضا کند و نسبت به روزه اگر با علم به منی بودن این را هم می‌دانسته که نباید با حال جنابت صبح کند غسل نکرده و روزه گرفته باید قضای روزه‌ها را نیز بگیرد و کفاره هم دارد ولی اگر شک دارد که رطوبت خارج شده منی است یا رطوبت دیگر نمازها و روزه‌ها صحیح است و نسبت به تشخیص منی در صورت شک به مسأله شماره ۳۵۲ توضیح المسائل مراجعه نمائید.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۴۲

## غسلهای بانوان

### س ۱۲۷

**اشاره**

- در صورتی که استحاضه کثیره است و شخص از نظر جسمی توانایی سه مرتبه غسل در شبانه روز را ندارد (مبتلا به کمردرد و پادرد می‌باشد) آیا می‌تواند برای نماز بجای غسل استحاضه، تیمم بدل از غسل کند؟ و همچنین برای روزه می‌تواند تیمم کند؟ و آیا قضای روزه‌های این چند روز را باید بگیرد؟

**ج**

- اگر توانائی هیچ یک از سه غسل را ندارد برای نماز و روزه بجای هر غسل تیمم بدل از غسل نماید و در این صورت اگر با تیمم بدل از غسل نماز و روزه را انجام داده روزه و نماز او قضا ندارد.

**س ۱۲۸**

**اشاره**

- در رابطه با استحاضه قلیله اگر شخصی بعد از نماز صبح پاک شد آیا برای نماز ظهر باید یک وضو و برای نماز عصر هم یک وضوی دیگر بگیرد و همچنین برای نماز مغرب و عشا؟

**ج**

- پس از پاک شدن یک وضو برای نماز ظهر و عصر او کافی است.

**س ۱۲۹**

**اشاره**

- زنی ادعا دارد که هر ماه فقط یک روز یا کمتر و یا کمی بیشتر (کمتر از سه روز) خون می‌بیند و همیشه اینطور بوده است آیا باز استحاضه است یا حکم دیگری دارد.

**ج**

- استحاضه است.

**س ۱۳۰**

**اشاره**

– رحم زنی را طی یک عمل برداشتند خونی که بعدها می‌بیند محکوم به چیست؟

### ج

– در فرض سؤال چنانچه خون مـذکور اوصاف خون حیض را داشـته باشـد و در سائر شـرائط همماننـد حیض باشـد مثلا از سه روز کمتر نباشد شرعاً حکم حیض را دارد.

## س ۱۳۱

### اشاره

– زنی است که ۵۰ سـال او تمام شـده است ولی هنوز در هر ماه هفت الی ده روز خونی از او خارج می‌شود که از نظر ظاهر تفاوتی با خون حیض او ندارد آیا این خون را باید حیض حساب کرد یا استحاضه؟

### ج

– در فرض سؤال اگر زن سیده نباشد باید با آن خون معامله استحاضه بنماید
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۳
و اگر سیده است تا پایان ۶۰ سالگی آن خون حیض و آن زن احکام حائض را دارد.

## س ۱۳۲

### اشاره

– آیـا زن حـائض و نفسـاء می‌توانـد در حـال عادت خود بیشتر از هفت آیه از قرآن مجیـد و یا زیارت عاشورا بخوانـد ولی بکلمات دست نزند.

### ج

– بلی جـائز است و فقـط قرائت آیـات سـجده چهـار سوره (سوره سـجده و فصـلت و النجم و العلق) بر زن حـائض جـائز نیست بلکه احتیـاط مسـتحب اینسـت که سـائر آیـات این چهـار سـوره را نیز قرائت نکنـد چنـانکه قرائت بیش از هفت آیه از آیـات دیگر قرآن کراهت دارد و در بیشتر از هفتاد آیه کراهت بیشتر است خواندن زیارت عاشورا و ادعیه مثل مواقع دیگر مستحب است.

## س ۱۳۳

### اشاره

– زن حامل در حال حمل گاهی یک لکّه خون می‌بیند و باز ممکن است ده روز بعد هم لکه‌ای ببیند تکلیف آن زن چیست؟

ج

– اگر فقط بصورت مرقوم لک می‌بیند و خون هم در باطن قطع میشود هر دو لک حکم استحاضه دارد.

س ۱۳۴

اشاره

– آیا زنی که زایمان می‌کند غسل ۲۰ روزه یا ۴۰ روزه دارد یا خیر؟ و بعد از اینکه بچه بدنیا آمد آیا باید آن را غسل دهیم یا خیر؟

ج

– وقتی که زن زایمان کرد از همان لحظه نفاس او شروع می‌شود پس اگر قبل از روز دهم یا روز دهم زایمان، خون قطع شد یعنی مثلًا سه روز یا بیشتر و یا حدّ اکثر ده روز خون دید همه‌اش نفاس است و باید غسل نفاس کند و اگر خون ادامه داشت تا از ده روز گذشت، به تعداد روزهای عادت ماهانه‌اش نفاس است و زائد بر آن استحاضه مثلًا اگر عادت ماهانه‌اش هفت روز بوده و خون از ده روز گذشته باید بمحض گذشتن روز دهم غسل نفاس و غسل استحاضه کند و ضمناً بچه که بدنیا می‌آید غسل ندارد ولی شستن او در صورتی که ضرر نداشته باشد مستحب است.

س ۱۳۵

اشاره

– آیا زنی که قرص ضد بارداری می‌خورد که در ماه مبارک رمضان حائض نشود اگر دو یا سه روز خون در باطن باشد و بیرون نیاید آیا روزه بگیرد یا خیر؟

ج

– در حکم به حیض شدن شرط است که خون از داخل بیرون بیاید هر چند کم باشد در این صورت اگر بعد از آن تا سه روز در باطن باقی باشد که اگر پنبه‌ای مثلًا داخل کند خونی میشود حکم حیض را دارد، و در کمتر از سه روز حکم حیض

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۴

نیست اما اگر خون در داخل از محلّ خود حرکت کند ولی بیرون نیاید و تا سه روز بهمین حال باقی باشد احتیاط لازم اینست که نماز و روزه‌اش مثل زن پاک انجام دهد و کارهائی را که بر حائض حرام است ترک نماید.

تیمم

س ۱۳۶

**اشاره**

– اگر کسـی یک دست دارد و میخواهـد تیمم کنـد با یک دست چگونه به پیشانی بکشـد عرضـی یا طولی چون با یک دست تمام پیشانی را نمیتوان دست کشید و برای به پشت دست کشیدن چه کند؟

**ج**

– کسـی که فقط یک دست دارد با همان یک دست پیشانی را مسـح کند و بهر نحو دست را به پیشانی بکشد مانعی ندارد و نسـبت به دست هم پشت دست را به زمین بکشد بجای مسح کافی است.

**س ۱۳۷**

**اشاره**

– آیا دخول در مسجد برای کسی که تیمم بدل از غسل جنابت نموده جایز است؟

**ج**

– اگر تیمم بجهت عذری غیر از تنگی وقت باشد ورود متیمم مذکور با بقاء عذر به مسجد مانعی ندارد.
و اللّه العالم.

**س ۱۳۸**

**اشاره**

– کسـی که در تنگی وقت قبل از اذان صـبح در شبهای ماه مبارک تیمّم کند آیا شرعاً می‌تواند با آن یک تیمّم که کرده است نماز بخواند و یا باید یک تیمّم دیگری را هم بنماید؟

**ج**

– اگر عذر، تنگی وقت باشد باین معنی که چنانچه بخواهد غسل کند صبح میشود باید بعد از اینکه صبح شد برای نماز غسل کند و چنانچه آب نبود یک تیمم دیگر بکند و اگر عذرش در تیمم قبل از صبح، عدم وجود آب باشد و این نبود آب تا طلوع آفتاب ادامه داشته همان تیمم قبل از صبح کافی است و تیمم دیگر لازم ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۵

## نجاسات

### س ۱۳۹

#### اشاره

- متنجّس چندم و بعد از آن دیگر نجس نمی‌کند؟

#### ج

- بنظر حقیر متنجّس منجّس است و فرقی بین تعدّد واسطه و عدم تعدّد آن نیست.

### س ۱۴۰

#### اشاره

- شخصی بوسیله ضربه‌ای که بدستش خورده خون مرده و بیرون نیامده بعد از یک هفته دستش را داخل سرکه‌ای کرده دیده سوراخ شده آیا سرکه نجس است یا نه؟

#### ج

- اگر خون ظاهر باشد، سرکه نجس شده و اگر گوشت کوبیده شده پاک است.

### س ۱۴۱

#### اشاره

- رطوبتی که بعضی اوقات در مخرج غائط مشاهده میشود نجس می‌باشد یا خیر؟

#### ج

- اگر رنگ و بوی نجاست نداشته باشد و اجزاء نجاست نیز با آن نباشد پاک است.

### س ۱۴۲

**اشاره**

– این جانب در اثر ناراحتی غـده پروستات حالت سلس البول پیدا کرده‌ام و هر بار پس از ادرار نمودن و چند بار استبراء باز چند قطره ادرار خارج می‌شود و سپس قطع می گردد بنده پنبه یا مشما روی آلت قرار می‌دهم و قبل از فریضه نماز تطهیر می‌کنم اما متأسفانه دستگاه ادراری بنده نسبت به آب نیز حساسیت زیاد دارد و دوباره قطرات ادرار خارج می گردد این حالت در زمان غسل نیز وجود دارد یعنی هنگامی که بنده غسل می‌کنم کاملًا بی‌اختیار قطراتی خارج می گردد برای مسأله طهارت نماز خواندن راه حل چیست؟ برای غسل کردن چطور؟

**ج**

– از جهت مسأله طهارت، بهمان نحوی که در سؤال نوشته‌اید عمل نمائید و خروج بول ضرری به صحت غسل نمیزند.

**س ۱۴۳**

**اشاره**

– آیا مدفوع حیوانات حلال گوشت (مثل گاو و گوسفند) نجس است یا نه؟

**ج**

– پاک است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۶

**س ۱۴۴**

**اشاره**

– اخیراً عـدّه‌ای از علاقه‌منـدان به کشور موجبات صدور پشم خرگوش (آنقوره) که بازار پررونقی در خارج دارد اقدام به پرورش خرگوش و توسعه آن نموده وعده دیگری نیز در این راه اقدام خواهند نمود منتها شایع است که فضله خرگوش نجس است و پشم آنقوره اگر در لباس باشد نماز ندارد و آن هم نجس است استدعا دارد نظر مبارک در این مورد ذیلًا اعلام گردد موجب تشکر خواهدشد.

**ج**

- خرگوش حرام گوشت است و فضله آن نجس است و پشم آن اگر به لباس و یا بدن مصلّی باشد نماز باطل است ولی پشم آن نجس نیست و خریدوفروش پشم یا پوست آن اگر ذبح شرعی بشود مانند پوست روباه جهت منافع محلّله اشکال ندارد. و اللّه العالم.

### س ۱۴۵

### اشاره

- آیا سگ تر و مرطوب که با لباس ما برخورد کند و همچنین با پوزه تر و نفس مرطوب، لباس ما نجس می‌شود؟

### ج

- اجزاء بدن سگ و لو موی آن باشد نجس است ولی نفس آن نجس نیست.

### س ۱۴۶

### اشاره

- گربه‌های اهلی که در خانه‌ها هستند و غفلتاً دهان به لبنیات (شیر و ماست) بزنند آیا آن را نجس می‌کند یا نه؟

### ج

- آب دهن گربه پاک است. و اللّه العالم.

### س ۱۴۷

### اشاره

- آیا اسفالت خیابان باعث پاک شدن کف کفش و طایر ماشین می‌شود با توجه به اینکه آسفالتها نوعاً خاکی هستند و ترکیبی از سنگ و ریگ با قیر می‌باشد.

### ج

- اسفالت مطهر نیست و مجرد خاکی بودن و یا مخلوط بودن آن با ریگ کافی نیست. و اللّه العالم.

### س ۱۴۸

### اشاره

- اگر کسی از مرجعی تقلید میکرد که چیزی را نجس نمی‌دانسته و مدتی این شخص استفاده می‌کرد و اجتناب نمی‌کرد بعد از وفات او از مجتهد دیگری تقلید می‌کند که آن چیز را نجس می‌داند آیا الآن باید اشیاء قبلی را تطهیر بکند یا خیر؟

### ج

- در صورت تقلید از کسی که چیزی را نجس می‌داند باید چیزهائی که با آن
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۷
نجس با رطوبت ملاقات کرده تطهیر نماید.

### س ۱۴۹

### اشاره

- کیف و کمربند و کفش‌های چرمی که از بلاد کفر وارد می‌شود از جهت طهارت و خریدوفروش و همراه بودن در نماز چه صورت دارد؟

### ج

- احتیاط واجب اجتناب از چرم مذکور است. و اللّه العالم.

## الکل صنعتی

### س ۱۵۰

### اشاره

- الکل سفید- و الکل صنعتی از نظر مصرف زخمهای روی جلد پوست بدن و تزریقات چه صورت دارد هنگام نماز شستشو شود یا با همان حال می‌شود نماز خواند؟

### ج

- اگر علم به اینکه از مسکر مایع ساخته شده نداشته باشید اشکال ندارد و هرچند شستن آن برای نماز مطابق با احتیاط است.

### س ۱۵۱

#### اشاره

- الکلهای سفید طبی رایج در بازار جهت تزریقات آیا قابل شرب است یا خیر؟

#### ج

- اگر مسکر باشد و یا برای بدن ضرر داشته باشد حرام است.

### س ۱۵۲

#### اشاره

- الکل و ادکلن و غیره که نجاستشان ثابت نیست چه حکمی دارد همچنین استفاده از آنها؟

#### ج

- اگر مشکوک باشد که از مسکر مایع بالاصاله گرفته شده یا نه محکوم به طهارت است.

### س ۱۵۳

#### اشاره

- غذاها یا مایعاتی که بطور طبیعی مقداری از آن را الکل تشکیل می‌دهد مانند سرکه که در حدود یک الی سه چهار درصد الکل دارند مصرف این نوع غذاها و مایعات چه حکمی دارد؟

#### ج

- چیزی که مایع مسکر نباشد و یا مایع مسکر مخلوط آن نشده و با نجس و یا متنجّس دیگر هم ملاقات نکرده باشد محکوم بطهارت است و مجرّد وجود درصدی از الکل طبق تجزیه و آزمایش در بعضی از غذاها مانند سرکه موجب نجاست آن نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۸

## غسل مس میّت

### س ۱۵۴

**اشاره**

- شخص نابالغی که مس میت کرده برای صحت نمازش قبل از بلوغ باید غسل مس میت نماید یا لازم نیست؟

**ج**

- در فرض سؤال صحت نماز او موقوف به غسل مس میت است. و الله العالم.

### س ۱۵۵

**اشاره**

- شهیدی که در عملیات مرصاد بشهادت رسیده است آیا کسی دست ببدن آن شهید بزند بر این شخص غسل واجب است یا خیر؟ و ضمناً این شخص تا بحال غسل نکرده است آیا نماز و روزه‌اش صحیح است یا خیر؟

**ج**

- شهید در معرکه غسل ندارد و دست زدن به او هم موجب غسل مس میت نمی‌شود و اگر در خارج از معرکه بشهادت رسیده باشد هرچند از اثر جراحاتی باشد که در معرکه باو رسیده غسل دارد و با دست زدن به او غسل مس میّت واجب می‌شود و در صورت واجب شدن غسل مس میّت روزه‌ها تمام صحیح است و نمازها هم از آن موقعی که غسل جنابت کرده هرچند غسل مس میت در نظرش نبوده صحیح است ولی باید نمازهائی را که تا قبل از انجام غسل جنابت بجا آورده قضا کند.

### س ۱۵۶

**اشاره**

- آیا مس میت وضو را باطل می‌کند؟

**ج**

– بنابر احتیاط مس میت مبطل وضو است. و اللّه العالم.

### س ۱۵۷

### اشاره

– مسّ میّت کافر غسل لازم دارد؟

### ج

– بلی با مسّ بدن کافر، غسل مسّ میّت لازم می‌شود. و اللّه العالم.

### س ۱۵۸

### اشاره

– اگر میّتی را به جهت عذری مثل شکستگی یا سوختگی و مانند آنها نتوانند غسل دهند و بدل از غسل تیمم داده باشند آیا بر مسّ‌کننده واجب است غسل مسّ میت کند یا نه؟

### ج

– در مورد سؤال، غسل مسّ میّت واجب نیست ولی تیمم دهنده باید غسل مس میّت بنماید.

### س ۱۵۹

### اشاره

– تیم پزشکی در صورت سکته قلبی تنفسی بیماران، موظف بانجام
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۴۹
عملیات احیاء بیماران بمدت نیم ساعت حد اقل، می‌باشد، آیا در صورتی که عمل پزشکان نتیجه‌بخش نباشد غُسل مس میت بر افرادی که در این حال با بیمار در تماس می‌باشند واجب است یا خیر؟

### ج

– غسل مس میت در صورتی واجب می‌شود که تمام بدن میت سرد شده باشد پس اگر هنوز تمام بدن سرد نشده چنانچه عضوی از انسان به موضع سرد شده هم برسد غسل ندارد.

### س ۱۶۰

### اشاره

– آیـا بـا مسـح (لمس) خون جامـد شـده انسـان که در جنـازه موجود است، غسـل مسّ میّت واجب می‌شود یا نه؟ برای اینکه جنازه خشـک نشود به داخـل آن مـاده‌ای بنام (فرمالین) تزریق می‌کننـد آیا با لمس این ماده که هنگام تشـریح از بـدن آن خارج می‌شود، غسل واجب می‌شود یا نه؟

### ج

– در مورد هر دو سؤال اگر بدن میّت مس نشده لمس خون جامد یا ماده مذکور، غسل واجب نیست.

### س ۱۶۱

### اشاره

– آیا غسل جمعه مجزی از غسل مسّ میّت هست یا نه؟

### ج

– غسل جمعه مجزی از غسل مسّ میت نیست فقط غسل جنابت مجزی است هرچند غفلت از غسل مس میّت داشته باشد.

## غسل میّت

### س ۱۶۲

### اشاره

– در شـهرهای بزرگ مثـل تهران که تراکم جمعیت در آنهـا بیشتر است همه روزه عـده کثیری فوت می‌شونـد و بـا محـدودیتی که غسالخانه‌ها دارنـد حتی گاهی سبب می‌شود جنازه‌ها چنـد روز در نوبت برای غسل نگهـداری شوند اگر دسـتگاهی ساخته شود که خود دستگاه همه کارهای غسل را انجام بدهد و یا اینکه با زدن کلید برق برای هر قسمت از بدن میت دستگاه کارها را انجام بدهد آیا این نحوه غسل از نظر شرع مقدس اسلام کفایت از غسل میت می‌کند یا نه؟

**ج**

- در فرض سؤال باید هر یک از غسلهای سه‌گانه میت به مباشرت غسل دهنده انجام شود و استفاده از وسایل برقی برای باز کردن شیر آب و یا جابجائی

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۵۰

جسد اشکال ندارد اما اگر دستگاه خود کار باشد که مباشرت غسل دهنده در آن نباشد هر چند در یک غسل یا یک عضو هم باشد غسل صحیح نیست.

**س ۱۶۳**

**اشاره**

- اگر برای زن مثل پیدا نشود که او را غسل دهد و مردانی که به او محرمند نباشند مردان اجنبی می‌توانند او را غسل دهند؟

**ج**

- در فرض سؤال غسل ساقط است اگر چه احتیاط این است که با امکان غسل بدون نظر، غیر مماثل او را غسل دهد.

**س ۱۶۴**

**اشاره**

- در حال غسل میت اگر چنانچه ظرفی که با آن آب سدر و کافور روی میّت میریزند با بدن میت برخورد کند آیا باید آن ظرف را آب کشید و مجدداً داخل ظرف کافور و سدر زد یا نه؟

**ج**

- باید ظرف مذکور آب کشیده شود سپس با آن ظرف از ظرف کافور و سدر آب کافور و سدر برداشته شود.

**س ۱۶۵**

**اشاره**

- کسی که میت را غسل می‌دهد اگر به عورت میت نگاه نکند ولی دست او هنگام غسل به عورتین میت بخورد و آنها را بشوید بدون دستکش و بدون پارچه آیا اشکال دارد یا خیر؟

**ج**

- اشکال دارد.

**س ۱۶۶**

**اشاره**

- اگر میّت دندان مصنوعی داشته باشد و بیرون آوردن آن اسباب مجروح شدن میت شود ماندن دندان در دهان میت چه حکمی دارد؟

**ج**

- در فرض سؤال بیرون آوردن دندان لازم نیست بلکه در صورتی که مستلزم مجروح شدن اطراف دهن میت شود جایز نیست. و اللّه العالم.

### نماز میّت

**س ۱۶۷**

**اشاره**

- نماز میّت باید متصل به تدفین باشد یا منفصل هم مانعی ندارد؟

**ج**

- نماز میت باید قبل از دفن میّت باشد و لازم نیست متصل به دفن باشد. و اللّه العالم.

**س ۱۶۸**

**اشاره**

– در نماز بر میّت اگر ادعیه مأثورهٔ مقدم و مؤخر خوانده شود مثلًا بعد

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۵۱

از تکبیر اوّل دعای سوم، و بعد از تکبیر سوم دعای اوّل خوانده شود، در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟

در بین نماز متوجّه شوند.) بعد از نماز بر میّت متوجه شوند.

بعد از دفن میّت متوجه شوند؟

**ج**

– در هر سه مورد عدم وجوب اعاده نماز بعید نیست ولی احتیاط باعاده نماز ترک نشود، البته در صورتی که میّت دفن شده بقبر او نماز خوانده شود.

**س ۱۶۹**

**اشاره**

– شخصی گاهی نماز میّت می‌خواند اعراب را دقّت نمی‌کند ولی خودش متوجه نیست آیا نماز باطل است یا نه و نمازهایی که تا حال خوانده ولی شک دارد که اعراب را اشتباه خوانده یا نه برای این نمازها چه‌کار کند؟

**ج**

– در هر موردی که معلوم شود غلط خوانده باید نماز میت دوباره خوانده شود. و اللّه العالم.

**س ۱۷۰**

**اشاره**

– در روستائی که مرسوم است برای تجهیز میت مردم به مشارکت یکدیگر اقدام می‌کنند و جمعی معیّن و غیر معیّن مشغول غسل شده و یک نفر خاصّ نماز میت را می‌خواند آیا غسل‌دهندگان و یا آنکه نماز می‌خواند بازبایستی از ولی میت اذن بگیرد- یا اینکه چون این کیفیت رسم شده احتیاج به اذن نیست؟

**ج**

– بعید نیست اکتفاء به دلالت ظاهر حال اولیاء میت بر رضای آنها باقدام دیگران، بلی اگر ولیّ میّت عالم به حکم اعتبار اذن او در اقدام دیگران نباشد احوط استیذان از او است اگر چه علم برضای او داشته باشند.

### س ۱۷۱

### اشاره

- اگر ولیّ نمازخوان نبود و کس دیگری خواست نماز بخوانـد- یا ایام دهه محرم یا ماه مبارک بود و روحانی برای تبلیغ آمده بود- آیا آنها احتیاج به اذن گرفتن دارند؟

### ج

- اگر سیره محلّی بر اقامه نماز از طرف روحانی باشـد و میّت را برای نماز بر آن بگذارند که روحانی بر آن نماز بخواند مثل شاهد حال دلالت بر اذن ولی دارد.

### س ۱۷۲

### اشاره

- اگر یکی از اولیاء میت در محل نباشـند و یـک روز یا دو روز و گاهی بیشتر طول می‌کشـد تا مراجعت نماینـد وظیفه چیست آیا بایستی صبر کنند
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۲
یا اینکه میت را تجهیز کنند؟

### ج

- در فرض سؤال از بقیه اذن بگیرند.

### س ۱۷۳

### اشاره

- نماز خواندن بر میت در قبرستان جایز است یا خیر؟

### ج

- جایز است.

### دفن میّت

#### س ۱۷۴

**اشاره**

- دختری ۵ یا ۶ ماهه از مادر سقط شده و والدین واقف به مسائل شرع نبوده لذا، بدون غسل و کفن او را در پارچه‌ای پیچیده و دفن کرده‌اند و اکنون ۳ سال از این جریان می‌گذرد تکلیف آنان چیست؟

**ج**

- در مورد سؤال که سه سال است از دفن گذشته فعلًا تکلیفی ندارید. و اللّه العالم.

#### س ۱۷۵

**اشاره**

- اگر از میّت فقط دست و یا پا مانده باشد در دفن باید رعایت قبله شود یا هر جور می‌شود دفن کرد؟

**ج**

- در فرض سؤال وجوب مراعات قبله معلوم نیست گرچه خوب است بهمان نحوی که دست و پا در دفن بدن واقع می‌شود بهمان نحو قرار دهند.

#### س ۱۷۶

**اشاره**

- میّت را قرار است به مشاهد مشرفه نقل دهند ولی او را در زمین دفن نمی‌کنند بلکه او را در بنائی می‌گذارند و روی او بنا می‌کنند جایز است یا خیر؟

**ج**

– واجب است میت را در زمین دفن کنند و میّت را روی زمین گذاشتن و با بناء او را پوشاندن جایز نیست.

### س ۱۷۷

#### اشاره

– شخصی را در زمین دفن می‌کنند که بعد به مشهد مقدس منتقل کنند بعد از یک سال و نیم آن جسد را در آوردند بوی تعفن می‌داد کفن از بین رفته کفن را عوض کردند و به مشهد بردند آیا این کار جایز است یا خیر؟

#### ج

– در صورت مرقوم با احتمال عرفی بقاء تعفن، نبش قبر معرض هتک است و جایز واقع نشده است ولی دفن آن در مشهد مقدس بی‌اشکال واقع شده است.

### س ۱۷۸

#### اشاره

– مادر این جانب حدود ۱۰ روز قبل برحمت ایزدی پیوست درحالی‌که

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۵۳

بارها گفته بود مرا بهشت زهرا دفن نکنید نزد برادرم در علی بن جعفر ببرید لکن در آن شرایط غیر عادی او را در بهشت زهرا به صورت امانت سپردیم اما در آنجا او را دفن نمودند آیا می‌توانیم او را به قم انتقال دهیم؟

#### ج

– بطور کلی اگر وصیت کرده باشد که در مکان خاصی مثل قم او را دفن نمایند اگر خلاف وصیت عمل شده باشد و در محل دیگر دفن کرده باشد در صورتی که نبش موجب هتک میت نشود باید نبش نمایند و طبق وصیت عمل کنند.

## مراسم ترحیم و یادبود

### س ۱۷۹

#### اشاره

– زنهائی که گیسوان خودشان را در مصیبت قیچی کنند یا ببرند کفّاره بر آنها واجب می‌شود اگر برای اصلاح کردن یا زینت دادن

این عمل را انجام دهند کفّاره تعلق می گیرد یا نه؟

**ج**

- قیچی و اصلاح مو جهت زینت کفّاره ندارد.

**س ۱۸۰**

**اشاره**

- پولهایی که برای برگزاری مراسم ترحیم خرج شده است از کجا تأمین شود آیا از اصل ترکه یا از ثلث (اطعام کرایه اتوبوس چاپ اعلامیه ترحیم- خرج مسجد محل برگزاری مراسم- مزد و انعام افراد خدمت‌کننده در مراسم ترحیم از قبیل: قاری قرآن موزّع قرآن- چای‌ریز- آشپز- نوحه‌خوان- سخنران و ...).

**ج**

- اگر متوفّی وصیت کرده که مراسم ترحیم برگزار کنند باید از ثلث تأمین شود ولی اگر در این خصوص چیزی نگفته و برای ثلث مصارف دیگری تعیین نموده کبار ورثه می‌توانند از اموال خودشان مصرف کنند و چنانچه میّت صغیر داشته باشد نمی‌توانند از مال صغیر خرج کنند.

**س ۱۸۱**

**اشاره**

- حجله‌هائی که برای اموات می گذارند و گلهای طبیعی که روی جنازه و قبر می‌ریزند آیا مصداق تبذیر مال هست یا وجه شرعی دارد؟

**ج**

- آنچه مسلّم است این ستکه اگر وجوهی که در این راه‌ها مصرف می‌شود صرف خیرات و دادن صدقه برای میّت شود از جهات متعدد مستحسن و مستحب و موجب انتفاع میّت است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۴

**س ۱۸۲**

### اشاره

– آیـا درست است یک نفر که یکی از بستگانش فوت می‌نمایـد زیر دیون دیگران واقع شود و مبلغی را از شخصـی قرض نمایـد و ناچار شود زیاده از آن مبلغ را به عنوان ربا به قرض دهنده بپردازد تا در نظر مردم محترم شود؟ مستدعی است راهنمائی فرمائید.

### ج

– قرض ربـوی حرام و از گناهـان کـبیره است آنچه که برای میت نفع دارد خیرات و مـبرات است و در درجه اول اداء دیون او مثل خمس و زکـات و بـدهکاریهای او به اشـخاص و کفـارات و مظـالم و حـج نیـابتی برای او اگر در ذمه داشـته باشـد که این امـور در صورتی که میت مـدیون آنها باشـد همه از اصل ترکه او برداشـته می‌شود و همچنین قضاء نماز و روزه او و بعد هم خیرات مستحبه مثل صـدقه و احسان بفقراء و امور خیریه دیگر و اگر وصـیت کرده بایـد به وصـیت او تا مقـدار ثلث ترکه او عمل شود و در زائد بر ثلث هم اگر کبـار ورثه عمل نماینـد احسان به او است و راجع به مراسم معموله جهت عزای اموات و عروسـیها و مجالس ضـیافت و میهمانیها مقتضـی است از مخارج سـنگین که صاحبان عزاء یا عروسـی از تحمل آن بزحمت و حرج می‌افتنـد و غالباً رجحان شـرعی نـدارد خودداری نماینـد و سیره و روش حضـرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین علیهم السـلام و راهنمائیهای اخلاقی اسـلامی را سرمشق قرار دهنـد و به اقتصاد عمل نمایند و حتی کسانی که اهل تمکن و توانائی مالی هسـتند نیز مناسب است در این قبیل مراسـم میانه روی را مراعات نماینـد تا کسانی که متمکن نیسـتند بملاحظه عرف معمول گرفتار قرض و زحمت نشونـد و مخصوصاً اگر این مراسم برای رقابت و همچشـمی‌های دنیائی باشـد هرگز موجب اجر برای زنـده و مرده نخواهـد شـد و حال همان شـخص را خواهد داشت که بر حسب بعضـی اخبار در زمان حضرت امیر المؤمنین سلام اللّه علیه برای رقابت و اظهار ریاست نه برای خدا و اطعام فقرا سیصد شتر قربانی کرد و حضـرت خوردن گوشت آنها را بر مردم تحریم نمود و احدی از آنها نخورد خداوند متعال همه را موفق به پیروی از دستورات اخلاقی اهل بیت سلام اللّه علیهم بنماید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۵

احکام بلوغ

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۷

## احکام بلوغ

### س ۱۸۳

### اشاره

– با توجه به اینکه بعضی سن بلوغ دختر را ۱۳ سالگی اعلام کرده‌اند لطفاً نظر خود را در این مورد بیان فرمائید؟

### ج

– بنظر این جانب بلوغ دختر با گذشت نه سال قمری از حین تولد او حاصل می‌شود.

### س ۱۸۴

#### اشاره

- در چه سنی پسران به بلوغ می‌رسند؟

#### ج

- شرائط بلوغ برای پسران یکی از سه چیز است ۱- پایان ۱۵ سال قمری ۲- محتلم شدن و خروج منی از شخص ۳- روئیده شدن موهای درشت در قسمت زیر ناف.

### س ۱۸۵

#### اشاره

- حد بلوغ و حد رشد چیست؟

#### ج

- از لحاظ سن حد بلوغ مذکر پایان ۱۵ سال و مؤنث ۹ سال است و حدّ رشد در اشخاص نسبت به امور مختلف است و اجمالًا رشد نسبت به امری یعنی بطور متعارف صلاح و فساد آن امر را درك كند. و اللّه العالم

### س ۱۸۶

#### اشاره

- چرا سن معین‌شده (سن تکلیف) دختران و پسران فرق می کند.

#### ج

- بر حسب روایات فرق بین زمان بلوغ دختران و پسران است البته در
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۸
حکمت این فرق نکات متعددی گفته شده است که بیشتر مربوط بوضع جسمانی زن و مرد است اما در احکام خدا، ما حق چون و چرا نداریم و فرق بین آنها را از احکام خدا که خالق هر دو و عالم به همه جهات و مصالح هر دو است می‌فهمیم و تسلیم هر دو هستیم همانطور که در حدیث است مردم مانند بیمارند و خداوند متعال مثل طبیب تکلیف بیمار برای رسیدن به صحت و سلامتی عمل به دستور طبیب است هر چند طبیب دستورهایش نسبت به مبتلایان به یک نوع بیماری یکنواخت و یکسان نباشد.

### س ۱۸۷

### اشاره

– آیا هیچ رابطه‌ای بین بلوغ و رشد هست یا خیر؟

### ج

– غالباً در پسرها رشد و بلوغ با هم حاصل می‌شود و در دخترها با رسیدن بسن بلوغ رشد حاصل نمی‌شود به هرحال چنین نیست که هر بالغی رشید باشد یا هر رشیدی بالغ باشد بلی رشید نابالغ مکلف بتکالیف شرعی نمی‌باشد. و اللّه العالم

## س ۱۸۸

### اشاره

– آیا کسی که بالغ شد رشید هم هست و آیا کسی حکم رشد او از دادگاه صادر شده است لزوماً بالغ هم هست یا خیر؟

### ج

– مسأله رشد و عدم رشد در صورتی در دادگاه قابل طرح و مورد حکم قاضی واقع میشود که بلوغ شخص بسن یا بامارات شرعی دیگر ثابت باشد. و اللّه العالم

## س ۱۸۹

### اشاره

– من در یکی از ماههای رمضان سالهای گذشته چند روز از روزه‌های خود را خورده‌ام و مطمئن نیستم که در آن زمان به سن تکلیف رسیده بوده‌ام یا نه البته اگر بخواهم از سال قمری حساب کنم و چون تاریخ تولد ثبت شده در شناسنامه من با تاریخ حقیقی مطابقت ندارد و من نمی‌توانم حساب کنم که به سن تکلیف رسیده بودم یا نه تکلیف من چیست؟

### ج

– با اینکه تاریخ قمری ولادت خود را نمی‌دانید و تاریخ شمسی آن را هم نمیدانید تکلیفی بر شما نیست بلی اگر تاریخ شمسی را میدانید طبق تفاوت شمسی با قمری تاریخ قمری را معین نمائید و با اینکه می‌دانید شناسنامه تاریخ حقیقی نیست شناسنامه میزان نیست. و اللّه العالم.

## س ۱۹۰

### اشاره

– اگر متوجه شود که مدتی از بلوغ او گذشته و نماز و روزه‌اش را در

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۹

این مدت بطور کامل انجام نداده آیا باید قضا کند و در روزه کفاره لازم است یا خیر؟

ج

- باید آنچه از نماز و روزه صحیح انجام نداده قضاء کند. اما نسبت به کفاره اگر تقصیری در بین نباشد کفاره ندارد. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۱

## احکام نماز

### اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۳

نماز

### اذان

#### س ۱۹۱

##### اشاره

- مؤذن نماز جمعه در موقع اذان ظهر وقتی که اذان بلند چه از طریق بلندگو یا بدون بلندگو می گوید و روبروی نمازگزاران قرار گرفته است اگر نمازگزاران در مسجد نشسته‌اند و آماده برای خطبه‌های نماز جمعه هستند هر قسمتی از اذان را که می‌شنوند بلافاصله دسته جمعی با صدای معمولی بگویند و این کار تا آخر اذان ادامه داشته باشد آیا این عمل مستحب است و ثوابی دارد یا نه؟

ج

- بلند حکایت کردن فصول اذان اشکال ندارد و خصوصاً در فصول آن که مشتمل بر ذکر اللّه است رجحان دارد ولی بقصد ورود و خصوصیت چون دلیلی بر آن در نظر نیست جایز نیست چنانکه بلند گفتن آن به هیئت اجتماعی نیز به نیت ورود جایز نیست و بدون نیّت ورود نیز چون به صورت برنامه دینی ارائه می‌شود اولی ترک است بطور کلی سزاوار است مؤمنین در همه برنامه‌های دینی به آنچه از

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۴

دین رسیده است اکتفا نمایند و سلیقه‌ها و استحسانات شخصی را ترک کنند مبادا چیزهائی که در دین نیست به تدریج وارد دین شود و از دین شمرده شود.

### وقت نماز

**س ۱۹۲**

**اشاره**

- با توجه به این که اذان صبح را با افزودن دقایقی (۷ تا ۱۰ دقیقه) به ساعت شرعی می‌گویند آیا اشکال شرعی ندارد؟

**ج**

- به طور کلی اذان مؤذن مورد وثوق و عارف به وقت برای هر محل معتبر و مورد اعتماد است و تا مؤذن شروع به اذان نکرده باشد و از طرق شرعی دیگر نیز احراز دخول وقت نشده باشد در روزه امساك از اكل و شرب واجب نیست و با شروع به اذان امساك واجب است چنانكه شروع به نماز نیز جایز است مع ذالك احتیاط آن است كه در روزه مقدار كمی زودتر از اذان خودداری از اكل و شرب كند و حكم اذان رادیو هر شهر و محل نیز در اعتبار دائر مدار این است كه مؤذن را مشخص به صفت وثوق و معرفت كامل وقت بشناسند و الا اگر بطور شرعی دخول وقت را احراز ننمایند خواندن نماز مجزی نیست.

**س ۱۹۳**

**اشاره**

- آیا حکم لیالی مقمره با لیالی دیگر فرق دارد؟

**ج**

- فرق ندارد. و اللّه العالم.

**س ۱۹۴**

**اشاره**

- نسبت به تعیین نصف شب شرعی راه دقیق و مشخص کدام است؟

**ج**

- جهت وقت نماز عشاء بنابر احتیاط شب را از مغرب تا اذان صبح حساب کنید. و اللّه العالم.

### س ۱۹۵

#### اشاره

- آیا بعد از طلوع آفتاب تا قبل از اذان ظهر می‌شود نماز قضا خواند یا خیر؟

#### ج

- مانعی ندارد.

## قبله

### س ۱۹۶

#### اشاره

- اکنون که علم پیشرفت کرده است و بشر با سفینه به فضا می‌رود در

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۶۵

آنجا برای نماز به چه سمتی باید ایستاد، و آیا مکانی در روی زمین وجود دارد که قبله نداشته باشد؟

#### ج

- در روی زمین مکانی که قبله نداشته باشد نیست و چون محاذی کعبه معظّمه هر چه به طرف بالا برود قبله محسوب می‌شود بنابراین باید در فضا، نمازگزار بطرف محاذی کعبه نماز بخواند.

### س ۱۹۷

#### اشاره

- انحراف تعمّدی از جهت دقیق قبله در نماز تا چند درجه مجاز است؟

(توضیح اینکه این شرکت در حال طراحی مسجدی برای سپاه پاسداران است، آیا می‌تواند این مسجد را با ۴ درجه انحراف از قبله قرار دهد، اما به نمازگزاران اعلام شود که مسجد رو به قبله است)؟

#### ج

- انحراف عمدی از قبله اگر کم باشد مثل چهار درجه که عرفاً شخص رو به قبله شمرده شود اشکال ندارد و صدق حالت استقبال در نظر عرف کافی است، بناء مسجد نیز با این انحراف کم عرفاً رو به قبله است ولی چون مفهوم اعلام رو به قبله بودن مسجد صورت تدقیقی و حقیقی استقبال است و علاوه معرض این است که بعض نمازگزاران به گمان دقّت و مراعات استقبال حقیقی در تعیین قبله مسجد با انحراف جزئی از قبله مسجد که علی الفرض تدقیقی و حقیقی نیست از حدّ استقبال عرفی معتبر خارج شوند این اعلام که خلاف واقع است و مفهوم کذب دارد جایز نیست.

## لباس نمازگزار

### س ۱۹۸

### اشاره

- لباس‌هایم نجس می‌باشد و عوض کردن آن برای من امکان‌پذیر نیست چگونه نماز بخوانم؟

### ج

- چنانچه بتوانید با یک لنگ و یا چیزی شبیه به آن که بشود عورتین را مستور کند نماز بخوانید باید این کار را بکنید و اگر ممکن نشود با یک لباس نجس که عورتین را بپوشاند نماز بخوانید و لباس نجس دیگری در حال نماز بر تن شما نباشد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۶

### س ۱۹۹

### اشاره

- موی خرگوش همراه با لباس نمازگزار چه حکمی دارد؟ و اگر اشکال داشته باشد تکلیف نمازهای خوانده شده به این کیفیت چیست؟

### ج

- خرگوش حرام گوشت است اگر نمازگزار عمداً با موی خرگوش نماز بخواند نمازش باطل است و لو اینکه جاهل به حکم باشد و نمازهایی را که عمداً با کیفیت مذکور خوانده باید قضا کند. و اللّه العالم.

## مکان نمازگزار

### س ۲۰۰

**اشاره**

- در خانه‌ای که نسق زراعی بوده- زمین مربوط به اصلاحات ارضی رژیم سابق است که از زارع خریداری شده- میتوان ساکن شد و خواندن نماز در خانه مذکور صحیح است یا خیر؟

**ج**

- اگر عرفاً محتمل باشد که ید شخصی که فعلًا زمین در ید او است ید مشروع و غیر غاصبانه باشد تصرف غیر ذی الید با اذن ذی الید در آن جایز است و اما شخص ذی الید که عالم بوضع زمین است باید طبق علم خود عمل کند.

**س ۲۰۱**

**اشاره**

- برای اجاره خانه مؤجر مبلغی وجه نقد بعنوان قرض الحسنه و مبلغی هم ماهیانه مال الاجاره از مستأجر دریافت میکند سکونت در آن خانه مجاز، و خواندن نماز درست است یا خیر؟

**ج**

- اگر نحوه اجاره اینطور بوده که مؤجر خانه را به مستأجر به مال الاجاره معین و مدّت معلوم اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر مبلغ معیّنی هم به او قرض الحسنه بدهد صحیح است و در این صورت نماز خواندن در آنجا هم جایز است.

**س ۲۰۲**

**اشاره**

- نماز خواندن در محلّی که تار و موسیقی استعمال می‌کنند چه حکمی دارد؟

**ج**

- اگر مجلس معصیت صدق کند مثلًا داخل یک اطاق باشد اشکال دارد ولی اگر در جائی نماز بخواند که صدای موسیقی شنیده میشود و نمازگزار خارج از مجلس موسیقی باشد و قصد گوش دادن نداشته باشد هرچند قهراً بشنود اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۷

س ۲۰۳

اشاره

– زمینی را که سالهای قبل تحت تصرف افراد بهائی بوده و بوسیله سازمان زمین‌شهری مصادره شده است به مسجد تبدیل نموده‌اند آیا نماز خواندن در آن صحیح است یا نه؟

ج

– در مورد سؤال چنانکه آن بهائی زمین مذکور را بعد از بهائی شدن مالک بوده و سپس توسط حکومت اسلامی مصادره شده تصرف و نماز خواندن در آن زمین اشکال ندارد.

س ۲۰۴

اشاره

– اگر بدانیم که مکانی از پول مجهول المالک توسط شخصی احداث شده و مجبور به ماندن در آن مکان هستیم حکم نماز خواندن و تصرفاتی که در این پول می‌شود چیست؟

ج

– اگر منظور اینست که شخص مذکور، آن مکان را با پول مجهول المالك برای خودش احداث کرده و بعد تحت اختیار دیگران گذاشته در این صورت چنانچه زمین و مصالح را با معامله کلی و ذمّه‌ای تهیه نموده تصرف برای ساکنین در آن اشکال ندارد ولی اگر با معامله عین بعین تهیه کرده جواز تصرف منوط باجازه حاکم شرع جامع الشرائط است.

تکبیرهٔ الاحرام

س ۲۰۵

اشاره

– آیا جهر و اخفات تکبیرهٔ الاحرام تابع نمازهای جهریّه و اخفاتیّه است و یا اینکه در تمام نمازهای یومیّه نمازگزار مخیّر بین جهر و اخفات تکبیرهٔ الاحرام است و آیا در نماز جماعت چه حکمی دارد؟ آیا عدم رعایت جهر و اخفات تکبیرهٔ الاحرام سهواً چه صورت دارد؟

### ج

- در نماز جماعت برای امام جهر مستحب است چه در نمازهای جهریه و چه در اخفاتیه و مأموم بهتر است اخفات کند و در نمازهای فرادی حکم سایر اذکار را دارد که مصلّی مختار است. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۸

### س ۲۰۶

### اشاره

- اگر انسان در اثر سرگیجه در حال گفتن تکبیرهٔ الاحرام، بی‌اختیار حرکت کند، با توجه به این که گفتن تکبیرهٔ الاحرام در حالت آرامش و سکون مستلزم تکرار چندین باره آن می‌باشد آیا این تکرار لازم است؟

### ج

- در مورد سؤال چنانچه شخص مذکور متمکن است که تکبیرهٔ الاحرام را در حال استقرار بدن بگوید و برای او مشکل نباشد باید در حال استقرار بدن بگوید و لو به تکرار، بلی اگر حرکت کم باشد بطوری که استقرار صدق کند اشکال ندارد و نباید تکرار کند.

## قیام

### س ۲۰۷

### اشاره

- شخصی نماز را ایستاده بجا می‌آورد ولی در رکعت آخر در اثر کمردرد، پادرد یا به علت دیگر می‌نشیند نماز را نشسته تمام می‌کند آیا اعاده لازم دارد یا خیر؟

### ج

- در صورتی که عاجز از قیام بوده مجزی است و اعاده لازم نیست. و الله العالم.

### س ۲۰۸

### اشاره

- توضیح دهید که بعد از خواندن حمد و سوره یا بعد از قنوت آیا می‌توان بلافاصله به رکوع رفت یا بقدر یک ثانیه باید صبر کرد؟

ج

- بعد از تمام شدن سوره که تماماً در حال قیام خوانده شده باشد صبر کردن لازم نیست می‌تواند فوراً به رکوع برود و همچنین بعد از قنوت. و اللّه العالم.

## قرائت

### س ۲۰۹

### اشاره

- در نماز اگر در جمله «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم» بین «الشیطان و الرجیم» کلمه لعین را نیز اضافه کند اشکال دارد؟

ج

- اضافه کردن «اللّعین» اشکال ندارد. و اللّه العالم.

### س ۲۱۰

### اشاره

- شخصی وفات یافته و از جوانی ایشان نمازهای خود را با قرائت
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۹
سوره حمد با اختلاف با سایر قرائات می‌خوانده‌اند به این صورت که:
به جای «صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ»، «صراط مَن انعمت علیهم» و به جای «وَ لَا الضَّالِّینَ»، «و غیر الضالین» می‌خوانده‌اند ایشان در آن زمان توجه به مسائل شرعیه داشته و مقید بوده‌اند و این نوع قرائت را مقبول و مبری ذمه می‌دانستند،
۱- آیا چنین قرائتی وجود دارد؟
۲- در صورت وجود چنین قرائتی خواندن نماز با آن مجزی و مبرء الذمه است یا نه؟
۳- در صورت عدم کفایت این قرائت از نماز تکلیف ورثه این شخص چیست؟ با توجه به اینکه ایشان در این مورد وصیتی نداشته‌اند.

ج

- قرائت قرآن کریم بر حسب روایات و اتفاق فقهاء عظام رضوان اللّه علیهم طبق قراءات معروفه و مشهوره در عصر حضرات ائمه طاهرین علیهم السّلام کافی و مجزی است که معروفترین و مشهورترین آنها قرائت ده نفر است که قرائت هفت نفر آنها شهرت و تداول بیشتر داشته و میتوان اقتصار بر قرائت این هفت نفر را موافق با احتیاط و قدر متیقّن دانست، و قرائت (من انعمت) و (غیر الضّالین) از هیچ یک از این هفت نفر نقل نشده و از قرائات مشهوره نیست و منحصراً قرائت عمر بن الخطاب و عبد الله بن زبیر بوده و مع ذلک در بین اهل سنت نیز معمول بها نشده و با اینکه قرائت عمر است از قرائات متروکه است. و روایتی که در تفسیر علی بن ابراهیم است بقرینه روایات دیگر که همین قرائت مشهور را که مصاحف همه مطابق با آن است تأیید مینمایند قابل حمل بر تقیه است و به هرحال استقرار سیره شیعه اهل بیت علیهم السّلام خلفاً عن سلف بر همین قرائت مشهور دلیل بر عدم جواز این قراءات شاذه است و بنابراین نهایت امر این است که شخص مذکور معذور است و انشاء اللّه تعالی معاقب نباشد ولی اعمالش مجزی و امتثال و اطاعت امر نیست و ظاهراً ورثه و ولد اکبر او که باید قضای نمازهای فوت شده از والد را بجا آورد در مثل این صورت مکلف بقضاء نمازهای او نیست بلی اگر اصل نماز از او فوت شده باشد قضاء آن بعهده ولد اکبر است مع ذلک اگر تبرّعاً قضاء نمازهای او را بجا آورند یا استیجار نمایند خیر و احسان بمیت خواهد بود. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۷۰

### س ۲۱۱

### اشاره

- اگر کسی در رکعت سوم نماز مشغول حمد و سوره شد و در وسط سوره یا پایان آن ملتفت شود چه باید بکند.

### ج

- در فرض سؤال، تسبیحات اربعه را بخواند.

### س ۲۱۲

### اشاره

- شخص مکلف از روی جهل به حکم سه سال تمام نمازها را- چه رکعت اول و دوم و چه رکعات سوم و چهارم- با تسبیحات خوانده است نمازها را قضا نماید یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال بنابر احتیاط واجب نمازهائی که بصورت مذکور در سؤال خوانده قضاء نماید. و اللّه العالم.

### س ۲۱۳

#### اشاره

- آیا در تلاوت قرآن مع القواعد فتحه و کسره و ضمّه لهجه هم واجب است آیا بدون لهجه اشکال دارد؟

#### ج

- باید کلمات به عربی صحیح تلفظ شود و ضمه و فتحه و کسره آخر هر کلمه در صورتی که وقف بر آن نشده باشد ظاهر شود. و اللّه العالم.

### س ۲۱۴

#### اشاره

- در خواندن تسبیحات به خاطر ندانستن مسأله بجای گفتن «... و لا اله إلّا الله ...» می‌گفتم «... و لا اله إنَّ الله ...» تکلیف این جانب در مورد نمازهای گذشته‌ام چیست؟

#### ج

- در مورد سؤال نمازهائی که به نحو مذکور خوانده‌اید باید قضاء نمائید.

### س ۲۱۵

#### اشاره

- آیا در نماز ظهر و عصر علاوه بر حمد و سوره باید تسبیحات اربعه و اذکار دیگر را نیز باید آهسته بخواند؟

#### ج

- در فرض سؤال تسبیحات اربعه هم مانند حمد و سوره آهسته خوانده می‌شود و در بقیه اذکار انسان مختار است آهسته بخواند یا بلند.

### س ۲۱۶

### اشاره

– خواندن نماز از روی کتاب در نمازهای واجب و مستحب چه حکمی دارد؟

### ج

– اگر حافظ حمد و سوره باشد قرائت از روی قرآن کریم در نمازهای واجب خلاف احتیاط است.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۷۱

### س ۲۱۷

### اشاره

– آیا نمازهایی که سالها با مخارج غلط حروف خوانده شده، بعد از تصحیح باید اعاده شود یا خیر؟

### ج

– اگر بطوری بوده که به نظر عرف عرب غلط محسوب می‌شده باید اعاده و قضاء کند.

### س ۲۱۸

### اشاره

– آیا اگر کسی در نماز تجوید را رعایت نکند مثلًا در سوره توحید نون یکن را اظهار کند نماز او چه حکمی دارد آیا باطل است؟

### ج

– خلاف احتیاط است ولی موجب بطلان نماز نیست.

### س ۲۱۹

### اشاره

– تلفظ صحیح حرف ضاد چگونه است و در صورت مشکل بودن وظیفه چیست؟

ج

– در تلفظ ضاد باید پهلوی زبان به دندانهای پهلو بخورد ولی اگر طوری ادا کند که در نظر اهل لسان عربی صحیح باشد کافی است.

**س ۲۲۰**

**اشاره**

– نمازهای یومیّه را من نمی‌توانم عربی بخوانم و نمی‌شود یاد بگیرم آیا می‌شود با زبانهای اسپانیولی و آمریکائی و غیره خواند یا نه حتماً باید عربی باشد؟

ج

– فرض اینکه شخص نتواند قرائت و اذکار واجب نماز را فرابگیرد، بسیار نادر است و نوع مردم می‌توانند یاد بگیرند لذا بر هر کس واجب است حمد و سوره و اذکار نماز را بهمان الفاظ عربی یاد بگیرد بلی اگر کسی در تنگی وقت بخواهد نماز بخواند مثل شخصی که در تنگی وقت مسلمان شده باشد و فرصت برای فراگرفتن نباشد باید اگر ممکن است به تلقین دیگری همان الفاظ عربی را بخواند و اگر ممکن نیست و ترجمه آن الفاظ را بزبان دیگر می‌داند ترجمه آن را بخواند به هر حال یاد گرفتن الفاظ عربی نماز واجب است و ترک آن گناه و موجب استحقاق عقاب است.

**س ۲۲۱**

**اشاره**

– اگر کسی اطلاع نداشته که باید قرائت را صحیح بخواند و نمی‌دانسته قرائت او اشتباه است و کسی هم به او نگفته و تا حال قرائت را غلط خوانده است آیا نمازهای قبلی را باید قضا نماید یا نه؟

ج

– باید نمازهایی را که جهلًا با قرائت صحیح نخوانده قضا کند. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۲

**س ۲۲۲**

**اشاره**

- کسی که نماز جمعه نخواند و می‌خواهد نماز ظهر بخواند آیا قرائت را باید با جهر بخواند یا اخفات و آیا اصلًا جهر جایز است یا نه؟

**ج**

- مستحب است قرائت نماز ظهر روز جمعه را جهراً بخوانند. و اللّه العالم.

**س ۲۲۳**

**اشاره**

- در خواندن حمد و سوره نماز عرفاً صدا باید تا چه اندازه باشد تا اشکالی در نماز بوجود نیاید؟

**ج**

- در مواردی که باید جهراً خوانده شود موقعی که کلمات را ادا می‌کند صدای او باید جوهر داشته باشد. و اللّه العالم.

**قنوت**

**س ۲۲۴**

**الف)**

**اشاره**

در قنوت نمازهای واجب می‌شود به صورت فارسی دعا کرد؟

جامع الاحکام ؛ ج ۱ ؛ ص ۷۲

**ج- الف)**

وظیفه قنوتی انجام نمی‌شود ولی مبطل نماز نیست.

### س– ب)

#### اشاره

شخصی از اول تکلیف تا حدود هفت سال در قنوت نمازش «رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ الحسنة» می‌خوانده است و الف و لام در حسنهٔ آخر اضافه می‌کرده و خیال می‌کرده صحیح می‌خواند آیا نمازهایش باطل و قضا دارد یا نه؟

#### ج– ب)

در فرض سؤال، نمازهائی که خوانده صحیح است و قضا لازم نیست.

### س– ج)

#### اشاره

آیا در ذکر قنوت رعایت اعراب و تجوید لازم است یا نه؟ تا چه حدّ؟

#### ج– ج)

رعایت تجوید واجب نیست لکن باید بنحو صحیح خوانده شود.

### س ۲۲۵

#### اشاره

–

### الف)

#### اشاره

در صورتی که قنوت را فراموش کند آیا قابل تدارک است یا نه؟

#### ج– الف)

بلی بعد از رکوع می‌تواند تدارک نماید.

### س- ب)

### اشاره

در صورتی که عمداً قنوت را ترک کند می‌تواند بعداً به جای آورد؟

### ج- ب)

با فرض ترک عمدی، قنوت قابل تدارک نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۳

## سجده و رکوع

### س ۲۲۶

### اشاره

- در نماز یومیه در رکوع یا سجود یک مرتبه می گویم سبحان اللّه نماز درست است یا خیر؟

### ج

- یک مرتبه سبحان اللّه کافی نیست نمازهائی که به صورت مذکور خوانده‌اید قضا نمائید. ولی در تنگی وقت و حال ناچاری یک سبحان اللّه کافی است.

### س ۲۲۷

### اشاره

- اگر کسی در نماز به جای ذکر رکوع و سجده بر اثر بی‌سوادی و ندانستن و تعلیم غلط صلوات بفرستد نماز صحیح است؟ و در صورت صحیح نبودن آیا باید قضاء آن را بجاآورد؟

### ج

- در مورد سؤال باید نمازها را قضا کند. و اللّه العالم.

### س ۲۲۸

**اشاره**

- آیا صلوات جزء اذکار است؟

**ج**

- بلی جزء اذکار است ولی در محلی که ذکر خاصّی برای آن معین شده مثل رکوع و سجود و رکعت سوم و چهارم اکتفاء بصلوات جایز نیست و باید همان ذکر خاص خوانده شود.

**س ۲۲۹**

**اشاره**

- می‌توان در رکوع و سجود جای تسبیح صلوات بگوید؟

**ج**

- در رکوع و سجود نمیتوان به آن اکتفاء نمود.

**س ۲۳۰**

**اشاره**

- بعضی‌ها بعد از ذکر واجب سجده می‌گویند «وَ عَجِلْ فرجهم و احشرنا معهم و الْعَنْ اعدائهم) آیا گفتن این ذکر و جملات در نماز جایز است یا نه؟

**ج**

- اگر گفتن جملات مذکوره مورد داشته باشد مثلًا بعد از صلوات گفته شود و به قصد ورود نباشد اشکال ندارد. و اللّه العالم.

**س ۲۳۱**

**اشاره**

– اگر اشـتباهاً ذکر رکوع «سـبحان ربی العظیم و بحمـده» را در سـجده گفته یا بر عکس «سـبحان ربی الاعلی و بحمده» را در رکوع گفته آیا نمازش اشکال دارد؟

**ج**

– اشکال ندارد.

**س ۲۳۲**

**اشاره**

– اگر در حال ذکر سجده انگشت ابهام پا را عمداً حرکت دهد نمازش
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۴
چه صورتی دارد؟

**ج**

– اشکال دارد و پس از اعاده ذکر و اتمام صلاهٔ نماز را احتیاطاً اعاده نماید. و الله العالم.

**س ۲۳۳**

**اشاره**

– اگر در حالت رفتن به سجده پیشانی نمازگزار سهواً به مهر بخورد و بعد سر را مقدار کمی بردارد و دوباره با آرامش کامل بر مهر بگذارد اشکال ایجاد می‌کند یا خیر؟

**ج**

– در مورد سؤال اگر به اختیار سر را بر دارد و دوباره به مهر بگذارد دو سـجده محسوب است ولی اگر بدون اختیار پیشانی به محل سجده بخورد و بلند شود سجده محسوب نمی‌شود دوباره که سجده را با آرامش انجام دهد صحیح است. و اللّه العالم.

**س ۲۳۴**

**اشاره**

- اگر در بین نماز محلّ سجده گاه (مهر) با جوشی که روی پیشانی ترکیده نجس شود همان لحظه تکلیف در نماز چیست؟

ج

- اگر خون تنها باشد و کمتر از درهم و مقداری از پیشانی که نجس نشده بر روی مقداری از مهر که نجس نشده قرار بگیرد بطوری که مسمای سجده بعمل بیاید نماز صحیح است.

**س ۲۳۵**

**اشاره**

- سجده و تیمّم بر شیشه و موزائیک چه حکمی دارد؟

ج

- سجده و تیمّم بر شیشه صحیح نیست و اما نسبت به موزائیک که مخلوط از سیمان و سنگ ریزه است چنانچه بین سنگهای آن فاصله نباشد سجده و تیمم بر آن اشکال ندارد چون در واقع تیمم و سجده به سنگ است ولی اگر پودر سیمان باعث فاصله بین سنگهای موزائیک بشود تیمم صحیح نیست ولی سجده در صورتی که مقداری از پیشانی که صدق سجده کند بر سنگهای آن واقع شود صحیح است. و الله العالم.

**س ۲۳۶**

**اشاره**

- شخصی نماز می‌خواند چه ادا چه قضا ولی بین دو سجده خوب نمی‌نشیند آیا نمازش باطل است یا نه؟

ج

- بلی بین سجدتین نشستن با طمأنینه لازم است. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۵

**س ۲۳۷**

**اشاره**

- در آنجا که نمازگزار ناچار است اگر لباسش از پنبه و کتان باشد باید به آن سجده کند آیا اگر جانمازی یا گلیم زیر پایش از پنبه باشد می‌تواند به آنها سجده نماید یا اینکه در این صورت نیز باید به پشت دست سجده کند؟

**ج**

- در فرض سؤال باید به جانماز و یا گلیم که از پنبه است سجده کند.

**س ۲۳۸**

**اشاره**

- شخصی مدتی هنگام نماز در سجده دستها را روی زمین نگذاشته آیا نمازهایش صحیح است؟

**ج**

- اگر می‌توانسته کف دستها را به زمین بگذارد و نگذاشته باید قضاء کند. و اللّه العالم.

**س ۲۳۹**

**اشاره**

- مشاهده، شنیدن و یا دیدن از طریق نوار کاست و ویدئو و یا استماع از طریق پخش مستقیم رادیو و تلویزیون و نوشتن آیاتی که دارای سجده واجب می‌باشند چه حکمی دارد؟

**ج**

- مشاهده آیات سجده و یا نوشتن آنها موجب وجوب سجده نمی‌شود. ولی استماع آن از طریق نوار یا پخش غیر مستقیم رادیو و تلویزیون، باحتیاط واجب موجب وجوب سجده است و استماع از طریق پخش مستقیم آنها موجب وجوب سجده است. و اللّه العالم.

**س ۲۴۰**

**اشاره**

– آیا سجده برای غیر خدا جائز است؟

**ج**

– جائز نیست.

**س ۲۴۱**

**اشاره**

– آیا سجده در مقابل قبر امامان و امامزادگان جائز است؟

**ج**

– جائز نیست مگر اینکه سجده شکر باشد یعنی بخاطر اینکه خداوند او را موفّق به زیارت قبر امام علیه السلام نموده سجده برای خداوند متعال بجهت شکر بجا آورد.

**س ۲۴۲**

**اشاره**

– آیا سجده بعنوان سجده شکر و یا سجده تعظیم و غیره در مقابل قبور امامان و امامزادگان جائز است؟

**ج**

– سجده شکر بنحوی که در جواب سؤال قبل گفته شد اشکال ندارد.

**س ۲۴۳**

**اشاره**

– در صورتی که این سجده موجب وهن مذهب گردد یا عده‌ای

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۷۶

تصور کنند که سجده برای امام (ع) یا امامزادگان انجام گرفته جائز است؟

ج

- چون موارد مختلف است بستگی بمورد دارد پس اگر طوری باشد که موجب وهن مذهب باشد جائز نیست.

س ۲۴۴

اشاره

- بوسیدن زمین در مقابل حرم و عتبه مقدسه چه حکمی دارد؟

ج

- بوسیدن عتبه که عنوان سجده ندارد اشکال ندارد.

س ۲۴۵

اشاره

- در صورتی که اگر توده مردم تفاوت بین بوسیدن و سجده کردن نگذارند این بوسیدن چه حکمی دارد؟

ج

- توده مردم بین سجده و بوسیدن فرق میگذارند.

### تشهد و سلام

س ۲۴۶

اشاره

- نمازگزار در حین نماز در رکعت دوم که تشهد را قرائت می‌کند قبل از صلوات قیام می‌کند آیا نماز باطل می‌گردد و آیا صلوات تشهد رکن نماز است یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال اگر سهواً قبل از تمام شدن صلوات تشهد قیام کرده و در حال قیام متذکّر شده برگردد و (منسی) فراموش شده را انجام دهد و بعد به سایر وظائف خود عمل کند نماز صحیح است و اگر بعد از رکوع متوجّه شده برنگردد و نماز را تمام کند بعد قضاء فراموش شده را بجا آورد و دو سجده سهو نیز بجا آورد.

### س ۲۴۷

#### اشاره

– کسی که در سلام نماز هم ذکر «السلام علینا ...» و هم ذکر «السلام علیکم ...» را بگوید کدام یک را باید به نیت خارج شدن از نماز بگوید؟

#### ج

– نیت خارج شدن از نماز بسلام واجب نیست و «السلام علینا ...» را چه به نیت خارج شدن از نماز یا بدون نیّت بگوید احتیاط واجب این است که «السلام علیکم ...» را هم بگوید و اکتفاء به «السلام علیکم ...» بدون «السلام علینا ...» جایز است.

## احکام نماز

### س ۲۴۸

#### اشاره

– نمازگزار بلا فاصله بعد از گفتن «اللّه أکبر» به رکوع یا بعد از برخاستن
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۷
از رکوع به سجده می‌رود آیا قیام‌های قبل و بعد از رکوع را انجام داده؟

#### ج

– بعد از سر برداشتن از رکوع طمأنینه و آرام گرفتن بدن در حال قیام لازم است و رکوع بعد از گفتن الله اگر در حال قیام و طمأنینه بدون فاصله صحیح است.

### س ۲۴۹

#### اشاره

- بلند خواندن ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام و قنوت در نماز ظهر و عصر چه صورتی دارد؟

**ج**

- اشکال ندارد.

**س ۲۵۰**

**اشاره**

- نماز ظهرین را خوانده بعد متوجّه می‌شود که نماز ظهر بجهتی از جهات باطل بوده آیا اعاده ظهر کافی است یا هر دو نماز را باید بخواند؟ همچنین نسبت به عشائین.

**ج**

- در فرض مذکور تنها ظهر را اعاده کند و همینطور نسبت به عشائین. و الله العالم.

**س ۲۵۱**

**اشاره**

- اگر کسی سهواً نماز مغرب را در سفر دو رکعت بجا آورد آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال، نماز او صحیح نیست باید دوباره نماز مغرب را سه رکعت بخواند.

**س ۲۵۲**

**اشاره**

- تکلم سهواً در نماز به چیزهائی که ذکر خدا محسوب می‌شود و همچنین سهواً نام پیغمبران یا امام معصوم (ع) را بردن، سجده سهو دارد یا خیر؟

**ج**

- تکلم سهوی به ذکر خدا اشکال ندارد و لکن ذکر نام پیامبران و ائمه و لو سهواً سجده سهو دارد.

**س ۲۵۳**

**اشاره**

- آیا بستن چشم در حین قرائت حمد و سوره و اذکار نماز به خاطر حصول حضور ذهن بیشتر بازهم مکروه است؟

**ج**

- در فرض سؤال، کراهت معلوم نیست. و اللّه العالم.

**س ۲۵۴**

**اشاره**

- در نماز واجب اگر تلفن زنگ زد یا درب منزل را زدند و کسی داخل منزل نیست شکستن نماز واجب چه صورت دارد؟

**ج**

- در فرض سؤال شکستن نماز جایز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۸

**س ۲۵۵**

**اشاره**

- اگر شخصی در نماز عطسه کرد و سهواً گفت الحمد للّه رب العالمین این مبطل نماز است اگر عمداً بگوید چطور آیا ذکر محسوب می‌شود و مبطل نیست؟

**ج**

- سهواً مبطل نیست بلکه عمداً هم اگر بگوید اشکال ندارد.

**س ۲۵۶**

**اشاره**

- در نماز هنگام عطسه کردن آخر عطسه چندین حرف تولید می‌گردد آیا مبطل نماز است یا نه؟

**ج**

- اگر بی‌اختیار عطسه زده و چند حرف در اثر عطسه تولید شده اشکال ندارد.

**س ۲۵۷**

**اشاره**

- اگر در نماز شک کنیم که باد از شکم خارج شده یعنی شک کنیم در همان هنگام نماز وضوی ما باطل شده حکم چه می‌باشد؟

**ج**

- شک در خروج باد موجب بطلان نمی‌شود. و اللّه العالم.

**س ۲۵۸**

**اشاره**

- اگر انسان در نماز خون دماغ شد آیا نمازش باطل است؟

**ج**

- خود خون دماغ شدن موجب بطلان نماز نیست ولی از جهت نجس بودن آن مقدار خونی که به بدن یا لباس رسیده اگر کمتر از مقدار تقریباً یک بند انگشت باشد نماز صحیح است و اگر بیشتر باشد، باید نماز را قطع کند و بعد از تطهیر بخواند و این در وسعت وقت است اما اگر وقت تنگ باشد با همان حال بخواند و نمازش صحیح است.

### س ۲۵۹

#### اشاره

- نماز خواندن با دستکش و کفش چه حکمی دارد؟

#### ج

- با دستکش اشکال ندارد و کفش هم اگر در سجده مانع قرار گرفتن انگشت بزرگ پا بر زمین نباشد- مانند بعضی از دمپائی‌ها- مانعی ندارد و الّا جایز نیست. و اللّه العالم.

### س ۲۶۰

#### اشاره

- پسری دارم نه‌ساله، در حدود چهار پنج سالگی نسبت به نماز خیلی علاقه‌مند بود، مدّتی است چندان علاقه ای نشان نمی‌دهد و نمی‌خواهد نماز بخواند. گاهی با تشویق و ترغیب و ملایمت می‌خواند. پدرش عقیده دارند مطابق روایات پسر باید از هفت سالگی حتماً نماز بخواند و می‌توان او را برای این امر،
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۷۹
حتی کتک زد. لذا با فشار و اجبار او را وادار به نماز خواندن می کند. خواهشمندم در این مورد نظر خود را مرحمت فرمائید.

#### ج

- در حدیث راجع به تمرین و عادت دادن فرزندان به نماز وارد شده است که «مروهم بسبع و اضربوهم بتسع» یعنی آنها را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در نه سالگی بزنید، امّا مقصود از این حدیث شریف این نیست که با امکان واداری طفل به نماز بالطف و مهربانی و ملایمت و تشویق مثل دادن جایزه‌های مناسب، او را کتک بزنید، بلکه باید مطابق درک و فهم و ذهنیّات او از نماز، جاذبه‌های خوب به طفل نشان داد که خودش رغبت به نماز پیدا کند مسلماً وضع محیط خانه، مدرسه، معلم و معاشرین بچه، و رفت و آمدهای خانوادگی همه در ترغیب طفل به نماز و آداب و اخلاق خوب، مؤثّر است. در مورد معلم گفته‌اند:
درس معلّم ار بود زمزمه محبّتی
جمعه بمکتب آورد طفل گریز پای را
در احادیث شریفه است (اطرفوا اهالیکم فی یوم الجمعهٔ بشیء من الفاکههٔ کی یفرحوا بالجمعهٔ) یعنی: در روزهای جمعه برای اهل منزل و خانواده از میوه‌ها (و هر چیز که تحفه است) تحفه ببرید تا به روز جمعه فرحناك و علاقمند باشند و در تربیت اولاد باید انواع تدبیرهای لازم را بکار گرفت و آهسته آهسته و بتدریج جلو رفت نه تندی اعمال کرد و نه کندی و مسامحه نمود. مسأله کتک زدن و تأدیب مناسب، آن هم نه شدید، در بعض موارد، و در صورتی که از همه امکانات ملاطفت‌آمیز استفاده شده و اثر

نکرده باشـد، بحکم (آخر الـدواء الکی) لازم می‌شود مع ذلک اگر بصورتی که اثر سوء باشد و طفل بلجاجت و مقاومت وادار شود نباید بآن متوسّل شد، غرض این ستکه طفل تربیت اسلامی و انسانی پیدا نماید، و برای این منظور پدر و مادر باید از لطائف و دقائق تربیتی مناسب استفاده کنند خصوصاً که تربیت طفل کار بسیار لطیف و دقیق است باید ظرافتها و لطافتهائی که لازم است همه بکار گرفته شود لازم بتـذکر است که از عوامل سوء تربیت، اختلاف پدر و مادر در کیفیت تربیت فرزند است که اگر مثلًا مادر به پدر در برابر فرزنـد اعتراض کنـد که چرا او را زده است بسـیار اثر سوء و منفی خواهـد داشت، همه این نکات را هم مادر وهم پـدر در نظر بگیرند.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۰

## احکام شک و خلل در نماز

### س ۲۶۱

#### اشاره

– شخصـی در حال نماز شک می‌کند که رکعت آخر ظهر است یا اول عصر تکلیفش چیست آیا حکم وسعت و ضیق وقت متفاوت است؟

#### ج

– در فرض سؤال باید بنا بگذارد که رکعت آخر ظهر است بلی در ضیق وقت که اگر بخواهد نماز را تمام کند یک رکعت از عصر را در وقت مختص آن درک نمی‌کند، باید این نماز را قطع کند و نماز عصر را بخواند.

و اللّه العالم.

### س ۲۶۲

#### اشاره

– اگر کسی در تعداد سجده‌ها شک کند و هر چه فکر کند یادش نیاید تکلیف چیست؟

#### ج

– اگر محل سجده نگذشته باید بجا آورد.

### س ۲۶۳

**اشاره**

– اگر شخصی کثیر الشک شود در اینکه این نماز چهار رکعتی که خوانده ام نماز ظهر است یا عصر و طبق قرائن و مظنّه‌ای که احیاناً حاصل می‌شود از گذشتن وقت و غیره بعدها معلوم می‌شود که نماز عصر است و ظهر را قبلًا خوانده بفرمائید اگر آن شواهد و قرائن حاصل نشود و در همان حالت شک باقی بماند تکلیف چیست؟

**ج**

– در فرض سؤال چنانچه در خصوص اینکه نماز چهار رکعتی که خوانده نماز ظهر است یا عصر کثیر الشک باشد یعنی مکرراً این شک برای او حد اقل در سه نوبت حاصل شود بنا بگذارد بر اینکه عصر است و نماز ظهر را قبلًا خوانده ولی اگر در سایر موارد کثیر الشک باشد و در این مورد اتفاقاً شک کند باید یک نماز چهار رکعتی بقصد ما فی الذّمهٔ یعنی بدون نیّت ظهر یا عصر بخواند. و الله العالم.

**س ۲۶۴**

**اشاره**

– امام نماز چهار رکعتی می‌خواند مأموم نماز مغرب، در حال ایستاده مأموم را شک گرفته نمی‌داند ۳ رکعت خوانده یا چهار رکعت شک مأموم چطور می‌باشد؟

**ج**

– در مورد سؤال مأموم صبر کند تا امام رکوع و سجود خود را بجاآورد تا بعد از سجده دوّم تکلیف روشن می‌شود و در این حالت قربهٔ الی اللّه ذکر بگوید پس اگر تشهد گفت مأموم بدون رکوع و سجود بنشیند و تشهد بخواند و نماز خود را تمام کند و دو سجده سهو هم بجا آورد و اگر امام برخاست نماز مأموم فرادی
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۱
می‌شود و بطور فرادی رکوع و سجود را بجاآورد و نماز خود را تمام کند. و الله العالم.

**س ۲۶۵**

**اشاره**

– گاهی اوقات شکی از قبیل خارج شدن باد از معده و شک در درست گرفتن وضو و شک در درست گفتن تکبیره الاحرام پیش می‌آید وظیفه انسان چیست؟

**ج**

– در موقعی که شک در خروج باد میکند بشک خود اعتنا نکند و نسبت به وضو و تکبیرهٔ الاحرام چنانچه نحوه وضوء صحیح و تکبیر صحیح را می‌داند اگر بعد از تمام کردن وضوء شک کند درست بوده یا نه محکوم به صحت است و بعد از تکبیر هم محکوم بصحت است.

**س ۲۶۶**

**اشاره**

– بعد از اتمام نماز اگر تکلیف سجده سهو بود و نمازگزار از قبله رو برگرداند تکلیف چیست؟

**ج**

– هر وقت متوجه شد انجام دهد.

**س ۲۶۷**

**اشاره**

– بعد از تشهد سجده سهو آیا هر سه سلام را باید گفت یا فقط سلام آخر را؟

**ج**

– سلام آخر کافی است. و اللّه العالم.

**س ۲۶۸**

**اشاره**

– در اثر ندانستن مسأله نماز احتیاط را با سوره خوانده بعد فهمیده که باید بدون سوره خوانده شود آیا نمازهایش صحیح است یا اعاده و قضا دارد؟

ج

- نمازهایش صحیح است.

س ۲۶۹

اشاره

- در مورد شک وسواسی در نماز توضیحاتی بیان فرمائید.

ج

- در مورد شک در نماز کسی که وسواسی است و شک بسیار می‌کند به هر طرف شک که صحیح است بنا بگذارد مثلًا اگر شک میکند که یک سجده کرده‌ام، یا دو سجده بگوید دو سجده کرده‌ام یا دو رکعت بجا آورده‌ام یا سه، رکعت، اگر نماز صبح است بگوید دو رکعت، و در نمازهای دیگر بگوید سه رکعت اگر شک میکند که رکوع بجا آورده‌ام یا نه بگوید بجا آورده‌ام خلاصه در همه موارد به این صورت
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۸۲
عمل نمائید بی‌جهت کار را بر خودتان مشکل نکنید دین آسان است و با راحتی تکالیف آن انجام میشود.

س ۲۷۰

اشاره

- وجوب سجده سهو، برای قیام کامل است یا نیمه قیام؟

ج

- برای قیام نیمه تمام هم احتیاطاً سجده سهو انجام دهد ولی وجوب آن معلوم نیست.

س ۲۷۱

اشاره

- آیا کثیر الشک در شک سوّم نباید به شک خود اعتناء کند یا در شکّ چهارم یا باید احتیاط کند؟

ج

- اگر برای انسان حالتی پیدا شود که نتواند سه نماز پشت سر هم بدون شک بخواند کثیر الشکّ است پس در فرض سؤال در شک چهارم نباید اعتنا کند.

س ۲۷۲

اشاره

- اگر در رکعت احتیاط کسی محدث شد، اعاده رکعت احتیاط کافیست یا باید نماز را اعاده کند؟

ج

- در فرض سؤال پس از تحصیل طهارت احتیاطاً نماز احتیاط را اعاده نماید و باید اصل نماز را هم اعاده کند. و اللّه العالم.

س ۲۷۳

اشاره

- شک در تعداد لعن و سلام زیارت عاشورا یا در سوره قدر نماز لیلهٔ الدفن و امثال اینها خصوصاً در صورت اجاره چه کند؟

ج

- در موارد مفروضه بنا را بر اقل بگذارد و عمل را تکمیل کند.

نماز قضا

س ۲۷۴

اشاره

- نظر مبارک در مسأله مضایقه و مواسعه چیست؟

ج

– بنظر این جانب وجوب اتیان قضاء صلاهٔ فوت شده از مکلّف، فوریّت ندارد بلکه وقت آن موسّع است (ما دام العمر) البته باید منجر به مسامحه و تهاون در اداء تکلیف نشود.

### س ۲۷۵

### اشاره

– زنی تا سن ۴۴ سالگی از اینکه غسلهای واجبش را صحیح انجام داده است یا نه بی‌اطلاع بوده است، تکلیف او در قبال نمازها و روزه‌هایی که انجام داده است چیست؟

### ج

– اگر معلوم باشد که غسلهایش صحیح نبوده باید قضای نمازها را بجاآورد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۳
ولی قضای روزه‌ها واجب نیست.

### س ۲۷۶

### اشاره

– نماز قضا بر ذمّه دارم ولی چه مقدار و از کدام نماز یومیه است نمیدانم لطفاً بفرمائید چکنم و در صورت فوت چه باید کرد آیا ورثه‌ام مسئولند یا خیر؟

### ج

– به هر مقدار که یقین دارید نماز از شما قضاء شده انجام دهید و حکم مسأله در پسر بزرگتر نسبت به قضاء نماز والدین همین است و اما نسبت باینکه نمیدانید از کدام نوع نماز قضا شده باید احتیاط کنید.

### س ۲۷۷

### اشاره

– اشخاصی که در اثر تصادف و یا بیماری دیگر و یا قبل از عمل جراحی آنان را بیهوش می‌کنند و مدّتی در حال بیهوشی بسر می‌برند نسبت به نمازهای فوت شده حکم مغمی علیه را دارند یا نه؟

### ج

– حکم مغمی علیه را دارند.

### س ۲۷۸

### اشاره

– حدود چهار سال است که به سن تکلیف رسیده‌ام و متوجه شده‌ام که بسیاری از مسائل در باب مکان و طرز وضو و نماز را رعایت نکرده‌ام و تعداد این نمازها را هم نمی‌دانم آیا قضای آنها واجب است؟ و اگر باید قضای آنها را بجا آورد به چه ترتیب؟

### ج

– در فرض سؤال هر مقدار از نمازها را یقین دارید فاقد شرایط بوده قضا کنید و نسبت به زائد بر آن مقدار تکلیف یقینی ندارید مثلا اگر می‌دانید نمازهای فاقد شرایط از بیست نماز کمتر نبود بهمان اکتفا کنید هر چند احتمال بدهید که بیشتر بوده.

### س ۲۷۹

### اشاره

– شخصی نماز عشاء را عمداً نخوانده باشد غیر از قضا حکم دیگری هم دارد یا نه؟

### ج

– شخص مذکور، معصیت کبیره نموده و واجب است نماز را قضا کند. و الله العالم.

### س ۲۸۰

### اشاره

– کسی که در موقعی که سالم بود، نماز از او فوت شده آیا بعداً می‌تواند نشسته قضای نماز فوت شده را بخواند یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه سالم است و می‌خواهد قضا را نشسته بخواند

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۸۴

صحیح نیست و باید ایستاده بخواند و اگر فعلًا نمی‌تواند ایستاده بخواند بنابر احتیاط واجب باید قضا را تأخیر بیندازد تا رفع عذر شود و ایستاده بخواند مگر اینکه بداند عذرش تا آخر عمر باقی است یا خوف داشته باشد که به طور ناگهانی بمیرد. و اللّٰه العالم.

### س ۲۸۱

### اشاره

- کسی که در موقع مریضی که در حال نشسته یا در حال خوابیده نماز به عهده او بوده و قضا شده بعداً که بهبودی حاصل کرد می‌تواند در حال نشسته قضا کند یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال، باید قضای نمازها را در حال ایستاده بجا آورد و نشسته مجزی نیست. و اللّٰه العالم.

### س ۲۸۲

### اشاره

- تکلیف فردی که مدتی قضای نماز بر گردن دارد، لیکن میزان دقیق آن را نمی‌داند، چیست؟

### ج

- هر مقداری که یقین دارد نمازهای فوت شده کمتر از آن مقدار نبوده قضا کند و احتیاط آن است که به مقداری قضا کند که یقین داشته باشد بیشتر از آن فوت نشده ولی رعایت این احتیاط واجب نیست. و اللّٰه العالم.

### س ۲۸۳

### اشاره

- فردی دو سال نماز قضا بر عهده دارد آیا برای هر روز باید ترتیب نمازهای یومیه را رعایت کند؟

### ج

- می‌تواند اول قضای نمازهای صبح را بخواند و می‌تواند اول قضای نمازهای مغرب را و یا قضای نمازهای ظهر را، لکن باید طوری بخواند که نماز عصر بعد از نماز ظهر و نماز عشا بعد از مغرب واقع شود مثلًا یک ماه قضای نماز ظهر بخواند بعد از آن یک ماه قضای عصر یا مثلًا یک ماه نماز قضای مغرب و بعد از آن یک ماه نماز قضای عشاء.

## نماز قضای پدر و مادر

### س ۲۸۴

#### اشاره

- قضای نماز و روزه فوت شده مادر بعهده فرزند بزرگ است یا نه؟

#### ج

- بلی بنابر احتیاط لازم بعهده اوست.

### س ۲۸۵

#### اشاره

- پدر و مادری که قدرت بر تصحیح نماز خود از نظر قرائت ندارند
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۸۵
قضای آن بر پسر بزرگتر واجب است یا نه؟

#### ج

- اگر به جهت عدم قدرت، معذور از تصحیح نمازشان بوده‌اند قضا آن بر پسر بزرگ واجب نیست یعنی نمازشان قضا ندارد تا بر پسر بزرگ واجب باشد. و الله العالم.

### س ۲۸۶

#### اشاره

- اگر پدر و مادر انسان از دنیا بروند و نمی‌داند که نماز قضا دارند یا نه و تا دم مرگ نیز نماز خوانده‌اند امّا نتوانسته‌اند نمازشان را

درست کنند تکلیف پسر بزرگتر چیست؟

### ج

- اگر پسر بزرگ یقین دارد که نمازشان صحیح نبوده باید قضای آن را بجا آورد و یا کسی را اجیر کند که او بخواند و اگر نمیداند و یا شک در صحت نماز آنها دارد چیزی بر او نیست.

### س ۲۸۷

### اشاره

- شخصی دائماً اقامه نماز می‌نمود و اهل تدین بودند امّا بعلت عدم سواد احتمال خطا و اشتباه و اشکال در نماز ایشان می‌رفت با توجه به اینکه همه ورّاث راضی هستند از ماترک او نماز استجاری بخرند اوّلًا لازم است یا نه؟

### ج

- در صورت شک در صحت نمازهای او می‌توانید حمل بر صحت نمائید و اگر یقین به باطل بودن آن دارید بر پسر بزرگتر قضاء آن واجب است و اگر همه آن را تبرّعاً استیجار نمایند جائز است و اگر هم یقین به باطل بودن نمازهایش ندارید و بخواهید احتیاطاً هر مقدار نماز برای او استیجار نمائید خیر و احسان است ولی واجب نیست.

### س ۲۸۸

### اشاره

- مادرم چند وقتی است که فوت نموده و بنده پسر بزرگ ایشان می‌باشم لازم به توضیح است که ایشان در زمان حیاتش قادر به یادگیری و عمل کردن به مسائل شرعی از جمله نماز و غیره نبود بطوری که اگر تعداد روزهای هفته یا ماه را از ایشان می‌پرسیدند نمی‌توانست جواب صحیح بدهد با توجه به موارد فوق بر بنده که پسر ارشد می‌باشم آیا لازم است واجبات شرعی مثل نماز و روزه ایشان را بصورت قضا بجا آورم یا خیر؟

### ج

- اگر مادر در زمان حیات تشخیص وقت نماز را نمی‌داده و یا از یاد گرفتن نماز و روزه عاجز بوده است ولی در حد ممکن نماز را بجا می‌آورده است نسبت به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۶

قضای نماز و روزه ایشان تکلیفی ندارید و در غیر این صورت بنا بر احتیاط قضای نماز و روزه او را بجا آورید.

### س ۲۸۹

### اشاره

- شخصی مدت چند سال فلج شده و بیشتر در حال استراحت بوده و افرادی که به عیادت او می‌رفتند و سلام می‌کردند برای احوال پرسی صورت خود را حرکت می‌داده و اکثر این مدت نماز نخوانده است، اکنون مرحوم شده است آیا قضاء نمازهای او بر وراث یا پسر بزرگتر واجب است یا نه؟

### ج

- در فرض سؤال اگر حواس و ادراک او بمقداری بوده که اوقات نماز را تشخیص میداده هرچند قدرت بر تکلم هم نداشته بر پسر بزرگتر واجب است نمازهای فوت شده او را قضا کند ولی اگر با همان حالی که داشته بر حسب تکلیف و توانائی خود نماز خوانده باشد بر پسر بزرگتر او چیزی نیست.

### س ۲۹۰

### اشاره

- پدری در حدود پنجاه سال است که نه نماز خوانده و نه روزه گرفته است و پسر بزرگ آشکارا باو اعلام می‌کند من از حالا برای تو می‌گویم که بعد از مردنت قضاء نماز و روزه‌ات را انجام نخواهم داد آیا پسر بزرگ بعد از فوت پدرش می‌تواند بگفته خودش عمل نماید یا نه؟

### ج

- در مورد سؤال بنابر احتیاط واجب پسر بزرگ باید نماز و روزه پدر را قضا کند و یا استیجار کند.

### س ۲۹۱

### اشاره

- پسر بزرگ که خودش نماز و روزه قضا دارد آیا باید اول قضای نماز و روزه خودش را بجا بیاورد یا نماز و روزه قضای پدر را؟

ج

- مختار است هر کدام را اوّل انجام دهد صحیح است.

س ۲۹۲

اشاره

- نماز و روزه قضای پدر که بر گردن پسر بزرگ است آیا به شرط وصیت پدر واجب است یا این که بدون وصیت پدر هم واجب است؟

ج

- بدون وصیت پدر هم بر عهده پسر بزرگ است.

## نماز استیجاری

س ۲۹۳

اشاره

- آیا طفل ممیزی که قرائتش صحیح است می‌تواند نماز و روزه

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۸۷

استیجاری را قبول کند؟

(حد اقل برای والدین).

ج

- احتیاط واجب عدم استیجار صبی ممیز است ولی اگر برای والدین خود نماز و روزه تبرعاً بجا آورد و صحیح انجام دهد مجزی است. و اللّه العالم.

س ۲۹۴

اشاره

- اگر در نماز استیجاری شرط مستحبات نشود و اساساً دربند آن هم نیستند تنها منظورشان نوعاً برائت ذمه میّت است می‌تواند بدون مستحبات بخواند، یا با حدّ اقل مستحبات، یا مطابق معمول؟

### ج

- بایـد بر طبق معمول انجام شود و استیجار- هر چند بدون اشتراط مسـتحبات باشد- از نمازی که بدون مسـتحبات متعارفه- که نوع مردم آن را انجام می‌دهند- خالی باشد، منصرف است.

### س ۲۹۵

### اشاره

- شخصی به خاطر اینکه آب برای چشمش ضرر دارد با تیمم نماز می‌خواند. ایشان حدود ۱۳ سال و بیشتر نماز استیجاری خوانده و اسامی اشـخاص را نوشـته امّا اکنون آن اشخاص زنده‌اند یا مرده نمی‌داند حکم این نمازهای خوانده شده چیست و هم اکنون مبلغی پول تهیه کرده تا بدهد دو مرتبه آن نمازها را دیگران بخوانند چه حکمی می‌فرمائید؟

### ج

- در فرض سؤال، که وظیفه شـخص مذکور از غیر جهت ضـیق وقت نماز، با تیمم بوده نمازهای استیجاری که خوانده صحیح است و ذمّه کسانی که برای آنها نماز خوانده بری میشود و اما نسـبت به اسـتحقاق اجرت، اگر اجیرکننده نمی‌دانسـته که موجر (کسی که نمـاز استیجاری می‌خوانـد) نماز را با تیمم خواهـد خوانـد مشـکل است و احتیاط اینست پولی که گرفته به صاحبانش و یا ورثه آنها برگرداند و اگر نمیشناسد از طرف آنها صدقه بدهد. و الله العالم.

### س ۲۹۶

### اشاره

- شخصی از ۳ نفر نمـاز استیجاری گرفته از هر کـدام چهار، پنـج ماه باقی مانـده در اثر گرفتاری و تأخیر نام نشانی اینها را فراموش کرده در این صورت تکلیف این شخص چیست و چه جور نیت بکند؟

### ج

- در فرض سؤال میتوانـد نیت نمازها را به ترتیب گرفتن اجرت وماننـد آن قرار دهـد و نسـیان اسم آنها ضـرر ندارد و دانسـتن اسـم شرط صحت نماز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۸

### س ۲۹۷

#### اشاره

- شخصی از شخص دیگر نماز استیجاری گرفته و آن شخص بدون قید به این شخص اجاره داده است. آیا این شخص مستأجر می‌تواند نماز استیجاری را به شخص دیگر به نفع خودش اجاره دهد. مثلًا خودش ۲۵۰۰ ریال گرفته بود و به شخص دیگر ۲۰۰۰ بدهد آیا بدون اجازه موجر اول می‌تواند به شخص دیگر اجازه دهد یا خیر؟

#### ج

- در فرض سؤال، اجیر اوّل نمی‌تواند بدون اجازه اجیرکننده آن را به دیگری بدهد مگر آنکه اجاره مطلق و منصرف به مباشرت شخص اجیر نباشد و یا اجیرکننده اجازه بدهد و در هر دو صورت نباید آن را به مقدار کمتر به دیگری بدهد مگر اینکه مقداری از آن را خود اجیر اوّل بجا آورد باشد. و اللّه العالم.

## نماز جماعت

### احراز عدالت امام جماعت

### س ۲۹۸

#### اشاره

- امام جماعتی عدم صلاحیتش از جهت عدالت قبلًا محرز بوده و فعلًا بخاطر ارتباط کمتر با او گمان می‌رود که صفات گذشته‌اش را ترک کرده باشد از نظر اقتدا کردن به او آیا یقین قبلی ملاک است یا گمان فعلی؟ همچنین در عدالتی که برای امام جماعت شرط است امور سیاسی و غیره هم دخیل است؟

#### ج

- در فرض سؤال گمان مجوّز اقتدا نیست باید حجت شرعی برای عدالت قائم شود و نسبت بمعنی عدالت به مسأله شماره- ۲- توضیح المسائل مراجعه نمائید. و اللّه العالم.

### س ۲۹۹

#### اشاره

- شخصی با اینکه در عدالت امام جماعت شک دارد یا اصلًا او را عادل نمی‌داند ولی برای نماز به او اقتدا می‌کند و دوباره همان نماز را منفرداً می‌خواند این عمل شرک در عبادت حساب می‌شود یا خیر؟

**ج**

- عمل مذکور شرکت محسوب نمیشود ولی بدون عذر این عمل را انجام ندهید.

**س ۳۰۰**

**اشاره**

- روحانیونی از طرف مراجع مختلف تقلید یا از طریق ارگانهای

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۸۹

دولتی مثلًا سازمان تبلیغات اسلامی یا اعزام مبلغ و ... به روستاها و بخشهای مختلف برای مدت موقت مثلًا یک شب جمعه یا برای چند ماه تابستان و ... اعزام می‌شوند و مؤمنین نسبت به صلاحیت و عدالت آنها هیچ‌گونه اطلاعی ندارند وظیفه مأمومین را در این مواقع چیست؟

**ج**

- بطور کلی بنظر مأموم امام جماعت باید واجد شرائط باشد که از جمله آن عدالت است بنابراین چنانچه از اعزام روحانی توسط دفتر مراجع یا مرکز خاصی، اشخاص علم به صلاحیت و عدالت او پیدا می‌کنند می‌توانند اقتدا نمایند، و در غیر این صورت اقتداء جایز نیست.

**س ۳۰۱**

**اشاره**

- آیا کسی که گناه کبیره انجام داده می‌تواند امام جماعت مردم شود و اگر شخصی از گناه او اطلاع داشته باشد می‌تواند به او اقتدا نماید یا خیر؟

**ج**

- شخص مذکور تا توبه نکرده عادل نیست و امام جماعت باید عادل باشد و کسی که اطلاع از گناه کبیره او داشته باشد تا یقین به توبه و عدالت او پیدا نکند نمی‌تواند اقتدا نماید ولی نباید گناه او را بدیگران بگوید و نیز باید صدور گناه کبیره از او قطعی باشد و خود او در صورتی که توبه کرده و حال عدالت یافته می‌تواند پیشنماز باشد.

**س ۳۰۲**

### اشاره

– در صورتی که عده زیادی (حدود ۲۰ نفر) آشکارا به امام جماعت اقتدا نکنند آیا نشان دهنده عدم عدالت امام نیست؟

### ج

– اگر مقصود ترتیب آثار فسق امام جماعت بواسطه عدم اقتداء آن اشخاص باشد بحسب موارد و اشخاص مختلف است و اگر مقصود جواز عمل آن اشخاص باشد اگر تفسیق عملی امام جماعت بر آن صادق باشد جایز نیست.

## س ۳۰۳

### اشاره

– امام جماعتی به صورت شوخی گاهی دروغ می‌گوید مثلًا سیبی در دست دارد و همه ببیند اما به شوخی می‌گوید سیبی در دست من نیست آیا چنین دروغی باعث سلب عدالت امام جماعت می‌شود؟

### ج

– اگر معلوم است شوخی می‌کند دروغ حرام نیست.

## س ۳۰۴

### اشاره

– شخصی والدینش بهائی بوده و خودش تا سالیانی بعد از بلوغ بهائی

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۹۰

بوده امّا بعداً توبه می‌کند و حتّی عادل هم می‌شود آیا شخص مذکور می‌تواند امام جماعت بشود؟

### ج

– در صورتی که عدالت او به طریق شرعی احراز بشود اقتداء به او مانعی ندارد.

## س ۳۰۵

### اشاره

– آیا اقتدا کردن به افرادی که با نظام مقدس جمهوری اسلامی مخالف می‌باشند و یا با ولایت فقیه یا با مصداقش مخالفند جایز است یا نه؟

ج

– با حاکمیت اسلام و اجراء احکام اسلام هیچ مسلمانی مخالف نیست و اگر بعضی اشتباهاتی یا ایراداتی داشته باشند ممکن است موردی باشد، یا در بعض حدود و مرزهای ولایت نظرات فقهی داشته باشند که در کل اگر مغرضانه نباشد و اشتباه محض یا اجتهاد و رأی باشد مخل به عدالت نمی‌شود.

### امامت غیر روحانی

س ۳۰۶

اشاره

– در بعضی از مساجد شهر ما افراد غیر معمّم اقامه جماعت می‌کنند در صورتی که امام جماعت معمّم در مساجد دیگر اقامه جماعت می‌نمایند آیا با دسترسی به روحانی می‌شود به غیر روحانی اقتدا کرد؟

ج

– با وجود روحانی واجد شرائط اولی اقامه جماعت توسط روحانی است.

س ۳۰۷

اشاره

– اقتدا به عادل جامع شرایط امامت که روحانی و معمّم نباشد چه حکمی دارد؟

ج

– اشکال ندارد ولی مناسب‌تر است با وجود معمّم جامع الشرائط معمّم امامت کند.

### امامت ناقص العضو

س ۳۰۸

اشاره

– این جانب روحانی جانباز هستم که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از ناحیه پای چپ زیر زانو قطع پا شده‌ام. آیا اجازه می‌فرمایید به عنوان امام جماعت، مأمومین به این جانب اقتدا نمایند یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، امامت ننمایید. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۹۱

## س ۳۰۹

### اشاره

– نظر جنابعالی در مورد اقتدا به کسی که چهار انگشت و مقدار زیادی از کف دستش قطع شده چیست؟ و اگر امام، نماز جماعت را با امام مذکور صحیح می‌داند و مأمومین مقلّد مجتهدی باشند که امامت ذوی الاعذار را جایز نمی‌داند چه حکمی دارد؟ آیا حقیر در این مسأله می‌توانم به دیگری رجوع کنم یا خیر؟

ج

– به نظر حقیر اقتدا به امام معذور جایز نیست ولی امامت او بمأمومینی که اقتداء به معذور را جایز می‌دانند اشکال ندارد و رعایت و احراز شرایط امام و صحت اقتدا با مأموم است و رجوع از مجتهدی به مجتهد دیگر در صورتی جایز است که هر دو مساوی باشند یا مجتهدی که از او تقلید می‌کند در مسأله فتوی نداشته باشد و به احتیاط نظر داده باشد.

## س ۳۱۰

### اشاره

– کسانی که مقطوع الید و یا مقطوع الرجل شده‌اند در صورتی که بقیه شرایط امامت جماعت را دارا می‌باشند آیا می‌توانند امامت کنند یا خیر؟

ج

– بنابر احتیاط واجب اشخاص مذکور نمی‌توانند امامت کنند. و اللّه العالم.

## س ۳۱۱

### اشاره

– امامت جماعت برای کسی که فاقد عضوی از بدنش است چه حکمی دارد؟

ج

- اگر امام جماعت فاقد یکی از مواضع هفتگانه‌ای که از شخص سالم در موقع سجده کردن باید روی زمین قرار بگیرد باشد امامت او اشکال دارد. والله العالم

### امامت زن

#### س ۳۱۲

##### اشاره

- با توجه به طرح اقامه نماز جماعت در مدارس، بمنظور اقامه فریضه جماعت در آموزشگاههای دخترانه با کمبود امام جماعت روحانی مواجهیم، از سوی دیگر برخی از خواهران مؤمنه در مورد امامت زن اشکال دارند. لذا خواهشمند است با پاسخ به استفتاء ذیل ما را در رفع این معضل یاری فرمایید.
آیا امامت زن در نماز جماعت بانوان جایز است یا خیر؟

##### ج

- بنظر این جانب امامت زن در غیر نماز میت برای مأمومین زن کراهت دارد.

#### س ۳۱۳

##### اشاره

- خواندن نماز جماعت در صورتی که هم امام و هم مأموم زن باشد
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۹۲
چه حکمی دارد؟

##### ج

- اشکال ندارد ولی مکروه است. و اللّه العالم.

### امام راتب

#### س ۳۱۴

##### اشاره

- امام راتب به چه کسی گفته میشود؟

چه کسی می‌تواند امام راتب را نصب و یا عزل نماید؟
سازمان «رسیدگی به امور مساجد» که با حکم از سوی ولی فقیه در حال حاضر وجود دارد، آیا می‌تواند امام راتب را نصب و یا «عزل» نماید؟
اگر عده‌ای از مردم مسجدی، امام راتب را قبول نداشتند آیا این دلیل کافی و وافی برای عزل امام راتب می‌باشد؟
آیا اگر مسئول یا مسئولین عزل امام راتب، دلیلی بر سلب عدالت وی نداشته باشند می‌توانند وی را عزل نمایند؟

### ج

- «جواب کلیه سؤالات فوق»
در صحت نماز و هم چنین اقامه جماعت اذن از کسی شرط نیست مأمومین هرکس را واجد شرائط امام جماعت شناختند میتوانند باو اقتدا کنند و امامت جماعت از مناصب انتصابی- که بدون نصب من له النصب حاصل نمی‌شود- نیست و لذا عزل هم در آن جاری نیست و امام راتب معنایش امام ثابتی است که بطور متعارف در مسجد اقامه جماعت مینماید و اولی از دیگران بامامت است و مزاحمت با او به منع او از امامت جایز نیست بلکه بعضی از بزرگان بنابر احتیاط واجب تقدیم دیگران را بر او جایز نمیدانند هرچند واجد بعض جهات مرجّحه باشند مع ذلک بنظر حقیر ترک اقتداء باو و اقتدا بدیگری بلحاظ بعض جهات مرجّحه بصورتی که عنوان هتک و تفسیق امام راتب را نداشته باشد جایز است و چنانچه بعض مأمومین امام راتب را عادل ندانند نباید به او اقتدا کنند ولی منع امامت او بر سایرین که او را عادل میدانند جایز نیست بلی در بعض موارد مثل اینکه پیشنماز فساد عقیده داشته باشد و معرض فساد و اضلال مردم باشد، مجتهد جامع الشرائط میتواند بلکه واجب است او را از امامت منع نماید چنانکه میتواند بر اساس این جهات حتی بعضی مأمومین را نیز از حضور در مسجد و ارتباط با دیگران ممنوع سازد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۳

### س ۳۱۵

### اشاره

- احتراماً در مواردی که مسجد امام جماعت راتب دارد و سالیان متمادی است با کمال سلامت و رعایت حرمتها و احترام متقابل میان مأمومین و امام جماعت راتب، اقامه نماز جماعت انجام می‌گیرد و ممکن است به هر بهانه‌ای گروهی کم و یا زیاد بیایند و برای اقامه جماعت مانع فراهم نمایند و اغتشاش بوجود آورند اگر با اقامه نماز فرادی تفسیق و سوء ظن در ذهن افراد غیر مطلع بوجود آورند آیا نمازشان صحیح است؟

### ج

- مقتضی است برادران ایمانی رعایت شئون یکدیگر را بنحو احسن بنمایند و در نماز جماعت که یکی از بافضیلت‌ترین عبادات است از اموری که موجب تفرّق و زمینه‌ساز بدبینی و تبعات دیگر است جداً خودداری کنند و این عمل مقدس را آلوده به اغراض غیر عبادی ننمایند و اگر خواندن نماز فرادی در حین انعقاد جماعت ظهور در تفسیق امام جماعت داشته باشد اشکال دارد.

## متابعت از امام جماعت

### س ۳۱۶

#### اشاره

– شخصی در جماعت عوض قنوت به رکوع می‌رود و بعنوان متابعت به قنوت برنمی‌گردد (چه عمداً و چه بخاطر جهل به مسأله) در این صورت نماز او به جماعت صحیح است یا باید نیّت فرادی نماید؟

#### ج

– در فرض سؤال جماعت صحیح است گرچه عدم متابعت عمدی معصیت است. و اللّٰه العالم.

### س ۳۱۷

#### اشاره

– شخصی در نماز جماعت از رکعت اول با امام جماعت مشغول نماز شد و در رکعت سوم خیال می‌کند امام حمد و سوره می‌خواند ولی یکباره متوجه می‌شود که امام جماعت به رکوع رفته است او هم که فرصت هیچ چیزی را نداشته به رکوع می‌رود. آیا نماز این شخص صحیح است یا باید دوباره بخواند؟

#### ج

– در مورد سؤال که قبل از رکوع متوجه شده و تسبیحات اربعه را نخوانده برکوع رفته نماز او باطل است باید دوباره بخواند.

### س ۳۱۸

#### اشاره

– اگر مأمومین در قنوت یا ذکر رکوع یا ذکر سجده با لحن دلنشین امام جماعت هماهنگ شده به صورتی که صدای جمع‌خوانی از جماعت شنیده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۴

شود، آیا این کار مبطل نماز است؟

#### ج

– اگر مأموم اذکار نماز را طوری بگوید که صدای او را امام جماعت بشنود کراهت دارد. و اللّٰه العالم.

### س ۳۱۹

**اشاره**

– وقتی که انسان در نماز جماعت یک رکعت از امام عقب است موقعی که امام در رکعت سوم است و تسبیحات می‌خوانـد، وظیفه مأموم در خواندن حمد و سوره چیست؟ آیا بلند بخواند یا آهسته؟

**ج**

– آهسته بخواند.

**س ۳۲۰**

**اشاره**

– اگر امام جماعت در سوره آیه‌ای را جابجا بخواند در صورتی که انسان می‌داند وظیفه چیست؟

**ج**

– اگر امام جماعت سهواً آیه‌ای را غلط بخواند و امکان تذکر باو نباشد مأموم شخصاً آن آیه را بنحو صحیح بخواند.

**س ۳۲۱**

**اشاره**

– اگر امام جماعت سهواً بعضی از آیات سوره را نخواند وظیفه مأمومین چیست؟

**ج**

– اگر مأمومین حین خوانـدن سوره متوجّه شونـد بایـد همان مقـدار را که امام جماعت نخوانـده خودشان بخوانند و الّا نماز مأمومین باطل است. و اللّه العالم.

**س ۳۲۲**

**اشاره**

– آیا اقتدا به امام جماعتی که در حرکت حروف دعا و یا آیه قرآن که بعنوان دعا در قنوت یا سـجده می‌خواند دچار اشتباه می‌شود صحیح است؟

**ج**

– اگر اشتباه در اذکار مستحبی باشد اشکال ندارد.

### س ۳۲۳

#### اشاره

– آیا اقتدا به امام جماعتی که شک در صحت قرائت او داریم جایز است یا نه؟

#### ج

– باید بالوجدان و یا با اصالهٔ الصحهٔ صحیح بودن قرائت امام محرز شود. و اللّه العالم.

### س ۳۲۴

#### اشاره

– اگر مأموم در حال رکوع رفتن امام، به امام اقتدا کند نه زمانی که امام به رکوع رفته یا در حال قیام است آیا جماعت منعقد می‌شود یا نه؟

#### ج

– در رکعت اول و دوم اشکال ندارد و در رکعت سوم و چهارم محل اشکال است احوط اتمام و اعاده
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۹۵
است. و اللّه العالم.

### س ۳۲۵

#### اشاره

– اگر در نماز جماعت جلسه استراحت را فراموش کند آیا برگشتن خلاف متابعت نیست و باید قصد فرادی نماید؟

#### ج

– در فرض سؤال جلسه استراحت در رکعت اوّل و سوم بنابر احتیاط واجب است. در رکعت سوم احتیاطاً بنشیند و جلسه استراحت را تدارک نماید و به امام ملحق شود ولی در رکعت اوّل احتیاطاً بنشیند و تدارک کند و اگر موجب شود قسمتی از قرائت را با امام درک نکند بقصد فرادی نماز را تمام کند و اگر احتیاطاً هم اصل نماز را اعاده کند خوب است.

## اختلاف امام و مأموم

### س ۳۲۶

#### اشاره

– افرادی به مدّت طولانی نماز جماعتی خوانده‌اند که آن نماز جماعت از نظر حضرتعالی صحیح نیست (امام و مأموم هر دو کثیر السفر ولی یکی کامل و دیگری شکسته خوانده، چون هر کدام از مرجع تقلید جداگانه‌ای تقلید می‌کنند)، عدم صحّت نماز جماعتی که این گونه برگزار می‌گردد به چه معناست؟ آیا بطلان و عدم کفایت است و باید نمازهای گذشته قضا شود یا خیر؟

#### ج

– در فرض سؤال نماز امام صحیح است و قضا ندارد ولی مأموم باید اگر خلاف وظیفه منفرد عمل کرده قضای آن نمازها را به جا آورد. و اللّه العالم.

### س ۳۲۷

#### اشاره

– اقتدا به امام جماعتی که فتوای مرجع تقلیدش با مرجع تقلیدِ مأموم در نماز مسافر متفاوت است صحیح است یا خیر؟

#### ج

– اقتداء به او در نماز صبح و مغرب اشکال ندارد ولی در نمازهای چهار رکعتی مأموم باید احراز کند که در این نمازی که اقتداء می‌کند اختلاف نظر وجود نداشته باشد. و اللّه العالم.

### س ۳۲۸

#### اشاره

– حکم نمازی که امام جماعت نماز قضا، و مأمومین نماز اداء به او اقتدا می‌کنند چگونه است؟ و اگر امام جماعت نماز قضای دیگری را بخواند، چطور؟

#### ج

– اگر نماز قضاء امام نماز قضاء یقینی و لو برای دیگری باشد اقتداء بلامانع

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۶

است ولی اگر نماز قضاء احتیاطی باشد چه از خودش و چه از دیگری اقتداء اشکال دارد. و اللّه العالم.

### س ۳۲۹

#### اشاره

- اگر امام و مأموم در احکام طهارهٔ با هم اختلاف داشته باشند مثلًا امام نماز با غسل جمعه را جائز می‌داند و صحیح ولی مأموم صحیح نمی‌داند.

#### ج

- در فرض سؤال اقتداء جائز نیست.

### س ۳۳۰

#### اشاره

- اگر اختلاف امام و مأموم در اصل جواز اقتداء باشد مثلًا امام به فتوای مجتهد خود دو بار جماعت را جائز می‌داند ولی مأموم خیر؟

#### ج

- در فرض مذکور مأموم به نمازی که دوباره امام میخواند نمیتواند اقتداء کند.

اگر اختلاف امام و مأموم در وجوب سوره باشد که امام واجب نمی‌داند ولی مأموم واجب می‌داند؟

ج- در فرض سؤال در صورتی که امام سوره را نخواند مأموم نمیتواند اقتداء کند.

### س ۳۳۱

#### اشاره

- اگر اختلاف در بقیه نماز باشد (مثلًا تسبیحات اربعه باشد)؟

#### ج

- حکم صور قبلی را دارد

### س ۳۳۲

#### اشاره

- اگر امام مقلد کسی است که فرادی کردن نماز را در جماعت جائز می‌داند ولی مأموم خیر؟

ج

– در فرض سؤال اقتداء اشکال ندارد.

### صفوف جماعت

### س ۳۳۳

اشاره

– در مسجد جامع نماز منعقد می‌شود در صف دهم یا کمتر جائی دیواری کشیده شد به ارتفاع تقریباً چهل سانت عرض آن ۱۵ سانت بطول چهار متر برای مرد که صف جلو بغل دیوار و صف پشت دیوار که فاصله‌اش از یک گام معمولی کمتر باشد آیا حائل حساب می‌شود یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه مأمومین در حال جلوس صف جلوتر از خود را می‌بینند و فاصله بین محلّ سجده آنها با محلّ ایستادن صف جلو از یک گام کمتر است جماعت اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۹۷

### س ۳۳۴

اشاره

– بنده مقلد مرجعی بودم که می‌گفت نماز جماعت کسی که پشت ستون باشد از طرف راست یا چپ اتصال داشته باشد صحیح است و اگر صفوف تا درب مسجد برسد نماز افرادی که مقابل درب هستند صحیح ولی کسانی که دو طرف درب هستند اشکال دارد. الآن مقلد مرجعی هستم که می‌گوید اشکال ندارد آیا باید نمازهای گذشته خود را اعاده نمایم؟

جامع الاحکام ؛ ج۱ ؛ ص۹۷

ج

– با رجوع به مرجع فعلی در این مسأله اعاده و قضا لازم نیست. و اللّه العالم.

### س ۳۳۵

اشاره

– ستونهای آهنی در مساجد زیاد است آیا برای صفهای جلوی نماز جماعت مانعی دارد یا خیر چون اکثراً بیست سانت یا بیست و پنج سانت است؟

**ج**

– مانع نیست.

### س ۳۳۶

**اشاره**

– خانمها در پشت پرده کمی از امام جماعت عقب بایستند صحیح است یا باید بقدری عقب تر باشند که محل سجده آنها عقب‌تر از قدمهای پیشنماز باشد.

**ج**

– کمی از امام جماعت عقب بایستند کافی است.

### س ۳۳۷

**اشاره**

– اگر در نماز جماعت که زنها پشت پرده نماز می‌خوانند در وسط نماز بسبب پاره شدن طناب یا هر سبب دیگر پرده بیافتد و در نتیجه زنان و مردان بدون پرده در یک صف قرار بگیرند وظیفه چیست؟

**ج**

– اشکال ندارد.

### س ۳۳۸

**اشاره**

– از عروه جلد اول فی شرائط الجماعهٔ مسأله ۲۲ لا یضر الفصل بالصبی الممیّز ما لم یعلم بطلان صلاته اینطور می‌فهمم که اگر بچه ممیز غیر بالغ وسیله اتصال باشد مثلًا در صف اول سه یا چهار بچه باشند تا وقتی که علم به بطلان نماز آنها نداریم اتصال حاصل و جماعت صحیح است مرحوم آیت اللّه گلپایگانی حاشیه دارند بدین مضمون مشکل بل الظاهر لزوم العلم بالصحهٔ ما لم یبلغ، فتوای حضرتعالی چیست؟

ج

– در مورد سؤال، نظر این جانب با نظر مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی ره موافق است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۸

### س ۳۳۹

اشاره

– حایلی که بایـد بین مردان و زنان در حال نماز باشـد اگر در نماز جماعت آن حایل دیوار سـی سانتی یا بیشتر باشد چه طور اسـت آیا اتصال زنان از پشت دیوار صحیح است یا نه؟

ج

– اگر منظور این است که ارتفاع دیوار سـی سانت است نماز جماعت آنها اشکال ندارد و اگر منظور این است که عرض دیوار سی سـانت و یا بیشتر است در این صورت هم در صورت صـدق محلّ واحـد برای جماعت و فهمیـدن خانمها موقع رکوع و سـجود امام جماعت را، جماعت اشکال ندارد.

## احکام متفرقه نماز جماعت

### س ۳۴۰

اشاره

– مؤمنی می‌پرسید که من وقتی که نماز خود را فرادی می‌خوانم حضور قلب و خشوع بهتر دارم اما در نماز جماعت آن حضور قلب برایم پیدا نمی‌شود با این حال نماز خود را با جماعت بخوانم یا بطور فرادی؟

ج

– نماز را بجماعت بخواند و از فضـیلت عظیم آن خود را محروم ننماید و اگر کسـی در نماز توفیق حضور قلب و خشوع داشته باشد چون منشأ آن توجه بعظمت خداونـد است در جماعت هم این حالت حاصل می‌شود، بلی ممکن است ابتـداءً چون عادت نکرده آن حال را پیدا نکند ولی تدریجاً محقق می‌شود انشاء اللّه. و اللّه العالم.

### س ۳۴۱

اشاره

– در زمان انعقاد جماعت، منفرداً نماز خواندن چطور است و قبل از شـروع نماز و یا بین صـلاتین اگر موجب توهین به امام جماعت

شود چطور است در امام جماعت مشکوک العدالهٔ تکلیف چیست؟

### ج

– در محلی که نماز جماعت منعقد است چنانچه فرادی خواندن ظهور در تفسیق امام جماعت داشته باشد نباید در آنجا نماز فرادی خوانده شود.

## س ۳۴۲

### اشاره

– موقع اقامه نماز جماعت کسانی هستند که در جماعت شرکت نکرده به صحبت می‌پردازند و نمازشان را فرادی می‌خوانند باین جهت باعث اختلاف می‌شوند آیا نماز این افراد صحیح است یا خیر؟

### ج

– در محلی که نماز جماعت اقامه شده چنانچه فرادی نماز خواندن ظهور در

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۹۹

تفسیق امام جماعت داشته باشد نماز فرادی جائز نیست و باطل است.

## س ۳۴۳

### اشاره

– اگر کسی در اول وقت وارد مسجد شود، و در حالی که نماز جماعت بپاشده باشد به واسطه عذری نماز را فرادی بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

### ج

– اگر فرادی خواندن نماز در نظر کسانی که آنجا نماز جماعت می‌خوانند انتزاع تفسیق امام جماعت نشود اشکال ندارد. و اللّه العالم.

## س ۳۴۴

### اشاره

– امام جماعت تا چند نوبت می‌تواند نماز یومیه را به جماعت بخواند و تا چند نوبت می‌تواند نماز عید را به جماعت بخواند؟

ج

- تا دو نوبت در نمازهای یومیّه ولی در نماز عید مشروعیت تکرار آن معلوم نیست. و اللّه العالم.

### س ۳۴۵

اشاره

- آیا امام جماعت می‌تواند نماز قضای میّت (که حتمی بوده نه احتیاطی) را تبرّعاً بخواند و یا اجرت گرفته باشد و دیگران به او اقتداء کنند؟

ج

- در صورتی که نماز قضاء یقینی به ذمّه باشد مانعی ندارد.

### س ۳۴۶

اشاره

- آیا نماز جماعت را بیش از یک مرتبه می‌شود خواند یا خیر و آیا نیت آن چگونه است؟

ج

- اگر امام جماعت برای عدّه‌ای نماز جماعت بخواند جایز است یک بار دیگر همان نماز را برای عدّه دیگری بخواند و زائد بر آن محلّ اشکال است.

### س ۳۴۷

اشاره

- نظر حضرتعالی در مورد مصافحه بعد از نماز جماعت چیست؟ آیا این کار بدعت است؟

ج

- مصافحه بعد از نماز اگر بقصد ورود نباشد اشکال ندارد.

### س ۳۴۸

اشاره

- آیا برپا کردن دو نماز جماعت در مسجدی که یک امام جماعت معین دارد جایز است یا خیر؟

ج

- اگر موجب توهین و یا عناوین محرم دیگر شود اشکال دارد. و اللّه العالم.

س ۳۴۹

اشاره

- آیا نیت جماعت برای امام جماعت لازم است یا نه؟

ج

- نیّت جماعت برای امام جماعت شرط صحت نماز خود او و یا مأمومین نیست بلکه شرط ثواب جماعت بردن اوست. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۰

س ۳۵۰

اشاره

- امام جماعت در وسط نماز عشاء وقتی تشهد را خواند برای تسبیحات اربعه بلند شد، بعد فهمید که مسافر است باید نمازش را شکسته بخواند (مأمومین هم می‌دانستند که امام مسافر است) ولی نمازش را تمام خواند آیا نماز مأمومین باطل است یا نه؟

ج

- در فرض مذکور که امام بعد از تشهد فهمیده باشد که مسافر است و نماز را عمداً یا سهواً تمام خوانده باشد نماز مأمومین با او اشکال ندارد فقط رکعت سوم و چهارم آنها بطور قهری فرادی واقع می‌شود ونیت ادامه اقتدا که بواسطه جهل بحکم بوده مضرّ بصحت نماز آنها نیست بلی اگر در رکعت سوم و چهارم بگمان صحت اقتدا جهت متابعت رکنی را زیاد کرده باشند باید نماز را اعاده نمایند.

نماز جمعه

س ۳۵۱

اشاره

- حکم نماز جمعه در زمان غیبت حضرت ولی عصر (ارواح العالمین له الفداء) چگونه است؟

ج

- به نظر حقیر در زمان غیبت در صورت خواندن نماز جمعه احتیاط واجب خواندن ظهر است ولی نظر به اینکه در حال حاضر خلوت ماندن نماز جمعه موجب ضعف مؤمنین در حفظ مواضع اسلامی است در حدّی که شوکت این مراسم محفوظ بماند مؤمنین شرکت نمایند.

س ۳۵۲

اشاره

- وقت شروع نماز جمعه از اول زوال است تا چه موقع؟

ج

- وقت نماز جمعه از اوّل زوال است تا مدت زمانی که مکلّف با تحصیل شرائط بدون عجله آن را بتواند انجام دهد.

س ۳۵۳

اشاره

- آیا خواندن نماز ظهر بعد از امام جمعه لازم است؟

ج

- شرکت در اقامه نماز جمعه بسیار خوب است ولی بنظر این جانب نماز جمعه بنابر احتیاط واجب کفایت از ظهر نمی‌کند. و اللّه العالم.

س ۳۵۴

اشاره

- شرکت کنندگان در نماز جمعه نماز ظهر از آنها ساقط است یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، بنابر احتیاط واجب باید نماز ظهر را هم بخوانند و چنانچه امام جمعه اکتفا به نماز جمعه کند باید نماز ظهر و عصر را خودشان بخوانند و رجاءً اقتدا جایز است ولی نباید به آن اکتفا شود.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۱

س ۳۵۵

اشاره

– بنابر فتوی مرحوم آیت اللّه گلپایگانی قدس سرّه نماز جمعه کفایت از نماز ظهر نمی‌کند و مقلدین باید نماز ظهر را بنابر احتیاط واجب بخوانند همچنین در صورتی اقتداء به نماز عصر درست است که امام نماز ظهر خود را بجا آورد حال آیا باید مأمومین در صف جلو (بطوری که صف تشکیل شود) نیز بلند شوند و نماز ظهر را بخوانند تا نماز عصر مأمومین در صف بعد صحیح باشد؟

ج

– بلی اگر کسی بخواهد طبق احتیاطی که مرحوم آیت اللّه گلپایگانی قدس سره فرموده‌اند عمل کند باید در این جهت نیز رعایت احتیاط بنماید اگر مأمومین صف جلو نماز ظهر را احتیاطاً میخوانند در نماز عصر اقتدا بی‌اشکال است و اگر به مرجعی رجوع کرده که خواندن نماز ظهر را لازم نمیداند نمازش اگر چه صف جلو نماز ظهر را نخوانند بی‌اشکال است.

س ۳۵۶

اشاره

– در هندوستان کارکنان اداره‌ها از جهت اینکه دولت غیر اسلامی است و برای خصوص نماز جمعه تعطیل نمی‌کند نمی‌توانند در وقت شرعی در نماز جمعه شرکت نمایند، شرکت نکردن آنها جائز است؟ آیا می‌توانند بعد از تعطیل اداره یک ساعت و نیم بعد از ظهر اقامه جمعه نمایند؟

ج

– در صورت اقامه نماز جمعه باید اوّل وقت خوانده شود و یک ساعت و نیم بعد از ظهر وقت نماز جمعه می‌گذرد و بنظر این جانب نماز جمعه در غیبت امام زمان أرواحنا فداه واجب نیست و کفایت از ظهر نمی‌کند.

س ۳۵۷

**اشاره**

– امام جمعه می‌تواند مسافر باشد یا نه، در جائی که بی‌احترامی به نماز جمعه نباشد و خلاصه نز دیک نماز جمعه نباشد آیا می‌توان نماز ظهر و عصر را با جماعت خواند یا باید صبر کرد؟

**ج**

– امامت نماز جمعه برای مسافر محلّ اشکال است و نسبت بتأخیر نماز ظهر و عصر تا تمام شدن نماز جمعه اولی رعایت این جهت است لکن واجب نیست. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۰۲

**س ۳۵۸**

**اشاره**

– با توجّه به این که تعدادی از ائمّه محترم جمعه شهرستان‌ها، در قم ساکن می‌باشند و روزهای جمعه جهت برگزاری نماز جمعه، به محلّی که وطن آنها نیست مراجعه نموده و نماز عصر خود را با توجّه به فتوای مرجع تقلید خود کامل می‌خوانند، اگر نظر مرجع تقلیدِ مأمومین خلافِ نظر مرجع تقلید امام باشد، آیا اقتدا در این صورت صحیح است؟

**ج**

– در فرض سؤال، اقتداء صحیح نیست. و اللّه العالم.

**س ۳۵۹**

**اشاره**

– شرکت در نماز جماعت و نماز جمعه‌ای که در عدالت امام شک دارم جهت تقیه از اداره متبوعه چه حکمی دارد؟

**ج**

– این مورد از موارد تقیه که موجب اکتفاء به عمل تقیه‌ای می‌شود نیست، اگر بطور صوری نماز خوانده‌اید باید خودتان نماز را فرادی یا با جماعت صحیح بخوانید. و اللّه العالم.

### س ۳۶۰

#### اشاره

- سوره‌های و الضحی و الم نشرح، فیل و ایلاف که در نماز حکم سوره واحده را دارند آیا در غیر نماز مثل خطبه جمعه هم این چنین است؟

#### ج

- در غیر نماز این حکم را ندارند.

### س ۳۶۱

#### اشاره

- خریدوفروش در روز جمعه مکروه است یا مباح؟ مسافرت در روز جمعه مکروه است یا مباح؟

#### ج

- معامله در وقت اقامه نماز جمعه و مسافرت قبل از اداء آن مکروه است.

### س ۳۶۲

#### اشاره

- استدعا می‌شود تعیین ساعت کنید خطبه نماز جمعه را و خود نماز جمعه از اوّل ظهر شرعی چقدر باید بکشد چقدر از ظهر بگذرد نماز جمعه ساقط است تا تمام بشود چقدر باید از ظهر بگذرد که اگر از آن وقت گذشت نماز جمعه ساقط است اگر امام جمعه‌ای اعتناء نکرد بعد از تعیین وقت نماز جمعه خواند مردم مسأله را نمیدانند امام جمعه معصیت کرده یا نه؟

#### ج

- اوّل وقت نماز جمعه زوال شمس است و هرگاه زمانی بگذرد که در آن مقدار از زمان، مکلّف تمکن داشت که تحصیل شرائط نماید مانند طهارت و اجتماع و غیر اینها بحسب عادت مردم با رفاهیت بدون سستی و بدون تعجیل، وقت آن تمام شده و چون این

امور بحسب موارد و اشخاص، متفاوت است نمیتوان آن را با

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۳

ساعت معیّن کرد یادآوری می‌شود بنظر این جانب در عصر غیبت، بنابر احتیاط واجب نماز جمعه مجزی از نماز ظهر نیست و کسی که آن را می‌خواند باحتیاط واجب باید ظهر را بخواند را نیز بخواند. و الله العالم

### س ۳۶۳

### اشاره

- امام در نماز جمعه رکوع را دو مرتبه انجام بدهد یا مأموم دو مرتبه اشتباهاً انجام دهد نماز باطل است یا اضافه رکوع مأموم در جمعه مثل نماز جمعه است.

### ج

- اگر امام رکوع را دو مرتبه انجام دهد و یا مأموم عمداً یا اشتباهاً دو مرتبه انجام دهد، نماز جمعه باطل است بلی اگر مأموم سر از رکوع بردارد و ببیند هنوز امام در رکوع است و بقصد تبعیّت مجدّداً به رکوع رود و امام را در رکوع درک کند اشکال ندارد. والله العالم

## نماز آیات

### س ۳۶۴

### اشاره

- گاهی از رادیو و تلوزیون اعلام می‌کنند در یکی از کشورهای عربی خسوف و کسوف رخ داده آیا برای ما که در ایران هستیم نماز آیات واجب است؟

### ج

- واجب نیست. و اللّه العالم.

### س ۳۶۵

### اشاره

- اگر شخصی در حال مسافرت با هواپیما گرفتگی ماه یا خورشید را مشاهده نماید آیا نماز آیات به این شخص واجب می‌شود یا خیر؟

**ج**

- واجب است.

**س ۳۶۶**

**اشاره**

- اگر به شخصی که با هواپیما مسافرت می‌کند اطلاع بدهند که در محاذی حرکت شما زلزله بوقوع پیوسته، اگر از این مخابره برای شخص یقین حاصل شود نماز آیات در فرض سؤال واجب می‌شود یا خیر؟

**ج**

- واجب نمی‌شود.

**س ۳۶۷**

**اشاره**

- اگر زنی حائض باشد و ماه یا خورشید بگیرد آیا باید بعد از پاک شدن نماز آیات بخواند یا نه؟

**ج**

- بر زنی که در حال کسوف و خسوف و یا زلزله حائض یا نفساء است نماز

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۴

آیات واجب نیست بلی مستحب است بعد از پاک شدن آن را بخواند ولی بنابر احتیاط در گرفتن ماه و خورشید نیّت اداء و قضا نکند و در زلزله نیت ادا کند.

**س ۳۶۸**

**اشاره**

- در نماز آیات، همه رکوعها قیام قبل از رکوع و قیام بعد از رکوع دارد یا فقط در مورد رکوع آخر هر رکعت واجب است؟

**ج**

- قیام متصل برکوع برای تمام رکوعها واجب است.

### نماز مستحبی

**س ۳۶۹**

**اشاره**

- رفتن زنان برای نماز عید چه صورت دارد برای تشییع جنازه چه صورت دارد؟

**ج**

- اولی بلکه احوط آنست که زنها در نماز عید شرکت نکنند مگر پیرزنها و تشییع جنازه برای زنها کراهت دارد. و الله العالم

**س ۳۷۰**

**اشاره**

- در نماز غفیله بعد از حمد که به جای سوره «و ذا النون إذ ذهب» یا در رکعت دوّم که به جای سوره «و عنده مفاتح الغیب» خوانده می‌شود آیا قبل از این دو آیه کلمه طیّبه «بسم اللّه الرحمن الرحیم» باید گفت یا نه؟

**ج**

- لازم نیست. و اللّه العالم.

**س ۳۷۱**

**اشاره**

- وقت نماز غفیله را با ساعت بفرمائید چه موقع است و اگر دیر شد می‌شود خواند یا نه؟

**ج**

– وقت آن بحسب فصول سال کم و زیاد می‌شود بطور کلی باید بین نماز مغرب و عشاء خوانده شود و جایز است آن را بعنوان نافله نماز مغرب بخواند و در این صورت وقت آن بمقدار وقت نماز مغرب امتداد دارد و بهتر است که بقصد رجاء بخواند

**س ۳۷۲**

**اشاره**

– آیا دعا در نمازهای نافله و نماز وتر و غفیله بزبان فارسی جایز است یا خیر؟

**ج**

– جایز است ولی خواندن دعاهائی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده از جهات متعدد راجح است و فضیلت دارد و سزاوار نیست شخص خود را از فیض
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۰۵
خواندن آن دعاهای عالیهٔ المضامین محروم سازد.

**س ۳۷۳**

**اشاره**

– نماز اوّل ماه را می‌شود قبل از آفتاب خواند یا نه؟

**ج**

– خواندن نماز اوّل ماه از اوّل طلوع آفتاب تا مغرب قطعاً بلااشکال است و بعید نیست قبل از طلوع آفتاب هم صحیح باشد و در این صورت بهتر است بقصد رجاء بخواند. و الله العالم

**س ۳۷۴**

**اشاره**

– هنگام زیارت حضرت معصومه علیها السلام دو رکعت نماز زیارت را به چه عنوان بخواند؟ (چون می گویند برای ائمه وارد شده

است).

ج

- نماز را بعنوان یک دستور از طرف شرع که در این مورد وارد شده باشد نخواند بلکه نیّت کند دو رکعت نماز میخوانم قربهٔ الی اللّه و ثواب آن را هدیه به حضرت معصومه (ع) نماید.

س ۳۷۵

اشاره

- زیارت را که بقصد خود و نیابت دیگران می‌خواند آیا نمازش را نیز می‌تواند بهمین قصد بخواند؟ و نیز نماز طواف مستحبی را که بقصد خود و نیابت دیگران می‌خواند.

ج

- اگر برای خود می‌خواند نمازش را هم بهمین قصد بخواند و اگر به نیابت دیگران است نمازش را هم بهمان قصد بخواند و قصد خود و نیابت از دیگران در یک عمل چه در زیارت و چه در نماز محل اشکال است بلی اگر قصد نیابت نکند و نیتش این باشد که ثواب این زیارت یا نماز برای خود و دیگران باشد اشکال ندارد.

س ۳۷۶

اشاره

- آیا در نافله بعد از حمد اگر بخواهد سوره‌ای بخواند باید یک سوره کامل بخواند یا بعض آن را هم می‌شود خواند؟

ج

- می‌تواند اکتفا به بعض سوره بنماید ولی در نمازهای مستحبی که در آداب آن سوره خاصی وارد شده باید آن سوره را تا آخر بخواند. و اللّه العالم.

س ۳۷۷

اشاره

– آیا در سفر همه نوافل غیر از نماز شب ساقط است و یا اینکه نماز غفیله و وتیره را می‌توان خواند؟

ج

– در سفر نوافل ظهر و عصر ساقط است و بقیه نوافل ساقط نیست و فقط احتیاط این است که نافله عشاء و وتیره بقصد رجاء بجا آورده شود بنابراین نافله

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۶

مغرب و صبح و شب و غفیله ساقط نیستند. و اللّه العالم.

## نماز مسافر

### قصد مسافرت

#### س ۳۷۸

##### اشاره

– شخصی از اول قصد مسافت نداشت، اول قصد سه کیلومتر داشت بعد از آن گفت برویم تا هشت کیلومتر و هکذا تا رسید به ۲۵ کیلومتر، نماز این شخص در ذهاب تمام است سؤال اینکه اگر در ۲۵ کیلومتری دو شب ماند در مدتی که مانده و در برگشت نمازش چگونه است؟

ج

– در فرض سؤال در آن دو شب نمازش تمام است و در برگشت نیز چون برگشت هشت فرسخ شرعی نیست نماز تمام است.

#### س ۳۷۹

##### اشاره

– شخص بیهوشی که در حال بیهوشی به تهران برده می‌شود و معلوم است که از شرایط قصر قصد مسافت شرعی در حین خروج از وطن می‌باشد. اگر این شخص بمجرد رسیدن به تهران بهوش بیاید و پنج روز بیشتر قصد ماندن در تهران را نداشته باشد نماز خود را در تهران و برگشتن به وطن قصر بخواند یا تمام؟

ج

– در مورد مسأله باید نمازهایش را در تهران تمام بخواند و در بازگشت به وطنش که علی الفرض بحد مسافت شرعیه است چون انشاء سفر می‌نماید نمازش قصر است.

### وطن دوم

### س ۳۸۰

#### اشاره

- آیا انسان می‌تواند بیشتر از دو وطن اخذ کند؟

#### ج

- بلی می‌تواند. و اللّه العالم.

### س ۳۸۱

#### اشاره

- می‌گویند اگر کسی در شهری مقیم شد و قصد توطن نداشته اگر مدّت مدیدی بماند که صدق کند عرفاً اهل آن بلد است نماز او تمام است سؤال اینکه از چه موقع نماز را تمام بخواند از همان اوّل یا بعد از گذشتن آن مدّت که
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۷
عرفاً صدق کند و چه مدت باید بگذرد چند ماه یا چند سال؟

#### ج

- حدّ معینی چند ماه یا چند سال ندارد میزان این است که بمقداری توقف کند که در نظر عرف صدق وطن کند یعنی مردمی که از وضع او باخبرند بگویند این شخص وطنش اینجا شده است.

### س ۳۸۲

#### اشاره

- آیا حوزه برای طلبه ای که قصد اقامت مثلًا پنج سال را دارد حکم وطن حساب می‌شود؟

#### ج

- در صورتی که مدت توقف شما در آن شهر معین باشد حکم وطن ندارد.

### اعراض از وطن

### س ۳۸۳

#### اشاره

– اعراض با قصد محقق می‌شود و یا به اعراض قهری هم محقق می‌شود؟

#### ج

– باعراض قهری نیز محقّق می‌شود. و اللّه العالم.

### س ۳۸۴

#### اشاره

– کسی از وطن اصلی خود اعراض کرده ولی آنجا ملك دارد وقتی که به آنجا می‌رود نمازش تمام است یا شکسته؟

#### ج

– با فرض اعراض حکم مسافر دارد. و اللّه العالم.

### س ۳۸۵

#### اشاره

– کسی از وطن اصلی اعراض نکرده و پدر و مادرش آنجا زندگی می کنند و سالی چند مرتبه به آنجا می‌رود وظیفه‌اش نسبت به نماز و روزه چیست؟

#### ج

– با فرض عدم اعراض و لو قهری نماز تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

### س ۳۸۶

#### اشاره

– کسی از وطن اصلی خود اعراض نکرده ولی هر سال نمی‌تواند به آنجا برود وقتی که به آنجا می‌رود و کمتر از ده روز می‌ماند وظیفه‌اش نسبت به نماز و روزه چیست؟

#### ج

- با فرض عدم اعراض و لو قهری نماز تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

### س ۳۸۷

#### اشاره

- این جانب حدود ۲۲ سال است از وطن اصلی به اصفهان آمده‌ام و

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۰۸

امید دارم که اگر بازنشسته شدم برگردم وطن و آنجا زندگی خود را ادامه دهم آیا در حال حاضر نمازم در وطن تمام است یا شکسته؟ و آیا می‌توانم در اطراف وطن ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری نمازم را تمام بخوانم یا نه؟

#### ج

- در فرض سؤال که از وطن اصلی اعراض نکرده‌اید نماز شما در وطن تمام و روزه صحیح است و اگر از وطن ۱۰ یا ۲۰ کیلومتر بروید و قصد مسافت شرعی نداشته باشید نماز را تمام بخوانید.

### س ۳۸۸

#### اشاره

- شخصی ۳۰ سال خدمت خود را در استخدام یکی از وزارتخانه‌ها در یکی از شهرها که وطن او نیست و قصد توطن هم نکرده می‌گذراند و بعد از اتمام ۳۰ سال بر می‌گردد به شهر خود، در طول استخدام در آن شهر نماز و روزه‌اش چگونه است آیا همیشه باید قصد اقامه ده روز کند یا خیر؟

#### ج

- در شهر محلّ خدمت حکم مسافر دارد.

### س ۳۸۹

#### اشاره

- پسر از خانه پدر جدا شده است. پدر در تهران زندگی می‌کند پسر در قم زندگی می‌کند اگر پسر در ماه رمضان به منزل پدر که در تهران است برود نماز و روزه‌اش تمام است یا نه؟ و همچنین اگر پدر به منزل پسر برود نماز و روزه‌اش شکسته است یا نه؟

#### ج

- اگر پسر از وطن سابق خود (تهران) اعراض کرده باشد فعلًا که به خانه پدری میرود حکم مسافر را دارد و همچنین است حکم پدر که بخانه فرزند میرود.

### س ۳۹۰

#### اشاره

- کسی ۲ خانه دارد یکی در روستا و یکی در قم ساکن دائمی قم می‌باشد تصمیم جدّی نگرفته که دیگر روستا نمی‌روم ترک علقه هم نکرده، برود روستا نماز این شخص شکسته است یا تمام؟

#### ج

- اگر تصمیم جدّی به اعراض از روستائی که قبلًا وطن او بوده نگرفته نماز و روزه او در روستای مذکور تمام و صحیح است. و اللّه العالم.

### س ۳۹۱

#### اشاره

- این جانب در اداره پست میلاجرد انجام وظیفه می‌نمودم و از اهالی آنجا می‌باشم و در آن محل خانه و باغ دارم و مدت چهار سال است که به مرا اراک انتقال داده‌اند این جانب نمازم را در اراک تمام می‌خوانم و موقعی که به میلاجرد می‌روم ۲ روز و یا ۳ روز اقامت می‌کنم و آنجا هم نمازم را تمام
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۹
می‌خوانم آیا عمل این جانب صحیح است؟

#### ج

- در مورد سؤال تا موقعی که از میلاجرد که وطن فعلی شما است اعراض نکرده باشید حکم وطن باقی است نماز شما در آنجا و لو دو روز یا یک روز می‌مانید تمام و روزه صحیح است و اما در اراک چنانچه قصد توطن کرده‌اید حکم وطن دارد ولی اگر قصد توطن نکرده‌اید در صورتی که قصد اقامه ده روز نداشته باشید نماز شکسته است و روزه صحیح نیست ولی در صورتی که وضع شغلی و رفت و آمد شما به اراک طوری است که در اراک ده روز نمی‌مانید و در بین ده روز از آنجا به وطن رفت و آمد دارید باید نماز را تمام بخوانید و روزه را بگیرید، بلی اگر گاهی اتفاقاً در وطن با قصد یا بی‌قصد و یا در اراک با قصد ده روز بمانید در سفر اول بعد از آن نماز را شکسته بخوانید و روزه نگیرید.

## تبعیت همسر و فرزند در سفر

### س ۳۹۲

### اشاره

- دختری که خانه شوهر می‌رود اگر خارج از مسافت شرعی باشد در شب اول که خانه شوهر وارد می‌شود و قبل از ۱۰ روز برمی‌گردد نماز او چه حکمی دارد؟ آیا دختر به مجرد ورود به خانه شوهر وطن او حساب می‌شود یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال به مجرد ورود به خانه شوهر وطن محسوب نمی‌شود، بنابراین در مدت توقف کمتر از ده روز، نماز شکسته است. و اللّه العالم.

## س ۳۹۳

### اشاره

- اگر دختری که شوهر رفته است به خانه پدر و برادر خودش برود نماز قصر است یا تمام؟

### ج

- اگر خانه پدر و برادر در وطن شوهر نباشد نماز زن قصر است.

## س ۳۹۴

### اشاره

- معقوده دائمی که با وطن شوهرش مسافت شرعی فاصله است و هنوز عروسی نشده مکرّر به وطن شوهر رفت و آمد دارد بدون قصد اقامه، تکلیف نماز و روزه‌اش بین راه و در وطن شوهرش چیست؟ و همچنین شوهرش که چه بسا کثیر السفر هم هست ولی این رفت و آمدها بخاطر ملاقات یکدیگر است تکلیف نماز و روزه‌اش چیست؟

### ج

- در فرض سؤال قبل از انتقال عروس بوطن شوهر بعنوان عروسی و ماندن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۰

در نزد شوهر وطن شوهر برای زوجه حکم وطن ندارد و مجرّد رفت و آمد جهت دیدن موجب تمام خواندن نماز در مسافرت نمی‌شود و همچنین است حکم نسبت به شوهر.

## س ۳۹۵

اشاره

– زنی که ازدواج می‌کند و از وطن اصلی خود به شهر دیگری می‌رود و در عرض سال چند مرتبه برای دیدن ارحام به وطن اصلیش بازمی‌گردد نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج

– در فرض سؤال که زن بنا دارد در وطن شوهر همراه با شوهر زندگی کند اعراض قهری از وطن خود اوست در بازگشت به وطن جهت صله ارحام حکم مسافر را دارد.

س ۳۹۶

اشاره

– آیا تابع بودن زن از شوهر تا چه حدّ می‌باشد مثلًا اگر شوهرش گاهی در وطن اصلیش یک شب و دو شب می‌ماند و همسرش را با خودش میبرد آیا وظیفه زن نسبت به نماز و روزه چیست؟

ج

– اگر سابقاً در وطن شوهر همراه او زندگی کرده است فعلًا هم که به وطن شوهر می‌رود نماز تمام و روزه او صحیح است و الا وطن قبلی شوهر که فعلًا شوهر در غیر آنجا زندگی میکند برای زوجه او حکم وطن ندارد.

س ۳۹۷

اشاره

– شوهر از مشهد و همسرش از بشرویه است زوجین برای زیارت و احوالپرسی به مشهد می‌آیند آیا تکلیف این زن برای نماز و روزه‌اش چیست درحالی‌که از وطن اصلی پدری خود اعراض نکرده است؟

ج

– در فرض سؤال که زن هنوز بوطن همسرش (مشهد مقدس) منتقل نشده و بطور موقت برای زیارت رفته است در وطن همسرش حکم مسافر را دارد که اگر قصد اقامه ده روز ننماید باید نماز را شکسته بخواند و روزه‌اش صحیح نیست هرچند تکلیف شوهرش اتمام نماز و گرفتن روزه است.

س ۳۹۸

اشاره

– تکلیف فرزندان این خانواده برای نماز و روزه در بشرویه چیست؟ بخصوص که بخاطر وجود پدر بزرگ و مادر بزرگشان و اقوام آنان در این شهر اقامت در آن را دوست می‌دارند؟

**ج**

– در صورتی که خود فرزندان فعلًا در زندگی مستقل نشده باشند و همراه پدر
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۱
و مادر هستند در بشرویه حکم مسافر را دارند.

### س ۳۹۹

**اشاره**

– دختری را پس از ازدواج بشهر دیگری می‌برند و در آنجا ساکن می‌شود و اگر با شوهرش بشهر خودش (یعنی زادگاه پیش پدر و مادرش) می‌آید با توجه باینکه تابع شوهر است مثل شوهرش حکم مسافر دارد یا نه؟

**ج**

– در مورد سؤال چنانچه زوجه بنا دارد با شوهر خود در شهر شوهرش زندگی نماید معنی این اعراض قهری از زادگاه خود می‌باشد. بنابراین زوجه مذکوره در زادگاه خود حکم مسافر دارد مگر اینکه قصد اقامه ده روز بنماید یا متردّداً یک ماه در آنجا مانده باشد.

### س ۴۰۰

**اشاره**

– زن وقتی که با شوهر خانه پدر شوهرش می‌رود آیا نمازش قصر است یا تمام چون شوهر اعراض نکرده است همچنین زن وقتی که می‌رود برای دیدن پدر و مادرش که منزل آنها جای اول نیست رفته‌اند در شهر دیگر آیا نماز زن تمام یا قصر است؟

**ج**

– در هر دو صورت نماز زن قصر است.

### س ۴۰۱

**اشاره**

– این جانب متولد تهران هستم ولی پس از ۵ سال به شهرستان نجف‌آباد آمدیم و به مدت چند سال آنجا زندگی می‌کردم. وقتی ازدواج کردم نیز به مدت ۳ سال در نجف‌آباد بودم ولی در حال حاضر ساکن اصفهان هستم و در اصفهان زندگی می‌کنم با این حال که محلّ کار همسرم در نجف‌آباد و خانه پدری و خانه پدر شوهرم نیز در نجف‌آباد می‌باشد. حال می‌خواهم ببینم حکم نماز و روزه‌های من در این دو وطن (نجف‌آباد و اصفهان) چگونه است؟

### ج

– اگر نجف‌آباد را به عنوان وطن اتخاذ کرده بودید و از آنجا و لو بتبع شوهر اعراض نکرده‌اید فعلًا هم نماز شما در آنجا تمام و روزه صحیح است. و اگر اصفهان را نیز برای خود وطن قرار داده‌اید، نماز شما در آنجا هم تمام و روزه صحیح است. و اللّه العالم.

### س ۴۰۲

### اشاره

– این جانب وطن پدر و مادریم و محل ولادتم در ۹۰ کیلومتری اصفهان است که منزل مسکونی هم در آن محلّ دارم و از آن محلّ اعراض نکرده‌ام و هفت فرزند دارم که در تهران متولد شده‌اند که چهار نفر آنها ازدواج

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۲

کرده‌اند و سه نفر آنها در منزل حقیر هستند و شوهر نکرده‌اند هر زمانی که به آن محلّ میرویم و چند روزی آنجا هستیم آیا نماز فرزندانم قصر یا تمام است؟ و آیا فرق می‌باشد بین فرزندانی که ازدواج کرده‌اند و یا ازدواج نکرده‌اند. (و اکنون هم ساکن تهران هستم).

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه فرزندانی که هنوز در منزل هستند صغیرند و همراه شما به وطنتان می‌آیند وطن آنها محسوب می‌شود و اگر کبیر هستند و نیز آنها که ازدواج کرده‌اند اگر قبل از بلوغ همراه شما به آنجا رفت و آمد داشته و بعد از بلوغ اعراض نکرده‌اند باین معنی که بناگذاری بر عدم سکونت در آن محل ننموده‌اند و در ضمن هر سال برای ماندن در آنجا به آن محلّ میروند که عرفاً گفته شود آنجا را ترک نکرده‌اند حکم وطنیت باقی است ولی اگر در صورتی که آنجا را ترک کرده‌اند و برای انجام کاری مثل رسیدگی به وضع منزل یا صله رحم می‌روند حکم وطن را ندارد.

## قصد اقامت

### س ۴۰۳

### اشاره

– آیا خارج شدن از حدّ ترخص مُضر به قصد اقامه می‌باشد یا خیر؟

ج

– اگر از اوّل قصد داشته که در بین ده روز از محل اقامه خارج شود نمازش قصر است.

س ۴۰۴

اشاره

– پس از قصد اقامت ده روز و خواندن نماز چهار رکعتی تصمیم گرفتم فقط سه روز توقف نمایم در همان حال متوجه شدم نمازی که خواندم (بخاطر عدم طهارت لباس) باطل بود، آیا در این سه روز نماز شکسته است یا تمام؟

ج

– در فرض سؤال قصد اقامه محقق نشده سه روزی که بنا دارید بمانید نماز شکسته است. والله العالم

س ۴۰۵

اشاره

– روحانی اعزامی از قم وارد روستایی شده و قصد اقامه ده روز کرده و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی (یا بعد از ۳ الی ۴ روز) آیا می‌تواند به روستاهای اطراف رفت و آمد کند؟
(روستاهای همسایه با روستای مرکزی
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۱۳
حد اقل ۴ کیلومتر فاصله دارد که رفت و برگشت ۸ کیلومتر می‌شود).

ج

– در مورد سؤال، چنانچه از اول قصد رفتن به روستاهای اطراف را نداشته و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی این قصد پیدا شده مضر به اقامه نیست و در همه آنها نماز تمام است بلی در دفعه آخر اگر از روستاهای اطراف بقصد قم حرکت می‌کند و از روستای محل اقامه عبور میکند که آن روستا در مسیر او محسوب میشود از همانجا مسافر محسوب می‌شود که بین راه و روستای محل اقامه تا قم نمازش قصر است مگر اینکه بخواهد در آن روستای محل اقامه مدتی هر چند کمتر از ده روز باشد بماند و بعد به قم سفر کند در این صورت نمازش در روستاهای اطراف و روستای محل اقامه تمام است.

س ۴۰۶

اشاره

- این جانب طلبه‌ای هستم همه‌ساله به یکی از روستاهای شهرستان خمین در ایّام تبلیغی جهت تبلیغ دعوت می‌شوم و روستای دیگری در مجاورت آن هست که از بیرون مرکز دهستان تا ابتدای آن روستا ۴ کیلومتر فاصله دارد، مزرعه آنها در جوار هم و در ساعات ساکت صدای برنامه‌های مساجد بطور کامل شنیده و همچنین دیوار ساختمان‌ها دیده می‌شوند لذا با توجه به اینکه وطنم نیست آیا می‌توانم امامت جماعت و مجالس وعظ هر دو روستا را تقبل نمایم؟

ج

- در فرض سؤال که محلّ تبلیغ با روستای مورد ذکر دو محل است و از ابتدا قصد رفتن به هر دو محل دارید قصد اقامه محقق نمیشود بلی بعد از اقامه ده روز در محلّی اگر به محلّ دیگر که بین آن دو مسافت شرعی نیست رفت و آمد کند ضرری به اقامه نمی‌زند مگر اینکه انشاء سفر جدید بشود.

### س ۴۰۷

#### اشاره

- اگر انسان در محلی برای تبلیغ در ماه محرم قصد اقامه برای ده روز کند در میان این ده روز به اطراف آن محل (یعنی در باغ و بستان زراعت‌هایشان و زمین‌هایشان و صحراهای روستا) می‌رود آیا به قصد اقامه ضرر می‌زند یا خیر؟

ج

- رفت و آمد در بساطین و صحراهای محلّ اقامه که متصل به محلّ و نزدیک است ضرر به قصد اقامه نمی‌زند. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۴

### س ۴۰۸

#### اشاره

- اگر شخصی در سفر در مکانی معین قصد ده روز نماید و پس از ده روز بخواهد بعد از ظهر به وطن خود بازگشته و قبل از ظهر فردا به همان مکانی که قصد ده روز کرده بازگردد آیا دوباره بایستی قصد ده روز مجدد نماید؟

ج

- بلی در فرض سؤال اگر بخواهد در مکان مفروض نماز را تمام بخواند باید مجدّداً قصد ده روز کند.

## احکام دائم السفر و سفر شغلی

### س ۴۰۹

**اشاره**

– ملاک دائم السفر بودن چیست؟ همچنین تکلیف معلمین و محصلینی که هفته‌ای یک بار به شهر یا روستای خود مسافرت می‌کنند چیست؟

**ج**

– دائم السفر یعنی کسی که بدون توقف ده روز در یکجا (وطن و یا غیر وطن) مسافرت کند و معلم و یا محصّل که شغل او در سفر است و هر هفته به شهر یا روستای خود برمی‌گردد نماز او تمام و روزه او صحیح است.
و اللّه العالم.

**س ۴۱۰**

**اشاره**

– فرق بین من شغله السفر و من شغله فی السفر چیست؟ آیا احکام مسافر بر هر دو مترتب است؟

**ج**

– من شغله السفر مانند راننده و من شغله فی السفر مانند کسی که از وطنش تا محل کارش بقدر مسافت شرعی است و درآمد و رفت است بطوری که در هیچ‌کدام ده روز متوالی نمی‌ماند و هیچ‌کدام حکم مسافر را ندارند و نمازشان تمام و روزه آنها صحیح است. و اللّه العالم.

**س ۴۱۱**

**اشاره**

– نماز کسی که محلّ کارش از خانه بیش از حد تعیین شده فاصله دارد چگونه است؟

**ج**

– در مورد سؤال که فاصله بیشتر از مسافت شرعی است چنانچه شغلش حدود چهار ماه و بیشتر ادامه خواهد داشت نماز او تمام و روزه‌اش صحیح است.

**دانش‌آموزان و محصلین و معلمین**

**س ۴۱۲**

### اشاره

– کلیه اساتید دانشگاه که هفته‌ای دو روز از تهران به اصفهان برای تدریس می‌آیند حکم نماز و روزه آنها چیست؟

### ج

– افرادی که شغلشان مثل معلمی یا استادی یا مأموریت یا دانشجوئی یا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۵

خرید جنس یا کارگری یا کشاورزی یا تجارت یا تبلیغ و امثال اینهاست اگر در مدت طولانی مثل پنج شش ماه و بیشتر برای این شغلها بصورت همه روزه یا هر هفته یک روز یا بیشتر یا هر ده روز یک بار سفر مینمایند و سفرشان حد اقل ذهاباً و ایاباً هشت فرسخ باشد روزه آنها صحیح و نمازشان تمام است.

## س ۴۱۳

### اشاره

– معلّمی که در هفته پنج یا شش روز به مسافت شرعی می‌رود، شب و روز جمعه خانه می‌آید نماز او تمام است آیا در راه رفت و برگشت نیز وظیفه او تمام است؟

### ج

– بلی در بین راه رفت و برگشت نیز تمام است. و اللّه العالم.

## س ۴۱۴

### اشاره

– کسی که برای درس خواندن هفته‌ای یک یا دو بار به بیش از مسافت شرعی سفر میکند، آیا دائم السفر محسوب می‌شود؟

### ج

– در صورتی که مدتی طولانی مانند چهار ماه و بیشتر این وضع را داشته باشد نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.

## س ۴۱۵

### اشاره

– اگر شخصی برای تحصیل از وطن خود به شهر دیگری برود نماز و روزه‌اش چگونه است و اگر هفته‌ای یک مرتبه به وطن خود

برود نماز و روزه‌اش چگونه است؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه فاصله وطنش با محلّ تحصیل به مقدار مسافت شرعی باشد در صورت اوّل که در محلّ تحصیل، ده روز یا بیشتر پشت سرهم می‌ماند نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است بلی هر وقت که قصد ده روز نکند نماز شکسته است و در صورت دوّم چنانچه همه هفته به وطن بر می‌گردد در وطن و بین راه و محل تحصیل، نماز تمام و روزه صحیح است و اگر اتفاقاً در وطن یا محلّ تحصیل ده روز توقف کرد تفصیلی دارد که در توضیح المسائل مسأله ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ مذکور است مراجعه نمایید. و اللّه العالم.

س ۴۱۶

اشاره

- ما در یک دبیرستان شبانه روزی مشغول تحصیل هستیم فاصله محلّ سکونتمان تا محل تحصیلمان بیشتر از هشت فرسخ است و در طول سال تحصیلی همه هفته از روز شنبه تا روز پنج شنبه در محلّ تحصیل و از ظهر پنج شنبه تا صبح شنبه در محل سکونتمان می‌باشیم وضعیت نماز و روزه ما در محل

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۶

تحصیل و بین راه محل تحصیل و محلّ سکونت چگونه است؟

و بطور کلی آیا سفر برای تحصیل علم سفر شغل یا مقدمه شغل محسوب می‌شود یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، نماز شما در محلّ تحصیل و محلّ سکونت و بین راه تمام و روزه صحیح است بلی چنانچه ده روز در وطن مطلقاً و در غیر وطن با تصمیم قبلی بمانید در سفر اوّل نماز شکسته است و روزه صحیح نیست و از سفر دوم دوباره نماز تمام و روزه صحیح است، و اگر در غیر وطن بدون تصمیم قبلی و بر حسب اتفاق ده روز بمانید در سفر اوّل بعد از آن ده روز هم شکسته و هم تمام بخوانید.

س ۴۱۷

اشاره

- دانش‌آموزان این دبیرستان در طول سال تحصیلی در این دبیرستان شبانه‌روزی زندگی می‌کنند و عموماً هر هفته به وطن خود مراجعت نموده و ایام تعطیلی را در آنجا می‌گذرانند. با توجه به بعد مسافت این دانش‌آموزان با محیط اصلی زندگانیشان بفرمایید انجام فرایض دینی مشارٌ الیهم اعم از نماز و روزه چگونه می‌باشد؟

ج

– دانش‌آموزانی که فاصله محلّ تحصیل آنها با وطنشان حد اقل، چهار فرسخ شرعی است چنانچه در محلّ تحصیل یا در وطن، ده روز متوالی توقف نمی‌کنند نمازشان در هر دو جا و در بین راه تمام و روزه هم صحیح است بلی اگر اتفاقاً ده روز متوالی در وطن توقف کردند چه از اول قصد توقف داشته باشند و چه بدون قصد باید در سفر اول بعد از ده روز نماز را شکسته بخوانند و بعد مجدداً تمام می‌خوانند و بعد از این اگر اتفاقاً در غیر وطن ده روز توقف کردند در صورتی که از اول قصد توقف ده روز را داشته باشند ولی اگر بدون قصد توقف ده روز، توقفشان به ده روز کشیده شده باید احتیاطاً در سفر اوّل بعد از این ده روز نماز را هم شکسته بخوانند و هم تمام و روزه را بگیرند و قضای آن را هم بگیرند و در سفرهای بعدی مجدداً نماز را تمام بخوانند و روزه هم صحیح است. و دانش‌آموزانی که فاصله بین وطن و محلّ تحصیل آنها کمتر از چهار فرسخ است در هر حال نمازشان تمام و روزه صحیح است. و اللّه العالم.

### س ۴۱۸

#### اشاره

– حکم نماز و روزه دانشجویانی که به صورت نامرتب و نامعلوم بین

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۷

شهر خود و محل تحصیل رفت و آمد می‌کنند به طوری که در محل تحصیل گاهی یکی دو روز و گاهی مثلًا چهل روز و یا کمتر می‌مانند و در شهرهای اصلی خویش نیز به همین ترتیب گاهی در تعطیلات مثلًا سی روز و گاهی هم فقط تعطیلات آخر هفته را می‌مانند و بعضی از اوقات نیز در محل تحصیل تنها یک روز برای امتحان و یا سایر امور درسی می‌مانند، چیست؟

#### ج

– با فرض اینکه وضع رفت و آمد ایشان مرتب نیست که اغلب بین شهر خود و محل تحصیل هر هفته یا در بین هر ده روز در رفت و آمد نیستند، حکم مسافر را دارند که باید در بین راه و محل تحصیل با عدم قصد اقامه ده روز یا عدم توقف سی روز بدون قصد، نماز را قصر خوانده و روزه نگیرند و اگر وضع آمد و شد آنها بصورتی است که اغلب بطور مرتب همه هفته یا در بین ده روز آمد و شد به محل تحصیل دارند مثل اینکه آخر ایام هفته بوطن می‌روند وظیفه ایشان اتمام نماز و گرفتن روزه است و در این صورت اگر اتفاقاً یا بجهت تعطیلی دانشگاه ده روز و بیشتر با قصد در محل تحصیل یا ده روز در وطن چه با قصد و چه بی‌قصد بمانند در سفر اول بعد از آن نمازشان قصر و وظیفه ترک روزه است.

### س ۴۱۹

#### اشاره

– این جانب برای تحصیل در دانشگاه و نیز فراگیری دروس حوزوی از اصفهان به قم آمده‌ام و هر چند وقت یک بار به اصفهان مراجعت می‌کنم مثلًا هر دو هفته یک بار، آیا قم هم وطن بنده حساب می‌شود یا خیر؟ حکم نماز و روزه چگونه است؟

#### ج

– در فرض مسأله اگر موقتاً و در مدّت تحصیل در قم می‌مانید وطن محسوب نمی‌شود و با قصد اقامه ده روز نماز تمام و روزه صحیح است.

## سربازان و نیروهای مسلح

### س ۴۲۰

#### اشاره

– سربازی هستم که در غیر وطن خودم مشغول خدمت هستم و در طول خدمت وظیفه‌ام رانندگی است هم رانندگی داخل شهر را انجام می‌دهم و هم مأموریتی که پیش بیاید خارج از شهر بیش از حد ترخص رانندگی می کنم حالا وظیفه من در طول خدمت نسبت به نماز و روزه‌ام چگونه است؟

#### ج

– اگر خدمت به نحو مذکور حد اقل تا چهار ماه ادامه دارد و طوری است که

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۸

ده روز پشت سرهم در شهر نمی‌مانید نماز تمام و روزه صحیح است. و اللّه العالم.

### س ۴۲۱

#### اشاره

– نماز سربازی که محلّ سربازیش از خانه بیش از حد تعیین شده فاصله دارد چگونه است؟ و نیز در محلّ آموزش که ۲ ماه است اگر نماز را شکسته بخواند به دلیل اینکه تصمیم ماندن و یا مدّت آن مشخص نیست چه حکمی دارد؟

#### ج

– اگر سرباز مرتباً به محل سربازی میرود و به وطن برمی گردد و طوری است که ده روز پشت سرهم در وطن یا محل سربازی نمیماند نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است و الا حکم مسافر را دارد بلی هر وقت در محل سربازی قصد ده روز اقامه کند نمازش تمام است و نسبت به محلّ آموزش چنانچه معلوم نباشد که ده روز پشت سرهم میماند یا نه نماز شکسته است بلی اگر با همین حال باقی باشد تا سی روز، از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند مگر اینکه در اثناء سی روز به وطن برود و مجدداً برگردد که نماز شکسته است.

### س ۴۲۲

**اشاره**

– اگر شـغلی در داخل پادگان داشته باشم و هر چند روز یک بار بیشتر از ۴ کیلومتر از آن محل دور شویم و بعـد از ظهر و یا مدت طولانی (چند ساعت) به پادگان برگردم نماز را چگونه به جای آورم آیا می‌توان با توجه به اینکه مطمئن هسـتم که بیش از ۱۰ روز به این طریق در پادگان هستم نماز را تمام بخوانم و اگر در مدت اقامت بیش از ده روز در پادگان هر چند روز یک بار بیشتر از ۲۳ کیلومتر از آن محل دور شـده و بعـد از چنـد ساعت به پادگان برگردم. از خداونـد متعال برای شـما و تمامی خـدمتگزاران واقعی به اسلام طول عمر و سلامتی روزافزون خواهانم.

**ج**

– چنانچه راننده پادگان شوید و بنحو مذکور در سؤال در شـهرها رفت و آمد نمایید و معلوم باشد که حد اقل تا چهار ماه این شـغل ادامه دارد نمـاز تمام و روزه صـحیح است و اگر شـغل شـما در داخل پادگان باشـد در صورتی که مطمئن باشـید ده روز متوالی در آنجا می‌مانید و با این اطمینان یک نماز چهار رکعتی بخوانید بعد از آن، دور شدن از پادگان به مقدار کمتر از مسافت شـرعی ضرر نـدارد و نماز تمام است و اگر مسافرت به ۲۳ کیلومتر و بیشتر در هر چنـد روز حد اقل تا چهار ماه ادامه داشـته باشد در این صورت هم نماز تمام است بشرط اینکه ده روز پی‌درپی، در
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۹
پادگان نمانید ان شاء اللَّه تعالی موفق به انجام فرایض و تکالیف دینی باشـید تعهد شـما به احکام دین و وظایف مذهبی مورد تقدیر است ان شاء اللَّه تعالی شـما و سائر برادرانی که در پادگان انجام وظیفه می‌نمایند در ظل عنایات حضـرت بقیهٔ اللَّه ارواح العالمین له الفداء موفق و سعادتمند باشید و السلام علیکم و رحمهٔ اللَّه و برکاته. و اللَّه العالم.

**س ۴۲۳**

**اشاره**

– پاسدار هسـتم محل کار من تا وطنم بیش از چهار فرسخ است اگر بخواهم اوّل هفته بیایم محلّ کارم و آخر هفته برگردم یا وسـط هفته برگردم به وطنم نماز و روزه‌ام چگونه است؟

**ج**

– چنانچه بنا دارید حد اقل چهار ماه به نحو مذکور آمد و رفت داشته باشید نماز تمام و روزه صحیح است.
و اللّه العالم.

**س ۴۲۴**

**اشاره**

– این جانب پاسدار هسـتم در نیروی دریایی سـپاه، محلّ کار من تا وطنم بیش از چهار فرسخ است و کار من طوری است که حالت

شیفتی دارد به این معنی که هفت روز یـا ده روز در محـلّ کـار هسـتم و در بین این چنـد روز ممکن است یا حتماً مأموریت دریایی برای من پیش بیاید که بیشتر از چهار فرسخ در دریا باید بروم و بعداً به همین مقدار هفت یا ده روز در حال استراحت هسـتم در این صورت نماز و روزه من چگونه است؟

ج

– در فرض سـؤال اگر همیشه ۷ روز در محـل کار و ۷ روز در وطن می‌مانیـد نمـاز تمـام و روزه صـحیح است و اگر همیشه ده روز می‌مانید نماز در محل کار شکسته است و روزه صحیح نیست مگر اینکه قصد اقامت ده روز داشته باشید. و الله العالم.

### س ۴۲۵

اشاره

– تعدادی از برادران پاسدار تیپ مستقل ۴۸ فتح استان کهکیلویه و بویر احمد وطن اصلیشان شهر یاسوج می‌باشد و با محلّ کارشان ۱۶۵ کیلومتر فاصـله دارد و در شـهر گچساران اسـکان داده شده‌اند با اینکه محلّ اسکان تا محلّ کار ۱۸ کیلومتر می‌باشد با توجه به اینکه وضعیّت شغلی در یک مکان ثابت نیست و هر چند مدّت ممکن است تغییر یابد نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟

ج

– در فرض سؤال در محلّ کار و اسکان و نیز در سایر مسافرت‌های شغلی
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۰
نماز تمام و روزه صحیح است.
و اللّه العالم.

### س ۴۲۶

اشاره

– پرسنل یکی از یگانهای نظامی از نیروهای هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران هفته‌ای یک بار جهت خرید از حدّ ترخص خارج می‌شوند تکلیف نماز و روزه آنان چیست؟

ج

– در فرض سؤال که جهت خریـد از حـدّ ترخص خارج می‌شونـد چنانچه جزء خـدمت و شـغل آنها باشد نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است و اگر برای احتیاجات شخصی خود هر هفته خارج می‌شوند نمازشان قصر است و روزه هم صحیح نیست. و اللّه العالم.

## رانندگان و ملوانان

### س ۴۲۷

#### اشاره

– کسی که قصد دارد راننده بشود و به مسافرت می‌رود در رابطه با رانندگی و آنها که کمک راننده هستند در سفر اوّل حکم نماز و روزه آنها چیست؟

#### ج

– در سفر اوّل که مدتش طولانی نیست نماز آنها قصر است و روزه آنها صحیح نیست.

### س ۴۲۸

#### اشاره

– راننده‌ای که شغلش مسافربری است (البته رفت و برگشت همه روزه کمتر از حدّ مسافت شرعی است) با انجام چه مقدار سفر شغلی در مسیری که رفت و برگشت آن تا سرحدّ مسافت شرعی یا بیشتر از آن است، نمازهای وی تمام و روزه‌هایش صحیح می‌شود؟

#### ج

– اگر راننده مذکور، در مدت کمتر از ده روز حدّ اقل یک مرتبه مسافرت به مقدار مسافت شرعی داشته باشد و مسافرت در حدّ مسافت شرعی به نحوی که گفته شد ادامه داشته باشد نمازش تمام است. و الله العالم

### س ۴۲۹

#### اشاره

– مهاجر جنگ تحمیلی می‌باشم و در محلی نزدیک شهر که حدوداً ۱۸ یا ۱۹ کیلومتر فاصله دارد زندگی می‌کنم و شغلم همیشه در سفر می‌باشد و یا به عبارت دیگر برنامه کاری من ایجاب می‌کند که همیشه در سفر باشم که ۲ روز بیشتر در ۷ یا ۸ روز در خانه نمی‌مانم بعضی وقتها مسافرت باربری بین ایران و امارات متحده و گاهی بین ایران و کویت و گاهی بین شهرهای ایران مسافرت

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۱

می‌کنم. آیا دائم السفر بحساب می‌آیم یا خیر؟ و اگر همراه سفر کاری بزیارت قوم و خویشی که در آن شهر زندگی می‌کند و یا از تهران به قم بروم نماز و روزه‌ام چه حکمی دارد. و اگر سفری غیر محدوده‌ای که ذکر کردم برای من پیش آید در آن صورت نماز و روزه‌ام چه حکمی پیدا می‌کند مثلًا سفر برای تنظیم پرونده به آبادان و یا اروند کنار بروم که برای ساختن خانه در موطن اصلی باشد. در طی راه و مسافت نماز و روزه‌ام چه حکمی پیدا می‌کند؟

ج

– در فرض مسأله تکلیف شما در سفر و محلّ سکونت و بین راه گرفتن روزه و تمام خواندن نماز است، بلی در هر مورد که برای غیر شغل خود مسافرت میکنید حکم مسافر را دارید. و الله العالم.

### س ۴۳۰

#### اشاره

– اگر کسی کارش ملوانی است و لنج آنها در بندر عباس و خانه آنها در آبادان است، رفت آمد او بین آبادان و بندر عباس که جزء شغل او و از توابع شغل او می‌باشد آیا در رفت و برگشت بین بندر عباس و آبادان نماز او تمام است و روزه دارد یا نه؟

ج

– بلی نماز او در بین راه وطن و محل کار تمام و روزه صحیح است.

### س ۴۳۱

#### اشاره

– شخصی کارش ملوانی است در لنجی که از بندر خرمشهر به کویت می‌رود، کار آنها بردن بار می‌باشد این شخص بعد از برگشت، به موتور لنج دیگری می‌رود و به ماهیگیری در مسافت شرعیّه مشغول می‌شود آیا این شغل دیگری است که باید در سفر اوّل نماز را شکسته بخواند یا اینکه ادامه همان سفر قبلی است؟

ج

– شغل دیگری است پس اگر بنا دارد حد اقل تا چهار ماه بدون اینکه ده روز پی‌درپی در جائی توقف کند این کار را ادامه دهد در سفر اوّل نماز شکسته و در سفرهای بعد تمام است.

### س ۴۳۲

#### اشاره

– اگر در فرض قبلی با همان موتور لنج باشد و لنج خود را عوض نکند ولی کار آنها از بارکشی به ماهیگیری عوض شد آیا این موجب تغییر شغل است که در سفر اول شروع به کار دوم، نماز شکسته و بعد تمام است یا اینکه ادامه سفر اولی است؟

ج

- چنانچه در مسأله قبلی گفته شد این شغل دیگری است و در این جهت فرقی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۲

نمیکند که با موتور لنج خودش برود یا دیگری.

## س ۴۳۳

### اشاره

- شخصی در شرکت نفت کار می‌کند ۱۵ روز در کار و ۱۵ روز در خانه می‌باشد ضمناً کار او در ۱۵ روز در کشتی یدک‌کشی در اسکله بندر بوشهر است و منزل او در آبادان آیا اگر ۱۵ روز در خانه بود و بعد به سرکار رفت بمدت ۱۵ روز نماز و روزه او چگونه است؟ (چون بعد از ده روز اگر در خانه ماند سفر اوّل شکسته است و حال آنکه این شخص ۱۵ روز در کار است و کلًّا یک سفر است چون نه به خانه می‌آید و نه از بندر بوشهر جای دیگری می‌رود).

س ۴۳۴- اگر در فرض بالا یک سفر تصنّعی در بین ۱۵ روز به محلّ کار خود برود و برگردد کفایت می‌کند در عدم صدق بقاء ده روز در خانه یا خیر؟

س ۴۳۵- اگر در فرض بالا- آن شخص با کشتی یدک کش به اسکله‌های دیگر می‌رود و به بوشهر بر می‌گردد آیا با این فرض تعدّد اسفار می‌شود یا خیر؟

س ۴۳۶- در فرض قبل اگر از اوّل می‌دانست به اسکله‌های متعدد خواهند رفت با علم به این مطلب آیا همه یک سفر است یا تعدد اسفار صدق می‌کند.

اگر نمی‌دانست مسأله چگونه است؟

### ج

- شخص مذکور نمازش در سفر شکسته است و دائم السفر محسوب نمیشود چون علی الفرض ۱۵ روز در وطن میماند، بلی اگر در بین ۱۵ روز استراحت یک مسافرت به مسافت شرعی و لو در غیر شغل بنماید نماز او تمام و روزه صحیح است.

## کارمندان و کارگران و کسبه

## س ۴۳۷

### اشاره

- کارکنان ادارات و مانند آن که وطن یا محلّ اقامت (سکونت) آنها جائی، و محلّ کار آنها جای دیگری است و هر روزه (مگر ایام تعطیل) قطع مسافت مینمایند آیا نمازشان تمام و روزه دارند یا خیر؟ و اگر افراد فوق الذکر یک هفته در محل کار و یک هفته برای استراحت در منزل باشند چه حکمی دارند؟

### ج

- اگر چندین ماه همه هفته قطع مسافت شرعیه را مینمایند نمازشان تمام و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۳

روزه‌شان صحیح است چه همه روزه رفت و آمد کنند چه یک هفته در منزل و یک هفته در محلّ کار باشند و ده روز در منزل چه با قصد چه بی‌قصد یا در محلّ کار با قصد نمانند.

### س ۴۳۸

#### اشاره

- کارمندی که به دستور مافوق مقید است سه روز در یک شهرستان کار کند با فاصله ۱۳۰ کیلومتر، سه روز دیگر هفته را در شهرستان دیگر انجام وظیفه نماید نمازش را قصر بخواند یا تمام؟

#### ج

- در فرض سؤال باید نمازش را تمام بخواند.

### س ۴۳۹

#### اشاره

- شخصی محلّ کارش در اصفهان است هفته‌ای پنج روز در محلّ کار است و دو روز برمی‌گردد به وطن در یزد هفته دیگر پنج روز در محل کار است و دو روز در قم می‌ماند که مسافر است نماز و روزه این شخص در محل کار حکمش چیست؟

#### ج

- در مورد سؤال نماز و روزه شخص مذکور در وطن و محل کار و در بین راه و محل کار و وطن تمام و صحیح است ولی در دو روز مسافرت به قم که جهت شغل نیست نماز شکسته است و روزه صحیح نیست.

### س ۴۴۰

#### اشاره

- کسی شغلش کاسبی است فقط هفتگی می‌رود ۴ روز می‌ماند نماز و روزه این شخص چطور می‌باشد؟

#### ج

- اگر هر هفته جهت شغل می‌رود و برمی‌گردد نماز او تمام و روزه صحیح است. و اللّه العالم.

## س ۴۴۱

### اشاره

- افرادی مدت ۵ الی ۱۵ سال و بیشتر در یک شرکت کار می‌کنند بعضی از آنها محلّ کار و سکونتشان در کنار یکدیگر می‌باشد. و بعضی از آنها فاصله محل سکونتشان تا محلّ کار کمتر از حد شرعی می‌باشد و بعضی از آنها محلّ کار و سکونت بیشتر از ۸ فرسخ است حکم نماز و روزه آنها را بیان فرمائید.؟

### ج

- کسانی که محلّ کار و سکونت آنها یکی است نمازشان تمام و روزه صحیح است مگر اینکه از آنجا به جای دیگر سفر به مقدار مسافت شرعی و خارج از شغل بنماید و وقتی برگشت، نخواهد ۱۰ روز پی‌درپی در محل کار بماند که در

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۴

آن موقع شکسته است و نیز افرادی که فاصله محلّ کار و سکونت آنها کمتر از چهار فرسخ است پس از تحقق اقامه در محل سکونت نمازشان در محل کار نیز تمام است و نسبت به گروه سوّم به مسأله ۱۳۲۵ توضیح المسائل مراجعه فرمایید. و الله العالم.

## س ۴۴۲

### اشاره

- شخصی مقلّد مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی بوده و مدت ۶ سال در ۲۵ کیلومتری محل زندگیش کار می‌کرده (روز می‌رفت و شب برمی‌گشت) روزه می‌گرفت آیا روزه‌هایش را باید قضاء نماید یا نه؟

### ج

- در فرض سؤال، نمازها و روزه‌های شخص مذکور، صحیح بوده و قضا ندارد، و اللّه العالم

## س ۴۴۳

### اشاره

- افرادی در محل کار با قصد ۱۰ روز می‌مانند ولی به علت پیش‌آمدی قبل از ۱۰ روز مسافرت می‌کنند وظیفه آنها نسبت به نماز و روزه چیست؟

### ج

- در فرض سؤال اگر مسافرتی که پیش آمده بحدّ مسافت شرعی است نماز او در این مسافرت شکسته است ولی نمازهائی که در محلّ کار با قصد ده روز تمام خوانده صحیح است و بعد از برگشت به محلّ کار چنانچه مجدداً قصد ده روز اقامت نداشته باشد

نماز او در محلّ کار نیز شکسته است، بلی اگر مسافرت مذکور کمتر از مسافت شرعی باشد در این مسافرت و در مراجعت به محل اقامه نماز تمام است. و الله العالم

### س ۴۴۴

#### اشاره

– در فرض قبل اگر محل کار محل آسایش آنها است و از آنجا به مسافت و غیر مسافت سفر می‌کنند چه وظیفه‌ای دارند؟

#### ج

– با عدم قصد اقامه ده روز در یک محلّ نماز شکسته است. و اللّه العالم.

### س ۴۴۵

#### اشاره

– و اگر از اول قصد اقامه ۱۰ روز دارند ولی در ضمن آن می‌دانند که ممکن است برای آنها مأموریتی تا حدّ مسافت شرعی پیش آید؟

#### ج

– اگر از اوّل می‌داند و یا حتّی احتمال عقلایی می‌دهد که در ضمن ۱۰ روز، مأموریتی به محلّ دیگر و لو کمتر از مسافت شرعی باشد برای او پیش می‌آید قصد اقامه او محقّق نمی‌شود باید نماز را شکسته بخواند. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۵

### س ۴۴۶

#### اشاره

– این جانب مدت بیست سال است که در شرکت ملی حفاری نفت مشغول بکار می‌باشم در طول ماه پس از ۱۴ روز متوالی کار، ۱۴ روز متوالی استراحت و مرخصی دارم. با این تناوب طبق ضوابط شرکت در پی حفر چاه نفت در خارج از شهرها فعالیت می‌نمایم و به فراخور حجم کار مدت اتمام حفاری چاهها مختلف و در نتیجه محل کارم متغیّر خواهد بود بطوری که گاهی سه ماه و گاهی یک سال عملیات حفاری در یک منطقه طول می‌کشد نظر به اینکه خانواده‌ام در شهر و به فاصله دهها کیلومتر دور از محلّ کارم زندگی می‌کنند و پس از پایان هر ۱۴ روز کار به محل زندگی خانواده‌ام مراجعت می‌کنم و پس از ۱۴ روز استراحت دوباره برای یک دوره ۱۴ روز به محل کار بر می‌گردم مرقوم فرمائید حکم نماز و روزه این جانب در محلّ کار و همچنین در مدت مسافرت از منزل تا محلّ کار و یا بالعکس که گاهی از یک روز هم بیشتر می‌شود چگونه خواهد بود؟

ضمناً در یک سال یک ماه مرخصی دارم در پایان مرخصی که به سرکار می‌روم در مسیر راه و سرکار وضعیت نماز و روزه چگونه است؟
و در بعضی از مواقع قبل از شروع عملیات حفاری میدانیم که کمتر از ده روز در یک مکان برای کار متوقف می‌شویم و عملیات حفاری را انجام میدهم در این صورت حکم نماز و روزه‌ام چگونه خواهد بود؟

### ج

- در مورد سؤال، که چهارده روز در محلّ زندگی میمانید و چهارده روز در محلّ کار حکم دائم السفر ندارید یعنی هر وقت فاصله محلّ کار با محلّ سکونت بقدر مسافت شرعی باشد در بین راه حکم مسافر را دارید یعنی نماز شکسته است و روزه صحیح نیست و اما در محل کار با اینکه قصد ماندن ده روز و بیشتر دارید نماز تمام و روزه صحیح است و الّا نماز قصر و روزه هم صحیح نیست و از اینجا حکم مسافرت بعد از دو ران مرخّصی و نیز مواقعی که عملیّات حفّاری کمتر از ده روز طول میکشد هم معلوم شد که در هر دو مورد نماز شکسته است و روزه صحیح نیست.

### س ۴۴۷

### اشاره

- شخصی در کرج مقیم است و همه روزه در چهار فرسخی کرج در کارخانه‌ای مشغول به کار می‌باشد اگر این شخص اتفاقاً در تهران کار داشته باشد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۶
و باین قصد مسافرت نماید. نماز و روزه او قصر است یا تمام؟

### ج

- در فرض مذکور اگر از کارخانه تا تهران چهار فرسخ نباشد باید نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد.

## مسائل متفرقه نماز مسافر

### س ۴۴۸

### اشاره

- اول وقت در وطن مثلًا اصفهان حاضر بودم و نماز نخواندم و مسافرت به قم کردم در بین راه هم فراموش کردم و نماز ظهر و عصر قضا شد در برگشتن از قم به اصفهان اول ظهر در قم بودم نماز نخواندم بعداً هم که باصفهان رسیدم فراموش کردم و نماز نخواندم قضای این نمازها را چگونه باید بجاآورد؟

### ج

– در فرض اول باید قضای نماز را شکسته بخوانید و در فرض دوم تمام.

### س ۴۴۹

#### اشاره

– شخصی از نظر قصر و اتمام وظیفه‌اش جمع است و با نیت قصر داخل نماز شده ولی سهواً برکعت سوم برخاسته و پس از رکوع رکعت سوم متذکر شده است آیا می‌تواند آن را به نیت تمام چهار رکعت تمام کند و بعداً قصراً بخواند یا اینکه نماز باطل است و آن را بهم زند و از نو نماز را از سر بگیرد. و اگر چنین شخصی بعد از تمام شدن چهار رکعت متذکر شود چگونه است؟

#### ج

– در فرض سؤال در هر دو صورت، احتیاط اعاده نماز است.

جامع الاحکام ؛ ج۱ ؛ ص۱۲۶

### س ۴۵۰

#### اشاره

– شخصی روحانی و امام جماعت یکی از مساجد شهر می‌باشد و ضمناً عضو هیئت امناء یکی از امامزاده‌ها است که حدود سی و شش کیلومتر با شهر فاصله دارد و هر هفته روزهای جمعه برای رسیدگی به بعضی از امور امام زاده مزبور صبح می‌رود و عصر بر می‌گردد بیان فرمایید که نمازهای او در وقت رفتن به آن امام زاده قصر است یا تمام با مسافرت کردن یک روز در هفته به آن امام زاده دائم السفر محسوب می‌شود یا خیر؟

#### ج

– ظاهر عدم ترتّب حکم من شغله السفر أو شغله فی السفر بر این شخص است زیرا رفتن برای رسیدگی به امور امامزاده– مثل رفتن همه هفته برای زیارت یا

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۲۷

نظافت آنجا به قصد قربت و کسب ثواب– عرفاً شغل و کار او محسوب نیست. و الله العالم.

### س ۴۵۱

#### اشاره

– حکم نماز و روزه در سفری که برای شرکت در یک مسابقه ورزشی انجام می‌شود، چیست؟

### ج

- اگر سـفر حرام باشد مثل اینکه برای مسابقه بکس یا مسابقه در شطرنج باشد سفر معصیت است و نماز در آن تمام است و روزه را باید بگیرد و الّا تکلیفش قصر نماز و افطار روزه است.

### س ۴۵۲

### اشاره

- آیا تهران بلاد کبیره است در صورتی که جواب مثبت باشد حکم آن چیست؟

### ج

- بلاـد کبیره بـا بلاد صـغیره در حکم اقامه در آن وطی مسافت در داخل آن فرقی ندارنـد باین معنی که قصـد اقامه ده روز در تمام شهر گرچه در محلّ واحد نباشد برای وجوب اتمام نماز کافی است وطی مسافت شرعی داخل آن موجب ترتب حکم سفر نیست.

### س ۴۵۳

### اشاره

- از دربند تا تجریش و تهران و حضـرت عبد العظیم و بهشت زهرا متصل است از شـمال به جنوب و از شـرق به غرب متجاوز از ۳۰ کیلومتر ساختمـان متصـل است آیـا این مسافت را اگر برود و برگردد از شـمال بجنوب یا از شـرق بغرب نماز او قصـر میشود یا تمام است و روزه او صحیح است یا باطل؟

### ج

- هر جـا که تهران محسوب شود حکمش همـان است که در سؤال قبلی گفته شـد و هر جـا که محلّ جـدائی بودهماننـد تجریش و شهر ری و بهشت زهرا که بـا مرور زمـان به تهران متصـل شـده محـل جـداگانه محسوب میشود و بایـد میزان مسافت شـرعی در آن ملاحظه شود.

### س ۴۵۴

### اشاره

- اگر از شـهری مانند تهران بمسافرت برود یا از سـفر برگردد حدّ ترخص را باید از کجا حساب کند از ساختمانهای آخر شـهر یا از محله‌ای که در آن زندگی میکنند؟

#### ج

– در فرض سؤال، حدّ ترخّص از آخرین خانه‌های شهر محاسبه شود.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۲۸

### س ۴۵۵

#### اشاره

– مسافری که در تهران قصد ۱۰ روز اقامه کرده، میتواند به شمال و جنوب و شرق و غرب تهران برود، و ضرری به قصد اقامه او وارد میشود یا نه؟

#### ج

– با فرض اینکه جاهائی که میرود از تهران محسوب شود نه مانند تجریش و غیره که حکم آن قبلًا گفته شد شخص مذکور نمازش تمام است.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۲۹

## احکام روزه

#### اشاره

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۳۱

روزه

### رؤیت هلال – ثبوت ماه

### س ۴۵۶

#### اشاره

– آیا با محاسبات منجمین، ماه ثابت می‌شود– مخصوصاً وقتی که آنها امروز نسبت به زمان گذشته امکانات خیلی دقیق و مجهّز در اختیار دارند و اصرار می‌ورزند که نتائج دستگاه‌های علمی امروز قابل انکار نمی‌باشد.

#### ج

– پیشگوئی منجّمین بنفسه حجّت شرعیّه نیست، بلی اگر برای هر کس موجب علم به صحّت محاسبه شود، باید به علمی که از گفته

منجّم حاصل شده عمل نماید.

### س ۴۵۷

#### اشاره

- آیا تطوق و بلند بودن هلال را، دلیل بر شب دوم می‌دانید؟

#### ج

- بلند بودن ماه و تطوق آن، دلیل شرعی بر شب دوم نیست.

### س ۴۵۸

#### اشاره

- اختلافـات مربوط به تعیین اوقـات و ازمنه چگونه مرتفع می گردد؟ آیـا امروز واقعـاً همـان روزی است که تقـاویم بیـان داشـته‌اند؟ درحالی که شیعه و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۲

سنی در این امر مختلف القول هستند.

#### ج

- تعیین ایـام از جهت اینکه اوّل ماه است و یا چنـد روز از فلان ماه گذشـته با رؤیت هلال در اول ماه یا گذشـتن سـی روز از رؤیت هلال ماه قبل ثابت میشود و همچنین با بیّنه شرعی و یقین خود مکلّف.

### س ۴۵۹

#### اشاره

- اگر ماه رمضان در شهری دیده شود، در شهرها دیگری که افق آنها یکسان و یا دو ساعت فرق دارند اول ماه ثابت می‌شود یا نه؟

#### ج

– اکتفا، به رؤیت ماه در یک بلد برای سایر بلاد بعید نیست.

### س ۴۶۰

### اشاره

– اگر ماه در کشورهای شرقی رؤیت شود آیا برای کشورهای غربی خود بخود ثابت می‌شود یا خیر؟

### ج

– بطور کلی در هر نقطه از زمین که ماه رؤیت شود برای هر نقطه دیگر که بعداً روز می‌شود آن روز، روز اول ماه است.

### س ۴۶۱

### اشاره

– آن طور که از توضیح المسائل و کتاب هدایهٔ العباد حضرتعالی استفاده می‌شود حضرتعالی در طریق ثبوت هلال اتحاد افق را شرط نمی‌دانید بنابراین آیا ما می‌توانیم مثلًا به رادیو عربستان اعتماد کنیم و اگر فردا را اول ماه یا روز عید فطر اعلام کرد ما هم روزه بگیریم یا افطار کنیم در هر صورت وظیفه ما چیست؟ سؤال دیگر اینکه در ذیل عنوان طریق ثبوت هلال در کتابهٔ هدایهٔ العباد حضرتعالی پیرامون همین مسأله فرمودید که سزاوار است که احتیاط ترک نشود، رعایت احتیاط در صورت اعلام اینکه فردا عید فطر است چگونه میسر است.

### ج

– همانطوری که در توضیح المسائل و هدایهٔ العباد ذکر شده بنظر این جانب رؤیت هلال در بلدی نسبت به بلاد دیگر نیز بعید نیست کافی باشد البته ثبوت رؤیت باید بعلم و یا بیّنه شرعی باشد و احتیاط باین حاصل میشود که مکلف در آن روز بمقدار مسافت شرعی مسافرت بنماید و روزه خود را در مسافرت افطار نماید.

### س ۴۶۲

### اشاره

– بعضی از مراجع عظام، در رؤیت هلال در شهری شرط کفایت آن در شهر دیگر را، اتحاد افق می‌دانند تفاوت افق چه قدر باشد کافی از رؤیت در شهر دیگر نیست؟

ج

- بنظر حقیر رؤیت هلال اگر به یکی از راههائی که در رساله‌های عملیّه

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۳۳

مذکور است ثابت شود، برای همه نقاطی که روزشان بعد از آن است کفایت می‌کند.

س ۴۶۳

اشاره

- در ماه مبارک رمضان اگر در شهر غزنی افغانستان ماه دیده نشود ولی رادیو جمهوری اسلامی ایران اعلام کند که ماه دیده شده و ثابت هم شود آیا مردم آنجا می‌توانند عید بگیرند یا نه؟

و مردمی که از چند مجتهد تقلید دارند می‌توانند در مسأله رؤیت هلال به فتوای مجتهد واحد عمل کنند یا خیر؟

ج

- بنظر حقیر بعید نیست، رؤیت هلال در هر نقطه‌ای، برای نقاط دیگر که در ساعت رؤیت هلال در آن شب یا روز باشد کافی باشد یعنی روز بعد از آن روز یا شب برای آنها روز اوّل ماه است ولی بنظر آقایانی که توافق افق را در کفایت رؤیت هلال برای بلد دیگر معتبر میدانند، باید این جهت مراعات شود و مقلد هر مرجعی طبق فتوای مرجع خود عمل بنماید.

س ۴۶۴

اشاره

- در شهری که اکثریّت با اهل سنت می‌باشند و شیعه‌ها در اقلیّت هستند، در عید قربان و عید فطر قطع بخلاف نداشته باشیم می‌توانیم با آنها عید بگیریم و اگر در نجف اشرف ماه را دیده باشند و ۲۹ روز روزه گرفته‌اند ولی در استانبول دیده نشده و سنی‌ها سی روز روزه می‌گیرند و یک روز بعد از نجف عید بگیرند وظیفه ما شیعه‌ها چیست؟

ج

- در فرض مزبور اشکالی پیش نمی‌آید فقط از تظاهر بخوردن روزه و اقامه نماز عید بجماعت خودداری شود و اگر تقیه و حفظ وحدت اقتضا بکند روز عید آنها نماز عید بخوانند.

مبطلات روزه

**س ۴۶۵**

**اشاره**

- اگر کسی در ماه مبارك رمضان، از خواب بیدار شود و بعد متوجه بشود که از وقت اذان گذشته است آیا روزه این فرد صحیح است؟

**ج**

- بلی صحیح است.

**س ۴۶۶**

**اشاره**

- کیفیت روزه شخص کاهل نماز، که در انجام نمازهای واجبش، کوتاهی کرده چیست؟

**ج**

- روزه، واجب دیگری است و شخص مذکور به جهت کاهل نماز بودن، معصیت کار است، ولی اگر روزه گرفته روزه او صحیح است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۴

**س ۴۶۷**

**اشاره**

- آیا اگر در ماه مبارك رمضان، قرآن را بطرز غلطی بخوانیم، ضرری متوجه روزه می‌شود؟
(عدم تلفظ صحیح کلمات)

**ج**

- اگر عمداً آیات را غلط نخواند، اشکال ندارد و رعایت تجوید در قرائت قرآن واجب نیست.

### س ۴۶۸

### اشاره

- مستدعی است حکم شرع مقدس را در مورد اشخاصی که کارشان غواصی در اعماق آبهاست نسبت به صوم و صلاة بیان فرمایید.

### ج

- زیر آب رفتن با لباس غواصی بنابر احتیاط واجب مبطل صوم است ولی اگر شخص داخل زیر دریائی که شبیه اطاق است و ملاصق بدن نیست زیر آب برود روزه باطل نمی‌شود و نسبت به نماز، کسی که با لباس غواصی زیر آب است اگر نمی‌تواند خارج شود و نماز بخواند و یا وقت تنگ است با همان حال مقداری که می‌تواند قرائت و سایر اذکار را بخواند و رکوع و سجود را به ایماء و اشاره انجام دهد و به احتیاط واجب بعد هم قضاء آن نماز را بخواند. و اللّه العالم.

### س ۴۶۹

### اشاره

- کشیدن سیگار و استعمال قلیان آیا مبطل روزه هست؟

### ج

- بنابر احتیاط واجب، روزه‌دار نباید دود سیگار یا قلیان را بحلق برساند.

### س ۴۷۰

### اشاره

- کشیدن تریاک برای شخص معتاد، در ماه مبارک رمضان، مبطل روزه می‌باشد؟

### ج

- احتیاط واجب در ترک آن است، چه برای معتاد و چه غیر.

### س ۴۷۱

#### اشاره

- آیا کشیدن سیگار، بصورتی که دود آن را فرو نبرند، روزه را باطل می‌کند؟

#### ج

- اگر دود آن را فرو نبرند روزه را باطل نمی‌کند، ولی تظاهر به آن در این صورت، مناسب نیست و باحترام ماه مبارک ترک شود.

### س ۴۷۲

#### اشاره

- زدن آمپول مقوّی یا پنی‌سیلین برای روزه‌دار جایز است یا خیر؟

#### ج

- اشکال ندارد و فرقی بین اقسام آمپولها نیست، ولی احتیاط مستحب در ترک است.

### س ۴۷۳

#### اشاره

- آیا شخص روزه دار در ماه مبارک رمضان، می‌تواند سُرم یا آمپول،

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۵

تزریق کند؟

#### ج

- احتیاط مستحب آن است که از استعمال آمپول و سرم خودداری کند و اگر لازم شد و تزریق کرد روزه‌اش باطل نمیشود.

### س ۴۷۴

**اشاره**

- اگر کسی در ماه مبارك رمضان، قبل از اذان صبح، از خواب بیدار شود و در خواب محتلم شده باشد و امکان غسل کردن را نداشته باشد، حکم روزه این فرد چه می‌شود؟

**ج**

- در فرض سؤال اگر متمکن از غسل قبل از اذان صبح نباشد، تیمم بدل از غسل کند و روزه بگیرد.

**س ۴۷۵**

**اشاره**

- شخصی در ماه رمضان با خودبازی می‌کند ولی منی بیرون نمی‌آید و علائم جنب هم در او نیست بعد از ساعتی بول می‌کند مایعی سفید رنگ خارج می‌شود شك دارد منی هست یا نه روزه او باطل است یا نه در صورت بطلان کفاره دارد یا نه؟

**ج**

- اگر کاری با خود کند که بر حسب عادت موجب انزال منی می‌شود، هر چند منی انزال نشود، روزه‌اش باطل است، ولی در فرض مذکور وجوب کفّاره معلوم نیست. و اللّه العالم.

**س ۴۷۶**

**اشاره**

- کسی که نمی‌دانسته استمناء روزه را باطل می‌کند و حتی یك گناه کبیره است، اگر این عمل را انجام دهد آیا روزه او باطل است؟ اگر باطل است کفّاره دارد یا خیر؟ اگر دارد مقدار آن چقدر است؟

**ج**

- در فرض سؤال، باید قضای روزه را بگیرد ولی کفّاره ندارد، بلی اگر جاهل مقصّر باشد، باین معنی که در موقع ارتکاب عمل، احتمال حرمت بدهد و سؤال نکند و یا بداند استمناء حرام و معصیت است، هرچند نداند که روزه را باطل می‌کند و در روز ماه رمضان انجام دهد، کفّاره جمع دارد، که در توضیح المسائل مسأله شماره ۱۶۷۴ ذکر شده است.

### س ۴۷۷

#### اشاره

- اگر شخصی در کلاس درس بوده ناگهان متوجه گردید که لای دندان غذائی است و خود را مقداری کنترل نموده به این امید که در پایان درس آن را بیرون ریزد، ولی احتمال قوی می‌دهد که در کلاس درس همراه با آب وارد حلق
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۶
شده باشد آیا روزه باطل می‌شود یا این شخص معذور می‌باشد؟

#### ج

- در فرض سؤال مجرّد وجود غذا در لای دندان و یا در داخل آب دهن تا پائین نرود، مبطل روزه نیست، البته باید شخص مذکور بهر نحوی، از رفتن غذا به معده ممانعت نماید و احتمال پائین رفتن غذا موجب بطلان روزه نیست.

## کفاره روزه

### س ۴۷۸

#### اشاره

- کفّاره روزه یک ماه، با نان چقدر است؟ با برنج چقدر است؟

#### ج

- کفّاره افطار غیر عمدی، برای هر روز یک چارک طعام مانند گندم و برنج است و اگر بخواهد نان بدهد، برای هر روز یک کیلو بدهد.

### س ۴۷۹

#### اشاره

- آیا می‌توان پول کفّاره را به فقیر داد. و به او گفته شود طعامی که روزانه می‌خوری قصد کفّاره کن یا لازم است فقیر از همین پول طعام بگیرد.

#### ج

– در فرض سؤال، فقیر بایـد بـا همین پول، برای دهنـده آن طعـام بخرد و به وکالت از طرف او طعام را به عنوان کفّاره بردارد. و اللّه العالم.

### س ۴۸۰

#### اشاره

– کسـی که از خصال کفارات اطعام را برگزیـده و یا از بابت کفاره و فـدیه یک مـدّ طعام باید بدهد یا فطره عید فطر را می‌دهد آیا مجزی است که از نانوائیهـای کشور نـان خریـداری کنـد و به مسـتحقین بدهـد یـا نه با آنکه می‌دانیم که دولت به نانوائیها سوبسـید میدهد و یک کیلو نان که در نانوائی به سیزده تومان می‌دهند، اگر آزاد خریداری شود شاید در حدود چهل تومان باشد؟

#### ج

– در فرض سؤال، خریدن نان از نانوائی و به عنوان کفّاره یا فطره دادن مانع ندارد.

### س ۴۸۱

#### اشاره

– در باب کفاره روزه آیا می‌شود بمقدار پول گندم، یا برنج به فقیر داد؟

#### ج

– پرداخت کفاره بنحو مـذکور در سؤال مجزی نیست. بایـد همان گنـدم را بدهـد و یا برنج و یا اجناس دیگری که در باب کفارات مذکور است. و اللّه العالم.

### س ۴۸۲

#### اشاره

– زنی مریض بوده و مـاه رمضان روزه نگرفته و مرض او تا سال بعـد ادامه داشـته است و کفاره بر عهـده او آمـده ولی از خود پولی ندارد آیا کفاره زن بر عهده شوهر واجب است یا نه؟

**ج**

– کفّاره زن بر شوهر واجب نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۷

**س ۴۸۳**

**اشاره**

– تکلیف شخصی که چندین کفّاره جمع بر گردن دارد، لیکن فعلًا نه وسع مالی دارد که اطعام فقرا بدهد و نه توان جسمی دارد که چندین ماه روزه بگیرد، در حال حاضر چیست؟ (در این مورد نیز میزان دقیق در دست نیست) آیا چنین فردی از گرفتن روزه مستحبی محروم است؟

**ج**

– به مسأله شماره ۱۶۶۹ توضیح المسائل مراجعه نمایید و اگر چنین شخصی قدرت بر روزه گرفتن ندارد، قهراً قدرت بر روزه مستحبی هم ندارد مگر اینکه مثلًا قدرت بر دو و سه روز، روزه گرفتن دارد ولی چون روزه کفّاره باید سی و یک روز آن پشت سر هم باشد، قدرت بر آن نداشته باشد، که در این صورت اگر روزه قضا نداشته باشد روزه مستحبی اشکال ندارد. و اللّه العالم.

**س ۴۸۴**

**اشاره**

– اگر کسی در ماه مبارک رمضان عمداً افطار به حرام کند و قبل از اداء کفّاره روزه فوت نماید در صورت وصیّت به بجا آوردن و انجام کفّاره روزه و یا در صورت عدم وصیّت اگر ولیّ متوفی بخواهد استیجار صوم کند، و یا خودش بخواهد عمل بوصیّت کند تتابع در بجا آوردن روزه در دو فرض سؤال واجب است یا خیر؟

**ج**

– در هر دو فرض تتابع واجب است.

**س ۴۸۵**

**اشاره**

- این جـانب دارای سـنگ کلیه می‌بـاشم و قبلًا نیز هر دو کلیه‌هایم را عمل جراحی نموده‌ام و دکتر متخصـص گفته است روزه نباید بگیریـد و آب و مایعـات زیاد بخوریـد، اگر این جانب فقط آب بخورم و چیز دیگری نخورم روزه‌ام درست است یا خیر، و تا کنون نیز حقیر اینگونه عمل نموده‌ام؟

**ج**

- در فرض مسأله که روزه گرفتن برای شـما ضـرر دارد و بایـد در اثناء روز از مایعات اسـتفاده نمائیـد، روزه بر شـما واجب نیست و برای هر روز یک مدّ طعام (تقریباً هفتصد و پنجاه گرم) به فقیر غیر سید در رمضان آینده کفاره بدهید.

**س ۴۸۶**

**اشاره**

- اگر در ماه مبارک رمضان بی‌سـحری بمانیم و مریض هم باشیم و در روز قبل از اینکه چیزی بخوریم با زن خود جماع کردیم چه حکمی دارد؟

**ج**

- در صورتی که مرض مجوّز افطار نداشته‌اید در فرض سؤال کفاره واجب است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۸

**س ۴۸۷**

**اشاره**

- ملاک مریض که روزه ماه رمضان از وی ساقط است، چیست؟

**ج**

- اگر بداند روزه برای او مضـرّ است یا مظنه ضـرر داشـته باشد و یا احتمال عقلایی بدهد که مضر باشد به طوری که از آن احتمال، خوف ضـرر حاصل شود، روزه واجب نیست و بعـد بایـد قضای آن را بگیرد بلی اگر مرض تا رمضان سال بعـد طول بکشد قضا هم ساقط است، فقط باید کفّاره مدّ بدهد. و اللّه العالم.

**س ۴۸۸**

اشاره

– اگر شخصی در ماه مبارک رمضان به مسافرت برود و قصد ده روز نماید، در بین این ده روز آیا می‌تواند در بلاد کبیره بیش از ۴ فرسخ از منزل خود دور شود؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه تمام مسافتی را که طی میکند در داخل شهر باشد، اشکال ندارد.

س ۴۸۹

اشاره

– کفّاره روزه رمضان و کفّاره حنث نذر، قسم و عهد آیا از اصل مال میت باید داده شود یا از ثلث اگر به آن وصیّت کرده باشد؟

ج

– اگر وصیت کرده که اینها را از ثلث بدهند از ثلث برداشته می‌شود و در غیر این صورت از اصل مال برداشته می‌شود.

س ۴۹۰

اشاره

– شخصی به حدّ بلوغ رسیده است امّا ندانسته در ماه مبارک رمضان با اینکه روزه است (نعوذ باللّه) عمل منافی عفت انجام داده حالا که این شخص بعد از گذشت چند سال، حکم حرام بودن این عمل را دانسته نمی‌داند که آیا باید کفاره جمع دهد یا اصلًا کفاره بدهد یا نه و روزه‌اش چگونه است، خواهشمند است حکم این شخص را بیان فرمائید و بفرمائید این چند سال که گذشته، روزه او که باطل شده، چه حکمی دارد؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه حرام بودن عمل را نمی‌دانسته و در جهل خود هم مقصّر نبوده فقط قضای آن روزه‌ها واجب است و چون در انجام قضا تأخیر نموده، برای هر روز ۱۰ سیر طعام مانند گندم یا آرد بعنوان کفاره تأخیر قضا به فقیر غیر سیّد بدهد و اگر حرام بودن عمل را می‌دانسته هر چند وجوب کفاره را نمی‌دانسته و یا اینکه در جهل بمسأله مقصّر بوده علاوه بر آنچه گفته شد کفاره

عمد هم بر او واجب است و تفصیل آن در توضیح المسائل مسأله ۱۶۶۹ مذکور است مراجعه نمائید.

### س ۴۹۱

#### اشاره

- دختری در سن ۹ سالگی از روی نادانی روزه خود را در ماه رمضان
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۹
افطار می‌نماید آیا کفاره تعلق می گیرد؟

#### ج

- در فرض سؤال چنانچه ۹ سال قمری را تمام کرده و توانایی روزه گرفتن را دارد و با اینکه می‌داند روزه خوردن برای او حرام شده است، روزه را می‌خورد کفاره دارد هرچند نداند که روزه خوردن علاوه بر حرمت کفاره هم دارد. و اللّه العالم.

## روزه قضا

### س ۴۹۲

#### اشاره

- مسافر در سفر نماز تمام خوانده، روزه را هم گرفته بعداً فهمید که باید نماز را شکسته و روزه را افطار نماید. آیا نماز و روزه قبلی وی درست است یا احتیاج به اعاده دارد؟

#### ج

- نماز و روزه‌اش صحیح است احتیاج به قضاء ندارد.

### س ۴۹۳

#### اشاره

- چند روز روزه ماه مبارک رمضان، از چند سال، بر ذمه دارم، و در ضمن نمی‌دانم از هر سال چند روزی بوده تکلیف چیست؟

#### ج

– در فرض مسأله می‌توانید بمقداری که یقیناً کمتر از آن مقدار نبوده اکتفاء نمائید و اگر مقداری روزه قضاء بگیرید که بدانید قطعاً بیشتر از آن بر ذمه شما نیست احوط است.

### س ۴۹۴

### اشاره

– نمی‌دانم چندساله بودم شک دارم حدود ۱۴ الی ۱۵ سالگی نماز نخوانده‌ام عمداً و روزه‌خواری هم کرده‌ام بفرمائید چه حکمی دارد وظیفه من در قبال این اعمال انجام نشده چیست؟

### ج

– هر مقدار از نماز و روزه خود را که یقین دارید در حال بلوغ ترک کرده‌اید باید قضا نمائید و برای تأخیر قضای روزه کفاره غیر عمد باید بدهید و چنانچه افطار روزه بدون عذر و عمدی بوده باید برای هر روز کفاره عمد هم بدهید.

### س ۴۹۵

### اشاره

– آیا کسی که روزه قضا در ذمه دارد می‌تواند روزه نذری بگیرد؟ در صورتی که نذر کرده باشد تکلیف او چیست؟

### ج

– کسی که روزه قضا بر ذمّه دارد میتواند نذر کند که روزه بگیرد و صحیح است.

### س ۴۹۶

### اشاره

– بنده شش سال است که به سن تکلیف رسیده‌ام یعنی ۶ ماه رمضان بر من گذشته که می‌بایست روزه می‌گرفتم، چهار سال اخیر را روزه گرفته‌ام تماماً،

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۰

تماما ۲ سال ابتدائی را نمی‌دانستم که به تکلیف رسیده‌ام، بعدها فهمیدم که قبل از ۱۵ سالگی مکلف بوده‌ام از اینرو بعضی از

روزهای این دو ماه مبارک رمضان را روزه گرفته و بعضی دیگر را که حدوداً از هر دو ماه مبارک ۳۰ روز می‌شود روزه نگرفته‌ام تکلیف بنده در برابر قضای این روزه‌ها چیست؟

**ج**

- در فرض سؤال روزه‌های فوت شده را قضا نمائید، و برای هر کدام یک مدّ طعام کفاره بدهید و اگر التفات بوجوب صوم نداشته‌اید و غافل از سؤال کردن بوده‌اید کفاره عمد واجب نیست.

**س ۴۹۷**

**اشاره**

- شخصی ۴۲ ساله تاکنون روزه نگرفته و گفته دارای ۱۵ عائله بوده و برای تلاش و اداره خانواده‌ام در گرما و سرما کار می‌کردم طاقت نداشتم روزه بگیرم. عذر شرعی هم نداشته خواهشمند است نظر مبارک را بیان فرمائید.

**ج**

- در مورد سؤال چنانچه شخص مذکور، بدون عذر شرعی روزه نگرفته، باید کفّاره بدهد و نیز قضای روزه‌هائی که نگرفته انجام دهد و اگر با عذر شرعی روزه نگرفته کفاره عمد ندارد و اما نسبت بقضای موردی که با عذر افطار کرده موارد مختلف است مورد محلّ ابتلاء را بنویسید تا جواب داده شود.

**س ۴۹۸**

**اشاره**

- اگر دختری که ۹ سالگی روزه بر او واجب شده است؛ بنا به گفته والدین که توان گرفتن همه روزه‌ها را نداشته، چند روزه از روزهای واجب را نگرفته باشد (و تمام روزه‌های نگرفته را نیز نداند) و اکنون نیز نداند که آیا در زمان توان آن روزه‌ها را داشته است یا نه و اطرافیان هم ندانند تکلیف او چیست؟

**ج**

- در فرض سؤال، هر مقدار را یقین دارد که کمتر از آن نبوده قضا کند.

**س ۴۹۹**

### اشاره

- این حقیر در سنوات ماضیه سه سال در ماه مبارک رمضان در فصل تابستان و در گرمای طاقت فرسا و در شرایطی که گرفتن روزه دشوار بود مشغول درو، جمع‌آوری زراعت و محصول بودم، لـذا به اکراه بـدون میـل و رغبت از فضایل ماه مبارک محروم مانـدم و روزه را افطار کردم که در ماههای بعد قضای آن را نمودم آیا بری الذّمهٔ شده‌ام یا نه؟

### ج

- در مورد سؤال جمع‌آوری محصول مجوّز افطار روزه رمضان نیست، برای هر روزه‌ای که افطار کرده‌ایـد علاوه بر قضای آن روزه، کفّاره عمد بشرحی که در توضیح المسائل مذکور است باید ادا نمائید.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۴۱

## کسانی که به واسطه بیماری نمی‌توانند روزه بگیرند

### س ۵۰۰

### اشاره

- آیا احتمال ضرر و بیماری مجوزی برای افطار می‌باشد یا اطمینان به ضرر و بیماری لازم است؟ میزان در مقدار ضرر چیست؟

### ج

- خوف ضـرر مجوز بلکه موجب افطـار است و اطمینـان لازم نیست و نسـبت به مقـدار آن کافی است که عرف عقلاء اثر مترتب بر روزه را ضرر محسوب دارند. و اللّه العالم.

### س ۵۰۱

### اشاره

- کسـی که مریض بوده مدت چند سال نتوانسته روزه بگیرد، اگر صحت پیدا کرد آیا آخرین سال را روزه بگیرد و آن مدت را که نتوانسته روزه بگیرد کفّاره بدهد و اگر توان پرداخت کفّاره را نداشته بایستی استغفار نماید؟ و یا اگر بعداً متمکن شد بایستی کفّاره روزه آخرین سال را بدهد یا سالهای گذشته را هم بپردازد؟

### ج

- در مورد سؤال بنابر احتیاط واجب بایستی کفاره سالهای گذشته را هم بپردازد.

### س ۵۰۲

### اشاره

- خانمی از ۲۷ سالگی به بعد بر اثر بیماری قادر به گرفتن روزه نبوده است حال تکلیف او چیست؟

### ج

- در فرض سؤال، قضـای روزه‌ها لازم نیست لکن برای هر روز یک چارک طعام ماننـد گنـدم و آرد به فقیر غیر سیّد بعنوان کفّاره بدهد.

### س ۵۰۳

### اشاره

- این جـانب سه ماه روزه ماه مبارک رمضان بـدهکار می‌باشم ولی بعلت بیماری کلیه و دسـتور پزشک نمی‌توانم تا آخر عمر روزه بگیرم حکم روزه‌هـای قضـاء چگونه است و آن را اگر عمـداً افطـار کرده بـاشم چه حکمی دارد و اگر بخاطر عـذر شـرعی بوده چه حکمی دارد؟

### ج

- در صورتی که شخصـی بواسـطه مرضـی معذور از گرفتن روزه باشد نباید روزه بگیرد و چنانچه تا ماه رمضان بعد بیماری او ادامه داشت و نتوانست قضاء روزه‌ها را بگیرد قضاء هم از او ساقط است فقط بایـد برای هر روز یک مـدّ (ده سـیر) طعام مثل گندم کفاره به فقرا بدهـد و اگر بـدون عـذر عمـداً روزه را افطـار کرده کفـاره عمـد و قضـاء بر او واجب میشود و تفصـیل مسأله را در توضـیح المسائل ملاحظه نمائید.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۲

### س ۵۰۴

### اشاره

– دختری ۹ ساله می‌باشد و توان روزه گرفتن ندارد آیا وقتی که توان پیدا کرد قضای روزهای گذشته واجب است یا نه؟

ج

– در صورتی که روزه موجب حرج یا بیماری شود گرفتن جائز نیست فعلًا بمقداری که میتواند از روزه بگیرد و بقیه را در طول سال به تدریج قضاء نماید.

س ۵۰۵

اشاره

– این جانب متولد ۱۳۴۳ که تا سال ۷۰ هجری شمسی در سلامت بوده و بعلت مسافرت و عذر شرعی بعد از بلوغ تا سال ۷۰ روی هم نود روز (سه ماه) از روزهای ماه مبارک رمضان را نتوانسته‌ام بگیرم بنابراین از سال ۷۰ هجری شمسی بدلیل بیماری کلیوی و دستور پزشک بر منع روزه گرفتن تا آخر عمر از گرفتن روزه معذورم.
خواهشمندم حکم روزه‌های قضائی که در روزهای سلامتی به علت عذر شرعی (مسافرت) نگرفته‌ام بیان بفرمائید؟

ج

– کفاره روزه‌هائی که قضاء آنها را تا رمضان بعد نگرفته‌اید بپردازید (برای هر روز یک مد طعام) و چنانچه در تمام عمر از گرفتن آن عاجز باشید وصیت کنید بعد از شما قضاء آنها را بگیرند.

س ۵۰۶

اشاره

– اگر روزه موجب چشم درد نمی‌باشد ولی سوی چشم کم می‌شود آیا کسی که به این بیماری مبتلا است باید روزه بگیرد یا نه؟

ج

– اگر بطور موقت باشد که بعد از روزه بر طرف میشود مجوز افطار نیست ولی اگر روزه موجب شود که نور چشم برای همیشه کم شود روزه واجب نیست.

س ۵۰۷

### اشاره

– شخصـی در مـاه رمضـان مریض بوده روزه نگرفته– بعـد از مـاه رمضـان هم مریض بوده– و اوّل ذی القعـده فوت کرد و در حیات خود کفاره ماه رمضان را که روزی ۷۵۰ گرم باشـد اطعام نداده، حالا کفّاره بر عهده کیست آیا از اصل مال برداشت شود یا نه و یا اینکه بر پسر بزرگ قضا واجب است یا نه؟

### ج

– در فرض سؤال، اگر از اوّل مـاه رمضـان تـا وقت فوت مریض بوده قضـا و کفّاره نـدارد و اگر در ماه رمضان مریض نبوده و عمـداً روزه نگرفته و بعـد از ماه رمضان مریض شـده باید کفاره عمد از اصل مال برداشـته شود و قضا هم دارد و اگر در ماه رمضان مسافر بوده و باین جهت روزه نگرفته و بعـد از ماه هم مریض شـده تا فوت کرده کفاره نـدارد ولی قضاء دارد و در تمام صور قضاء بعهده پسر بزرگ است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۳

### س ۵۰۸

### اشاره

– این جـانب از سال‌هـای قبل روزه بـدهکارم. کفّاره‌های آنها را پرداخته‌ام ولی هنوز موفق به گرفتن آن روزه‌ها نشـده‌ام. می‌خواهم ببینم آیا اگر روزه از سال قبل نیز بدهکار باشم و برای اینکه نخواهم کفّاره آن را بدهم و خود روزه‌ها را تا آمدن ماه رمضان امسال بگیرم. آیـا ایـن روزه‌هـایی کـه می‌گیرم به جـای روزه‌هـای سـال قبـل محسـوب شـده یـا بجـای روزه‌هـای سال‌هـای مـا قبـل آن که کفاره‌هایش را پرداخته‌ام؟

### ج

– نیّت هر کدام از روزه‌های قضا را بنمایید همان روزه محسوب می‌شود. و اللّه العالم.

### س ۵۰۹

### اشاره

– شخصـی سالهـا قادر به روزه گرفتن نبوده تا آخر عمر هم نتوانست روزه بگیرد و همه‌ساله کفّاره صوم را پرداخت نموده است. آیا قضای روزه به گردن چنین شخصی هست یا خیر؟
شخص مذکور وصیّت هم کرده است چهل سال روزه برای او بدهند تکلیف ورّاث و وصی او چیست؟

### ج

– در فرض سؤال قضای روزه ایّامی که مریض بوده بر او واجب نیست، لکن چنانچه وصیّت او زائد بر ثلث نیست و احتمال می‌دهند که قبل از بیماری روزه بذمّه او بوده، عمل به وصیّت واجب است. و اللّه العالم.

### س ۵۱۰

### اشاره

– آیا زن حامله‌ای که نمی‌تواند روزه بگیرد و روزه‌هایش را می‌خورد، برای ادای روزه‌های نگرفته باید دو کفّاره بپردازد یا خیر؟

### ج

– برای افطار روزه یک کفّاره بپردازد و اگر تا رمضان آینده موفق به گرفتن قضا نشد کفاره تأخیر هم لازم است. و اللّه العالم.

### س ۵۱۱

### اشاره

– در رساله حضرت عالی مسأله ۱۷۳۰ چنین آمده اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند و در صورتی که شب نیت سفر کرده باشد احتیاطاً قضای آن را بجا آورد سؤال این است که این احتیاط واجب است یا مستحب

### ج

– این احتیاط مستحبی است.

### س ۵۱۲

### اشاره

– روزه زنانی که در ماه مبارک رمضان برای جلوگیری از عادت ماهانه از قرص استفاده می‌نمایند صحیح است یا خیر؟

### ج

– اگر عادت نشوند روزه آنها صحیح است.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۴۴

### اعتکاف

#### س ۵۱۳

##### اشاره

– در عمل اعتکاف رفتن به حیاط مسجد، آبدارخانه، دفتر مسجد و دیگر قسمت‌ها و نیز صحبت کردن و خندیدن چه حکمی دارد؟

##### ج

– خروج از مسجد بدون ضرورت عرفی، برای معتکف جائز نیست ولی صحبت کردن و خندیدن مانعی ندارد.

#### س ۵۱۴

##### اشاره

– اعتکاف در مسجد مقدس جمکران جایز (صحیح) است یا خیر؟

##### ج

– مسجد جمکران در حال حاضر، از مساجد جامع محسوب است و اعتکاف در آن صحیح است. و اللّه العالم.

#### س ۵۱۵

##### اشاره

– آیا معتکف می‌تواند برای شرکت در دروس حوزه از مسجد خارج شود؟

##### ج

– نمی‌تواند. و اللّه العالم.

### س ۵۱۶

#### اشاره

– شخصی برای درک فضیلت اعتکاف در مشهد مقدس بعد از رسیدن به مشهد بدون قصد اقامت نذر کرده سه روز روزه بگیرد آیا چنین نذری صحیح است؟

#### ج

– حکم به صحت چنین نذری مشکل است و احتیاط در ترک آن است. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۵

## احکام زکات

#### اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۷
زکات

### زکات غلات

### س ۵۱۷

#### اشاره

– شخصی با علم به اینکه گندم و یا جو، زکاتش پرداخت نشده، بعنوان عامل فروش و یا عامل حمل با کامیون، اجرت فروش و یا کرایه حمل می‌گیرد، آیا زکات به ذمّه عامل فروش و یا به ذمّه عامل حمل، می‌آید یا نه؟

#### ج

– ظاهر این است که عین مال زکوی که زکاتش ادا نشده تحت ید هر کسی قرار بگیرد هر چند حامل یا عامل فروش باشد ضامن زکات است و مسأله تعاقب ایادی در اینجا نیز جاری است. و الله العالم.

### س ۵۱۸

#### اشاره

- ملکی که به رعیّت، اجاره داده می‌شود، زکات زراعت آن به عهده مالک است یا رعیّت و آیا رضایت زارع و عدم رضایت او موجب تفاوت در حکم می‌شود یا نه؟

### ج

- زکات به عهده مستأجر است که در این فرض زارع است و رضایت و عدم رضایت او معتبر نیست. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۸

### س ۵۱۹

### اشاره

- زارعی از ابتداء، زکات گندم یا جو را نداده، فعلًا مقدار زیادی زکات
باید بدهد، که از نظر وضع مالی اداء آن برای او مشکل است، آیا می‌تواند کمتر از مقدار یقینی، زکات بدهد یا لازم است تمام مقدار یقینی را بپردازد؟

### ج

- باید تمام مقدار یقینی را اداء نماید. و اللّه العالم.

### س ۵۲۰

### اشاره

- محصولاتی مانند گندم که بوسیله آب موتور از چاه عمیق مشروب شده، از نظر زکات حکم آب قنات را دارد یا دلو را؟

### ج

- در فرض مسأله حکم دلو را دارد.

### س ۵۲۱

### اشاره

– تخمی که زکات آن را داده‌اند، در سالهای بعد، می‌توانند همان مقداری که در سال قبل زکات آن را پرداخته‌اند، از محصول بردارند و زکات آن را ندهند یا اینکه باید در سالهای بعد، زکات آن مقدار تخم را بدهند؟

**ج**

– بلی میتوانند. و پرداخت مجدد زکاهٔ آن لازم نیست.

**س ۵۲۲**

**اشاره**

– بعضی از اقسام انگورها، قابل کشمش شدن نمی‌باشد و اگر هم خشک شود، کشمش آن قابل استفاده نیست و هیچ ارزشی ندارد، بفرمائید اینگونه انگور زکات دارد یا نه؟

**ج**

– زکات ندارد.

**س ۵۲۳**

**اشاره**

– محصول زراعتی که به وسیله چاه عمیق موتوری آبیاری شده، زکاتش را از چند باید محاسبه نمود؟

**ج**

– زکات آن بیست یک است. و اللّه العالم.

**س ۵۲۴**

**اشاره**

– املاک زن و مادر که در دست شوهر و فرزند است با املاک خود مخلوط و زراعت می‌کنند و زن یا مادر، دخالتی در املاک خود ندارند، آیا غلّه هر کدام باید به حدّ نصاب برسد یا مجموع زراعت روی هم حساب می‌شود؟

### ج

– اگر بذر زراعت از مال پسر یا شوهر است غلّه متعلق به اوست و به زن یا مادر ارتباط ندارد، بلی اگر بذر از مال هر یک از شوهر، همسر، پسر و مادر بوده به نسبت سهم آنها از بذر، نصاب سهم خودشان معیار است.
و اللّه العالم.

### س ۵۲۵

### اشاره

– غلّات اربعه که از ملک ثلث و یا وقفی به دست می‌آید و به
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۴۹
حدّنصاب برسد، زکات دارد یا نه؟

### ج

– اگر مثل وقف بر اولاد باشد که زراعت ملک آنها باشد، سهم هر که به حدّ نصاب برسد، زکات دارد. و اللّه العالم.

### س ۵۲۶

### اشاره

– اگر انگور را قبل از کشمش شدن بفروشد در صورتی که کشمش آن به حدّ نصاب می‌رسد، آیا زکات واجب است یا نه؟

### ج

– بلی واجب است.

### س ۵۲۷

### اشاره

– مخارجی را که برای گندم، جو و انگور کرده است، اعم از شخم، تخم و خرید تراکتور و وسایل کشاورزی دیگر حتی مخارج

مقدماتی آنها را می‌توان از حاصل کسر نمود یا نه؟

ج

– در مقام احتساب نصاب، احوط این است مخارج را که از عین زکوی داده می‌شود کسر کرد و بقیّه مخارج مشروعه بعد از احتساب نصاب از مجموع برداشت شود یا در مقابل اشیائی که برای سنوات بعد هم مورد استفاده است مانند تراکتور، و وسائل دیگر کشاورزی بمقداری برداشت شود که برابر با استفاده از آن در آن سال باشد و بعبارت دیگر قیمت توزیع بین سنوات استفاده از آن شود، چنانکه اگر تراکتور و وسائل دیگر در زراعات دیگر هم مورد استفاده واقع شود باید آن را هم ملاحظه کرد. و اللّه العالم.

س ۵۲۸

اشاره

– شخصی زکات گندم بدهکار است و از طرفی هم مقروض میباشد، قدرت پرداخت بدهی را ندارد و یک دستگاه تراکتور هم دارد که اگر برای پرداخت بدهی‌هایش آن را بفروشد، وام او که تقریباً مساوی است با قیمت تراکتور، پرداخت می‌شود ولی پس از فروش تراکتور عائله‌اش در مضیقه زندگی قرار می‌گیرند، خواهشمند است بفرمائید آیا باید زکات بدهد یا خیر؟

ج

– گندمی که به آن زکات تعلق گرفته، اگر موجود است زکات آن مقدم بر دیون دیگر است و اگر مال مذکور را خرج کرده و زکات آن به ذمه‌اش منتقل شده حکم سایر دیون را دارد که هر وقت متمکّن شد باید اداء کند، و اگر بنحوی باشد که مثل فروش تراکتور در فرض مسأله، موجب وقوع در عسر و حرج و معارض با عسر و حرج دائن نباشد جواز تأخیر اداء دین و زکات بعید نیست. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۰

س ۵۲۹

اشاره

– گندم یا جو، یا پولی که به میراب داده می‌شود، تا آب به زراعت برساند می‌توان از حاصل کسر نمود و سپس ملاحظه نصاب کرد یا نه؟

ج

– احتیاط اینست که در ملاحظه نصاب، فقط مخارجی را که از عین مال زکوی پرداخت میشود، کسر شود.
و اللّه العالم.

### س ۵۳۰

### اشاره

– قیمت وقتی که تخم را برای زراعت پاشیده می‌تواند جزء مخارج حساب کند یا نه؟

### ج

– می‌تواند آن را جزء مخارج حساب کند. و اللّه العالم.

### س ۵۳۱

### اشاره

– گندم را چیده و در خرمن جمع نموده‌ایم، آیا می‌شود مخارج کارگرانی را که مزد گرفته‌اند، از گندم کسر نمائیم و بعد زکات بدهیم یا خیر؟

### ج

– احتیاط این است که در ملاحظه نصاب فقط مخارجی را که از عین مال زکوی پرداخت می‌شود کسر شود. و اللّه العالم.

### س ۵۳۲

### اشاره

– الف: فرض سؤال اینکه ۲۰۰ من، گندم برداشت نمودم، که ۷۰ من آن را برای هزینه‌های کشت نمودن، هزینه‌های جمع‌آوری، اجاره املاک به مالک، کرایه تراکتور، تخم بذر مورد کشت، مخارج تعمیرات قنات و کود شیمیایی و غیره که باید هزینه‌های مصرف شده را از گندم برداشت نمایم، در نتیجه پس از برداشت هزینه فقط ۱۳۰ من باقیمانده، که از حدّ نصاب (۱۴۴ من) کمتر باقیمانده آیا از این گندم باید زکات داده شود یا معاف است؟ (هر یک من ۶ کیلو فرض شده).
ب: هزینه‌هائی که برای کشت و برداشت زراعت گندم خرج شده و باید از گندم کسر شود، تمامش متعلّق به خود گندم است یا

متعلق به کاه گندم هم می‌شود؟

### ج

- الف: اگر هزینه‌های مذکور حسب المعمول از عین گندم داده میشود ۱۳۰ من باقیمانده زکات ندارد و الّا باید زکات آن را بدهد. و اللّه العالم.
ج- ب: مخارج به نسبت ارزش کاه بین گندم و کاه تقسیط می‌شود، مثلًا اگر گندم پانصد تومان و کاه صد تومان ارزش دارد یک پنجم مخارج متعلق به کاه است. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۱

### س ۵۳۳

### اشاره

- آیا استهلاك تراکتور، و موتور آب، ماشین سواری و غیره، یا مزد موتورچی، آبگیر و شیار از نظر حضرتعالی جزء مخارج است یا خیر؟

### ج

- اگر منظور مخارج زکات است بلی موارد مذکور جزء مخارج است لکن مخارجی را که معمول است از خود زراعت گندم یا جو میدهند از حاصل کسر کند، اگر باقی‌مانده به حدّ نصاب رسید زکات دارد و مخارجی را که معمولًا پول میدهند کسر نمیشود، یعنی بایـد ملاحظه کننـد، اگر حاصل قبل از کسـر مخارج به مقدار نصاب باشد زکات تعلّق می گیرد ولی به خود آن مخارج زکات تعلق نمی گیرد، و اگر منظور مخارج سرمایه و تعلّق یا عدم تعلّق خمس است در این صورت مخارج مذکور کسر می‌شود.

### س ۵۳۴

### اشاره

- گنـدم و جو که به حـدّ نصاب رسـیده، کاه آنها چه حکمی دارد؟ آیا بر کاه هم زکات تعلّق میگیرد؟ و یا از مخارج صـرف شـده برای کشت گندم و جو کسر می‌شود؟

### ج

- کاه زکات ندارد ولی مخارج زراعت بالنسبه به کاه هم تقسیط می‌شود.

### س ۵۳۵

#### اشاره

– شخصی بطور مثال مقدار ۲۰۰ من گندم برداشت مینماید که مقدار ۱۰۰ من آن را از اصل گندم یا بقیمت روز، مبلغ آن را برای هزینه‌های مصرفی از قبیل مرمّت قنات، کرایه تراکتور، خرمن کوبی، شخم زمین و خرید کود شیمیائی و کارگر و غیر آنها باید برداشته و برای هزینه‌های مصرف شده پرداخت نماید، در نتیجه ۱۰۰ من، از گندم برداشته شده کاهش یافته و فقط مقدار عایدی ۱۰۰ من باقی‌مانده که از حدّ نصاب ۱۴۴ من، کاهش یافته آیا مشمول دادن زکات میشود یا خیر؟

#### ج

– اگر معمول باشد که بابت مخارج مذکور پول بدهند، در فرض سؤال، بنابر احتیاط لازم، باید زکات ۱۰۰ من باقی‌مانده را بدهد، و اگر معمول باشد که از خود زراعت بدهند، زکاهٔ مقدار باقی‌مانده که کمتر از حدّنصاب است واجب نیست.

## زکات حیوان (چهارپایان)

### س ۵۳۶

#### اشاره

– شخصی حدود ۴۵۰ رأس گوسفند دارد، که شش ماه از سال علف صحرا را می‌خورند و شش ماه دیگر همراه با علوفه صحرا علوفه دستی نیز به

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۵۲

گوسفندان می‌دهد (از قبیل یونجه خشک شده و جو) خواهشمند است معلوم فرمائید به اینگونه گوسفندان زکات تعلّق می گیرد یا نه، خمس چطور؟

#### ج

– گوسفندان مورد سؤال زکات ندارند ولی خمس دارند. و اللّه العالم.

### س ۵۳۷

#### اشاره

– حضرت عالی در رساله مسأله ۱۹۱۶ فرموده‌اید: زکات گوسفند دو شرط دیگر هم دارد، شرط دوم آنکه در تمام سال از علف بیابان بچرند حال برای فرار از زکات، زمین را ۲۰ روز اجاره کند یا خود صاحب زمین مجانی بدهد و یا در مقابل یک بره بدهد و یا با صاحب زمین تبانی کنند صاحب زمین چیزی از صاحب گوسفند نگیرد، آیا بازهم زکات واجب است یا نه؟

ج

– واجب نیست. و اللّه العالم.

زکات طلا

س ۵۳۸

اشاره

– آیا سکّه‌های قدیم از قبیل پهلوی و پوند انگلیسی و غیره جزء سکّه‌های رائج است و زکات به آنها تعلق میگیرد یا خیر؟ در صورتی که همان سکّه‌های قدیم بصورت دست بند یا خلخال باشد و سالهای قبل استفاده زینت از آنها شده، باز زکات به آنها تعلق می گیرد یا خیر؟

ج

– سکّه‌های مذکوره رواج معامله‌ای ندارند زکات به آنها تعلّق نمی گیرد. و الله العالم.

س ۵۳۹

اشاره

– اگر کسی در سالهای گذشته طلای مسکوک داشته و به حدّ نصاب هم بوده و لیکن تا به حال زکات آنها را نداده الآن پانزده مثقال آن چقدر زکات دارد؟

ج

– اگر مقدار طلا پانزده مثقال صیرفی بوده، فعلًا زکات آن را بدهد کافی است و اگر بیشتر بوده حکم دیگری دارد. و اللّه العالم.

س ۵۴۰

### اشاره

- طلائیست مسکوک که مقدار آن بیش از حدّ نصاب می‌باشد، و چندین سال است زکات آن داده نشده، آیا نسبت به تأخیر در پرداخت زکات سنوات گذشته، اشتغال ذمّه است یا فقط معصیت کرده و با پرداخت زکات فعلی تدارک می‌شود و اگر از چهل دینار یک دینار را که باید بدهد در صورتی که به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۳

پول رائج، به قیمت درآورده و پرداخت نمود و آن یک دینار در ملک او باقی ماند، بازهم نصاب زکات نسبت به چهل دینار باقی است یا نه و بعد از پرداخت زکات اگر در سالهای بعد، بقیّه طلا که باز هم بیش از حدّ نصاب است باقی مانده مجدّداً مشمول حکم زکات می‌شود یا نه؟

### ج

- اگر از مقدار نصاب اوّل بیشتر نبود، فعلًا همان زکات نصاب اوّل را بدهد، و اگر بیشتر بود و به حدّنصاب دوّم نرسیده، باید به مقدار هرچند سال بر او گذشته بقدری زکات بدهد که از نصاب اوّل ساقط شود، و اگر به نصاب دوّم رسید به همین نحو ملاحظه نماید، و اگر زکات طلا را از عین آن نداد مادامی‌که در حدّ نصاب باقی است همه‌ساله باید زکات آن پرداخت شود. ضمناً لازم به تذکر است که زکات به طلای مسکوک رائج تعلق می گیرد و مسکوکیت تنها موجب تعلق زکات نیست و حکم سایر اموال را دارد که باید تخمیس شود.

### س ۵۴۱

### اشاره

- به سکّه‌های طلائی که به عنوان هدیه به شخصی داده‌اند، زکات تعلق میگیرد؟ و در صورت شمول زکات، آیا می‌توان آن را به حساب دولت واریز نمود و از مالیات دولتی محاسبه نمود یا نه؟

### ج

- در صورتی که دارای شرائط زکات باشد، باید زکات آن را بپردازد و مالیات بابت زکات محسوب نمیشود. و اللّه العالم.

### س ۵۴۲

### اشاره

- جوانی هستم که بواسطه بیماری مادرزادی قادر به حرکت نمی‌باشم و در کنار خانواده زندگی می‌نمایم، در حدود یک سال

است پولهای خود را تبدیل به سکّه نموده‌ام تا وقت گران شدن آنها را فروخته درآمدی از آن راه داشته باشم، لطفاً بفرمائید اگر به حدّ نصاب برسد زکات به آن تعلق میگیرد یا نه، و آیا چنین معامله‌ای از نظر شرع چه صورتی دارد؟

ج

- زکات ندارد، و معامله مورد سؤال اشکال ندارد، زیرا زکات در طلای مسکوک رائج است. و اللّه العالم.

س ۵۴۳

اشاره

- مقداری طلا در طی سال زوج به زوجه می‌دهد، آیا زکات دارد یا خیر؟

ج

- زکات، به طلای مسکوک رائج که مانند اسکناس رواج بازاری داشته باشد، تعلّق میگیرد و طلای غیر مسکوک و یا مسکوک غیر رائج متعلّق زکات نیست.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۴

س ۵۴۴

اشاره

- طلایی که بعنوان سرمایه کسب و کار میباشد، به آن زکات تعلق میگیرد یا خیر؟

ج

- زکات ندارد.

مصرف زکات

س ۵۴۵

اشاره

– پولی که برای وجوه شرعیّه جدا و تعیین شده، می توان آن را مصرف نمود و با پول دیگر عوض کرد؟

**ج**

– تبدیل زکات اموال و فطره بعد از جدا کردن، بنابر احتیاط واجب جائز نیست ولی وجوه دیگر با جدا کردن متعین و مجزّا نمی‌شود. و اللّه العالم.

**س ۵۴۶**

**اشاره**

– مستأجری که از پرداختن وجه اجاره به صاحب خانه امتناع می‌ورزد و اظهار فقر مینماید، اگر در بررسی معلوم شود که توانائی پرداخت نداشته، اکنون هم فوت شده، صاحب ملك می‌تواند بدهی او را از واجبات شرعیّه خود در سالهای آینده، محاسبه نماید و ذمّه مستأجر به این وسیله آزاد گردد، (درحالی که دسترس به ورّاث ایشان هم نداشته باشد)؟

**ج**

– اگر فقیر بمقدار بدهی خود ترکه نداشته باشد، محاسبه از بابت زکات مانعی ندارد و در غیر این فرض مشکل است. و اللّه العالم.

**س ۵۴۷**

**اشاره**

– شخصی مدتها از زکات بخصوص زکات فطره، بدون اینکه فقیر باشد استفاده نموده فعلًا متوجه شده که زکات مخصوص فقراء است، فعلًا تکلیف او چیست؟ مبالغی یا اجناسی را که در حال حاضر از زکات دارد به فقراء بدهد یا به صاحبش یا به مجتهد؟ و آنچه را به مصرف رسانده مدیون است یا خیر؟

**ج**

– با فرض عدم فقر ضامن است، باید به صاحبانش برگرداند، و یا با اجازه آنها به نیّت زکات فطره به فقراء غیر سیّد بدهد، و اگر آنها را نمی‌شناسد با اجازه مجتهد جامع الشرائط، از طرف صاحبانش به نیّت زکات فطره به فقیر غیر سیّد بدهد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۵

**س ۵۴۸**

### اشاره

- افرادی فقیر به اسـتناد اینکه بچه را می‌خواهیم به مـدرسه یا دبیرسـتان بفرستیم بودجه نـداریم، تقاضای کمک می‌نماینـد، از وجوه بریه زکات، سهم سادات و احیاناً سهم امام (ع) کمک کردن برای نفقه موارد مذکور چه صورت دارد؟

### ج

- در فرض سؤال چنـانچه اطمینـان به اسـتحقاق آنان داشـته باشـند، می‌تواننـد در صورت سیّد بودن، از سـهم سادات و الّا از زکات کمک کنند و از سهم مبارک امام (ع) منوط باجازه فقیه جامع الشرائط است. و اللّه العالم.

### س ۵۴۹

### اشاره

- آیـا انسان می‌توانـد وجهی را به مسـتحقّ بدهـد با این نیّت که اگر زکات به ذمّه‌اش هست، زکات و اگر مظالم بر عهـده‌اش باشـد مظالم محسوب شود یا نه؟

### ج

- اگر هم زکات و هم مظالم بر ذمه دارد باید تعیین نماید، و اگر علم اجمالی دارد که یا زکات یا مظالم بر عهده دارد، ظاهراً بقصد ما فی الذمه بدهد کافی است. و اللّه العالم.

### س ۵۵۰

### اشاره

- آیا انسان می‌تواند مقدار زکاتی که بر ذمّه دارد، جهت عروسی به پسر خود بدهد؟

### ج

- اگر پسر متمکّن نباشد، بمقدار مخارج ازدواج او مانعی ندارد. و اللّه العالم.

### س ۵۵۱

**اشاره**

– آیا زکات فرزند به پدر و مادرش میرسد یا نه؟

**ج**

– نمیرسـد، مگر آنکه نیاز به چیزی داشـته باشـند که رفع آن بر فرزند واجب نباشد مثل اینکه پدر، زنی غیر از مادر آن فرزند داشـته باشد و متمکن از مخارج او نباشد. و اللّه العالم.

**س ۵۵۲**

**اشاره**

– آیا انسان می‌تواند به ربیبه خود که خرج او را عهده دار شده است، از زکات خود در هزینه زندگی و رفع حوائج او بپردازد؟

**ج**

– اگر ربیبه فقیر و مستحق شرعی باشد میتواند زکات خود را به او بپردازد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۶

**س ۵۵۳**

**اشاره**

– شخصـی که زکات بایـد بپردازد، اگر فرزنـد یا دامادش یا یکی از بسـتگانش طلبه باشـد، می‌تواند به صورت هدیه لوازم خانه و یا کتاب مورد نیاز او را خریده و از زکات خود محاسبه نماید یا نه؟

**ج**

– اداء زکات به دامادش اگر مسـتحق باشـد جائز است و به فرزنـدی که فقیر است برای مخارج لازم او که غیر از نفقه واجب بر پدر باشد جائز است ولی احتیاط اینست که زکات اگر از غلّات یا از انعام است عین یا قیمت آن ادا شود.

**س ۵۵۴**

### اشاره

– حضرتعالی در مسأله ۱۹۵۷ توضیح المسائل فرموده‌اید: اگر پسر به کتابهای علمی و دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد. حال می‌خواستیم بدانیم که اگر دانش‌آموز دبیرستانی و یا دانشجوی دانشگاهی، به کتابهای علمی نظیر ریاضیات، فیزیک، شیمی، مکانیک و غیره احتیاج داشته باشد یعنی این کتابها فقط علمی باشند آیا در اینگونه موارد پسر می‌تواند از پدر خودش زکات برای خریدن کتابهایی که احتیاج دارد دریافت کند؟

### ج

– در مورد سؤال، چنانچه دانش‌آموز فقیر باشد، پدر می‌تواند از زکات خود به فرزندش بدهد، که فرزند صرف خرید کتاب نماید، چون تهیه کتاب جهت دانش‌آموز، جزء نفقه واجبه بر پدر نیست.

### س ۵۵۵

### اشاره

– احتراماً نظر به اینکه ما، در روستایی از روستاهای استهبان زندگی می‌کنیم که آن روستا فاقد مدارس راهنمائی پسرانه، و دخترانه و ابتدایی و همچنین خانه بهداشت و دیگر امکانات فرهنگی و بهداشتی می‌باشد لذا چون بیشتر مردم روستا به کار کشاورزی اشتغال دارند، و هر ساله مقادیری جهت زکات پرداخت می‌کنند، و با توجه به اینکه آن روستا فاقد مدارس راهنمائی و ابتدائی است خواهشمنداست بیان بفرمائید که ما می‌توانیم این زکات را جهت ساخت مدارس روستای خود خرج نمائیم یا اینکه فقط باید به فقرا داده شود، چون در این مورد بعضی از افراد مخالفت می‌کنند و می‌گویند که زکات اختصاص به فقرا داده شده و در راههای دیگر نمی‌توان مصرف کرد، آیا می‌توان زکات را جمع‌آوری نمود و به اندازه فقرای محل داد و باقی را خرج امور خیریه
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۵۷
داد یا خیر؟ یا اینکه از محل خارج و به فقرای محل دیگر داده شود؟

### ج

– در مورد سؤال، چنانچه بودجه دولتی جهت تأمین مخارج موارد مذکور در سؤال موجود نیست، مؤمنین می‌توانند زکات مال خود را، در موارد مذکوره مصرف نمایند، البته تأمین مخارج فقرا را در اولویّت قرار دهند.

### س ۵۵۶

### اشاره

- اگر فقیر در منطقه مخارج سالش تأمین نشود، پرداخت زکات مال و فطره برای مساجد و مدارس دینی واجب است یا فقرا؟

**ج**

- پرداخت زکات مال، هم به فقراء و هم صرف آن در بناء و تعمیر مساجد و مدارس دینی جائز است و در زکات فطره احتیاط در دادن آن به فقیر است. و الله العالم.

**س ۵۵۷**

**اشاره**

- آیا زکات را در محل می‌توان جمع‌آوری و در کارهای خیریه صرف کرد؟

**ج**

- صرف زکات مال در امور خیریه‌ای که در شرع مقدّس از امور خیریه محسوب شود از سهم سبیل اللّه مانع ندارد و جمع‌آوری آن هم در این صورت اشکال ندارد.

**س ۵۵۸**

**اشاره**

- استدعا داریم نظر مبارک را در رابطه با مصرف زکات راجع به تعمیر و تبدیل حمام خزینه عمومی روستا به دوش، بیان فرمائید.

**ج**

- در فرض سؤال چنانچه حمّام مذکور، ملك کسی نیست و برای استفاده عموم ساخته شده و متبرّعی که مخارج تعمیر و تبدیل آن را تحمل کند نیست، صرف زکات از سهم سبیل اللّه در مورد سؤال مانع ندارد.

**س ۵۵۹**

**اشاره**

- در روستای ما غسّال خانه‌ای وجود دارد گاهی اوقات اشخاصی که فوت میکنند، بعلت عدم آمادگی قبلی برای کفن دچار مشکل

می‌شوند.

سؤال ما این است، برای آمادگی غسّال خانه

۱- آیا می‌شود از پول زکات، شخص یا اشخاصی، چند طاقه پارچه بخرند و در غسال خانه برای همه مسلمین قرار دهند؟

۲- از بدهکاری خمس میشود پارچه کفنی برای غسالخانه خرید یا نه؟

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۸

۳- به عنوان هدیه به مسلمین، میشود کفنی خرید در آنجا گذاشت یا نه؟

**ج**

- اشخاص خود، هرچه برای این موضوع اهداء کنند خیر است و صرف آن طبق نظر هدیه کنندگان برای غنی و فقیر بی‌اشکال است، امّا از زکات فقط باید به مصرف کفن فقرا برسد.

از سهم سادات عظام جائز نیست و از سهم مبارک امام (ع) و موکول به اذن مجتهد جامع الشرائط است.

## زکات فطره

### س ۵۶۰

**اشاره**

- اینکه به فقیر اقلّ از یک صاع، از فطریه نمی‌شود داد؟ آیا می‌شود یک صاع و نیم یا دو صاع نیم و یا یک صاع و ربع داد یا نه؟

**ج**

- احتیاط آن است که صاع تمام بدهند، یا یک صاع و یا دو صاع و یا سه صاع.

### س ۵۶۱

**اشاره**

- اگر پول فطریه کنار گذاشته شود و به خرد کردن پول نیاز باشد آیا می‌توانم بوسیله آن پول، پول خودم را خرد کنم، به جای آن، پول دیگری بگذارم؟

**ج**

- بعد از جدا کردن فطره هر چند پول باشد، نمیتوانید آن را عوض کنید هر چند به خرد کردن پول نیاز داشته باشید.

### س ۵۶۲

### اشاره

- در رساله در باب زکات فطره، مسأله ۲۰۱۹ فرموده‌اید: انسان اگر به عیالش از مال حرام بدهد باید زکات فطره آنان را از مال حلال بدهد، بدنبال همین فتوا بین مردم صحبت است، کسی که خمس نمی‌دهد یعنی حساب سال ندارد، اول باید خمس آن مقدار را بدهد، تا یقین کند که از مال حلال داده است؟

### ج

- در فرض سؤال چنانچه بخواهد از عین مالی که به آن خمس تعلق گرفته زکات فطره بدهد، باید اوّل خمس آن مال را بدهد، ولی اگر کسی که حساب سال ندارد، از مالی که به آن خمس تعلق نگرفته زکات فطره بدهد اشکال ندارد.

### س ۵۶۳

### اشاره

- زکات فطره رزمندگان اسلام و سربازان نظام جمهوری اسلامی که مخارج آنها را دولت یا مردم می‌دهند، در ماه مبارک رمضان به عهده چه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۹

کسی است؟

### ج

- هر کدام متمکّن باشند بنابر احتیاط خودشان اداء کنند.

### س ۵۶۴

### اشاره

- اگر انسان شب عید فطر مهمان داشته باشد، صبح بفهمد که عید بوده، آیا فطره آنها بر او واجب است یا نه؟ در صورتی که موقع غروب آمده باشند، و همچنین اگر موقع غروب بیاید و چیزی نخورد آیا بازهم فطره او بر صاحب خانه است؟

ج

جامع الاحکام ؛ ج ۱ ؛ ص ۱۵۹

اگر قبل از غروب آمده‌انـد، باید فطره آنها را بدهد اگر چه عید بودن را صـبح فهمیده باشد و کسـی که قبل از مغرب آنجا بوده، هر چند چیزی نخورد، احتیاط آنست که فطره او را نیز بدهد. و اللّه العالم.

س ۵۶۵

اشاره

- نوه‌ام شب عید فطر، در خانه‌ام بوده و افطار کرد، فطریه او بر عهده من بود آیا پدر او هم باید فطریه او را بدهد یا نه؟

ج

- در فرض مذکور، فطره بر پدر او واجب نیست.

س ۵۶۶

اشاره

- شب عیـد فطر قبل از غروب، فقیری در خانه ما را زد، ما هم مقـداری نان و خرما جهت خوراکی به او دادیم، ولی وارد خانه نشـد آیا فطریه او بر گردن ما می‌باشد یا نه؟

ج

- فطره فقیر مذکور بر صاحبخانه واجب نیست.

س ۵۶۷

اشاره

- اگر در یک شـهر، حوزه‌ای طلاب فقیری داشـته باشد که شهریه شان بقدر کافی نباشد، و در شهر عدّه‌ای دیگر از عموم مردم فقیر باشند، کدامیک برای کمک از زکات فطره و صدقات و نذور مطلقه، استحقاق بیشتری دارند؟

ج

- نسبت به زکات فطره، مستحب است خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم بدارد و بعد همسایگان فقیر را و بعد اهل علم را، ولی اگر دیگران با تساوی در فقر و اضطرار از جهتی برتری داشته باشند مستحب است آنها را مقدم بدارد، و نسبت به صدقات و نذور مطلقه فرقی نمیکند، مگر اینکه احتیاج بعضی بیشتر از بعض دیگر باشد، که در این صورت فرد محتاج اولویت دارد.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۶۰

س ۵۶۸

اشاره

- اگر جهت زکات فطره، گندم یا قیمت آن جدا شد آیا می‌شود آن را عوض کرد بجای آن خرما یا برنج و غیره داد یا نه؟

ج

- تبدیل آن، بعد از جدا کردن جائز نیست.

س ۵۶۹

اشاره

- در یکی از روستاهای میهن اسلامی‌مان مسجدی فاقد فرش است از طرفی نیازهای جنبی دیگری نیز برای این مسجد پیش می‌آید از قبیل: خرید نفت، بخاری، پول برق، خرید پرده و خرید لامپ، آیا مردم این روستا میتوانند زکات و زکات فطره برای خرید ما یحتاج فوق، برای مسجد بپردازند یا خیر؟

ج

- خرید اشیاء مذکور در صورت حاجت داشتن مسجد به آنها، از زکات مال مانعی ندارد ولی زکات فطره بنابر احتیاط واجب باید به فقیر داده شود.

س ۵۷۰

اشاره

– با وجود فقیر در محل، آیا فطره را به کمیته امداد امام خمینی می‌توان تحویل داد؟

ج

– باحتیاط واجب مصرف زکات فطره، فقراء شیعه اثنا عشری هستند و دهنده فطره باید قطع به برائت ذمه پیدا کند.

**س ۵۷۱**

**اشاره**

– زکات فطره را می‌توان برای حمّام عمومی خرج کرد؟

ج

– بنظر حقیر احتیاط لازم اینست که به فقراء شیعه اثنا عشری پرداخت شود.

**س ۵۷۲**

**اشاره**

– دختری است مسکین نیازمند امّا نماز نمی‌خواند، و حجاب درستی ندارد آیا حضرتعالی مجاز می‌دانید مظالم عباد، صدقات و زکات فطره رمضان به او بدهند یا خیر؟

ج

– بنا بر احتیاط واجب نمی‌توانند وجوه مذکوره را به او بدهند.

**س ۵۷۳**

**اشاره**

– کسی که از خصال کفّارات اطعام را برگزیده و یا از بابت کفّاره و فدیه یک مدّ طعام باید بدهد یا فطره عید فطر را میدهد، آیا مجزی است که از نانوائیهای کشور، نان خریداری کند و به مستحقین بدهد یا نه؟ (در حالی که بین قیمت و دولتی و آزاد آن تفاوت بسیاری است).

**ج**

– در فرض سؤال، خریدن نان از نانوائی و به عنوان کفاره یا فطره دادن مانع ندارد.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۶۱

**س ۵۷۴**

**اشاره**

– بابت فطریه و صدقات مبلغی موجود است آیا اجازه می‌فرمایید مبلغ مذکور در مخارج مسجد منظور شود و صرف گردد؟

**ج**

– در فرض سؤال فطریه و صدقات را نمی‌شود بنابر احتیاط واجب صرف مخارج مسجد کرد، بلی اگر فقیر غیر سیّد بگیرد و بدهد برای مخارج مسجد اشکالی ندارد.

**رد مظالم**

**س ۵۷۵**

**اشاره**

– رد مظالم چیست و آیا می‌توان آن را به حساب کمیته امداد و یا هلال احمر و یا به خزانه دولت واریز نمود؟

**ج**

– اداء حقوق مالی را که شناسائی ذی حق ممکن نباشد مظالم می‌گویند که بنابر احتیاط واجب باید با اجازه فقیه جامع الشرائط به نیازمندان غیر سید داده شود. و اللّه العالم.

**س ۵۷۶**

**اشاره**

– اجازه می‌فرمائید مظالم برای فقرا و مساجد و مدارس مصرف شود با توجه به نیاز مبرم ملت افغانستان؟

ج

– مظالم باید به فقیر غیر سید پرداخت شود. و اللّه العالم.

س ۵۷۷

اشاره

– آیا جایز است شخصی از بابت رد مظالم مبلغی را در راه‌های خیر و فی سبیل اللّه مثل پل‌سازی و غیره بدهد؟

ج

– مصـرف مظالم، فقراء شـیعه غیر سـیّد هسـتند و صرف آن در امور خیریه مانند پل‌سازی و یا مسجد و نظائر اینها جایز نیست. و اللّه العالم.

مسائل متفرقه زکات

س ۵۷۸

اشاره

– تقریباً چهل یا پنجاه سال از سنّ شخصـی می‌گـذرد، در این مـدت کم و بیش زکات داده، ولی یقین نـدارد، که تمام آنچه را که تعلّق گرفته، داده باشد، اکنون می‌خواهند خود را بریء الذّمهٔ نماید، چه اندازه از مالش را اخراج کند؟

ج

– اگر بخواهـد علم به برائت ذمّه پیـدا کنـد، احتیاطاً حـدّ اکثری را که احتمـال میدهـد از بـابت زکات بـدهکار است ادا نمایـد ولی مراعات این احتیاط واجب نیست

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۶۲

و بمقداری که یقین به اشتغال ذمّه دارد، اگر ادا نموده یا فعلًا ادا نماید کافی است. و اللّه العالم.

س ۵۷۹

اشاره

- در هندوستان از چیزهای زراعی که زکات شامل آنها است فقط گندم را می‌توان نام برد و اغلب در این گونه جاها برنج و غیره مثل نیشکر می‌کارند. آیا در این گونه چیزهایی، که اغلب قابل استفاده است به جز گندم زکات واجب است یا نه؟ سرمایه‌ای که کارکنان دولتی از دولت بدست می‌آورند و نیز تجّار در سرمایه‌شان زکات واجب است یا خیر؟

**ج**

- اشیائی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، همان نه چیزی است که در رسائل عملیه ذکر شده و در غیر آنها زکات واجب نیست.

**س ۵۸۰**

**اشاره**

- صدقه بر سیّد حرام است آیا صدقه سیّد بر سیّد جایز است یا نه؟

**ج**

- صدقه سیّد بر سیّد حرام نیست و در صدقه مستحب اگر چه دهنده سیّد نباشد نیز بر سیّد حرام نیست.

**س ۵۸۱**

**اشاره**

- آیا در محصولات کشاورزی جدید مانند برنج، کیوی، پسته و زعفران هم باید زکات بدهند؟

**ج**

- زکات در اشیاء مذکور در سؤال، واجب نیست.

**س ۵۸۲**

**اشاره**

- ما یقین داریم بیشتر کشاورزان، شاید ۹۰٪ آنها گندمهای خود را بسیلوها تحویل میدهند و اهل زکات دادن نیستند و سیلو هم

بصورت آرد درآورده، توسط شورای آرد و نان به نانواها تحویل و آنها نیز بعد از پخت به مردم ارائه میدهند، حالا آیا این مردم بدهکار به فقرا هستند یا نه و آیا مطلبی که در احادیث باب ۳۲ استبصار ج ۲ مربوط به خمس است: (لتطیب ولادتهم و لیزکوا أولادهم) شامل این مردم می گردد یا نه؟

**ج**

- کلّ گندمهای مذکور مختلط نمیشود و علم به اینکه در نانی که بدست میرسد زکات باشد حاصل نمیشود و به هر حال باب زکات غیر از باب خمس است، کسی که در باب خمس بگوید که در ذمّه من انتقل عنه خمس باقی می‌ماند و من انتقل الیه اشتغال ذمه پیدا نمیکند در باب زکات نمیگوید.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۶۳

**س ۵۸۳**

**اشاره**

- اگر شخصی مؤونه سالش را نتواند فراهم نماید و به عسرت بگذراند، یا قرض دارد و نتواند قرضش را اداء کند و مقداری زکات هم بر او واجب شده، باید زکات را بدهد یا لازم نیست؟

**ج**

- بلی باید زکات را بدهد. و اللّه العالم.

**س ۵۸۴**

**اشاره**

- زنی که سیّده است و دارای چند بچه یتیم غیر سیّد است و سرپرست اطفال یتیم است، زکات به یتیم‌ها جز از طریق مادرشان میسر نیست آیا می‌تواند زکات واجب را بگیرد و به مصرف یتیم‌ها برساند؟

**ج**

- با اذن فقیه بی‌اشکال است ضمناً به خود آن علویه که علی الفرض فقیره است، پرداخت سهم سادات بی‌اشکال است.

**س ۵۸۵**

### اشاره

- در روستای ما عده زیادی شغلشان کشاورزی است و بیشتر زمین آنان وقفی است که بعضی‌ها اجاره اوقاف را می‌پردازند و بعض‌ها هم به عللی نمی‌پردازند و اکثریت اهل این روستا زکات مالشان را نمیدهند. سؤال ما این است.

۱- آیا دادن اجاره بها به اوقاف کفایت از دادن زکات می کند یا نه؟

۲- آنهائی که زکات نمیدهند اگر اصلًا زکات را قبول نداشته باشند چه حکمی دارند؟

۳- آنهائی که زکات نمی‌دهند اموالشان مانند غذایشان پاك است یا نجس؟

۴- با فروختن همین گندم و غیره که زکات آن را نداده‌اند بابت شیربهای عقد پول پرداخت میکنند و لباس می‌خرند لباس‌ها و عقدها چه حکمی دارد؟

۵- اگر شما دستور بدهید که زکات بدهند و آنها هم قبول کردند آیا اجازه میدهید زکاتها در همین روستا خرج شود یا نه؟

### ج

- زکات یکی از فروع دین و منکر آن با علم به این که دستور اسلام و پیغمبر- صلّی اللّه علیه و آله- است، نجس و کافر است و تصرّف در زمین وقفی بدون پرداخت اجاره به متولّی شرعی غصب و حرام است و پرداخت اجاره موقوفه زکات محسوب نمی‌شود، مؤمنینی که زکات میدهند مجازند در همان روستای خود در مواردی که شرعاً جائز است زکات مصرف شود، خرج کنند موفق باشید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۵

احکام خمس

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۷

## خمس

### احکام خمس

### س ۵۸۶

### اشاره

- آیا پرداخت وجوهی تحت عنوان عشریه بجای خُمس صحیح بوده و ریشه اسلامی دارد؟

### ج

- گرفتن و پرداختن عُشریه بجای خمس اصل شرعی ندارد و کفایت از اداء خمس نمی کند و عمل به چنین برنامه‌ای حرام و بدعت

است.

### س ۵۸۷

#### اشاره

- بفتوای حضرت عالی تعلق خمس به مال التجاره و سرمایه و سائر موارد به نحو اشاعه است یا از قبیل حق یا غیر این دو؟

#### ج

- بنظر این جانب تعلق خمس به نحو اشاعه است. و اللّه العالم.

### س ۵۸۸

#### اشاره

- پدری که به علت کهولت سن اداره املاک و مسیر درآمد را به پسرش واگذار می‌کند و در اداء واجبات مالی مثل خمس از خود سلب مسئولیّت می‌کند آیا مسئولیّت از او سلب می‌شود؟

#### ج

- مجرد گفتن پدر که من از خود سلب مسئولیّت کردم مادام که فرزندان

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۸

خمس را نپرداخته‌اند باعث سلب مسئولیّت نمی‌شود بلکه واجب است در صورت تعلّق خمس آن را اداء کند.

### س ۵۸۹

#### اشاره

- آیا اسکناس متعلق زکات و خمس می‌شود؟

#### ج

- خمس به آن تعلق میگرید ولی زکات ندارد.

### س ۵۹۰

### اشاره

– مراد از سرمایه چیست؟ و خمس آن باید به قیمت خرید باشد یا به قیمت روز؟

### ج

– سرمایه آن کالا ـ یا پولی است که در دست بازرگان و کاسب قرار دارد و با آن جهت امرار معاش یا تحصیل سود و دادوستد معامله مینماید و عین آن ثابت نیست و تبدیل و تعویض می‌شود این سرمایه که به آن راس المال هم گفته می‌شود (اگر از اموالی نباشد که خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد) باعتبار قیمت و مالیتی که دارد خمسش ادا میشود سپس در آخر هر سال کسبی و تجارتی اگر قیمتش زیادتر شده باشد آن زیادتی فایده است و به آن خمس تعلق میگیرد و ۴۵ آن اگر کنار گذارده نشود بر سرمایه اضافه می‌شود و سال دیگر به مازاد بر کل خمس تعلق می‌گیرد و همینطور در سنوات بعد و اگر کنار گذارده شود بر سرمایه کسب و تجارت چیزی افزوده نمیشود و احکام خاص خود را دارد، و امّا اشیایی که وسیله کسب و تحصیل درآمدند ولی عیناً مورد دادوستد و معامله قرار نمی‌گیرند مثل ماشین کرایه‌ای یا خانه و دکان اجاره‌ای یا کارخانه یا محل کسب یا تراکتور و امثال اینها و همچنین ابزار و وسایل تجارت و کار به این معنی سرمایه محسوب نمیشود که در آخر هر سال به ترقی قیمت آنها خمس تعلق بگیرد و همین قدر که یک بار خمس آنها ادا شود کفایت می‌کند بلی اگر اتفاقاً آنها را بقیمت بیشتر از قیمت تخمیس شده فروخت زیادتی جزء فایده سال فروش است اگر تا پایان سال صرف مؤونه نشود باید خمس آن ادا شود. و الله العالم

### س ۵۹۱

### اشاره

– مواد غذایی مثل برنج و روغن و حبوبات و غیر آنها که از سال خمسی اضافه می‌ماند و خمس به آنها تعلّق می‌گیرد، به چه قیمتی باید حساب شود به قیمت آزاد یا به قیمت دولتی؟

### ج

– در فرض سؤال، اگر عین این اشیاء ربح و فائده بوده مثل محصول مزرعه
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۹
شخص باشد به قیمت فعلی باید خمس آنها ادا شود و الّا اگر آنها را بذمه خریداری کرده و از فواید قیمت آنها را پرداخت کرده اداء خمس پولی که پرداخت کرده کافی است و اگر از قیمت روز خرید تنزّل پیدا کرده تخمیس آن به قیمت فعلی کافی است. و اللّه العالم.

### س ۵۹۲

### اشاره

- پرداخت خمس بر طبق قیمت خرید کفایت می کند یا باید بر اساس قیمت فعلی باشد؟

### ج

- نسبت به سرمایه بایـد قیمت فعلی ملاـحظه شود و قیمت خریـد کافی نیست ولی نسـبت به ابزار کسب مثل تراکتور از اشـیائی که نگاهداری آنها برای مبادله و اسـتفاده از ترقی قیمت آنها نیست اگر آنها را به ذمه خریداری کرده و از عوائد نقداً یا باقساط پرداخته همان پولی که پرداخته کافی است.

### س ۵۹۳

### اشاره

- دولت در قبال تخریب منازل و نخیل در جنگ تحمیلی مبالغی میدهـد که حدّ اعلای خسارت تخریب کلّی منازل ۸۵۰ هزار تومان و خسارت هر نخل تلف شـده هزار تومان میباشـد در خیلی موارد اصل منزل به قیمت خیلی کمتر خریده شده و نخل در اصل قبل از جنگ به قیمتی خیلی کمتر خریده شده یا کاشته شده و قیمت فعلی آن بیش از قیمتی است که دولت می‌دهد آیا مبلغی را که دولت می‌دهـد و از اصل قیمت بیشتر می‌باشـد و از قیمت فعلی کمتر است زائد بر قیمت اصـلی جزء ارباح است که خمس دارد یا آنکه به قیمت فعلی محاسبه شود که خمس نداشته باشد؟

### ج

- زائد بر قیمت اصلی از ارباح است لکن پولی که نسبت به منازل مسکونی داده می‌شود چنانچه قبل از گذشتن سال بر آن بمصرف تهیه منزل یـا مؤونه دیگر برسـد خمس نـدارد و نسبت به نخیـل اگر مورد نخلسـتانی است که سـرمایه می‌باشـد چنـانچه قبلًا خمس نخلستان داده شده بمقدار قیمت اصلی خمس ندارد و زائد بر آن را هم اگر قبل از گذشتن سال بمصرف مؤونه برساند خمس ندارد و الّا باید خمس زائد را بدهد.

### س ۵۹۴

### اشاره

- اگر سر سال خمسی رسید و برنج یا حبوبات زیاد آمد به نرخ

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۷۰

خریداری شده که آن روز ارزان‌تر بوده حساب کند یا به نرخ فعلی؟

**ج**

– اگر آن را به عین عوائد نخریده و بذمه خریده و از عوائد پول آن را داده تخمیس همان پول کافی است. الله العالم.

**س ۵۹۵**

**اشاره**

– آیا از نظر حضرت عالی خمس بین حقوق بگیر یا کاسب فرق دارد یا خیر؟

**ج**

– در مورد سؤال وجوب خمس با تحقق شرائط آن فرقی بین کاسب و حقوق بگیر نیست. و اللّه العالم.

**س ۵۹۶**

**اشاره**

– کسانی که سال خمس نداشته‌اند و اکنون بخواهنـد سال قرار دهند سرمایه و املاکی که خریده‌اند به قیمت خرید میتوانند خمس آنها را بدهند یا به قیمت روز باید خمس آن را بدهند؟

**ج**

– سرمایه را بایـد بقیمت روز حساب کنند و نسبت به املاك و اشیایی که برای استرباح خریداری نشده اگر بعین عوائد خریداری نشده تخمیس بقیمت خرید کافی است.

**س ۵۹۷**

**اشاره**

– آیا می‌شود نسبت به تک‌تک درآمدها احتساب سال مالی جداگانه باشد یا مجموعه آنها یک تاریخ حساب باید داشته باشند و در این صورت کسی که مثلًا دیروز حقوق معوقه چند ماه خود را دریافت کرده و امروز سال خمسی او فرا رسیده آیا باید اینها را مشمول خمس بداند؟

**ج**

– برای شغلهای متفاوت تعیین سال جداگانه مانعی ندارد و لکن چون نگهداری حساب سود هر معامله مشکل است برای درآمد ماهیانه و شغل واحد یک سال قرار دهید و تمام درآمدهای قبل از سال که صرف مؤونه نشده مشمول خمس می گردد.

**س ۵۹۸**

**اشاره**

– اگر مقداری از پول بانک مخمس و مقداری غیر مخمّس باشد آیا می‌توان به نیت غیر مخمس پولش را بگیرد و تا به اندازه پول مخمس برسد یا خیر؟

**ج**

– در مورد سؤال احتیاطاً آنچه را دریافت میکند از مجموع هر دو وجه محسوب دارد و خمس بقیه را به نسبت بپردازد.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۷۱

**س ۵۹۹**

**اشاره**

– شخصی باغی خریده به مبلغ یک میلیون تومان برای تفریح خانواده، آیا این باغ جزء مؤونه است یا باید خمس بدهد؟

**ج**

– صرف جهت تفریح بودن عرفاً مؤونه محسوب نمی‌شود لذا باید خمس آن را بدهد.

**س ۶۰۰**

**اشاره**

- کسی که تا کنون اصلًا خمس نداده، برای دادن خمس چگونه باید عمل کند، آیا خمس تمام وسایل و لوازم ضروری (موتورسیکلت- ماشین، یخچال- خانه و غیره) را نیز بدهد؟ و اگر باید بدهد همان قیمت خرید را بدهد یا خمس قیمت فعلی را؟

ج

- اگر محتمل باشد که آنچه را برای مؤونه مورد حاجت از عوائد بین سال خریده اداء خمس آنها واجب نیست و اگر از عوائدی که سال بر آن گذشته خریده باشد در صورتی که به عین آن خریده باشد نه در ذمه و مجتهد آن معامله را اجازه کند خمس آن شیء متعلق به ارباب خمس است. و اللّه العالم.

س ۶۰۱

اشاره

- اگر شخصی دیه مورث خود را گرفته و سال بر آن گذشته آیا خمس باید بدهد یا نه؟

ج

- دیه خمس ندارد.

س ۶۰۲

اشاره

- شخصی برای خودش قبری بخرد و مدّت چند سال بگذرد، خمس چه سال را باید پرداخت کند؟

ج

- در موردی که خرید قبر صحیح بوده اداء خمس آن بقیمت خریداری شده کافی است. و اللّه العالم.

### سال خمسی و خمس سرمایه

س ۶۰۳

اشاره

– آیا برای تعیین سال جهت خمس، سال شمسی بهتر است و یا قمری؟

### ج

– هر یک را میتوانید تعیین کنید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۲

### س ۶۰۴

### اشاره

– شخصی در آخر سال بابت خمس چند چک می‌دهد که به تدریج در سال آینده وصول گردد، آیا این کار صحیح است؟

### ج

– در فرض سؤال، اگر مبلغی را که بعنوان خمس میدهد با ولیّ خمس دستگردان نماید و از سرمایه کسر کند و ما بقی را سرمایه خود حساب کند و در سال بعد آنچه بر مبلغ ما بقی اضافه شده تخمیس کند مانع ندارد.

### س ۶۰۵

### اشاره

– وضع کاری بنده طوری است که نمی‌توانم کلیه اجناس را در اول سال به جهت تکه تکه بودن قیمت‌گذاری کنم بفرمائید چگونه سرمایه‌ام را تخمیس نمایم؟

### ج

– شما می‌توانید در سال خمسی حد اکثری را که ممکن است خمس به شما تعلّق گرفته باشد به حدس معلوم کنید و وکالةً از طرف حقیر دستگردان نمائید بعد که محاسبه دقیق کردید طبق آن محاسبه خمس را بپردازید.

### س ۶۰۶

### اشاره

- شخصی سر سالش فرا رسیده است حساب می کند و خمس مالش را می‌دهد مبلغ پولی که در طول همین سال کار کرده الان که موقع حساب است به دستش نیامده دو ماه مثلًا بعد از حساب می گیرد از کار کرد سال قبل آیا به حساب کارکرد سال قبلی باید خمس بدهد یا اینکه سال جدید که به دستش رسید به حساب سالی جدید محسوب نماید که اگر زائد آمد خمس آن بدهد؟

**ج**

- در فرض سؤال مبلغ مذکور ربح سال قبل محسوب است بعد از وصول باید خمس آن داده شود. و اللّه العالم.

**س ۶۰۷**

**اشاره**

- زنی به منظور کمک به همسر خود در بیستم اسفند ماه که ده روز به سال خمسی همسر مانده حدود بیست هزار تومان مواد خوراکی می‌خرد و بمنزل می‌آورد تا شوهر و فرزندانش استفاده کنند، آیا بر این مواد خوراکی خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ و اگر تعلق بگیرد زن باید محاسبه کند یا مرد؟

**ج**

- اگر بر پول آن خوراکی، نزد خود زن خمس تعلّق نگرفته یعنی سال بر آن نگذشته و پیش از گذشتن سال بر آن مصرف می‌شود خمس به آن تعلّق نمی گیرد.

**س ۶۰۸**

**اشاره**

- شخصی دارای سال خمسی می‌باشد در هنگام محاسبه خمس سال مقداری پول دارد که می‌داند چه زمانی آن را بدست آورده است؛ آیا می تواند آن

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۷۳

پول را در محاسبه خمس به حساب نیاورد و بعد از گذشت یک سال از موقع کسب خمس آن را حساب کند؟

**ج**

- اگر پول مذکور از عوائدی است که تدریجاً بدست می‌آید مانند درآمد کسبه بازار و غیره، باید آن را موقع سال خمسی بحساب بیاورد هر چند بر خصوص آن پول سال نگذشته باشد، ولی اگر از غیر کاسبی و اتفاقاً بدست آمده باشد می‌تواند خمس آن را تا

یک سال تأخیر بیندازد. و اللّه العالم.

### س ۶۰۹

### اشاره

- سرمایه‌ای که در بین سال بدستم رسیده اوّل فروردین مثلًا یک میلیون بدستم رسید و سال خمسی این حقیر آخر اسفند ماه میباشد آیا میتوانم تا پایان اسفند ماه با این پول تولید در آمد کنم بدون دادن خمس یا اینکه در شروع معاملات باید خمس آن را کنار بگذارم اگر چه تا موعد سال خمسم چند ماهی فرصت هست؟

### ج

- در مورد سؤال قبل از رسیدن سال خمسی اداء خمس آن واجب نیست.

### س ۶۱۰

### اشاره

- آیا عمل کسانی که قبل از رسیدن سال برای فرار از خمس اموال خود را می‌بخشند صحیح است یا خیر؟

### ج

- اگر بخشش آنها در حدّ شأن آنها باشد اشکال ندارد.

### س ۶۱۱

### اشاره

- اگر کسی پولی را برای خرید جنس ضروری کنار بگذارد و قبل از خرید تاریخ حساب سالش برسد آیا باید خمس این پول را بدهد یا خیر؟

### ج

- بلی خمس آن واجب است.

### س ۶۱۲

#### اشاره

– اگر شخصی پولی داشته باشد که بر آن سال گذشته یا نگذشته باشد، و برای اینکه پولش کم ارزش نشود آن را تبدیل به زمین یا جنس دیگری که مورد نیازش نیست می کند وضعیت خمس آن چگونه است آیا به قیمت فعلی یا قیمت خرید باید تخمیس شود؟

#### ج

– در صورتی که برای استفاده از ترقی قیمت آن را خریداری کرده خمس قیمت فعلی را بدهد. و اللّه العالم.

### س ۶۱۳

#### اشاره

– کارگر و کارمند و حقوق بگیری که برای حساب وجوهات سال نگه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۴

می‌دارد اگر فعلًا صد هزار تومان مخمس شده سر سال داشته باشد در بین سال پنجاه هزار تومان آن را به مصرف برساند سر سال بعد می‌تواند از در آمد سال پنجاه هزار تومان مصرف شده را جبران کند که صد هزار تومان سال قبل تکمیل شود و اگر پولی زیاد آمد خمس آن را بدهد یا اینکه سال بعد میزان پنجاه هزار تومان مخمس شده می‌باشد؟

#### ج

– در فرض سؤال پنجاه تومان مصرف شده را نمی‌توانند از درآمد سال جبران کنند.

### س ۶۱۴

#### اشاره

– کسانی که معامله می کنند اگر سرمایه آنها کلّاً خرج شود و سر سال خمسی آنها به اندازه همان سرمایه پول بدست آورده باشند، آیا می‌توانند جای سرمایه بگذارند یا باید خمس آن را بدهند؟ افرادی که معامله نمی کنند چطور؟

#### ج

– در فرض سؤال، کسانی که معامله نمی‌کنند باید خمس درآمد جدید را بدهند ولی آنها که با سرمایه معامله می‌کنند چنانچه سرمایه خرج شود و قبل از سال خمسی از درآمد جدید سرمایه را جبران نمایند خمس ندارد.
و اللّه العالم.

### س ۶۱۵

#### اشاره

– آیا پولی که یک بار خمس آن پرداخت شده و در بین سال با پول خمس داده نشده مخلوط شده در آخر سال مبلغی موجود است باید خمس پولی که باقیمانده پرداخت شود یا خیر؟

#### ج

– مبلغ موجود آخر سال باید به نسبت تخمیس شود به این معنی که اگر مقدار پول مخمس بمقدار پول مخلوط شده باشد خمس نصف موجودی را باید داد و نصف دیگر را بابت پول مخمس حساب نمود که خمس ندارد.

### س ۶۱۶

#### اشاره

– اگر قالی در خانه بافته شود و کرک و پود و دیگر لوازم آن را از پول تخمیس شده تهیه نمایند چنانچه بافتنش چند سال وقت بگیرد، آیا به پولی که از فروش قالی بدست می‌آید خمس تعلّق میگیرد؟ و آیا میتوان از پول فروش قالی مبلغ اولیّه تخمیس شده را جدا کرده مجدّداً بعنوان پول تخمیس شده کرک و غیره خریداری کرد؟

#### ج

– در مورد سؤال بمقداری که برای خرید کرک و پود و غیره که از پول مخمس پرداخت شده خمس تعلق نمی‌گیرد و زائد بر آن مقدار اگر در سالی که
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۵
بحسب متعارف فرش بفروش می‌رسد صرف مؤونه بشود آن نیز خمس ندارد ولی اگر سال فروش فرش آن زائد و یا هر مقداری از آن صرف مؤونه نشود و سال بر آن بگذرد خمس دارد. و اللّه العالم.

### س ۶۱۷

### اشاره

- شش سال پیش مبلغی را در بانک به حساب خود واریز کرده‌ام و تا حالا به آن پول کاری نداشته‌ام و هنوز همان پول در بانک است می‌خواستم ببینم چگونه باید خمس آن را حساب کنم؟ اگر به فرض چند بار از آن پول استفاده می‌کردم آن وقت حکم چگونه بود؟

### ج

- اگر مبلغ مذکور از درآمد سال بوده بهر مقدار آن که سال گذشته خمس دارد.

### س ۶۱۸

### اشاره

- دولت در هر ماه از هر کارمند حدود هشتاد تومان بعنوان بیمه عمر می‌گیرد و پس از فوت این کارمند مبلغ دویست هزار تومان یا بیشتر نقداً و یکجا، به وارث متوفی می‌دهد آیا وارث باید این مبلغ را تخمیس کند؟

### ج

- ظاهر این ستکه اگر در بین سال صرف مؤونه شود تخمیس آن لازم نیست.

### س ۶۱۹

### اشاره

- اگر این جانب مبلغ ۴۰ هزار تومان پول داشته باشم و ۴۰ هزار تومان هم چک جهت هزینه تحصیلی داشته باشم آیا بازهم در سر سال شرعی خمس تعلّق می‌گیرد؟

### ج

- اگر مبلغ چهل هزار تومانی که دارید سال بر آن نگذشته و قبل از رسیدن سال خمسی مصرف هزینه تحصیل و یا مؤونه دیگر بشود خمس ندارد ولی اگر قبل از اینکه مصرف هزینه تحصیل و سائر مخارج بشود سال بر آن بگذرد خمس دارد.

### س ۶۲۰

**اشاره**

– اگر سال شرعی پرداخت خمس به عللی بگذرد و در وقت دیگری حساب شود آیا اشکال دارد؟

**ج**

– بایـد اداء خمس از سر سـال خمسی تـأخیر نیفتد و در صورت تأخیر ارباح حاصل بعـد از سر سال خمسی در محاسـبه سال بعد ملاحظه میشود.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۷۶

### خمس مالی که انسان به کسی قرض داده

**س ۶۲۱**

**اشاره**

– مطالباتی که بعد از گذشت سال مالی وصول می‌گردد را اجازه می‌فرمائید در سال آینده حساب شود؟

**ج**

– در فرض سؤال موقع حساب سال آن را به حساب بیاورد و هر وقت وصول شد بپردازد. و اللّه العالم.

**س ۶۲۲**

**اشاره**

– کارمنـد دولت هستم و مقـداری پول از بـابت حقوق و مزایا بر عهـده دولت است بایـد بپردازد و به عللی از جمله عـدم توانایی یا مشـکلات اداری پرداخت نمی‌شود بعـد از گـذشت دو سـال پرداخت می‌شود مبلغ مزبور جزو در آمـد سـال محسوب میگردد یـا بر اساس اینکه مربوط به دین گذشته است و سال بر او گذشته خمس دارد؟

**ج**

– در فرض سؤال بعید نیست مبلغ مذکور جزء درآمد سال وصول محسوب گردد. و اللّه العالم.

### خمس طلا

#### س ۶۲۳

**اشاره**

– طلائی که بانوان جهت زینت خریداری می کنند آیا به آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

**ج**

– طلا جهت زینت در حد شأن خمس ندارد.

#### س ۶۲۴

**اشاره**

– طلایی که مرد برای زن خود می‌خرد، آیا باید خمسش را بدهد؟

**ج**

– اگر زائد بر شأنش نباشد خمس ندارد. و اللّه العالم.

#### س ۶۲۵

**اشاره**

– اگر زنی طلای زینتی خود را که بـدان نیز احتیاج دارد برای رفع نیازمنـدیها و مؤونه زنـدگی بفروشد و در سال مصـرف کند: اولًا آیا متعلق خمس است یا نه؟ ثانیاً چنانچه پولش تا پایان سال به مصـرف نرسید و ماند برای سال دیگر آیا خمس دارد یا خیر؟ ثالثاً و در هر صورت اگر سالهای بعد چون نیاز به زینت دارد اگر مرد بخواهد دو مرتبه از درآمد کار، طلائی برای عیال خود بخرد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۷
باید خمس آن را بدهد یا نه؟

**ج**

– در فرض سؤال: زینت آلات فروخته شده چنانچه در سال فروش صرف مؤونه بشود خمس ندارد. و اگر در سال فروش صرف مؤونه نشود زائد بر قیمت خرید خمس دارد. و زینت آلاتی که دوباره شخص برای عیال خود میخرد اگر زائد بر شأنش نباشد خمس ندارد. و اللّه العالم.

### س ۶۲۶

### اشاره

– طلائی که زینت زن است اگر یک سال یا دو سال از آن برای زینت استفاده نکند آیا خمس و زکات بآن تعلق میگیرد یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال طلای مذکور زکات ندارد و نسبت به خمس، چنانچه عدم استفاده بجهت این باشد که از محلّ احتیاج خارج شده تا آن را نفروخته خمس واجب نیست و هر وقت فروخته شد ترقی قیمت آن از قیمت خرید از عوائد سال فروش است که اگر بمصرف مؤونه رسید خمس ندارد و الّا خمس مقدار زائد بر قیمت خرید واجب است. و اللّه العالم.

### س ۶۲۷

### اشاره

– شخصی که شغلش طلافروشی است، سرمایه وی بصورت طلای شمش یا سکّه مسکوک یا طلاهای زینتی از قبیل گوشواره، انگشتری، سینه‌ریز و غیره می‌باشد اگر مقداری از سکّه‌ها همچنان بماند و سال بر او بگذرد، نسبت به پرداخت خمس و زکات تکلیف او چیست؟

### ج

– باید خمس مجموع در آمد خود را پس از کسر مؤونه سال بپردازد. و الله العالم.

### س ۶۲۸

### اشاره

– آیا به سکه طلا (بهار آزادی) که در خانه دارم غیر از طلای زن و فرزند خود، خمس تعلق می گیرد؟

ج

- حکم سائر ارباح را دارد و خمس دارد.

## خمس هدیه

### س ۶۲۹

اشاره

- آیا به هبات خمس تعلق می گیرد؟

ج

- بنظر این جانب هبه با سائر درآمدها فرقی ندارد.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۷۸

### س ۶۳۰

اشاره

- منظور از بخشش کم که مورد تعلّق خمس نیست چه مقدار است؟ آیا نسبت به افراد متفاوت است یا خیر؟

ج

- بخشش کم و زیاد اگر تا پایان سال صرف مؤونه نشود حکمش واحد است. و اللّه العالم.

### س ۶۳۱

اشاره

- آیا به هدیه یا جایزه‌ای که به افراد داده می‌شود، خمس تعلّق می گیرد یا خیر؟

ج

- اگر تا پایان سال صرف مؤونه نشود خمس دارد. و اللّه العالم.

### س ۶۳۲

#### اشاره

- دو نفر با یکدیگر قرار می‌گذارند، که برای فرار از خمس درآمدهای خود را به یکدیگر ببخشند حکم مسأله بیان فرمائید.

#### ج

- اگر قصد جدّی در بخشش داشته باشند و این بخشش و هبه بطور متعارف در شأن آنها باشد اشکالی ندارد. و اللّه العالم.

### س ۶۳۳

#### اشاره

- اگر پـدر یا مادری بمناسـبتهای مختلف به فرزنـد بالغ خود مبلغی مثلًا دو هزار تومان ببخشد، که در پایان سال به پانزده هزار تومان برسد، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

#### ج

- به آن خمس تعلق میگیرد. و اللّه العالم.

### س ۶۳۴

#### اشاره

- دانش‌آموزی که پـدرش فوت نموده ماهیـانه‌ای که از مـادرش می‌گرفته جمع‌آوری نموده و بمبلغ هفتصـد تومان رسـیده آن را به برادرش قرض داده و یک سال هم بر آن گذشته و قرار است پس از مدتی آن پول را دوباره به خودش برگردانند مورد تعلق خمس قرار میگیرد یا نه؟

#### ج

- اگر هدیه بوده خمس دارد. و اللّه العالم.

### س ۶۳۵

#### اشاره

– در عروسی هدیه‌هائی که فامیل به این جانب داده‌اند آیا مشمول خمس می گردند یا نه؟

#### ج

– اگر مؤونه محسوب نشود و سال بر آن بگذرد خمس دارد. و اللّه العالم.

### س ۶۳۶

#### اشاره

– شخصی یک دستگاه ماشین خاور بفرزندش می‌بخشد تکلیف خمس او را بیان فرمائید.

#### ج

– در مورد سؤال، اگر ماشین را از درآمد بین سال خریده و در همان سال

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۹

بفرزنـدش بخشـیده پرداخت خمس آن بر عهـده پـدر نیست و بفرزنـد نیز در صورتی که عین یـا قیمت آن ماشـین را در همـان سال ببخشـد و در مصـرف مـؤونه و احتیاجـات شخصـی قرار دهـد خمس تعلق نمیگیرد بلی اگر تـا پایـان سـال آن ماشین مورد حـاجت شخصـی فرزنـد نشـد یا آن را سـرمایه کسب قرار داد خمس عین یا قیمت آن را بایـد بدهد و چنانچه شـخص مرقوم ماشـین را بذمه خریده و از عوائد غیر مخمس سالهای قبل وجه آن را پرداخته باشد خمس آن وجه بر ذمه او باقی است و باید بپردازد.

### س ۶۳۷

#### اشاره

– آیا عیدی و پاداشی که دولت به کارمندان می‌دهد و به صورت پول نقد و یا سکه طلا می‌باشد خمس دارد یا نه؟

#### ج

– عیدی و پاداش حکم حقوق ماهیانه را دارد اگر در عرض سال صرف مؤونه شود خمس ندارد. و اللّه العالم.

### س ۶۳۸

#### اشاره

- شخصی برای خود سال شرعی دارد اگر فرد دیگری در وسط سال مبلغی بعنوان کمک مالی بصورت هدیه، به او ببخشد در صورت فرارسیدن سال شرعی مبلغ مذکور ما زاد بر مؤونه باشد، آیا مانند درآمدهای دیگر مشمول خمس می‌شود یا خیر؟

#### ج

- مشمول خمس است.

### س ۶۳۹

#### اشاره

- یک باب مغازه سالها پیش از شوهر به زن مؤمنه خودش هبه شده است و حال این زن مؤمنه مغازه را فروخته است و بنا دارد منزلی بخرد، این خانم حساب سال دارد و مغازه‌ای را که فروخته، قرار است پولش را پس از حساب سال تحویلش دهند، در چنین وضعیتی آیا خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

#### ج

- در فرض سؤال که زوجه در رأس سال اول هبه مغازه، خمس آن را نداده و تا حال هم ادا نکرده باید خمس قیمت فعلی مغازه را پرداخت نماید خواه پول آن را پس از حساب سال یا در بین سال دریافت نماید ارتباطی به سال خمسی آن پیدا نمی‌کند.

### س ۶۴۰

#### اشاره

- خانمها معمولًا بر اساس احتیاج به لباس، مقداری پارچه می‌خرند که در موقع فراغت لباس تهیه کنند و به علت اشتغالات جنبی موفق به دوختن لباس نمی‌شوند و سال بر آن پارچه‌ها می‌گذرد آیا آن پارچه‌ها خمس دارد یا
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۰
خیر و چه کسی باید خمس را بدهد و قیمت فعلی باید محاسبه شود یا قیمت خرید؟

ج

– در فرض سؤال مالک آن اجناس باید خمس آنها را طبق دستوری که در مسائل قبلی بیان شد بقیمت خریداری شده بدهد. و اللّه العالم.

س ۶۴۱

اشاره

– آیا پارچه‌ای را که شوهر جهت تهیّه لباس برای همسرش خریداری میکند و سال بر آن می‌گذرد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر و چه کسی باید خمس بدهد؟

ج

– در مورد سؤال خمس دارد و خمس آن را باید مالک پارچه بدهد. و الله لعالم.

س ۶۴۲

اشاره

– آیا به پولی را که زن کارمند به شوهرش می‌بخشد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

– مانند سائر عوائد است که در آخر سال خمسی صرف مؤونه‌اش نشده باشد خمس دارد.

خمس سرقفلی و مغازه

س ۶۴۳

اشاره

– شخصی بین سال خمسی سرقفلی مغازه‌ای را خریده بعد از مدّتی سرقفلی افزایش یافته آیا فعلًا که می‌خواهد خمس آن را بدهد قیمت خرید را حساب کند یا قیمت فعلی را که افزایش یافته است؟

**ج**

- اگر سرقفلی حق مشروعی برای او شده باشد خمس قیمت خرید را بدهد و هر وقت آن را بقیمت بیشتر فروخت زائد بر قیمت خریداری شده جزو فوائد سال فروش است که اگر در مؤونه صرف نشد باید خمس آن ادا شود.

**س ۶۴۴**

**اشاره**

- کسی که خمس میدهد بین سال خمسی سرقفلی مغازه‌ای را میدهد که در آن کسب کند چند سال گذشته فعلًا میخواهد خمس آن را بدهد قیمت خرید را باید بدهد؟

**ج**

- در صورتی که بعین پولی که خمس به آن تعلق گرفته یا از عوائد سال بوده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۱

نخریده باشد و بذمه خریده باشد و بعد از فائده و درآمد آن را ادا کرده باشد اداء خمس قیمت خرید کافی است.

**س ۶۴۵**

**اشاره**

- مغازه‌ای را به عنوان سرقفلی خریداری نموده‌ام آیا خرید مغازه هم جزء سرمایه محسوب می‌شود و خمس دارد؟

**ج**

- بلی مبلغی را که داده‌اید باید تخمیس نمایید. به این صورت که مثلًا اگر جنابعالی صد هزار تومان پول نقد برای معامله و سرمایه در نظر گرفته باشید و پنجاه هزار تومان سرقفلی مغازه را خریده باشید سی هزار تومان خمس به آن تعلق میگیرد که اگر از سرمایه آن را بپردازید اصل سرمایه هفتاد هزار تومان میشود. و اللّه العالم.

**س ۶۴۶**

**اشاره**

- اگر مغازه را به صورت قسطی بخریم آن هم خمس دارد؟

ج

- در هر سال هر مقدار از اقساط را که می‌دهید خمس آن را باید بدهید. و الله العالم.

س ۶۴۷

اشاره

- شخصی یک میلیون سرقفلی و یک میلیون جنس در مغازه بعنوان سرمایه دارد درآمد باندازه مخارج و مؤونه زندگی است آیا خمس دارد یا نه؟

ج

- خمس دارد.

س ۶۴۸

اشاره

- اگر مغازه‌ای را که چند سال در اجاره داشته با اذن مالک به دیگری واگذار کند و مبلغی را سرقفلی به او بدهند فوراً باید خمس او را بدهد یا تا سر سال خمسی میتواند تأخیر بیندازد چنانچه از خرجش زیاد آمد بدهد؟

ج

- در فرض سؤال میتواند تا سر سال تأخیر بیندازد تا در صورت عدم صرف در مؤونه خمس آن را بدهد.

س ۶۴۹

اشاره

- شخصی سرقفلی را که متداول است برای یک مغازه میدهند از پولی که خمس آن را داده است داده و فعلًا آن سرقفلی ترقی کرده البته تا مادامی که به کسی واگذار نکرده میفرمائید خمس زیادی سوقیه را لازم نیست بدهد حال این شخص فوت کرده ورثه

آن مغازه را با سرقفلی که چندین برابر اصل شده به دیگری فروخته و واگذار نموده‌اند آیا بر این ورثه لازم است خمس آن را که در زمان حیات مورث ترقی کرده است بدهند یا نه؟

### ج

– در مورد سؤال، چنانچه ترقی سوقی مربوط به قبل از فوت مورث بوده بعد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۲

از فوت او به ورثه خمس آن واجب نیست و اگر ترقی آن تماما و یا مقداری از ترقی مربوط به بعد از فوت مورث بوده مقدار ترقی بعد از فوت، ربح سال فروش محسوب است که در صورت صرف در مؤونه قبل از سال خمسی خمس ندارد و اگر صرف در مؤونه نشود و سال خمسی برسد خمس دارد.

### س ۶۵۰

### اشاره

– اگر خمس ابزار کسب خود مثل ویترین و میز و برق و تلفن و غیره را داده باشد در سالهای بعد اگر قیمت ترقی نماید آیا باید خمس بدهد؟

### ج

– ترقی اشیاء مذکوره تا فروخته نشود خمس ندارد.

### س ۶۵۱

### اشاره

– کاسب، تاجر و مغازه‌داری که دائماً سرمایه و درآمدش در حال تغییر است و حساب دقیق داشتن از دخل و خرج مغازه برایش میسر نیست تکلیف او در پرداخت وجوهات چیست؟ آیا می‌تواند بطور تقریبی و حدسی سالیانه مبلغی را بپردازد یا خیر؟

### ج

– در حال تغییر بودن درآمد، منافات با رسیدگی حساب درآمد ندارد و اگر بعض جزئیات را بطور دقیق متعذّر است رسیدگی کند، حدس و تخمین کافی است. و اللّه العالم.

### س ۶۵۲

#### اشاره

– در محل کسب ملک شخصی یا اجاره ای، مخارجی می‌کند که بعضی مربوط به کسب می‌شود و بعضی مربوط به کاسب مانند تلفن و آب و برق و تهویه هوا و بعض مخارج اثری در کسب ندارد مانند بنّائی و کارگری یا تعمیرات، مثل سنگفرش و ... اگر همه اینها خمس دارد چگونه قیمت‌گذاری کند، درحالی‌که بعضی نایاب شده و چندین برابر قیمت پیدا کرده مثل تلفن و وسایل تهویه. نظر مبارک را اعلام فرمائید.

#### ج

– در فرض سؤال خمس قیمت خرید وسائلی که در بین سال خمس جهت محل تهیه شده و عین آنها موجود است مانند تلفن و وسائل تهویه و آب و برق را باید ادا نماید ولی ترقی قیمت سوقی آنها تا نفروخته‌اند خمس ندارد و مخارج دیگر که برای تعمیر مغازه مصرف شده اگر موجب افزایش قیمت مغازه نشود خمس ندارد و در مغازه اجاره‌ای در صورت افزایش قیمت نیز خمس ندارد. و اللّه العالم.

### س ۶۵۳

#### اشاره

– شخصی با پول تخمیس نشده مغازه‌ای خریده و کاسبی می‌کند آیا
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۳
می‌تواند خمس پولی را که مغازه خریده و تخمیس نشده از طریق کاسبی در این مغازه بپردازد؟

#### ج

– اگر با پولی که سال بر آن گذشته و خمس به آن تعلق گرفته مغازه بخرد و معامله عین بعین باشد باید خمس ارزش فعلی مغازه را بدهد و اگر معامله بنحو کلی در ذمّه بوده خمس قیمت خرید کافی است و چنانچه با حاکم شرع دستگردان و بدهی خود را معلوم کرده باشد پرداخت خمس از درآمد مخمّس مغازه اشکال ندارد.

## خمس ابزار کار و ماشین‌آلات

### س ۶۵۴

#### اشاره

– شخصی دو دستگاه ماشین دارد و هر دو مورد نیاز است اما از یکی برای رفت و آمد جهت کشاورزی استفاده میکند آیا خمس به آن تعلق میگیرد یا خیر؟

ج

– ماشینی که برای استفاده شخصی خانوادگی، واقعاً مورد لزوم باشد و در بین سال و از عوائد همان سال تهیه شده باشد خمس ندارد و ماشینی که در امور کشاورزی و لو برای آمد و رفت و رسیدگی به آن لازم باشد خمس دارد.

### س ۶۵۵

اشاره

– اگر با ماشین‌سواری به طور اتفاقی مسافر سوار کند و کرایه بگیرد آیا این ماشین متعلق خمس هست یا نه؟

ج

– اگر ماشین مؤونه باشد یعنی برای استفاده سواری شخصی تهیه شده و به آن نیاز دارد خمس ندارد هرچند اتفاقاً در موردی کرایه بگیرد ولی اگر ماشین را بعنوان سرمایه کار و مسافرکشی تهیّه نموده خمس دارد.

### س ۶۵۶

اشاره

– راننده‌ای که تا به حال حساب سال نداشته و ماشینی دارد، که روی آن کار می‌کند و معیشتش از این راه اداره می‌شود، حالا که می‌خواهند خمسش را بپردازد، آیا باید قیمت فعلیش را حساب کند یا قیمتی که موقع خرید پرداخته؟

ج

– اگر ماشین را بذمه خرید قیمت خرید را حساب کند. و اللّه العالم.

### س ۶۵۷

اشاره

- کسی که از پول خمس داده شده، ماشینی می‌خرد تا از در آمد آن استفاده نماید و بعد از مدتی می‌فروشد و از آن سود می‌برد، آیا به سودش

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۸۴

خمس تعلق می گیرد؟

**ج**

- در فرض سؤال سود حاصله ربح سال فروش محسوب است چنانچه در سال فروش ماشین صرف مؤونه شود خمس ندارد و الّا باید خمس سود را که سال بر آن میگذرد بدهد. و اللّه العالم.

**س ۶۵۸**

**اشاره**

- شخصی جنسی را مثل تراکتور و ماشین و زمین خریده به یکصد هزار تومان و ترقی قیمت پیدا کرده است آیا هنگام تعیین سال خمسی باید ترقی قیمت را هم حساب کند و یا اصل پولی را که داده حساب کند و ترقی قیمت را هنگام فروش حساب کند؟

**ج**

- در فرض سؤال چنانچه اشیاء مذکوره را با پول مخمس خریداری نموده تا موقعی که آنها را نفروخته ترقی سوقی آنها خمس ندارد و اگر بعین در آمد سالِ خرید، آنها را خریده باید به قیمت فعلی خمس آنها را بدهد و اگر بذمه خریده قیمت آنها را داده باشد اداء خمس خریداری شده کافی است بلی در صورت فروش آنها ترقی قیمت ربح سال فروش محسوب است. و اللّه العالم.

**س ۶۵۹**

**اشاره**

- این جانب از پول مخمس یک فروند موتور لنج خریداری نموده و با آن کار کردم و پس از مدتی کسب درآمد با آن اقدام به فروش آن کردم از این معامله سودی نصیبم گردید آیا به این درآمدها خمس تعلق می گیرد یا نه؟

**ج**

- در مورد سؤال هر مبلغ که از فروش موتور لنج فائده بردهاید ربح سال فروش محسوب است هر مقدار از آن ربح قبل از رسیدن

سر سال خمسی صرف مؤونه زندگی بشود خمس ندارد و هر مقدار باقی بماند خمس دارد و درآمدی که از کار با موتور داشته‌اید اگر در بین سال صرف مؤونه نشده باشد نیز خمس دارد.

### س ۶۶۰

### اشاره

- شخصی منزل اضافی داشته و فروخته جهت فرزند پیکان سواری خریده که با آن امرار معاش نماید آیا این ماشین خمس دارد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال چنانچه خمس منزل اضافی را اگر از عوائد تهیه کرده داده باشد و در سال فروش آن به فرزند بخشیده باشد خود فرزند پس از گذشتن سال بر آن باید خمس آن را بدهد، و اگر به فرزند نبخشیده در این صورت که خمس آن را داده باید خمس اضافه قیمت خانه را خودش بعد از یک سال از زمان فروش بپردازد و اگر

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۵

خمس منزل در فرض مذکور داده نشده و در مالکیت پدر سال بر آن گذشته خمس قیمتی که دریافت شده باید بعنوان خمس کل پرداخت شود و خمس چهار خمس دیگر اگر بفرزند بخشیده شده بذمه فرزند است باید ادا نماید و اگر نبخشیده همان خمس کلّ کافی است.

### س ۶۶۱

### اشاره

- اگر شخصی از مجتهدی تقلید می‌کرده که می‌گفته تراکتور یا نیسان اگر برای استفاده خود کشاورز است که وسایل و بذر را سرزمین ببرد و وسائل و محصولات را بمنزل بیاورد خمس ندارد ولی الآن از مجتهدی تقلید می‌کند که می‌گوید خمس دارد وظیفه او چیست؟

### ج

- چنانچه بفتوای مرجع تقلید میّت باقی مانده باشد پرداخت خمس فعلًا لازم نیست.

## خمس زراعت و زمین زراعی

### س ۶۶۲

### اشاره

- اگر شخصی با پول مخمّس زمینی را برای کشاورزی خرید، و قیمت سوقیّه آن بالا رفت، ولی بعداً زمین تبدیل به زمین بایر و ساختمانی شد و آن را فروخت، آیا اضافه قیمتِ آن در وقتی که می‌فروشد خمس دارد؟

### ج

- در فرض مذکور چنانچه زمین کشاورزی مخمس از معرض استفاده جهت کشاورزی خارج شده و بایر مانده و برای ساختمان قابل استفاده بوده و بفروش رفته است ترقی قیمت آن از روز خرید جزء فوائد سال است و در صورتی که بین سال به مصرف مؤونه برسد خمس ندارد.

### س ۶۶۳

### اشاره

- شخصی با مبلغی پس از تخمیس بخریدن قطعه‌ای زمین و چاه آب برای زرع بخاطر گذران معیشت خود و عائله خود اقدام نمود پس از چند سال آن مزرعه را فروخت البته بمبالغی بیش از قیمت خرید اوّلیه سؤال این است آیا وجه بدست آمده از فروش خمس مجدّدی به آن تعلّق می گیرد؟

### ج

- در فرض سؤال ترقی قیمت بعد از فروش اگر در بین سال فروش صرف مؤونه شود خمس ندارد و اگر تا آخر سال صرف نشود و باقی بماند باید خمس باقیمانده را بدهد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۶

### س ۶۶۴

### اشاره

- اگر با قناعت و امساك و آینده‌نگری به مرور چندین سال از درآمد حاصله چندین قطعه زمین خریدم الآن جهت حساب خمس آیا لازم است آنها را حساب کنم و آیا به قیمت خرید و یا به قیمت روز؟

### ج

- در فرض سؤال، به قیمت خرید کافی است. و اللّه العالم.

### س ۶۶۵

### اشاره

- آیا زمین کشاورزی خمس دارد یا خیر؟

### ج

- حکم سرمایه را دارد اگر از درآمد سال تهیه شده خمس مبلغ خرید را بپردازید. و اللّه العالم.

### س ۶۶۶

### اشاره

- شخصی که سال خمسی ندارد فقط در فصل برداشت محصولات کشاورزی هر چه از قبیل گندم، برنج، ارزن و غیره اضافه داشته آن را پرداخت می‌کرده حالا ـ می‌خواهد سال خمسی قرار بدهد و مقداری برنج اضافه دارد آیا با توجه به اینکه وقت برداشت محصولات نرسیده می‌تواند آن برنج‌ها را حساب نکند و یا باید کل موجودی و دارایی را محاسبه کند؟

### ج

- اگر سال بر برنج‌های موجود نگذشته می‌تواند به مقدار خوراک خود و عائله‌اش تا بدست آمدن محصول کسر کند و خمس بقیه را بدهد. و اللّه العالم.

### س ۶۶۷

### اشاره

- این جانب ساکن توابع شهرستان تویسرکان در دوران مالکیت کشاورز بودم، بعد از دوران مالکیّت، دولت ملک را بصورت قسطی به ما فروخته است و ما هم قسطهای آنها را پرداخت نموده‌ایم، اکنون نیز همان زمینها را کشت میکنیم و امرار معاش می‌کنیم (خمس کلیّه محصولها نیز هر سال در صورت زیاد آمدن مؤونه داده شده است) حال آیا خود این زمینها خمس دارند یا خیر؟

**ج**

- اگر زمینها را از مالک شرعی آن خریده باشید ملک شماست و اگر از مالک شرعی نخریده باشید به ملک مالک شرعی آن باقی است و در هر صورت همان خمس مبلغی را که در برابر آن زمینها پرداخته‌اید بپردازید در جهت خمس کافی است. و اللّه العالم.

**س ۶۶۸**

**اشاره**

- کشاورزانی هستیم که با وامی که از دولت به ما داده می‌شود، چاه عمیق حفر نموده و با اقساط، سال به سال وام آن را می‌پردازیم و سال خمس نیز داریم، آیا این چاه و موتور آب آن جزو سرمایه زراعت است که در بین هر سال
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۷
که از اقساط وام را می‌دهیم سر سال باید آن را حساب نموده و خمس آن را بدهیم؟ یا پس از تمام شدن اقساط، مجموع آن را حساب نموده خمس آن را بدهیم یا این که اصلًا به آن خمس تعلق نمی گیرد؟

**ج**

- سر هر سال خمس مبلغ قسط را بپردازید. و اللّه العالم.

**س ۶۶۹**

**اشاره**

- زمینهائی را خریده برای کشاورزی، آیا اصل زمین و ترقی قیمت آن خمس دارد یا نه؟

**ج**

- در صورتی که اصل زمین با عین عوائدی که خمس آن داده نشده خریده شده خمس قیمت فعلی زمین را بدهید و در صورتی که بذمه خریده‌اید اداء خمس قیمت خرید کافی است و ترقی قیمت تا وقتی که زمین فروخته نشده خمس ندارد. و اللّه العالم.

**س ۶۷۰**

**اشاره**

- فردی است زمین مواتی را برای کشاورزی و امرار معاش خود آباد می‌کند و این زمین بخاطر آباد شدن بدون اینکه پولی خرج کند دارای ارزش می‌شود، خمس این زمین واجب است یا نه؟

### ج

- بلی باید خمس آن را بدهد. و اللّه العالم.

### س ۶۷۱

### اشاره

- در وسط سال موتور آب خراب می‌شود خرج می‌کند آیا باید آخر سال خمس آن را بدهد؟ و آیا آنچه برای وسائل کشاورزی می‌خرد خمس دارد؟

### ج

- اگر خرج تعمیر و تعویض موتور آب یا وسائل کشاورزی اسقاط شده میکند خمس ندارد و چنانچه وسیله اضافه‌ای بخرد مثل خرمن‌کوب برای تراکتور باید خمس مبلغ خرید را بدهد.

## خمس باغداری

### س ۶۷۲

### اشاره

- اگر باغ یا زمین زراعی را به قیمت یک میلیون تومان خریده باشد و اینک پنج میلیون تومان می‌ارزد هنگام تخمیس آیا باید خمس قیمت زمان خرید داده شود یا خمس قیمت فعلی آن؟

### ج

- اگر با عین پولی که از فایده بدستش آمده زمین زراعتی را خریده خمس
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۸۸
قیمت فعلی آن را بدهد و اگر زمین را به ذمه خریده و قیمت آن را از پولی که خمس آن داده نشده ادا کرده باشد اداء خمس قیمت خرید کافی است. و الله لعالم.

### س ۶۷۳

#### اشاره

– اگر باغی به ارث به کسی برسد و او در آن باغ درختهایی را غرس بنماید. آیا این درختان به محض غرس باید تخمیس شوند یا پس از مثمر شدن؟

#### ج

– در مورد سؤال چنانچه به درختان غرس شده جهت استفاده از میوه آنها بر حسب متعارف خود و عائله‌اش حاجت داشته باشد خمس ندارد ولی اگر به منظور فروش میوه آنها غرس شده باید نهال آنها سال اول تخمیس و بعد از تخمیس در سال اوّل، می‌توانند جهت تخمیس نمو متصل آنها تا سال مثمر شدن صبر کنند.
و الله العالم.

### س ۶۷۴

#### اشاره

– شخصی برای اصلاح باغی که می‌خواهد با آن امرار معاش می‌کند، مخارجی از قبیل بیل زدن، مزد چیدن میوه، مزد آبیاری پرداخت نموده است مخارج مذکور مورد تعلق خمس می‌شود یا نه؟

#### ج

– خمس به آن تعلق نمی‌گیرد. و اللّه العالم.

### س ۶۷۵

#### اشاره

– کاری که مجّانی یا توسط خود انسان در زمین و باغ انجام می‌شود و بر ارزش آن افزوده می‌شود خمس دارد یا خیر؟

#### ج

– تا وقتی که به فروش نرفته ترقی قیمت بازاری خمس ندارد. و اللّه العالم.

### س ۶۷۶

#### اشاره

– باغی را احداث کرده هم برای کسب و امرار معاش و هم استفاده شخصی از میوه‌های آن، آیا اصل درختهای میوه خمس دارد یا نه و آیا جزء رأس المال است یا نه؟

#### ج

– هر مقدار برای استفاده شخصی از میوه‌جات آن مورد نیاز باشد خمس ندارد و مابقی خمس دارد. و اللّه العالم.

## خمس چوب

### س ۶۷۷

#### اشاره

– در دهات مردم برای پوشاندن سقف دیوار از چوب درخت چنار و درخت بید استفاده می‌نمایند آیا این چوب‌ها خمس دارد با توجه به اینکه درب

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۸۹

و پنجره دیوار را نیز از چوب درست می‌کند؟

#### ج

– موارد مختلف است، چنانچه درختهای مذکوره جهت استفاده شخصی غرس شده نه برای فروش، در صورتی که نهال آنها متعلق خمس نبوده یا اگر بوده خمس آن را داده باشند و در سال قطع آنها در بنای مورد حاجت جهت سکونت از آنها استفاده شود خمس ندارد و الّا پرداخت خمس آنها لازم است. و اللّه العالم.

### س ۶۷۸

#### اشاره

– اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بدون اینکه خمس آنها را بدهد بفروشد خمس را چه کسی باید بدهد، فروشنده یا خریدار؟

**ج**

- بر فروشنده و هم بر خریدار اگر مطلع باشد اداء خمس آن واجب است. و اللّه العالم.

**س ۶۷۹**

**اشاره**

- آیا به چوب هم خمس تعلق می‌گیرد اگر می‌گیرد اکنون که هیچ‌کس احتیاج چندانی به آن ندارد چه باید کرد؟

جامع الاحکام ؛ ج ۱ ؛ ص ۱۸۹

**ج**

- در خمسی که به عین چوب تعلق گرفته دهنده خمس مختار است که یا عین یا قیمت آن را بپردازد ولی الزام او بر پرداخت قیمت جایز نیست بنابراین اگر مالک نمی‌خواهد قیمت چوب را بدهد همین قدر که خمس چوب را افراز کند و در اختیار مجتهد جامع الشرائط قرار دهد به وظیفه خود عمل نموده خواه مجتهد یا سادات آن را تصرف نمایند یا ننمایند.

**س ۶۸۰**

**اشاره**

- شخصی چند عدد درخت بدون ثمره (مثل بید و صنوبر) دارد که از آن استفاده نمی‌برد مگر زمانی از چوب آن برای سوخت و غیره، آیا معاف از خمس آن میشود یا خیر؟

**ج**

- اگر خمس نهال آنها را داده هر وقت موقع قطع آنها شد اگر در همان سال قطع گردد و به مصرف مؤونه زندگی رسیده باشد خمس ندارد و اگر باقی ماند باید خمس آنها را با کسر نمودن مبلغی که بابت خمس نهال قبلًا داده بپردازد و اگر در ابتداء خمس نهال‌ها را نداده باید خمس تمام آنها را بدهد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۰

**خمس دامداری**

### س ۶۸۱

#### اشاره

– شخصی برای امرار معاش بزغاله‌هائی را می‌خرد و به آنها علف و جو میدهد تا رشد کنند، رشد اضافی خمس دارد یا نه؟

#### ج

– اگر برای استفاده شخصی از شیر و لبنیات مورد نیاز باشد خمس ندارد و اگر برای فروش و استفاده از پول آنها باشد خمس دارند. و اللّه العالم.

### س ۶۸۲

#### اشاره

– در روستاهای افغانستان اکثر مردم ده رأس گوسفند و پنج رأس گاو نگه میدارند برای خوراك دامهایشان سه ماه تابستان علف بیابانی و غیره جمع مینمایند شش هفت ماه در جا نگهداری نموده و از شیر و پشم و فروش آنها امرار معاش می‌نمایند حال با توجه به مشقّت آن سرزمین مسأله خمس از نظر حضرتعالی چگونه میباشد؟

#### ج

– در فرض سؤال اگر نگهداری آنها برای مصرف شخصی لبنیات بر حسب متعارف باشد خمس بخود آنها و به شیر آنها تعلق نمیگیرد مگر آنکه اتفاقاً زائد بر مصرف سالانه باشد ولی اگر نگهداری آنها برای فروش لبنیات و پشم آنها باشد هم بخود آنها و هم به در آمد حاصل از آنها در صورتی که زائد بر مؤونه سال باشد خمس تعلق میگیرد. و اللّه العالم.

### س ۶۸۳

#### اشاره

– شخصی برای امرار معاش زندگی گاوی برای استفاده از شیر آن برای ارتزاق سالیانه‌اش و الاغی برای حمل و بارکشی دارد، معاف از دادن خمس هست یا خیر؟

#### ج

- اگر گاو را برای مصرف خوراک خانواده نگهداشته و شیر یا مشتقات آن را نمی‌فروشد خمس ندارد و الاغ نیز اگر بر حسب عرف محل برای حمل اشیاء مصرفی خانه و برای سواری شخصی مورد حاجت باشد خمس ندارد.

### خمس مال به ارث رسیده

#### س ۶۸۴

##### اشاره

- اگر به شخصی ارثی برسد و از پول آن ارث، خانه‌ای تهیّه کند آیا بر وی خمس واجب است یا خیر؟

##### ج

- در فرض سؤال اگر در همان سالی که فروخته با آن خانه مورد لزوم برای

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۹۱

سکونت خود را خریده خمس ندارد و اگر خانه را در سال بعد خریده به مقدار ارزش مال موروثی در روز فوت مورّث خمس ندارد و مقدار زائد بر آن خمس دارد. و اللّه العالم.

#### س ۶۸۵

##### اشاره

- اگر به قیمت ارثی که به وارث رسیده اضافه شده باشد و وارث آن را (مال موروث را) بفروشد، آیا هر وقتی که آن را فروخت خمس آن را باید بدهد یا اگر زائد بر مؤونه سال او باشد خمس آن واجب است؟

##### ج

- در فرض سؤال: اصل مال موروثی تا فروخته نشده خمس ندارد و بعد از فروش آنچه زائد بر قیمت روز فوت مورّث است از عوائد سال فروش محسوب می‌شود که اگر قبل از رسیدن سال صرف در مؤونه شود خمس ندارد.

#### س ۶۸۶

##### اشاره

- زمینی را که برایم به ارث رسیده فروخته‌ام اگر پول آن را در سپرده‌های درازمدت بانک گذاشته و سود آن را هر ماه دریافت

کنم آیا به اصل پول خمس تعلق می گیرد؟ در صورتی که به پول (سودی که بانك می‌پردازد) احتیاج داشته باشم آیا پول سود که بانک هر ماه می‌پردازد حلال است یا خیر؟

**ج**

– چنانچه قیمت روز فروش آن با زمانی که به شما به ارث رسیده تفاوت نکرده خمس به آن تعلق نمیگرد و الّا بایـد خمس تفاوت قیمت را بدهیـد و سپرده را در صورتی که به بانـك داده باشید که طبق ضوابط شـرعی بانکی با آن معاملات بنمایـد و درصـدی از سود آن را بشما بدهـد و در صـدی را خود بانـک بعنوان حق الزحمهٔ و اجرت عمـل بردارد ظـاهراً آنچه را ماهیـانه طبق قرار داد می‌پردازد اشکال ندارد.

**س ۶۸۷**

**اشاره**

– زمین کشاورزی که از ارث به فرد برسـد آیـا بر او خمس تعلّق می گیرد یـا خیر؟ و چنـانچه خمس بر او تعلّق بگیرد بایـد به قیمت فعلی حساب شود یا به قیمت سابق؟

**ج**

– در فرض سؤال زمین زراعتی که به ارث به شـخص منتقـل شـده خمس نـدارد مگر اینکه یقین داشـته باشـد که مورث در صورت تعلق خمس بعین آن، خمس آن را نداده که در این صورت باید خمس آن را بقیمت فعلی بدهد.

**س ۶۸۸**

**اشاره**

– آیا کسـی که سال خمسـی دارد حالا از دنیا می‌رود و هنوز سال خمسـی آن شـخص نرسیده و طبق وصیت هم عمل شده مقداری برنج و پول نقد

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۹۲

و غیره زیاد آمده آیا مال ورثه هست و آیا خمس به آنها تعلق می گیرد؟

**ج**

– باید عواید بین سال متوفی که موجود است و یا طلب دارد کلًا تخمیس شود هر چند سال خمسـی متوفی نرسیده باشد فقط مخارج

تا حین موت او خمس ندارد نه بعد از موت. و اللّه العالم.

**س ۶۸۹**

**اشاره**

– مادر یکی از دوستانم فوت کرده است و از اموالی که به جای مانده مغازه‌ای است که شوهر آن خانم پول آن را به عنوان هدیه به ایشان پرداخت کرده است آیا وارثین باید خمس بپردازند یا خیر؟

**ج**

– در فرض مسأله اگر وارث مقلد کسی است که هدیه را متعلق خمس می‌داند باید خمس آن را بدهد.

**س ۶۹۰**

**اشاره**

– ماترک مرحوم پدر بنده در سال ۱۳۵۳ پس از پرداخت مالیات بر ارث و حقوق حقّه زوجه ایشان به بنده ارث رسیده است در حال حاضر بر اثر فقدان رسید وجوهات شرعیه برای وارث پرداخت خمس واجب میگردد یا نه؟

**ج**

– در صورتی که ورثه یقین ندارند که مورّث آنها بدهی خمسی دارد چیزی از لحاظ خمس بر ورثه واجب نیست. و اللّه العالم.

**س ۶۹۱**

**اشاره**

– شخصی زمین زراعتی به ارث برده بعد از مدّتی می‌فروشد به قیمت بالاتر، خمس تفاوت قیمت را باید بدهد یا نه؟

**ج**

– ترقی قیمت سوقیه جزء درآمد سال فروش است که اگر تا آخر سال صرف در مؤونه نشود خمس دارد.

**خمس درآمد زن**

### س ۶۹۲

#### اشاره

- زنی که درآمدی از خودش داشته باشد می‌تواند از درآمدش خمس بدهد بدون اجازه شوهر یا خیر؟

#### ج

- بلی واجب است و اجازه شوهر لازم نیست. و اللّه العالم.

### س ۶۹۳

#### اشاره

- شوهر خرجی خانه را در اختیار همسر خود می‌گذارد همسر مخارج خانه را تأمین می‌کند ولی سالیانه از وجهی که شوهر در اختیار او گذاشته

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۹۳

اضافه می‌آید آیا زن می‌تواند خمس آن را بپردازد- با حفظ اینکه شوهر می‌گوید راضی نیستم- یا خیر؟

#### ج

- در فرض سؤال، چنانچه وجهی که شوهر در اختیار همسر قرار داده تملیک به همسر نموده، وجه متعلّق به زن است و بر خود زن واجب است خمس آن را بدهد و ربطی به شوهر ندارد و اگر تملیک نکرده و فقط اجازه داده که از آن برای مخارج خود مصرف نماید، در این صورت مقدار زاید در آخر سال، متعلّق به شوهر و پرداخت خمس آن منوط به اجازه شوهر است بلی اگر امتناع نماید و به زن بگوید برای مخارج مصرف کن، زن می‌تواند با اجازه مجتهد، خمس آن را از طرف شوهر بدهد.

### س ۶۹۴

#### اشاره

- زنی که مهر خود را فروخته و با پول آن خانه‌ای خریده است در صورتی که ازدیاد قیمت پیدا کند و آن را بفروشد، متعلّق خمس هست یا خیر؟

### ج

– در مورد سؤال زیادی قیمت نسبت به ارزش موقعی که خانه را خریداری کرده ربح سال فروش است چنانچه آن زیادی قیمت صرف مؤونه نشود و سال بر آن بگذرد خمس به آن زیادی تعلق می گیرد.

### س ۶۹۵

### اشاره

– چندی قبل مسأله ای با مضمون ذیل از محضر آن جناب استفتاء شده «زنی که خرج او را شوهرش می‌دهد، و خود زن سال خمسی هم دارد، فیش تلفنی داشته که آن را فروخته و مقداری منفعت هم برده، ولی پول فیش را بطور ماهیانه می گیرد و خرج می کند آیا سهمین بدهکار می‌شود یا خیر»؟
جواب مرقوم فرموده‌اید: «در مورد سؤال چنانچه فیش تلفن را از پول مخمّس تهیه نموده و فعلًا هم آنچه بعنوان قسط می گیرد صرف مؤونه زندگی می‌نماید، خمس ندارد»
بعرض می‌رسد که: با توجه به اینکه فیش از پول مخمّس تهیه نشده اما قسط مذکور را صرف مؤونه زندگی می‌نماید. آیا خمس تعلق می گیرد یا نه؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه فیش را از عوائد خمس نداده خریده باشد و سال بر آن گذشته باشد و در موقع گرفتن هر قسط خمس همان قسط را بپردازید.

### س ۶۹۶

### اشاره

– زنی از درآمد خود بعضی از اوقات خوراکی می‌خرد و بمنزل
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۴
همسرش می‌آورد اگر پوشاک یا خوراکی آخر سال زائد باشد خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ همسر زوج باید بپردازد یا زنی که خریده است؟

### ج

– اگر به زوج نبخشیده باشد باید خود زوجه خمس آن را بپردازد و اگر به شوهر خود بخشیده باشد خمس آن بر زوجه واجب

نیست و باید خود زوج خمس آن را بدهد.

## خمس مال صغیر

### س ۶۹۷

#### اشاره

– هـدیه‌ای که به صورت نقـد به بچه فقیر یتیم میدهنـد که این پول‌ها را جمع‌آوری می‌کند در سن بلوغ آیا خمس به این پولها تعلق می‌گیرد؟

#### ج

– بلی خمس به آن تعلق می‌گیرد.

### س ۶۹۸

#### اشاره

– بچه صغیر مالی بدست می‌آورد یا به او بخشیده‌اند، بنابر وجوب خمس هبه آیا بر ولی واجب است خمس آن را از مال بچه بدهد یا بعد از بلوغ بر او واجب میشود؟

#### ج

– در فرض سؤال ولی بچه می‌توانـد پیش از بلوغ او خمس آن را بدهـد و اگر بعـد از تمام شـدن سال خمس را ندهد، نمی‌تواند در آن مال تصرف کند و در این صورت بر خود صغیر واجب است بعد از بلوغ خمس آن را بدهد.

### س ۶۹۹

#### اشاره

– آیا حقوق سادات کثّر اللّه نسلهم و سهم امام علیه السلام شامل در آمد صغار می‌شود یا خیر؟

#### ج

- بلی می‌شود. و اللّه العالم.

## خمس فیش حج

### س ۷۰۰

#### اشاره

- وجهی که برای ثبت نام در حج تمتع یا عمره مفرده پرداخته و در آن سال مشرّف نشده و بعد از سال قرعه بنامش اصابت کرده خمس دارد یا خیر؟

#### ج

- خمس ندارد.

### س ۷۰۱

#### اشاره

- پولی که برای ثبت نام سفر حج پرداخت شده و سال خمسی بر آن
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۹۵
گذشته و هنوز قرعه به نام او اصابت نکرده، مشمول خمس می‌باشد یا نه؟

#### ج

- اگر از ارباح بین همان سالی که نام‌نویسی کرده بوده خمس ندارد.

### س ۷۰۲

#### اشاره

- وجهی که بابت نیابت فردی جهت انجام حج در همین امسال داده شده است آیا خمس دارد یا خیر؟

#### ج

– اگر از درآمد همین سال بوده خمس ندارد. و اللّه العالم.

### س ۷۰۳

### اشاره

– فروش امتیاز فیش حج توسط افرادی که از استطاعت مالی خارج شده‌اند و تکلیف پول محصول چیست؟

### ج

– در فرض سؤال واگـذاری فیش حـج بعنوان مصالحه و پول گرفتن در مقابل آن مانعی نـدارد و پولی که میگیرد نسـبت به زائـد بر مبلغی که قبلًا بحساب حـج ریخته بوده ربـح جدید محسوب است که اگر قبل از گذشـتن سال صـرف مؤونه بشود خمس ندارد و به اصل پولی که به سازمان حج پرداخته، اگر خمس آن داده شده، خمس تعلّق نمی گیرد.

## خمس کتاب

### س ۷۰۴

### اشاره

– فردی در طـول دوران تحصـیل کتابهـایی خریـده است. برخی از این کتابهـا تـا کنون مورد اسـتفاده و مراجعه نبوده است (البته در آینـده مورد اسـتفاده خواهد بود) آیا به این نوع کتابها خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ حکم موارد مشـکوك از لحاظ اسـتفاده یا عدم استفاده چیست حکم دفتر و وسائل تحصیلی که زیاد می‌آید چیست؟

### ج

– اگر کتابها معرض حاجت فعلیّه او است خمس نـدارد هر چنـد اتفاقاً یک سال از آنها اسـتفاده نکرده باشد و الا خمس آنها واجب است و در موارد مشـکوك الاسـتفاده خمس واجب است و دفتر و وسائـل دیگر اگر زیـاد بیایـد بنـابر احتیاط واجب خمس آن داده شود. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۶

## خمس منزل و مسکن

### خمس پولی که برای تهیه مسکن پس‌انداز شده

## س ۷۰۵

### اشاره

– جوانی از ۱۶ سالگی شـروع به کار کرده و سالی ۱۵۰ هزار تومان پس‌انـداز کرده به قصـد خریدن منزل مورد نیاز آیا خمس پول واجب است یا نه؟

### ج

– بلی خمس دارد مگر اینکه شخصـی باشـد که فعلًا احتیـاج بخانه داشـته باشـد و بجز ذخیره کردن پول آن راهی برای خریـد خانه نداشته باشد که در این صورت تعلق خمس به آنچه برای خرید خانه ذخیره مینماید معلوم نیست.

## س ۷۰۶

### اشاره

– کارمندی برای تهیه و ساخت مسـکن از روی ناچاری پولی را در بانک مسکن گذارده تا با دریافت وام اقدام به تهیه مسکن نماید آیا پس از گذشت سال به آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه برای تهیه خانه مسـکونی مورد نیاز فعلی و در حد شأن خودشان، راهی به جز طریق مذکور نداشـته باشـند به آن خمس تعلّق نمی‌گیرد. و اللّه العالم.

## س ۷۰۷

### اشاره

– مبلغی به عنوان رهن پرداخت می‌شود که مورد نیاز هم می‌باشـد مثلًا خانه‌ای رهن کرده آیا با گذشت سال خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

### ج

– اگر تحصـیل خانه مورد نیاز بـدون پرداخت این وجه (که باید بصورت شـرعی و غیر ربوی انجام بگیرد) بر حسب متعارف ممکن نباشـد جزء مؤونه محسوب است و خمس به آن تعلّق نمی‌گیرد ولی اگر در سـال استرداد آن در تهیه خـانه مورد نیـاز یا مؤونه دیگر مصرف نشد احتیاطاً در آخر سال خمس آنچه از آن در مؤونه صرف نشده پرداخت شود.

## س ۷۰۸

#### اشاره

– اگر در آینده بخواهم ماشینی را که خمس آن را داده‌ام بفروشم و خانه بخرم آیا دیگر خمس به پول آن تعلق می گیرد؟

#### ج

– اگر خمس ماشین را داده باشید و بعد از فروش خانه مورد نیاز برای سکونت خود را در همان سال فروش ماشین، تهیه نمایید خمس ندارد و اگر در سال

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۱۹۷

بعد از آن خانه بخرید به مقدار قیمت خرید ماشین خمس ندارد و زاید بر آن خمس دارد. و اللّه العالم.

#### س ۷۰۹

#### اشاره

– خانه مسکونی که جوانان قبل از ازدواج در مدت چند سال تهیه می‌نمایند چه حکمی دارد؟

#### ج

– اگر هنگام تهیّه خانه بعنوان مؤونه برای او مورد حاجت باشد خمس ندارد و اگر برای احتیاج بعدی تهیه میکند و فعلًا مورد حاجت نیست خمس دارد.

### خمس پولی که از فروش خانه بدست آمده

#### س ۷۱۰

#### اشاره

– کسی که خانه ای خریداری می کند وجهت اداء دین خود، خانه مسکونی قبلی خود را می‌فروشد، آیا به این پولی که از فروش خانه بدست می‌آید خمس تعلّق می گیرد یا خیر؟

#### ج

– اگر پول خانه مسکونی را قبل از گذشت سال بر آن صرف اداء دین خرید خانه جدید نماید چیزی بر او نیست. و اللّه العالم.

#### س ۷۱۱

#### اشاره

– چند سال پیش به دلایلی که مجبور بودم خانه‌ام را فروخته و بعد از پرداخت بدهی از مبلغ باقیمانده قسمتی را به عنوان قرض الحسنه در اختیار صاحب خانه گذاشته و فعلًا چند سالی است که مستأجرم و قسمت دیگر را جهت گرفتن وام از بانک مسکن به صورت سپرده در بانک پس‌انداز نمودم تا بتوانم دگربار خانه بخرم. آیا به مبالغ فوق (هم قرض الحسنه و هم سپرده در بانک) خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

#### ج

– در فرض سؤال، چنانچه تهیّه خانه جهت سکونت مورد حاجت باشد و با پرداخت خمس مبلغ مذکور قدرت بر تهیّه خانه نداشته باشید بعید نیست که مبلغ مذکور خمس نداشته باشد. و اللّه العالم.

### س ۷۱۲

#### اشاره

– فردی منزل خودرا فروخته و حالا ـ به علّت گران شدن قیمتها نمی‌تواند منزل دیگری بخرد اکنون خانه‌ای اجاره کرده و پول خانه فروخته شده را

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۸

در بانک گذاشته، آیا به پول منزل فروخته شده خمس تعلق میگیرد البته اگر سال بر او بگذرد؟

#### ج

– در فرض سؤال چنانچه بنا دارد پول جمع کند و به پول خانه قبلی اضافه کند و خانه دیگری جهت سکونت خود بخرد و اگر بخواهد خمس بدهد تمکن از خرید خانه پیدا نمی‌کند خمس آن واجب نیست. و اللّه العالم.

### س ۷۱۳

#### اشاره

– منزلی داشتم فروختم پس از فروش تا قبل از تهیّه منزل کوچکتری آیا میتوانم با این مبلغ تا قبل از رسیدن سال خمسی این حقیر معاملات تجاری انجام دهم یا خیر اگر احیاناً اجازه معاملات ندارم آیا باید وجهش را بدون دست زدن داشته باشم تا بوسیله آن منزل یا زمین معامله کنم؟

#### ج

– بلی میتوانید تا قبل از گذشتن سال بر فروش آن با پول آن معاملات تجارتی بنمائید و پس از گذشتن سال بر آن به هر مبلغ از آن که زاید بر قیمت روز خرید آن باشد و صرف مؤونه نشده باشد خمس تعلق میگیرد.

### س ۷۱۴

#### اشاره

- کسی که بخاطر نیاز به خانه وسیع‌تر، خانه کوچک خود را می‌فروشد و به اضافه کردن مبلغی دیگر خانه‌ای می‌خرد، آیا به پولی که از فروش خانه بدست می‌آید و بدهی خودرا اداء نموده خمس تعلق میگیرد یا خیر؟

#### ج

- اگر پولی که از فروش خانه قبلی بدست آمده در همان سال فروش، صرف خرید خانه مسکونی جدید شود خمس ندارد. و اللّه العالم.

### خمس خانه و مسکن اضافی

### س ۷۱۵

#### اشاره

- منزل دو طبقه‌ای که یک طبقه آن را اجاره دادم و طبقه دیگرش را خودم بهره‌برداری میکنم (یعنی خودم در آن زندگی میکنم) آیا چنین منزلی خمس به آن تعلّق میگیرد یا خیر؟

#### ج

- در فرض سؤال چنانچه طبقه دوم فعلا جهت سکونت خود و عائله‌تان مورد حاجت نیست به طبقه دوم خمس تعلق میگیرد.

### س ۷۱۶

#### اشاره

- این جانب یک طبقه ساختمان به مساحت صد متر بنا کرده‌ام. و ساختمان فوق را کرایه دادم و خرجی زندگی این جانب از کرایه ساختمان تأمین
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۹
میگردد آیا به اموال یاد شده خمس تعلّق میگیرد یا نه؟

#### ج

- در فرض سؤال اگر ساختمان مذکور جهت سکونت خود و عائله مورد حاجت نیست بلکه جهت اجاره و استفاده از مال الاجاره

آن برای مخارج زندگی مورد حاجت است حکم سرمایه را دارد و خمس به آن تعلق میگیرد. و اللّه العالم.

### س ۷۱۷

#### اشاره

– کسی که خانه مسکونی از در آمد سال جاری خریده و سالها محل سکنایش بوده و پس از چندین سال می‌فروشد درحالی که فعلًا به آن خانه احتیاج ندارد آیا وجه فروش آن خانه خمس دارد یا بعد از زیاد آمدن از مصرف سال خمس دارد یا اصلا خمس ندارد؟

#### ج

– در مورد سؤال چنانچه خانه دیگری جهت سکونت از ربح سال تهیه نموده مقدار ارزش خانه فروخته شده باید تخمیس شود. و اللَّه العالم

### س ۷۱۸

#### اشاره

– شخصی خدمتگزار و فرّاش مدرسه است خانه شخصی داشت که در آن زندگی می‌کرد بعد از مدّتی او را سرایدار کردند و او از منزل شخصی به مدرسه تغییر مسکن داد با توجه به اینکه بعد از ۵ یا ۶ سال او را از مدرسه بیرون می‌کنند، بالاخره به خانه‌اش بر میگردد، آیا منزل او که ۵ سال محل زندگی او نبوده خمس دارد یا خیر؟

#### ج

– خانه مذکور خمس ندارد. و اللّه العالم.

## خمس زمین و مصالح ساختمانی

### س ۷۱۹

#### اشاره

– اگر زمین را جهت ساخت خانه خریده باشد و به خاطر نداشتن پول یا مشکلات دیگر توان ساختن خانه را پیدا نکرده است و بر زمین سال گذشته است آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

#### ج

- اگر به غیر طریق مذکور تمکّن ندارد که خانه مسکونی مورد نیاز برای سکونت خود را تهیه نماید تخمیس آن لازم نیست. و اللّه العالم.

### س ۷۲۰

#### اشاره

- شخصی خانه مسکونی خودرا که در شرف خرابی است خراب نمود و منافع کسبی امسال خود را برای تجدید بنا اختصاص داد هنوز بناء ناقص و ناتمام است سر سال جدید او فرا می‌رسد آیا مقداری که از منافعی که در دست

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۰۰

او باقی مانده با اینکه بایستی این منافع در تکمیل خانه مسکونی او صرف شود- خمس به آن تعلق میگیرد یا خیر؟

#### ج

- منافعی که هنوز صرف ساختمان خانه نشده و سال بر آن گذشته خمس دارد. و اللّه العالم.

### س ۷۲۱

#### اشاره

- زمینی را که انسان خریده و دیوار گذارده و درب نشانیده و مصالح دیگر هم برایش خریده و سهمین زمین و تمام مصالح را داده و بعد با زمین بزرگتری معامله نموده و مبلغی پول مخمّس شده برای بزرگتر بودن زمین دوم داده آیا تا زمین دوم را نفروخته می‌تواند خمس ترقی قیمت آن را ندهد؟

#### ج

- در فرض سؤال تا زمین مذکور را نفروخته خمس ترقی قیمت آن لازم نیست هر وقت فروخت ترقی قیمت ربح سال فروش محسوب است که اگر تا آخر سال به مصرف مؤونه رسید خمس ندارد.

### س ۷۲۲

#### اشاره

- شخصی خانه‌ای دارد و زمین بجهت خانه دیگری دارد که برای خود میخواسته خانه بسازد و ضمناً چند عدد شاخه آهن خریداری کرده بیش از یک سال در روی آن زمین گذاشته و نتوانسته بسازد ضمناً مکه هم رفته و مقداری وقت رفتن مکه قرض نموده و بعد از آمدن از مکه شاخه‌های آهن را فروخته و قرض خود را داده آیا این پول آهن خمس دارد یا نه و آیا اگر دارد بقیمت خرید باید حساب کرد یا قیمت فروش؟

ج

– در فرض سؤال که خـانه مسـکونی داشـته است زمین و آهن خریـداری شـده پس از گذشـتن سـال خمس دارد و پرداخت خمس قیمت خرید کافی است.

### خمس تهیه مسکن برای فرزند

### س ۷۲۳

#### اشاره

– شخصی خانه ای ساخته دارای دو طبقه که طبقه اوّل برای سکونت خودش می‌باشد ولی طبقه دوّم فعلًا مورد نیاز خودش نمی‌باشد ولی بعد از ۷ یا ۸ سال دیگر پس از ازدواج فرزندش برای فرزندش در نظر گرفته است آیا به این خانه خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج

– در فرض سؤال چون تهیّه منزل چندین سال قبل برای فرزندی که هنوز

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۰۱

ازدواج نکرده است عرفاً جزء مؤونه فعلی او محسوب نمی‌شود خمس آن باید ادا شود.

### س ۷۲۴

#### اشاره

– زمینی ارثی جهت ساختمـان منزل به پسـر بزرگ خودم دادم که منزلی بسـازد جهت سـکونت خودش و حـدود سه سـال است که نـامبرده بـا خودم مشـغول کسب و کـار است از در آمـد تـأمین سـال این منزل را ساختیم که انشاء اللّه زنـدگی تشـکیل داده نامبرده مشمول خمس می‌شود یا نمیشود.

در ثانی زمینی جهت پسر نابالغ خودم از در آمد باز خریدم از بابت بدهی چه صورت دارد؟

ج

– چنانچه پسـر بزرگ شـما در حالی که این زمین را به او دادهایـد و ساختمان مینمائیـد میخواهـد تشـکیل عائله بدهـد و نیاز به منزل دارد خمس به او تعلّق نمی گیرد و الّا باید خمس آن ادا شود و زمینی که برای پسر نابالغ خریده‌اید خمس دارد. و الله العالم.

### س ۷۲۵

#### اشاره

- شخصی خانه‌ای را به اقساط خریداری نموده است چون کارگر شرکت نفت است وامی را که از شرکت گرفته است ماهیانه از حقوقش بر می‌دارند و پولی و مالی خودش نداشته است و در حال حاضر آن خانه را اجاره داده است و بعدها این خانه مورد لزوم فرزندانش می‌باشد و مبلغی هم از غیر شرکت قرض نموده است آیا خمس تعلّق می گیرد و در صورت اثبات از چه ممری و درآمدی آن را پرداخت نماید چون اجاره و مازاد بر قسط وام مخارج خود و عائله‌اش را اداره نمی‌نماید.

ج

- خانه‌ای که بعدها مورد لزوم فرزندان است از مؤونه پدر محسوب نمی‌شود و باید خمس آن را بدهد بلی مقداری را که بابت خانه مذکور بدهکار است می تواند کسر کند و خمس بقیه را بپردازد و هر قسطی را که می‌پردازد خمس آن را بدهد.

## خمس شخصی که وام گرفته و بدهکار است.

### س ۷۲۶

#### اشاره

- اگر کسی یک ملیون تومان وام گرفت برای کشاورزی بذر و کود خرید آیا یک میلیون را باید از سرمایه کسر کند یا بعد از محصول بردارد؟

ج

- آنچه از سرمایه که در مقابل وام پرداخت نشده باشد خمس ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۲

### س ۷۲۷

#### اشاره

- بعرض میرساند عده از کارمندان یک وزارتخانه بازخرید شده و مبلغی پول بعنوان بازخرید سنوات خدمتی و پاداش به آنها تعلّق گرفته و آن پولها را سرمایه‌گذاری کرده و شرکتی را تشکیل داده‌اند و از اسفند ماه سال ۷۲ تا حال مشغول بکارند آیا این سرمایه خمس دارد یا نه وعده‌ای هم وام گرفته و سرمایه‌گذاری کرده‌اند قسطهائی که پرداخت کرده‌اند و در شرکت سرمایه آنها محسوب میشود آیا خمس دارد یا نه لطفاً نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

ج

- در مورد سؤال سرمایه مذکور خمس دارد و همچنین نسبت به کسانی که وام گرفته و سرمایه قرار داده‌اند هر مقدار از وام که قسط آن پرداخته شده و سال بر آن گذشته خمس دارد بلی هر مبلغ از وام که قسط آن پرداخت نشده خمس ندارد.

### س ۷۲۸

### اشاره

- به جنسی که با پول قرض کرده بخرد و سال بگذرد خمس تعلّق می گیرد یا خیر؟

### ج

- جنس مذکور خمس ندارد بلی اگر بعد از ادای قرض آن جنس یک سال بماند و صرف مؤونه نشود خمس دارد. و اللّه العالم.

### س ۷۲۹

### اشاره

- کسی که پایان سال خمسی بدهکاری نقدی (نه قسطی) بابت مؤونه دارد آیا از موجودی متعلق خمس کسر میشود؟ و بفرض کسر شدن آیا فرقی هست در خوراکی و پوشاکی با قرض مسکن و ماشین سواری و خرج جهیزیه دختر و سایر لوازم خانه و زندگی یا خیر؟

### ج

- بطور کلی اگر دین مربوط به مؤونه زندگی باشد اداء آن قبل از رسیدن سال خمسی از مؤونه محسوب است و خمس ندارد ولی اگر صرف مؤونه نکند و سال خمسی برسد نمیتواند بمقدار دین از ربح در اداء خمس کسر کند و در سال بعد که می‌پردازد جزء مؤونه آن سال محسوب میشود.

### س ۷۳۰

### اشاره

- اگر شخصی در وقت حلول سال خمسی مقروض و بدهکار باشد آیا می‌تواند آن را از عوائدش کسر کند؟

### ج

– اگر قرض برای سرمایه بوده و فعلًا هم در سرمایه موجود است خمس عوائد باید اداء شود و اگر هم تلف شده است و قرض را در بین سال ادا نکرده است خمس عوائد را باید بدهد در هر سال که قرض را ادا کرد جزء مؤونه سال ادا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۳

محسوب می‌شود و اگر قرض برای سرمایه بوده و فعلًا با محاسبه قرض سرمایه زاید بر سرمایه قبل است به مقدار قرض خمس به سرمایه تعلق نمی‌گیرد و اگر قرض برای مؤونه بوده با اینکه ادا نکرده از عوائد سال استثناء نمی‌شود و خمس عوائد باید پرداخت شود. و اللّه العالم.

### س ۷۳۱

### اشاره

– آیا بدهی به اداره دارائی جهت مالیات مورد مطالبه اداره را و سایر بدهی‌های تعهدی را (تعهّد به امور خیر مثل ساختن مسجد و ساختن درمانگاه و غیره را) میشود جزء بدهی رسمی و معمولی آخر حساب نموده و از سرمایه و درآمد کسر نمود؟

### ج

– بدهی‌های مذکوره در سؤال را نمیشود سر سال خمس از سرمایه کسر نمود بلی چنانچه قبل از رسیدن سال خمسی آن بدهی‌ها از فوائد کسب اداء شود مؤونه محسوب است و خمس ندارد.

### س ۷۳۲

### اشاره

– آیا پرداخت مالیات بر درآمد به اداره دارائی جزء حقوق (خمس) محاسبه می‌شود؟

### ج

– مالیات را نمی‌شود از خمس حساب کرد و خمس درآمد موجود در آخر سال واجب است پرداخت شود ولی اگر بعد از پرداخت مالیات چیزی نداشته باشید خمس به شما تعلّق نمی‌گیرد.

## خمس لوازم مورد احتیاج زندگی

### تزیینات منزل

### س ۷۳۳

#### اشاره

- اگر شخصی گذران زندگیش توسط پدرش باشد و پدرش مازاد بر نیاز به او مبالغی بدهد و شخص تمام و یا مقداری از این مبالغ را صرف خرجهای اضافی مثلًا خرید مبلمان و غیره که غیر ضروری است بنماید، آیا به مبالغ یا به وسائل خریداری‌شده اضافی خمس تعلق می گیرد؟

#### ج

- اگر زائد بر شأن او باشد خمس دارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۴

### س ۷۳۴

#### اشاره

- آیا به وسایل دکوری که تنها جنبه تزیینی دارند خمس تعلق می گیرد؟

#### ج

- اگر زائد بر حدّ متعارف نباشد خمس ندارد و الّا خمس آن واجب است.

### س ۷۳۵

#### اشاره

- در بعضی از منازل اشیایی به نام دکور در قفسه‌های اطاق برای تزیین می گذارند و هیچ از این اشیاء استفاده نمی‌شود و گاهی این اشیا که بنام عتیقه است خیلی گران قیمت است آیا این اشیاء مورد تعلق خمس است یا نه و آیا این دکورها به شأنیّت صاحب منزل بستگی دارد؟ و آیا دکور متعارف با دکور گران قیمت تفاوت دارد یا نه؟

#### ج

- اگر اصل دکور و اشیاء مذکوره در حد مناسب با شئون مالك آنها باشد خمس ندارد و اگر زاید بر شأن باشد به طوری که نداشتن آن عرفاً نقص و موجب کسر شأن و موقعیّت نباشد مثلًا شخصی که مخارج معمولی زندگی خود را با زحمت فراهم می کند اشیاء گران قیمت را به عنوان تزیین منزل تهیه کند و یا دکور پرخرج بسازد در این صورت هر مقدار که عرفاً زاید بر شأن او است خمس دارد. و الله العالم.

### س ۷۳۶

#### اشاره

- ساختمان‌هایی که زیادتر از حاجت است و در تمام سال اطاق‌ها مفروش و بدون استفاده است و حَتّی اطاق‌ها را اجاره نمی‌دهند یا میهمانی ندارد آیا این اطاق‌های فی المثل یک طبقه ساختمان مورد تعلق خمس است یا نه؟ و یا تزیینات ساختمان که حتی دیوار کوچه را با آئینه و امثال آن تزیین می‌کنند وجهی که در مقابل این تزیینات داده می‌شود خمس دارد یا نه؟ و آیا ملاک در زیاده‌روی و اسراف و تجمل چیست؟ و بر فرض که اطاق‌های زائد مورد تعلق خمس باشد به عنوان اشاعه است یا در قسمت‌های دیگر که خودش زندگی می‌کند مجاز است استفاده کند خلاصه تکلیف چیست و اگر میهمان با علم به اینکه صاحبخانه زاید بر احتیاج ساختمان ساخته و خود صاحب خانه تصریح می‌کند که این اطاق‌ها مورد احتیاج او نیست نماز خواندن در این خانه‌ها صحیح است؟ و آیا به عنوان نهی از منکر واجب است به آنان تذکر داده شود؟ چنانچه نقل می‌کنند بهلول به هارون الرشید گفت ان کان من مالك فقد اسرفت و إن کان من مال غیرك فقد أخطیت.

#### ج

- هر چه زاید بر شأن است مورد تعلّق خمس است و در مثل خانه به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۵

تفصیلی که نوشته‌اید گاهی مقدار زاید موجب استطاعت و وجوب حج نیز هست و تعلّق خمس به نحو اشاعه است یعنی بعد از تعلّق خمس تصرّف در هیچ قسمتی جایز نیست و نسبت به مهمان، لازم نیست تحقیق کند که صاحبخانه خمس داده یا نه بلی اگر یقین کند که خمس تعلّق گرفته و نداده برای او هم جایز نیست تصرّف کند. و اللّه العالم.

### س ۷۳۷

#### اشاره

- آیا اشیاء زینتی مثل گلدان، چراغ، ساعت و امثال آنها که جنبه زینتی داشته باشد مشمول خمس می‌شود یا خیر؟ قیمت‌گذاری آنها مشکل و پرزحمت است چون بعضی اشیاء قدیمی است و در بازار نیست و قیمت واقعی آن هم مشخص نمی‌شود در این صورت تکلیف چیست؟

#### ج

- این اشیاء اگر بطور متعارف نسبت به شخصی که آنها را دارد زائد محسوب نشود خمس ندارد ولی اگر نسبت به شخص مذکور زائد محسوب بشود خمس دارد و اگر ارث باشد مادامی که آن را نفروخته‌اید خمس به آن تعلّق نمی‌گیرد هر وقت فروختید زیادی قیمت آن از تاریخی که بشما رسیده اگر بین سال صرف مؤونه نشود خمس دارد و اگر این اشیاء ارث نباشد باید بقیمت روز خریداری شده خمس آن پرداخت شود.

### س ۷۳۸

#### اشاره

– اگر کسی برای تهیه مؤونه واجب زندگی خویش ناچار به پس‌انداز مبلغی پول در طول زمان بلند باشد تا پس از گذشت چند سال توانایی خرید آن مؤونه را پیدا کند آیا این شخص باید در پایان سال، خمس این پول را محاسبه و پرداخت کند؟

#### ج

– اگر چیزی به عنوان مؤونه فعلًا مورد حاجت باشد و تهیه آن بدون پس‌انداز و جمع نمودن قیمت آن در عرض چند سال ممکن نباشد وجوب خمس برای پول جمع شده معلوم نیست.

### س ۷۳۹

#### اشاره

– تلویزیون رنگی و تلفن جزء ضروریات زندگی است یا نه و خمس دارد یا نه؟

#### ج

– اگر جزء مؤونه شخص محسوب شود خمس ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۶

## لوازمی که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد

### س ۷۴۰

#### اشاره

– آیا لوازم منزل در صورتی که در طی سال برای یک بار هم استفاده نشوند باید خمس آن را پرداخت نمود؟

#### ج

– اگر لوازم مذکوره مورد احتیاج فعلی است و اتفاقاً در بین سال مورد استفاده قرار نگرفته خمس ندارد مثل اینکه لحاف یا پتویی را برای مهمان تهیه کرده باشید و اتفاقاً در بین سال، مهمانی بر شما وارد نشود. و اللّه العالم.

### س ۷۴۱

### اشاره

– اگر کسی در اواسط سال خمسی‌اش یک فرش بخرد ولی تا پایان سال از آن استفاده ننماید خمس آن لازم است یا خیر؟

### ج

– اگر فرش واقعاً مورد نیاز بوده خمس ندارد هر چند اتفاقاً از آن استفاده نکرده باشد. و اللّه العالم.

### س ۷۴۲

### اشاره

– آیا معیار جهت معافیت خمس استفاده کردن آنها تا مدّت یک سال از تاریخ خرید است و یا استفاده کردن از آنها تا رسیدن سال خمسی؟

### ج

– سر سال خمسی را باید ملاحظه نماید. و اللّه العالم.

## خمس مخارج تحصیل فرزندان

### س ۷۴۳

### اشاره

– اگر مخارج تحصیل فرزند را بدهد چیزی برای او اضافه نمی‌ماند که خمس آن را بدهد آیا باید مخارج تحصیلات فرزند را بدهد و خمس ندهد و یا اینکه مخارج تحصیل را ندهد تا پس‌انداز داشته باشد و خمس آن را بدهد؟

### ج

– اختیار با پدر است اگر مخارج مذکوره را متحمل شد و چیزی در سر سال برایش نماند خمس واجب نیست و اگر مخارج را نداد و باقی مانـد خمس دارد بلی باید مخارج بمقدار شأن باشد و از مخارج بی‌مورد و زیاده روی خودداری شود و الّا مقدار زائد خمس دارد.

## مخارج عروسی فرزند

### س ۷۴۴

### اشاره

- آیا اگر مادر از مال خودش وسایلی برای فرزند پسر کنار بگذارد که وقت ازدواج به ایشان بدهد خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

### ج

- در مورد سؤال اگر سال بر آن وسایل بگذرد خمس دارد. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۷

### س ۷۴۵

### اشاره

- کسی برای مصارف عروسی پسرش پول تهیّه کرده و قبل از تکمیل مراسم، سال به سر رسیده است، آیا خمس به این پول تعلق میگیرد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال آنچه تا رسیدن سر سال خمسی مصرف نشده خمس دارد. و اللّه العالم.

### س ۷۴۶

### اشاره

- جهیزیه دختر تهیه نمودن رسم است بعضی از آقایان فرموده‌اند خمس ندارد آیا خرج عروسی پسر هم اینطور است یا نه؟

### ج

- نسبت به خرج عروسی پسر اگر سال بر آن گذشته باشد خمس دارد و اگر در بین سال خرج شود و بطور معتدل باشد خمس ندارد.

## خمس جهیزیه

### س ۷۴۷

اشاره

- پولی که برای دختر و یـا پسـر و نیازهـای تحصـیلی و یـا ازدواج و جهیزه کنـار می‌گـذارد آیا خمس دارد یا نه- و آیا وسـیله‌ای و چیزهائی که برای پسر خریداری می‌کنند و می‌گذارند آیا مانند دختر که اجناس و جهیزه‌اش خمس ندارد این هم ندارد؟

ج

- بـه جهیزیه‌ای که برای دخـتر و در سالهـائی که در معرض ازدواج است تهیه می‌شـود خمس تعلـق نمی‌گیرد ولی خمس پـولی که برای جهیزیه یا ازدواج مخارج تحصیلی کنار گذاشته میشود باید ادا شود.

س ۷۴۸

اشاره

- برای جهیزیه دختر پول یا لوازم منزل کنار بگذاریم متعلّق خمس می‌شود؟

ج

- اگر جهیزیه در وقتی تهیه شود که دختر در معرض ازدواج است و اتفاقاً چنـد سال بگـذرد و شوهر نکرده باشـد خمس ندارد ولی اگر مثلًا دختر در سن پنـج سالگی باشـد و تـدریجاً برای او جهیزیه بخرند خمس دارد و همچنین اگر برای دختر چه کوچک باشد و چه بزرگ پول کنار بگذارند و یک سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س ۷۴۹

اشاره

- مادری که با چهار فرزند دخترش قالی‌بافی می‌کنند بقصد خرید جهیزیه اگر پول آن ذخیره شود سر سال خمس دارد یا نه؟

ج

- اگر فعلًا محتاج به جهیزیه است میتواند آن را در بین سال درآمد خریداری

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۸

نماید و خمس ندارد و اگر تهیه آن بدون ذخیره پول آن ممکن نباشد و درآمد دیگر نداشته باشد تعلق خمس به آن معلوم نیست.

### س ۷۵۰

#### اشاره

- اگر برای جهیزیه دختر پول یا لوازم زندگی کنار بگذاریم آیا خمس دارد؟

#### ج

- جهیزیه برای دختری که در سنین ازدواج تهیه میشود جزء مؤونه است و خمس ندارد ولی پولی که جهت جهیزیه کنار گذاشته میشود این حکم را ندارد بلی اگر تهیّه بعض اقلام جهیزیه بدون کنار گذاشتن پول که قهراً سال هم بر آن میگذرد و برای شخص یکجا خریدن ممکن نباشد در این صورت به پولی که جهت تهیه آن کنار گذاشته خمس تعلق نمیگیرد.

### س ۷۵۱

#### اشاره

- و در مسأله ۱۷۸۶ تبیین شده اگر انسان در شهری باشد که معمولًا هر سال مقداری از جهیزه دختر را تهیّه میکنند و تهیه آن مورد حاجت باشد خمس ندارد؛ سؤال مورد حاجت اینست که شخصی دختری دارد که حال تقریباً شانزده‌ساله میباشد و از سه سال قبل یک تخته فرش را بقصد جهیزیه آن دختر مشغول بافتن شده است حال میخواهد بداند آیا خمس آن را باید بدهد یا خیر؟

#### ج

- در مورد سؤال چنانچه مرسوم محل این باشد که فرش بعنوان جهیزیه برای دختر مورد نظر در آن سنّ و سال تهیه می‌کنند خمس ندارد و الّا بعد از پایان بافت فرش اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد.

### س ۷۵۲

#### اشاره

- دختر جهیزیه‌ای که پدر به او داده بخانه شوهر میبرد، امّا از تمام آن استفاده نمیکند و از مجتهدی تقلید مینماید که خمس هبه را واجب می‌داند. آیا خمس چیزی که از آن استفاده ننموده واجب است؟

#### ج

– در فرض سؤال اگر چیزی که از آن استفاده ننموده معرض حاجت فعلی او است و اتفاقاً در بین سال مورد استفاده قرار نگرفته و یا چیزی است که جزء جهیزیه قرار دادن آن از شئون عروس است خمس ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۹

## پرداخت و مصرف خمس

### س ۷۵۳

#### اشاره

– آیا در دادن سهم مبارک امام علیه السلام که مصارفش را بدانند و رعایت نمایند اذن مجتهد جامع الشرائط لازم است؟

#### ج

– بلی لازم است.

### س ۷۵۴

#### اشاره

– آیا وجوهات شرعی را می‌توان به ولی امر مسلمین یا مجتهد جامع الشرائط دیگری که از آن تقلید نمی‌کنیم پرداخت؟

#### ج

– دادن وجوهات به مجتهد جامع الشرائطی که غیر از مرجع تقلید خود شخص است در صورتی که نظر هر دو در مصرف یکی باشد اشکال ندارد.

### س ۷۵۵

#### اشاره

– اگر شخصی وصیت کند فلان مبلغ پول را به عنوان وجوهات به فلان مرجع (با قید نام مرجع) بدهید و مرجع فوق الذکر رحلت کنند آیا می‌شود به مرجعی دیگر داده شود یا خیر؟

#### ج

– آن وجوه را باید به مرجعی که زنده است بدهد.

## س ۷۵۶

### اشاره

– فردی بر تقلید مجتهد میت باقی است آیا می‌تواند سهم مبارک امام علیهم السلام را در صورتی که مجتهد فوت شده کارهای در دست اقدام و احیاناً نیمه تمام داشته به وکلای مجتهد متوفی که عدالت و امانت خود را حفظ کرده‌اند پرداخت نماید؟

### ج

– امر سهم مبارک امام علیه السلام با مجتهد حیّ است و پرداخت آن به وکیل مجتهد میت کافی نیست.

## س ۷۵۷

### اشاره

– اگر شخصی مقلّد مجتهدی بوده و مبلغی بابت خمس که با مشار الیه حساب کرده بدهکار شد و تا کنون بدهکاری فوق را نداده، نسبت به بدهکاری به مجتهد سابق که فعلًا مقلد او نیست تکلیفش چیست؟

### ج

– اگر مجتهدی که قبلًا مقلّد او بوده از دنیا رفته باید مبلغ مذکور را به مجتهد حیّ جامع الشرائط بپردازد و در فرض حیات مجتهد سابق احتیاط آن است که با اجازه مجتهد لاحق به مجتهد قبلی بپردازد. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۱۰

## س ۷۵۸

### اشاره

– خانه ای مدتها قبل از شخصی خریداری شده بود، و مبلغی از پول خرید خانه مانده بود، بعد از عقد و قرارداد بنگاهی، طرف معامله مقدار پول مانده را بابت خمس قبول میکند و معامله تمام میشود و سند خانه هم طبق قرارداد به نام حقیر میشود، اما بعد از مدت چند ماهی که گذشت شخصی که قبول خمس نموده بود پشیمان میشود. سؤال این است، آیا پشیمانی و ندامت این شخص از

بابت دادن خمس و بخشش این مقدار پول، مورد قبول هست یا نه؟

**ج**

– در فرض سؤال کسی که خمس را بابت بدهی خریدار قبول کرده اگر بهمان مقدار، خمس بدهکار بوده و بابت بدهی خمسیش محسوب نموده، پشیمانی بعدی او اثری ندارد ولی اگر خمس بدهکار نبوده و منظورش این بوده که بعدها که بدهکار شد حساب کند و یا اگر هم بدهکار بوده منظورش وعده حساب کردن بوده، در صورت پشیمانی می‌تواند حساب نکند.

**س ۷۵۹**

**اشاره**

– شخصی خودش سید است آیا می‌تواند به فرزندش که تحصیل می‌کند و کاری ندارد از بابت سهم سادات به او بدهد یا از سهم سادات دیگران می‌تواند به او بدهد.

**ج**

– سهم ساداتی که به مال خودش تعلق گرفته نمی‌تواند به فرزند خودش بدهد، اما نسبت به سهم دیگران پس اگر خودش قدرت ندارد که نفقه فرزندش را بدهد و فرزندش هم فقیر است دیگران می‌توانند سهم ساداتشان را به فرزند او بدهند. و اللّه العالم.

**س ۷۶۰**

**اشاره**

– به نوه دختری می‌شود خمس و زکات داد یا خیر؟

**ج**

– دادن خمس و زکات به نوه دختری جایز نیست. و اللّه العالم.

**س ۷۶۱**

**اشاره**

– افراد سید آیا خمسشان به خودشان بازمی گردد؟

ج

– ساداتی که خمس به مال آنها تعلق می گیرد بایـد آن را در محلش در توضـیح المسائل ذکر شـده مصـرف نمایند و به خودشان بر نمی گردد. و اللّه العالم.

س ۷۶۲

اشاره

– زنی که فرزنـدانش سادات باشـند و پـدرشان مخارج زندگی ایشان را ندهد این مادر می‌تواند سـهم ساداتی را به بچه‌های سادات خودش بدهد یا خیر؟
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۱۱

ج

– مادر نمی‌تواند سهم سادات خود را به فرزند خودش بدهد.
ولی اگر شوهرش سید و فقیر باشد می‌تواند سهم سادات را به او بدهد. و الله العالم.

س ۷۶۳

اشاره

– اگر شخصی وجوهات شرعیه از قبیل سهم امام (ع) یا سهم سادات بر ذمّه دارد و می‌خواهد به دیدن یك طلبه یا یک سیّد مستحقّ برود، آیا می‌تواند چیزی خریده و بعنوان هدیه منزل نو عروس به خانه آنها برده و از وجوهات خود حساب نماید یا نه؟

ج

– با اذن فقیه جامع الشرائط مانعی ندارد. و اللّه العالم.

س ۷۶۴

اشاره

– آیا از سهم امام می‌شود به فقرا کمک کرد یا خیر؟

ج

– امر سهم مبارک امام (ع) با مجتهد جامع الشرائط است با اذن او مانعی ندارد. و اللّه العالم.

**س ۷۶۵**

**اشاره**

– در یک محل سید فقیری وجود دارد که از روی حیاء و عفاف، ابراز فقر نمی‌کند و اگر هم بگویند خمس است قبول نمی‌کند، آیا می‌شود از بابت هدیه چیزی به او داد؟

ج

– لازم نیست به او بگویند که مبلغ بابت خمس است. و اللّه العالم.

**س ۷۶۶**

**اشاره**

– آیا دادن سهم سادات با رعایت آنچه در توضیح المسائل آمده است اذن مجتهد می‌خواهد؟

ج

– بنابر احتیاط اذن مجتهد لازم است ولی از طرف حقیر بطور عام پرداخت سهم سادات عظام به آنها که محتاجند مجاز است.

**س ۷۶۷**

**اشاره**

– آیا از سهم مبارک امام (ع) برای برپائی مراسم مذهبی خصوصاً سوگواری و یا اعیاد ائمه اطهار صلوات اللّه علیهم اجمعین وهم چنین تهیه کتابهای مفید و خوب مذهبی و پخش آنان جایز است؟

**ج**

– موارد مختلف است و باید با اذن مجتهد باشد.

**س ۷۶۸**

**اشاره**

– در بعضی منطقه‌های افغانستان مردم احتیاج به حمّام دارند برای غسلهای واجب از وجه سهم مبارک امام (ع) زکات و غیره می‌شود خرج و
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۲
مصرف حمّام کرد یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال بابت زکات مال از سهم سبیل اللّه اشکال ندارد صرف حمّام نمایند و از سهم مبارک امام علیه السلام موکول به اجازه فقیه است.

**س ۷۶۹**

**اشاره**

– سیادتی را که شیعه معتبر دانسته و قائل به آن است آیا فقط به ذریّه پیامبر اسلام (ص) اطلاق می‌شود یا اولاد هاشم ببعد را شامل می گردد؟ و منظور حضرتعالی در رساله توضیح از سید فقیر چه کسی می‌باشد آیا به کسی که از ناحیه مادر منسوب به رسول (ص) است در صورت فقیر بودن می‌شود خمس داد (سهم سادات) یا نه؟

**ج**

– سیادتی که در مسائل خمس و زکات و کفارات واجبه موضوع احکام است انتساب به جناب عبد المطّلب از طریق پدر و اجداد پدری است اختصاص به اولاد امیر المؤمنین (ع) و حضرت زهراء سلام اللّه علیها دارد.

**س ۷۷۰**

**اشاره**

- آیا کسی می‌تواند از وجه سهمین مبالغی را پرداخت کند که بعداً اگر خواست سال خمسی قرار بدهد محاسبه کند؟

ج

- اگر یقین دارد که اموالش متعلق خمس شـده مانعی نـدارد و اگر یقین ندارد می‌تواند وجه را به سـید فقیر قرض بدهد و یا وجه را به مجتهد جامع الشرائط قرض بدهد سپس بعد از تعلق خمس آنچه را به سید قرض داده بابت سهم سادات و آنچه را به مجتهد داده بابت سـهم امام (ع) محسوب دارد لکن در این صورت باید مقداری را که به سیّد فقیر و به مجتهد قرض داده از سرمایه حساب کند و خمس آن را نیز بدهد. و اللّه العالم.

س ۷۷۱

اشاره

- والـده این جانب سیده و علویه است با توجّه به اینکه فعلًا معمّم نیسـتم و اسـتفاده از عمّامه به رنگ سـیاه در مورد این جانب تأثیر منفی در جامعه ندارد، آیا اجازه استفاده از عمّامه به رنگ سیاه را دارم؟

ج

- کسـی که فقط مادر او سیّده است گرچه از اولاد رسول خدا (ص) محسوب است ولی احکام خاص سیّد از قبیل استحقاق خمس در صورت فقر و حرمت اخـذ زکوات و ماننـد اینهـا را نـدارد بهر حال این جانب اسـتفاده از عمامه سیاه را برای چنین شخصـی نظر باینکه ممکن است بعداً با سادات شرعی اشتباه شود صحیح نمی‌دانم.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۱۳

دستگردان

س ۷۷۲

اشاره

- بـا توجه روایـاتی که میفرمایـد الخمس بعـد المؤونـهٔ که نمونه آن در جلـد ۲ اسـتبصار باب ۳۰ موجـود است چرا مراجع بزرگوار وجوب خمس را فوری نمی‌داننـد و مهلت دسـتگردان میدهنـد آیـا مهلت را از (من ذلک فی حل لیزکوا) اسـتنباط می‌فرماینـد و آیا مهلت یک سال، با آن مقدار خمسی که به بعد از مؤونه تعلق گرفته و تا مدت یک سال از بین میرود منافات ندارد؟

ج

– استناد به روایت محمد بن سنان از عبد الصمد بن بشیر که در ذیل آن میفرماید (الا أن أبی جعل شیعتنا فی ذلک فی حل لیزکوا) بر ولایت فقیه بر امهال و دستگردان بجهت ضعف سند آن تمام نیست ولی به روایات دیگر مثل صحیحه فضلاء عن أبی جعفر (ع) استناد ممکن است به این بیان که تحلیل امام (ع) بر حسب ولایت بر خمس بوجه و به اصطلاح حکم ولایتی و نظامی است و اگر ولایت فقیه نیز بر خمس ثابت شود چنانکه در اخذ و مصرف آن ثابت میدانند فقیه هم در موارد و اقتضاء مصلحت میتواند در اداء آن مهلت بدهد مع ذلک اثبات این ولایت که مأخذ تحقیق باشد برای فقیه خالی از اشکال نیست ولی در مواردی که من علیه الخمس بطور عرف و عادت متمکن از اداء نباشد و مصلحت از باب خمس هم امهال باشد ولایت بر آن موجه است بلی اذن در تأخیر اداء بدون مصلحت ارباب خمس و تمکن من علیه الخمس از اداء خالی از اشکال نیست و مقصود از بخش دوم سؤال کاملًا معلوم نشد زیرا بفرض صحت مهلت و انتقال خمس بذمه شخص چیزی از مال خمس تضییع و تفویت نمیشود.

### س ۷۷۳

### اشاره

– آیا می‌توان مبلغ خمس را به صورت اقساط پرداخت نمود؟

### ج

– بدهی خودتان را باید دست گردان بکنید بعد از دستگردان در صورتی که متمکن از پرداخت دفعی آن نباشید می‌توانید به اقساط بپردازید. و اللّه العالم.

### س ۷۷۴

### اشاره

– آیا می‌توان وجوهات شرعیّه را به شماره حساب دفتر جنابعالی واریز نمود و از دست گردان وجوه مستغنی است؟

### ج

– اگر بخواهید همه وجوهات متعلّقه به اموال خود را در سر سال خمسی دفعةً بپردازید دست گردان لازم نیست ولی اگر بخواهید تدریجاً بپردازید باید بدهی خود را دست گردان نمائید.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۴

### س ۷۷۵

اشاره

- با سند منزلم و مقداری وجه نقد سه دانگ از یک ماشین را خریدم بعد از درآمد آن اقساط وام را پرداختم و یک دانگ دیگر هم خریدم و اگر بخواهم وجوهات را حساب کنم مجبورم سهمی از آن را بفروشم و زندگی من تأمین نگردد آیا خمس بر آن تعلق می گیرد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه ماشین را جهت کار خریده‌اید خمس دارد، باید خمس آن را دستگردان کنید و به تدریج بدهی خود را بپردازید. و اللّه العالم.

س ۷۷۶

اشاره

- اگر کسی فعلًا نتواند خمس را بپردازد می‌تواند بتأخیر بیندازد و یا اینکه قرض کند و خمس را پرداخت نماید؟

ج

- با مجتهد یا مأذون از طرف او دستگردان کند و تدریجاً بپردازد. و اللّه العالم.

تصرف در مالی که خمس آن پرداخت نشده

س ۷۷۷

اشاره

- حضرت عالی در رساله مسأله ۸۸۴ فرموده‌اید: تصرف در ملک کسی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است تا آخر، حال خمس و زکات یا کفاره رمضان و دیه و رد مظالم و نظایر اینها هم اگر بعهده شخص باشد همین حکم را دارد و اگر یکی از وراث که یک هکتار زمین ارث برده به اندازه سهم خودش خمس و زکات و رد مظالم و دیه و کفاره را بدهد تصرف این شخص که به اندازه خودش داده حرام و نماز باطل است یا نه؟

ج

- در مورد سؤال با پرداخت وجوه مذکور به مقدار سهم خود میتواند در بقیه سهم خود تصرف کند. و اللّه العالم.

**س ۷۷۸**

**اشاره**

- کسی خانه‌ای را از پول خمس نداده خریده و در آن نماز می‌خواند، نماز و غسل او چه صورت دارد؟ آیا غسل باطل است یعنی جنابتش باقی است؟

**ج**

- اگر معامله را به ذمّه انجام داده نماز و غسل اشکال ندارد البته واجب است خمس را هم بدهد و اگر عین بعین انجام داده تا موقعی که خمس آن را نپرداخته هر گونه تصرّف در آن خانه اشکال دارد. و اللّه العالم.

**س ۷۷۹**

**اشاره**

- کسی که منزل مسکونی خویش را اضطراراً برای خرید منزل مسکونی ضروری در محل انتقال جدید می‌فروشد، آیا در فاصله ایام بیع و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۵

شراء، وجه بهای منزل فروخته شده مشمول خمس می‌شود؟ و با فرض شمول خمس و عدم پرداختن در منزل مسکونی ابتیاعی جدید از وجه تخمیس نشده نماز و تصرفات دیگر جائز است؟

**ج**

- در فرض سؤال چنانچه در سال فروش قیمت منزل صرف خرید منزل مسکونی جدید و یا مؤونه دیگر شده چیزی بر او نیست ولی اگر پول خانه بماند تا سال بعد، بمقداری که زائد بر قیمت خرید، فروخته خمس تعلّق میگیرد و اما نسبت به خرید منزل با پول تخمیس نشده چنانچه ذمّه ای بوده نماز و تصرفات در آن منزل اشکال ندارد.

**س ۷۸۰**

**اشاره**

- شخصی که خمس نمیدهد اگر هنگام حج مقداری از مال خود را جدا کند و خمس آن را بدهد و صرف امور حج کند آیا تا این اندازه تصرف جایز و حج او صحیح است؟

ج

- در فرض سؤال، تصرف جایز نیست چون خمس بنحو اشاعه است و باید همه مال متعلّق خمس را تخمیس کند لکن اگر لباس احرام و سایر لباسهایش را که در حین انجام اعمال از آنها استفاده میکند در موقع خریدن بنحو کلی و ذمّه‌ای خریده باشد نه عین به عین حجّش صحیح است.

### س ۷۸۱

#### اشاره

- فرش مسجدی را از پول خمس نداده خریداری کرده‌اند نماز خواندن و سائر تصرفات در آن چه صورت دارد؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه معامله و خریدوفروش به ذمّه بوده که معمولًا چنین است معامله صحیح است و نماز خواندن و سائر تصرّفات در آن فرش اشکال ندارد. و اللّه العالم.

### س ۷۸۲

#### اشاره

- شخصی درختی را بدون اینکه خمس آنها را بدهد وقف مسجد می‌کند و سقف و شبستان آن را که در روستاها معمول است از آن درخت می‌سازد نسبت به خمس وظیفه چیست و آیا نماز در پشت بام و شبستان مسجد صحیح است یا نه؟

ج

- اگر درخت متعلق خمس شده وقف آن و نماز خواندن روی آنها برای کسانی که اطلاع دارند اشکال دارد مگر آنکه خمس آنها داده شود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۶

### س ۷۸۳

### اشاره

– زیـد قبلًا خمس اموالش را به مرجع تقلیـد خودش و سـایر مراجع می‌داد حالاـ مـدتی است که سـهم مبـارک را نمی‌دهـد با چنین شخص آیا می‌توانم شریک معامله‌ای باشم و یا برایش اجیر شوم و کار کنم؟

### ج

– شرکت با شـخص مـذکور در صورتی که یقین دارید که اموال مورد ابتلاء شـما از شـخص مذکور متعلق خمس شده و ادا نکرده اشکال دارد ولی اجیر شـدن و کار کردن برای او مانعی نـدارد و اجرتی که به شـما می‌دهـد اگر یقین ندارید که متعلق خمس واقع شده گرفتن آن مانعی ندارد و اگر یقین دارید پولی که به شـما به عنوان اجرت می‌دهد متعلق خمس شده و خمس آن را نداده باید آن را قبول نکنید و از او بخواهید تا پول حلال به شما بدهد.
و اللّه العالم.

## س ۷۸۴

### اشاره

– غذا خوردن در خانه‌ای که اهل آن تارك الصلاهٔ بوده و خمس و زکات نمی‌دهند چگونه است؟ اگر پدرم خمس و زکات مالش را نداده، تکلیف من که نان او را می‌خورم و از لوازم خانواده استفاده می‌کنم چیست؟

### ج

– هر چه را یقین ندارید که به خصوص آن خمس تعلّق گرفته تصرّف در آن جایز است.

## س ۷۸۵

### اشاره

– بعضـی مؤمنین می‌پرسـند، جاهائی دعوت می‌شویم که یقین داریم حساب سال ندارنـد، آیا غـذا خوردن و یا تصـرّف دیگر ما، در منزل آنان چه صورت دارد؟

### ج

– اگر یقین ندارند که به عین آنچه مورد ابتلاء آنها است خمس تعلق گرفته باشد ظاهراً اشکال ندارد. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۹

## نذر

### از بین رفتن موضوع نذر

#### س ۷۸۶

##### اشاره

– مبلغی پول بعنوان مناطق جنگی است و مبلغی بعنوان بازسازی با این پول مناطق جنگی چه کار بکنـد میتوانـد برای زلزله زده خرج کند و یا در سپاه و یا پایگاه مصرف کند؟

##### ج

– در مورد سؤال مبلغی که مربوط به بازسـازی منـاطق جنگی است بایـد صـرف همـان قسـمت بشود و مقـداری که مربوط به مناطق جنگی است صرف نیروهائی که فعلًا در همان منطقه بعنوان مرزبان و غیره هستند بشود و صرف آن در زلزله زده و غیره جائز نیست.

#### س ۷۸۷

##### اشاره

– نذر جبهه جنگ یا بطور کلی وجهی را که بابت کمک بجبهه جنگ میدهند و سابقه دارد، در وضع موجود آن را در چه مواردی صرف کنیم؟

##### ج

– در مورد سؤال چنانچه چیزی را برای جبهه با خواندن صیغه شرعی نذر

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۰

نموده فعلاـ که جنگی نیست، صـرف مرز داران کشور بنمایـد و اگر بـدون نـذر شـرعی، اشخاصـی برای جبهه وجهی پرداخته‌انـد و شناسائی آنها مقدور نباشد، آن وجوه را به نیّت مظالم از طرف صاحبانش احتیاطاً به فقراء از مرزداران بدهند.

#### س ۷۸۸

اشاره

– این جانب مغازه ای به این قصـد دارم که هر چه پس‌انداز کنم از هزار تومان پنجاه تومان متعلق به حضـرت أبو الفضل العباس (ع) باشـد، در صورت امکان ببرم به کربلا فعلًا راه مسـدود است، تا به حال مبلغ دو ملیون سـرمایه شـده است، طبق نیّتم صـد هزار تومان باید بدهم، فعلًا امکانش هم ندارم آیا میتوانم مبلغ فوق را تدریجاً بوسـیله روحانی هیئت در شعائر مذهبی اعم از روضه‌خوانی و سینه زنی در ایام محرم و صـفر در مساجـد و تکیه‌ها خرج کنم و یا بقم ارسال کنم، هر چه صـلاح میدانیـد مصـرف کنید؟ در غیر این دو صورت چه باید بکنم ضمناً آیا میتوانم آن قصد را لغو کنم یا نه؟

ج

– در مورد سؤال مجرّد قصـد مـذکور موجب تکلیف نمی‌شود، اگر صـیغه نذر و عهد به عربی یا بفارسـی نخوانده‌اید چیزی بر شـما نیست، مع ذلک اگر بخواهید رشـته توسّل خود را به مقام حضـرت أبو الفضل علیه السلام ادامه دهید میتوانید این مبلغ را که در نظر گرفته‌اید در خیرات عامّه مخصوصاً تشکیل مجالس عزاداری و سو گواری برای آن حضرت و سائر شهداء بزرگوار کربلا، مخصوصاً حضرت سید الشهداء علیهم السلام بمصرف برسانید و ثواب آن را به آن حضرت هدیه نمائید.

س ۷۸۹

اشاره

– کسـی نـذر کرده که مادام العمر در دهه عاشورا عزاداران را اطعام نمایـد و مدتی هم باین نذر عمل کرده است ولی اکنون برایش مقدور نیست وظیفه او چیست.

ج

– در فرض سؤال، تا حـدی که مقدور نیست تکلیفی ندارد و اگر مجدّداً قدرت پیدا کرد، از تاریخ حصول قدرت به بعد بر طبق نذر باید عمل کند.

## تغییر دادن مصرف نذر

س ۷۹۰

اشاره

– شخصی نذر کرده بطور اطلاق که یک ربع عایدی وسیله نقلیّه خود را در راه حضرت عبّاس علیه السلام صرف کند، بفرمائید اگر

بمصرف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۱

روضه‌خوانی برساند، هر روضه که خوانده شود مکفی است، یا باید روضه حضرت عباس علیه السلام خوانده شود و نیز اگر با آن پول کتاب بخرد در اختیار اهل علم و ارباب استحقاق قرار دهد در راه آن بزرگوار کفایت می کند یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال لازم نیست خصوص روضه حضرت عباس علیه السلام باشد و خریدن کتب مفیدی که اطمینان به صحت آن داشته باشند و اهداء آن به اشخاص نیز اشکال ندارد خصوصاً اگر در صفحه اول کتاب هم قید شود که از محل نذر حضرت عباس علیه السلام است و بهر حال باید این کارها را بقصد اهداء ثواب بحضرت عباس علیه السلام انجام دهند.

**س ۷۹۱**

**اشاره**

- کسی نذر کرده که در روز عاشورا مقدار معیّنی طعام به فقرا بدهد آیا می‌تواند پس از چندین سال که باین ترتیب عمل نموده مبلغی را که صرف طعام می‌نموده، جهت روضه‌خوانی حضرت سید الشهدا صرف نماید یا خیر؟

**ج**

- اگر صیغه نذر نخوانده باشد مختار است و الا باید طبق نذرش عمل نماید، البته حفظ برنامه‌های اطعام در ایام عاشورا قطع نظر از نذر خوب و تعظیم شعائر است.

**س ۷۹۲**

**اشاره**

- در دهه اول محرم نذوراتی بابت هیئت و دستجات که به مناسبت شهادت سالار شهیدان ابا عبد اللّه الحسین (ع) در این دهه برپا می‌شود آورده‌اند، الان مقداری برنج، ۲ رأس گوسفند مقداری چای، قند و شکر اضافه آمده است و هیئت مبلغ حدوداً ۳۰۰ هزار تومان بدهکاری دارد خواهشمندم مسأله شرعی این هیئت را توضیح دهید، لازم بتذکر است که واقفین اجناس (نذرکنندگان) مشخص نمی‌باشد و اینکه آیا می‌شود اجناسی که اضافه آمده است به نرخ روز فروخته شود و بدهکاریهای هیئت که اعم از خرید برنج، حبوبات، کرایه فرش و کرایه پوش، کرایه داربست و غیره می‌باشد با فروختن این اجناس پرداخت شود.

**ج**

جامع الاحکام ؛ ج۱ ؛ ص۲۲۱

اشیاء مذکور باید در مواردی که اهداء کنندگان آن در نظر داشته‌اند حسب معمول محلّ و برنامه سالهای گذشته صرف شود و چنانچه موضوع آن بر حسب معمول منتفی باشد و صاحبان آنها هم مجهول و تحصیل اذن از آنها میسّر نباشد احتیاطاً آنها را بفقیر غیر سیّد از باب مظالم بدهند و فقیر به اختیار خودش برای اداء قروض هیئت می‌تواند آن را اهداء نماید.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۲۲

### س ۷۹۳

#### اشاره

– در ایام تاسوعا و عاشورا رسم شده، در یک محل یا در یک خانه خیمه‌گاه درست کرده، مردم در اطراف آن مشغول عزاداری می‌شود، و بر مصیبت‌های حضرت سیّد الشهداء هفتاد و دو یار و انصارش گریه می‌کنند و عده‌ای از ارادتمندان ائمه اطهار (ع) نذورات از قبیل نقد، لباس و پارچه می‌آورند که مقداری از آن نذورات برای پذیرائی از مهمانان در همان محل خرج میشود و مقدار زیادی می‌ماند، لطفاً حضرت عالی محل مصرف نذورات باقی مانده را معین فرمائید که در کجا مصرف شود؟

#### ج

– در مورد سؤال نذورات مذکور را در همان مواردی که قبلًا مصرف میشده مصرف نمائید، لباس و پارچه‌های نذری را نیز مجازید با نظارت امناء محل بفروشید و در موارد مذکور مصرف نمائید موفق باشید.

### س ۷۹۴

#### اشاره

– من در ابتدای تکلیف برای اینکه فعل حرام خاصی را ترک کنم عهد یا نذر شرعی با بیان صیغه آن کردم که در مقابل هر دفعه ارتکاب آن عمل مدت زمان مشخصی مثلًا ده شب نماز شب بخوانم و ده جزء قرآن و زیارت عاشورا هم بخوانم تا آمدم آن فعل حرام را ترک کنم تعداد بسیار زیادی بدهی بر عهده‌ام قرار گرفت که البته سالهاست مشغول ادای این بدهیها هستم ولی می‌ترسم عمرم کفاف ندهد و از عهده ادای دین بر نیایم و می‌ترسم بعد از من هم، کسی آنها را برایم انجام ندهد البته در بین سالهایی که هنوز موفق به ترک آن گناه نشده بودم، چند بار خودم تصمیم گرفتم آن عهد را از عهده‌ام خارج کنم، امّا می‌دانستم این نحوه شرعی نیست. سؤال بنده این است چطور می‌توانم این بدهیها را شرعاً از عهده خود خارج کنم تا اگر مردم، لازم نباشد دیگران باقی آنها را برایم انجام دهند؟ آیا این کار با پرداخت کفاره میسر است و اگر میسر است چند کفاره‌ای باید بپردازم؟

ج

- در مورد سؤال هر مقدار که متمکّن هستید از تکلیف خود انجام دهید و نسبت به بقیّه وصیت کنید که در صورت امکان ورثه انجام دهد ولی می‌توانید به مقداری که یقین به اشتغال ذمّه دارید اکتفا کنید. و اللّه العالم.

س ۷۹۵

اشاره

- اگر انسان چیزی را نذر کند و فراموش کند یا نداند که چند بار (مثلًا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۳

زیارت عاشورا) باید بخواند چه باید بکند؟

ج

- اگر تعداد آن را فراموش کند اکتفا به مقدار یقینی کافی است. و اللّه العالم.

س ۷۹۶

اشاره

- اگر کسی نذر کند که چنانچه منزلم را تجدید بناء کنم سالی چند جلسه توسل به اهل بیت (ع) در آن منزل برپا می‌کنم، چنانچه این منزل را بعد از چند سال بفروشد تکلیف او چیست؟

ج

- در فرض مذکور بعد از فروختن منزل نسبت به نذر مذکور تکلیفی ندارد. و اللّه العالم.

نذر زن

س ۷۹۷

اشاره

- آیا نذر و سایر تصرفات زوجه در مال خودش بدون اذن زوج جایز است یا خیر؟

**ج**

– نذر زوجه بدون اذن زوج صحیح نیست ولی تصرفات او در اموال خودش اشکال ندارد اگر چه نسبت به صدقه دادن به غیر ذی رحم خوب است از زوج اذن بگیرد. و اللّه العالم.

**س ۷۹۸**

**اشاره**

– چهل سال قبل، وضع زندگی من خوب نبوده، همسرم نذری کرد که آشی در آخر ماه صفر پخته به همسایگان بدهد، و خداوند متعال محبّت فرموده کارم رو براه شده، چند سال هم آن آش را مطابق نذر پخته و دادیم ولی بواسط ضعف و پیری پختن و توزیع آش برای ما مشکل بوده از یک نفر روحانی محترم راهنمائی خواستیم دستور فرمودند مبلغ پولی را در صندوق ایتام محل باین نیّت بپردازید لذا از حدود تقریباً ۱۵ سال قبل مبلغ یک هزار و پانصد ریال در ماه صفر باسم آش نذری بصندوق میدادم ولی تازگی بفکرم رسید که تورّم قیمت جنس برای نذرم اشکال پیش می‌آورد و ضمناً از لحاظ قدرت مالی هم توانائی پرداخت بیش از این مبلغ را ندارم لذا استدعا دارم حضرتعالی حکم مسأله را بیان فرمائید.

**ج**

– نذر زوجه بدون اینکه قبل از نذر از شوهر خود اذن گرفته باشد صحیح نیست و بر فرض اینکه اذن گرفته باشد اگر صیغه نذر نخوانده باشد عمل بآن نذر واجب نیست و در این صورت بهر نحوی که خواستید عمل کنید مختارید.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۴

**س ۷۹۹**

**اشاره**

– زنی نذر کرده که اگر شوهرش سیگار را ترک کند خرج هر هفته سیگار کشیدن او را صدقه بدهد. اگر شوهر چند هفته سیگار را ترک کرد آیا صدقه دادن بر زن از اولین هفته ترک، واجب است یا شرعاً میتواند صبر کند و صدقه را تأخیر بیندازد تا از ترک سیگار مطمئن شود.

**ج**

– اگر با اذن شوهر نذر کرده ظاهراً باید مدتی از کشیدن سیگار خودداری کند که عرفاً گفته شود سیگار را ترک کرده است.

### س ۸۰۰

### اشاره

- در صورتی که در نظر زن ترک موقت، یا همیشگی نبوده باشد، از این جهت در ضمن نذر غفلت شده باشد، اگر شوهر بعد از چند هفته مجدداً شروع به سیگار کشیدن کرد تکلیف زن چه می‌شود آیا نذرش به هم می‌خورد و صدقه دادن بر او واجب نمی‌شود یا اینکه هر هفته که نکشید صدقه واجب است و هر هفته که کشید صدقه لازم نیست؟

### ج

- ظاهر این نذر ترک عرفی سیگار است، نه ترک یک روز و چند روز و چند دفعه ولی اگر نذر مطلق بود که شامل ترک یک‌دفعه و یا چند دفعه می‌شد همان ترک در آن مدت کفایت می‌کند، باید به نذر عمل شود و این صورت هم نذر ترک بعد از ترکِ اول را شامل نمی‌شود مگر اینکه از صیغه استفاده عموم شود.

### س ۸۰۱

### اشاره

- اگر در نذر اذن شوهر لازم باشد و بعد از چند هفته شوهر بگوید گمان من در اذن چند هفته بیشتر نبوده که شما صدقه بدهید در این صورت تکلیف زن چه می‌شود؟

### ج

- اعتبار اذن شوهر در انعقاد نذر بنابر احتیاط است لذا در فرض مرقوم احتیاط وفاء به نذر است بلکه رعایت این احتیاط لازم است.

## مسائل متفرقه نذر

### س ۸۰۲

### اشاره

- اگر پدری نذر کرد که دختر خود را بکسی بدهد و آن دختر راضی باین ازدواج نشد، این نذر چه صورتی دارد؟

### ج

– در فرض سؤال، نذر پدر صحیح نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۵

### س ۸۰۳

### اشاره

– اگر شخصی برای انجام کار مهم نذری را به زبان آورد، اما به دل آن را نپسندد (از لحاظ مبلغ و یا از نظر چیزهای نذر شده مثل دعا) تصمیم بگیرد نذر را عوض کند آیا امکان دارد؟ و یا اگر قبل از تعویض نذر خواسته او برآورده شود باید نذر را اداء کند؟

### ج

– وفاء به نذر در صورتی واجب است که به زبان یا صیغه عربی یا فارسی نذر کند مثل این که بگوید برای خدا بر من یا بذمّه من است اگر فلان حاجتم برآورده شد این مبلغ را به فقراء بدهم، و اگر فقط در دل قرار گذاشته باشد و بر زبان نیاورده باشد، یا فقط گفته باشد نذر کردم، و خود را برای خدا عهده‌دار و مدیون خدا نکرده باشد، اختیار با خود اوست می‌خواهد عمل کند می‌خواهد ترک کند یا آن را عوض نماید.

## عهد و قسم

### س ۸۰۴

### اشاره

– خداوند متعال در قرآن کریم به چیزهائی قسم خورده آیا قسم خوردن به آنها صحیح می‌باشد؟

### ج

– قسم خوردن بآنها اثر شرعی ندارد.

### س ۸۰۵

### اشاره

– بنده زمانی با خود عهد کردم که یکی از کارهایی که حرام است را انجام ندهم و اگر انجام دادم مدّتی روزه بگیرم امّا متأسفانه

پس از مـدّتی دوبـاره مرتکب این فعـل حرام شـدم و تاکنون بارها این فعل حرام را انجام داده‌ام. در این مورد وظیفه من چیست؟ امّا هم‌اکنون نمی‌دانم که صیغه عهد را همانطوری که در رساله فرموده‌اید جاری کرده‌ام یا نه؟ در این صورت وظیفه من چیست؟

### ج

– از آنچه تا بحال کرده‌اید جدّاً توبه کنید و نسبت به گذشته اگر نمیدانید که عهد بنحوی که شرعاً معتبر است و در رساله ذکر شده واقع شده یا نه غیر از توبه چیزی بر شما نیست. والله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۷

## احکام وقف

### اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۹
وقف

### متولّی وقف

### س ۸۰۶

### اشاره

– در مواردی که واقف در وقفنـامه امر تولیت را به اولاد خود نسلًا بعـد از نسل تفویض نموده است آیا متصف بودن متولی از اولاد بصفات عمومی کفایت و امانت و احیاناً عدالت نیز در اداره امور موقوفه بنظر مبارک حضرتعالی لازم است یا خیر؟

### ج

– ظـاهر این سـتکه اگر واقف شـرط امانت و عـدالت نکرده باشـد جواز تصـدّی متولّی مشـروط به این صـفات نیست و عمل او طبق دسـتور مقرّر در وقف نافذ و صـحیح است بلی اگر خیانت و تخلّف او از شرائط مقرّر در وقف محرز شود حاکم شرع جامع الشرائط بایـد مـداخله و ضم امین نمایـد و امّا نسبت به کفایت، اگر مطلقا فاقـد باشـد حق تصـدّی نـدارد و اگر با داشـتن کفایت، بالمباشـره متمکن از انجـام امور موقوفه نیست ولی با تعیین وکیل متمکن از اداره وقف است و در وقف هم شـرط مباشـرت متولی نشـده باشـد متولّی با تعیین وکیل باید اعمال تولیت نماید. والله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۰

### س ۸۰۷

**اشاره**

– آیا اداره اوقاف شهرستان میتوانـد از تجدید اجاره‌نامه ملک موقوفه خاص که سالهاست در اجاره این جانب است و ممر در آمدم می‌باشد بدون رضایت این جانب خودداری نماید؟

**ج**

– بعد از پایان مدت اجاره متولّی شرعیّ ملک موقوفه میتواند ملک را بهر کس که بخواهد اجاره دهد.

**س ۸۰۸**

**اشاره**

– در مـدّت هفت سـالی که بنـای پروژه عظیم کتابخـانه و مجتمع فرهنگی را داشـته‌ایم هیـچ‌یک از هیئت امنـاء و اجرائی با بنـده که متولّی این پروژه بوده‌ام همکاری ننموده بلکه اسـتهزاء و مسـخره داشـتند و باورشان نمیشد که روزی این پروژه به ۶۰٪ از بنا برسد و در پنـج طبقه ساخته شود قبل از وقف در بـدو تأسـیس هیأت امناء و اجرائی منحل شده و بنده دنبال ساخت و ساز بودم و در وقفنامه نوشته‌ایم که بعد از بنده تولیت با أکبر اولادم میباشد آیا بازهم هیأت امناء لازم است تشکیل شود یا خیر؟

**ج**

– تعیین متولّی و کیفیت اداره وقف بـا واقف است اگر در وقف معین کرده باشـد تغییر آن جـائز نیست ولی واقف بایـد محلی را که وقف می‌کند یا مالک باشد یا از طرف مالک وکالت یا وصایت داشته باشد که باید حسب الوکالهٔ یا وصایه عمل کند.

**س ۸۰۹**

**اشاره**

– آیـا جـایز است واقف که خود متولّی بوده و در سـند مـالکیت برای خود اختیـار تـام داشـته زیرزمین و سه بـاب مغـازه را بـا هزینه شخصی خود ساخته درآمد اعیانی آنها را برای خود بردارد؟

**ج**

– اگر واقف قبل از تحقق قبض در زیر زمین مذکور احداث مغازه نموده باشد اشکال ندارد و عمل او محمول بر صحّت است.

س ۸۱۰

اشاره

- وقفنامه‌ای متعلق بسال ۱۳۲۱ هجری قمری که فتوکپی آن ضـمیمه این نامه است واقف آن زمینی را وقف نموده تا مال الاجاره در عزاداری صـرف شود و تولیت هم با واقف ما دام الحیوة و بعـد از او با أرشـد اولاد ذکور بطناً و نسـلًا بعـد بطن و نسل در هر طبقه با تقدم ذکور بر اناث باشد آیا ارشد اولاد ذکور اکبر اولاد ذکور است یا خیر و آیا با بودن یک نفر از طبقه سابق به لاحق میرسد

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۳۱

یا نه و آیا عین موقوفه بین ورثه تقسیم میشود یا فقط تولیت بارث است و در فرضـی که متولّی عمل بوقفنامه ننموده تولیت بدیگری منتقل میشود یا به حاکم شرع مراجعه شود؟

ج

- در مورد سؤال کلمه ارشـد ظهور در کمـال عقـل و درایت دارد نه تنهـا در کبر سنّ و با بود یک نفر از طبقه سابق تولیت به لاحق نمیرسـد و در صورتی که متولّی بوظایف شـرعی عمل نکند به حاکم شـرع مراجعه میشود تا ضم امین نماید و ملک وقف بین ورّاث تقسیم نمیشود بلکه اختیار آن با متولّی شرعیّ است که طبق مقرّرات وقف عمل نماید.

س ۸۱۱

اشاره

- موقوفه‌ای که معلوم التولیه و در قید حیات است آیا شرعاً جایز است دیگران در آن دخالت یا تصرف نمایند؟

ج

- بطـور کلّی در صـورتی که متولّی منصوص به وظیفه شـرعیّ خود عمـل می‌کنـد دیگران حق دخـالت در آن ندارنـد و اگر بوظیفه شرعی خود عمل نمی‌کند باید به حاکم شرع جامع الشرائط مراجعه شود.

خریدوفروش موقوفه

س ۸۱۲

اشاره

- این جانب نیت کردم پنج درخت گردو را بمصرف روضه‌خوانی برسانم اولادی ندارم که بعد از من عمل کند و خودم هم پیر شده‌ام آیا می‌توانم آنها را بفروشم؟

### ج

- در مورد سؤال چنانچه درخت‌های مذکور را وقف نموده‌اید و قبض وقف هم محقّق شده فروختن آنها جائز نیست. و اللّه العالم.

### س ۸۱۳

### اشاره

- خریدوفروش موقوفه و تبدیل به احسن طبق نظر واقف، چه حکمی دارد؟

### ج

- خریدوفروش موقوفه جهت تبدیل به احسن جایز نیست.

### س ۸۱۴

### اشاره

- نیم دانگ زمین مزروعی را از یک نفر مسیحی خریداری نموده‌ام. هم اکنون سازمان اوقاف زمین مذکور را بتصرف خود درآورده و اجاره چند سال پیش را از این جانب طلب نموده و قادر به پرداخت اجاره چند ساله‌ای که اوقاف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۲

از ما طلب نموده نیستم حکم شرعی را بیان فرمائید.

### ج

- در مورد سؤال، اگر وقفیّت زمین از طریق شرعی به ثبوت برسد یا شما علم بآن حاصل کرده باشید خرید آن باطل بوده است و مبلغی را که بفروشنده به عنوان بهای زمین داده‌اید میتوانید از او استرداد نمائید و اجرة المثل مدتی که زمین وقف را متصرف بوده‌اید ضامن هستید و باید به متولّی شرعی وقف بدهید و اگر وقفیّت آن به ثبوت شرعی نرسیده علی الظاهر چیزی بر شما نیست.

### س ۸۱۵

**اشاره**

- شخصـی مقـداری زمین وصـیّت نموده است که بعـد از مرگش، از محصول آن زمین در راه خدا، خرج شود- حالا- ورثه حساب کرده که خرج و مخارج زمین مـذکور، بیش از درآمـدش هست (یعنی بعد از مخارج چیزی باقی نمی‌ماند، که در راه خدا مصـرف شود- بلکه ضرر هم می کند آیا ورثه می‌تواند آن زمین را در راه خدا مصرف نماید؟

**ج**

- مورد سؤال، حکم وقف را دارد و چون یقین به عـدم قـابلیت آن از جهت درآمـد و لو در آینـده حاصـل نمی‌شود فروش آن جایز نیست. و اللّه العالم.

**س ۸۱۶**

**اشاره**

- می‌توان شـرعاً مکـان نامنـاسب و غیر قابل اسـتفاده کتابخانه را فروخته و پول حاصـله را صـرف ساخت مکان جدیـدی نمود که از درآمد آن مخارج حسینیه و کارهای فرهنگی تأمین شود؟

**ج**

- در فرض سؤال که محلّ مـذکور وقف برای کتابخانه شـده و به تصـرّف موقوف علیهم داده شـده است، فروش و تبـدیل آن جایز نیست. و اللّه العالم

**س ۸۱۷**

**اشاره**

- مرحوم پـدرم ده زمین بی‌آب در ده وقف نموده که از درآمـد آن ده مجلس روضه در ماه محرم خوانده شود حال آنکه این زمین را میخواهنـد سالی دو هزار تومان اجاره کننـد و با این دو هزار تومان بیشتر از یک مجلس نمی‌شود روضه خواند این جانب تصـمیم گرفتـم که زمین را بفروشم (که حـدود ۱۲۰ الی ۱۵۰ هزار تومـان قیمت کرده‌انـد) و بـا پـولش تعـدادی درخت گردو بخرم که للّه تبدیل به احسن شده باشد و درآمدی هم از این راه داشته باشد که بتوانیم ده مجلس روضه بخوانیم، آیا میشود این پول را به حساب سپرده بانک گذاشت و سود سپرده را برای روضه‌خوانی مصرف کرد یا خیر؟

**ج**

- فروش و تبدیل زمین وقفی جایز نیست و در فرض سؤال، میتوانید بمقدار
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۳
درآمدی که فعلًا دارد مجلس روضه بگیرید و لو یک مجلس باشد و جائز نیست وجه مذکور را در بانک بحساب سپرده بگذارید.

س ۸۱۸

اشاره

- به استحضار می‌رساند باغچه‌ای با دو من آب وقف حمّام بوده که حمّام کوچکی نیز در این باغچه بوده است که حمّام تبدیل به احسن گردیده است و چون باغچه هم از چندین سال پیش از آب استفاده نمی‌کرده است و احتیاج هم نداشته آب مصرف زراعت دشت می‌شده است آیا این آب را میشود فروخت یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال به همان نحوی که باغچه و آب جهت حمّام وقف شده باید طبق آن عمل شود و لو به اجاره دادن موقوفه و صرف مال الاجاره در احتیاجات حمّام، و فروختن آن جائز نیست.

س ۸۱۹

اشاره

- ساختمانی که برای حسینیّه خریداری شده و به قبض و سند در آمده و مالکان اصلی آن مبلغ قابل توجهی برای حسینیّه شدن مکان به حضرت سیّد الشهداء علیه السلام بخشیده‌اند و مردم نیز کمک مالی نموده‌اند و مدت دو سال حتی مبالغ اجاره مغازه‌های موقوفه آن اخذ شده و در آن مکان مجلس توسل و عزاداری و اطعام برگزار شده آیا قابل تبدیل و تغییر است یا خیر؟

ج

- بطور کلّی در فرض سؤال ظاهر این ستکه وقف حسینیّه محقّق شده و فروش و تبدیل و تغییر آن جائز نیست. و الله العالم.

تصرف بر خلاف وقف

س ۸۲۰

اشاره

- چیزی که در گذشته وقف شده است و امروز جزء اشیاء تاریخی و گران‌بهاست آیا می‌توان آن را در موزه یا محل دیگر مخصوص این اشیاء نگاهداری کرد؟

ج

- برای هر جهتی که وقف شده باید در همان جهت مورد استفاده قرار گیرد و حفظ آن در موزه بصورت تعطیل آن جائز نیست.

س ۸۲۱

اشاره

- آیا می‌توان با توجه به شرایط روز و در جهت مصالح دولت و امت اسلامی و با ملحوظ داشتن نیت اصلی واقف و در جهت هماهنگی با سایر

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۳۴

برنامه‌های مدوّن و جاری دولت در کاربرد نظرات واقف تغییراتی بعمل آورد؟

ج

- تغییر در مصرف وقف جایز نیست بلی در صورتی که مصرف معین شده از طرف واقف منتفی شده باشد می‌شود در مصرفی که اقرب بنظر واقف است صرف نمود.

س ۸۲۲

اشاره

- قرآن یا کتابی که بصورت نسخه خطی می‌باشد و توسط نگارنده وقف خواندن شده است، آیا می‌توان برای استفاده احسن آن را حفظ نمود و به جای آن قرآن یا کتاب دیگری را وقف نمود؟ (یا معادل قیمت آن کتاب یا قرآن وقف نمود).

ج

- جائز نیست.

س ۸۲۳

**اشاره**

- قرآن‌های خطی سند و تاریخ علمی و فرهنگی و مذهبی نجم‌آباد به شمار می‌آیند، حضرتعالی کدام یک از موارد ذیل را صلاح می‌دانید عمل شود:
تعمیر شود و در منزل یکی از افراد معتمد آبادی نگهداری شود.
و یا چون‌که وقف است بهتر است این قرآنها تعمیر شوند و مجدداً به مسجد آبادی منتقل شود و یا به یکی از کتابخانه‌های معتبر از طرف ورثه واقف هدیه شود تا بنحو احسن با داشتن تجهیزات لازم نگهداری شود؟

**ج**

- در مورد سؤال اگر متبرّعی باشد که قربهٔ الی اللَّه مخارج اصلاح و ترمیم اوراق دو شصت پاره را بپردازند یا از زکوات تأمین آن ممکن باشد باید متولّی شرعی آنها که در وقف‌نامه تعیین شده آنها را ترمیم و اصلاح نماید و بطوری که در معرض از بین رفتن نباشد نگهداری نماید و طبق متعارف و دستور وقفنامه آنها را برای استفاده اهالی نجم‌آباد در اختیار آنها قرار دهد و انتقال آن به محلّ دیگر غیر از نجم‌آباد جایز نیست.

**س ۸۲۴**

**اشاره**

- وجوهی را که اهل خیر بعنوان کمک به مخارج حسینیّه و حیدریه یا امثال اینها می‌دهند می‌توان در موارد دیگر مثل مخارج یا کرایه سفر هیأت به زیارات یا غیر آن مصرف نمود؟

**ج**

- وجوهی که مردم بعنوان مصارف حسینیّه و مانند آن می‌دهند صرف آن در غیر مورد ذکر شده جایز نیست. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۵

**س ۸۲۵**

**اشاره**

- مبالغی که بعنوان کمک به مخارج حسینیّه یا حیدریه جمع‌آوری شده را می‌توان بعنوان سپرده بلند مدت در بانک قرار داد؟

**ج**

– گذاشتن پول حسینیّه در حساب سپرده جایز نیست ولی چنانچه مصرف وجوه حسینیّه وقت خاصّی داشته باشد بر متولّی واجب است تا آن موقع وجوه را در محلّ أمنی حفظ نماید چنانچه با گذاشتن در بانك اطمینان به حفظ آن پیدا می‌کند گذاشتن در حساب قرض الحسنه اشکال ندارد. و اللّه العالم

### س ۸۲۶

### اشاره

– امامزاده‌ای است که ساختمان آن رو به ویرانی است از مردم پول می‌گیرند بنام تعمیر ساختمان امامزاده و آن پول را خرج هموار کردن کوهی که در مجاورت آن است می‌کنند آیا این کار جایز است؟

### ج

– پول به هر عنوان جمع‌آوری شده باشد باید در همان جهت مصرف شود و صرف آن در غیر آن جهت جائز نیست مگر با اذن‌دهندگان پول.

### س ۸۲۷

### اشاره

– قطعه زمینی است موقوفه که قسمتی از آن مشجر و باغ مرکبات است و قسمتی مزروعی شالی واقع در قریه درون کلابی از قراء شهرستان بابل استان مازندران که بیش از صد سال مرد خیّری آن را وقف نموده و مصرف آن به شرح وقف‌نامه می‌باشد. آیا می‌توان در موقوفه مذکور مبادرت به احداث سقا تالار نمود یا خیر؟ هرگاه بدون تحصیل مجوز شرعی و قانونی سقاتالاری ساخته شود می‌توان از آن استفاده نمود یا از موارد تصرف نامشروع و غصب است؟

### ج

– اگر زمین موقوفه مذکور کما فی السابق زراعت می‌شود و درآمد آن صرف در مورد وقف می‌شود ساختن سقاتالار در آن جایز نیست بلی چنانچه زمین مذکور قابل کشت نباشد متولّی شرعی با مصلحت وقف می‌تواند قسمتی از آن را برای ساختمان سقاتالار اجاره دهد و مال الاجاره را به مصرف موقوفه برساند و هر گونه تصرّف در امر موقوفه بدون مجوّز شرعی و اجازه واقف غصب و حرام و موجب ضمان اجرهٔ المثل است توضیحاً چنانچه اجاره مذکوره واقع شد باید مدارك معتبره تهیه و تنظیم گردد و به امضاء معتمدین برسد تا در طول زمان و مرور ایّام وقفیت آن متروك و منسیّ نگردد. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۶

### س ۸۲۸

#### اشاره

– حسینیّه‌ای است که در حال حاضر جهت برگزاری مراسم مذهبی نیاز به توسعه و تجدید بناء دارد (زمینی هم برای این منظور آماده گردیده) در یک سمت آن خانه‌ها ایست که راه عبور آنها در حسینیّه است. اجازه می‌فرمایید که در طرح توسعه آن کوچه برای عبور همسایگان از زمین حسینیّه جدا و ساختمان حسینیه مستقل و مجزّا و بدون شریک باشد و موجبات استفاده مشروع بیشتری فراهم گردد؟

#### ج

– در مورد سؤال، جدا کردن قسمتی از زمین حسینیّه و راه مستقل قرار دادن آن جایز نیست. و اللّه العالم

### س ۸۲۹

#### اشاره

– استحضار دارند که موقوفات بسیاری در سطح کشور وجود دارد که یا شناسائی نشده و یا به مرور زمان از بین رفته است که هر دو گروه موقوفات مزبور در صورت شناسائی و احیاء، درآمدهای فوق العاده‌ای برای میهن اسلامی ایجاد خواهند نمود و منبع جدید درآمدی برای کشور فراهم می‌شود، در این صورت آیا می‌توان با تغییرات جزئی در نحوه استفاده از درآمد موقوفات موجود برای شناسائی موقوفات مزبور (ناشناخته) اقدامی بعمل آورد؟

#### ج

– صرف درآمد موقوفات موجود در شناسائی و احیاء موقوفات دیگر که مربوط به موقوفات موجود نباشد جایز نیست مخارج شناسائی و احیاء از وجوه برّیه دیگر تأمین شود.

### س ۸۳۰

#### اشاره

– زمینی بر ابناء السبیل وقف است که مساحت تقریبی آن ۶۴۰ متر مربع است اکنون زمینهای مجاور ساختمان شده و طبق نظر کارشناس اگر ۴۰ متر مربع آن را به کوچه عام بدهند علاوه بر اینکه کوچه عام اصلاح خواهد شد بر ارزش زمین مذکور هم افزوده

خواهد شد و اگر این عمل صورت نگیرد این زمین در بُن بست واقع شده و تقریباً بلا استفاده خواهد ماند با این شرائط آیا مجاز به تصرف در آن زمین هستند یا خیر در هر صورت ارشاد فرمائید! ضمناً ورثه واقف بعنوان متولّیان موقوفه می‌باشند.

**ج**

– در مورد سؤال چنانچه استفاده از زمین وقفی موقوف و منحصر باشد باینکه مقداری از آن زمین معبر شود معبر قرار دادن آن با اجازه متولّی شرعی مانعی ندارد و لی قلّت منافع مجوّز این عمل نمیشود. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۷

**س ۸۳۱**

**اشاره**

– زمینی است جنب مغازه این جانب تقریباً بمساحت ۶ متر مربع در بازار شهرضا که سابقاً سقاخانه بوده و فعلًا بلااستفاده گردیده و مالک معینی ندارد از طرف دیگر به اداره اوقاف مراجعه شده وقفنامه در دست رس کسی نیست و کسی هم بوقف بودن آن اطلاع ندارد و از طرف دیگر مورد نیاز این مغازه می‌باشد و اداره اوقات شهرضا هم گفته چنانچه از مجتهد جامع الشرائط استجازه شود تصرف آن بلامانع می‌باشد مستدعی نظر خود را در مورد زمین فوق الذکر مرقوم فرمائید.

**ج**

– در فرض سؤال مقتضی است اهل خیر بعنوان صدقه جاریه آن را تجدید بنا نموده و با وسائل جدید برای استفاده عموم مجهّز نمایند.

**س ۸۳۲**

**اشاره**

– شخصی زمینی را وقف نموده که اجاره آن به مقدار معین صرف روضه‌خوانی شود و یک ختم قرآن خوانده شود و بقیه اجاره آن وقف حمّام شود در حالی که نزدیک بیست سال است که حمّام مخروبه و به کلی صاف شده در مصرف موجودی وقف حمّام چه دستور می‌فرمایید؟

**ج**

– بطور کلی اگر مقصود این باشد که بقیه عوائد زمین بمصرف تعمیر و دائر نگاه داشتن حمّام معینی برسد و فعلًا آن حمّام از بین

رفته صـرف عوائـد در آن بی‌موضوع شده آن عوائد را در همان جهات در حمّام دیگر صـرف نمایند. بلی اگر با آن مقدار از عوائد تجدید بنای حمّام در همان محل اول ممکن است بمصرف تجدید بناء آن برسانند.

### س ۸۳۳

#### اشاره

- در مواردی که دسـتگاههای دولتی بـدون اذن متولی شـرعی موقوفـات و بـدون پرداخت حقوق وقف مبادرت به حفر چاه و ایجاد شبکه لوله گذاری در اراضـی و املاک موقوفه می‌نمایند، آیا ضـمانت شـرعی پرداخت حقوق وقف متوجه مصرف کنندگان است یا دستگاه مجری طرح؟
با علم به عدم پرداخت حقوق وقف انجام وضو و غسل با چنین آبی چه صورت دارد؟

#### ج

- تصـرف در ملک وقف بدون اذن متولّی شـرعی غصب و حرام است و بر حسب موارد موجب ضـمان خسارت وارده و اجرهٔ المثل می‌شود و در مورد سؤال حفرکننده چاه اگر موجب تضرّر وقف شده علاوه بر ضمان آن ضامن قیمت آب
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۸
چاه نیز می‌باشـد و اسـتفاده کنندگان از آب نیز ضامن هسـتند که متولی وقف از هر کدام از آنها می‌تواند قیمت آب را مطالبه نماید ولی باطل بودن وضوء و غسل با آب مرقوم در صورتی است که استفاده کنندگان عالم به غصبی بودن آب باشند.

### تعویض موقوفه

### س ۸۳۴

#### اشاره

- آیا اشیاء وقفی را می‌توان تبدیل به أحسن نمود؟

#### ج

- جائز نیست.

### س ۸۳۵

#### اشاره

– شخصی زمینی را وقف عزاداری سید الشهداء صرف چای و روضه‌خوانی نموده در یک مسجد مدت ۷۰ الی ۸۰ سال اولیای آن زمین وقف را خرج نموده حال یک مسجد جامع نزدیکی آن مسجد درست شده دیگر به آن مسجد کسی نمی‌رود آیا در مسجدهای دیگر می‌توانیم خرج کنیم و در ضمن صاحب آن زمین وارثی ندارد و در وقف‌نامه هم به آن مسجد قید نشده است ولی زبانی میگویند وقف این مسجد است.

ج

– در فرض سؤال، اگر سیره و عمل بر صرف عوائد وقف در مسجد خاص بوده تغییر آن مورد اشکال است بلی اگر صرف آن در مسجد مرقوم متعذّر باشد در هر مسجدی که اقرب بآن مسجد و بنظر واقف باشد صرف شود.

### س ۸۳۶

### اشاره

– زمینی بود که در زمانهای قبل از میوه‌های درختان آن روضه‌خوانی می‌شده الان ورثه میگویند درختهای زمین وقف بوده و خوف این هست که زمین را کسی تملک کند و بفروشد، آیا اگر این زمین فروخته شود صرف تعمیر مسجد یا صرف حُسینیه بشود یا باید روضه‌خوانی بشود؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه درختها بلا استفاده مانده در صورتی که اجاره دادن آن ممکن باشد و درختها هم بار دهند اجاره بدهند و مال الاجاره را بمصرف روضه‌خوانی برسانند.

### س ۸۳۷

### اشاره

– مقداری وسائل از قبیل لباس و چکمه و شمشیر که در تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی حضرت امام حسین (ع) استفاده می‌شده اکنون فرسوده و قابل استفاده نمی‌باشد و استفاده نکردن آن بهتر است آیا اجازه هست وسائل ذکر شده را
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۹
بطور ضایعات بفروش برسانیم و نو بخریم و یا اینکه در محل مناسب دفن کنیم؟

ج

- در صورتی که بعلّت فرسودگی قابل استفاده نباشد مجازید آنها را تبدیل نمائید، لکن توجه داشته باشید که خرید آلات لهو حرام است و در تعزیه هم نباید مورد استفاده قرار گیرد.

### س ۸۳۸

#### اشاره

- آیا پارچه‌های مشکی که در مساجد یا حسینیّه‌ها به جهت عزاداری سرور شهیدان زده می‌شود پس از مدتی کهنه شده یا رنگ مشکی آن تغییر کرده و می‌خواهند آن را تعویض نمایند برای نظافت یا تمیز کردن دست یا اشیاء به کار بردنش اشکال دارد یا نه؟

#### ج

- در فرض سؤال، اگر آن را در امور مسجد یا حسینیّه بکاربرند اشکال ندارد و الّا می‌توانند بفروشند و وجه آن را صرف خرید پارچه سیاه بنمایند. و اللّه العالم

### س ۸۳۹

#### اشاره

- زمین‌هایی که نسلًا بعد نسل وقف کرده‌اند که از عواید بدست آمده نصف آن مال کسی که زمین را کشت می‌کند و نصف دیگر جهت روضه‌خوانی و امام جماعت در ماه مبارک رمضان و در مسجد معین روضه و جماعت برگزار گردد ولی به عللی از قبیل مخروبه بودن مسجد و اجتماع نکردن مردم آیا می‌شود در مسجد دیگر که جمعیّتی هستند روضه و جماعت خواند یا خیر؟

#### ج

- اگر به هیچ وجه امکان تشکیل مجلس در مسجد مذکور فراهم نیست می‌توانند عواید آن را در مسجد دیگر صرف جهت مذکور در وقف نمایند. و الله العالم

### س ۸۴۰

#### اشاره

- در دهات ما از توابع آبادان درخت خرما وقف می‌کنند جهت حسینیه آیا زمین هم داخل وقف است اگر درخت از بین رفت

وظیفه متولّی چیست؟

ج

– مجرّد وقف درخت شامل زمین درخت نمیشود بلی اگر متعارف محلّ این باشد که معمولًا درخت را با زمین آن وقف میکنند شامل زمین نیز می‌شود و در صورت شک باید طبق متعارف رفتار شود.

س ۸۴۱

اشاره

– حسینه‌ای موقوفه در زمین موقوفه بوده در اثر جنگ تخریب شد بعد از شروع بازسازی مردم کمی دورتر از محل خانه ساختند متولّی حسینیّه دیگری

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۴۰

به آن نام و عنوان در جای نزدیک محل سکونت مردم ساخت زمین قبل و حسینیه قبل به همان حال باقی مانده است آیا اشکال دارد که حسینیّه را در جای دیگر ساختند؟

ج

– در مورد سؤال، حسینیّه قبلی که تخریب شده بحال وقفیت و حسینیّه بودن باقی است و حسینیّه جدید هم محکوم بوقفیّت است.

س ۸۴۲

اشاره

– در فرض بالا اگر از حسینیّه اول مصالحی که قابل استفاده باشد باقی مانده باشد می‌شود در ساختمان حسینیّه دوم که در زمین دیگر به جای آن حسینیّه ساخته شده استفاده کرده یا نه؟

ج

– چنانچه مصالح مذکور در حسینیّه تخریب شده مورد استفاده نمیباشد مصرف نمودن آن در حسینیّه جدید مانعی ندارد.

س ۸۴۳

**اشاره**

- در فرض بالا اگر حسینیّه اول موقوفات داشته حالا که حسینیّه را در جای دیگر ساخته‌اند، می‌شود آن موقوفات را صرف حسینیّه دوم کرد یا نه؟

**ج**

- اگر امکان صرف در حسینیّه قبلی نباشد صرف آن در حسینیّه جدید مانعی ندارد.

**س ۸۴۴**

**اشاره**

- یک حوض (آب انبار) که آب مشروب برای عموم وقف و مقداری زمین و درخت برای مخارج آن حوض وقف شده لکن در شرائط فعلی آن حوض از بین رفته و دیگر لزومی ندارد آیا این زمین و درختها و منافع را چه کنیم؟

**ج**

- در مورد سؤال عوائد موقوفه مذکور را صرف پول آب شرب در اماکن عمومی از قبیل مسجد و حسینیّه بنمائید.

**س ۸۴۵**

**اشاره**

- زمین مشاعی است در جنب مسجد که جهت احداث حسینیّه خریداری گردیده شرکاء سهم خود را قبلًا تملک نموده و احداث بنا نموده‌اند، اخیراً جهت تفکیک به مراجع قانونی مراجعه شده از آن جائی که قسمتی از زمین حسینیّه در پلاک ساختمان آنها واقع گردیده و به عکس قسمتی از سهم آنان در پلاک زمین حسینیّه واقع شده، چاره‌ای جز معاوضه این قسمت از نظر قانونی نیست به نحوی که به هیچ کدام از طرفین خسارتی وارد نمی گردد و در حال
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۱
حاضر شرکا خانه احداث نموده و در سهم خود سکونت دارند و زمین حسینیّه نیز در اختیار هیأت امنای مسجد می‌باشد در صورت معاوضه نیز هیچ گونه دخل و تصرفی در متراژ زمین حسینیّه ایجاد نخواهد شد آیا معاوضه جایز است؟

**ج**

– در صورتی که زمین مذکور مشاعاً برای حسینیّه خریداری شده است افراز آن با موافقت سایر شرکا در هر قسمتی از زمین که مصلحت حسینیّه است اشکال ندارد و اگر مقصود تعویض با زمین دیگر است مورد اشکال است.

### س ۸۴۶

### اشاره

– زمین موقوفه‌ای است که همسایه مجاور آن بعضی مواقع مقداری از زمین را ضمیمه زمین خود می‌سازد و این عمل چند مرتبه تکرار شده است آیا می‌توان زمین مذکور را با زمینی به همان مساحت و یا بیشتر تعویض نمود که از خیانت محفوظ باشد یا خیر؟

### ج

– در مورد سؤال تعویض موقوفه جائز نیست و همسایه زمین نباید خیانت کند. و اللّه العالم

### س ۸۴۷

### اشاره

– حوض انبار قدیمی است که حدود ۳۰ سال است بلا استفاده مانده است و مدتی است که مردم خاکروبه خود را در آن می‌ریزند و فعلًا هم از طرف بهداشت درب آن را با آجر مسدود کرده‌اند و بطور کلّی از آن هیچ استفاده‌ای نمی‌شود، از طرفی پهلوی آن حسینیّه‌ای قدیمی است که خانه‌های اطرافش خریده شده برای توسعه حسینیّه آیا می‌توان این حوض انبار را هم ضمیمه حسینیّه ساخت یا خیر؟

### ج

– در مورد سؤال چنانچه حوض مذکور مورد استفاده جهت ذخیره آب نیست میتوانند با اجازه حاکم شرع آنجا را با تعیین مدت اجاره کنند و بعنوان حسینیّه استفاده نمایند و وجه الاجاره را مصرف پول آب فقراء نمایند.
و اللّه العالم

### س ۸۴۸

### اشاره

– زمینی وقفی بمقدار سیصد متر که قبلًا در آن زراعت می‌شد و طبق نظر واقف آن بمصرف امور خیریّه می‌رسانیدند فعلًا از نظر

موقعیت مکانی طوریست که قابل کشت و زرع نمی‌باشـد و زمین معطل مانـده و در کنار همین زمین کارخانه ایست که حاضـرند با قیمت خوب این زمین را بخرند و ملحق به آن نمایند مستدعی ایست بفرمائید که تکلیف این زمین چیست در صورتی که

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۲

اجازه بفرمائیـد متولّی زمین فوق الـذکر را به کارخانه مجاورش بفروشـد و در جای مناسب زمین تهیه نمایـد و از عوائد آن طبق نظر واقف عمل شود.

**ج**

- در فرض سؤال، فروش و تبدیل آن جائز نیست چنانچه استفاده کشاورزی از زمین مذکور ممکن نیست می‌توانند زمین مذکور را جهت استفاده دیگری مثل بناء ساختمان و امثال آن اجاره دهند و مال الاجاره را بمصرف وقف برسانند.

**س ۸۴۹**

**اشاره**

- بنیاد ازدواج جهت رسیدگی به خانواده‌های بی‌بضاعت در امر ازدواج تأسیس گردیـد که پس از مدتی با مشکل بودجه روبرو و تعطیل گردید. آیا می‌توان وسایل و موجودی آن را به دار الایتام که اکنون فعال است تحویل نمود؟

**ج**

- در صورت مـذکور که مؤسسه نامبرده تعطیل شـده و امکان فعالیت ندارد با اجازه از صاحبان وجوه، موجودی را برای صـرف در ازدواج به مستمندان بپردازید. و اللّه العالم

**س ۸۵۰**

**اشاره**

- واقف قید نموده که از درآمد موقوفه هر سال دو من گندم بمصـرف قرائت قرآن در شـبهای جمعه سال برسد و تتمّه آن بمصـرف عزاداری أبا عبـد اللّه الحسـین (ع) برسد لذا اسـتدعا دارد نسـبت به دو من گندم که در زمان ما برای قرائت تمام شـبهای جمعه قبول نمی‌کنند تکلیف چیست؟

**ج**

- در مفروض سؤال همان دو من گنـدم در شـبهای جمعه سال مصـرف قرائت قرآن بشود هر چنـد بقرائت یک سوره کوثر یا توحید

باشد.

### س ۸۵۱

### اشاره

- این جانب بعلت ناراحتی اعصاب از مدتها قبل تحت درمان در یک مرکز روانپزشکی بوده‌ام در سال ۷۳ در یک حمله بیماری و عود علائم آن کتابهای درسی دانشگاهی خود را به یک کتابخانه اهداء نموده‌ام از آنجا که در آن زمان احتمالًا بر اعمال خود تسلط نداشته‌ام لذا بدین وسیله تقاضای عود کتابهایم را نموده‌ام مسئول کتابخانه، کتابهایم را به این جانب عودت نمی‌دهد و می‌گوید وقف است و مهر وقف خورده و قابل عودت نیست آیا این وقف از لحاظ شرعی چه صورت دارد؟

### ج

- بطور کلّی اگر ناراحتی اعصاب واقف در حدّ جنون و یا سفه بوده وقف آن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۳

صحیح نیست ولی اگر مجنون و یا سفیه نبوده و کتابها را وقف نموده و لو بنحو معاطات و بقبض داده وقف محقق شده و پس گرفتن جائز نیست.

### س ۸۵۲

### اشاره

- شخصی حمّامی را وقف نموده که پس از مرور زمان متروکه و بدون استفاده مانده است آیا می‌تواند آن را بفروشد و خودش پول را مصرف نماید؟

### ج

- در مورد سؤال چنانچه از محل مذکور بعنوان حمّام استفاده ممکن نیست آنجا را با نظر متولّی منصوص و اگر متولّی منصوص ندارد با نظر مجتهد جامع الشرائط بفروشید و با پول آن در محل دیگر حمّام و یا زمین جهت احداث حمّام عمومی تهیه نمائید و در هر صورت واقف نمیتواند آنجا را بفروشد و پولش را خود مصرف نماید.

## نزاع در وقف

### س ۸۵۳

**اشاره**

– افرادی که با هماهنگی حاکم شـرع (اداره اوقاف و امور خیریّه جمهوری اسلامی ایران) و موقوف علیهم حکم تولّیت ایشان صادر شود آیا متولّی شرعی هستند یا خیر؟

**ج**

– اگر بین موقوف علیهم اختلاف و تشاحّی نباشد و موقوفه متولّی نداشته باشد هر ترتیبی که موقوف علیهم بدهند جایز است و مجتهد جامع الشرائط هم نمیتواند آن را ردّ کند و در صورت تشاح و اختلاف اگر وقف منفعت باشد باید برای رفع اختلاف به فقیه جامع الشرائط رجوع نماید و اگر وقف انتفاع باشد در صورتی که وافی بانتفاع همه نباشد یا تفاوتهائی بین اجزاء آن باشد اگر استفاده معیّنی ممکن است به آن عمل شود و الا رجوع به قرعه میشود.

**س ۸۵۴**

**اشاره**

– زمین موقوفه‌ای را از طرف شـهرداری جهت پارک در نظر گرفته‌اند و اداره اوقاف هم اگر دخالت کند نه اجاره لازم را می‌پردازد و نه نظر واقف را عملی می‌کند. صاحبان و متولّیان وقف آیا مجازند زمین وقف را برای جلوگیری از تلف شدن بفروشند به شهرداری و در جای دیگر زمین بخرند و به نظر واقف عمل کنند یا خیر؟

**ج**

– در صورتی که ممکن باشد موقوفه را حفظ کنند و اگر احیاناً شهرداری

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۴

متصرّف شد و مبالغی را که به عنوان قیمت زمین داد مراجعه به حاکم شرع نماید تا دستور شرعی آن را صادر کند. و اللّه العالم

**س ۸۵۵**

**اشاره**

– آیا شرعاً جایز است به بهانه اصلاحات ارضی وقف را باطل نمایند؟

**ج**

– ابطال سند وقف باستناد قوانین غیر مشروعه جایز نیست خداوند همه را از شرور و فتن آخر الزمان حفظ فرماید.

### س ۸۵۶

### اشاره

– برخی از اشخاص متصرف در املاک موقوفه بدون موافقت متولی شرعی موقوفه، اقدام به ساخت و ساز و سرمایه‌گذاری بر روی املاک موقوفه نموده‌اند، اکنون که متولی شرعی به استرداد حقوق وقف اقدام نموده، متصرفین موصوف بدون داشتن رابطه استیجاری به استناد اینکه چندین سال است املاک وقف را در اختیار دارند از واگذاری املاک موقوفه به متولی خودداری و مدعی دریافت هزینه‌های انجام داده و خسارت وارده به خود می‌باشند. درحالی‌که اصل تصرف و انجام عملیات موصوف بجهت اینکه بدون اجازه و رضایت متولی انجام یافته ظاهراً عاری از وجاهت شرعی به نظر می‌رسد.
مستدعی است تکلیف شرعی و الهی هر یک از طرفین (متولی و متصرف) را در فرض مرقوم بیان فرمائید؟

### ج

– در فرض سؤال، که بدون اجازه متولّی شرعی اقدام به هزینه نموده‌اند و تصرفات آنها مشروع نبوده بابت هزینه‌های مربوطه حق مطالبه چیزی ندارند فقط اعیانی را که در آنجا صرف کرده‌اند مثل در و آهن و آجر و غیره می‌توانند ببرند ولی حق ابقا ندارند. و اللّه العالم.

### س ۸۵۷

### اشاره

– به استحضار می‌رساند از سالیان قبل مغازه‌های وقفی بدون دریافت هیچ‌گونه سرقفلی بصورت اجاره توسط متولیان قبل به افراد واگذار گردیده اینک که موقوفه قصد تخریب و بازسازی مجدد املاک موصوف را دارد مستأجرین مزبور مدعی دریافت حق کسب و پیشه و یا سرقفلی مغازه از متولی وقف می‌باشند.
مستدعی است اعلام فرمائید شرعاً پرداخت و دریافت وجه مورد درخواست در این رابطه برای طرفین چه حکمی دارد؟
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۵
فرضاً چنانچه وجهی به مستأجرین قبلی بعنوان سرقفلی پرداخته باشند، آیا موقوفه هنگام تخلیه ملک خود مدیون به پرداخت آن به مستأجر فعلی می‌باشند یا خیر؟

### ج

– در هر دو فرض سؤال، متولّی ملزم به پرداخت وجهی در این خصوص نیست و دریافت وجه از او برای رفع ید از موقوفه مشروع

نیست. و اللّه العالم.

### س ۸۵۸

### اشاره

– شخصـی در زمـان حیـاتش زمینی را برای هیئت ابـا عبـد الله الحسـین (ع) وقف نموده و کراراً اعلام داشـته تا همگان نیز بداننـد و عده‌ای از مؤمنین و موثقین آن را شـنیده و گواهی می کنند، در حالی که ورثه پس از فوت واقف انکار وقفیت ملک مزبور را نموده و اصرار دارند که هر کدام سهم الارث خود را از این ملک ببرند ضمناً از ملک مزبور حدود ۱۰ سال بمنظور عزاداری حضرات اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام بهره‌برداری شده و واقف نیز مسـئولیّت و مدیریّت هیئت را عهده دار بوده است حکم مسأله را بیان فرمائید.

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه از شهادت موثّقین، اطمینان به وقفیّت ملک مزبور حاصل شود ورثه حقّی ندارند.

### س ۸۵۹

### اشاره

– این جانب منزل مسـکونی داشـتم و چند سال قبل وقف عزاداری امام حسین علیه السلام نمودم بنام زینبیّه که مدت چند سال است که روضه‌خوانی مردانه و زنانه در آنجا برگزار می گردد، آیا ورثه‌ام از آن منزل موقوفه ملکی‌ام به عنوان میراث سهم می‌برند یا نه؟

### ج

– در فرض سؤال که خانه وقف شده و از آن جهت وقف استفاده شده ورثه حقّی در آن ندارند. و اللّه العالم

### س ۸۶۰

### اشاره

– این جـانب کارمنـد بازنشسـته و سـاکن بابل منزلی را از طریق پـدرم به ارث بردم و سـکونت دارم که دو دانگ آن را مادر پـدرم وقف نموده و چهـار دانـگ دیگرش ملکی است و در ابتـدا تأسـیس اداره ثبت اسـناد در موقعی که خواسـتم ملـک مزبور را به ثبت برسانم اداره مزبور حاضر به ثبت ملک بر اساس دو دانگ وقف و چهار دانگ ملک نشد لذا این جانب یک دانگ از ملک خود را

به دو دانگ موقوفه بدون تنظیم وقفنامه‌ای اضافه نمودم تا اداره ثبت حاضر شد ملک

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۶

را به نحو سه دانگ وقف و سه دانگ ملک به ثبت برساند از تاریخ ثبت، سه دانگ موقوفه را با اداره اوقاف اجاره می‌پردازم ولی اکنون ساختمان ملک به علت فرسودگی بنا در حال خراب شدن هست و اداره اوقاف هم حاضر به تعمیرات کلّی بعلت مشاع بودن نیست از طرفی می‌خواهم سهم خودم را (سه دانگ) بفروشم خریداران بعلت مشاع بودن با موقوفه حاضر به خرید نمی‌شوند برای حل مشکل تقاضای راه حل شرعی دارم مسأله دیگر اینکه این جانب به فرزندانم اعتماد ندارم که بعد از فوتم به وقف عمل کنند لذا می‌خواهم در زمان حیاتم وسائل موقوفه را از قبیل سماور بزرگ و قوری شکسته و سالم و استکان و نعلبکی و منقل و غیره را در اختیار یکی از مساجد قرار دهم که احتمالًا بعد از فوتم از بین نرفته و در این زمینه مسئول نباشم.

### ج

- در مورد سؤال اوّل اگر خانه مشترک با وقف قابل افراز است که با جدا کردن سهم هر یک از مالک، و وقف مورد استفاده و انتفاع است شما می‌توانید تقاضای افراز سهم خود را بنمائید و الا ـ ممکن است سهم وقف را اجاره نمائید و با مال الاجاره آن تعمیرات لازم را در آن بنمائید یا اینکه شخصی که سهم شما را خریداری می‌کند سهم وقف را اجاره نماید که در هر حال در مورد وقف هر تصمیمی که گرفته می‌شود اگر متولّی منصوص دارد باید از طرف متولّی با ملاحظه مصلحت و غبطه وقف اتخاذ شود و اگر مجهول التولیهٔ است با مراجعه به مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او مشکل طبق مصلحت وقف و حفظ حق شرعی شما حلّ شود.

و اما در مورد سؤال دوم چنانچه اثاث مذکور برای روضه‌خوانی و مورد خاص دیگر وقف شده باشد و شما متولّی شرعی آن باشید قرار دادن آن در مسجد جایز نیست همین مقدار که بطور متعارف از آنها نگهداری نمائید و بورثه و کسان خود هم اعلام کنید کافی است. و اللّه العالم

## س ۸۶۱

### اشاره

- یک دستگاه اکو خریداری نمودند به مبلغ یکصد و هفتاد هزار تومان برای هیئت عزاداران حضرت أبو الفضل که از این مبلغ سی هزار تومان را یک نفر داده که در روز عاشورا هیئت را بهم زده و اکو را به تعزیه برده مرقوم بفرمائید که تکلیف وقف کنندگان چیست؟

### ج

- در مورد سؤال دستگاه (اکُو) خریداری شده برای هر جهتی که وقف شده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۷

باید در آن جهت مورد استفاده قرار گیرد و استفاده از آن در غیر جهت وقف جائزنیست.

### س ۸۶۲

#### اشاره

- شخصی دو دانگ مفروز از هشت دانگ ملک دیگران را تصرف و به نام خود به ثبت رسمی می‌رساند. مالکین اصلی در وقت مقرر نسبت به این ثبت اعتراض قانونی نموده و در سال ۱۳۲۵ دادخواست و شکایتی را نسبت به ثبت ملک غیر و خلع ید از آن شخص تسلیم مراجع قضائی می‌نمایند. در حالی که این دعوا مراحل قانونی خود را می گذرانده شخص متصرف در سال ۱۳۳۱ طی یک اقرارنامه دود انگ فوق را وقف می‌نماید. بعد از آن با ثبوت عدم مالکیت واقف سرانجام در سال ۱۳۳۵ طرفین در دفتر اسناد رسمی مصالحه نموده و رقباتی از جانب مالکین شرعی و قانونی از بابت خرج به شخص واقف صلح می گردد و پس از فوت وی نیز در تصرف مالکانه ورثه قرار می گیرد و هیچ گاه عمل به وقف صورت نمی‌پذیرد. سؤال این است: با توجه به اینکه هنگام وقف، واقف مالکیتی نداشته و مالکیت وی پس از عقد وقف از طرف مالکین شرعی و قانونی تحقق یافته، آیا وقف شرعاً و قانوناً محقق گردیده است یا خیر؟

#### ج

- چنانچه واقف در حین وقف مالک رقبه مورد وقف نبوده، وقف باطل است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

### س ۸۶۳

#### اشاره

- حضرتعالی با عنایت به اینکه کل شش‌دانگ قریه سوهان از بلوک طالقان در سنه ۹۱۴ ه ق وقف خاص گردیده بر قاضی امیر نجم الدین محمود طالقانی و اولاد ذکور سادات آن قریه نسلًا بعد نسل که علمای دوره صفویه همچون مرحوم شیخ بهائی، میر داماد، و قاضی جهان صحّت وقفیّت را تأیید نموده‌اند، سالیان سال به وقف عمل شده و موقوف علیهم اجاره از مستأجرین می گرفتند که اجاره نامه‌های موجود گواه این است. با توجه به تمامی مدارک بعضاً مستأجرین مطالبی را ابراز میدارند از جمله وقف بر اولاد ذکور سادات را بر مقاصد نامشروع بیان داشته‌اند. آیه هفتم سوره مبارکه نساء را تفسیر به رد وقف نموده. مستدعی است با توجه به مدارک موجود و اشکال‌تراشی بعضی که ذکر شد فتوای مبارک را مرقوم فرمایید.

#### ج

- وقف بر اولاد ذکور خواه اولاد ذکور خود واقف باشند یا اولاد ذکور

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۸

دیگری جایز و صحیح است و اگر موقوف علیهم سادات عظام باشند اکرام و احسان و احترام ذریّه طیّبه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلم است و از افضل صدقات جاریه و خیرات و مبرّات است و آیه کریمه سوره مبارکه نساء (آیه هفتم) للرّجال نصیب ممّا

ترک الوالـدان و الأقربون و للنساء نصیب ممّا ترک الوالـدان و الأقربون) مربوط به وقف نیست و بر حسب بعض تفاسـیر به ردّ و لغو عرف عصر جاهلیت که زنان را از ارث محروم میدانستند مربوط است و نظر باثبات ارث برای بانوان دارد.

### س ۸۶۴

#### اشاره

– زمینی را وقف نموده که منافع آن از کسی باشد که در قمرود متصدی غسل اموات است و فعلًا هم زمین مزبور در دست آن کس است که میت را غسـل می‌دهـد. شـخص غسّال در زمین وقف درخت‌های مثمر و غیر مثمر غرس نموده و فعلًا درخت‌های غیر مثمر آن که معروف به چنار و سفیده هست جهت سقف‌پوشی قابل استفاده است آیا شخص غسّال می‌تواند درخت‌های مرقوم را بریده و به مصرف زندگی خود برساند.

#### ج

– در مورد سؤال غسال می‌تواند آن درخت‌ها را بریده و به مصرف برساند.

## احکام مسجد

### احداث مسجد

### س ۸۶۵

#### اشاره

– روی زمین اصلاحات ارضی، ساختن مسجد و سایر اماکن عمومی از قبیل حمّام و مدرسه و سایر تصرفات جایز است یا خیر؟

#### ج

– اگر مالکین شرعی راضی به تقسیم نشده‌اند هرگونه تصرفی در آن بدون اذن مالک شرعی جایز نیست.

### س ۸۶۶

#### اشاره

– زمین موات از دولت به عنوان اینکه مسـجد در آن بسازنـد گرفته شـد در حـالی که هـدف از گرفتن زمین ساختن حسـینیّه است و می‌خواهند حسینیّه بسازند اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اگر زمین موات است اشکال ندارد.

### س ۸۶۷

اشاره

- این جانب چند سال قبل، قطعه زمینی را برای مسجد واگذار کردم تا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۹

اهالی مجاور، اقدام به ساختن مسجد نمایند از آن زمان تا حال حدود هفت سال گذشته، ولی آنها آن زمین را نساختند فقط مقداری حدود دو سه متر خاکبرداری نمودند و اکنون آن زمین به همان وضع افتاده با توجه به اینکه پروانه آن زمین را برای مسجد نیز گرفته‌اند اکنون می‌خواهم آن زمین را جهت ساختمان‌سازی برای خودم که نیاز دارم بردارم، زیرا هنوز بانی برای ساختن مسجد پیدا نشده است، آیا جایز است برای بنده این کار را بکنم با توجه به اینکه به آن احتیاج دارم.

ج

- در فرض سؤال اگر زمین را بعنوان مسجد تحت اختیار مؤمنین قرار داده‌اید و آنها بهمین عنوان چند متر خاکبرداری کرده و پروانه هم گرفته‌اند بعید نیست عنوان مسجدیت محقق شده باشد، بنابراین نمیتوانید آن را برای خودتان‌بردارید.

### س ۸۶۸

اشاره

- شخصی یک قطعه زمینی وقف مسجد نموده است. چون در محل مسجد موجود است نیازی به احداث مسجد نیست بیشتر به حسینیّه نیاز داریم آیا احداث حسینیّه در زمین فوق اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج

- اگر صیغه وقف خوانده شده باشد و زمین تحویل به متولّی یا مؤمنین داده شده باشد و یا آنکه مالک، زمین را برای ساختن مسجد در اختیار مؤمنین قرار داده باشد و نماز در آن بعنوان مسجدیّت خوانده شده باشد وقف محقق شده و قابل تبدیل نیست و در غیر این صورت اختیار با مالک است.

### س ۸۶۹

اشاره

– بعد از تقسیم اراضی، کشاورزان این قریه کلًا ملك و اراضی را طبق عرف قبلی ما بین خودشان تقسیم کردند بمدت ۵۰ ساله که بعد از ۵۰ سال مجدداً تقسیم نمایند زمین‌ها از بی‌آبی دیمی بوده تماماً بوسیله چاه عمیق مبدل به باغ انگوری و درخت کاری و اشجار دیگر و ساختمان مسکونی شده که در ساختمان‌ها ساکن هستند فعلًا محلی که بیش از چهار صد خانوار ساکن است و به مسجدهای دیگر دور است در وسط این ساختمان‌ها بنده زمینی دارم بمساحت ۴۰۰ متر مربع واگذار کردم برای اینکه مسجد بناء کنیم در صورتی که قبلًا با ارباب و صاحب اصلی ملك بتوافق رسیده و رضایت حاصل کردم که از

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۰

مالك هم رضایت‌نامه دارم اکنون که بیاری ایزد یکتا و بکمك امام زمان (عج) و بعد بکمك اهالی مسجد را بناء و به ساختن آن مشغول هستیم بعضی از مردم اظهار میدارند این زمین برای مسجد صحیح نیست در صورتی که تقسیم ملك این قریه هیچ ممکن نیست و نمیشود باین دلیل که از سال ۴۲ به بعد ساختمان و باغ درست کرده و اشجار کاشته‌اند لذا استدعا دارم حضرتعالی در این مورد نظر مبارك را بیان فرمائید؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه زمین مذکور، مشاع نبوده و مفروز و معیّن بوده و مالك شرعی آن رضایت داده باشد مسجد نمودن آن بی‌اشکال است و اگر این زمین و زمینهای دیگر مشاعاً متعلق به چند مالك باشد باید همه مالکینی که در آن سهم دارند رضایت بدهند و رضایت یکی از آنها کافی نیست چه برای مسجد قرار دادن و چه سایر تصرفات.

## س ۸۷۰

### اشاره

– چندی پیش دانشگاهی مبلغی به عنوان همیاری به اجبار از دانشجویان جمع می‌کند.

پول به صندوق دانشگاه واریز می‌شود و حساب خاصی برای همیاری وجود نداشته بعد از آن نماز خانه‌ای با پول صندوق دانشگاه که مخلوط با پول همیاری بود ساخته می‌شود و این در حالیست که بعضی از صاحبان پول یعنی بعضی از دانشجویان راضی به دادن این مبلغ نبودند (و این مبلغ اجباراً جمع شده بود) نماز خواندن در این نماز خانه چه حکمی دارد؟

### ج

– گرفتن وجه از دانشجویان تابع مقررات اداری دانشگاه است و نباید خلاف مقررات انجام گیرد و لکن نماز خواندن در مسجد که مصالح آن بنحو کلّی خریداری شده است اشکال ندارد.

## س ۸۷۱

### اشاره

– در محل سرآور یک مسجد قدیمی است مخروبه شده است مشغول تجدید بنا شدیم چون پشت مسجد زمین بایری است که سابقاً

محل هرانج یعنی هرز آب بوده و قسمتی از آن هم جای حمّام کهنه و قدیمی بوده است که به صورت بایر افتاده است آیا اجازه می‌فرمایید که این زمین به صورت مغازه در آید و بفروش برسد و به مصرف دیوار مسجد برسد یا نه؟

### ج

زمین بایر را مجازید به نفع مسجد بسازید و بفروشید ولی زمین جای حمّام قدیمی اگر ساخته شود اجاره آن مصرف حمّام جدید شود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۱

### س ۸۷۲

### اشاره

- در روستایی از توابع شازند اراک کنار مسجد این روستا سالن غذاخوری درست کرده بودند و به علت کم بود فضای مسجد این سالن را داخل مسجد نموده‌اند. بعضی از اهالی می گویند چون در این روستا زمینهای مزروعی وقفی وجود دارد لذا نمی‌شود در این قسمت مسجد نماز خواند و بعضی می گویند اصلًا این قسمت زمین وقفی نبوده، در ضمن در زمان حیات متولّی موقوفه از ایشان اجازه گرفته بودند که مسجد را توسعه دهند و ایشان اجازه داده بود. لطفاً حکم نماز خواندن در این قسمت از مسجد را بفرمایید.

### ج

- اگر وقفیّت زمین مذکور، ثابت باشد و لو از جهت شهرت، محکوم به وقف بودن است و در این صورت چنانچه متولّی شرعی منصوص دارد می‌توانند زمین را از او به مدت معیّن اجاره کنند و آن را داخل مسجد کنند و مال الاجاره را به مصرف مقرر موقوفه برسانند و اگر متولّی منصوص ندارد با اجازه مجتهد جامع الشرائط به نحوی که ذکر شده زمین را اجاره نمایند و در هر حال با تنظیم مدرک اجاره، کاری کنند که معلوم باشد این قسمت در اجاره مسجد و محدود به مدت اجاره است نه همیشه. و اللّه العالم

## توسعه و تعمیر مسجد

### س ۸۷۳

### اشاره

- مسجدی به نام حضرت أبو الفضل (ع) در روستای ملک‌آباد حومه کرج واقع شده است مسجد مذکور نسبت به جمعیّت محل خیلی کوچک و قدیمی است بزرگ کردن ضرورت دارد ما بین آقایان ریش سفیدان اختلاف نظر است عده‌ای می گویند مسجد مذکور خراب نمائید و مقدار لازم هم از حیاط مسجد به آن اضافه کنیم همان جای مسجد اول بازهم مسجد بشود حیاطی هم باز باقی بماند و عده‌ای نظرشان این است مسجد قدیمی بماند حیاط مسجد را مسجد درست کنیم در این صورت حیاطی برای مسجد باقی نمی‌ماند از محضر حضرتعالی تقاضا می‌نمائیم از جهت شرع و مصلحت کدام یک نظریه را انتخاب کنیم؟

ج

– در مورد سؤال موافق احتیاط این است که حیاط مسجد بصورت قبلی باقی باشد چنانچه بزرگ کردن مسجد مذکور ضرورت دارد از خانه‌ها و یا زمین مجاور مسجد اگر باشد خریداری و به مسجد اضافه شود. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۲

### س ۸۷۴

#### اشاره

– مسجدی چند متر از سطح زمین بالاتر است و زیرزمین هم ندارد آیا می‌توان زیرزمین مسجد مغازه بسازیم و پس از فروش مغازه مخارج آن را صرف مسجد نمائیم؟

ج

– جایز نیست. و اللّه العالم

### س ۸۷۵

#### اشاره

– مبلغ پولی جمع‌آوری شده از نمازگزاران مسجد امام سجاد (ع) جهت خریدن خانه‌ای جنب مسجد مذکور ولی با پول جمع‌آوری شده نمی‌شود خانه را خریداری کرد امناء مسجد می‌خواهند زمینی را خریداری کنند و بعداً بفروش برسانند اگر ممکن شد جهت توسعه مسجد به مصرف برسانند آیا این کار جایز است یا نه؟

ج

– پول جمع‌آوری شده برای خرید خانه جهت مسجد را نمی‌توان بدون اجازه تمام دهندگان وجه در تجارت به کار گرفت هر چند بخواهند درآمد آن را صرف مسجد نمایند. و اللّه العالم

### س ۸۷۶

#### اشاره

– نظر به اینکه شبستان مسجد بواسطه کثرت جمعیت نمازگزار کفایت نمی‌کند، آیا می‌توانیم قسمتی از صحن مسجد را جزء شبستان قرار دهیم؟

ج

- چنانچه مسجد احتیاج به توسعه داشته باشد توسعه آن بلامانع است لکن در فرض سؤال اگر صحن مسجد به این عنوان وقف شده که به صورت صحن مسجد باشد تغییر آن اشکال دارد. و اللّه العالم

### س ۸۷۷

#### اشاره

- مسجدی است بنام مسجد قنبر علی بعضی اشخاص پول نقد و اشیاء دیگر نذر این مسجد میکنند و این مسجد متولّی ندارد و ۳۰ سال بلکه بیشتر است چنین بوده و کسی هم اطلاعی ندارد نذورات چطور مصرف شده این جانب با دو نفر دیگر با نظر بعضی اشخاص این محل متصدی شدیم که این نذورات را جمع کنیم و مصرف این مسجد کنیم و مقداری پول نقد جمع شده در بانک گذاشتیم و بنا داریم صرف مسجد کنیم یعنی برای تعمیر مسجد و اشیائی که این مسجد احتیاج دارد مصرف شود و ما نمیدانیم این کار و این عمل که ما بنا داریم انجام دهیم شرعی است یا نه و ما نمیدانیم این مختصر پولی که نذر کردند آیا صیغه شرعی خوانده شده یا نه و تا بحال کسی بما نگفته ما صیغه شرعی
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۳
خوانده‌ایم آیا این نذرها را فقط برای خود مسجد و تعمیر آن مصرف کنیم یا جهت اقامه روضه‌خوانی و بیان احکام الهی هم می‌شود.

#### ج

- اگر دهندگان وجوه مصرف خاصی را در نظر نگرفته‌اند و وجوه را در اختیار شما گذارده‌اند که بمصرف مسجد برسانید باید صرف تعمیرات مسجد و آماده بودن آن برای نماز و عبادت بنمائید و اگر برسم گذشته در محلی میگذارند بهمان نحو که در گذشته معمول بوده مصرف شود.

### س ۸۷۸

#### اشاره

- نماز خواندن در مکانی که قسمتی از آن به روایت قدیمی‌ها مسجد بوده و قسمتی از آن با تصرف در قبرستان و نبش قبور به دست آمده، چه حکمی دارد؟

#### ج

- اگر چه تخریب و نبش قبور مؤمنین و تبدیل آن به مسجد جایز نیست لکن نماز خواندن در محلّ مذکور فعلًا اشکال ندارد. و اللّه العالم

### س ۸۷۹

### اشاره

– مسجدی که برای اهلش گنجایش نداشت به منظور توسعه آن را تخریب و مقداری زمین از همسایه مسجد خریداری نموده و ضمیمه مسجد ساختند و در بنای مسجد جدید مقداری از همان مکان ضمیمه شده را نه به قصد مسجد بودن بنا کرده‌اند تا زنان معذور برای استماع مواعظ در آنجا بنشینند. حالا عده‌ای می‌گویند ما به قصد مسجد بودن در اینجا نماز می‌خوانیم که اینجا هم مسجد شود آیا با نماز خواندن آنها به قصد مسجدیّت آنجا مسجد می‌شود یا نه؟

### ج

– در فرض سؤال، با نماز خواندن در مکانی که بدون قصد مسجدیّت و برای امر دیگری ساخته شده مسجدیّت محقق نمی‌شود.

### س ۸۸۰

### اشاره

– ساختمان مسجد قبلی را تخریب نموده و با مصالح جدید احداث کرده‌اند ولی یک سالن از حسینیّه به علت کمبود زمین به مسجد اضافه شده. آیا شرعاً ما می‌توانیم بدون به کار بردن دیوار یا نرده فلزی این سالن را جزء ساختمان مسجد قرار دهیم؟

### ج

– الحاق سالن حسینیّه به مسجد جایز نیست و باید آن قسمت را با علائم و مشخصات به عنوان حسینیّه طوری محفوظ نگهدارند که برای آیندگان هم اشتباه نشود و بدانند که آنجا جزء مسجد نیست و حسینیّه است.
و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۴

### س ۸۸۱

### اشاره

– مسجدی است در محل که نوساز است و برای نمازگزاران محل خوب و هیچ وقت نمی‌شود که برای نمازگزاران کوچک باشد فقط گاهی بر بعضی از افراد که از دنیا می‌روند در این مسجد مجلس برپا می‌شود و از مردم دعوت می‌شود در این مسجد اجتماع نموده برای فاتحه و غذا خوردن آن موقع برای مردم مشکل می‌آفریند آیا می‌شود این مسجد را خراب کرد و بزرگتر نمود؟

### ج

– در فرض سؤال، جایز نیست مسجد مذکور، تخریب شود. و اللّه العالم

## س ۸۸۲

### اشاره

– با توجه به توسعه شهر و استقبال عظیم مردم متدیّن در مراسم مسجد جامع قروه اعم از نماز جمعه و جماعات و دیگر اجتماعات مذهبی و شعائر دینی، نیاز به توسعه و نماسازی مسجد از قسمت جنوبی آن است. با عنایت به سند خرید زمین مسجد که در سند قید شده است که زمین و یک باب دکان در زمین‌های فوق الذکر جهت احداث ساختمان مسجد می‌باشد. و با توجه به اینکه مغازه‌های فعلی در قسمت جنوبی مسجد جزء زمین مسجد است و پس از سالهای بعد از خرید زمین ساخته شده است، آیا شرعاً تخریب دکاکین برای توسعه و نماسازی جایز است؟

### ج

– اگر زمین برای مسجد و تعلّق به مسجد وقف شده و فعلًا مصلحت مسجد اقتضاء دارد که برای توسعه مسجد و رفع نیاز نمازگزاران ضمیمه مسجد شود تخریب دکاکین اگر موجب تفویت حق شرعی از کسی نشود جایز است.

## س ۸۸۳

### اشاره

– مسجدی است که خود این مسجد محقّر در وسط قطعه زمین مسجد قرار دارد و این قطعه زمین فعلًا قسمتهائی از آن دارای درخت نیست و این قطعه زمین موقوفه همین مسجد است، و لکن فعلًا این قسمت غیر مشجّر درآمدی برای مسجد ندارد و مؤمنین از نظر محقّر بودن مسجد در زحمت هستند. مسأله این است که آیا جایز است قسمت غیر مسجد آن را داخل در مسجد نمایند تا مسجد توسعه پیدا کند یا خیر؟

### ج

– در مورد سؤال چنانچه زمین مذکور وقف شده که عوائد آن صرف در مخارج مسجد بشود تبدیل آن بمسجد جایز نیست.

## س ۸۸۴

### اشاره

– مسجدی است که در جنب جنوبی آن کوچه‌ای واقع شده که مورد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۵

عبور و مرور ساکنین دو قلعه که در طرف شرق و غرب مسجد است می‌باشد و در جنب کوچه سه باب منزل است که هیأت امناء مسجد برای توسعه پیدا کردن مسجد و از غربت بیرون آمدن و استفاده مدام از مسجد خریداری نموده‌اند که چنانچه این عمل انجام بگیرد مسجد وسعت پیدا می کند و کشیده میشود تا لب خیابان اصلی آیا می‌شود این کوچه را جزء مسجد نموده یا نیاز برضایت

ساکنین دو قلعه دارد؟

ج

– در صورتی که کوچه بن بست و متعلّق به ساکنین دو قلعه باشد باید با رضایت آنها باشد و اگر بن بست نیست و شارع عمومی برای همه است جائز نیست جزء مسجد شود.

### س ۸۸۵

#### اشاره

– مسجد کوچکی وجود دارد که سنوات متمادی است مخروبه و غیر قابل استفاده می‌باشد بعضی از اهالی محل در نظر دارند نسبت به تعمیر و بازسازی آن اقدام نمایند که در حدّ امکان مورد استفاده بعضی از برنامه‌های مذهبی قرار گیرد در جلو مسجد مذکور قسمتی از کوچه قدیمی وجود دارد که پس از احداث خیابان بکلّی متروک گردیده و به هیچ وجه مورد استفاده عابرین و اهالی محل نمی‌باشد و با دیواری که اطراف آن کشیده شده به صورت محوطه مسجد در آمده چنانچه از لحاظ موازین شرعی تصرف و استفاده از محوطه مذکور جهت ساختمان مرافق مورد احتیاج مسجد بلا اشکال می‌باشد اجازه فرمائید اقدامات لازم به عمل آید؟

ج

– در صورتی که زمین مذکور متروکه و مورد انتفاع احدی جهت عبور و مرور نباشد، ضمیمه کردن آن به مسجد اشکالی ندارد.

### س ۸۸۶

#### اشاره

– مسجدی است که نسبت به کثرت جمعیت الآن کوچک است در حالی که اطراف مسجد زمینی دست نخورده و دور مسجد محصور و جزء محوطه مسجد می‌باشد، آیا اجازه می‌فرماید کفش کن و آب دار خانه مسجد را جزء مسجد قرار دهیم و آنگاه کفش کن و آب دار خانه دیگری را در آن زمین عقب مسجد احداث نمائیم؟

ج

– در فرض سؤال، جواز تخریب کفش کن و آبدارخانه و جزء مسجد قرار دادن آنها و احداث کفش کن و آبدارخانه در زمین مذکور بعید نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۶

### س ۸۸۷

**اشاره**

– شخصـی مسـجدی را از بودجه خود و مقـداری از کمک مردم ساخته است که حـدود ۲۵ سال از آن می‌گـذرد و در حال حاضـر مسـجد جوابگوی همه عزاداران حسـینی نیست لـذا زمینی را که در پشت آن واقع است خریداری و صـیغه مسـجد بر آن جاری شده است از طرفی بانی مسـجد قلباً راضـی نیست که مسـجد را خراب کنیم لطفاً مرقوم بفرماییـد آیا خراب کردن مسـجد قدیمی (البته با توجه به اینکه هنوز قابل استفاده است) و تبدیل کردن آن به یک مسجد بزرگ چه حکمی دارد؟

**ج**

– اگر ضـمیمه نمودن زمین مـذکور به مسـجد بـدون تخریب کلّی آن ممکن باشد که توسـعه و تعمیر آن محسوب شود و تخریب و تجدید بنا نباشد ظاهراً اشکال ندارد ولی جواز تخریب آن با اینکه در معرض انهدام نیست محل اشکال است.

**س ۸۸۸**

**اشاره**

– مقداری از زمین مدرسه‌ای را جزء مسـجدی قرار داده‌اند آیا باید این قسمت تخریب شود و به مدرسه واگذار گردد یا اینکه چون ساخته‌اند اشکالی ندارد؟

**ج**

– فی حدّ نفسه زمینی را که متعلّق به مدرسه است جایز نیست جزء مسجد قرار دهند مگر اینکه کیفیّت وقفیت زمین مجهول باشد.

**س ۸۸۹**

**اشاره**

– مسـجدی فاقد وضوخانه و دسـتشویی می‌باشد و این در حالی است که جهت تطهیر نمازگزاران به ساخت موارد ذکر شده سـخت نیاز است، آیا اجازه می‌فرمایید بجای حوض خانه قدیم که فعلًا متروک است وضوخانه و دستشویی جدید احداث گردد؟

**ج**

– در مورد سؤال، چنـانچه محلّ حوض خـانه مـذکور را دو طبقه بسازنـد به این نحو که طبقه زیر را دسـتشویی و توالت و طبقه بـالا یعنی محلّ حوضخانه را جهت وضو خانه آماده نمایید ظاهراً اشکالی ندارد. و اللّه العالم

**س ۸۹۰**

**اشاره**

- مسجدی در محل است حوضی در وسط آن بود که مرد وزن با ناراحتی از آن وضو می‌گرفتند مدتی است خراب شده دو ایوانچه مختصر در دو طرف مسجد بوده (که ندیده‌ایم کسی در آنها نماز خوانده باشد و نمی‌دانیم برای مسجد هم وقف شده یا نه) که فعلًا مؤمنین به صورت دو وضوخانه زنانه و مردانه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۷

در آورده‌اند. آیا این کار جائز است یا نه و لازم است برگردد بحال اول و مردم هم بزحمت بیفتند؟

**ج**

- تبدیل دو ایوان ذکر شده که احیاناً مؤمنین جهت خواندن نماز از آنها استفاده میکرده‌اند به وضوخانه مشکل است.

**س ۸۹۱**

**اشاره**

- مسجدی را در دو طبقه ساخته‌اند و لوله فاضلاب را با پولیکا از زیر مسجد عبور داده‌اند آیا جایز است یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال، اگر بعد از ساخته شدن مسجد مذکور لوله فاضلاب را از زیر آن عبور داده‌اند جائز نیست باید مسیر لوله را عوض کنند و اگر در موقع ساختن مسجد از ابتداء محلی را که زیر مسجد واقع میشده برای عبور فاضلاب قرار داده‌اند با این قصد که بمقدار مسیر لوله جز مسجد نباشد اشکال ندارد.

**س ۸۹۲**

**اشاره**

- در زیر زمین مسجد توالت احداث کرده‌اند که خود زیر زمین بدون استفاده و بلاتکلیف بوده است و این توالت جدید الاحداث است و ضمناً این بخش که توالت مسجد در آن واقع شده است قبل از احداث توالت به نیّت مسجد بعداً خریداری شده و به مسجد اوّلی ضمیمه شده است آیا احداث توالت در چنین زیر زمینی جایز است یا خیر؟

**ج**

- از مورد شخصی اطلاعی نداریم بطور کلّی محلی که بعنوان مسجد وقف و در آن اقامه نماز شده احداث توالت در قسمت زیر زمین مسجد جایز نیست و چنانچه جهلًا توالت احداث شده باید تخریب و محل از نجاست تنظیف و تطهیر شود بلی چنانچه از اوّل موقع وقف کردن زمین جهت مسجد قسمت زیر زمین آن جهت دست‌شوئی و توالت در نظر واقف بوده احداث توالت در آن محل اشکال ندارد.

### س ۸۹۳

#### اشاره

- مسجدی بنا گردیده است که در حیاط آن مسجد، سرداب ساخته شده که برای توالت و وضوخانه و انبار که طبقه دوم را برای خانم‌ها مسجد ساخته‌اند که نماز جماعت بخوانند و عزاداری نمایند آیا آن طبقه دوم در حکم مسجد است یا اینکه در حکم مسجد نیست؟ (چون در سرداب آن توالت و وضوخانه و انبار قبلًا ساخته شده است)؟

#### ج

- در فرض سؤال اگر واقف ابتداءً سرداب زیر صحن مسجد را برای توالت

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۸

و طبقه دوم را برای مسجد قرار داده باشد طبقه دوم حکم مسجد را دارد و اگر طبقه تحتانی را توالت و فوقانی را جدا از معبد مسجد و صحن مسجد قرار داده ظاهراً حکم مسجد را ندارد و جواز تغییر عنوان آن محل اشکال است و به هر حال نماز خواندن خانمها در آن مکان جایز است.

### س ۸۹۴

#### اشاره

- اگر مسجد را تخریب کنند و یا بواسطه زلزله تخریب شود و چون جای وضو و انباری و غیره نداشت آن مسجد را دو طبقه بسازند و زیر زمین آن را برای استفاده انباری و جای وضو و غیره قرار بدهند آیا جایز است یا خیر؟

#### ج

- استفاده از طبقه تحتانی معبد مسجد بعنوان امور مذکوره جایز نیست.

### س ۸۹۵

#### اشاره

- زمینی را از پول اهل محل خریداری نموده که بعداً مسجد بسازند اکنون که هیأت امناء مسجد تشکیل شده قصد دارند فقط طبقه فوقانی را مسجد قرار دهند و زیر زمین را چند قسمت نموده، هر قسمت را برای کاری سالن سخنرانی کتابخانه دستشوئی توالت و غیره تا احکام مسجد بر آن جاری نباشد آیا بنظر مبارک صحیح است.

#### ج

- در مورد سؤال: راجع به کیفت بناء طبقه تحتانی مسجد از اهل محلّ که با پول آنها زمین مذکور خریداری شده اجازه بگیرند.

## تصرف در وسایل مسجد

### س ۸۹۶

#### اشاره

- مسجد قدیمی که سقف آن چوب بوده حال سقف آن را به آهن تبدیل کرده‌اند و چوبها که سالم و قابل استفاده است و تعداد قابل ملاحظه ای هم هست موجود است آیا اجازه میفرمایند این چوبها به اشخاص فروخته شود و پول آن را برای مسجد بمصرف برسانند و آن اشخاص نیز اجازه داشته باشند این چوبهایی که سابقاً وقف مسجد بوده بخرند و در منازل شخصی بکار ببرند؟

#### ج

- در مورد سؤال، چنانچه چوبها در همین مسجد و در سایر مساجد محل نیاز نباشد فروش آن اشکال ندارد و برای خریدار هم بی‌اشکال است و باید پول آن صرف احتیاجات همین مسجد شود ولی اگر چوبها و لو در مسجد دیگر برای سقف زدن و مانند آن محلّ نیاز باشد باید به آن مسجد داده شود بلا عوض و در این صورت فروش جایز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۹

### س ۸۹۷

#### اشاره

- مسجدی داریم که در طرف شمال آن ساختمان حسینیّه قدیمی است که مورد استفاده دوستداران حسین ابن علی علیه السلام قرار می‌گیرد فاقد فرش است و مسجد مذکور که نوسازی شده فرش نو بقدر کافی دارد و تعدادی فرش کهنه قدیمی دارد آیا شرعاً می‌توانیم از فرش‌های کهنه و قدیمی مسجد که مورد لزوم آن نباشد در حسینیّه مذکور مورد استفاده قرار دهیم؟

#### ج

- شایسته است مؤمنین برای حسینیّه مذکور فرش تهیه نمایند و نسبت به سالار شهیدان حضرت ابی عبد الله الحسین (ع) بیشتر ابراز علاقه نمایند و فرشهای مسجد را بمسجد دیگر هم نمی‌توان داد بلکه باید در صورت مفروضه از فرشها بطور تناوب در خود مسجد مذکور استفاده شود.

### س ۸۹۸

#### اشاره

- امام جماعت مسجدی برحمت الهی پیوسته است ایشان در حال حیات زحمات این مسجد را سالیانی بعهده داشته است و خود

مسجد هم درآمدهائی از قبیل اجاره خانه و زیرزمین و غیره دارد که برای امام جماعت و دیگر خرج‌های مسجد مصرف شود و چیزی در این رابطه از مردم جمع‌آوری نمیشود با توجه باین امور آیا می‌شود از درآمد این مسجد به خانواده پیشنماز متوفای این مسجد کمك کرد؟
(توضیح اینکه مبالغی در فوت آن مرحوم در تدفین و شب هفت و غیر خرج شده حکمش چیست)؟

### ج

- اگر مصرف درآمدهای مذکور مسجد، امام جماعت مسجد است فعلًا که امام جماعت مرحوم شده باید به مصرف امام جماعت فعلی برسد و دادن آن به خانواده آن مرحوم وجه شرعی ندارد بلی شایسته است مؤمنین برای قدردانی از آن مرحوم از طرق دیگر مساعدت کنند و مخارجی را که بعد از فوت امام جماعت در مراسم تدفین و غیره شده اگر از درآمدهای مذکور بوده باید کسانی که خرج کرده‌اند جبران کنند و مصرفی که برای امام جماعت تعیین شده از اینگونه مصارف انصراف دارد.

### س ۸۹۹

### اشاره

- مسجدی اثاث‌هائی از قبیل آفتابه لگن و غیره دارد که در حال حاضر از آن وسائل استفاده نمیشود روی هم انباشته و جا را اشغال نموده است
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۰
آیا اجازه می‌دهید آنها را به وسائلی که فعلًا مسجد نیازمند است تبدیل نمود؟

### ج

- اثاث مذکور اگر در مساجد دیگر هم قابل استفاده نیست مجازید آنها را بفروشید و با بهای آن لوازم مورد نیاز مسجد را تهیه نمائید.

### س ۹۰۰

### اشاره

- مدتی است که مسجدی در یکی از روستاهای حومه اراك بخاطر مهاجرت مردم در فصل زمستان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد در حال حاضر خبر رسیده است مقداری از اجناس مسجد را از قبیل مهتابی، پنکه سقفی و بعضی اساسهای دیگر مسجد را از مسجد سرقت کرده‌اند آیا می‌شود به مسجد دیگر بدهیم یا نه؟

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه اثاثیه مسجد مذکور، در معرض سرقت است باید بطور امانت در نزد کسی و یا در مسجد دیگر گذارده

شود تا محفوظ بمانـد و در تابسـتان که به محل می‌رونـد به مسـجد مـذکور برگرداننـد و از آن اسـتفاده کننـد و اگر این کار ممکن نباشد به مسجد مجاور بدهند تا مورد استفاده قرار بگیرد ولی در این صورت نیز هر وقت ایمن از سرقت شدند لازم است برگردانند.

### س ۹۰۱

#### اشاره

- اخیراً اهـالی روسـتائی از توابع اراک این ده را تخلیه کرده‌انـد و مصـلحت در این بوده که مـا وسایلی را که مربوط به مسـجد بوده تخلیه کرده و به ده دیگری که در آنجا سکونت داریم ببریم تکلیف این وسایل چیست؟

#### ج

- در مورد سؤال، چنـانچه وسایـل مـذکور به هیـچ وجه در مسـجد مـذکور مورد اسـتفاده نیست و لو از این جهت که محل خالی از سکنه است آن وسایل را به مسـجد محل دیگری که نزدیک به آنجا است و وسایل در مسـجد آن محل مورد استفاده قرار می‌گیرد، منتقل نمایید. و اللّه العالم

### س ۹۰۲

#### اشاره

- سه تخته فرش از مسجدی سائیده و نخ‌نما شده است که در شأن مسجد نمی‌باشد، فردی پیدا شده است که پنجاه هزار تومان بالاتر از قیمت می‌خرد آیا این کار جایز است؟

#### ج

- در صورتی که فرشـها وقف بر مسـجد شـده باشـند مادامی‌که انتفاع از آنها در آن مسـجد یا مسـجد دیگر ممکن باشد فروش آنها جایز نیست ولی اگر ملک مسجد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۱

باشد مثل اینکه تملیک مسـجد شده باشد یا برای اینکه ملک مسجد باشد، خریداری شده باشد در صورتی که تبدیل آنها بمصلحت مسجد باشد جواز تبدیل بعید نیست.

### س ۹۰۳

#### اشاره

- چراغ توری مسـجد که قابل استفاده نیست، یا خیلی کم از آن استفاده می‌شود آیا می‌شود فروخت و پولش را خرج چراغ لامپ و غیره که مربوط به مسجد است نمود یا نه؟

ج

- اگر استفاده از آن چراغ در مسجد و لو کم ممکن باشد فروش و تبدیل آن جائز نیست بلی اگر به هیچ وجه قابل استفاده در آن مسجد و یا مسجد دیگر نباشد فروش و تبدیل آن به لامپ و لوازم روشنائی دیگر مانعی ندارد.

س ۹۰۴

اشاره

- مسجدی فرشهای کهنه و قدیمی و بعضی ارزشمند دارد که نگهداری آنها تقریباً مشکل شده است آیا متولّی می‌تواند با فروختن آنها فرشهایی نو و جدید تهیه نمایند یا خیر؟
س ۹۰۵- بعضی از اهالی فرشهای کوچک در حد یک متر و یا بیشتر را که عموماً ارزشمند می‌باشند وقف بر مسجد کرده‌اند آیا تبدیل این فرشها را با فروختن به فرشهای بزرگتر اجازه می‌فرمائید یا خیر؟

ج

- تا موقعی که حفظ و استفاده از آنها مقدور است تبدیل و یا فروش آنها جائز نیست هر چند استعمال موجب تنزّل قیمت آنها شود.

س ۹۰۶

اشاره

- در روستای چوگان از توابع سنقر مسجدی است که دارای قرآن‌های قدیمی و کتابهای دعای قدیمی است و در معرض دستبرد می‌باشند چون جنبه تاریخی دارند لذا نظر شما در این مورد و خروج قرآنها از مسجد چیست؟

جامع الاحکام ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۶۱

ج

- در مورد سؤال، قرآنهای مذکور و همچنین کتب دعا را باید از دستبرد محافظت نمایند تا در مواقع مقتضی مؤمنین از آنها استفاده نمایند فروختن و تبدیل و یا کنار گذاشتن آنها که بکلّی از دسترس و استفاده مردم خارج بشود جائزنیست.

س ۹۰۷

اشاره

- در مسجدی چند عدد زیلو میباشد که مؤمنین میگویند قابل استفاده نیست آیا میشود فروخت و با پول آنها برای مسجد فرش

خرید؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه زیلوهای مذکور وقف مسجد است اگر در آن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۲

مسجد به هیچ وجه قابل استفاده نیست باید ببرند به مسجدی که میشود در آن مسجد از آنها استفاده کرد بلی چنانچه زیلوها در هیچ مسجدی قابل استفاده نباشد جایز است آنها را بفروشند و با پول آن برای مسجد مذکور فرش تهیه کنند.

س ۹۰۸

اشاره

– آیا وسایل مسجد و حسینیّه را می‌توان به جاهای دیگر برای استفاده عمومی انتقال داد یا نه؟

ج

– در صورتی که اشیاء و وسائل مسجد یا حسینیّه‌ای وقف بر خصوص همان مسجد یا حسینیه باشد جایز نیست بجای دیگر انتقال داده شود.

س ۹۰۹

اشاره

– بمرور زمان وطی سالیان گذشته با تلاش در این مسجد وسائل منقولی که در جهت بزرگداشت هر چه باشکوهتر جشن میلاد امام زمان «ارواح العالمین له الفداء» به هر نحوی بکار می آید جمع‌آوری گردیده است که وجوه وسائل یاد شده از طریق کمکهای مردمی که جهت بزرگداشت جشن نیمه شعبان جمع‌آوری میگردد، پرداخت شده است

«۱» آیا اجازه میدهید از وسائل مذکور در غیر بزرگداشت جشن نیمه شعبان مثلًا در برپائی ایام موالید ائمه اطهار «علیهم السلام»، غدیر و محافل قرآنی ایام شهادت معصومین و مراسم ملّی در این مسجد استفاده گردد؟

«۲» گاهی بعضی از مساجد و مراکز مختلف بجهت نیازشان از وسایل یاد شده طلب مینمایند، در این مورد نیز حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

– «۱ و ۲» در هر دو مورد میزان نظر کمک کنندگان است و اگر دسترسی به آنها بعلت عدم شناخت آنها یا هر جهت دیگری ممکن نباشد فقط باید در مراسم بزرگداشت نیمه شعبان از آنها در همان مسجد استفاده شود بلی بقرینه حال مؤمنین میتوان شمول نظر آنها را نسبت به موالید سائر ائمه اطهار سلام اللّه علیهم اجمعین و عید سعید غدیر و مراسم سوگواری و روزهای شهادت آن

بزرگواران که در آن مسجد برگزار می‌شود استفاده نمود ولی به هر حال در غیر این موارد اسلامی و مذهبی استفاده از آنها جایز نیست.

### س ۹۱۰

#### اشاره

- آیا اساسی که وقف مسجد شد برای جشن عروسی یا جشنهای دیگر می‌شود استفاده کرد؟

#### ج

- با فرض اینکه اثاث وقف مسجد شده استفاده از آن در جشن عروسی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۳

جایز نیست بلی اگر جشن مذهبی جهت تولد ائمه: و مانند آن در مسجد برگزار شود استفاده از اثاث مسجد اگر وقف به جهت خاصی نباشد مانعی ندارد. و اللّه العالم

### س ۹۱۱

#### اشاره

- آیا فرش یا موکت مسجد را جهت استفاده در منزل برای مجالس ختم یا عروسی و غیره میتوان از مسجد خارج نمود یا خیر و آیا خادم مسجد چنین اجازه ای را برای آن کار دارد یا خیر؟

#### ج

- بطور کلی استفاده از فرش و سایر لوازم مسجد در خارج از مسجد جایز نیست و خادم مسجد حق ندارد با خارج کردن لوازم از مسجد موافقت نماید.

### س ۹۱۲

#### اشاره

- با مرور زمان وسائلی در مسجد جمع شده که از مایحتاج آن اضافه است آیا می‌شود آن وسایل قبلی را فروخت و با پول آن وسایل مورد نیاز دیگر را خریداری نمود؟

#### ج

- در مورد سؤال، چنانچه عین وسایل مذکور در آن مسجد و لو در زمان آینده قابل استفاده نباشد باید عین آنها را بدهند که در

مسجد دیگر از عین آنها استفاده نمایند و اگر در هیچ مسجدی قابل استفاده نباشند مجازید آنها را بفروشید و وسایل دیگری از نوع آن وسایل جهت همان مسجد تهیه نمایید بلی اگر بتوانند به تناوب از آنها استفاده کنند یعنی گاهی از قسمتی از آنها و گاهی از قسمت دیگر باید نگهدارند و حق فروش یا دادن به مسجد دیگر را ندارند. و اللّه العالم

### س ۹۱۳

#### اشاره

- مجلس فاتحه که در مسجد برگزار می‌شود آیا از استکانها و میکرفون و بلندگو و قالی مسجد می‌شود استفاده کرد و آیا مسجد می‌تواند از آنها اجرت بگیرد؟

#### ج

- در فرض سؤال چنانچه وسائل مذکور باین نحو وقف شده باشد که در مسجد از آنها استفاده شود و لو بعنوان مجلس فاتحه اشکال ندارد لکن بهای برق مصرف شده را صاحب مجلس باید بدهد و اگر وقف بنحوی بوده که شامل مجالس فاتحه نمیشده استفاده از آن برای مجالس فاتحه جائز نیست هر چند بعنوان اجرت مبلغی از صاحب مجلس بگیرند.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۶۴

## تبدیل و تخریب مسجد

### س ۹۱۴

#### اشاره

- مسجدی است در شهرستان یزد به طول و عرض ۵* ۵ مسجد قدیمی بوده و در زیر زمین واقع شده بطوری که سقف قسمتی از آن با کف کوچه همسان است. به دلیل اینکه بد مسیر بوده و انصافاً موجبات محرومیت اهالی شده و مورد بی‌توجهی کامل قرار گرفته بود و نزدیک به ۱۵ سال متروکه و محل ارتکاب انواع کارهای خلاف شرع و اخلاق (از قبیل اعتیاد، مسائل اخلاقی مفسده‌دار و مخفیگاه دزدان) گشته بود در سال ۱۳۷۰ با همّت ۴ نفر از جوانان محل تعمیر جزئی و افتتاح گردید که تا کنون نماز جماعت و دعای ندبه و جلسات قرآن در آن برپاست لکن چون مسجد تقریباً به صورت مخروبه درآمده است و ترکهای متعدد دارد و از طرفی فاقد دستشویی و توالت و فضای مناسب می‌باشد با تلاش پیگیر، زمینی در حدود ۴۰۰ متر مربع چسبیده به محل مسجد تهیه شده است اکنون می‌خواهیم چنانچه شرع مقدس اجازه دهد قسمتی از مسجد را به کوچه بیفزائیم تا هم برای مسجد بهتر شود و هم برای اهالی رفع مشکل شود. و در مقابل چند برابر به وسعت مسجد افزوده و با یاری خداوند متعال یک مجموعه فرهنگی جامع که مورد رضای حضرت مهدی (ع) باشد ایجاد نمائیم بدیهی است ضمن مساعدت همه جانبه حضرت عالی در این زمینه، ما نیز در مقابل شرع مقدس خاضع و فرمانبرداریم.

#### ج

- خداوند به شـما در مقابل خدماتی که کرده‌اید پاداش مضاعف عنایت فرموده و شـما را همیشه به امور خیر موفق بدارد و البته کار خیر کاری است که در نظر شـرع مقدس خیر محسوب شود ترمیم بعض نواقص مسـجد مذکور، و ضمیمه نمودن زمین مجاور به آن همه خیر است ولی مسـجد تا ابد مسـجد است و قابل تبدیل نیست حتی نسبت بمقدار بسیار مختصر بنابراین جایز نیست چیزی از آن به کوچه افزوده شود ان شاء اللَّه همیشه موفق باشید.

### س ۹۱۵

#### اشاره

- شخصی زمینی جهت مسجد واگذار نموده و صیغه عربی جاری نشد و به اندازه دو متر دیوار مسجد ساخته شد امّا هنوز مسجدیت بر آن ثـابت نشـد اتفاقاً جایش بسـیار ناهموار است حتی جائی واقع شـد که زباله‌های همسایگان در آن ریخته میشود آیا میشود این مسجد را بفروشند و جای مناسبی

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۶۵

دیگر برای آن مسجد مشخص کند لطفاً جواب را مرقوم فرمائید تا اینکه اهالی محله بدون مسجد نمانند.

#### ج

- در فرض سؤال، که زمین را جهت مسـجد در اختیـار مؤمنین قرار داده و مقـداری هم از دیوار مسـجد بنا شـده فروش و تبـدیل آن محلّ اشکال است و لو اینکه هنوز نمازی بعنوان مسجد در آن محلّ خوانده نشده باشد.

### س ۹۱۶

#### اشاره

- مسـجدی چنـدین سال می‌باشـد که ساخته شـده فعلًا می‌خواهنـد مقـداری از مسـجد به حیاط و مقداری را هم به کوچه بدهند آیا صحیح است یا اشکال دارد؟

#### ج

- آنچه بعنوان مسـجد سـاخته شـده و در اختیـار مردم بوده و در آن نمـاز خوانده‌انـد واگـذاری آن به کوچه و یا حیاط مسـجد جائز نیست.

### س ۹۱۷

#### اشاره

- مسـجدی در این محل بوده قـدیمی و با خشت و گل ساخته شـده بود و در حال حاضـر بکلّی خراب شده و مسـجدی نیز در محل

وجود ندارد و در ضمن مسجد محل کوچک بوده و از طرفی اشخاص خیّری زمین خوب برای ساختمان مسجد واگذار کرده‌اند که برای ساختمان مسجد خیلی مناسب‌تر از جای قبلی است.
سؤال از محضر مبارک این است که آیا اجازه میفرمائید که مسجد در زمین مناسب تر ساخته شود و چون هزینه ساختمان تقریباً سنگین است لااقل در زمین مناسب‌تر ساخته شود؟

### ج

– مسجد قبلی و لو خراب شده باشد از مسجد بودن خارج نمیشود سزاوار است اهالی محترم همان مسجد قبلی را تعمیر کنند البته بزرگ نمودن آن مسجد اگر محل دارد و همچنین ساختمان مسجد دیگر مانعی ندارد.

## س ۹۱۸

### اشاره

– روستای ما بیش از سه هزار جمعیت دارد و فعلًا شش مسجد وجود دارد، شخصی زمینی را وقف مسجد کرده و الآن هم به آن مسجد نیازی نیست و اطراف آن زمین مذکور هم دیواری کشیده نشد و نمازی هم در آن خوانده نشد و فعلًا محل رفت و آمد و ریختن زباله شده و در ضمن آن شخصی که این زمین را وقف کرده از دنیا رفته، سؤال ما این است. آیا اجازه میدهید آن زمین را
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۶
بفروشیم؟ و اگر اجازه فروش دادید آیا پولش را می‌توانیم خرج عمران روستا از جمله آسفالت کنیم؟

### ج

– در مورد سؤال، چنانچه در زمین مذکور بعنوان مسجدیّت آن محلّ نمازی خوانده شده و یا اگر نماز خوانده نشده مسلمین آن زمین را از واقف بعنوان زمین مسجد تحویل گرفته و دور زمین دیوار مختصری و یا علامت دیگری قرار داده باشند فروش و تبدیل آن جائز نیست ولی اگر نمازی در آن محلّ بعنوان مسجد خوانده نشده و مسلمین هم بنحو مذکور آن را تحویل نگرفته‌اند قبض محقق نشده و وقف باطل است و زمین متعلّق بورثه واقف زمین است میتوانند بفروشند و پول آن را در هر موردی که خواستند مصرف کنند.

## س ۹۱۹

### اشاره

– زمینی را صیغه وقف خوانده‌اند برای مسجد و فعلًا بصورت مسجد می‌باشد و تقریباً شانزده متر از آن زمین بَرِ خیابان می‌باشد و مناسب یک باب مغازه می‌باشد از جهتی هم این مسجد موقوفه ندارد آیا برای هزینه حقوق خادم و آب و برق و گاز اجازه می‌فرمائید این زمین مغازه شود و مال الاجاره آن را برای تأمین هزینه مسجد بمصرف برسانند؟

### ج

– در فرض مذکور تبدیل زمین مسجد به مغازه جائز نیست.

### س ۹۲۰

#### اشاره

– در روستائی ارامنه زندگی میکردند زمانی که از آنجا رفتند مسلمانان آنجا را خریدند و ساکن شدند و کلیسای آنها را به مسجد تبدیل کردند حالا شخصی حاضر شده آن مسجد را خریداری کند و جای آن را منزل مسکونی بسازد برای خودش و با پول آن در جای دیگری مسجد بسازند و مردم هم کمک می‌کنند حالا بفرمائید:

۱– زندگی کردن در آن منزلی که در جای مسجد ساخته شده است آیا جایز و صحیح است یا خیر؟

۲– نماز خواندن در آن مسجدی که با پول آن مسجد اولی ساخته شده است صحیح میباشد یا خیر؟

#### ج

۱ و ۲– در فرض سؤال که کلیسا را قبلًا خریداری و تبدیل به مسجد نموده‌اند دیگر خرید و فروش و تبدیل آن بخانه و غیره جائز نیست یعنی کلیسای قبلی فعلًا مسجد است و احکام مسجد بر آن مرتّب است مثلًا تنجیس آن و توقف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۷

جنب در آن حرام است و منزل کردن آنجا غصب و حرام است و نماز خواندن در محلی که با پول مسجد قبلی خریدار شده و مسجد ساخته شده اگر معامله بصورت عین به عین بوده معامله باطل و نماز خواندن در آنجا اشکال دارد ولی اگر معامله بذمّه بوده نماز اشکال ندارد.

### س ۹۲۱

#### اشاره

– چنانچه چند نفر به علت عدم توجه به مسأله شرعی مسجدی را به بهانه تعریض خیابان بکلّی خراب کرده باشند و حال آنکه بودن مسجد ضرری به خیابان نداشته اکنون وظیفه آن چند نفر و سایر مسلمانان نسبت به زمین و مصالح آن مسجد چیست؟

#### ج

– حکم مسأله واضح است تخریب مسجد مذکور جایز نبوده، کسانی که مسجد را تخریب نموده‌اند باید دوباره مسجد را بسازند و زمین آن هم و لو ساختمان آن تخریب شده باشد حکم مسجد را دارد و تنجیس آن حرام است و همچنین سایر احکام مسجد بر آن مرتب می‌شود. و اللّه العالم

### س ۹۲۲

اشاره

- تخریب بعضی از مساجد به علت واقع شدن آنها در عقب‌نشینی خیابان به نظر حضرتعالی جایز است؟

ج

- تخریب مسجد جایز نیست. و اللّه العالم

## س ۹۲۳

اشاره

- مسجدی وقف در زمین وقف است آیا می‌شود آن را به حسینیّه تبدیل کرد و اگر قابل تبدیل باشد آیا احکام مسجدیّت از بین می‌رود یا خیر؟

ج

- تبدیل مسجد به حسینیّه جائز نیست و احکام مسجد باقی است.

## س ۹۲۴

اشاره

- عکس مسأله بالا چطور است حسینیّه موقوفه در زمین موقوفه را به مسجد تبدیل کرد؟

ج

- تبدیل حسینیّه نیز به مسجد جائز نیست.

## س ۹۲۵

اشاره

- اطاق مخروبه‌ای است کنار نهر آب که آنجا غسّالخانه بوده و برای رفع سرما و گرما اطاقی ساخته بودند بعد از مدتی در لسان بعضی‌ها گفته شده مسجد بابائی و مدتی داخل آن کوزه‌گری می‌کردند و گاهی هم محل بلیطفروشی شده و استفاده مسجدیّت نداشته با این سابقه آیا می‌شود این اطاق
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۸
مخروبه را فروخت و بمصرف مسجد دیگری درآورد یا خیر؟

ج

– از وضع اطاق مذکور اطلاعی نداریم بطور کلّی اگر مسجد باشد قابل فروش نیست و همچنین اگر وقف باشد و مجوّز شرعی برای فروش آن نباشد و شهرت محلی برای اثبات وقفیّت کافی است.

### انجام کارهای متفرقه در مسجد

س ۹۲۶

اشاره

– آیا در اطاقهای مربوط به مسجد، دائر کردن کلاسهای آموزشی علوم جدید توسط معلمین و مربیان مسلمان و مؤمن با رعایت شئونات مسجد جایز است یا نه؟

ج

– اطاقهایی که از مرافق مسجد است و برای جهات و نیازهای مربوط به مسجد وقف شده باید برای همان جهات استفاده شود الوقوف حسب ما یوقفها اهلها. و اللّه العالم

س ۹۲۷

اشاره

– تعدادی دست به کار شدند و با جمع‌آوری اعانه از مردم محل و مؤمنین مسجدی را بنا نموده‌اند الحال مسجد تکمیل است و نماز جماعت همیشه در طول سال اقامه میگردد و در کنار نماز جماعت فعالیتهای فرهنگی اجتماعی و دینی نیز انجام میشود به سرپرستی امام جماعت مسجد محل، و حالا آن افرادی که در بنا مسجد شرکت کرده بودند مانع فعالیتهای فرهنگی دینی در مسجد هستند افرادی خاص میباشند که ادعا می‌کنند مسئولیّت مسجد متعلّق به آنها میباشد از حضرتعالی تمنّا دارم بفرمائید آیا صحیح است نماز خواندن در آن مسجد یا خیر؟ و آیا امام جماعت میتواند در امر هیئت امنا و تعیین یا برکناری آنها دخالت نماید؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه فعالیتهای مذکور بر خلاف شرع نباشد و مزاحمت با اقامه نماز و شئون کلّی مسجد نداشته باشد مانع ندارد و در هر حال نماز در آنجا بی‌اشکال است و نسبت به تعیین یا برکناری امناء، موارد مختلف است و بطور کلّی امور مسجد قابل اختصاص به اشخاص معیّن نیست.

س ۹۲۸

### اشاره

- نظر مبارک شما پیرامون نمایش فیلم و برگزاری کلاسهای آموزش

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۶۹

ورزشهای رزمی و کاراته جهت جذب نوجوانان به سمت مساجد علاوه بر تدریس قرآن و احکام چیست؟

### ج

- اگر معرض ایذاء و یا مجروح نمودن دیگری و یا آنچه دیه دارد مانند سیاه شدن یا سرخ یا کبود شدن عضو نباشد فی حد نفسه اشکال ندارد ولی اجرای این برنامه‌ها در مساجد اگر موجب گریز مردم از مسجد نشود سبب جذب واقعی اشخاص به مسجد نمی‌شود. و اللّه العالم

## س ۹۲۹

### اشاره

- مسجد جامع جهرم دارای شبستانی قدیمی است که از ۱۳ آن بعنوان انبار مسجد استفاده میشود و دو قسمت دیگر آن استفاده مؤثری نمیشود و درب آن بسته است در این مسجد پایگاه مقاومتی دارای یکصد نفر جوان فعال بسیجی وجود دارد که به سبب نبودن جا اجرای برنامه‌های پایگاه (شامل برنامه‌های فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، مذهبی، نظامی، فوق برنامه و تقویتی) و کلاس‌های مربوطه با مشکل مواجه است. حال با توجه به مراتب فوق این سؤال مطرح است که:

۱- آیا امکان اینکه دو قسمت دیگر شبستان مسجد در اختیار پایگاه مسجد قرار بگیرد، هست یا خیر؟

۲- از شبستان مسجد میتوان بعنوان اجرای برنامه‌های فرهنگی، مذهبی، عقیدتی سیاسی و نظامی و فوق برنامه استفاده کرد یا خیر؟

۳- در صورت مثبت بودن جواب‌های فوق آیا امکان دارد بمنظور استفاده بهینه از شبستان آنجا را با تیغه‌های آجری به قسمت‌های مختلف جهت کلاسهای یاد شده تقسیم نمود یا خیر؟

### ج

- مسجد پایگاه عموم مسلمانان برای عبادت و خداپرستی و معبد عام و مرکز و محلّ حضور و اجتماع همگان برای نماز و اداء جمعه و جماعات و تبلیغ اسلام و بیان معارف و احکام و تکالیف آنان است تعلیم و تعلّم فرهنگ و عقیده و اصول و فروع دین و مذهب و هدایتهای اخلاقی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی همه در پرتو تعالیم اسلامی از صدر اسلام و بوسیله شخص پیغمبر اسلام (ص) در مسجد برقرار گردیده و تشکیل حلقات و حوزه‌های درس تا امروز هم در مساجد ادامه دارد، ولی در بنیاد مساجد آنچه اصل و جامع تمام این فوائد است نماز و اقامه جمعه و جماعات است باید اجراء برنامه‌های دیگر مزاحم

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۷۰

با این برنامه و سبب کم رنگی آن نشود تدریس و تعلیم قرآن مجید و معارف اسلام و رسیدگی بامور مسلمانان و جمع‌آوری اعانات و تعظیم شعائر و جلسات خیریه و همکاری‌های بسیجی و امر بمعروف و نهی از نمکر و کارهای دیگر از این قبیل مربوط به شئون اسلام و اصلاح امور مسلمین همه در مسجد بشرط عدم مزاحمت با اقامه نماز و عدم تغییر عنوان مسجد و عدم اختصاص کل

یا بعض آن بگروه معیّن، یا اقدام خاص مانع ندارد ولی تصرّف مسجد و اختصاص آن بعنوان مرکز درس یا کلاس رسمی هر چند درس قرآن باشد یا مرکز خیرات و اعانه‌رسانی یا پایگاه بسیج و جهاد که در حیطه خاص این امور قرار بگیرد جایز نیست. و اللّه العالم.

### س ۹۳۰

#### اشاره

– در یک مسجد دو باب حجره به همیاری مردم و مؤمنین برای وسائل و ضروریات مسجد در صحن مسجد ساخته‌ایم آیا می‌توانم اثاثیه مسجد را خارج و پایگاه بسیج نمایم؟

#### ج

– در مورد سؤال خارج کردن اثاثیه مسجد از حجره‌های مذکور و هرگونه تصرف در آن در غیر جهت وقف جایز نیست در صورت نیاز مناسب است مردم و یا مسئولین اقدام کنند و محلی برای پایگاه بسیج تهیه نمایند.

### س ۹۳۱

#### اشاره

– زمینی را وقف مسجد نموده‌اند زیر زمین مسجد ساخته شده است هنوز همکف ساخته نشده است در ضمن محل نیاز به کتابخانه هم دارد و از طرف دیگر درخواست نموده‌اند برای کانون فرهنگی و ورزشی آیا جهت اجاره دادن به کانون درست است یا خیر؟

#### ج

– زیر زمین مسجد حکم مسجد را دارد و اجاره دادن آن صحیح نیست و بطور کلی استفاده از موقوفه در غیر عنوانی که برای آن وقف شده مطلقاً جائزنیست.

### س ۹۳۲

#### اشاره

– این جانب زمینی واقع در کوی پاسداران جهت مسجد واگذار کردم و گفتم به شرط اینکه در این زمین پایگاه بسیج زده نشود زمین را برای مسجد می‌دهم و الّا نمی‌دهم آیا بسیج سپاه می‌تواند بدون رضایت در این مسجد پایگاه بزنند؟

#### ج

– احداث پایگاه در زمین واگذار شده برای مسجد جایز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۱

### س ۹۳۳

#### اشاره

– رسم است مجالس ترحیم در مساجد برگزار میشود و اگر مجلس ترحیم مزاحم نمازگزاران و یا کسانی که بنوافل و تعقیب اشتغال دارند بشود آیا برگزاری مجلس ترحیم شرعاً چه صورت دارد؟

#### ج

– حرام است.

### مسائل متفرقه مسجد

### س ۹۳۴

#### اشاره

– در حدود چهارصد سال پیش شخصی مسجدی را بنام خود بنیان گذاشته و تولیت آن را نسلًا بعد نسل به فرزندان ذکور سپرده از آن زمان تاکنون تمام امورات مسجد حتی تعیین امام جماعت مسجد بعهده نایب التولیه بوده است و امام جماعت مسجد هیچ‌گونه دخالتی در امورات مسجد نداشته است. در حدود ۱۰ سال پیش قسمت اعظم مسجد بصورت مخروبه درآمده و با کمک اهالی محل بازسازی گردیده آیا اکنون که مسجد توسط اهالی محل بازسازی شده نایب التولیه می‌تواند خود به تنهایی هیئت امناء تعیین و در امورات مسجد همچون قبل دخالت نماید؟
ضمناً جهت برگزاری مجالس ترحیم مبالغی بی‌حساب بعنوان کمک به مسجد دریافت می‌شود با توجه به مسأله فوق الذکر نظر مبارك حضرتعالی چیست؟

#### ج

– در امور مربوط به حفظ شئون و عمران مسجد همه مؤمنین مساویند و اختصاص به شخص خاصی ندارد و نماینده واقف حق منع دیگران را ندارد بلی اگر برای مسجد موقوفاتی باشد باید زیر نظر متولی منصوص که از طرف واقف معین شده بمصرف برسد و برگزاری مراسم ترحیم در صورتی در مسجد جایز است که مضرّ بمسجد و مانع نماز در آن نباشد توصیه می‌شود که مؤمنین و فرزندان واقف مسجد همه با هماهنگی و وحدت نظر عمل کنند و از اختلاف نظر جداً پرهیز نمایند. و الله العالم.

### س ۹۳۵

#### اشاره

- مسجدی است از قدیم الایام به نام شخص معروفی و در آن مسجد نماز جماعت و عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) برگزار می‌گردد اکنون با بازسازی آن می‌توان نام آن را تغییر داد؟

**ج**

- مقتضی است مؤمنین از تغییر نام مسجد و حسینیه که موجب فراموش

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۷۲

شدن نام بانی اولی است خودداری کنند تا افراد خیّر بی‌رغبت نشوند و با باقی گذاشتن نام افراد خیّر موجبات تشویق مؤمنین به تأسیس بناهای خیر و عام المنفعهٔ را فراهم نمایند. و اللّه العالم

## س ۹۳۶

**اشاره**

- آیا می‌توان در یک مسجد وضو گرفت و در مسجدی دیگر نماز خواند؟

**ج**

- مربوط به کیفیت وقف محلّ وضوء مسجد است.

## س ۹۳۷

**اشاره**

- حکم رفتن به مسجد جامع و واگذاشتن مسجد محل را بیان فرمائید.

**ج**

- نماز در مسجد جامع افضل از مسجد محل است ولی ملاحظه تعطیل نشدن مسجد محل نیز موجب مزید اجر نماز در آن است.

## س ۹۳۸

**اشاره**

- شخصی در کنار منزلش مسجد است نماز جماعت هم در آن برگزار می‌شود ولی این شخص به مسجد دیگری می‌رود آیا این عمل او باعث بی‌حرمتی به مسجد نزدیک به منزلش محسوب نمی‌شود؟

**ج**

- فی نفسه نماز در آن مسجد برای همسایه مسجد اولی و مستحب مؤکد است و بدون جهت رجحان مسجد دیگر، ترک آن سزاوار نیست این در صورتی است که مسأله جهت خودمان باشد ولی اگر برای عمل شخص دیگر است اعتراض به او یا پرسش از علت عمل او موجه نیست.

### س ۹۳۹

#### اشاره

- مساجدی است که در ملأ عام نیست و در کوچه پس کوچه می‌باشد گاهی صدها هزار تومان خرج کاشی و محراب و مناره آن می‌شود آیا این کار صحیح است؟

#### ج

- موارد مختلف است هرگاه در نظر عرف زیاده روی نباشد اشکال ندارد و با شکوه بودن مساجد فی الجملهٔ موجب تعظیم شعائر و ظهور شوکت اسلام است. و الله العالم

### س ۹۴۰

#### اشاره

- مسجدی در زمین مشاعی که بین مالکین مسلمان و ارمنی است بنا شده با اجازه خودشان امّا شخص اهل کتاب مراسم ختم پدرش را در مسجد مسلمان برگزار نموده است و واعظ مسلمان در آن مجلس سخنرانی نموده و خود ایشان هم در مجلس حضور داشته است و ضمناً در مراسم مسلمین که در
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۳
مسجد منعقد میشود شرکت میکند آیا حضور شخص ارمنی در مسجد هتك مقام مسجد محسوب میشود یا خیر؟

#### ج

- دخول اهل کتاب بمسجد جایز نیست چه برای برگزاری مراسم باشد و چه غیر آن و خوب است چنین شخصی اسلام اختیار کند تا از همه مزایای اسلام بهره‌مند شود.

### س ۹۴۱

#### اشاره

- مسجدی را به عنوان مقاطعه به پیمانکاری دادند که بسازد پیمانکار قسمتی از ساختمان مسجد را به شخص مسیحی که تمام

کارگران او هم مسیحی هستند واگذار کرده است آیا دخول مسیحی به مسجد و کار کردن آنها مجوز شرعی دارد یا نه؟

ج

- ورود غیر مسلم به مسجد جایز نیست در فرض سؤال کار را تعطیل نمایند و ظاهر بنایی که غیر مسلم با آن تماس داشته احتیاطاً تطهیر نمایند. خداوند همه را از شرور و فتن آخر الزمان محفوظ بدارد. و اللّه العالم

### س ۹۴۲

#### اشاره

- آیا بلند کردن صدای اذان از مسجد خصوصاً اذان صبح در صورتی که همسایگان مسجد اعتراض می‌کنند و اظهار می‌کنند صدای اذان موجب آزار و اذیّت آنها می‌شود جایز است یا نه؟

ج

- از بلندگو اگر موجب اذیّت و آزار همسایگان است در اذان صبح استفاده نکنند اما مستحب است که مؤذن صدایش بلند باشد مع ذلک به این آیه کریمه توجه داشته باشند «و إذا ذکر اللَّه وحده اشمأزت قلوب الذین لا یؤمنون بالآخرة و إذا ذکر الّذین من دونه اذا هم یستبشرون» حکایتی از حضرت ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه السلام نقل می‌کنند که برای آنکه بانگ دلنواز سبّوح قدّوس رب الملائکة و الروح را بشنود عاقبت همه گوسفندان خود را بخشید.

### س ۹۴۳

#### اشاره

- مسجدی وصل به مدرسه دینی طلاب می‌باشد و مدرسه دارای سالنی است که تمام وقت مسجدیها از آن استفاده می‌کنند و می‌گویند چندان مورد نیاز طلاب نیست و بعلّت قفل بودن مورد بهره‌برداری طلاب قرار نمی‌گیرد آیا استفاده اهل مسجد جایز است یا خیر؟

ج

- چنانچه استفاده اهل مسجد از آن مزاحم با استفاده طلاب از آن نباشد و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۴

موجب نشود که به مرور زمان جزء مرافق مسجد شود استفاده اهل مسجد از آن اشکال ندارد.

### س ۹۴۴

#### اشاره

– مساجد از موقوفات عامه مسلمین است با تزیین مساجد درب‌های مسجد اکثراً بسته است آیا ممانعت از بهره‌برداری موقوفات عامه گناه نیست؟

#### ج

– جمع بین مقاصد صحیح در مورد مساجد این ستکه برای مساجدی که در تمام ساعات یا اوقات نماز معرض مراجعه مؤمنین برای نماز و عبادت است خادم معین شود تا هم برای استفاده نمازگزاران آماده باشد و هم از هتک احترام و بعض اعمال خلاف شئون مسجد محفوظ باشد.

### س ۹۴۵

#### اشاره

– آیا کسانی که مثل شب عاشورا برای تهیه غذای ظهر عاشورا در مسجد کار می‌کنند شب خسته می‌شوند و آخر شب کارها سبک می‌شود می‌توانند در مسجد استراحت یا احیاناً بخوابند؟

#### ج

– خوابیدن در مسجد کراهت دارد ولی حرام نیست. و اللّه العالم

## مدارس علمیه

### س ۹۴۶

#### اشاره

– آیا از درآمد موقوفاتی که اختصاص به اداره حوزه علمیه دارد علاوه بر حق التدریس اساتید می‌توان مصرف هزینه‌های جنبی بمانند آب و برق و سرویس ایاب و ذهاب اساتید و حقوق خدمتگزار و غیره که لازم و ملزوم یکدیگرند نمود؟

#### ج

– به طور کلی عواید موقوفه باید در مواردی که واقف معلوم کرده صرف شود و چون ترتیبات مقرّر در موقوفات یکسان نیست اظهار نظر کلّی در آن میسر نمی‌باشد باید در هر مورد با ملاحظه وقفنامه اظهار نظر شود.
و اللّه العالم.

### س ۹۴۷

### اشاره

- آیا تشکیل جلسه درس طلاب علوم دینیهٔ در اطاقی از حسینیه جایز است یا نه؟

### ج

- با فرض عدم مزاحمت با مراسم عزاداری مانعی ندارد.

### س ۹۴۸

### اشاره

- شخصی که در محل عمومی تدریس می‌کند و رضایت شرکت
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۵
بعضی از افراد را درس خود ندارد و شخصی را شخصاً از آمدن و شرکت در درسش نهی می‌کند آیا این نهی حرمت تکلیفی بر آن فرد دارد یا نه؟

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه تدریس برای استفاده عموم بلامانع باشد شرکت شخص مفروض در مجلس درس اشکال ندارد.

### س ۹۴۹

### اشاره

- آیا استفاده اندك از حجرات و معطل کردن آن در بخش عمده ایّام با توجه به نیاز طلاب به این حجرات، جایز است یا خیر؟ آیا صرف سابقه حضور در حجره‌ای مجوز بسته نگاه داشتن یا استفاده ناچیز (یکی دو ساعت در روز) و محروم کردن طلاب بدون حجره از استفاده شبانه روزی می‌باشد یا نه؟

### ج

- اگر در وقف کیفیتی و ترتیب خاصی برای استفاده از حجرات مدرسه معین شده باشد همان کیفیت و برنامه برای باید معمول

گردد، و هم چنین اگر از گذشته سیره بر استفاده بنحو خاصی مستقر بوده مثل آنکه بعض از علماء و فضلاء با وجود نیاز طلاب حجره خاصی اختصاصی برای تدریس و مباحثه داشته باشند، فعلًا نیز همان سیره در همان محدوده قابل اجراء است و اگر کسی باین صورت حجره داشته باشد مزاحمت با او جائز نیست و ظاهراً این برنامه را که با این عنوان که بزرگان و افراد مهذب در مدرسه آمد و شد داشته باشند، متولّیان در هر زمان به مصلحت وقف و لازم میدانستند، و در واقع نظارت ایشان را بر امور اخلاقی طلاب جلب میکردند، مع ذلک چون مدارس در سابق و بیشتر در زمان حال برای اسکان طلاب وقف شده در صورتی که کیفیتی جهت اداره آنها معین نشده باشد، باید متولی جهتِ نیاز طلاب را بحجره و سکونت در مدرسه رعایت نماید و بدون مصلحت مرقوم صرفاً بعنوان مباحثه و تدریس، کسی مزاحم سکونت طلاب در حجرات نشود، علی هذا ظاهر این ستکه در مورد مدارس قسم دوم اختصاص حجره بمجرد تدریس و مباحثه منوط بنظر و صلاحدید متولی منصوص یا منصوب از طرف فقیه میباشد.

### س ۹۵۰

### اشاره

- در صورت عدم مراجعه ساکنین قبلی حجرات برای تخلیه و بردن وسائل خود، حکم کتب و سائر وسائل آنان چه می‌باشد؟

### ج

- اگر با اعلام و اخطار و سلب مسئولیت در موعد مقرّر برای تحویل گرفتن کتب و وسائل خود نیامد با نظر متولی شرعی وسائل و اثاث ساکن قبلی جمع میشود و در محل مناسبی برای او نگهداری میشود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۶

### س ۹۵۱

### اشاره

- اگر مدرسه‌ای متولّی خاص یا عام نداشته باشد تکلیف استفاده طلاب از حجرات آن چگونه است؟

### ج

- اگر متولّی منصوص نداشته باشد یا مجهول التولیه باشد تولیت آن با مجتهد جامع الشرائط است و در نحوه استفاده طلاب به سیره‌ای که معمول بوده عمل شود.

### س ۹۵۲

### اشاره

– اگر مدرسه مخروبه‌ای از محل وجوهات شرعیّه زیر نظر فرد مأذون از سوی مجتهد جامع الشرائط تعمیر شود، فرد ناظر بر صرف وجوهات نسبت به این مدرسه و نحوه استفاده آن جهت طلاب تولیت عام یا خاص پیدا می‌کند و آیا اصولًا حقی پیدا می‌کند مبنی بر اینکه مانع از استفاده طلابی گردد که برای سکونت خود جائی ندارند و مجبورند شبها را در مسجد یا خانه استیجاری بسربرند؟

### ج

– امر آن با مجتهد جامع الشرائط است اگر فرد ناظر خود مجتهد باشد یا از طرف مجتهد مأذون در تصرّف باشد و امر مدرسه زیر نظر او باشد در اداره مدرسه مزاحمت با او جایز نیست و کیفیت استفاده تابع مقرّرات وقف است.

## قبرستان

### س ۹۵۳

### اشاره

– اینکه مکروه است زن به قبرستان برود آیا هنگام تشییع و دفن است یا همیشه حتی شبهای جمعه را هم شامل می‌شود؟

### ج

– آنچه مکروه است شرکت زنان در تشییع جنازه است بنابراین مورد سؤال مکروه نیست بلکه رجحان دارد.

### س ۹۵۴

### اشاره

– قبرستانی است موقوفه قبور آن مندرس شده آیا می‌شود به جای آن قبور دوباره اموات جدید دفن کرد؟

### ج

– اگر جنازه قبلی بکلی از بین رفته باشد حتی استخوانهای آن هم بکلّی از بین رفته باشد مانعی ندارد و الّا جائز نیست.

### س ۹۵۵

**اشاره**

– مکانی است در روستای اسلام‌آباد که از قدیم می‌گویند قسمتی از آن مسجد بوده که به مرور ایّام به صورت مخروبه در آمده و اطراف آن قبرستان مسلمین بوده است. اکنون عده‌ای مسجد را توسعه داده و تجدید بنا کرده‌اند.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۷

سؤال اهالی این است که نماز خواندن در این مکان که قسمتی از آن به روایت قدیمی‌ها مسجد بوده و قسمتی از آن با تصرف در قبرستان و نبش قبور به دست آمده، چه حکمی دارد؟

**ج**

– اگر چه تخریب و نبش قبور مؤمنین و تبدیل آن به مسجد جایز نیست لکن نماز خواندن در محلّ مذکور فعلًا اشکال ندارد. و اللّه العالم

### خریدوفروش قبر

**س ۹۵۶**

**اشاره**

– چه می‌فرمائید در مورد اینکه فردی برای خود و همسرش در بلد طیّبه قم قبر خریداری نموده پس از مدتی خودش در طبقه زیرین آن دفن گردید و پس از مدتی در طبقه فوقانی آن که مال همسرش بود اشتباهاً شخص دیگری دفن گردیده که حالا صاحب قبر و تنها وارث آنان که دو دختر می‌باشد راضی نیستند و اصرار دارند که جنازه باید از قبر آنان درآورده شود؟

**ج**

– در مورد سؤال، چنانچه قبری که خریده ملک شخصی بوده باید جسد میّت خارج شود و در جای دیگر مدفون شود و اگر قبر در ملک وقفی بوده چون خریدوفروش آن جایز نیست دختران متوفّی حقّی نسبت به آن ندارند و جایز نیست جسد میّت مدفون در آنجا از قبر خارج شود.

**س ۹۵۷**

**اشاره**

– قبرستانی وقف شده که عموم مسلمین در آن دفن شوند اگر کسی بخواهد قبر خود را در آنجا معین کند که هر وقت فوت شد

بخاك سپرده شود در صورتی که منع کند که دیگری در آن مکان معین دفن گردد آیا جایز است یا نه؟

**ج**

– محلی که برای عموم وقف شده کسی نمیتواند بخود اختصاص دهد و مانع دفن دیگران شود.

**س ۹۵۸**

**اشاره**

– زمینی خریـداری شـده بعنوان دفن اموات سـپس در آن زمین قبر درست کردهانـد میگوینـد این مکان دفن مثلًا پنجاه هزار تومان و مکـان دیگر صـد هزار تومان این مبلغ را هم بایـد بعنوان هزینه قبرسـتان بـدهی صاحب عزا میگویـد خودم میّت را در یک گوشه‌ای دفن میکنم مبلغی نیز بشما می‌دهم این عمل مشروع هست یا خیر؟

**ج**

– زمینی که بعنوان قبرستان وقف شده باشد پول گرفتن برای دفن میّت در آن
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۷۸
و نیز پول گرفتن در مقابل غسل میّت در آن جایز نیست بلی اگر پولی بعنوان کنـدن قبر یا مقـدمات غسل بگیرند اشـکال ندارد البته مقتضی است اجحاف نشود و بصورت فعلی که در فلان موضع فلان مبلغ در فلان جا فلان مبلغ عمل نشود.

**س ۹۵۹**

**اشاره**

– موکّلم دارای بقعه در قبرسـتان بوده و به نام آرامگاه خاندان آنها ثبت و در اداره اوقاف نیز دارای پرونده و سابقه می‌باشد در چند سال قبل این بقعه در حال تخریب بوده با اعلام کتبی اداره اوقاف به عنوان حقیر ساختمان بقعه تجدید بنا و با هزینه گزاف از بودجه موکّلم بازسـازی و مرمّت شـد و برابر اعلاـم اداره اوقـاف و موافقت صاحب بقعه درب آن جهت مباحثات علمی طلاب باز گـذارده شـد. شخصـی بـدون اطلاع مالك دو فقره قبر از اداره اوقاف داخل بقعه خریداری و پدر و مادر خود را در آن مکان دفن نموده لذا صاحب بقعه عـدم رضایت خود را اعلام و نسبت به غصبی بودن محل توسط حقیر به ورّاث تـذکّر داده شـده لیکن آنها مشـروعیّت مسأله را بنا به فتوای حضرت عالی واگذار نموده‌اند از محضر مبارك تقاضا می‌شود فتوای خود را مرقوم فرمایید.

**ج**

– به طور کلی قبرستان موقوفه قابل خریدوفروش نیست و کسی مالك آن نمی‌شود. و اللّه العالم

### س ۹۶۰

### اشاره

– شخصی در زمان حیات خود حدود ۲۰ سال قبل مبادرت به خریداری زمین و قبری در محل امام زاده جهت محل دفن خود نمود و آن را آجرکاری و آماده‌سازی با نصب سنگ قبر نمود اما موقع فوت مانع از دفن وی در قبر خودش شدند درحالی‌که قبر مذکور شرعاً متعلق بوارث وی می‌باشد لیکن اداره اوقاف می‌خواهد قبر مذکور را تخریب و قبر دیگری در زیر آن احداث کرده و آن را تبدیل به دو طبقه نماید و بفروشد و می‌گوید ورّاث اگر قبر زیر را نخرند اداره اوقاف آن را می‌فروشند.
حالا برای روشن شدن مسأله حکم شرعی آن را که آیا اداره اوقاف مجاز است مانع کار آنها شود یا خیر و آیا می‌تواند قبری را که صاحب شرعی دارد بفروشد یا نه بیان فرمائید.

### ج

– اگر زمین مذکور وقف است خرید آن بی‌مورد بوده و خریدار مالك آن نشده و متولّی وقف هم نمی‌تواند آن را بفروشد و اگر وقف نیست و خریدار زمین
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۷۹
قبر را از مالك شرعی آن خریده در این صورت قبر ملك خریدار است و دیگری حق تصرف آن را ندارد.

## تخریب قبرستان

### س ۹۶۱

### اشاره

– قبرستانی است در محل قدیمی که ۳۵ یا ۴۰ سال یا بیشتر از آن گذشته و کسی دیگر در آن دفن نمی‌شود و محل زباله و کثافات حیوانات شده آیا می‌شود این قبرستان را حسینیّه برای عزاداری أبا عبد اللّه علیه السلام نمایند؟

### ج

– اگر قبرستان وقف است جایز نیست حسینیّه شود. و اگر وقف نیست و نبش قبر نمی‌شود مانع ندارد. و اللّه العالم

### س ۹۶۲

**اشاره**

- آیا قبرستان مسلمین را می‌توان تخریب نمود و به فضای سبز تبدیل کرد؟

**ج**

- بطور کلی نبش قبور و تبدیل قبرستان مسلمین به فضای سبز و غیره جائزنیست.

**س ۹۶۳**

**اشاره**

- شخص خیّری زمین بایری را که در اطراف قبرستان کهنه بوده در حدود بیست سال پیش خریداری نموده و وقف قبرستان کرده و با قبرستان کهنه یکجا هموار کرده دور قبرستان کهنه و زمین خریداری شده را حصار نمود و آن واقف فوت کرده است الآن چند نفر از اهالی محل آن زمین نامبرده را گرفته و تبدیل به زمین زراعتی نموده‌اند مقداری از سود حاصله را صرف مسجد می‌نمایند آیا از نظر شرعی می‌توانند یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال که زمین مذکور وقف قبرستان شده تبدیل آن بزمین زراعتی جائز نیست.

**س ۹۶۴**

**اشاره**

- تلّی بنام قبرستان در میان این روستا واقع گردیده که باعث ناراحتی مردم در این تلّ آخرین میت ۴۲ سال قبل دفن شده است که وراث آن مرحوم هم در حال حیات هستند لذا چون در وسط روستا است زمین هم جهت درمانگاه لازم داریم و این قبرستان وقف نیست همین طور در زمان قدیم مرده دفن میکردند و قبرستان جدیدی نیز داریم که ۴۰ سال است در آن مرده دفن میشود.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۰
اگر اجازه بفرمائید چون زمین نیاز داریم تلّ جهت درمانگاه این روستا به عنوان خیرات برای متوفی ساخته شود؟

**ج**

- در فرض سؤال، چنانچه تلّ مذکور وقف نباشد و موات بوده و اهالی یقین داشته باشند که اموات مدفون در آنجا پوسیده و خاک

شده‌اند ساختن درمانگاه در آن مانع ندارد و الا جائز نیست.

### احداث بنا و توسعه قبرستان

#### س ۹۶۵

##### اشاره

- زمین مواتی است که بعضی افراد در سالهای قبل از انقلاب روی آن سند مالکیت گرفته‌اند ولی بعد از گذشت چندین سال به شهادت معتمدین شهر و شواهد موجود همچنان بصورت موات باقی است اکنون شهرداری شهر قصد دارد زمین مزبور را جهت گورستان آماده سازد آیا دفن اموات در آن بی‌اشکال است؟

##### ج

- بطور کلّی زمین موات بالاصاله بصرف گرفتن سند، بدون تحجیر و یا احیاء، متعلق حق کسی نمیشود و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و دفن اموات در زمین موات اشکال ندارد.

#### س ۹۶۶

##### اشاره

- آیا می‌توان جنب دیوار قبرستان که قبری در آن محل وجود ندارد و نداشته و حدود پنج الی شش متر به قبر مؤمنین فاصله دارد جهت رفاه اشخاصی که برای قرائت فاتحه و غیره در قبرستان رفت و آمد می‌نمایند دستشویی و توالت احداث نمود یا خیر؟ ضمناً چاه فاضلاب خارج از قبرستان می‌باشد.

##### ج

- اگر زمینی که می‌خواهند در آن دستشویی بسازند موقوفه قبرستان نباشد و ملک کسی هم نباشد اشکال ندارد. و اللّه العالم

#### س ۹۶۷

##### اشاره

- قبرستانی است قدیمی که از چند قرن پیش اموات مؤمنین در آنجا دفن شده و حالا ـ نیز دفن می‌شود در آن حوالی غسال خانه مرسوم نبوده اموات را در خانه‌ها غسل می‌دادند حالا ـ مؤمنین و علماء محل تصمیم گرفته‌اند که در جای مناسب آن قبرستان که

اموات دفن نشده غسالخانه درست نمایند آیا جایز می‌باشد یا نه؟

ج

- بناء غسالخانه در محل قبرستان و لو در قسمتی که هنوز میّت دفن نشده جائز

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۸۱

نیست بلی اگر محل قبرستان موات است در قسمتی که میّت دفن نشده بناء غسالخانه در آن قسمت مانعی ندارد.

**س ۹۶۸**

**اشاره**

- غسالخانه که جزء قبرستان است و مورد استفاده عموم مردم می‌باشد اجازه می‌فرمائید تخریب کنند و جای آن را حسینیه بسازند و مغازه‌هائی جهت اجاره دادن ساخته شود؟ و اگر شخصی چنین کاری کرده باشد آیا شرعاً جایز است یا خیر؟

ج

در فرض سؤال، تخریب غسالخانه و تبدیل آن به حسینیه و مغازه جایز نیست و کسی که چنین کاری کرده باید محل مذکور را بصورت اوّلی برگرداند.

## تخریب و نبش قبر

**س ۹۶۹**

**اشاره**

- قبرستانی در طرح جاده قرار گرفته آیا جاده قرار دادن آن جایز است یا نه؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه قبرستان مذکور وقف است جاده قرار دادن آن جایز نیست البته شهرت محلی جهت اثبات وقفیت کافی است و بر فرض عدم اثبات وقفیت هم نبش قبور مؤمنین حرام است. و اللّه العالم.

**س ۹۷۰**

### اشاره

– در شهرستان رودبار زیتون ساختمان امامزاده محل بواسطه زلزله سال ۶۹ ویران شده است اکنون مشغول بازسازی و در قسمت شرقی بیرون دیوار بقعه مذکور بخاطر محوطه‌سازی خاکبرداری شده یک قبر به ارتفاع بیش از یک متر که حدود ۱۰ سال از زمان دفنش گذشته در وسط باقی مانده است حال این قبر مرتفع مانع بازسازی و عبور دسته و هیأت می‌باشد لذا اهالی و صاحبان قبر از این منظره ناراحت هستند اگر بخواهند یک طرف قبر زیر قبر را گود کنند و خاک‌برداری کنند و قبر در آن گودی نشست کند که نبش نشده باشد جایز است یا خیر؟ یا اینکه اطراف و زیر قبر را بتون نموده قبر را با جنازه با جرثقیل بلند کنند و در جای دیگر که گود کرده‌اند بگذارند چه صورت دارد؟

### ج

– در مورد سؤال، چنانچه خاکبرداری اطراف قبر مذکور نشست کردن قبر موجب

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۲

نبش قبر و آشکار شدن جنازه نشود و یا بهمان نحوی که مرقوم شده با بتون‌ریزی قبر جنازه را به محل دیگر منتقل کنند ظاهراً اشکالی ندارد و احتیاطاً این عمل باید با موافقت ورثه میت باشد و اگر ورثه نداشته باشد با جلب نظر فقیه جامع الشرائط باشد.

### س ۹۷۱

### اشاره

– با ساختن سدّی بیش از ۳۰ تا ۴۰ امامزاده به زیر آب می‌روند، آیا بردن قبور شهدا و امامزاده‌ها به زیر آب جایز است؟

### ج

– اگر باعث هتک و توهین به امامزاده شود یا سبب از بین رفتن آنها بشود جایز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۳

احکام خریدوفروش

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۵

## احکام خریدوفروش و مشاغل

### شغلهای حرام

### س ۹۷۲

### اشاره

- کسـی که برای اهـل کتاب که ذبیحه اهل کتاب را حلال می‌داننـد و به کسانی که بین حلال و حرام فرق نمی‌گذارنـد از گوشـت ذبیحه غیر اسـلامی کباب درست می‌کنـد و می‌فروشـد چه حکمی دارد و در صورت حرام بودن با قصد نان و سالاد کباب بفروشـد چه حکمی دارد وکار کردن در این مغازه چه طور است؟
س ۹۷۳- کسـی که به اهل کتاب شراب می‌فروشد به قصد این که من شیشه می‌فروشم این چه حکمی دارد وکار کردن چه حکمی دارد؟

### ج

- ذبیحه اهل کتاب حکم میته را دارد و فروختن میته و لو به اهل کتاب اشـکال دارد و قصـد نان و سالاد مجوّز آن نیست و همچنین فروختن شراب و لو به اهل کتاب جائز نیست و قصد شیشه مجوّز برای قرار دادن شراب در اختیار شراب‌خوار نمی‌شود.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۸۶

### س ۹۷۴

### اشاره

- آیا خریدوفروش خرچنگ و کوسه جایز است یا نه؟ و خوردن آنها حلال است یا نه؟

### ج

- خـوردن خرچنـگ و کوسه‌مـاهی که ظـاهراً فلس نـدارد حرام است و فروش آنهـا نیز برای خـوردن و لو به کـافر جـائز نیست ولی چنانچه گوشت آنها منافع دیگری داشته باشد مانند خوراك دام و طیور فروختن آنها و لو به مسلمانان اشکال ندارد.

### س ۹۷۵

### اشاره

- دلّالهای معاملات ربوی که از مراجعین مضـطر جهت این دلّالی وجوهی را دریافت می‌کننـد آیا این وجوه حرام است؟ در صورت حرام بودن توسط حاکم شرع قابل استرداد است یا خیر؟

### ج

- دلّالی گرفتن برای معاملات ربوی حرام است و پول گرفته شده باید به مالك پول مسترد شود.

### س ۹۷۶

### اشاره

- حکم استفاده از ماهواره و خریدوفروش آن را بیان فرمائید.

### ج

- خریدوفروش و استفاده مشروع- اگر مجتهد جامع الشرائط به ملاحظه مصالح مهمّه‌ای آن را ممنوع نکرده باشد- اشکال ندارد.

### س ۹۷۷

### اشاره

- خریدوفروش وسایل سرگرمی منچ، شطرنج و کارت بازی (که در آن مشخصات بعضی از چیزها ذکر شده) چه حکمی دارد؟

### ج

- شطرنج آلت قمار است و خریدوفروش آن جایز نیست ولی سایر اشیاء سرگرمی اگر آلت قمار و فساد و لهو نباشد مانعی ندارد.

### س ۹۷۸

### اشاره

- حکم آلات موسیقی از جهت خریدوفروش و استعمال و نیز استماع را بیان فرمایید؟

### ج

- خریدوفروش آلات موسیقی باطل و حرام است و استعمال آلات موسیقی نیز مانند استماع آن حرام است.

### س ۹۷۹

### اشاره

- خریدوفروش مجسمه یا نقاشی، بعنوان آثار هنری، چه حکمی دارد؟

ج

- نسبت به نقّاشی اشکال ندارد و نسبت به مجسّمه ذی روح احتیاط در ترک است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۷

س ۹۸۰

اشاره

- خریدوفروش مجسمه انسان و حیوان جهت تزیین کمد و صندلی و غیره و بکار بردن آن در منبت کاری چه صورتی دارد؟

ج

- به نظر این جانب خریدوفروش مجسّمه ذی روح بنابر احتیاط لازم حرام است.

س ۹۸۱

اشاره

- آیا کار کسی که سحر ساحر را باطل می‌کند و شخصی را نجات می‌دهد حرام است یا خیر؟

ج

- ابطال سحر اشکال ندارد. و اللّه العالم.

س ۹۸۲

اشاره

- افرادی در شهر ما هستند که می‌گویند دعانویس هستیم و بیماران و افرادی که دستشان از همه جا بریده شده است پیش این گروه میروند اولًا آیا چنین چیزی در اسلام وجود دارد؟ ثانیاً اگر کارشان بی‌اصل است وظیفه مسلمانان در قبال آنها چیست؟

ج

- شما در بر نامه‌های دعائی به کتابهای معتبر مثل مصباح شیخ طوسی- علیه الرحمه- و کتابهای سید بن طاوس و خصوصاً صحائف سجادیه (صحیفه کامله و صحیفه ثانیه و ثالثه و رابعه) و کتاب دعاء بحار و مفاتیح الجنان مراجعه نمائید.

س ۹۸۳

اشاره

- زنان یا مردانی کنار خیابانها و پیاده‌روها نشسته برای مردم فال می‌گیرند و به اشخاص می‌گویند گذشته شما چه بوده و آینده شما چگونه خواهد بود آیا کار آنها مشروعیت دارد یا نه و آیا مراجعه به آنها و پول دادن به آنها جایز است یا نه؟

ج

- عمل مذکور جائز نیست و پول دادن در مقابل آن تضییع مال و گرفتن پول هم اکل مال به باطل و حرام است.

س ۹۸۴

اشاره

- بعضی اشخاص جهت جلب رزق (افتادن ماهی در تور ماهیگیری) از طریق سحر وارد می‌شوند آیا این کار جایز است یا نه؟

ج

- سحر کردن شرعاً حرام است.

س ۹۸۵

اشاره

- حکم احضار ارواح را بیان فرمائید؟

ج

- احضار ارواح حرام است. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۸

**س ۹۸۶**

**اشاره**

- نظر حضرت عالی در مورد شعبده‌بازی چیست؟

**ج**

- شعبده‌بازی عبارت است از این که شعبده‌باز غیر واقع را بسبب سرعت حرکات بصورت واقع نشان می‌دهد و این عمل شرعاً حرام است. و اللّه العالم

**س ۹۸۷**

**اشاره**

- در مجالس عروسی اشخاصی به عنوان شعبده‌باز و تردست عمل غیر واقعی را واقعی نشان می‌دهند بوسیله حرکات سریع دست، ساعتی مردم را به خود مشغول نموده و در مقابل مبالغی دریافت می‌کنند. آیا وجهی را که آنها می‌گیرند مالکند؟

**ج**

- عمل اشخاص مذکور و وجهی که در مقابل این عمل می‌گیرند و همچنین پول دادن در مقابل اینگونه اعمال اشکال دارد و احتیاط در ترک آنها است.

**س ۹۸۸**

**اشاره**

- اشخاصی که در این مجالس می‌نشینند و این بازیها را تماشا می‌کنند نشستن و تماشا کردن آنها جایز است؟

**ج**

– اگر به منظور تماشای شعبده‌باز باشد اشکال دارد و اگر برای شرکت در مجلس غرض مشروع عقلائی داشته باشند و اتفاقاً این عمل را مشاهده کنند اشکال ندارد مگر این که صدق مجلس معصیت کند که در این صورت هم اشکال دارد و باید مجلس را ترک کنند.

### س ۹۸۹

#### اشاره

– گاهی تلویزیون اقدام به پخش این حرکات می‌نماید تماشای آن جایز است یا خیر؟

#### ج

– چنانچه از مصادیق شعبده باشد حکم مسأله قبل را دارد.

### س ۹۹۰

#### اشاره

– در بازیهای سیرک و بندبازی پول دادن به بهای بلیط جهت تماشا جایز است یا نه؟

#### ج

– اتلاف مال و تبذیر است جایز نیست.

### س ۹۹۱

#### اشاره

– در بازیهای موتور سواری مانند کره مرگ و دیوار مرگ خرید بلیط جهت تماشا جایز است یا نه؟

#### ج

– اتلاف مال و تبذیر است جایز نیست.

### س ۹۹۲

#### اشاره

- زن آرایشگر می‌داند اگر عروس را آرایش کند، او حتماً خودش را به

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۸۹

نامحرم نشان می‌دهد آیا آرایشگر کار حرامی مرتکب شده و اجرت را مالک نمی‌شود آیه شریفه تعاون بر اثم «و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» شامل او می‌شود؟

#### ج

- کار او حرام نیست و اجرت را مالک می‌شود.

### س ۹۹۳

#### اشاره

- استفاده از نام هنرپیشه‌های مبتذل یا غیر مسلمان برای تبلیغ کالا چه حکمی دارد؟ خرید این نوع کالاها جایز است یا نه؟

#### ج

- جائز نیست ولی خرید آن نوع کالا اشکال ندارد یادآوری می‌شود اکثر این امور که مانند گذشته بنام هنر معرّفی می‌شود با متانت و کرامت انسانی منافات دارد و یک انسان با هدف اعمّ از زن و مرد بتقلید از دنیای امروز وقت خود را در این کارها که غالباً منفک از تبعات مضرّه اخلاقی هم نیست صرف نمی‌کند.

## موسیقی و آلات لهو

### ملاک حرمت موسیقی

### س ۹۹۴

#### اشاره

- مبانی فقهی حلّیت و حرمت انواع موسیقی و کیفیت تعیین مصداق موسیقی و مطرب چیست؟

#### ج

- مبانی حلّیت و حرمت آیات شریفه قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) است و مصداق موسیقی را خود عرف تشخیص می‌دهد و از کثرت وضوح توضیح دادن آن باعث ابهام می‌شود.

### س ۹۹۵

#### اشاره

- مقصود از غنا چیست؟

#### ج

- آوازی است مشتمل بر ترجیع، طرب‌بخش، مناسب با مجالس لهو این آواز اگر در غیر مجالس لهو خوانده شود نیز حرام است.

### س ۹۹۶

#### اشاره

- حکم وسائل طرب از قبیل تار، سه تار، سنتور، عود، تنبور، قانون، قیچک، کمانچه، نی، تنبک، دف، پیانو، ویولون، ویلا، کلارینت، فلوت، هورن، ترومپت و سازهای کوبه‌ای را بیان فرمائید؟

#### ج

- استفاده و خریدوفروش و ساختن و تعلیم و تعلم آنها حرام و خانه‌ها و مؤسساتی
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۹۰
که برای اجراء این برنامه‌ها تأسیس می‌شود همه خانه فساد است و پولی که از این راه کسب می‌شود و اشتغال در این مراکز همه حرام است و هیئت‌های آنها باید شکسته شود و هر کس که آن را بشکند ضامن نیست.

### س ۹۹۷

#### اشاره

- تشخیص معیار لهو بودن غنا بر عهده کیست؟

#### ج

- آلات لهو که بیشتر شناخته شده هستند و آواز غنا را هم بیشتر تشخیص می‌دهند بلی اگر در موردی شک کرد که آواز غنا است یا نه برای کسی که معنی غنا و لهو را میداند شنیدن آن حرام نیست ولی خلاف احتیاط است.

### س ۹۹۸

#### اشاره

- آیا به طور کلی استماع موسیقی حرام است؟ اگر جواب منفی است، معیار شناختن موسیقی حرام از موسیقی حلال چیست؟

#### ج

- منظور و متفاهم عرفی موسیقی همان الحان مناسب با مجالس لهو است که خود عرف اکثر مصادیق آن را تشخیص می‌دهد و استماع آن حرام است بلی استماع مورد مشکوک که آیا از مصادیق لهو است یا خیر اشکال ندارد مشروط به اینکه مستمع معنی لهو را بداند.

### س ۹۹۹

#### اشاره

- این جانب در خانواده‌ای مذهبی زندگی می‌کنم و به مسائل دینی و اسلامی پایبندی کامل دارم و مدت ۵ سال است که به هنر موسیقی سنتی ایرانی علاقه داشته و با توجه به جنبه‌های اخلاقی و هنری به فراگیری و نواختن این هنر پرداخته‌ام و تنها در جلسات آموزشی و یا مجالس هنری بطور جزئی شرکت کرده‌ام و در جاهای دیگر بطور کامل خودداری ورزیده‌ام لذا خواهشمندم مرا در مسائل زیر راهنمائی فرمایید؟

الف موسیقی و غنا چیست؟ و چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

ب- آیا موسیقی دارای انواع متفاوتی است یا خیر و کدامیک حلال هستند؟

ج- آیا اگر موسیقی برای هنر نواخته شود حرام است یا خیر؟

د- آیا از لحاظ شرعی راهی برای ادامه دادن و فراگیری بیشتر این هنر بطور حلال برای بنده وجود دارد یا خیر؟

#### ج

الف- غناء عبارت از آوازی است که مشتمل بر ترجیع و صوت و طرب‌انگیز و مناسب با مجالس طرب باشد و موسیقی گاه بر غناء و گاه بر آلات مختلف موسیقی مانند

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۹۱

تار، سنتور، دف و غیره اطلاق می‌شود.

ج ب- موسیقی را اگر بهمان معنای غناء و آوازها و سازها و بکار گرفتن آنها بدانیم، فرا گرفتن موسیقی که از قدیم الایام بین اهل لهو و بزم متداول بود و در کشورها و مناطق مختلف انواعی از آن بکار برده می‌شده و می‌شود همه حرام است.

ج ج- نواختن موسیقی حرام بهر منظوری باشد حرام است هر چند غرض هنرنمائی باشد.

ج د- راهی جز ترک این شغل و تسلط بر نفس و پرهیز از حرام نیست سعی کنید با توفیق خداوند متعال و با اراده و همت خط مسیر خود را طوری قرار دهید که از وضع شغل و کار خود ناراحتی وجدانی نداشته باشید و بدانید با علاقه‌ای که به این فن دارید و با

اطلاع و معلوماتی که کسب کرده‌اید و تلاشی که در ترک آن می‌نمائید جهاد اکبر است و یقیناً پا بر روی خواسته دل و هوای نفس گذاشتن موجب جلب توفیقات و مزید معرفت و بصیرت و کسب فیوضات بزرگ و ترقی معنوی و روحی می‌شود (الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین) موفقیت جنابعالی را از خداوند متعال مسألت می‌نمائیم.

### س ۱۰۰۰

#### اشاره

– آیا موسیقی آرام می‌تواند مطرب باشد؟

#### ج

– مراد از موسیقی اگر غنا است مطلقاً حرام است و اگر آلات لهو و طرب است نیز مطلقاً استفاده از آنها حرام است.

### س ۱۰۰۱

#### اشاره

– خواهشمندیم مسائلی را که حضرتعالی لازم می‌دانید بیان شود و از قلم افتاده‌اند، بصورت جداگانه مرقوم فرمایید.

#### ج

– راجع به این مسائل و موضوعاتی که از حکم شرعی آن سؤال شده یک مطلب قابل توجه این است که بشهادت تاریخ و علماء علم الاجتماع گرایش جامعه به لهو و لعب و طرب و خوشگذرانی و کارهای مهیّج شهوات و بازیهای لغو فی حدّ نفسه خطرناک و موجب سقوط اجتماع و مانع از توجّه به امور اصیله و اصلیه‌ای است که برای تمدّن و ترقّی هر قوم لازم است اشتغال به ملاهی اگر فقط فی الجمله هم آزاد باشد برای اینکه فرهنگ کار و ابتکار و سعی و تلاش یک جامعه را ضعیف سازد کافی است و خود بخود اگر جهات بازدارنده، مثل تعالیم مذهبی نباشد گسترش پیدا می‌کند و کار بسیار خطرناک اینست که از این برنامه‌ها ترویج شود و به اشخاص در این عرصه‌های نوازندگی یا خوانندگی و بازیهایی مثل شطرنج جایزه و امتیازات داده شود و این ترویجات در برنامه‌های فرهنگی قرار بگیرد

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۹۲

تاریخ به ما نشان میدهد که در هر ملّت این جریان و رغبت به این امور شیوع یافت آن ملّت رو بزوال و انحطاط میگذارد وقتی یک کشاورز و یک صنعتگر و یک کارگر یا آموزگار که در روستا با تحمّل ناملائمات بسیار به شغل خود مشغول است ببیند که شطرنج‌بازها جوائزی دریافت میدارند بجای آن مشاغل پرزحمت و مرارت به شطرنج و بازیهای دیگر علاقه‌مند می‌شوند که هم بازی و سرگرمی و اقناع جنبه‌های نفسانی است و هم مشمول تشویقات و جوائز و شرکت در مسابقات آنچنانی است ما مسلمانها باید از تاریخ اندلس (اسپانیا) اسلامی عبرت بگیریم کشوری که بوسیله طارق بن زیاد غلام موسی بن نصیر یکی از شیعیان اهل بیت علیهم السلام فتح شد و به آن تمدن بزرگ رسید در اثر شیوع لهو و لعب آن عزّتی که در اثر خودسازی اسلامی و تجنّب از ملاهی

داشتند مبدّل به ذلّت شد و دشمن از طریق فتح باب مجالس لهو و طرب و فحشاء و خوانندگی و نوازندگی و محافل عیش و عشرت وارد عمل شد و همت و عزائم و غیرت و مردانگی جامعه را سست و آنان را برای قبول نفوذ دشمن در ابعاد مختلف آماده کرد و موجب شد که تمدّن اسلامی در آن منطقه پایمال غفلت و اشتغال بملاهی و بی‌تفاوتی آنها نسبت به مجد و عزّت و استقلال اسلامی گردد بهر حال ترویج از این برنامه‌ها و ترغیب جوانان از دختر و پسر به نوازندگی و آموزش دادن و آموختن استفاده از انواع آلات لهو و طرب و تأسیس اماکنی بنام هنرسرا یا فرهنگسرا و به صحنه آوردن زنان و مردان بنام همخوانی و غیره همه خلاف مصلحت یک جامعه رشید و ترقی‌خواه مثل جامعه بزرگ ماست که بر اساس الهام از تعالیم اسلام این انقلاب بزرگ را بوجود آورد و جهان را به اسلام و کارسازی تعالیم آن متوجه کرده است و میخواهد در میدان علم و صنعت و قدرت با اتکاء به اخلاق در برابر دشمنان قوی پنجه استقامت کند و مواضع انسانی و استقلال خود را بیش از پیش محکم و استوار سازد آوردن این برنامه‌ها در متن اهداف بعض مؤسسات و ترویج از به اصطلاح هنرمندان و بزرگداشت کسانی که در این معاصی در گذشته و حال عمر خود را ضایع کرده‌اند اشتباه است و محصول آن انحطاط اخلاقی و بازداشتن جوانان با استعداد از تحصیل علوم و صنایع می‌باشد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۳

### حرمت تمام انواع موسیقی

#### س ۱۰۰۲

##### اشاره

– آیا موسیقی سنتی با موسیقی نوین در معیار حرمت تفاوت دارد؟

##### ج

– تفاوت ندارد.

#### س ۱۰۰۳

##### اشاره

– چنانچه اشعار و سرودهای آموزنده که مضامین آن نصایح و پند و اندرز دارد با آلات موسیقی خوانده شود و مهیج و شهوت‌انگیز نباشد آیا جایز است؟

##### ج

– اگر همراه با استفاده از آلات موسیقی باشد حرام است.

#### س ۱۰۰۴

**اشاره**

- موسیقی در پزشکی ممکن است برای درمان بکار رود در موسیقی درمانی آیا لازم است از معیار حرمت گفته شده تجاوز نشود؟

**ج**

- این فرض نادر است و علاقه‌مندان به موسیقی آن را مطرح می‌نمایند بهر حال اگر در موردی علاج بیماری منحصر به استفاده از موسیقی باشد مثل موردی که علاج و دوا منحصر به شراب شود استفاده از آن جایز میشود.

**س ۱۰۰۵**

**اشاره**

- آیا در آموزش موسیقی برای مقاصد مختلف (مثلًا هنر، طبابت، افزایش شیر دام، افزایش رشد گیاه و ...) می‌توان از معیار حرمت تجاوز نمود؟

**ج**

- این مقاصد هیچ‌کدام مجوز نمی‌شود.

**س ۱۰۰۶**

**اشاره**

- آیا موسیقی غیر مطرب و دف زدن و غنا در مجالس عروسی جایز است؟

**ج**

- همه مذکورات در سؤال مطلقاً حرام است و ملاک حرمت در عروسی هم وجود دارد فقط در خصوص شب عروسی برخی استثناء نموده‌اند و آنهم احوط ترک است.

**س ۱۰۰۷**

**اشاره**

- نظر حضرتعالی در مورد موسیقی چیست و چه نوع موسیقی اشکال ندارد؟

**ج**

– همه انواع موسیقی حرام است. و اللّه العالم.

### س ۱۰۰۸

#### اشاره

– اخیراً مشاهده می‌شود در برخی روزنامه‌ها، از بعضی نوازندگان حرفه‌ای و حرفه آنها به تعبیراتی مثل استاد توانا و نوازنده برجسته فلان نوع از آلات لهو و یا با درج عکس آنها در صفحه اول روزنامه، از آنان تجلیل به عمل
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۴
می‌آورند و یا با برگزاری برنامه‌ها و مراسم ویژه، آنان را مورد تشویق قرار می‌دهند. مستدعی است نظر مبارك را از لحاظ حکم شرعی جهت رفع شبهه مرقوم فرمائید.

#### ج

– این تجلیلات و تشویقات شرعاً حرام و ترویج باطل و معارضه با احکام و سنن اسلامی و اهانت بشئون نظام جمهوری اسلامی است همکاری و شرکت در این برنامه‌ها و مجالسی که برای تجلیل از این حرفه‌ها بعنوان یادبود و غیره برگزار می‌شود حرام و موجب بروز مفاسد و شیوع ملاهی و مناهی است أعاذنا اللّه تعالی من هذه الشرور و عصمنا و ایاکم مما یوجب سخطه و غضبه.

### س ۱۰۰۹

#### اشاره

– مطرب زدن و دایره زدن در مجالس شادی اشکال دارد یا خیر؟

#### ج

– حرام است. و اللّه العالم.

## شرکت و حضور در مجلسی که آلات لهو در آن استعمال می‌شود

### س ۱۰۱۰

#### اشاره

– آیا در موارد اضطرار می‌توان در مجلسی که فحشا و منکر رواج دارد نشسته و بلند نشویم مثلًا مجلسی که در آن آلات لهو و موسیقی استعمال می‌شود؟

#### ج

– اگر منظور از موارد اضطرار این است که مثلًا بلند شدن از آن مجلس باعث فتنه و فساد است در صورتی که قبلًا نمی‌دانسته و بعد از ورود بمجلس فهمیده بمقدار رفع اضطرار اشکال ندارد ولی اگر منظور این است که مثلًا اهل مجلس یا صاحب مجلس ناراحت می‌شود این اضطرار نیست باید از آن مجلس خارج شود.

### س ۱۰۱۱

#### اشاره

– ما دو خواهر ۱۹ ساله هستیم با توجه به اینکه مجالس عقد و عروسی و از این قبیل که در آنها از نوارهای موسیقی و رقص زنان برای زنان بکار برده می‌شود و این مورد حرام است از شرکت در این مجالس خودداری می کنیم این مسأله تا اندازه‌ای باعث مخالفت پدر و مادر و اطرافیان شده است و حتی بسیاری از آنها با گفتن مواردی مثل کناره گیری از مردم یا دوری از اجتماع و مسخره کردن ما و اینکه به ما می گویند شما همیشه نمی‌توانید این طور ادامه دهید و با توجه به اینکه ما مجرد هستیم و در تمامی مجالس دعوت شده موارد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۵

فوق وجود دارد از نظر اجتماعی با مشکلاتی روبرو شده‌ایم با این وجود نمی‌خواهیم به هیچ عنوان بر خلاف اسلام عمل کنیم و به ما پیشنهاد می‌شود که راه تقیه را پیش بگیرید و یا اینکه شما در این مجالس بیایید و نظری ندهید و در گوشه‌ای بنشینید این نظرها برای ما قابل قبول نیست چون دلیلی بر تأیید انها نمی‌دانیم و در ضمن روبرو با صداها و لهو و لعب‌های آنها هستیم و فکر می کنیم شرکت در این مجالس باعث عادی شدن این گناه شود خواهشمندیم در این مورد ما را راهنمائی فرمائید؟

#### ج

– شرکت در مجلس معصیت جائز نیست و مورد سؤال از موارد تقیه محسوب نمی‌شود خداوند بشما توفیق بدهد شما در این گونه مجالس شرکت نکنید تا دیگران از استقامت شما را در این امر پند بگیرند.

### س ۱۰۱۲

#### اشاره

– شرکت در مجالس عروسی یا مراسمی که در آن برنامه‌های موسیقی اجراء می‌شود چگونه است؟

#### ج

– جایز نیست.

### س ۱۰۱۳

**اشاره**

- حضور در مجالس زنانه مانند عروسی که در آن به نوعی از آلات لهو استفاده می‌شود (البته بدون همکاری یا موافقت با کار آنها- صرف حضور) چه حکمی دارد، آیا باید مجلس را ترک کرد؟

**ج**

- حضور در مجالس مذکور که مستلزم شنیدن موسیقی حرام است جائز نیست.

### استفاده از آلات لهو در مجلس جشن عروسی

**س ۱۰۱۴**

**اشاره**

- بنا بر قول بعضی از فقهاء غنا در مجالس عروسی استثناء شده؛ نظر مبارک حضرت عالی، چیست؟

**ج**

- جواز غنا در عروسی ثابت نیست بلی در صورتی که مغنّیه مملوکه باشد و آلات لهو استعمال نشود و مرد هم صدای او را نشنود و نکاح دائمی باشد غنا آن مملوکه استثناء شده اگر چه ترک آن هم احوط است. و اللّه العالم.

**س ۱۰۱۵**

**اشاره**

- در عقد و عروسی‌ها مرسوم شده است که آلات نوازندگی می‌آورند آیا در صورتی که زنها بدون اینکه مردها صدای آنها را بشنوند ترانه‌خوانی کنند
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۹۶
یا دایره بزنند اشکال دارد؟

**ج**

- استعمال آلات لهو و نوازندگی جایز نیست و ترانه‌خوانی هم اگر غنا باشد حرام است بلی جواز آن برای زنان در مجالس عروسی اگر همراه با آلات لهو و طرب نباشد بعید نیست. هر چند احتیاط در ترک است.

**س ۱۰۱۶**

### اشاره

- اگر خواهر و برادر در خانه نوارهای موسیقی و ترانه‌های مبتذل روشن کرده و من مجبور به گوش کردن آنها باشم وظیفه چیست و گناه گوش کردن این نوارها بالاخص در ماه محرم و صفر بر عهده کیست و خواهشمندم راهنمایی فرمائید که این جانب باید چگونه عکس العملی را نشان بدهم. با توجه به اینکه آنها با نهی از منکر، خود ما را مسخره می‌کنند؟

### ج

- گوش دادن به نوارهای موسیقی حرام است و شما باید آنها را تا میتوانید نهی از منکر نمائید بلکه انشاء الله مؤثر شود و بهر حال چنانچه مجبور بشوید به زندگی در چنین خانه‌ای، اگر خودتان مخصوصاً گوش ندهید و قهراً به گوش شما بخورد برای شما اشکال ندارد.

### س ۱۰۱۷

### اشاره

جامع الاحکام ؛ ج۱ ؛ ص۲۹۶

آیا گوش کردن به موسیقی مطرب اگر خود گوش دهنده آن حالت به او دست ندهد، حرام است یا نه؟

### ج

- حرام است.

### س ۱۰۱۸

### اشاره

- دخترم به سن ۹ سالگی رسیده و به عنوان مرجع به شما رجوع کرده است آیا آهنگهائی رادیو و تلویزیون و همچنین نواختن آلات موسیقی مانند ارگ اشکال دارد یا خیر؟

### ج

- هر آهنگ و آوازی که طبعاً طرب‌آور و مناسب مجالس لهو و لعب باشد بنحوی که عرفاً به آن صورت لهوی و باطل گفته شود خواندن و گوش دادن به آن جائز نیست و همچنین آلاتی که عرفاً به آنها آلات لهو و لعب گفته می‌شود استعمال و گوش دادن بصدای آن جائز نیست.

### س ۱۰۱۹

#### اشاره

– در مورد اسـتماع نوارهای ترانه خواننـده زن و مرد و بلنـد نمودن صدای آن طوری که عابرین کوچه و همسایگان بشوند و موجب اذیّت همسایه‌ها باشد، چه می‌فرمائید؟

#### ج

– استماع ترانه و بلند نمودن صدای آن اگر موجب آزار کسی هم نشود حرام است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۷

### س ۱۰۲۰

#### اشاره

– استماع موسیقیهای صدا و سیما، ساخت و تعلیم و فروش ابزار آلات موسیقی چه حکمی دارد؟

#### ج

– آنچه را عرف مردم موسیقی می‌دانند استماع آن و ساخت و تعلیم و تعلّم و فروش آلات آن حرام است.

## رقص

### س ۱۰۲۱

#### اشاره

– آیا رقص کردن را جایز می‌دانید؟

#### ج

– رقص حرام است مگر رقص زن برای شوهر خود تنها.

### س ۱۰۲۲

#### اشاره

– آیا جایز است مرد به مرد دیگر رقص یاد بدهد یا زن به شوهر خود رقص یاد بدهد اگر؟
زن در میان زنان برقصد و پول بگیرد این پول حلال است یا نه و یا آنکه قرار داد پول نکرده ولی خود زنان باو پول بدهند؟

**ج**

– در هیچ یک از موارد مذکوره رقص و تعلیم رقص جائز نیست و پول گرفتن در مقابل آن جائز نیست و اکل مال به باطل است.

**س ۱۰۲۳**

**اشاره**

– در مجالس عقد و عروسی کف زدن و رقصیدن مردان برای مردان و زنان برای زنان جایز است یا حرام؟

**ج**

– فقط رقص زن برای شوهرش تنها جایز است و بقیه اقسام حرام است و کف زدن اگر مجرد دست بهم زدن باشد اشکال ندارد ولی اگر کیفیت خاص که مناسب مجالس لهو است باشد جایز نیست هر چند در مجلس عقد و عروسی.

**س ۱۰۲۴**

**اشاره**

– کف زدن و رقصیدن در مجالس عروسی چه حکمی دارد بخصوص که بعضاً زنان کف می‌زنند و برادران یا اقوام مردِ داماد، در عروسی برقصند؟

**ج**

– رقصیدن مطلقا چه زن و چه مرد و همچنین کف زدن آنها بصورت لهوی اشکال دارد. بلی رقصیدن زوجه فقط برای زوج اشکال ندارد. و اللّه العالم.

**س ۱۰۲۵**

**اشاره**

– آیا مادر می‌تواند برای فرزند خود برقصد (در صورتی که فرزند خوانده داشته باشد چطور)؟

**ج**

– رقص او برای فرزندان خودش هم جایز نیست چه جای اینکه برای فرزند خوانده باشد.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۲۹۸

**س ۱۰۲۶**

**اشاره**

– رقص مرد برای مرد، زن برای زن (در عروسی و غیره) چه حکمی دارد؟

**ج**

– جایز نیست.

**س ۱۰۲۷**

**اشاره**

– نگاه کردن به رقص اشکال دارد یا خیر؟

**ج**

– اگر حاضر در مجلس رقص باشد و نگاه کند چون مجلس معصیت است جایز نیست بلی رقص زن برای شوهر اشکال ندارد. و اللّه العالم.

**س ۱۰۲۸**

**اشاره**

– رقص یعنی کارها و حرکات موزون و مطرب و مهیج که در نفس همان تأثیر را دارد که الحان غنا و آوازخوانی‌های مطرب دارد. خواه همراه با آهنگ موسیقی باشد یا نباشد و انواع آن به صورتهای گوناگون انجام می‌شود خصوص مثل رقص شکم که رقاص‌ها

به پیچ و تاب درآوردن و لرزندان منظم قسمت کمر و شکم، آن را انجام می‌دهد یا به وسیله ناف و عضلات و جنبانیدن سرین عمل رقص را انجام می‌دهد غرض بیان حکم اللّه شرعی این موضوع است؟

**ج**

– اعمال مذکور خواه همراه با آهنگ موسیقی باشد یا نباشد حرام است و حضور در مجالس آن جائز نیست و ترک آن واجب است و از خیلی از گناهان تأثیرات فاسد آن بیشتر است بلی در مورد رقص زن برای شوهر بدون آهنگ موسیقی حکم بجوازش هست همچنین بعض حرکات که جنبه الهاء و بلهو انداختن ندارد مثل پایکوبیها و حرکات تنظیمی نظامی یا حرکت دادن کودکان و بوجد و نشاط انداختن آنها یا بالا و پایین انداختن آنها حرام نیست.

**س ۱۰۲۹**

**اشاره**

– ما جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی طی بحث‌های خوابگاهی پیرامون بسیاری از مسائل، سعی داریم که دلایل عقلانی بسیاری از احکام الهی را دریابیم عقیده بیشتر این جمع بر این است که باید به مسائل از این دید نگاه کرد که اگر تأویل آن بر ما واضح نشود آن را نمی‌پذیریم. از این لحاظ خواهشمندیم ما در مورد یکی دو سؤال راهنمائی فرمایید (لازم به ذکر است در این جمع هم افراد مذهبی و هم غیر مذهبی وجود دارند). دلیل حرام بودن رقص
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۹
زن برای زن چیست؟ (اگر هیچ حالتی بین طرفین بوجود نیاید).

**ج**

– رقص چنانکه در تعریف آن گفته شده است حرکات موزون و لرزش‌های محرک و مهیجی است که به وسیله بعضی بخش‌های مورد توجه اندام انجام میشود، و مانند غنا غرائز حیوانی و شهوانی را تحریک می‌کند و عفت و پارسایی شخص را خدشه‌دار و به فساد و انحراف و رذائل اخلاقی گرایش می‌دهد و به وجود نیامدن حالتی برای طرفین یک فرض بیش نیست مگر اینکه شخص فاقد غریزه مربوطه باشد و علاوه تحریمات شرعی و قانونی بر اساس مفاسد نوعی است و کسی نمی‌تواند به استناد اینکه از مفسده فلان حرام مثل رقص و قمار و شراب و غنا مصونیت دارم مرتکب حرام شود همه باید حتی پارساترین افراد معاصی را ترک کنند علاوه بر اینکه از نظر فقهی ما تابع دستور شرع هستیم و اگر حکمت و فلسفه یک حکم را هم درک نکنیم موظف به اطاعتیم و اسلام و تسلیم معنایش قبول احکام خدا است. و اللّه العالم.

**س ۱۰۳۰**

**اشاره**

- دست زدن، بازیهای محلی، نوارهای لری کردی بندری فارسی و رقص زن در مقابل زن در موقع عروسی و غیر عروسی باید تا چه حدود باشد؟

**ج**

- رقص حرام است مگر رقص زن برای شوهرش تنها و غنا و موسیقی مطلقاً حرام است بهر زبان که باشد و دست زدن اگر با وزن مخصوص و مناسب با مجلس لهو باشد محل اشکال است و بقیه امور مذکوره چنانچه مشتمل بر فعل حرام نباشد میزان معیّنی ندارد و موکول بنظر عرف است.

**س ۱۰۳۱**

**اشاره**

- به استحضار می‌رساند که در عروسیهای بعضی از طوائف معمولًا گروهی نوازنده سنتی حضور پیدا نموده و اقدام به نوازندگی و خوانندگی سنتی می‌نمایند که معمولًا میهمانان به دو گروه موافق و مخالف درآمده و مشاجراتی صورت می‌گیرد حال از محضر آن مقام عظمی استدعا دارد که حکم شرعی و نظر شریف را در خصوص سؤالات مطرح شده بصورت بند بند مرقوم فرمائید.

**ج**

- جایز نیست.

**ج**

- در مورد سؤال رضایت و عدم رضایت صاحب مجلس و کم یا زیاد شدن پول عروسی اثری در حرمت و عدم حرمت ندارد.

**ج**

- اینگونه امور که شرعاً حرام است فرقی بین سنّتی و غیر سنّتی آن نیست.

**ج**

- اگر در نوارها موسیقی و غنا ضبط شده استفاده از آنها حرام است و خریدوفروش آن نیز حرام است و داشتن مجوّز در این امر

اثری ندارد.

۱

- آوردن ساز و دهل یا چگور (عاشق) در مجالس عروسی توسط صاحب مجلس چه حکمی دارد؟

۲

- در صورتی که صاحب مجلس راضی به آوردن این آلات نباشد و اینها

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۰

توسط عده‌ای میهمان یا فامیلها یا غیره آورده شده چه حکمی برای صاحب مجلس دارد در صورتی که با تأکید و جبر بر نواختن، مجلس بهم خورده و پولی را که آخر مجلس جمع‌آوری می‌شود بسیار کم خواهد بود که از آن باب زیانی متوجه صاحب مجلس خواهد شد؟

۳

- رقصیدن سنتی بصورت گروهی توسط مردان در حین نواختن ساز و دهل چه حکمی دارد (پخش از تلویزیون مجوّز شرعی برای ارتکاب معصیت نیست اینگونه مسائل را از تلویزیون نیز نمایش داده و از آن تبلیغ مینماید).

۴

- با توجه به اینکه نوازندگان و خوانندگان سنتی معمولًا نوارهای کاست بصورت رسمی یا با مجوز اداره فرهنگ پر می‌نمایند و باعث ترویج اینگونه افکار در بین عموم افراد جامعه می‌باشد استفاده از این نوارها چه حکمی دارد؟

## کف‌زدن

### س ۱۰۳۲

#### اشاره

- دست زدن (به صورت مطلق) در هر مجلسی اعم از عروسی و مولودی و مهمانی بدون آلات لهو چه حکمی دارد؟

#### ج

- اگر دست زدن بنحو لهوی باشد اشکال دارد.

### س ۱۰۳۳

### اشاره

- حکم کف زدن (در مجالس عروسی، یا برای تشویق) چیست؟

### ج

- اگر بـا وزن منـاسب بـا مجالس لهو باشـد حرام است و اگر مجرد دست بهم زدن باشـد اشـکال نـدارد لکن چون ریشه اسـلامی و مذهبی ندارد اگر در اینگونه مجالس از مدائح ائمه (ع) و صلوات بر آن بزرگواران استفاده شود بهتر و اوفق به احتیاط است.

### س ۱۰۳۴

### اشاره

- دست زدن و کف زدن در مجالس جهت تشویق چه حکمی دارد؟

### ج

- بهترین تشویق فرستادن صلوات یا تکبیر یا احسنت است هر چه در این برنامه‌ها

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۱

از روش بیگانگان و سنتهای آنها دورتر باشیم با استقلال اسلامی و قوت شخصیت موافق‌تر است.

## شعر

### س ۱۰۳۵

### اشاره

- خواندن اشعار هجو، لغو یا دارای مضامین فاسد چه حکمی دارد؟

### ج

- خوانـدن اشـعاری که مضامین منحرف‌کننده و فسادانگیز و تأثیرات سوء اخلاقی روحی دارد، مثل مقالاتی که این مفاسد را داشـته باشد و مصونیت اخلاقی فرد و اجتماع را در خطر اندازد، با آواز یا ساده حرام است.

## قمار

## تعریف قمار و آلات قمار

### س ۱۰۳۶

#### اشاره

- تعریف قمار از نظر حضرتعالی چیست؟

#### ج

- قمار بازی برد و باخت و شرطبندی است در عرف مفهوم آن معلوم است و غالب مصادیقش مشخص است.

### س ۱۰۳۷

#### اشاره

- آلت قمار به چه آلاتی گفته می‌شود؟

#### ج

- آلاتی است که از آن برای قمار و برد و باخت استفاده می‌شود مثل نرد و شطرنج و پاسور و غیره اگر چه با آن بی‌برد و باخت نیز بازی کنند.

### س ۱۰۳۸

#### اشاره

- آیا امکان دارد آلت قمار از آلیت خارج شود؟

#### ج

- خروج از آلیت با شکستن و محو هیئت آن می‌شود ولی ترک قمار با آن و شیوع قمار با آلات دیگر آن را از آلیت برای قمار خارج نمی‌کند بلی اگر طوری فرض شود که آلتی که برای قمار بوده منافع محلّله معتد بهائی پیدا کند که آن را برای آن منافع خریدوفروش نمایند حکم به جواز خریدوفروش آن موجه است ولی قمار و بازی با آن هر چند بی‌برد و باخت باشد جایز نیست و تشخیص اینکه منافع محلّله معتد بها پیدا کرده یا نه با عرف است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۲

### س ۱۰۳۹

#### اشاره

- شرط برد و باخت در مسابقه چه معنایی دارد و حکم آن چیست؟

#### ج

- شـرط برد و باخت به این صورت که برنده چیزی را از بازنده بگیرد خواه پول یا هر شیء قیمتی دیگر باشد جایز نیست و مالی که برنده می‌برد حرام است.

## شطرنج، نرد و پاسور

### س ۱۰۴۰

#### اشاره

- بازی کردن با شطرنج بدون برد و باخت چه حکمی دارد و خریدوفروش آن و نگاه کردن به افرادی که بازی می‌کنند چطور؟

#### ج

- بازی با شـطرنج و لو بـدون برد و باخت باشـد اشـکال دارد و حضور در مجلسـی که شـطرنج بازی میکنند نیز اشـکال دارد. و اللّه العالم.

### س ۱۰۴۱

#### اشاره

- هم اکنون در کشور اسـلامی مـا عموماً بازی با ورق ماننـد شـطرنج بعنوان سـر گرمی و گاهی جهت تقویت حافظه و بـدون برد و باخت عموماً انجام می‌شود، نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

#### ج

- بازی با شطرنج و ورق و هر آلت قمار دیگر و لو بدون برد و باخت باشد، بنظر این جانب حرام است.

### س ۱۰۴۲

#### اشاره

– در مورد بـازی بـا شـطرنج همراه با شـرطبندی که جای سؤالی نیست و مسـلماً حرام است اما بازی به عنوان یک سـرگرمی سالم و کاملًا فکری نیز حرام است؟ من به نوبه خود این وسیله را دارای شرایط زیر می‌دانم.
۱– یک سرگرمی است که چون به مغز را به کار می‌گیرد اوقات بازی تلف نمی‌شود.
۲– چون در این بازی نباید اشتباه کرد، بنابراین باعث افزایش دقت و توان تصمیم‌گیری افراد می‌گردد.
۳– چون در این بازی باید جوانب هر حرکت سنجید، پس در زندگی عادی نیز می‌تواند بهره‌برداری شود.
۴– ایـن بـازی بر خلاـف برخی دیگر بر اســاس شـانس و اتفـاق نیسـت و در قیـاس یـا بازیهـای الکـترونیکی و از ایـن قبیـل دارای برتری‌هائیست.
۵– دارای ابعاد کوچک و قیمت کم است و برای عموم قابل استفاده می‌باشد.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۰۳
بنـده از حضور جنابعـالی درخواست می‌دارم که نظر خود را بفرمائیـد، اگر پاسخ شـما مثبت است که هیـچ امّا در صورتی که منفی اسـت خواهشـمند اسـت بفرمائیـد چرا؟ و بنـابراین چرا در کشـور مـا مسابقـات سراسـری شـطرنج بـه مناسـبت‌های گونـاگون برگزار می‌گردد؟

#### ج

– شطرنج آلت قمار است و بازی با آن و لو بدون برد و باخت باشد بنظر این جانب جائز نیست و روایاتی که نهی از بازی با شطرنج دارد برد و باخت در آن ذکر نشـده ممکن است شارع مقدس به جهت آلوده نشدن باین گونه امور و دوری از مفاسد آن مطلقاً نهی نموده باشـد، فوایـدی که برای شـطرنج از قبیل سـرگرمی و افزایش دقت و تصـمیم‌گیری و غیره ذکر کرده‌ایـد نمی‌تواند مجوز عمل حرام بشود بـا توجه به اینکه امور مـذکوره را می‌توان بـا انجـام اعمـال حلال واجب و مسـتحب تحصـیل نموده و برگزاری مسابقات سراسری شطرنج، مجوز شرعی نیست.
و اللّه العالم.

### س ۱۰۴۳

#### اشاره

– بازی شطرنج با کامپیوتر اگر برد و باخت مطرح نباشد چه حکمی دارد؟

#### ج

– در حرمت شطرنج فرقی بین بازی با کامپیوتر و غیر آن نیست.

### س ۱۰۴۴

#### اشاره

– شخصـی از مرجعی تقلید می‌نموده که شطرنج بازی بدون برد و باخت را تجویز نموده در حال حیات آن مرجع عمل نموده فعلًا به اجازه جنابعالی باقی بر تقلید است آیا مجاز است شطرنج بازی نماید، و آیا ورق بازی (پاسور) از نظر جنابعالی جایز است یا خیر؟

ج

– بازی با شـطرنج و لو بدون برد و باخت بنظر این جانب حرام است و پاسور نیز حکم شطرنج را دارد و حکم بقاء بر تقلید در رساله ذکر شده است. و اللّه العالم.

### س ۱۰۴۵

اشاره

– بازی با ورق و پاسور چه حکمی دارد و آیا معاشرت با کسانی که بازی می کنند جایز است؟

ج

– بازی با ورق و پاسور حتی بـدون برد و باخت حرام است و معاشـرت با اشـخاص مـذکور چنانچه همراه با امر به معروف و نهی از منکر باشد و احتمال تأثیر بدهد اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۴

### س ۱۰۴۶

اشاره

– بنـده اوقـات فراغت خود را یا مطالعه و یا با بازی شـطرنج پر می کردم و این بازی را خیلی دوست دارم و سـر گرمی و بازی فکری خـوبی برای خود می‌دانم که مرا از پرداختن به امور غیر اخلاقی بـازمی‌دارد و در این بـازی پیشـرفت خوبی داشـته‌ام و بـدین منظور می‌خواسـتم بـدانم که می‌توانم به این بـازی بپردازم (نظر خود را ابراز داریـد) و اگر نمی‌توانم به نظر جنابعـالی آیـا می‌توانم در این مسأله به مرجع دیگری رجوع کنم؟

ج

– بنظر حقیر بازی با شطرنج اگر چه برد و باخت هم در آن نباشد حرام است و رجوع به غیر برای کسی که از حقیر تقلید می کند در این مسأله جایز نیست. و اللّه العالم.

## جایزه در مسابقات

### س ۱۰۴۷

**اشاره**

– در مسابقـاتی مثـل فوتبال چنـد تیم مقـداری پول در میان قرار میدهنـد تا برای تیم یا تیمهای برنـده جوائزی تهیه شود، آیا این کار جایز است؟
اگر این امر از سوی مرکزی چون فدراسیون ورزش انجام پذیرد چگونه است؟

**ج**

– حرمت دائر مدار اینست که کسانی که پول می‌دهند در این کار برنده یا بازنده شوند.

**س ۱۰۴۸**

**اشاره**

– گاهی دو نفر یا دو تیم مسابقه‌ای را انجام داده و قرار می‌گذارند که تیم بازنده مثلًا مخارج شام را متحمل شود، حکم چیست؟

**ج**

– جائز نیست.

**س ۱۰۴۹**

**اشاره**

– اگر از طرف فرد ثـالث جـائزه‌ای برای تیـم برنـده قرار داده شـود، بـازی بقصـد برد چـه حکمی دارد (مفروض به اینکه تیم بازنـده مخارج مصروفه جهت کسب آمادگی را از دست میدهد)؟

**ج**

– اگر اصل بازی مشروع باشد اشکال ندارد.

**س ۱۰۵۰**

**اشاره**

– اگر برد و بـاخت بین مربیـان یـا بعضـی از بازیکنـان باشـد، بـازی برای بازیکنانی که برد و باخت شامل حال آنها نمی‌شود چگونه است؟

**ج**

- اشکال دارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۵

### س ۱۰۵۱

#### اشاره

- یاری قمارباز خواه بشکل تشویق یا ارائه طریق چه حکمی دارد؟

#### ج

- جایز نیست.

## بازی و سرگرمی

### س ۱۰۵۲

#### اشاره

- بازیهایی که هیچ‌گونه فایده معقولی ندارند و صرفاً سرگرمی محسوب می‌شوند، چه حکمی دارند؟

#### ج

- اگر عرفاً لهو و باعث بازداری انسان از خدا و انجام تکالیف شرعی میشود جایز نیست.

### س ۱۰۵۳

#### اشاره

- بفرمایید کسب درآمد از وسایل سرگرمی همچون میزهای فوتبال دستی چگونه است؟

با توجه به اینکه سازمان تربیت بدنی کشور مجوز تأسیس باشگاه جهت استفاده از این گونه وسایل را می‌دهد.

میز فوتبال دستی یک میز گود با هشت عدد میله و تعدادی آدمک پلاستیکی و یک توپ کوچک می‌باشد که استفاده کنندگان با چرخانیدن میله و زدن ضربه با آدمک‌ها به توپ پلاستیکی و فرستادن توپ به داخل محفظه مربوطه مشغول بازی میشوند و حق استفاده از این میز که به دو نفر بازیکن واگذار می‌شود یک سکه ۵ تومانی یا ۱۰ تومانی می‌باشد که داخل قلک مربوطه جهت دریافت توپ انداخته می‌شود که آن درآمد صاحب باشگاه یا میز می‌باشد.

استفاده از دستگاه آتاری و کسب درآمد از آن چگونه است؟ دستگاه آتاری وسیله الکترونیکی است که به تلویزیون وصل می‌باشد آن هم به مدت محدود در این بازی‌ها معمول شامل جنگ هوایی یا دریایی و مسابقات موتور سواری و ... می‌باشد.

ج

– ظاهراً اشکال ندارد لکن اگر بازی کنندگان با یکدیگر شرطبندی و بر پایه آن بازی کنند درآمد آن برای صاحب باشگاه یا میز یا آتاری هم حلال نیست. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۶

### مجسمه‌سازی و نقاشی

س ۱۰۵۴

اشاره

– در حال حاضر نقاشی و مجسمه‌سازی چه حکمی دارد؟ خصوصاً ساختن مجسمه و کشیدن شمایل معصومین، نگهداری آنها در موزه‌ها (به عنوان آثار هنری) و منازل (به عنوان دکور) چگونه است؟

ج

– ساختن مجسمه ذی روح مطلقاً جایز نیست و کشیدن صورت ذوات ارواح نیز خلاف احتیاط است اگر چه جواز آن بعید نیست امّا کشیدن شمائل حضرات معصومین (ع) بر حسب اختلاف سلیقه‌ها و بلکه عقائد و آراء چون موجب ارائه ذهنیت‌های گوناگون و معارض با یکدیگر و خلاف واقع از آن بزرگواران میشود و شناخت صحیح از آنها را که فقط با مطالعه در سیره صحیح ایشان حاصل می‌شود مخدوش می‌نماید و در مواردی هم هتک و خلاف احترام است بنظر حقیر باید ترک شود و نگهداری از آنها بعنوان اثر هنری و یا دکور و تشویق از کسانی که این نقشها را می‌کشند و ترویج از آن راجح نیست و خلاف محافظت از حریم مقدسات بلکه عقائد است. و اللّه العالم.

س ۱۰۵۵

اشاره

– آیا حکم ساختن عروسکهای اسباب بازی و نمایشی برای بچه‌ها همان حکم مجسمه است؟

ج

– خلاف احتیاط است.

س ۱۰۵۶

### اشاره

– نقاشی کردن صورت شخصیت‌های اسلامی معاصر و مراجع معظم (ایدهم اللّه تعالی) جهت تبلیغات اسلامی به چه صورت است؟

### ج

– مکروه است.

### س ۱۰۵۷

### اشاره

– آیا بین مجسمه‌های نیم‌تنه و ناقص با مجسمه‌های تمام قد و کامل فرقی از نظر حکم شرعی قائلید یا خیر؟ و تصاویر فرشته و جن به صورت مجسمه و به صورت منقوش دارای چه حکمی است؟

### ج

– اگر مجسمه بعض بدن باشد اشکال ندارد. ولی مجسمه کامل بدن در حالت مثلًا نشسته یا نیم‌رخ حکم مجسمه تمام قد را دارد و ساختن آن حرام است و در حرمت ساختن مجسمه و اخذ اجرت فرقی بین صورت فرشته و جنّ و آدمی نیست و امّیا نقش آنها جوازش بعید نیست اگر چه احتیاط در ترک آن است. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۷

### س ۱۰۵۸

### اشاره

– ساختن مجسمه ناقص انسان یا حیوان، بعنوان اثر هنری، چه حکمی دارد؟

### ج

– اگر مشتمل بر سر و صورت و سینه باشد که از اعضای رئیسه بدن می‌باشد اشکال دارد ولی ساختن مجسمه دست و پا یا سر و صورت تنها اشکال ندارد.

### س ۱۰۵۹

#### اشاره

– ساختن مجسمه کامل انسان یا حیوان با امعاء و احشاء داخلی، جهت استفاده آموزشی در مراکز آموزشی چه حکمی دارد؟

#### ج

– اگر بصورت قطعات متعدده باشد مثل اینکه مجسمه سر و گردن تنها و یا مجسمه شکم و امعاء و احشاء تنها دست‌ها و پاها تنها که هر سه قسمت در یک مجموعه بصورت انسان کامل به هم وصل نشود اشکال ندارد.

### س ۱۰۶۰

#### اشاره

– نقاشی انسان یا حیوان به عنوان اثری هنری یا در کتب علمی یا تابلوهای آموزشی چه حکمی دارد؟

#### ج

– نقاشی انسان یا حیوان که اشکال ندارد.

### س ۱۰۶۱

#### اشاره

– خریدوفروش مجسمه یا نقاشی، بعنوان آثار هنری، چه حکمی دارد؟

#### ج

– نسبت به نقاشی اشکال ندارد و نسبت به مجسمه ذی روح احتیاط در ترک است.

### س ۱۰۶۲

#### اشاره

- آموزش مجسمه‌سازی و نقاشی چه حکمی دارد؟

ج

- آموزش نقاشی اشکال ندارد ولی آموزش مجسمه‌سازی ذی روح حرام است.

س ۱۰۶۳

اشاره

- حکم سازنده مجسمه، مسلمان و غیر مسلمان، چیست؟

ج

- سازنده مجسمه ذی روح مرتکب فعل حرام میشود و باید توبه کند.

س ۱۰۶۴

اشاره

- ساختن مجسمه یا نقاشی برای معابد غیر مسلمین چه حکمی دارد؟

ج

- حرام است.

س ۱۰۶۵

اشاره

- عده‌ای مردم از شهرستان ما (مبارکپور اعظم گومه هند) کار بافندگی انجام میدهند و بر روی آن پارچه بوسیله زری نقش و نگار و با عکس حیوانی یا

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۰۸

انسانی می‌بافند پس حکم بافتن و هر نقش و نگار و بالخصوص حکم بافتن عکس حیوانی یا انسانی از نظر حکم شرعی چیست؟

### ج

– در فرض سؤال، اگر نقاشی باشد جایز است هر چند نقاشی انسان و حیوان کراهت دارد ولی اگر مجسمه باشد حرام است.

### س ۱۰۶۶

### اشاره

– احتراماً به استحضار می‌رساند: ما تعدادی از نقاشان و هنرمندان رشته‌های مختلف تجسمی هستیم که مایلیم از قصص و داستانهای اسلامی بعنوان موضوع کار در تابلوهایمان استفاده کنیم با توجه به سبکها و تکنیکهای مختلفی که هنرهای تجسمی از آنها بهره می‌برد و تنوعی که به لحاظ روحیات هنرمندان در برخورد با موضوعات مختلف فوق الذکر وجود دارد، استدعا داریم تکلیف ما را به لحاظ شرعی روشن بفرمائید که آیا مجاز هستیم از راه داستانهای قرآنی برای آفرینشهای تجسمی استفاده کنیم یا خیر؟ و اگر مجاز هستیم، آیا این اجازه مشروط است؟

### ج

– در مورد سؤال، نسبت به ذوات ارواح چنانچه بصورت مجسمه باشد جائز نیست، تذکراً نظر هنرمندان متعهّد و عزیزمان را به این نکته جلب می‌نمایم که دین مبین اسلام در ارائه کلّ استعدادات انسانی و استفاده از آنها ارشادات و هدایتهائی دارد که با پیروی هنرمندان مسلمان از این راهنمائی‌ها هنر اسلامی بشکل خاص و ممتاز خود در آمد، و هنرها در آن رشته‌ها که مجاز است شکوفا و پیشرفت کرد لذا رشته مجسمه‌سازی که در جوامع دیگر مثل بت‌پرستان که هنوز پیکرهائی را میسازند و آنها را پرستش مینمایند در جوامع اسلامی متروک شد و در عوض در رشته‌های دیگر هنرمندان مسلمان اعمّ از ایرانی و غیر ایرانی ترقی و تکامل چشم‌گیر پیدا کرد و در عصر حاضر یکی از باجاذبه‌ترین مظاهر تمدّن اسلامی که جلب نظر بیگانگان را می‌نماید و برای دیدن آنها و مطالعه در آنها به کشورهای مسلمان سفر می‌کنند همین هنرهای ظریف و زیبای اسلامی است که حتی کشوری مثل اسپانیا که فعلًا اسلامی نیست بمناسبت سوابق تمدن اسلامی در آنجا و وجود بقایای آثار مهم هنرهای مسلمانان میلیاردها درآمد دارد و با اینکه بیشترین آثار بزرگ را از روی تعصب محو و تخریب نمودند، اخیراً در دوره طاغوت بتقلید از غربیها برای ساختن پیکره‌ها در میادین و بعض اماکن گرایشی به مجسمه‌سازی پیدا شد و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۹

برنامه‌هائی در برابر این پیکره‌ها که جلوه بشرپرستی داشت انجام می‌شد که از برکت پیروزی انقلاب اسلامی همه از بین رفت و امید این است که این رسم غیر اسلامی و نصب پیکره‌ها در میادین و اماکن به هر عنوان که باشد در این کشور اسلامی تجدید نشود و با همت هنرمندان مؤمن و آگاه در همان رشته‌هائی که هنر اسلامی تبلور و تجلّی داشت در جمهوری اسلامی بیشتر و کاملتر ظاهر شود.

### س ۱۰۶۷

#### اشاره

– لطفاً نظر مبارک را نسبت به ساختن مجسمه و خریدوفروش آن و بخصوص نصب آن در میادین و مراکز شهرها، بیان فرمائید. اگر هدف از نصب مجسمه تجلیل از مقام علمی و سیاسی افراد باشد چه حکمی دارد؟

#### ج

– ساختن مجسمه ذی روح از انسان و غیر انسان و شغل و کسب مجسمه‌سازی و گرفتن اجرت برای ساختن آن حرام است و نصب آن در میادین و مراکز دیگر خلاف شئون و شخصیت اسلامی جامعه و سیره مسلمین است. و اللّٰه العالم.

### س ۱۰۶۸

#### اشاره

– ساختن مجسمه‌های پلاستیکی که فعلًا دایر است مانند مجسمه اسب، گوسفند و سگ و مانند اینها چه صورتی دارد و خریدوفروش آنها چه حکمی؟

#### ج

– ساختن مجسمه ذی روح جائز نیست ولی خریدوفروش آن اشکالی ندارد.

## خریدوفروش طلا

### س ۱۰۶۹

#### اشاره

– آیا معامله و تجارتی بین المللی مانند خرید یکصد ساعت مچی طلا از کشور سوئیس توسط تاجر ایرانی در مقابل فی المثل یک هزار دلار یا در مقابل ظرفی از نقره به وزن پانصد مثقال مشمول بیع صرف می‌باشد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ آیا شرط قبض عوضین در مجلس عقد تابع عرف تجارت بین الملل می‌باشد و یا بنحو دیگری است؟

#### ج

– خرید ساعت طلا با دلار از مصادیق صرف نیست و نیز خرید آن با نقره غیر ظرف بی‌اشکال است ولی ثمن و یا مثمن قرار دادن

ظرف بقصد خوردن و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۰

آشامیدن و سایر استعمالات محرم جائز نیست و پول و عوضی هم که فروشنده می گیرد حرام است و این ربطی به معامله صرف ندارد و قبضی که در معامله صرف معتبر است لازم است در مجلس معامله باشد و تابع عرف بین الملل نیست و یادآوری می‌شود که بستن ساعت طلا برای مرد حرام و نماز با آن باطل است. و اللّه العالم.

**س ۱۰۷۰**

**اشاره**

- تعویض طلا با طلا باید چگونه باشد؟

**ج**

- طلای خود را بفروشید و طلای او را به قیمت بخرید تا خالی از اشکال باشد.

**س ۱۰۷۱**

**اشاره**

- اگر طلائی را به کارگر سازنده بدهیم که آن را بسازد و طلای ساخته شده از او بگیریم چه صورتی دارد؟

**ج**

- اگر همان طلا را از او بگیرید اشکال ندارد.

**س ۱۰۷۲**

**اشاره**

- کارگری طلاـ ساز طلاـیی را که از آن خودش بوده می‌سازد و می‌فروشد و معامله فقط روی اجرت کار انجام می‌شود چون هموزن طلای ساخته‌شده خودش طلای نساخته می گیرد و با رضایت طرفین معامله انجام می‌پذیرد این معامله از نظر شرع چه صورتی دارد؟

**ج**

- اگر طلای ساخته‌شـده خود را به قیمت بفروشـد و طلای طرف را هم به قیمتی بخرد بی‌اشـکال است و اگر طلای خود را به طلای دیگری که حسب فرض وزن آنها مساوی است بفروشـد و برای اجرت ساخت طلای خودش که بعـد از انجام معاوضه آن را میسازد اجرت بگیرد نیز اشکال ندارد.

**س ۱۰۷۳**

**اشاره**

- آیا طلای ساخته شـده را به وعـده دو ماه یا سه ماه به بیشتر از قیمت نقد می‌شود معامله کرد یا نه مثلا اگر طلای نقد مثقالی ۱۵۰۰ تومان است به وعده دو یا سه ماه ۱۶۰۰ تومان معامله شود؟

**ج**

- اشکال ندارد.

**س ۱۰۷۴**

**اشاره**

- اگر شخصی ۵/ ۲ مثقال طلا برای عوض کردن بیاورد و قیمتش بر فرض ۵۰۰ تومان باشد و در عوض ۲ مثقال طلا بگیرد به قیمت ۵۰۰ تومان در
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۱۱
این صورت قیمت یکی است ولی مزد تفاوت می‌کند آیا اشکال دارد یا نه؟

**ج**

- چنانچه به قیمت فروخته شود و به قیمت بخرد اشکال ندارد.

**س ۱۰۷۵**

**اشاره**

- شخصی طلافروش با شخصی که طلا را تعویض می‌کند و طلا را با طلا مقابل می‌گذارد اگر کالای تعویض‌کننده اضافه شد پولش را می‌دهد و اگر کالای طلافروش اضافه شد پولش را می‌گیرد ولی نسبت به مقدار مساوی به طرف می‌گوید که من مبلغی دستمزد داده ام و تقریباً مقداری هم منفعت بر می‌دارم آیا جایز است یا خیر؟

**ج**

- اگر هر یک را جداگانه به قیمت خریدوفروش کنند اشکال ندارد.

**س ۱۰۷۶**

**اشاره**

- در بازار تهران و سایر نقاط ایران طلای شکسته یا آب‌شده را به بنکدار یا به کارگر می‌دهند و در مقابل طلای ساخته شده با اجرت می‌گیرند مثلًا ۵۰۰ گرم طلای شکسته را می‌دهند و ۵۰۰ گرم طلای ساخته شده را می‌گیرند به اضافه ۵۰۰۰۰ ریال اجرت آیا این کار صحیح می‌باشد یا خیر؟

**ج**

- معامله به صورت مذکوره اشکال دارد اگر بخواهند شرعی عمل کنند ممکن است طلای شکسته را به قیمت خودش به زرگر بفروشد و طلای ساخته شده را هم به بهای خودش از او خریداری کند یا طلای شکسته را بدهد به زرگر که عین آن را برای او بسازد و مزد معین دریافت کند.

**س ۱۰۷۷**

**اشاره**

- در مبادلات کلی که بین طلافروش‌های جزء و کلی‌فروش‌ها و بنکدارهای بازار طلا صورت می‌گیرد شخص کلی‌فروش مقداری طلای ساخته شده عرضه کرده و در مقابل بعد از چند روز طلای شکسته و متفرقه به علاوه اجرت ساخت طلاهای ساخته شده می‌گیرد گاهی هم به جای مقداری از طلای شکسته شده وجه آن را دریافت می‌دارد، لازم به یادآوری می‌باشد غالباً زرگرها عیار طلای شکسته را کمتر از طلای ساخته شده می‌دانند و به جهت برابر شدن ارزش طلای شکسته و طلای ساخته شده مقداری از حیث وزن اضافه می‌گیرند این مبادلات از جهت شرعی چه صورتی دارد؟

**ج**

– معامله بنحو مذکور جائز نیست و راه صحیح اینست که طلای ساخته را با وزن و به قیمت خودش بفروشند و طلای شکسته را با وزن و به قیمت خودش بخرند یعنی دو معامله انجام گیرد. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۲

### س ۱۰۷۸

### اشاره

– طلای ساخته شده (آماده) را می‌شود با همکار تعویض نموده و اجرت آن را دریافت یا پرداخت نمود یعنی فرضاً یک کیلو طلای ساخته‌شده ۱۸ عیار (آماده) را در مقابل یک کیلو طلای مستعمل شکسته شده با عیار مشخص تعویض نموده و اجرت آن پرداخت یا دریافت شود؟

### ج

– معامله بنحو مذکور در سؤال، بنظر این جانب اشکال دارد موافق احتیاط این است که طلای خود را به پول بفروشد و طلای طرف را نیز به پول بخرد.

### س ۱۰۷۹

### اشاره

– آیا خریدوفروش طلا بصورت مدت‌دار صحیح می‌باشد یا خیر طلای یک‌ماهه را مثقالی ۷۰۰۰ ریال به قیمت طلای نقدی اضافه نموده و می‌فروشند؟

### ج

– اگر معامله به طور منجز به مبلغ معین واقع شود اشکال ندارد.

### س ۱۰۸۰

### اشاره

– آیا دست‌گردان کردن طلا- به شکل نقد و نسیه صحیح می‌باشد یا خیر یعنی طلایی را به مدت دو ماه به خریدار بفروشند و خریدار طلا را تحویل گرفته و در همان زمان طلا را به شخص فروشنده و یا غیر، نقداً بفروشد و پول آن را دریافت نماید؟

### ج

– اگر جدّاً قصد معامله و خریدوفروش داشته باشید اشکال ندارد.

### س ۱۰۸۱

### اشاره

– اگر مقـداری طلا یا سـکه به صورت نقد خریداری کنیم و با چک یک ماهه بفروشـیم چنانچه موقع تاریخ سررسـید چک، قبل از اینکه به بانک رفته و چک را وصول کنیم با توافق طرفین معامله یعنی خریدار و فروشنده آیا می‌توانیم مقداری مبلغ چک مذکور را بالا برده و چک دیگری به تاریخ دو ماه دیگر بگیریم که در واقع این عمل را می گویند (نو کردن چک) یا خیر؟

### ج

– جایز نیست و فروشنده بیشتر از ثمن معیّن که در چک ذکر شده حق مطالبه ندارد. و اللّه العالم

### س ۱۰۸۲

### اشاره

– شغل زرگری از نظر اسلام چه صورتی دارد؟

### ج

– اگر طلافروش آشنایی کامل به مسائل معاملات داشته باشد که ندانسته مبتلا به معاملات ربوی نشود اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۳

### س ۱۰۸۳

### اشاره

– مقدار ۳۰ گرم طلای کهنه از مشتری می گیریم اگر مشتری بخواهـد همین ۳۰ گرم را تعویض نمایـد بایـد مبلغ هجده هزار تومان پرداخت نماید حال همین ۳۰ گرم طلا را مـدت نه ماه دست طلافروش امانت می گـذارد و بعد از مدت نه ماه مقدار ۳۰ گرم طلای نو دریافت می کنـد و هیچگونه مبلغی را پرداخت نمی کنـد و طلا فروش مبلغ فوق را می‌پردازد تا کار کهنه را به نو تبدیل نماید و با

طلای مشتری کاسبی می‌کند آیا شرعاً اشکال دارد و اگر دارد راه حل آن را مشخص فرمائید.

ج

- طریق صحیح آنست که طلای کهنه را به قیمت بخرید و طلای ساخته شده را بنحو مدت دار بفروشید.

## خریدوفروش پول، ارز و چک

### س ۱۰۸۴

#### اشاره

- اسکناس مال مثلی است یا قیمی و اگر هیچ‌یک از اینها نیست مالیت آن به چه نحوی است؟

ج

- اسکناس در حکم اجناس مثلی است.

### س ۱۰۸۵

#### اشاره

- چنانچه به کسی وامی را که می‌دهند، بفروشند یعنی مبلغ نوزده هزار تومان را به مبلغ بیست هزار تومان بفروشند و قید هم بکنند که ما این مبلغ را به این قدر به شما فروختیم آیا حکم ربا را دارد و یا خیر؟

ج

- اگر نوزده هزار تومان اسکناس را به بیست هزار تومان مثلًا یک ساله بفروشند و جداً قصد خریدوفروش داشته باشند اشکال ندارد.

### س ۱۰۸۶

#### اشاره

- آیا اسکناس را با قیمت ارزانتر یا گرانتر از ارزشش می‌توان خریدوفروش نمود؟

ج

– اگر غرض عقلائی در بین باشد اشکال ندارد

س ۱۰۸۷

اشاره

– آیا می‌تواند صد هزار تومان را بفروشد در مقابل صد و بیست هزار تومان به عنوان قرض؟

ج

– خریدوفروش اسکناس با قصد جدی در معامله و غرض عقلایی به نقد یا نسیه بیشتر مانعی ندارد. ولی قرض دادن با شرط زیادی، ربا و حرام است. و الله العالم
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۱۴

س ۱۰۸۸

اشاره

– کارگر افغانی یکصد هزار تومان پول ایرانی را طبق پول رایج کشور خودش به یک میلیون پول افغانی به دست شخصی بصورت حواله می‌دهد که پس از شش ماه به پدرش پرداخت کند.
امانت دار طی این مدت دچار خسارت شده و ورشکست می‌شود صاحب پول بابت دیرکرد، پول اضافی می‌خواهد درحالی‌که در سند بابت دیرکرد و خسارت حواله دار چیزی ذکر نشده حواله دار حاضر است پس از دو سال یک میلیون افغانی بپردازد ولی صاحب پول نسبت به بالا رفتن ارزش تومان می‌گوید یا صد هزار تومان یا یک میلیون و چهار صد هزار پول افغانی بپردازید آیا شرعاً پول اضافی حلال است در صورتی که هیچ‌کدام‌شان برای حواله دار مقدور نباشد؟

ج

– در فرض سؤال اگر یکصد هزار تومان پول ایرانی را به یک میلیون پول افغانی فروخته که راس شش ماه خریدار بپردازد فروشنده بیشتر از یک میلیون افغانی طلبکار نیست. و اللّٰه العالم

س ۱۰۸۹

### اشاره

– اگر بگوینـد من این مبلغ صـد هزار تومان را به شـما در عوض ماهی پنج هزار تومان فروختم و طرف مقابل هم بگوید قبول کردم آیا این مسأله از نظر شرع جایز است یا نه و آیا ربا محسوب می‌شود؟

### ج

– بنحوی که در سؤال ذکر شده صحیح نیست و باطل است.

## س ۱۰۹۰

### اشاره

– آیا اجازه می‌فرمائید مثلًا مبلغ یک میلیون تومان را نقداً به یک میلیون و صد هزار تومان بفروشیم؟

### ج

– در فرض سؤال، خریـد یک میلیون تومان نقـد به یک میلیون و یکصـد هزار تومان نقـد عند العرف سـفهی است و عقلائی نیسـت حتی در فروش یـک میلیون تومـان نقـد به یک میلیون تومان نقـد نیز همین اشـکال هست بلی اگر در مثل این معامله غرض عقلائی عرفی باشد مثل اینکه شخصی که اسکناس یک میلیونی دارد و نیاز به یک میلیون اسکناس خرد دارد یک میلیون خرد یا کمتر را به یک میلیون بفروشد اشـکال ندارد یا اگر نیاز به یک اسکناس یک میلیونی دارد آن را به یک میلیون و یکصد هزار تومان خریداری نماید.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۱۵

## س ۱۰۹۱

### اشاره

– نظر مبارک را در حکم شغل صرافی و خریدوفروش ارز بیان فرمائید؟

### ج

– با رعایت احکام شرعیه اشکال ندارد. و الله العالم

### س ۱۰۹۲

### اشاره

– در تاریخ ۹/ ۴/ ۷۴ به شخصی مبلغ دویست هزار تومان تحویل دادم که ایشان تا تاریخ ۱/ ۱/ ۷۵ در افغانستان معادل آن را که مبلغ دو میلیون و چهار صد هزار افغانی می‌شود به پدرم تحویل دهد متأسفانه تا حال تحویل نداده است خدمت ایشان مراجعه نموده و درخواست دویست هزار تومان خود را نمودم ایشان در جواب من گفت که من معادل دویست هزار تومان که دو میلیون و چهار صد هزار افغانی می‌شود به شما میدهم این جانب میگویم که شما باید اصل پول را به من بدهید و اگر بخواهید معادل تومان را به من بدهید ضرر می‌کنم چون آن زمان تومان زیاد ارزش نداشت و الآن که تومان ارزش پیدا کرده است ایشان می‌گوید که من به شما تومان نمی‌دهم بلکه پول افغانی میدهم از محضر مبارک سؤال میگردد که آیا حق دارم که اصل مبلغ دویست هزار تومان را مطالبه نمایم یا خیر؟

### ج

– در مورد سؤال، که بین متعاملین شرط شده که طرف معامله دو میلیون و چهار صد هزار افغانی را در افغانستان به پدر خریدار بدهد واو به شرط عمل نکرده خریدار می‌تواند معامله را فسخ کند و دویست هزار تومان خود را بگیرد.

### س ۱۰۹۳

### اشاره

– خریدوفروش ارزهای خارجی چه صورتی دارد؟

### ج

– فی حدّ نفسه اشکال ندارد.

### س ۱۰۹۴

### اشاره

– آیا کسی پول این کشور را در مقابل پول کشورهای دیگر مثلًا ریال را در مقابل دلار یا در مقابل پول افغان در صرف بالا و پائین مثلًا یک هزار تومان در مقابل ۲۰ یا ۲۵ هزار افغان خریدوفروش کند در مدت معین آیا این معامله از نظر اسلام حلال است یا خیر؟

**ج**

- خریدوفروش اسکناس بنحو مذکور در سؤال اشکال ندارد.

**س ۱۰۹۵**

**اشاره**

- آیا خریدوفروش چک، سفته و اسکناس جایز است؟

**ج**

- خریدوفروش اسکناس اشکال ندارد ولی فروش و یا خرید چک صحیح
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۱۶
نیست بلی اگر کسی که چک در دست اوست از کسی طلبکار باشد می‌تواند طلب خود را به شخص ثالث به قیمت نقدی کمتر از وجه مذکور در چک بفروشد.

**س ۱۰۹۶**

**اشاره**

- گرفتن هزینه دادرسی از کسی که چک آن برگشت خورده و خسارت دیرکرد جایز نمی‌باشد آیا گیرنده چک می‌تواند، چک را به مبلغ خود چک یا کمتر به کس دیگر واگذار کند و شخص دوم چک را از روال قانونی اقدام و هزینه دادرسی و خسارت وارده را دریافت نماید یا خیر، البته شخص اول هیچ گونه دخالتی در امور گرفتن هزینه و خسارت وارده ندارد آیا عمل شخص اول جایز است یا خیر؟

**ج**

- چک حکم حواله را دارد و فروش آن صحیح نیست و آنچه صحیح است اینست که چک در مقابل طلب باشد و انسان طلبی را که برد ذمّه کسی دارد به شخص ثالث بفروشد نه خود چک را و در هر حال، گرفتن خسارت مذکوره نه برای شخص اول جایز است و نه برای شخص دوم و اگر شخص اول طلب خود را که از کسی دارد به کمتر از آن یا بهمان مقدار به شخص دوم بفروشد و مسأله گرفتن دیرکرد یا سایر هزینه‌ها در بین آنها مطرح و منظور نباشد و بعد از انجام شخص دوم به فکر بیفتد که خسارت بگیرد معامله شخص اول اشکال ندارد. و اللّه العالم.

### س ۱۰۹۷

#### اشاره

– آیـا خریـد و فروش چک مـدت دار با کم و زیاد مثلًا نه هزار تومان نقـداً بدهـد و چک ده هزار تومانی مؤجل شـش برج بخرد یا چک ده‌هزار تومانی که مدت دارد بفروشد به نه هزار تومان نقد آیا جائز است یا خیر؟

#### ج

– خرید و فروش خود چک صـحیح نیست ولی اگر چک صوری نباشد طلبکاری که از مدیون چک دارد می‌تواند طلب خود را که در ذمّه مدیون دارد به نقد کمتر بفروشد.

### س ۱۰۹۸

#### اشاره

– افرادی در مقابـل انجـام دادن کاری مثلًا در ازای دست مزد کارگری یا دوختن لباس و کارهای خـدماتی چک وعـده دار (مـدت دار) می‌گیرند برای ۶ ماه بیشتر یا کمتر، و در موقع احتیاج داشـتن به پول، آن چکهای وعـده‌دار را به اشـخاص داده و آن اشـخاص برای مدت چک مقداری کم کرده و پول میدهند آیا
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۷
چنین عملی حرام است مثلًا مانند نزول و ربا است که هم دهنده و هم گیرنده کار حرام می‌کنند؟

#### ج

– کسـی که طلبکار است می‌تواند طلب خود را به کمتر از آنچه در چک نوشته شده بفروشد ولی فروختن خود چک صحیح نیست طلبکار شده مراجعه کند.

### س ۱۰۹۹

#### اشاره

– زید از عمرو طلبی دارد به میزان ۱۰۰ هزار تومان، و عمرو هم چکی به همان مبلغ برای ۲ ماه دیگر می‌دهد، زید هم قبل از رسیدن مـدت به پول محتاج شـده و این چک را به مبلغ ۷۰ هزار تومان به شـخص ثالثی می‌فروشـد حال نزول پول تا این اندازه برای طرفین مشروع است یا خیر، تکسب به این عمل و ارتزاق نمودن از این راه جایز است یا خیر؟

ج

- در صورتی که طلب خود از عمرو را که بر ذمه عمرو است به شخص ثالث بفروشد (نه چک را) اشکال ندارد و این نزول پول نیست، خریدوفروش است مانند اینکه انسان یک متاع مثلًا پنج‌هزار تومان را در موقع احتیاج به سه هزار تومان بفروشد یا در معامله نسیه اگر آنچه را خریده مکیل و موزون نباشد بکمتر از آنچه خریده نقداً بفروشد.

## احکام خیارات

### س ۱۱۰۰

#### اشاره

- آیا ماده ۴۰۱ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد:
«اگر برای خیار شرط مدّت معین نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است»
منطبق موازین شرعی است یا خیر؟

ج

- بلی شرط مذکور فاسد و مفسد عقد است.

### س ۱۱۰۱

#### اشاره

- آیا حق خیارات شرعی به ورثه می‌رسد یا خیر؟

ج

- بلی حق خیار به ورثه منتقل می‌شود.

### س ۱۱۰۲

#### اشاره

– آیا برای بهم زدن معامله بغیر از حق خیارات شرعی و خیار شرط و اقاله راههای دیگری نیز وجود دارد؟

ج

– راه مشروع همان است که در سؤال ذکر شده.

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۱۸

س ۱۱۰۳

اشاره

– معامله ماشینی با اسقاط کافه خیارات توسط واسطه‌ای بین خریدار و فروشنده انجام گردیده پس از تبادل اسناد و تحویل ماشین به خریدار، خریدار با ابراز این نکته که در حین معامله به وجود و معنی جمله اسقاط خیارات هیچ‌گونه توجهی نداشتم انصراف خود را اعلام کرده است آیا خریدار چنین حقی دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن جواب فروشنده چه تکلیفی دارد؟

ج

– چنانچه شرعاً ثابت شود که خریدار در حال معامله توجهی به معنی و مفهوم اسقاط خیار نداشته است، حق خیار با وجود شرایط خیار، مثل غبن و غیره برای او باقی است. و اللّه العالم

س ۱۱۰۴

اشاره

– شرایط اقاله را بیان فرمائید؟

ج

– اجمالا اقاله فسخ معامله با رضایت طرفین است و به کمتر یا زیادتر از ثمن معامله، اقاله صحیح نیست و تفصیل مطلب را در کتب فقهی ملاحظه نمائید.

س ۱۱۰۵

اشاره

– اگر در معامله نقدی خیارات را ساقط کنند آیا خیار تأخیر ثمن و خیار حیوان را هم شامل میشود.

### ج

– بلی اگر در حین معامله، طرفین تمام خیارات را ساقط کنند، شامل دو خیار مورد سؤال نیز میشود.

### س ۱۱۰۶

### اشاره

– حیوان در زمن خیار می‌زاید و می‌میرد و قیمت آن از بایع به مشتری بر میگرید می‌شود و یا بعد از زائیدن در زمین خیار معامله فسخ می‌شود آیا در این دو صورت بچه حیوان تالف از آن مشتری است یا بایع؟

### ج

– در فرض سؤال، اگر حمل هم جزء مبیع بوده نسبت به حمل که متولد شده و زنده است قاعده (التلف فی زمن الخیار ممن لا خیار له) جاری نیست و خیاری که ثابت بوده نسبت بحمل باضافه خیار تبعض صفقه باقی است پس اگر مشتری معامله را نسبت به بچه حیوان فسخ کند و تمام ثمن را از بایع بگیرد بچه حیوان متعلق به بایع است.
و چنانچه ذی الخیار فسخ ننماید می‌تواند تفاوت قیمت حیوان با حمل و حیوان بی‌حمل را ملاحظه نمایند و به همان نسبت از ثمن برگردانند و در این صورت بچه حیوان متعلق به مشتری است و اگر حمل جزء بیع نبوده باید ببایع مسترد شود بلی چنانچه حمل حیوان بعد از بیع و در ملک مشتری متکوّن شده باشد ظاهراً حمل به مشتری تعلّق دارد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۹

## خیار غبن

### س ۱۱۰۷

### اشاره

– پدر این جانبان یک نفر پیرمرد و عاجز است که از دو چشم نابینا است و به علت فوت ناگهانی برادر جوانمان حالت عادی و طبیعی ندارد و بدون کسب نظریه خانه خود را معامله نموده بعداً آگاه شده است که به شدّت مغبون شده به دلیل غبن فاحش اعلام فسخ نموده خریدار که به قیمت روز واقف بوده و غبن معامله را قبول داشته با تزویر عمل نموده و به مادرم پول یک دستنبد طلا معادل دویست هزار تومان را داده پدرم را وادار نموده است که سند رسمی تنظیم نماید بعد از تنظیم سند به او تفهیم نموده‌اند که غبن معامله غیر قابل تحمّل بوده مجدداً اعلام فسخ نموده است از طرفی تعادل روحی ندارد و قادر به انجام چنین معامله‌ای نبوده و

معامله بدون مشورت و بدون اطلاع این جانبان صورت گرفته است سؤال شرعی بنده این است که اولًا از نظر شرعی معامله پدرم چه صورتی دارد در ثانی این جانبان که اولاد ارشد پدرمان هستیم به دلیل نابینا بودن و نامناسب بودن وضع جسمانی و روحی پدرم معامله را می‌توانیم فسخ نماییم یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه عدم تعادل روحی او به اندازه‌ای است که تشخیص سود و زیان نمی‌دهد معامله باطل است هر چند غبنی در بین نباشد و اگر در این حدّ نبوده ولی مغبون شده خودش می‌تواند معامله را فسخ نماید ولی اولادش حق فسخ ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم

### س ۱۱۰۸

#### اشاره

– شخصی قطعه زمینی خرید به مبلغ ۵ میلیون و دویست هزار تومان و طرفین توافق کرده‌اند که زمین هر چقدر بود به همین مبالغ باشد و مدتی از معامله گذشته است و حالا فروشنده میگوید زمین بیشتر از آن متراژی است که مورد نظر من بوده و مبلغ دیگری اضافه میخواهم، آیا چیزی به او تعلق میگیرد یا نه؟

ج

– در مورد سؤال اگر زمین بعنوان قطعه و بمشاهده معامله شده نه بعنوان متراژ، طرفین بعد از معامله از لحاظ کم و زیاد بودن متراژ حق فسخ و یا مطالبه قیمت زیادتر و یا کمتر را ندارند ولی اگر به متراژ معامله شده حکم دیگری دارد و نزاع موضوعی محتاج به مرافعه شرعیّه است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۰

### س ۱۱۰۹

#### اشاره

– این جانب در سال گذشته قطعه زمینی را بدون نظر کارشناس و بدون هیچ گونه آگاهی به قیمت روز به شخصی فروختم و بعد از دو هفته متوجه غبن فاحش در معامله شده و بلافاصله به خریدار اعلام نمودم که من مغبون شده‌ام و به اصل معامله راضی نیستم ولی ایشان خود را مالك می‌داند و بر این امر اصرار می‌ورزد مستدعی است نظر مبارك خود را در مورد معامله مزبور بیان فرمائید.

ج

– بطور کلّی چنانچه بعد از انجام معامله هر یک از متعاملین بفهمد که در حین معامله مغبون بوده در صورتی که خیار غبن خود را اسقاط نکرده باشد می‌تواند معامله را فسخ کند. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم

**س ۱۱۱۰**

**اشاره**

– شخصی ملکی را فروخته و وجه آن را تماماً دریافت داشته و کلیّه خیارات را و لو فاحش باشد از خود ساقط نموده و با نظر کارشناس به قیمت روز که مرضی الطرفین نیز بوده فروخته است آیا حق خیار غبن برای وی باقی است یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال، اگر در حین وقوع غبنی نباشد خیار غبن نیست و اگر در حین معامله مغبون بوده خیار غبن ثابت است ولی اگر ساقط کرده باشد اختیار فسخ ندارد بلی اگر غبن به مقداری باشد که اسقاط آن از آن مقدار منصرف باشد اگر چه اسقاط غبن فاحش هم شده باشد با این انصراف خیار غبن ثابت است. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم.

**خیار عیب**

**س ۱۱۱۱**

**اشاره**

– در بازار پشمی معامله شده است بعد از تحویل معلوم می‌شود که مقداری حدود صدی ده مواد خارجی از قبیل خاک و شن و ماسه و کاه مخلوط آن بوده است آیا فروشنده پشم مدیون هست یا خیر و آیا خریدار شرعاً حق مطالبه میزان مواد خارجی پشم را به عنوان (ارش) دارد یا خیر؟

**ج**

– در مفروض سؤال، چنانچه پشم خریداری شده بر خلاف توصیف فروشنده باشد خریدار می‌تواند معامله را فسخ کند و جای ارش نیست بلی اگر طرفین توافق کنند که فروشنده معادل اشیاء مخلوط با پشم را پشم بدهد اشکال ندارد ولی هیچ‌یک ملزم به این کار نیستند. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۱

**س ۱۱۱۲**

### اشاره

- کسانی که شغل آنها خریدوفروش می‌باشد و اجناسی که می‌خرند از جمله گندم و پنبه در صورتی که این اجناس به صورت مختلف مثلًا گندم خوب مرغوب و بد مخلوط می‌شود و یکجا به سیلوهای دولتی فرستاده می‌شود چه صورتی دارد آیا غِش در معامله هست یا خیر؟

### ج

- اگر جنس غیر مرغوب را به جنس مرغوب مخلوط کند و به اسم مرغوب به خریدار بدهد غش و حرام است ولی اگر به خریدار بگوید که مبیع مخلوط است و خریدار با آگاهی بخرد مانعی ندارد.

### س ۱۱۱۳

### اشاره

- کسی حیوانی را خریده و به کشتارگاه داده و بعد از ذبح معلوم شده که حیوان مریض بوده و گوشتش قابل استفاده نمی‌باشد و آن را بدستور دکتر به چاه انداخته و دفن کرده‌اند. و کشتارگاه به این شخص نامه داده که حیوانی که با این مشخصات است دفن گردیده آیا این شخص با آن نامه می‌تواند به فروشنده مراجعه کند و پولش را بگیرد یا نه؟

(و آیا فروشنده می‌تواند به مشتری بگوید که چون تصرف کرده‌ای و به کشتارگاه داده‌ای لذا حق استرداد پول را نداری و اگر ذبح نمی‌شد آن را با معالجه و نگهداری می‌توانستم مرضش را بر طرف کنم).

آیا این ادعا از فروشنده بدون تصدیق متخصص پذیرفته می‌شود یا نه؟

### ج

- در مورد سؤال مشتری می‌تواند تفاوت قیمت صحیح و معیب را از فروشنده بگیرد.

### س ۱۱۱۴

### اشاره

- زمینی بمساحت تقریبی ۵۰ متر به شخصی فروخته شده و خریدار احداث مغازه نموده و پس از ده سال طرحی در روستا پیاده می‌شود بنام طرح هادی که بعلت توسعه معابر مقداری از آن در معبر و در معرض خرابی قرار گرفته آیا فروشنده در این موقع ضامن هست یا خیر؟

### ج

- در مورد سؤال که طرح بعد از وقوع معامله به میان آمده خریدار از این جهت حق فسخ معامله را ندارد و فروشنده هم ضمانی نسبت به ضرر وارد بر خریدار بر اثر طرح ندارد. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۲

### س ۱۱۱۵

### اشاره

- شخصی زمین یا خانه ای از کسی بوسیله واسطه (یعنی بنگاه دار) خریداری نموده که مخارج بنام کردن آن به عهده خریدار باشد و پس از انجام معامله معلوم شده که زمین یا ساختمان از طریق قانون دولتی یا در طرح بوده و یا تخلّف غیر مجاز ساختمانی داشته یعنی مشمول ماده ۱۰۰ شهرداری و یا بدون پروانه ساخته شده در صورتی که نه واسطه و نه فروشنده هیچ‌گونه ابرازی از تخلّفات ننموده و طرف خریدار هم بدون اطلاع خریده آیا مبلغی که بخاطر تخلف باید پرداخت شود با خریدار است یا فروشنده؟

### ج

- در صورتی که این امور در نظر عرف و اهل خبره از عیوب مورد معامله محسوب شوند و خریدار بی‌اطلاع باشد خریدار خیار عیب دارد و می‌تواند معامله را فسخ کند. و اللّه العالم.

### س ۱۱۱۶

### اشاره

- خانه ام را فروخته‌ام به شخصی به مبلغ ۳ میلیون و پانصد و پنجاه هزار تومان تمام و مبلغ ۲ میلیون را به من دادند و مابقی را قرار شد در محضر بدهند بنام کردیم و مبلغ پانصد هزار تومان طلب من شد حالا میگوید من پانصد هزار تومان را نمیدهم برای اینکه شهرداری میگوید در مسیر خرابی است من باقی پول شما را نمیدهم آیا خریدار می‌تواند چنین بگوید که پول شما را نمیدهم یا خیر؟ آنچه حکم اللّه است بیان فرمائید.

### ج

- چنانچه خانه مذکور در موقع وقوع معامله در طرح بوده و خریدار اطلاع نداشته احتیاط این ستکه خریدار در صورت عدم رضایت معامله را فسخ نماید و جواز اخذ ارش با امکان فسخ و ردّ مبیع به فروشنده بنظر حقیر محلّ اشکال است. و اگر بعد از انجام معامله و

تحقق قبض در طرح قرار گرفته، حق فسخ ندارد. و الله العالم.

## س ۱۱۱۷

### اشاره

- مرحوم پـدر این جانب قطعه زمینی بمساحت یکصـد و هفتاد و پنـج متر مربع کنار خیابان ۴۵ متری را به شخصـی واگذار نموده و سنـد وکـالت زمین مـذکور را نیز بنـام خریـدار انتقـال دادهانـد ولی متأسـفانه چون در زمان معامله زمین بعلت وجود خاک در زمین امکان متراژ دقیق زمین وجود نداشته و زمین فقط طبق نقشه به فروش رفته است اکنون طبق نقشه شهرداری که حدود ۹ ماه از معامله زمین می‌گذرد تعداد ۱۸ متر مربع از زمین موصوف در مسیر خیابان قرار گرفته

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۳

از از محضر مبارک استدعا دارد این جانب را ارشاد فرمائید تا هم مرحوم پدرم زیر دین نباشند وهم حقّی از محقّی پایمال نگردد.

### ج

- در مورد سؤال، چنـانچه موقع انجام معامله ۱۸ متر از زمین مذکور در طرح بوده و خریدار اطلاع نداشـته باید به نسبت ۱۸ متر ثمن بـه مشـتری برگردانـده شـود و اگر موقع انجـام معـامله در طرح نبـوده بلکـه بعـد از وقـوع معـامله در طرح قرار گرفته خریـدار حقّی بفروشنده ندارد.

## س ۱۱۱۸

### اشاره

- شخصی یک قطعه زمین شخصی که به ارث به او انتقال یافته و از قدیم الایام هم در آنجا مشغول کشت و کار بوده است فروخته، مشـتری نیز تصـرفات مالکـانه در آن نمـوده و بـه عنـوان تصـرف سـتونهائی از سـنگ در زمین زده است چنـدی پیش همین زمین و زمینهای همجوار آن از طرف دولت منابع طبیعی اعلان شده وقتی که مشتری اطلاع پیدا کرده پس از گذشت پنج سال از این معامله آمده و ادعا می‌کند که پشیمان شده‌ام آیا شرعاً این مشتری می‌تواند زمین را پس بدهد و معامله را فسخ کند؟

### ج

- در فرض سؤال، چنـانچه در هنگـام وقوع معـامله به هیـچ عنوان معلوم نبوده که اداره منـابع طبیعی، زمین مورد معامله را می‌خواهد تصـرف کنـد و هیـچ یک از متعاملین اطلاعی در این خصوص نداشـته‌اند و پنـج سال بعد آنجا را بعنوان منابع طبیعی اعلام کرده‌اند خریدار حق فسخ ندارد و چنانچه نزاع موضوعی باشد مرافعه شرعیّه لازم است.

### خسارت به هم زدن معامله

#### س ۱۱۱۹

##### اشاره

– هنگـام خریـد یـک باب منزل مسـکونی قرار شـد مشتری در صورت پشـیمان شـدن مبلغ پنجاه هزار تومان بپردازد حال که مشتری پشیمان شده آیا فروشنده حق گرفتن این مبلغ را دارد؟

##### ج

– در فرض سؤال، قرار مذکور باطل است و در معامله مورد سؤال، چنانچه با صیغه بیع بوده باینکه فروشنده بگوید فروختم و خریدار بگویـد خریـدم هیچ‌یک از طرفین حق فسخ ندارند و اگر معاطاتی یعنی بدون صـیغه بوده بنابر احتیاط باید طرفین مصالحه نمایند، و اگر نزاع موضوعی در بین است مرافعه شرعیّه لازم است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۴

#### س ۱۱۲۰

##### اشاره

– منزلی را در بنگاه می‌فروشـند به طرف به دو میلیون تومان مثلًا و قولنامه می‌نویسند و در آن ذکر می‌کنند تا ۱۰ روز دیگر هر کس آماده معامله نشد ده هزار تومان به دیگری بپردازد دادن این ده هزار تومان و گرفتن آن چه صورت دارد؟

##### ج

– مجرد ذکر و نوشـتن اینکه هر کس آماده معامله نشـد ده هزار تومان به دیگری بپردازد در قولنامه الزام‌آور و لازم الوفا نیست مگر اینکه در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.

#### س ۱۱۲۱

##### اشاره

– امروزه شاهـد قراردادهـایی بنـام قولنـامه یـا بیع‌نـامه و یـا غیره هستیم که در این گونه قراردادهـا مبلغی بعنوان خسـارت یـا التزام یا پشـیمانی در قرار داد شـرط می‌شود. در صورتی که ضرر و زیانی به طرفین از نظر عرف وارد نشده باشد اخذ این مبلغ از لحاظ شرع

به چه صورت می‌باشد آیا اینگونه قراردادها لازم الوفاء هستند یا خیر؟

#### ج

– در فرض سؤال چنانچه در بیع اینطور شرط شود که در مدت معین هر یک از طرفین در صورتی که فلان مبلغ بدهد حق فسخ دارد در این صورت اگر مبلغ تعیین شده را بدهد می‌تواند فسخ کند هر چند هیچ‌گونه خسارتی هم نباشد و اگر ندهد حق فسخ ندارد ولی اگر باین نحو شرط شود که هر یک از طرفین چنانچه فسخ کند باید فلان مبلغ بدهد این نحو شرط کردن باطل است و هیچ‌یک حق فسخ ندارند.

#### س ۱۱۲۲

#### اشاره

– شخصی خانه را فروخته و مبلغ یکصد هزار تومان بعنوان بیعانه از خریدار دریافت نموده است و قرار شد بقیه را تا شش ماه پرداخت نماید و منزل را تحویل بگیرد و ضمناً شرط کرده‌اند چنانچه خریدار تا شش ماه پشیمان شود حقی در بیعانه ندارد و اگر فروشنده به مدت شش ماه پشیمان شد علاوه بر بیعانه مبلغ صد هزار تومان هم از خود به خریدار پرداخت نماید و لکن خریدار پشیمان نشده و در مدت فوق نتوانست پول تهیه کند و خانه را خریداری نماید و فروشنده هم بعد از شش ماه خانه خود را فروخته آیا می‌تواند بیعانه را به خریدار ندهد یا خیر؟

#### ج

– در فرض سؤال فروشنده باید بیعانه را به مشتری پس بدهد و حق امتناع ندارد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۵

### احکام شرط در بیع

#### س ۱۱۲۳

#### اشاره

– شخصی کُرهاً و اجباراً متعهد می‌شود قطعه زمینی را به اشخاص دیگری تملیک و واگذار نماید قطع نظر از آنکه تسلیم زمین از طرف شخص متعهد به متعهد لهم عن طیب نفسه نبوده است علی فرض که تعهد متعهّد طائعاً و راغباً ایجاد شده باشد با توجه به اینکه:
اولًا تنها عقود و معاملات منعقده فیما بین متعاقدین و متعاملین لازم الوفاء بوده آن هم در صورتی که در عقد و معامله منعقده کلیه

شرائط و ارکان و عناصر اساسی صحت تحقق یافته باشد.
ثانیاً تعهد یک جانبه بر طبق آراء و فتاوای علمای عظام شیعه برای متعهد لازم الوفاء نبوده مگر آنکه تعهد معهود ضمن عقدی از عقود لازمه ایجاد و ایقاع شده باشد و به شرحی که فوقاً معروض افتاد تعهد مزبور بطور یکجانبه ایجاد گردیده ذیلًا مرقوم فرمائید در چنین وضعی برای شخص متعهد شرعاً عدول از تعهد جایز و سائغ خواهد بود یا خیر؟

**ج**

- بطور کلّی مجرّد تعهّد اگر در ضمن عقد لازم شرط نشده باشد واجب الوفا نیست و سبب نقل و انتقال ملک نمی‌شود بلی چنانچه حسب وعده و تعهد با رضایت با یکی از اسباب شرعی نقل و انتقال از قبیل بیع و شراء و یا صلح و یا هبه مال مورد تعهد را تملیک طرف کرده باشد فسخ آن معاملات بعنوان اینکه تعهد یک جانبه بوده لزوم وفا نداشته، صحیح نیست و در صورت نزاع بین طرفین در جهات مذکوره مرافعه شرعیّه لازم است.

**س ۱۱۲۴**

**اشاره**

- ملکی معامله شده و خریدار مخارجی در ملک انجام داده و ملک مصادره گردیده است اگر از اول خریدار یا فروشنده می‌دانسته‌اند که ملک مصادره‌ای می‌باشد تکلیف خریدار یعنی خرید ملک و مخارج یک‌ساله در ملک چیست؟ ضرر و زیان شامل می‌شود یا خیر؟ و اگر مشکوک بوده چطور؟ (زیرا بعد از انجام معامله مراجعه به محضر جهت وکالت می‌کنند به آنها می‌گویند ملک به نام دیگری بوده حتی فروشنده گفته هنوز پول شما را خرج نکرده و
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۶
حاضرم برگردانم ضمناً خریدار مطالبه نماء و خسارت می‌نماید).

**ج**

- از قضیه شخصیّه اطلاعی ندارم به طور کلی چنانچه بعد از معامله معلوم شود که فروشنده قدرت تسلیم مبیع را نداشته آن معامله باطل است و باید فروشنده ثمن را (اگر گرفته) برگرداند و اگر فروشنده خریدار را مغرور نموده باشد باید مخارجی را هم که خریدار متحمل شده بپردازد ولی در هر صورت خساراتی را که به خاطر بهم خوردن معامله تصوّر می‌کند از قبیل اینکه اگر معامله واقع نشده بود با پولی که داده‌ام فلان نفع را می‌بردم فروشنده ضامن نیست و چنانچه نزاع موضوعی باشد مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم.

**س ۱۱۲۵**

**اشاره**

– معامله‌ای انجام گردیده قرار شده طبق توافق طرفین چک مبلغ معامله تا زمان محضر، پیش واسطه باشد ولی واسطه معامله با نظر و امضاء خریدار قبل از زمان موعود چک را به فروشنده داده است آیا واسطه خیانت نموده و از نظر اخلاقی و شرعی مسئول است یا خیر؟

**ج**

– عبارت سؤال وافی نیست اگر مقصود این است که واسطه معامله با نظر و موافقت خریدار چک را به فروشنده داده در این صورت فرض خیانت صحیح نیست و اگر مقصود این است که بدون رضایت خریدار چک به فروشنده داده است چنانچه از این جهت خسارتی بر خریدار وارد شود واسطه ضامن است و الّا فقط مرتکب معصیت عمل خلاف امانت شده و باید توبه کند. و اللّه العالم

**س ۱۱۲۶**

**اشاره**

– شخصی جنسی را به پول نقد می‌خرد و نمی‌تواند تا مدّت دو ماه بپردازد آیا بایع می‌تواند از نسبت دو ماه تأخیر چیزی اضافه از قیمت اصلی بخواهد؟

**ج**

جامع الاحکام ؛ ج۱ ؛ ص۳۲۶

در فرض سؤال، بایع بیشتر از ثمنی که برای مبیع معیّن کرده و معامله بر آن واقع شده نمی‌تواند چیزی مطالبه کند.

**س ۱۱۲۷**

**اشاره**

– شخصی جنسی را بپول می‌خرد، و بعد از دو ماه که نمی‌تواند پول بدهد اصل همان جنس یا مشابه آن را برای بایع بازمی‌گرداند و در این مدت قیمت سوقی آن جنس پائین می‌آید آیا آن تفاوت قیمت بعهده بایع است یا مشتری؟

**ج**

– مشتری باید ثمن تعیین شده در حین معامله را به بایع بدهد و بایع ملزم به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۷

قبول عین یا مثل مبیع نیست بلی اگر بایع رضایت به اقاله معامله داشته باشد اقاله مانعی ندارد.

### س ۱۱۲۸

### اشاره

- در سال گذشته تاریخ ۷/ ۳/ ۷۴ در نجف‌آباد اصفهان با شخصی دو هزار جفت تخت لاستیکی معامله کردم از قرار هر جفت تخت لاستیکی به مبلغ ۱۱۵ تومان، ۱۱۵ هزار تومان نقد داده‌ایم و قرار شد هر موقع هزار دومی تمام شد ۱۱۵ هزار تومان دومی را بپردازیم در همین تاریخ ۳۰۰ جفت تخت تحویل گرفتم ۷۰۰ جفت نزد فروشنده است به بنده تلفن کرده در حال حاضر تخت شده هر جفت ۲۵۰ تومان بفرمائید آیا حق گرفتن چنین مبلغی را دارد؟

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه در معامله تاریخ معینی برای پرداخت بقیه قیمت جنس خریداری شده تعیین کرده باشید فروشنده حق ندارد زاید بر قیمت تعیین شده چیزی بگیرد ولی اگر به نحوی که در سؤال ذکر شده تاریخ به این صورت باشد که (هر موقع هزار دومی تمام شد ۱۱۵ هزار تومان دومی را بپردازم) بایع نسبت به تعدادی که پول آن را گرفته نمی‌تواند زیادتر بگیرد و نسبت به آنچه بنا بوده بعد بدهد می‌تواند گرانتر بدهد چون معامله نسبت به اجناسی که پول آن را نگرفته از جهت معین نبودن تاریخ پرداخت ثمن و مثمن باطل بوده است.

و اللّه العالم.

### س ۱۱۲۹

### اشاره

- اگر فروشنده نتواند کالای مورد معامله را پس از دریافت وجه تحویل مشتری نماید و بخواهد از معامله منصرف و وجه را مسترد نماید بدون رضایت خریدار جایز است یا خیر؟

### ج

- در مورد سؤال چنانچه معامله نقدی و کلی بوده باید هر وقت متمکن شد تسلیم نماید و اگر سلف بوده مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند و می‌تواند صبر کند تا موقع قدرت بر تسلیم و اگر معامله روی عین شخصی بوده با فرض عدم قدرت بر تسلیم باطل است هر چند در حین معامله قدرت بر تسلیم داشته و بعد متعذر شده باشد.

### س ۱۱۳۰

#### اشاره

- کسی که معامله‌ای انجام داده و از متعامل وجه آن را به صورت چک دریافت نموده پس از رسیدن زمان چک متعامل وجه را پرداخت ننموده حال آیا شخص بایع می‌تواند معامله قبل را فسخ کند یا خیر و در صورت توانستن آیا
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۸
می‌تواند همان جنس فروخته‌شده قبلی را به مبلغ بالاتر به همان شخص قبل بفروشد با یک قرار داد جدید و بیع جدید دیگر؟

#### ج

- اگر در حین معامله، شرط کرده که چنانچه مشتری ثمن را در موعد تعیین شده نپردازد بایع حق فسخ معامله را داشته باشد در فرض سؤال می‌تواند فسخ کند و بعد به قیمت بیشتر به همان مشتری یا غیر او بفروشد و اگر چنین شرطی نکرده و معامله به صورت نسیه بوده و مشتری در تاریخ تعیین شده ثمن را نداده بایع حق فسخ ندارد. و اللّه العالم

### س ۱۱۳۱

#### اشاره

- شخصی خانه‌ای را می‌فروشد و پولی را از بابت فروش دریافت مینماید، و قرار می‌شود مابقی پول خود را پس از آمادگی مدارک ثبت در موعد مقرر دریافت نماید، اما بدلیل نبودن مدارک خانه و عدم آمادگی در ثبت دفترخانه ناچار وجه مابقی خانه به تعویق می‌افتد، آیا از جهت این عدم آمادگی مدارک و تأخیر در صورت عدم انصراف خریدار، فروشنده می‌تواند معامله را فسخ و یا بدلیل افزایش بهاء خانه وجهی اضافه بر قیمت اولیّه از خریدار دریافت کند؟

#### ج

- در فرض سؤال، اگر تاریخ پرداخت بقیه ثمن کاملًا معلوم بوده مثلًا اوّل برج فلان و چنانچه در حین وقوع معامله غبنی در بین نبوده، مجرّد افزایش قیمت بعد از آن، موجب حق خیار نیست بلی اگر بایع در ضمن عقد بیع، شرط کرده باشد که اگر خریدار تا تاریخ معینی بقیّه ثمن را نپردازد حق فسخ داشته باشد و خریدار تا آن تاریخ بقیه ثمن را نپردازد بایع خیار تخلف شرط دارد و الّا مجرد تأخیر ثمن موجب خیار نمی‌شود ولی اگر قرار بر این بوده که وقتی در محضر به ثبت رسید بقیه ثمن پرداخت گردد چون تعیین مدت محسوب نمی‌شود معامله نسبت به مقدار بقیه ثمن باطل است و نسبت به آن مقدار بایع و مشتری خیار تبعّض صفقه دارند.

### س ۱۱۳۲

### اشاره

– خانه‌ای را در مقابل قولنامه در چنـد ماه قبل به شخصـی فروخته‌ام بمدت ۴ ماه که خریـدار وجه آن را طی چند فقره چک ماهیانه مبلغ ۷ میلیون تومان بپردازد. با توجه به اینکه اولین چک با مـدتی تأخیر و بقیه نیز که مبلغ ده میلیون تومان می‌باشد حدوداً با سه ماه تأخیر وصول گردیـد و نیز با توجه به وضع اقتصادی موجود و بموقع وصول نشـدن چکها ضـرر و زیان زیادی متوجه گردیده است، ضمناً تاکنون سند به نام خریدار انتقال نیافته با عنایت به مراتب

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۹

فوق خواهشمند است نظر مبارک را از نظر شرعی اعلام فرمائید؟

### ج

– در فرض سؤال چنانچه بیع شـرعی بین متعاملین واقع شـده و قبض حاصل شده بدون مجوز شـرعی فسخ آن جایز نیست و همچنین جایز نیست وجهی در برابر تأخیر در اداء از خریدار بگیرد و نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

## س ۱۱۳۳

### اشاره

– دو نفر پس از توافق طرفین معـامله ای را امضاء می‌نماینـد و بیعانه لازم هم از طرف خریـدار به فروشـنده داده می‌شود تا در مهلت معین در محضر حاضر و معامله را بطور کامل انجام دهند فروشنده هم به اعتبار قرار داد منعقده با کس دیگری معامله نمی‌نماید پس از انقضاء مدت معینه خریدار از انجام معامله منصـرف شده و انصـراف خود را کتبا به محضـر اعلان می‌نماید و در اثر خلف وعده و نقض قرار داد، فروشنده متضرر می‌شود آیا فروشنده شرعا حق دارد زیان حاصله از تخلف وعده را از خریدار بگیرد یا نه؟

### ج

– بعـد از انجام معامله هیـچ‌یک از طرفین بـدون مجوز شـرعی حق فسـخ معامله را ندارنـد و با مجوز فسـخ، متضـرر شدن یک طرف نمی‌تواند مانع فسخ شود.

## س ۱۱۳۴

### اشاره

– در تاریخ ۸/ ۵/ ۱۳۷۲ یک باب منزل فروخته‌ام به شخصـی به مبلغ ششـصد هزار تومان که قرار شـد که در طول ۱۲ ماه مبلغ ذکر

شـده را بپردازد ولی ایشان در طول ۸ مـاه مبلغ دویست و نود هزار تومـان داده است و تا به امروز ۳ سال از آن تاریـخ می‌گذرد که مبلغ سـیصد و ده هزار تومان آن مانـده است و حال آنکه در ابتـدا معامله شـرط شـده که اگر خریـدار ثمن را در موعـد مقرّر نـدهد فروشنده حق فسخ دارد، خواهشمند است حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال، که فروشـنده شـرط کرده که اگر خریـدار ثمن را در موعـد مقرّر نپردازد حق فسـخ داشـته باشـد و خریدار تخلّف نموده، فروشنده حق فسخ دارد. و اللّه العالم

س ۱۱۳۵

اشاره

– آپارتمـانی را که آموزش و پرورش به نـام من تحویـل داده بـا شـراکت شوهرم خریـداری نموده به شـرطی که تا آخر عمر در آن باشیم ایشان مقداری از اقساط بانک را پرداخت نموده بعد از مدتی تصمیم به فروش آن داشته آیا چنین

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۰

حقی را دارد؟ حال که قریب دو ماه است فوت کرده تکلیف ورثه چیست؟

ج

– اگر شـما قرار داد شـرعی با شوهرتان در مورد آپارتمان مـذکور منعقد کرده باشـید و او تخلّف از شـرائط کرده باشد اختیار فسـخ معـامله را داریـد و در این صورت همسـرتان فقـط پولهـائی را که پرداخت نموده طلبکار است و حال که او فوت شـده به ورثه او از جمله خود شما طبق تقسیمات شرعی میرسد.

نقد و نسیه

س ۱۱۳۶

اشاره

– جنابعالی در رساله عملیه فرموده‌اید که در معاملات نسـیه مدت باید معلوم باشد اگر مثلًا بگوید سـر خرمن اشکال دارد؟ آیا مغازه دار که معمولًا با مردم حساب دارد و مردم از او مواد خوراکی و غیره را خریداری می‌کنند به صورت نسـیه و مدت معلوم نیست چه صورتی دارد؟

#### ج

- معاملات مذکوره صحیح نیست باید مدت را معلوم کنید.

### س ۱۱۳۷

#### اشاره

- آیا می‌توان اجناس را که بصورت نسیه فروخته می‌شود با اطلاع مشتری به مبلغی گرانتر فروخت؟

#### ج

- اشکال ندارد ولی سعی کند اجحاف نشود.

### س ۱۱۳۸

#### اشاره

- فردی درب آهنی دست دوم را به فرد دیگری فروخته بدون اینکه وزن درب و یا قیمت معین شود فقط فروشنده هنگام فروش گفته است قیمت روز هر چقدر می‌باشد شما کیلوئی ۱۰ تومان ارزانتر پولش را پرداخت کنید در آن موقع قیمت کرده و آهن ۹۰ تومان بوده سه سال از این قضیه می‌گذرد در طول این سه سال نه خریدار بنابر سوابق دوستی که داشته پول درب را پرداخت کرده و نه فروشنده سراغ پولش را گرفته است الآن که سه سال گذشته فروشنده ادّعا می‌کند که باید قیمت امسال را بپردازی نه سه سال قبل را لطفاً حکم شرعی مسأله را مرقوم فرمائید.

#### ج

- در فرض سؤال معامله باطل است و آن درب آهنی به ملکیت فروشنده باقی است خریدار اگر بخواهد درب را نگهدارد به قیمت فعلی باید پولش را بدهد و در نزاع موضوعی مراجعه شرعیه لازم است.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۳۱

### س ۱۱۳۹

#### اشاره

- در معامله نسیه که فرموده‌اند اگر مدت معین نشد باطل است آیا مراد این است که نسیه باطل است و معامله نقدی می‌شود و یا اصل معامله باطل است؟

**ج**

- اصل معامله باطل است.

**س ۱۱۴۰**

**اشاره**

- ماشینی که قیمت آن مشخص شده و ارزش آن یک میلیون تومان می‌باشد و خریدار می‌خواهد یک سال بعد پول آن را بپردازد آیا جایز است که فروشنده برای هر ماه ۴۰ هزار تومان بعنوان سود بگیرد، و در مورد کالای دیگر نیز اگر این مسأله صادق باشد آیا جایز است؟

**ج**

- اگر بعد از تعیین قیمت و انجام معامله شرعی خریدار بخواهد چیزی بعنوان سود، از جهت تأخیر پرداخت بگیرد حرام است ولی اگر قبل از انجام معامله، فروشنده بگوید اگر ثمن را نقد می‌دهی مثلًا یک میلیون تومان و اگر بوعده یک ساله می‌دهی (معامله نسیه) مثلًا یک میلیون و پانصد هزار تومان و خریدار معامله نسیه را اختیار کند سپس معامله نسیه انجام دهند اشکال ندارد در هر صورت باید ثمن مقطوع و معین باشد.

**س ۱۱۴۱**

**اشاره**

- خریدار و فروشنده‌ای خانه‌ای را معامله کرده‌اند بعض ثمن نقد و بعض دیگر مدت دار بوده است و مدت مجهول است زمان تحویل مابقی ثمن پس از انجام مراحل قانونی و هنگام تنظیم سند در محضر است و هیچ یک از طرفین توجه نداشته‌اند که می‌شود معامله را بطور نقد و بصورت نسیه انجام داد بنابراین نمیدانند کدامیک از دو شکل معامله را قصد کرده‌اند البته مشتری خود را ذی حق در تأخیر ثمن تا مدت مذکور می‌داند. فروشنده نیز این حق را انکار نمی‌کند مستدعی است بفرمائید:

س ۱: آیا معامله تماماً حکم نقد را دارد و یا قسمت مدت دار آن نسیه است؟

س ۲: آیا در فرض نسیه بودن معامله فوق با توجه به جهل به مدت معامله باطل است یا صحیح؟

س ۳: در فرض بطلان آیا معامله رأساً باطل است و یا نسبت به مقدار نقدی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۲

آن صحیح است؟
س ۴: چنانچه معامله نسبت به مقدار نقدی آن صحیح باشد آیا طرفین یا یکی از آنها حق فسخ معامله را نسبت به آن مقدار دارد یا خیر؟
س ۵: در صورت صحت معامله مذکور چنانچه مشتری نتواند مابقی ثمن را در زمان مقرّر تحویل دهد آیا فروشنده حق فسخ معامله را دارد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال معامله نسبت به مبلغ مدت‌دار نسیه است و چون مجهول بوده نسبت به همان مقدار باطل است و نسبت به بقیه صحیح است ولی هر یک از فروشنده و خریدار خیار تبعّض صفقه دارند.

### س ۱۱۴۲

### اشاره

- فروشنده یک فرش یا یک جنس معین به خریدار می‌گوید سه ماه وعده ۵۰ هزار تومان، نقد ۴۵ هزار تومان و کاسبی دیگر همین جنس معین را می‌گوید نقد ۴۵ هزار تومان، سه ماه وعده ۵۰ هزار تومان کدامیک از این دو صحیح است؟

### ج

- اگر نقد و یا نسیه بودن معامله هنگام انجام معامله معلوم باشد هر دو صورت صحیح است.

### س ۱۱۴۳

### اشاره

- این جانب برای خرید چند دستگاه مختلف از فروشندگان استعلام نمودم و با یکی از آنها به توافق رسیدم و دستگاههای مذکور را به قیمت معینی از او خریداری نمودم نقدا قسمتی از ثمن معامله، به درخواست فروشنده پرداخت گردید، و قرار بر آن شد که: دستگاهها، حد اکثر در مدت سه ماه تحویل گردد، و در این مدت نیز طبق درخواست فروشنده بقیه ثمن نیز تحویل داده شد، الحال فروشنده ادعا می‌کند که:
اولًا: به لحاظ افزایش قیمت‌ها باید مبلغی به ثمن معامله افزوده شود.
ثانیاً: بعضی از دستگاهها به صورت ناقص تحویل داده شده است.
ثالثاً: بعضی از آنها را هم تحویل نداده است.
لطفاً حکم شرعی مسأله را بیان فرمائید.

### ج

- در فرض سؤال اگر دستگاههای مذکور را بنحو کلّی خریده‌اید فروشنده نسبت به مقداری از مبیع که قیمت آن حین معامله نقداً پرداخت شده حق مطالبه افزایش قیمت را ندارد و اما نسبت به بقیّه مبیع کلّی که پرداخت قیمت آن موکول به

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۳۳

بعد شده و تحویل بقیه مبیع نیز مدّت دار بوده معامله باطل است لذا فروشنده ملزم به تحویل آن نیست مگر با تراضی و معامله جدید ولی اگر دستگاههای معیّن شخصی را خریده‌اید نه کلّی فروشنده حق مطالبه افزایش قیمت را ندارد و در صورت معیوب بودن مبیع در معامله شخصی خریدار حق فسخ دارد و در معامله کلّی حق دارد که فروشنده را ملزم نماید که مبیع معیوب را عوض کند و مبیع سالم تسلیم کند، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم.

### س ۱۱۴۴

### اشاره

- حدود ۱۲ سال پیش یک قطعه زمین به مبلغ ۷۵ هزار تومان مورد معامله قرار گرفته مبلغ ۵۰ هزار تومان آن پس از معامله و تصرف زمین به فروشنده پرداخت گردید و الباقی که مبلغ ۲۵ هزار تومان می‌باشد با توافق طرفین متعاملین مقرر گردید که ۴ سال بعد در قبال انتقال سند، خریدار تسلیم فروشنده نماید و قبل از موعد مقرر فروشنده از خریدار تقاضای مبلغی نموده ولی چون موعد نرسیده بوده خریدار از پرداخت امتناع ورزیده و بعد موعد مقرر که رسیده خریدار جهت تأدیه و تقاضای سند به فروشنده مراجعه نموده فروشنده حاضر به انتقال نشده که هنوز قضیه به همین صورت باقیمانده و زمین مورد تصرف خریدار قرار گرفته و مدت ۱۰ سال است که بصورت منزل مسکونی در آمده اکنون فروشنده آیا استحقاق همان ۲۵ هزار تومان الباقی را دارد یا بیش از آن استدعا می‌شود در مورد فوق حکم اللّه را بیان بفرمائید.

### ج

- در مورد سؤال که برای پرداخت بقیه ثمن موعد معین شده است خریدار بیش از مبلغ ۲۵ هزار تومان مدیون نیست، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم.

### س ۱۱۴۵

### اشاره

- شخصی مقداری جنس از شخص دیگری خریده و نصف قیمت آن را داده است بعلّت اختلاف در اصل جنس تا مدّت انتقال اجناس قیمت پائین آمده است شخص بایع بدون اجازه مشتری همه اجناس را به ضرر فروخته است آیا ضرر این جنس بر عهده بایع

است یا مشتری؟

ج

– در مورد سؤال، چنانچه معامله بطور صحیح بر عین شخصی واقع شده فروش بایع فضولی بوده و با ردّ مشتری معامله دوّم باطل است و مشتری می‌تواند عین جنس را بگیرد و اگر بایع فضولی جنس را تحویل خریدار دوّم داده و جنس از

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۴

بین رفته باید مثل جنس را اگر مثلی است یا قیمت آن را اگر قیمی است به قیمت یوم التلف به مشتری اول بدهد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۱۴۶

اشاره

– این جانب در سال ۵۸ زمینی به متراژ ۱۴۴ متر از قرار هر متر ۴۵ تومان از شخصی خریداری نمودم و قرار ما در معامله این بود که نصف قیمت را نقداً و نصف دیگر را پس از یک ماه دیگر بپردازم نیمی از قیمت را طبق قرار همان زمان پرداخت نمودم بعد از یک ماه که ما بقی را خواستم بدهم سند درخواست نمودم جواب داد با این مبلغ سند را نمی‌دهم و بنده هم بخاطر اینکه ترسیدم پولم بکلّی از بین برود بقیه پول را ندادم در این مدّت ۱۶ سال نه من تقاضای سند کردم و نه او پول از من مطالبه کرد و حال که زمین گران شده میگوید یا نصف زمین را بده و یا قیمت فعلی را مستدعی است حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

– بطور کلی در فرض سؤال اگر خریدار بر طبق قرار داد عمل کرده و بقیه قیمت زمین را در موعد تعیین شده تحویل فروشنده داده و او قبول نکرده خریدار بیش از همان مبلغ بدهکار نیست و فروشنده نمی‌تواند بیشتر مطالبه کند و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۱۴۷

اشاره

– در معاملات تجاری نقدی معمولاـ در بازار با رضایت طرفین صدی یک کسر می‌شود و یا اینکه قبلا موضوع بیان می‌شود نظر حضرتعالی چیست؟

ج

- اشکال ندارد.

### س ۱۱۴۸

#### اشاره

- گوسفندی که امروز به نرخ مثلًا پانزده هزار تومان است برای یک سال نسیه می‌خرد هیجده هزار تومان آیا این شرعاً صحیح است یا خیر؟ (در صورتی که خودشان این گوسفند را بعداً (سه چهار روز بعد) به قیمت ۱۴ هزار تومان می‌فروشند).

#### ج

- فروش نسیه گوسفند به قیمتی بیشتر از قیمت نقد اشکال ندارد و همچنین پس از انجام معامله فروش نقدی آن به کمتر مانعی ندارد. و اللّه العالم

### س ۱۱۴۹

#### اشاره

- شخصی معامله نسیه می‌کند در معامله نه نوشته‌ای می‌گیرد و نه شاهدی و سود بیشتری روی جنس می‌کند گاهی هم در بعضی از مشتریان اصل
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۵
سرمایه هم می‌سوزد آیا آن سود زیادی بابت اجناس چه صورتی دارد؟

#### ج

- در صورتی که معامله با رضایت طرفین انجام شود معامله صحیح است البته در صورت غبن خیار برای مغبون ثابت است.

## بیع به شرط

### س ۱۱۵۰

#### اشاره

- آیا بیع به شرط جایز است؟

ج

– اشکال ندارد.

س ۱۱۵۱

اشاره

– آیا برای تخلص از ربا بیع بشرط و اجاره صحیح است؟ مثلًا زید دو دانگ ماشین خود را به مشتری می‌فروشد بیع به شرط و سپس همین دو دانگ ماشین فروخته شده را از او اجاره میکند ماهی به ۴۰ هزار تومان آیا صحیح است و مقصود آنها از بیع به شرط آن است که تا مدت سه ماه صاحب ماشین حق فسخ داشته باشد.

ج

– بیع بشرط در صورتی که صاحب ماشین جدّاً قصد خرید نماید به همان نحو که در سؤال ذکر شده صحیح است لکن فروشنده بگوید دو دانگ از این ماشین را می‌فروشم به فلان مبلغ و شرط کند که از تاریخ فلان تا تاریخ فلان در صورت ردّ ثمن حق فسخ داشته باشم و در این صورت هر گاه در مدت تعیین شده پولی را که گرفته به خریدار داد و فسخ کرد معامله بهم میخورد و اگر فسخ واقع نشود تا مدت بگذرد دیگر حق مطالبه دو دانگ ماشین را ندارد.

س ۱۱۵۲

اشاره

– شخصی چهار دانگ از ماشین خود را در دو نوبت به فاصله پنج ماه به بیع به شرط فروخته است زمان انقضای حق فسخ بایع در هر دو معامله در یک زمان می‌باشد اکنون بایع پول دو دانگ را داده نسبت به دو دانگ دیگر که نتوانسته پولش را بدهد مشتری می گوید دو دانک ماشین مال من است یا خود شما بخرید یا به دیگری می‌فروشم بایع می گوید فقط پولی که برای خرید داده‌ای می‌دهم با اجاره مدت بعد از انقضاء، لطفاً نظر مبارک را در مورد مسأله فوق بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال در صورتی که معامله بنحو صحیح و شرعی واقع شده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۶

است بعد از انقضاء مدت خیار نسبت به دو دانگ، معامله لازم است و اختیار فروش این دو دانگ با مشتری است و فروشنده حق

اجبار نسبت به خریدار ندارد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

### س ۱۱۵۳

#### اشاره

- زیـد نیاز به پول دارد و عمرو، بادام دارد زید بادام را از عمرو کیلویی ۴۶۰ تومان می‌خرد تا پول را پس از ۳ ماه به عمرو، بدهد و در همان مجلس عمرو بادام را از زید کیلویی ۴۳۰ تومان می‌خرد و پول را به زید می‌دهد، حکم این مسأله چیست؟

#### ج

- اگر معامله اوّل مشروط به معامله دوّم باشد صحیح نیست. و اللّه العالم

### س ۱۱۵۴

#### اشاره

- بعرض میرسانـد این جانب فرشـی داشـتم فروختم بمـدت و خریدار تحویل گرفت و بعد از سه روز رفتم سه تا فرش از او خریدم و پول فرشـها را نقداً به او دادم آیا اشـکالی هست در این معامله، توضیح آنکه دوتا از سه عدد فرش مذکور همان فرشهائی بود که به او قبلًا فروخته بودم.

#### ج

- چنانچه در معامله اول شرط نکرده‌اند که فرش را مجدداً به مالك اوّل بفروشند، معامله دوّم اشکال ندارد.

## خریدوفروش و واگذاری اجزاء بدن

### س ۱۱۵۵

#### اشاره

- شخصـی مبتلاء به سـرطان است اطباء متخصّـص و به اتفاق تشـخیص می‌دهنـد که امید حیات برای این شـخص باقی نیست و خود مریض هم یقین دارد که چند صـباحی بیش عمر نخواهد کرد. اگر این شخص بخواهد در آخرین لحظات حیات خود کلیه، چشم یا سایر اعضاء خود را مثلًا در مقابل ده میلیون تومان بفروشد تا ورّاث بتوانند با این پول امرار معاش نمایند درحالی‌که قطع اعضاء، هیچ گونه تسریع در مرگ شخص نداشته باشد فروش اعضاء جایز می‌شود یا خیر؟

**ج**

- امّا واگذاری عضو اگر موجب تسریع موت شود بلا اشکال جایز نیست و اگر موت مستند به آن باشد مباشر در حکم قاتل است که بحسب موارد محکوم می‌شود و اگر خطر جسمانی نداشته باشد در این صورت نیز حکم به جواز واگذاری در نهایت اشکال است و معاوضه آن با پول باطل است.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۳۷

**س ۱۱۵۶**

**اشاره**

- خریدوفروش عضو بدن انسان زنده جهت پیوند به بیماران چه حکمی دارد؟

**ج**

- در صورتی که حفظ جان بیمار معیّنی فعلًا موقوف به آن عضو باشد و برای صاحب عضو هیچ‌گونه ضرری نداشته باشد، بعید نیست واگذاری عضو اشکال نداشته باشد ولی در هر حال جواز خریدوفروش آن مشکل است و می‌توانند به صورت مصالحه عمل نمایند.

**س ۱۱۵۷**

**اشاره**

- خریدوفروش کلیه در حال حیات و چشم بعد از فوت جایز است یا نه؟

**ج**

- جائز نیست.

**س ۱۱۵۸**

**اشاره**

- کسی که وصیت می‌کند که پس از مرگم کلیه مرا برای محتاجین خارج کنید آیا این وصیت قابل اجرا است یا نه دیگر اینکه خارج کننده کلیه از بدن میّت مسلمان باید دیه بپردازد یا نه؟

### ج

- در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن، جواز قابل توجیه است. و الّا وصیت شخص، مجوز نیست و دیه هم در هر حال ساقط نمی‌شود و بر عهده خارج کننده کلیه است.

### س ۱۱۵۹

### اشاره

- کسی در حال احتضار است و دکتر از حیات او قطع امید میکند آیا وارث و یا ولی می‌تواند از اعضاء او اجازه پیوند به یک مریض دیگر بدهد یا نه؟ و یا کسی وصیت میکند در حال احتضار من دکتر حق دارد از اعضاء سالم من به مریض دیگر که احتیاج دارد پیوند بزنند آیا صحیح است یا نه؟

### ج

- قبل از فوت مریض وارث و یا ولی چنین حقی ندارد و همچنین خود مریض حق ندارد وصیت کند که قبل از فوت من عضوی از بدن من جدا شود و به کسی داده شود بلی بعد از فوت مریض چنانچه حیات مؤمنی بستگی به پیوند عضوی داشته باشد جواز دادن عضوی از میت قابل توجیه است ولی باید دیه آن داده شود که مصرف خیرات جهت میت بشود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۸

## سود عادلانه در فروش کالا

### س ۱۱۶۰

### اشاره

- کسی که کاسبی می‌کند چه مبلغی از جنس را باید سود ببرد که مالش حرام نشود؟

### ج

- با تراضی طرفین و رعایت شرائط معامله و اجتناب از غش و دروغ و محرمات دیگر به هر قیمت بفروشد در صورتی که حاکم

شرع جامع الشرائط و منصوبین او نرخی برای آن جنس تعیین نکرده باشند حرام نیست ولی اجحاف بسیار مذموم است. و اللّه العالم

### س ۱۱۶۱

#### اشاره

- بعضـی از اجناس مدت یک یا دو سال و یا مدتی در فروشـگاه می‌ماند بعد از مدتی قیمت آنها بالا می‌رود آیا فروشـنده حق دارد آن را به قیمت روز بفروشد؟

#### ج

- مانعی ندارد ولی سعی کند بی‌انصافی نشود که آثار سوء دارد.

### س ۱۱۶۲

#### اشاره

- بعضـی از اجنـاس تلفـات دارد آیـا فروشـنده حق دارد آن جنس را قبـل از فروختن بخـاطر جلوگیری از زیـان چنـد درصـد گرانتر بفروشد؟

#### ج

- اشکال ندارد.

### س ۱۱۶۳

#### اشاره

- این جانب در تاریخ ۱۶/ ۱۲/ ۷۲ مقـدار سه هزار کیلو چای بسـته‌بندی شده از قرار هر کیلو ۲۶۰۰ ریال از سازمان چای خریداری نموده‌ام که چای مـذکور در تاریخ ۱۶/ ۱/ ۷۳ به حقیر تحویل شـده و بنـده نیز چای مـذکور را به قیمت هر کیلو عمده‌فروش ۲۶۵۰ ریال و خورده‌فروش ۲۷۰۰ ریال توزیع نموده ام و در تاریـخ ۱۵/ ۲/ ۷۳ مجـدّداً به سازمـان چای مراجعه و همان چای را از قرار هر کیلو ۳۷۰۰ ریـال خریـده‌ام چنـانچه مقـدار یکصـد کیلو چای خریـد قبلی نزد این جانب موجود بوده باشـد ترقی و تفاوت قیمت آن متعلق به کیست؟

ج

- در مورد سؤال از باب ترقی قیمت چیزی به سازمانی که چای را بشـما فروخته تعلق نمی‌گیرد فقط اگر شرط بر شما کرده باشد که چای را به قیمت معیّنی بفروشید تخلّف از آن شرط جایز نیست. و اللّه العالم.

س ۱۱۶۴

اشاره

- کاسب و مغازه دار، کالا و اجناس را که در چند سال پیش خریداری

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۹

و تا کنون به فروش نرفته از جمله کالاهائی مانند ظروف استیل، چینی، بخاری و سایر مایحتاج، می‌تواند به نرخ روز به فروش برساند و از نظر شرع مقدس اشکال دارد یا خیر؟

ج

- بطور کلی هر کس می‌توانـد کالای خود را به هر قیمتی بفروشـد البته سـزاوار است رعـایت انصاف و ترک اجحاف به مؤمنین را بنماید بلی چنانچه کالای مذکور را بشـرط فروش به قیمت معیّنی به مغازه دار داده‌اند و تخلّف کرده و آن را به مردم نفروخته اسـت فعلًا هم باید بشرط عمل کرده به همان قیمت در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد.

س ۱۱۶۵

اشاره

- آیا میوه‌فروش میوه را کیلوئی ۲۰ تومان بخرد و کیلوئی ۳۰ تومان بفروشد اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اشکال ندارد ولی سعی شود که بی‌انصافی نشود که آثار سوء دارد.

## نزاع در خریدوفروش

س ۱۱۶۶

اشاره

– زیـد مثلًا شتری را به عمرو می‌فروشد و تحویل می‌دهد مدتی از این خریدوفروش می گذرد که ثالثی مدعی می‌شود که شتر از من است و زید که فروشـنده شتر بوده ادعای ثالث را قبول می کند، ولی عمرو که خریدار شتر و تحویل گیرنده بوده ادعای ثالث و قبول زید را رد مینماید، آیا اظهارات فروشنده اثری تحت عنوان اقرار و یا شهادت علیه خریدار ندارد؟

ج

– در فرض سؤال، بعـد از اینکه زید شتر را بعنوان ملك خود به عمرو فروخته معامله محکوم به صـحت است و بعد از معامله اقرار او به اینکه شتر مال شـخص ثالث است نسـبت به عمرو (مشتری) بلااثر است بنابراین شتر متعلّق به عمرو است لکن اقرار زیـد بر علیه به خودش مسـموع است و باید قیمت شتر را به شـخص ثالث بدهد، بلی در صورتی که به دلیل شرعی ثابت شود که شتر ملك شخص ثالث بوده معامله فضولی است و منوط به اجازه مالك شتر است.

س ۱۱۶۷

اشاره

– اگر شخصـی موتوری را بفروشـد و چنـدین سـال از آن موضوع گذشـته باشـد و همچنین چنـدین بار هم به افراد مختلف دست به دست فروخته شده باشد و نفر اول به گفته خودش مبلغ ۱۰ هزار تومان از پول موتور را نگرفته و می‌خواهد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۰
از من که آخرین نفر هستم مبلغ ۵۰ هزار تومان بگیرد در صورتی که من از این موضوع اطلاع نداشـتم و همچنین افراد قبلی که قبل از من موتور را خریده‌انـد نمی‌شـناسم و شـخص اول که مبلغ پنجاه هزار تومان از من طلب می کنـد هیـچ مدرکی از نفر اول مبنی بر اینکه از او ۱۰ هزار تومـان می‌خواهـد نـدارد آیـا اصـلًا این از نظر شـرعی درست است که او این مبلغ طلب را از من بگیرد و نیز آیا درست است که به جای ۱۰ هزار تومان از من پنجاه هزار تومان بگیرد؟

ج

– بطور کلّی در مثـل مورد سؤال، مالـك اوّلیه موتور نمی‌توانـد از خریـدار آخر طلب خود را وصول کنـد و چنانچه طلبی هم داشـته باشد باید به خریدار اوّل مراجعه نماید، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۱۶۸

اشاره

– شخصـی قطعه زمینی خریـد به مبلغ ۵ میلیـون و دویست هزار تومـان و طرفین توافق کرده‌انـد که زمین هر چقـدر بود به همین مبلغ

باشد و مدتی از معامله گذشته است و حالا فروشنده میگوید زمین بیشتر از آن متراژی است که مورد نظر من بوده و مبلغ دیگری اضافه میخواهم آیا چیزی به او تعلق می گیرد یا نه؟

#### ج

- در مورد سؤال اگر زمین بعنوان قطعه و بمشاهده معامله شده نه بعنوان متراژ طرفین بعد از معامله از لحاظ کم و زیاد بودن متراژ حق فسخ و یا مطالبه قیمت زیادتر و یا کمتر را ندارند ولی اگر به متراژ معامله شده حکم دیگری دارد و در نزاع موضوعی محتاج به مرافعه شرعیّه است.

### س ۱۱۶۹

#### اشاره

- پدری به ولایت، سهم پسر نابالغش را می‌فروشد پسر پس از بلوغ ادعای غبن می کند و پدر می گوید من در آن زمان طبق مصلحت تو معامله نموده‌ام اکنون که پدر مرحوم شده حکم شرع چیست؟

#### ج

- در فرض سؤال معامله شرعی و ممضی است و مولی علیه حق فسخ را بعد از بلوغ ندارد بلی اگر شرعاً ثابت شود که ولی شرعی خیانت نموده یا واقعاً در هنگام وقوع معامله مغبون بوده و جاهل بموضوع یا حکم بوده مولی علیه می‌تواند معامله را فسخ کند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۴۱

### س ۱۱۷۰

#### اشاره

- اگر شاخه‌های درخت زید عمرو را زحمت می‌رساند و از استفاده نمودن از بام خود مانع می‌شود بلکه شاخه‌های درخت بر سر و روی عمرو برخورده نقصان می‌رساند و بام از استفاده نمودن معطل شده است حکم شرع را بیان فرمائید.

#### ج

- در فرض سؤال عمرو می‌تواند از زید که مالک درخت است بخواهد که شاخه‌های درخت خود را از فضای ملک زید خارج کند و یا قطع کند و اگر زید که صاحب درخت است امتناع کرد خود عمرو می‌تواند اگر ممکن است بدون قطع کردن شاخه را

بر گرداند به ملک خود عمرو و اگر بر گرداندن ممکن نیست می‌تواند آن را قطع کند. و اللّه العالم

### س ۱۱۷۱

### اشاره

- معـامله‌ای در خصوص فروش کارخانه‌ای به صورت قطعی انجام پـذیرفته است فرضاً ده میلیون تومان که از پرداخت پول تا دو ماه خودداری شـده است خریـدار به فروشـنده که نیـاز پولی داشت تحمیـل نمود که اجبـاراً قولنـامه دیگری به مبلغ هشت میلیون تومـان تنظیم نماید آیا خریدار دو میلیون را به فروشنده مدیون و بدهکار است یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال چنانچه بر طبق قولنامه دوّم طرفین با رضایت معامله را انجام داده‌انـد به معنی اقاله معامله اول و تجدید معامله اسـت و صحیح است و خریدار فقط مدیون ثمن دوم یعنی هشت میلیون تومان هست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

### س ۱۱۷۲

### اشاره

- شخصـی خانه‌ای را جهت تأسیس حسینیّه خریداری می‌کند بعد از خرید آن را جهت حسینیّه اختصاص داده و صیغه وقف خوانده شـده و سالیـان دراز مراسـم عزاداری و مجـالس مشـابه دیگر در آن اقـامه می‌نمایـد پس از چنـدی برخی مـالکین اولیّـه منکر فروش میشونـد و ادّعاء مالکیت آن را می‌نماینـد. آیا متصـدی حسـینیه حق دارد از افرادی که انجام معامله را انکار نموده‌انـد تقاضای قسـم نماید؟ و اگر جواب منفی است هر گاه چنین کاری انجام شده باشد آیا اتیان سو گند می‌تواند ملاک حکم قرار گیرد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال اگر خریدار بیّنه شرعی اقامه کند که ملک را خریده قسم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۲

مالکین اولیه مبنی بر عـدم فروش اثری نـدارد بلی اگر خریـدار نتوانـد خریـد ملک را شـرعاً اثبات کنـد نوبت به قسم مالکین به عدم فروش میرسد ولی به هر حال فصل منازعه و اقامه بینه و قسم باید با مرافعه شرعیّه انجام شود.

### س ۱۱۷۳

### اشاره

– منزلی را خریـدم از قرار اینکه مقـداری از پول هنگـام نوشـتن قولنـامه تحویـل فروشـنده شود و بقیه مبلغ را بعـد از دو ماه بپردازم، فروشـنده هم گفت که در این مدت دوماهه، سـند و کلید منزل در تصرف من می‌ماند، ما هم موافقت کردیم، مبلغ باقیمانده را تا دو روز قبل از تاریـخ تحویل، آماده و به فروشـنده بـدهیم، فروشـنده گفت چون آن مقـدار باقیمانده از مبلغ که حق من است در اختیار مشتری بود، لـذا من سود آن مبلغ را در این مدت دوماهه می‌خواهم، حالا با توجه به اینکه خریدار در هنگام نوشـتن قولنامه مقداری از پول را به فروشـنده تحویـل داده و جز کاغـذ قولنـامه و امضای فروشـنده چیز دیگری تحویل نگرفت، حکم شـرعی این سودی که فروشنده می‌خواهد چیست؟

**ج**

– در فرض سؤال بایع زائد بر اصل ثمن معامله چیزی طلبکار نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

**س ۱۱۷۴**

**اشاره**

– زید مقدار معیّن از باغ مشـجر معین از عمرو خریده است و به صورت باغ معامله شده و در قولنامه و سـند هم به صورت باغ مشجر معامله شده و از معامله تقریباً ده سال می‌گذرد و در این مدت از جوئی که از باغ فروشـنده می‌گذرد این باغ مشـروب می‌شده چون این جوی قبـل از معـامله بوده الآـن صاحب باغ یعنی عمرو می‌خواهـد مسـیر آن جوی را که باغ زیـد از آن مشـروب می‌شود عوض نماید و با عوض کردن به مشتری ضرر می‌رسد آیا فروشنده این حق را دارد که مسیر جوی را بدون رضایت عوض کند؟

**ج**

– در مورد سؤال با فرض اینکه زید جهت مشروب ساختن باغ خریداری شده از عمرو قبلًا حق داشته که از جوی معیّنی که در ملك فروشنده واقع شده استفاده نماید فروشنده باغ (عمرو) حق ندارد بدون رضایت زید مسیر آن را عوض کند. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۳

**س ۱۱۷۵**

**اشاره**

– شخصـی مقداری از باغ خود را به شخص دیگری فروخته و پس از فروش واخذ قیمت مقدار فروخته شده را که پانصد متر بوده از سهم خود جدا و دیوارکشـی و تحویل خریدار داده و چون خریدار برای مشروب کردن سهم خریداری شده نه آب برکه داشته و نه حق آبه پس از مـدّت مدیـدی از فروشـنده خواهش کرده که به او اجازه دهد یک نوبت که باغ خودش را مشـروب میکند به اندازه

نیم ساعت هم آب از باغ خودش به سهم او عبور بدهد فروشنده هم بر حسب احترام همسایگی قبول کرده تا زمانی که برای باغ خودش آب می‌گیرد این کمک را به او بکند منتهی چون آب از چاه شخص دیگری خریداری می‌شده ایشان یعنی خریدار به قدر نیم ساعتی که به او داده می‌شود وجهش را بپردازد اکنون به علّت فعل و انفعالاتی که در آن منطقه بطور کلّی به عمل آمده و انهار و مجاری قسمت عمده‌اش از بین رفته نتیجتاً باغ فروشنده هم از آب افتاده است و در صدد فروش زمین آن برآمده اکنون خریدار آمده و از فروشنده مطالبه حق می‌کند و می‌گوید من از باغ شما حق آبه و راه آب دارم در صورتی که به شرح مذکور بالا و طبق بیع نامه‌ای که در دست است هیچ گونه حق آبه و راه آبی نداشته و آنچه عمل شده ارفاق و کمکی از طرف خریدار بوده. خواهشمند است با توجه به معروضات بالا رأی و نظر خودتان را برای رفع غائله مرقوم نمائید.

ج

– از قضیه شخصیّه اطلاع ندارم بطور کلی اگر محلّی که بعنوان باغ خریداری شده با حق مجرای آب خریده شده فعلًا هم آن حق محفوظ است و اگر بدون این حق خریداری شده هر چند فروشنده موافقت کرده باشد که هر وقت باغ خود را مشروب نمود باغ خریدار را نیز مشروب نماید در این صورت خریدار حقی به زمین مجاور برای آب گرفتن ندارد، بلی چنانچه زمین فروخته شده بعنوان باغ بوده و راهی برای شرب آن غیر از بقیه باغ ملکی فروشنده نباشد ظاهر معامله فروش زمین با راه آب است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

### س ۱۱۷۶

#### اشاره

– شخصی اشیائی آهنی را حدود سه سال قبل در اختیار کسی قرار داده و قرارشان بر این بوده که طرف وزن کرده و به قیمت روز وجه آن را بپردازد. و لکن آن شخص پس از قبض آن اشیاء آنها را در خانه مسکونی مصرف کرده بدون اینکه وزن نماید و سپس آن خانه را فروخته. الآن از او مطالبه قیمت آن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۴

اشیاء به قیمت فعلی در بازار شده و او قبول نمی‌کند بلکه می‌خواهد قیمت سه سال قبل را بپردازد. حکم مسأله چیست؟

ج

– در مورد سؤال، که بدون توزین و انجام معامله مصرف شده مصرف‌کننده ضامن مثل آهن آلات مصرف شده است و با رضایت مالك قبلی آهن آلات می‌تواند قیمت فعلی آن را بدهد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

## مسائل متفرقه خریدوفروش

### س ۱۱۷۷

### اشاره

– استدعا دارم فتوای مبارک در موارد ذیل به اطلاع مقلدین برسد:

### ۱

### اشاره

– آیا قبض و اقباض در قطعیت و نفوذ بیع مؤثر بوده و ضروری است؟

### ج ۱

– با اجراء صیغه، قبض و اقباض در تحقّق بیع معتبر نیست بلی در بیع صرف تقابض در مجلس و در بیع سلم قبض ثمن قبل از تفرّق از مجلس عقد معتبر است و معاطاهٔ بقبض و اقباض محقّق می‌شود تفاصیل این مسائل را در کتابهای فقهی ملاحظه نمائید. و الله لعالم

### ۲

### اشاره

– و آیا در این امر بین معاملات کوچک و عرفی و بزرگ فرقی است؟

### ج ۲

– فرقی نیست. و اللّه العالم

### ۳

### اشاره

– و در صورت مثبت بودن پاسخ آیا قبض و اقباض تمامی ثمن و مثمن شرط است یا چنانچه قسمتی از ثمن تأدیه شود، معامله بیع محقق می گردد، و قبض و اقباض کل ثمن و مثمن از آثار و الزامات ناشی از عقد بیع می‌باشد؟

### ج ۳

– در مواردی که قبض و اقباض شرط است به نسبت آنچه قبض و اقباض شده معامله محقق می‌شود.
و اللّه العالم

### س ۱۱۷۸

### اشاره

- فروش یک ملک به صورت زمانی به چند نفر چه حکمی دارد؟ (مثلًا ملکی به چهار نفر فروخته شده و این ملک در هر فصل سال در اختیار مالک همان فصل باشد که خودش استفاده کند یا اجاره دهد و یا ...)

### ج

- فروش ملک به صورت مذکور شرعی نیست ولی اجاره اشکال ندارد. و الله لعالم

### س ۱۱۷۹

### اشاره

- این جانب در سال ۶۶، منزلی در تهران خیابان ظفر به قیمت عادلانه
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۵
آن روز خریداری نمودم که مساحت آن ۱۰۵۳ متر میباشد که تا سال ۶۶ چند دست معامله شده اکنون متوجه شده ام قسمتی از آن، سند رسمی دارد و قسمتی ندارد ولی معامله بطور شرعی انجام و بیع‌نامه با تراضی طرفین انجام شده است؛ آیا این معامله صحیح بوده است؟

### ج

- در مورد سؤال چنانچه منزل مذکور در تصرّف شخصی بوده و متصرف بعنوان مالک بلا- منازع آن منزل را به شما فروخته و مدّعی دیگری با مدرک شرعی بعنوان مالکیت همه و یا بعض آن منزل در بین نیست ابتیاع شما شرعاً محکوم به صحت است و هر گونه تصرّف در آن منزل برای شما شرعاً محکوم به حلیّت است و سند رسمی نداشتن قسمتی از آن منزل ضرر ندارد. و اللّه العالم.

### س ۱۱۸۰

### اشاره

- بیع کالی بکالی چه نوع بیعی است و حکم آن در شرع و حقوق موضوعه به چه صورت می‌باشد؟

### ج

- اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدّتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدّتی بگیرد معامله کالی بکالی و باطل است.

### س ۱۱۸۱

#### اشاره

- قصد انشاء در عقد را شرح دهید.

#### ج

- انشاء بمعنی ایجاد کردن در مقابل اخبار که بمعنی خبر دادن است و در آن احتمال صدق و کذب میرود بر خلاف انشاء که صدق و کذب در آن معنی ندارد مثلًا اگر انسان بگوید فلان چیز را فروختم دو معنی ممکن است داشته باشد یکی اینکه خبر دهد از اینکه جنس خود را فروخته‌ام که این اخبار است و دیگر اینکه در هنگام معامله به مشتری بگوید این جنس را بشما فروختم و با این جمله (فروختم) قصد ایجاد بیع معین داشته باشد.

### س ۱۱۸۲

#### اشاره

- اگر در معامله‌ای، فروشنده توسط فاکس پیشنهاد کامل فروش مکتوب خود را ارسال و خریدار نیز قبولی خود را توسط فاکس برای فروشنده ارسال نماید آیا ایجاب و قبول و نتیجتاً، عقد بیع محقق می‌گردد یا حتماً قرارداد مبایعه نامه حضوری لازم است؟ و در صورتی که انجام معامله توسط ارسال فاکس نافذ باشد، چنانچه طرفین پس از اجرای عقد بیع توسط فاکس پس از مدتی یکدیگر را ملاقات نمایند و حضوراً نیز مبایعه نامه کتبی تنظیم نمایند که

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۶

کاملًا مطابق با مفاد فاکسهای قبل باشد، آیا عقد انجام شده از زمان صدور فاکس‌های ایجاب و قبول واقع و محقق شده است یا از زمان صدور مبایعه‌نامه که فرضاً در ۳ ماه بعد نوشته شده است؟

#### ج

- تحقق بیع و خریدوفروش بصورت مذکوره محلّ اشکال است اگر چه وقوع بشرط عدم تاخیر جواب (قبول) از زمانی که معرض انصراف بایع از معامله نباشد و پیشنهاد هم اعلام فروش باشد بعید نیست بنابراین تاریخ وقوع عقد، زمان وصول فاکس جواب به فروشنده است. و اللّه العالم.

### س ۱۱۸۳

#### اشاره

– شخصی ۵۰۰ بسته چای خارجی فروخته به وزن هر کدام یک کیلوگرم و قیمت هم تعیین کرده هر کیلو ۲۳۲۰ تومان و کل وجه را هم دریافت نموده حال وزن هر بسته ۱۰ مثقال کم است به فروشنده می‌گویم که این مقدار از وزن کسری دارد میگوید چای خارجی است و بسته‌بندی شده از خارج بوده و کسری مربوط به من نیست با وجود اینکه ۲۵ کیلو کم است و علی هذا پنجاه و هشت هزار تومان ضرر برای من می‌باشد و من از ایشان هر بسته‌ای یک کیلو خریدم در این رابطه نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

#### ج

– در فرض سؤال، چنانچه معامله را به وزن معلوم انجام داده‌اید، آن مقدار را که کم است طلبکارید و حق مطالبه دارید و اگر بسته‌ای معامله کرده‌اید و بنحو مصالحه بوده و وزن دقیق مطرح نبوده فقط معامله روی بسته‌های معروف به یک کیلوئی انجام شده هر چند شما تصوّر می‌کرده‌اید که یک کیلو تمام است حق مطالبه ندارید و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم

### س ۱۱۸۴

#### اشاره

– در بازار معمول شده عمده‌فروشان اجناس را با ظرف وزن و خرید و فروش می‌کنند مثلًا می‌گوید یک کیسه برنج میخواهم فروشنده با گونی وزن و به قیمت برنج پول ظرف را می‌گیرد در صورتی که وزن ظرف هم معلوم نیست و خریدار هم می‌داند و از موضوع اطلاع دارد و در خرده‌فروشی هم چیزهایی با پاکت وزن می‌شود و نانهای شیرینی که با جعبه فروخته می‌شود نظر مبارک را در این معاملات چیست؟

#### ج

– خریدوفروش بنحو مذکور در سؤال اشکال ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۷

### س ۱۱۸۵

#### اشاره

– این جانب از طرف شخصی وکیل شده‌ام که یک تانکر فلزی را به مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال بفروشم ولی پس از مراجعه به مشتری، مشتری حاضر شد که تانکر را به مبلغ هیجده هزار الی نوزده هزار تومان خریداری نماید. این جانب به صاحب تانکر اطلاع دادم ولی او گفت تانکر را خودم نیاز دارم و آن را نفروشید، ولی بنده به لحاظ اینکه خیال کردم صاحب تانکر بخاطر ما به التفاوت در قیمت بیست و نوزده هزار تومان حاضر به فروش نشد. پس از صحبت با مشتری او را راضی به پرداخت بیست هزار تومان نمودم و تانکر را به او فروختم ولی پس از دو ساعت از وقوع معامله صاحب تانکر به بنده اطلاع داد که راضی به فروش تانکر نیستم و نبوده‌ام. مشتری می‌گوید من تانکر را به شخص ثالثی فروخته‌ام و حاضر به بازگرداندن آن نیستم. لذا از حضرتعالی تقاضا داریم که حکم شرعی را در خصوص موضوع بیان فرمائید که آیا معامله قابل فسخ است و یا صور دیگری وجود دارد؟

**ج**

– در فرض سؤال ظاهر گفته موکل که (نفروشید) عزل شما از وکالت است علی هذا معامله فضولی است و با ردّ مالك باطل و بی‌اثر است.

**س ۱۱۸۶**

**اشاره**

– شخصی بنام زید به شخص دیگری مبلغ صد و یا دویست هزار تومان میدهد و آن را برای خریدن جنسی مانند برنج و غیره وکیل میکند و سپس همان جنس را به قیمتی که وکیل و موکل هر دو بر آن قیمت راضی باشند به وکیل میفروشد لطفاً بفرمائید که این گونه بیع و شراء از نظر اسلام صحیح است یا نه؟
ثانیاً: اینکه اگر موکل ثمن بیع فوق الذکر را بطور اقساط یک ساله از وکیل وصول کند به این صورت که چند هزار تومان هر برج «از وکیل که مشتری همان جنس می‌باشد» وصول کند و ما بقی ثمن را هم در پایان سال وصول کند چه حکمی دارد؟

**ج**

– در مورد سؤال، چنانچه مبیع را وکیل از طرف موکّل قبض نموده و یا خود موکل قبض نموده بعد از قبض فروش آن به وکیل، قسطی و یا نقدی اشکال ندارد.

**س ۱۱۸۷**

**اشاره**

– شخصی واسطه شده و پول را داده از طرف یکی از تجّار مقدار زیادی موم و عسل خریده پس از خرید، معلوم شده مورد معامله (موم– عسل) مال دیگری بوده که سرقت کرده بودند الآن پول واسطه پا در هوا مانده و طرف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۸
حساب پول آن را نمی‌دهد لطفاً حکم شرعی را بیان بفرمایید.

### ج

- اگر واسطه وکیل از طرف خریدار بوده و کوتاهی در تحقیق نکرده است و جنس مذکور را با اطّلاع موکّل خریداری نموده، موکّل باید طلب وکیل را بپردازد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم

### س ۱۱۸۸

### اشاره

- این جانب حدود ۸ ماه قبل مقدار معینی فاستونی با قیمت تعیین شده و با محاسبه ۱٪ عوارض شهرداری طی قرارداد رسمی از شرکتی نقداً خریداری نمودم که قرار شد بعد از دریافت تمام وجه پارچه، در ظرف حد اکثر یک ماه، شرکت به قرارداد خود عمل نماید. نه تنها شرکت در تحویل جنس به تعهدات خود پایبند نبوده هر چندگاه به بهانه‌های واهی از قبیل نوسان قیمت ارز و مواد اولیه و یک مرتبه (از روی نارضایتی) ۲۰۰۰ ریال در هر متر و مرتبه دیگر نیز ۱۵۰۰ ریال در هر متر ما به التفاوت گرفت و بعد از مدت حدود ۲۵۰ روز جنس را تحویل داده است و چون مبالغ دریافتی اضافی (جمعاً ۳۵۰۰ ریال در متر) از روی نارضایتی و بالاجبار بوده است و با توجه به اینکه در ابتدا قیمت و مدت معامله شرعاً تعیین گردیده بوده است از نظر شرعی این معامله چه تکلیفی دارد و آن مدت اضافی که پول این جانب نزد شرکت بوده است آیا این جانب حقی بر ادعای خسارت دارم. خواهشمند است نظر خود را اعلام فرمائید.

### ج

- بطور کلی بعد از انجام معامله، فروشنده حق ندارد بجهت نوسان قیمت و غیره چیزی زائد بر قیمت تعیین شده در هنگام معامله بگیرد و اگر بدون رضایت خریدار چیزی از او بگیرد ضامن است و امّا خریدار برای دیر تحویل دادن جنس از طرف فروشنده حق مطالبه چیزی ندارد گرچه اگر فروشنده بدون عذر جنسی را در موقع مقرّر تحویل ندهد مرتکب معصیت شده است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۹
احکام اجاره
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۱

## اجاره

### احکام اجاره

### س ۱۱۸۹

### اشاره

– در اجاره، فقهاء میفرمایند: «و تُملك الاجرة بالعقد و یجب تسلیمها بتسلیم العین الموجرة و إن کانت علی عمل فبعده».
آیا اینکه الآن متداول است که در پایان ماه کرایه را می‌پردازند خلاف ضوابط شرعی است و اگر موجر و صاحب خانه اول ماه بعد از تحویل خانه مطالبه کرایه کرد آیا حق دارد یا مثلًا در معامله‌ای که خانه را یک ساله یا دوساله کرایه داده در ابتدای اجاره کرایه یک ساله و دوساله را می‌تواند مطالبه کند؟

### ج

– بلی در فرض سؤال موجر مالك تمام مال الاجاره در ذمه مستأجر می‌شود و با تسلیم عین مورد اجاره حق مطالبه اجرت تمام مدت را دارد بلی اگر مستأجر بر او شرط کرده باشد که بطور اقساط بپردازد قبل از رسیدن موعد هر قسط حق مطالبه آن را ندارد.

### س ۱۱۹۰

### اشاره

– اینکه فقهاء فرموده‌اند: «و لو ظهر فیها (فی الأجرة) عیب فللأجیر
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۲
الفسخ أو الأرش مع التعیین و مع عدمه یطالب بالبدل و قیل له الفسخ».
آیا پس از پایان کار که قاعدةً در همان زمان اجرت را دریافت می‌کند اگر مواجه با عیب در اجرت شد می‌تواند فسخ کند؟ آیا در وقتی که کار پایان گرفته فسخ اجاره چه معنی دارد؟
و اگر قبل از انجام کار بوده خوب طبق فرموده خود فقهاء هنوز اجرت را دریافت نکرده یعنی اجیر حق تحویل گرفتن آن را ندارد تا مواجه با معیوب بودن اجرت گردد؟

### ج

– بنظر حقیر جواز اخذ ارش در صورت مفروضه محلّ اشکال است بنابراین اجیر میتواند اگر چه بعد از انجام کار باشد معامله را فسخ نماید و اجرة المثل عمل خود را دریافت کند و اگر قبل از انجام عمل نیز عیب اجرت معلوم شد اجیر می‌تواند اجاره را فسخ نماید یا به همان اجرت عمل را انجام دهد.

### س ۱۱۹۱

### اشاره

- اگر مؤسسه و یا شخص دیگری، حق کسی را مثل کارگر و یا کسی که کار دیگری انجام داده باشد، ندهد، درحالی که قبلًا شرط کرده بودند که فلان مقدار اجرت بگیرد، آیا شخص طلبکار می‌تواند به جای آن مبلغ، جنس و یا پولی از آن محل بردارد؟

**ج**

- اگر شرعاً طلب دارد و نمی‌تواند آن را وصول کند باید به حاکم شرع مراجعه نماید تا با عدم امکان وصول، با اجازه حاکم شرع از مال مدیون تقاص نماید.

**س ۱۱۹۲**

**اشاره**

- مؤسس یک مدرسه غیر انتفاعی بموجب قرار دادی دستنویس مدیریت دبستان را به شخصی واگذار و مبلغی را ماهیانه بعنوان اجرت تعیین می‌نماید و برای اطمینان بیشتر از صحت کار، قرار داد دوساله تعیین می‌کند با آغاز سال تحصیلی مؤسس توانائی لازم را در مدیر ندیده و موارد ضعف را از قبیل چگونگی انتخاب معلمان- حضور و غیاب- میزان حقوق پرسنل و ... را به او تذکر داده و از آقای مدیر می‌خواهد که در سال تحصیلی دوم متعهد گردد موارد ضعف تکرار نگردد آقای مدیر حاضر به پذیرفتن نکات ذکر شده نگردیده و مدرسه را رها و خود اقدام به تأسیس مدرسه جدید نموده و بخشی از دانش‌آموزان را برای ثبت نام به مدرسه خود برده و استعفاء خود را کتباً اعلام داشته با
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۳
توجه به صورت مسأله فوق لطفاً اعلام فرمائید ۱- تأسیس مدرسه جدید و بردن دانش‌آموزان موجب خسارت و ضرر مالی سنگین به مؤسس گردیده آیا جبران ضرر وارده بعهده آقای مدیر می‌باشد یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال، تأسیس مدرسه جدید برای مدیر مذکور شرعاً اشکالی ندارد و دانش‌آموزان هم چنانچه به اختیار اولیائشان به مدرسه جدید رفته باشند اشکال ندارد بنابراین چنانچه بخاطر این امر بعض منافع مؤسس مدرسه اوّل، منتفی شود ضمانی بر عهده مدیر نیست.

**س ۱۱۹۳**

**اشاره**

- در بعضی روستاها معامله‌ای به قرار زیر صورت می‌گیرد:

شخصـی چنـد گوسـفند را به قول خودشـان از دیگری اجـاره کرده و تـا مـدت مثلًا یـک سـال خرج حیوانات را داده و از منافعشان بهره‌منـد میشود و پس از اتمـام مـدت گوسـفندانی را بـا همـان خصوصـیات به صـاحب آنهـا رد نموده و به ازای هر یک هم مبلغی می‌پردازد. لطفاً بفرمائید این چه نوع معامله‌ای است؟ و چه حکمی دارد؟

**ج**

- معامله بنحو مذکور در سؤال، باطل است و یکی از راههای صـحیح این است که دهنده گوسـفند، گوسفند را به گیرنده آن صلح کند در مقابل گوسـفندی با همان خصوصـیات پس از یک سال دیگر بدهد و در ضـمن شرط کند که علاوه بر آن مبلغ معینی پول هم بدهد و گیرنده گوسفند هم قبول کند.

**س ۱۱۹۴**

**اشاره**

- نظر اسـلام را پیرامون مسـأله ذیـل که در بانکها یا شـرکتها اشـخاص حقوقی و بعضاً توسط اشـخاص حقیقی صورت می‌گیرد بیان فرماییـد. ملکی با مشارکت مـدنی خریـده می‌شود و آن را به دیگری اجاره به شـرط تملیک می‌دهند که پس از پرداخت مبلغ مورد قرارداد- که طبعاً بیش از مبلغی است که ملک با آن خریده شده- مال او شود.

**ج**

- معامله مذکوره اشکال ندارد و موقعی که مدت اجاره تمام شد بر موجر واجب است ملک را مجاناً به مستأجر بدهد. و اللّه العالم.

**س ۱۱۹۵**

**اشاره**

- چنـانچه شخصـی برای انجـام حـاجتش هزینه راه و غـذای فردی را بدهـد و یا اینکه بگویـد پس از بازگشت هزینه‌های مـذکور را می‌پردازم ولی فرد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۴

اجیر شده در مسیر به دوستی برخورد و به دنبال تعارفات، کرایه راه و غذا و یا یکی از این دو را این دوست پرداخت کرد آیا در هر دو حالت، فرد اجیر شده می‌تواند هزینه یک نفر (یعنی خودش) را مطالبه و مالک شود؟

**ج**

– بلی مطالبه هزینه راه در هر دو صورت بی‌اشکال است. و اللّه العالم.

## شرط در اجاره

### س ۱۱۹۶

#### اشاره

– اگر ضـمن عقد اجاره شـرط شود که مال الاجاره با تورم سـطح زندگی به تناسب در مدّت اجاره افزایش یابد چنین شـرط ضـمن العقدی مشروع و لازم الاجراء است یا خیر؟

#### ج

– این شرط مجهول و لازم الوفاء نیست.

### س ۱۱۹۷

#### اشاره

– شخصـی زیرزمین مسکونی خود را بعنوان قرارداد اجاره از تاریخ ۱/ ۱۰/ ۱۳۶۰ به مدت سه سال از قرار ماهی ۱۲۰۰۰ ریال اجاره می‌دهد و در قرارداد ذکر می‌شود الف) پس از سه سال با توافق طرفین حد اکثر تا مبلغ ۲۰۰۰ ریال به اجاره فوق اضافه می‌شود.
ب) البته هر سه سال یک بار اجاره به همین ترتیب افزایش خواهد یافت.
آیا ذکر بنـد اول و دوم (الف و ب) جنبه شـرعی دارد یا خیر و اصولًا صـحیح و معتبر و ضـمانت اجرائی دارد یا خیر و آیا موجر حق دارد با توجه به سـطح زنـدگی و تورم آن بند مذکور را نادیده و در خواست اجاره بها را طبق نظر کارشـناس یا بیش از ۲۰۰۰ ریال بنماید.

#### ج

– در مورد سؤال که شرط مذکور در ضمن عقد اجاره شرط شده است شرط لازم الوفا است.

### س ۱۱۹۸

#### اشاره

– اگر موجر، ملک خود را مشاعاً به دو نفر اجاره داد و ضـمن العقد، شرط نمود که مستأجرین حق انتقال به غیر ندارند ولی یکی از

مستأجرین، بدون اذن موجر، سهم خود را به مستأجر دیگر منتقل نمود، آیا این کار جایز است؟

### ج

- در فرض سؤال که شرط مباشرت هر دو را در اجاره شرط کرده‌اند انتقال سهم یکی از مستأجرین به دیگری جائز نیست.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۵۵

### س ۱۱۹۹

### اشاره

- یک واحد مسکونی به شخصی به عنوان سکونت اجاره داده شد مستأجر بر خلاف رضایت موجر از پارکینگ خانه که به منظور پارک کردن وسائل نقلیه در آن می‌باشد استفاده تجاری (انبار کردن اجناس به منظور فروش می‌نماید) خواهشمند است بفرمائید که مستأجر شرعاً مجاز به چنین کاری می‌باشد؟

### ج

- در مورد سؤال اگر برای ملک مورد اجاره موقع اجاره دادن استفاده خاصّی ذکر نشده مستأجر حق دارد به هر نحوی که بخواهد استفاده کند ولی چنانچه مستأجر بخواهد استفاده غیر متعارفی که باعث ضرر و زیان مورد اجاره است بنماید بدون رضایت مالک جائز نیست. و اللّه العالم.

### س ۱۲۰۰

### اشاره

- متعارف است در شهرستانها مغازه‌ای را که به اجاره میدهند مستأجر با اجازه مالک یا بدون اجازه مالک مغازه مزبور را به دیگران بـا اخـذ وجوهی واگـذار کرده موجر طبق عرف محل مبلغی از مستأجر اول دریافت میکنـد آیا گرفتن این مبلغ از مستأجر اول جایز است یا خیر؟

### ج

- مسأله چند صورت دارد:
۱- اینکه مدت اجاره تمام نشده باشد و شرط انتفاع شخص مستأجر نشده باشد مستأجر می‌تواند مدتی را که باقی مانده به دیگری به همان مبلغی که اجاره کرده یا مبلغ کمتر اجاره بدهد.

۲- در فرض قبل بنابر احتیاط واجب، بیش از مبلغی را که اجاره کرده دکان و مغازه و خانه را اجاره ندهد مگر اینکه در آن تعمیری مانند سفیدکاری انجام داده باشد.

۳- اینکه مستأجر پیش از انقضاء مدت پولی از موجر بگیرد که دکان را به موجر واگذار کند یعنی معامله را با او نسبت به بقیه مدت اقاله نماید در این صورت نیز اشکال ندارد چنانکه اگر از شخص ثالث پول بگیرد و دکان را به موجر واگذار کند تا او به شخص ثالث اجاره بدهد نیز بی‌اشکال است.

۴- این صورت است که مدت اجاره منقضی شده باشد و مستأجر از شخص ثالث وجهی بگیرد و ملك را به او واگذار نماید که وجه صحت ندارد زیرا اختیار ملك بعد از مدت اجاره با مالك است. بلی اگر در ضمن عقد اجاره شرط کرده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۶

باشند که موجر پس از انقضاء اجاره، ملك را به خود مستأجر یا به کسی که او پیشنهاد می‌کند اجاره بدهد در این صورت می‌تواند از شخص ثالث وجهی بگیرد و او را پیشنهاد نماید ولی مالك در صورتی حق مطالبه چیزی از این پول را از او دارد که قرارداد معین و معلومی بین آنها شده باشد، مسأله علاوه بر این صور دیگری نیز دارد.

### س ۱۲۰۱

#### اشاره

- شخصی مغازه‌ای را به اجاره داده پس از پایان مدت اجاره مستأجر جهت تخلیه و تحویل آن به موجر مدعی است که در مقابل تحویل آن وجهی را باید به مستأجر بپردازند آیا چنین حقی بر ذمه موجر ثابت است یا نه و با عدم رضایت صاحب ملك بعد از انقضاء مدت اجاره مراجعه دیگران به آن مغازه چه صورت دارد؟

#### ج

- در مورد سؤال مستأجر باید با عدم رضایت صاحب ملك برای ادامه اجاره، ملك را تخلیه و در اختیار مالك قرار دهد و حق مطالبه چیزی هم از مالك ندارد. و هرگونه تصرّف در آن ملك بدون رضایت مالك برای مستأجر قبلی و دیگران که اطلاع از عدم رضایت مالك دارند غصب و حرام است.

### س ۱۲۰۲

#### اشاره

- زمینی را شخصی از عمرو، اجاره می‌کند که در آن زمین کارخانه برنج و غیره درست کند که این کار را می‌کند ساختمان به اتمام می‌رسد با همدیگر شرط نکردند چند سال زمین در اختیار شما باشد، لذا پس از چندین سال یکی از ورّاث زمین می‌گوید من وصیّ هستم وسائل کارخانه ات را بکن و زمینم را تحویل بده، میگوید اینهمه خرج کردم اگر این کار را بکنم کلّی ضرر باید بنمایم، من این کار را نمی‌کنم آیا حق با صاحب زمین است و یا صاحب‌کارخانه؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه اجاره دادن زمین جهت احداث کارخانه برنج یا هر چیز دیگری که زمین را مستأجر جهت احداث آن زمین اجاره کرده در عرف محلّ ملازم با التزام بقاء ساختمان احداثی تا موقع خراب شدن آن و یا مدّت معتد به باشد باید طبق التزام ضمنی عمل شود یعنی صاحب زمین در مدت مذکور باید توافق با اجاره زمین نماید و نمی‌تواند از صاحب کارخانه بخواهد که ساختمان را تخریب و کارخانه را منتقل به جای دیگر کند و اما اگر اجاره زمین التزام مذکور را در نظر
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۷
عرف محلّ در برنداشته باشد مالك زمین بعد از پایان مدت اجاره می‌تواند از صاحب کارخانه بخواهد که کارخانه را بجای دیگر منتقل کند.

### س ۱۲۰۳

### اشاره

– به استناد کپی سند اجاره مورخ ۲۵/ ۱۲/ ۷۵ پیوستی، یك باب مغازه موقوفه به وسیله متولی، با قید ضمانت به شخصی به مدت یك سال به اجاره واگذار شده، در بند ۸ و ۹ از بندهای دوازده‌گانه شروط سند اجاره مقرر گردیده که پس از انقضاء مدت اجاره، در صورت عدم توافق طرفین به تنظیم سند اجاره جدید مستأجر موظف به تخلیه و تحویل مغازه وقفی به متولی می‌باشد و تا زمانی که مستأجر تخلیه را به تعویق اندازد موظف است تا زمان تخلیه تا سه برابر اجاره بهای تعیین شده را بپردازد، و در ذیل سند اجاره آمده در صورت تخلف، مستأجر ضامن طبق شروط عمل نموده، و تا سه برابر اجاره بهاء تعیین شده را بپردازد سؤال اینکه:
۱– آیا پس از انقضاء مدت اجاره، مستأجر بدون رضایت متولی میتواند به تصرف خود ادامه دهد و لو اجاره تعیین‌شده قبلی را بپردازد؟
۲– پس از انقضاء مدت اجاره تا زمان تخلیه مغازه وفق قرارداد بر مستأجر واجب یا موظف است تا سه برابر اجاره بهای تعیین شده را بپردازد؟
اگر مستأجر مغازه را بر خلاف قرارداد تخلیه نکرده و تا سه برابر اجاره بهای تعیین شده را نپردازد، بر ضامن واجب است تا سه برابر اجاره تعیین شده را بر اساس تعهد بپردازد، یا خیر؟
اعلام نظر فقهی مورد استدعاست.

### ج

۱– در فرض سؤال، پس از انقضاء مدت اجاره، مستأجر باید مغازه را تخلیه کند و تصرف او غاصبانه و موجب ضمان است.
ج ۲– در فرض سؤال، مستأجر ضامن اجرة المثل مدت تصرف است که بنظر خبره امین تعیین شود.
ج ۳– ضمانت مذکوره صحیح نیست و شخصی که ضامن شده چیزی بر عهده‌اش نیست.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۸

### اجاره طلا

#### س ۱۲۰۴

#### اشاره

– آیا اجاره دادن طلا صحیح است یا خیر چون این کار در بازار طلا باب شده است؟

#### ج

– اجاره دادن طلا اگر با حفظ عین آن، منفعتی داشته باشد مثل اینکه آن را برای استفاده از آن، جهت زینت به مدت معین و مبلغ معین اجاره دهند جائز است ولی اجاره دادن برای فروش و معامله با آن باطل است و اجاره دهنده مالک مال الاجاره نمی‌شود و معامله‌ای که با آن طلا انجام شده فضولی است و احکام معامله فضولی بر آن مرتب است.

### رهن و اجاره

#### س ۱۲۰۵

#### اشاره

– اگر خانه را صاحب خانه به کسی رهن و اجاره داد مثلا یک میلیون تومان از شخصی گرفت و خانه خود را به او داد که یک سال از آن استفاده کند و ماهی دو هزار تومان اجاره بپردازد آیا شرعا صحیح است یا نه و خواهشمندم با مثال بیان فرمائید که انسان به چه نحوی خانه خود را رهن دهد که اشکال شرعی نداشته باشد؟

#### ج

– این عمل شرعاً رهن محسوب نمی‌شود و طریقه صحیحه این است که صاحب خانه خانه را اجاره دهد به همان مبلغ کمی که خودشان تعیین می‌کنند و لکن در ضمن اجاره که باید مدّت آن هم کاملًا معلوم باشد با مستأجر شرط کند که مثلا مبلغ یک میلیون تومان هم به او قرض بدهد.

#### س ۱۲۰۶

#### اشاره

- در معامله امروزی که اکثر صاحبخانه‌ها قبلا مبلغ زیادی پول می‌خواهند تا فرضاً دو اطاق در اختیار مستأجر قرار دهد مثلا در ازای ۲ اطاق ۱۵۰۰ تومان کرایه و ۱۰۰۰۰ تومان پول نقد است صاحب منزل می گوید اگر شما فلان مبلغ را بدهید بنده دو اطاق را مثلا به هزار و سیصد تومان در اختیار شما قرار میدهم بفرمائید این موضوع چه صورتی دارد کم شدن پول نقد جهت کرایه چگونه است؟

ج

- بصورت مذکور در سؤال صحیح نیست بلی چنانچه این شرط از طرف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۹

موجر در ضمن عقد اجاره بشود به این معنی که موجر بگوید اجاره میدهم دو اطاق را مثلا به فلان مبلغ بشرط آنکه فلان مبلغ هم به من قرض الحسن بدهی و مستأجر هم قبول کند اشکال ندارد.

س ۱۲۰۷

اشاره

- اگر بنده یک درب اتاق با آشپزخانه‌ام را اجاره بدهم به این شرط که مبلغ دویست هزار تومان پول از موجر بگیرم تا اتمام قرارداد اجاره، وقتی که خانه‌ام را تخلیه کرد مبلغ فوق را به او پس بدهم این شرط از نظر اسلام چه صورتی دارد که در ازای آن اجاره‌ای دریافت نمی کنم؟

ج

- اجاره دادن بنحو مذکور در سؤال صحیح نیست و راه صحیح این است که مال الاجاره کمی مثلًا صد تومان در هر ماه قرار داده شود البته با تعیین مدت اجاره سپس موجر به مستأجر بگوید این مکان را به شما اجاره میدهم در مدت مثلًا یک سال از قرار ماهی صد تومان و در ضمن اجاره شرط می کنم که دویست هزار تومان هم به من قرض الحسنه بدهی و مستأجر قبول کند.

س ۱۲۰۸

اشاره

- مسأله رهن یا رهن و اجاره که بین مردم و دلالها معمول است و پولشان را به صاحب خانه یا صاحب مغازه میدهند و در آن ساکن می‌شوند بی‌مال الاجاره یا اجاره مختصر راه صحیح و فرار از ربا دارد یا خیر؟

ج

- راه صحیح آن این است که موجر به مستأجر منزل خود را با مدت معین و مال الاجاره معین، اجاره دهد و شرط کند که مستأجر فلان مبلغ را قرض الحسنه به او بدهد و مستأجر هم قبول کند اشکال ندارد.

### س ۱۲۰۹

### اشاره

- رهن کردن خانه بدون اجاره و یا با اجاره چه حکمی دارد؟

### ج

- اگر خانه را اجاره کند به مبلغی معین و در ضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر مبلغی مثلًا صد هزار تومان به موجر قرض الحسنه بپردازد اشکال ندارد ولی اگر قرض به شرط اجاره باشد باطل است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۰

## وثیقه

### س ۱۲۱۰

### اشاره

- آیا در اخذ عین مرهون همین مقدار که در این زمان مرسوم است یعنی سند را از طریق اداره ثبت اسناد توقیف می‌کنند کافی است یا خیر؟

### ج

- اگر منظور این است که وقتی می‌خواهند عینی را بعنوان وثیقه نزد طلبکار بگذارند بجای تحویل دادن به او سند آن را از طریق اداره مذکور توقیف می‌کنند بطوری که اگر طلبکار بخواهد در موعد مقرّر، طلب خود را از آن استیفا کند ممکن باشد کافی است و الّا مجرّد توقیف کافی نیست.

### س ۱۲۱۱

### اشاره

- یکی از مباحث لازم در اسناد تجارتی چک، سفته و برات و ظهرنویسی آنان است که بوسیله ظهرنویسی انتقال آنها صورت

می گیرد امّیا نظر به اینکه اینهـا در بین تجار و بازرگانان ارزش تجارتی دارنـد و حتی بجای وجه نقـد معامله و معاوضه می‌شونـد آیا می‌توان این اسـناد را به طور مسـتقل (نه اینکه بصورت قرار دادی با بانک) وثیقه و گرو گـذاشت و این در حالی است که ماده ۷۷۴ قـانون مـدنی دارد «مـال مرهونه بایـد عین معیّن باشـد و الّا رهن دین و منفعت باطل است» پس با توجه به مطالب فوق الـذکر پاسـخ فرمائید که اولًا این اسـناد عین معیّن‌اند یا خیر و ثانیاً آیا می‌توان اینها را به صورت مسـتقل در نزد مالک سند در قبال اخذ مبلغی وام از بانک وثیقه و گرو گذاشت یا خیر؟

### ج

- وثیقه گذاشتن اشیاء مذکوره در سؤال محل اشکال است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۱

### س ۱۲۱۲

### اشاره

- آیـا بـدهکار می‌توانـد بـابت وثیقه دین خود، چـک یـا سـفته‌ای را نزد طلبکار به رهن بگـذارد به عبارت دیگر آیا چک یا سـفته، وصف مالیت را برخوردار است تا بتواند به عنوان رهینه به رهن گذاشته شود؟

### ج

- چک و سـفته بنفسه مالیت ندارد. لذا سپردن آنها به عنوان رهن صـحیح نیست بلی اگر چک یا سفته‌ای را که از دیگری دارد و از او طلبکار باشـد، به طلب‌کار خود بدهـد که رأس موعـد اگر بـدهیش را نداد بسـتانکار وکیل باشد بر حسب آن چک یا سـفته مبلغ طلب خود را از دهنـده چک یا سـفته دریافت نمایـد مانعی ندارد و همچنین اگر بسـتانکار خود را به بدهکارش حواله نماید نیز طبق احکام حواله اشکال ندارد. و اللّه العالم.

## سرقفلی و حق کسب

### س ۱۲۱۳

### اشاره

- هم اکنون مسـتأجر اگر در ملکی سه سال بنشـیند نسـبت به مالک حق کسب پیدا می کند و از مالک حق کسب مطالبه می کند آیا شرعاً جایز است؟

ج

– مجرد استیجار و سکونت سه سال و بیشتر در ملک کسی شرعاً برای مستأجر ایجاد حق نمی کند.

س ۱۲۱۴

اشاره

– مغازه‌ای در چند سال قبل بر اساس پرداخت مال الاجاره ماهیانه توسط ورّاث یک متوفّی به شخصی اجاره داده شده و مبلغی بعنوان سرقفلی و امثال اینها از مستأجر گرفته نشده آیا:
بدون رضایت وارثان ادامه کسب پس از انقضاء مدت اجاره، شرعاً جایز است و درآمد حاصله از این کسب برای مستأجر خالی از اشکال است؟

ج

– در فرض سؤال، پس از انقضاء مدت اجاره، بر مستأجر واجب است فوراً مغازه را تخلیه نماید و بقاء او در مغازه، تصرف غاصبانه و علاوه بر معصیت موجب ضمان اجرهٔ المثل در مدت تصرّف است ولی کسب در مکان غصبی موجب بطلان آن و حرمت درآمد آن نمیشود. و اللّه العالم.

س ۱۲۱۵

اشاره

– مستأجر بنا بر فرض فوق می‌تواند مبلغی بابت سرقفلی و حق پیشه و امثال اینها شرعاً مطالبه و اخذ کند؟

ج

– مستأجر شرعاً حق مطالبه وجهی تحت عناوین مذکوره در سؤال یا غیر آنها را ندارد. و اللّه العالم.

س ۱۲۱۶

اشاره

– اگر مستأجر وجهی بابت سرقفلی و امثال آن از موجران (ورّاث) و با عدم رضایت ایشان وصول کند و آن وجه را به امر خیر

اختصاص دهد این عمل جایز است؟ و او نزد خداوند مأجور است؟ و در قیامت مستأجر به موجران بدهکار نیست؟

ج

– در فرض مـذکور مسـتأجر علاوه بر اینکه اجر و ثوابی نـدارد ضامن آنچه را که گرفته نیز هست و بایـد به دهنـده برگردانـد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۶۲

س ۱۲۱۷

اشاره

– اگر شـخص حقیقی یا حقوقی صاحب سـرقفلی باشد و صاحب عین ملک، دیگری باشد و مدّتی صاحب سـرقفلی مستأجر صاحب عین بوده است ولی بعـداً صاحب سـرقفلی حق خود را به نفر سوّم صـلح می‌کنـد و صاحب عین هم به همان نفر سوّم ملک را اجاره می‌دهد و نفر سوّم به علّتی قرارداد با هر دو را فسخ می‌نماید آیا مجوّزی از نظر شرعی برای صاحب سرقفلی داریم که بدون اجازه و بـدون اذن و بـدون تملّک عین و یا حتی بـدون اطّلاع به صاحب عین در آن ملک تصـرّف کند و اگر تصـرّف آن اشـکال دارد نظر شرع را بیان فرمایید. آیا تصرّف صاحب سرقفلی غصب و تصرّف عدوانی است یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال بدون اجازه و رضایت مالک، تصرف در آن ملک غصب و حرام است. و اللّه العالم.

س ۱۲۱۸

اشاره

– اگر تصرف عدوانی و غصب است منافع مغصوبه باید اعلی القیم اخذ شود یا خیر؟

ج

– در تصـرّف عـدوانی متصـرّف ضـامن اجرهٔ المثـل متعارف مـدتی است که ملک را تصـرّف نموده (و اینجا مورد اخـذ بأعلی القیم نیست).

س ۱۲۱۹

#### اشاره

- در صورتی که تصرّف غصبی و عدوانی باشد آیا متصرّف مستحقّ تعزیرات شرعی می‌باشد یا خیر؟

#### ج

- حاکم شرع می‌تواند غاصب را تعزیر نماید. و اللّه العالم.

#### س ۱۲۲۰

#### اشاره

- در صورتی که مالک برای رسیدن به منافع مغصوبه مخارجی را متحمّل شده باشد می‌تواند به حکم «المغرور یرجع إلی من غرّ» از غاصب و متصرّف عدوانی اخذ نماید یا خیر؟

#### ج

- غاصب ضامن مخارج مذکوره نیست. اینجا (المغرور یرجع إلی من غرّ) مورد ندارد. و اللّه العالم.

#### س ۱۲۲۱

#### اشاره

- شخصی طی عقد قراردادی به مدت یک سال مغازه‌ای را ماهیانه در مبلغی معین اجاره نموده و دیناری هم به عنوان سرقفلی پرداخت ننموده است و در همان قرارداد شرایط ذیل را کتباً پذیرفته است:

الف- موجر از بابت سرقفلی دیناری از مستأجر اخذ نکرده و مستأجر در

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۶۳

موقع واگذاری حق مطالبه دیناری را نخواهد داشت.

ب- مورد اجاره منحصراً برای جهت خاصی در نظر گرفته شده است و تغییر شغل بایستی با نظر و موافقت کتبی موجر یا وکیل ایشان بوده باشد.

#### ج

– مستأجر حق واگذاری مورد اجاره را به دیگری به هیچ عنوان نخواهد داشت.

### س ۱۲۲۲

### اشاره

– استفاده مستأجر از مغازه مزبور بیش از مدت تعیین شده بدون رضایت مالك چه صورتی دارد؟

### ج

– در مورد سؤال بعد از پایان مدت تعیین شده در عقد اجاره تصرّف مستأجر در مغازه بدون رضایت مالك غصب و حرام و موجب ضمان است. و اللّه العالم.

### س ۱۲۲۳

### اشاره

– آیا مستأجر میتواند در زمان تخلیه، مطالبه سرقفلی یا وجهی بابت حق کسب و پیشه نماید؟

### ج

– در مورد سؤال مستأجر حق مطالبه چیزی بعنوان سرقفلی و یا حق کسب و پیشه ندارد. و اللّه العالم.

### س ۱۲۲۴

### اشاره

– آیا مستأجر می‌تواند بدون اجازه مالك مغازه مزبور را به فرد دیگری واگذار کند؟

### ج

– مستأجر حق ندارد مغازه را بدون اجازه مالك به دیگری واگذار کند. و الله العالم.

### س ۱۲۲۵

### اشاره

– آیا مستأجر می‌تواند بدون اجازه مالک تغییر شغل دهد؟

### ج

– در مورد سؤال، مستأجر نمی‌تواند در مغازه مذکور بدون اجازه مالک تغییر شغل دهد. و اللّه العالم.

## س ۱۲۲۶

### اشاره

– با توجه به استفاده مستأجر از مورد اجاره پس از انقضاء مدت بدون اذن مالک آیا مالک می‌تواند ضمن درخواست تخلیه، درخواست اجرهٔ المثل یا تعدیل اجاره بهای مورد توافق سابق جهت مدت اضافی بنماید؟

### ج

– در مورد سؤال مستأجر ضامن اجرهٔ المثل مدت تصرّف مغازه بعد از انقضاء مدت اجاره است، این مسائل همه از احکام واضحه اسلام است. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۴

## س ۱۲۲۷

### اشاره

– احتراماً این جانب آهنگری هستم که در سال ۱۳۵۶ مغازه محل کار خویش را از فردی بصورت سرقفلی (از قرار ۴۰ هزار تومان نقد و اجاره ماهیانه ۳۰۰ تومان) گرفته‌ام و در قرارداد کتبی بین الطرفین قید نموده‌ایم که این اجاره بصورت ثابت می‌باشد و قابل افزایش نیست و تا بحال مرتباً اجاره ماهانه را پرداخته‌ام. اکنون که ۲۰ سال از تاریخ عقد قرار داد فوق می‌گذرد موجر (کسی که مغازه را سرقفلی داده) ادعا می‌کند که قرارداد سرقفلی صورت شرعی ندارد و من راضی به کسب و کار شما نیستم. حال استدعا دارد بفرمائید که آیا سرقفلی صورت شرعی دارد یا نه؟

### ج

– فروختن یا خریدن سرقفلی محل اشکال است و اجاره مذکوره هم چون مدت آن تعیین نشده باطل است بنابراین مالک مغازه

نسبت به اجرهٔ المثل مدتی که مغازه، در اختیار شما بوده حق مطلبه دارد پس اگر چنانچه بعنوان مال الاجاره، در این مدت از شما گرفته بمقدار اجرهٔ المثل بوده فعلًا چیزی طلبکار نیست و اگر کمتر بوده می‌تواند بقیه را مطالبه کند و چهل هزار تومانی را که گرفته اگر بعنوان سرقفلی گرفته و شما هم بعنوان سرقفلی داده‌اید شما می‌توانید آن را مطالبه کنید و در هر حال در صورتی که از شما درخواست تخلیه مغازه را بکند باید تخلیه کنید و تصرف شما در آن جایز نیست موجب ضمان نیز هست. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۵

## خسارت و ضمان

### اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۷

خسارت و ضمان

### خسارت حمل و نقل کالا

#### س ۱۲۲۸

##### اشاره

– کامیون حامل کالای تجارتی از تهران بمقصد دزفول در حرکت بود در نزدیکی شهر خرم‌آباد هنگام شب و در ساعتی که باران می‌آمده مورد دستبرد سارقین قرار گرفته و چند کارتن لوازم بهداشتی بمبلغ ۷۸ هزار تومان بسرقت رفته است گیرنده مدّعی دریافت خسارت میباشد.

تقاضا دارد اولًا بفرمائید چه کسی مسئول خسارات وارده میباشد و ثانیاً آیا شما اجازه میدهید بابت ردّ مظالم وجهی پرداخت شود؟ (که هم صاحب کالا زیاد ضرر نکند و هم کمکی براننده میشود).

##### ج

– در مورد سؤال چنانچه راننده در حفظ کالای تجارتی تقصیر نکرده باشد ضامن کالای مسروقه نیست و امّا نسبت به پرداخت مظالم به راننده چنانچه تقصیرش در حفظ بطور شرعی ثابت شود و فقیر شرعی باشد و سیّد هم نباشد مجازید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۸

#### س ۱۲۲۹

##### اشاره

– تاجر قمی از تاجر تهرانی جنسی می‌خرد و به فروشنده میگوید که جنس را بارنامه نموده برایم بفرستید اگر در این فرض جنس

تلف شود تلف از بایع است یا از مشتری؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه خریـدار جنس را از فروشـنده تحویل گرفته و سـپس بفروشـنده دسـتور داده که جنس را برای او بفرسـتد و فروشنده هم در بارنامه و ارسال کردن جنس سهل انگاری نکرده فروشنده ضامن نیست.

### ضمان قبل از خرید

#### س ۱۲۳۰

##### اشاره

- مقبوض به سوم آیا ضامن هست یا خیر؟ چرا، آیا مانند ودیعه است مثلًا شخصـی رفت داخل مغازه جنسی را بخرد قبل از خرید در حین انتخـاب از دسـتش افتـاد شـکست چه کسـی ضامن است؟ البته تفریط صورت نگرفته، با اجازه و یا از دست خود صاحب مغازه گرفته است.

ج

جامع الاحکام ؛ ج۱ ؛ ص۳۶۸
مقبوض به سوم حکم ودیعه ندارد، بلکه قابض ضامن است و لو با اجازه صاحب مغازه اخذ کرده باشد.
و اللّه العالم.

#### س ۱۲۳۱

##### اشاره

- یک دسـتگاه ماشین سواری در معرض فروش قرار می‌گیرد. مشتری جهت اطّلاع کامل از سالم بودن ماشین، آن را مورد آزمایش قرار می‌دهد که در نتیجه، سالم بودن ماشـین از هر نظر مورد تأیید قرار می‌گیرد. مشتری برای خریدن این وسیله نقلیه اعلام آمادگی می‌نماید. امّا بعداً فرزند مشتری نیز تصـمیم می‌گیرد دوباره ماشین را مورد آزمایش قرار دهد، آزمایشی که نیازی به آن نبوده است، امّا در این آزمایش مجدّد، فرزنـد مشتری، در حین راننـدگی، رعایت احتیاط و ضوابط راننـدگی را نمی‌کند و لذا در اثر بی‌توجهی منشأ خسارت قابل توجّهی می‌گردد، خسارت وارده بر عهده کیست بایع، مشتری یا فرزند مشتری که عامل خسارت است؟

ج

- در فرض سؤال، فرزند مشتری ضامن خسارت است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۶۹

## خسارت حوادث و سوانح

### س ۱۲۳۲

#### اشاره

- اگر کارگری در حین انجام وظیفه دچار حادثه گردید الف- کارفرما ضامن است یا نه؟

ب- کارفرما ضامن مداوای او تا بهبودی کامل است یا نه؟

ج- کارفرما از نظر تأمین زندگی او ضامن است یا نه؟

د- اگر کارگر حادثه دیده بهبودی کامل نیافت تکلیف چیست؟

ه- در مدتی که کارگر حادثه دیده خسارات مالی و روانی بسیاری به او وارد آمده تکلیف چیست؟

و- اگر جائی که چند نفر عهده‌دار مدیریت کاری هستند و عده‌ای با تأمین درمان و مسائل دیگر کارگر حادثه دیده موافقند جز مثلًا یک نفر، مقصر همه هستند یا همان یک نفر؟

ج

- بطور کلّی اگر در اثر حادثه کارگر، مجروح یا مبتلا به نقص عضو شده باشد و به تقصیر خودش مستند نباشد کسی که بمباشرت و فعل او جنایت واقع شده ضامن دیه است و اگر وقوع جنایت به شخص دیگر غیر از مباشر مستند شود و سبب عند العرف اقوی از مباشر باشد دیه بر کسی است که سبب وقوع حادثه شده است و اگر جنایت خطائی محض واقع شده دیه با عاقله جانی است، و اگر در ارتباط با پیش آمد حوادث قراردادی داشته باشند، در صورتی که با ضوابط شرعی تطبیق دارد باید به آن عمل شود.

### س ۱۲۳۳

#### اشاره

- شخصی در نیمروز در هنگام چرانیدن گوسفندان خود در بیابان اقدام به درست کردن چای و افروختن آتش با هیزم میکند که بعلت وزیدن باد زمین درو شده که با کمباین چیده شده بود آتش می‌گیرد. سپس دامنه آتش زیاد گشته و بعلّت نبود وسایل خاموش‌کننده، زمین گندمی که در مجاورت زمین چیده شده بوده آتش می‌گیرد و محصول گندم بطور کلّ از بین می‌رود سؤال این است: آیا از نظر شرع اسلام صاحب زمین میتواند ادّعای خسارت نماید؟

ج

- در مورد سؤال چوپان ضامن خسارت حاصله از آتش‌سوزی مذکور است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۰

س ۱۲۳۴

اشاره

- زیـدی خارج از منزل خودش در محل تردد حیوانات در روسـتا گازوئیل تراکتور خود را تعویض نموده است و مقـدار باقی مانـده گازوئیل را در ظرف باقی گذاشـته و رفته و چنـد حیوان از باقیمانـده گازوئیل خوردنـد و تلف شدنـد آیا زیـد ضامن حیوانات تلف شده هست یا خیر حکم اللّه را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال که زید در معبر عمومی و محلّ تردّد حیوانات گازوئیل را گذاشـته و سبب تلف حیوانات مردم شده ضامن است و باید خسارت حیوانات تلف شده را بدهد.

خسارت اضرار به دیگران

س ۱۲۳۵

اشاره

- اگر چند نفر بطرف ماشـین شخصـی سـنگ پرتاب نمایند و شـیشه ماشین بشکنند یا خسارتی به ماشین وارد شود درحالی‌که معلوم نباشد سنگ کدامیک از این افراد به ماشین اصابت نموده جبران خسارت و یا ضمان قیمت شیشه ماشین بعهده کدامیک از این افراد خواهد بود لطفاً حکم مسأله را بیان فرمائید؟

ج

- تضمین افراد مذکور بطور توزیع یا یکی از آنها از طریق قرعه محلّ اشکال است هر چند طبق نظر حاکم شرعی مستوجب تعزیرند. و اللّه العالم.

س ۱۲۳۶

**اشاره**

– آب از منزل شخصی به علّت بازگذاشتن شیر آب به منزل همسایه سرایت کرده و خسارت وارد شده آیا شخصی که از منزلش آب آمده ضامن پرداخت خسارت است یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال، همسایه ضامن خسارت است.

**س ۱۲۳۷**

**اشاره**

– در جویی که از آن جوی باغات مشروب می‌شده و بعد افرادی آمده، در کنار جوی زمین خریده و خانه ساخته‌اند و حال صاحب خانه‌ها جلو آب ریز جوی را می‌گیرند و نمی‌گذارند باغات پایین آب ببرند مگر اینکه این جوی با سیمان درست شود و با گرفتن جلو جوی آب خساراتی به کشاورزان و باغداران وارد شده آیا آن خانه‌دارها حق جلوگیری و مطالبه پول را دارند و دیگر آیا ضامن ضرر و زیان می‌باشند؟

**ج**

– در فرض سؤال کسانی که در کنار جوی آب زمین خریده و خانه ساخته‌اند
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۱
حق ندارند از بردن آب جهت مشروب ساختن باغ‌های مذکور ممانعت نمایند و چنانچه در اثر ممانعت خساراتی متوجه صاحبان باغ شود ضامن هستند و چنانچه رطوبت آب به ساختمان آنها ضرر بزند مالکین باغ ضمانی از این جهت ندارند. و الله العالم

**س ۱۲۳۸**

**اشاره**

– قطعه زمین متعلق بشخص مقداری از آن مورد تجاوز واقع شده که این تجاوز موجب نقصان ساختمان در آن زمین از طرف مالک زمین شده است و نیز موجب نقصان قیمت کلّ آن بنا گردیده بنحوی که اگر بخواهند پس از رفع تجاوز رفع نقصان ساختمان کنند مبالغی طبق نظر کارشناس باید صرف شود شرعاً چه مقدار از نقصان ساختمان و نقصان قیمت کل بنا یا هزینه رفع نقصان را متجاوز ضامن است؟

ج

– در مورد سؤال متجاوز فقط نسبت بمقدار زمینی که تجاوز نموده ضامن است و نسبت به نقصان قیمت کلّ بناء ضمان ندارد و نسبت بنقصان ساختمان اگر مقصود این است که در اثر آن تجاوز، بساختمان ضرر وارد شده است متجاور مذکور ضامن آن نیز میباشد.

### مسائل متفرقه ضمان

### س ۱۲۳۹

### اشاره

– شخصی از محلّی صد رأس گوسفند خریده و می‌خواهد برای فروش به تهران بیاورد و در راه در اثر تصادف ماشین تعدادی از گوسفندان تلف می‌شود لطفا بیان فرمائید آیا ضمان بعهده بایع است یا مشتری؟

ج

– در مورد سؤال ضمان بعهده بایع نیست.

### س ۱۲۴۰

### اشاره

– شخصی جنسی شکستنی را به فردی فروخت و مشتری کلّ پول را یکجا به بایع داد و بایع چندین بار به مشتری تذکر اکید داده که بیا جنست را ببر، ولی مشتری کوتاهی نمود و آن جنس بدون افراط و تفریط شکست آیا بایع باید پول را به مشتری را بپردازد؟

ج

– در مورد سؤال، چنانچه قبل از آنکه بایع مبیع را به قبض مشتری بدهد مبیع تلف شده ضمان آن به عهده بایع است ولی اگر مبیع را به قبض مشتری داده و

جامع الاحکام، ج۱، ص: ۳۷۲

مشتری بعد از قبض مبیع را به طور امانت پیش بایع گذاشته و بدون تقصیر بایع تلف شده ضامن نیست. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللّه العالم

### س ۱۲۴۱

#### اشاره

- اگر شخصی ببیند خانه همسایه آتش گرفته و کسی نیست که اطفاء حریق نماید، و خاموش کردن آتش مستلزم این است که یا در خانه را بشکند و یا دیوار خانه را خراب کند در حالی که قصد اطفاء حریق علی سبیل الاحسان است، آیا در این فرض اتلاف مال غیر موجب ضمان می‌شود یا خیر؟

#### ج

- در مورد سؤال حکم به ضمان مشکل است بلی اقلّ ضررین را باید انتخاب کند. و اللّه العالم

### س ۱۲۴۲

#### اشاره

- دو نفر با هم یک باب مغازه مشترک داشته‌اند بمدت ۱۵ سال در خریدوفروش مغازه‌ای جزئی و کلی مشارکت و مشورت داشته‌اند و یک فقره دسته چک برای مغازه بعنوان حساب جاری باز نموده‌اند که بامضاء یک نفر از آنها که سواد داشته است بوده و هر چه قدر که در مغازه خرید صورت می‌گرفته است بوسیله همین دسته چک بوده است در خلال این مدت یک نفر که با این دو شریک دوستی و آمد و رفت داشته است یک برگ چک بانکی از آنها دریافت و بعنوان ضمانت جهت وام به بانک داده و فعلًا ورشکست شده و حال آن شخص که سواد ندارد فوت نموده است سؤال: ممکن است با شرح بالا برای دریافت این مبلغ از ضامن، چک به اجرا گذاشته شود آیا شخص امضاکننده مسئول است این وجه را بپردازد یا مغازه مشترک این دسته چک مسئول پرداخت آن می‌باشد؟

#### ج

- در ضمان شرائطی معتبر است که بدون آنها ضمان صحیح نیست از جمله مثلًا به ضامن بگوید اگر فلانی بدهی خود را تا فلان مدت نداد من ضامنم ضمانت صحیح نیست و مضمون نمی‌تواند از او مطالبه نماید علاوه مفهوم ضمان انتقال حق از ذمه مضمون عنه بذمه ضامن و برائت ذمه مضمون عنه است و اگر به این صورت ضامن شود که حق مطالبه مضمون به از مضمون عنه باقی باشد ضمان صحیح نیست بنابراین اگر ضمانت برای بانک به این نحو بوده که با ضمانت ضامن ذمه مضمون عنه بدهکار بانک باشد و بانک حق مطالبه از او و ضامن را داشته باشد یا اگر بدهکار بدهی خود را نداد ضامن بدهد بازهم ضمان صحیح نیست و در مورد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۳
مفروض شریک و امضاکننده چک هیچ کدام نه به تنهایی و نه مشترکاً ضامن نیستند ولی اگر ضمان با شرائط صحت واقع شده باشد و شریک با وکالت از شریک دیگر که در کل امور مربوط شرکت داشته در ارتباط با امور این شرکت چک را امضاء کرده و ضامن شده باشد در این صورت ظاهر این است که وجه الضمان از شرکت پرداخته می‌شود و اگر خارج از امور شرکت بوده خود

امضاکننده چک مسئول است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۲۴۳

#### اشاره

– ماشین حسابی را از یک نفر قرض گرفته بودم و چون راهم دور بود نتوانستم آن را فوراً پس بدهم شخص دیگری که برای داشتن ماشین حساب اضطرار داشت آن را قرض گرفت و پیش او گم شد و من چون نمی‌توانستم آن را گیر بیاورم و ضمناً قیمت آن هم نسبتاً بالا بود و خودش (شخص سوم) نیز اصرار داشت که ماشین را برایم تهیه کنید ولی مثل آن در بازار گیر نمی‌آمد و یک چیزی تقریباً شبیه به آن پیدا کردیم و قیمت را پرسیده و چند ماه بعد آن پول را به من داد وقتی رفتم که آن ماشین را بخرم دیدم ۲۰۰ تومان گران‌تر شده آیا شرعاً جایز بود آن پول را از او بگیرم من نیز ۲۰۰ تومان ضرر کرده بودم اگر جایز نبوده آن را برمی گردانم؟

#### ج

– مورد سؤال، امانت است نه قرض بنابراین برای شما جائز نبوده بدون اجازه صاحبش آن را بدیگری بدهید به هرحال شما باید مثل همان ماشین حساب را تهیه نموده و به شخص اول بدهید، اگر نشد قیمت آن را بر طبق روزی که اداء مثل متعذّر میشود بپردازید و میتوانید همین قیمت را از شخص سوم بگیرید.

### س ۱۲۴۴

#### اشاره

– شخصی فرشی را در منزل بنده به امانت گذاشته و پس از تحویل آن بعد از چند روزی مدعی خسارت شده که بخاطر رطوبت فرش خراب شده است در صورتی که بنده قسم می‌خورم که به خوبی از آن مراقبت نموده‌ام حال تکلیف ما چیست؟

#### ج

– در فرض سؤال، چنانچه امانت دار در حفظ فرش کوتاهی و مسامحه کرده مانند اینکه مثلًا فرش را در جای مرطوب یا جائی که آب ریخته گذاشته ضامن خسارت است و اگر مسامحه نکرده و بدون اطلاع او از جائی که احتمال نمی‌داده اتفاقاً رطوبت به فرش رسیده ضامن نیست بطور کلی اگر امانت‌دار خیانت و تقصیر

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۴

در حفظ امانت نکرده در صورتی که عیبی در امانت پیدا شده امانت دار ضامن نیست و اگر مالک امانت مدعی تقصیر و خیانت او باشد باید نزد حاکم شرعی ثابت نماید و اگر نمی‌تواند ثابت نماید فقط می‌تواند امانت دار را قسم بدهد که خیانت نکرده است.

## س ۱۲۴۵

### اشاره

- اگر کسی دیگری را توقیف غیر قانونی کند یا کس دیگری را آسیب رساند و او را راهی بیمارستان کند یا اگر کسی مال دیگری را تخریب یا تصرف غیر قانونی یا غصب کند.

به نظر حضرتعالی منافع کاری که مجنی علیه در مدت توقیف یا بستری شدن در بیمارستان از آن محروم شده یا منافع مالی که تا مدت ترمیم مال تخریب شده و با تصرف غیر قانونی یا غصب از بین رفته و مالک از آن منتفع نشده است قابل جبران است یا نه؟ (در فرض اخیر متصرف غیر قانونی یا غاصب از منافع آن مال منتفع نشده است).

با توجه به مسائل فوق آیا از دست دادن این منافع قابل جبران است بر اساس کدام قاعده قابل جبران هست و استدلال حضرتعالی در این مورد چیست؟

با توجه به مسائل آیا از دست دادن منافع ممکن الحصول (عدم نفع) ضرر است یا نه؟

آیا از دست دادن منافع ممکن حصول (عدم نفع) قابل جبران است یا نه؟

و اگر از دست دادن این منافع قابل جبران است بر اساس کدام قاعده قابل جبران است و استدلال حضرتعالی در این مورد چیست؟

آیا قاعده لا ضرر شامل عدم نفع هم می‌شود؟

### ج

- بطور کلی اگر کسی شخص آزادی را حبس کند یا از کار کردن منع نماید معصیت بزرگی مرتکب شده و تحت نظر حاکم شرع قابل تعزیر است ولی ضامن منافعی که از او در اثر تعطیل شغل و کار فوت می‌شود نیست بلی اگر او را ملزم به کار نماید ضامن اجرت المثل عمل او است و همچنین اگر شخصی را که اجیر دیگری است به این صورت که کار و عملش را به دیگری تملیک کرده باشد از کار و عملش بازبدارند بازدارنده ضامن اجرهٔ المثل کار او برای صاحب کار می‌باشد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۵

و وجه ضمان در دو صورت اخیر معلوم است زیرا در صورت دوم از او کار کشیده و بعمل واداشته و در صورت سوم نیز چون کار و عمل او به اعتبار عرفی ملک مستأجر شده کسی که مانع شده ضامن تفویت ملک او شده است اما در صورت اول توانایی کار و شغل عرفاً مال و ملک اعتبار نمی‌شود و لذا شخص کارگری را که در ظرف سال می‌تواند میلیونها پول مزد بگیرد صاحب میلیونها و میلیونر نمی‌دانند ولی اگر کار یک ساله خود را بدیگری تملیک کرد هم دیگری مالک آن می‌شود و هم خودش مالک اجرتی که معین شده است می‌باشد اما نسبت به اشیاء و اعیان که عرفاً منافعی دارند مثل خانه، ماشین، اثاث خانه و غیره اگر کسی آنها را بدون اذن از صاحبشان در اختیار بگیرد و مانع از استفاده صاحبشان از آنها بشود اگر چه خودش هم از آنها استفاده نکند مثلًا در خانه ننشیند یا سوار ماشین نشود ضامن اجرهٔ المثل آنها است بنابراین یک وجه مهم ضمان و عدم ضمان اعتبار مالیت منافع در صورتی است که حکم بضمان می‌شود و عدم اعتبار مالکیت آن در صورتی است که حکم بعدم ضمان می‌نماییم. و اللّه العالم.

## س ۱۲۴۶

اشاره

- تاوان مال حلال است یا حرام؟

ج

- مورد تـاوان جـائی است که چیزی به عنوان امـانت به کسـی سپرده شود و امین مواظبت کامـل برای حفـظ آن نموده و اتفاقاً تلف شـده باشـد، که در این صورت صاحب آن چیز حق ندارد مثل یا قیمت آن چیز را از امین مطالبه نماید و گرفتن مثل یا قیمت در این مورد حرام است. و اللّه العالم.

---

[۱] ( ۱) أنبیاء/ ۷، نحل/ ۴۳.

[۲] ( ۲) کمال الدین: ۲/ ۴۸۵.

## جلد دوم

## ازدواج

### احکام صیغه نکاح

#### س ۱۲۴۷

اشاره

- کسی که به مسائل اجرای عقد آگاهی دارد امّا به قواعد عربیّت علم ندارد و نسبت به مفاهیم و عبارات صیغه عقد جاهل است آیا می‌تواند صیغه عقد ازدواج را جاری کند که شرعاً صحیح باشد؟

ج

- اگر الفاظ اجراء عقـد را که در رساله‌ها نوشـته شـده بطور صـحیح بدانـد و معنی آن را هم بدانـد و معنی قصد انشاء را بداند و در موقع اجراء عقد قصد انشاء نماید صحیح است. و اللَّه العالم.

#### س ۱۲۴۸

اشاره

- خواندن خطبه عقد با تلفن چه حکمی دارد؟

ج

- اشکال ندارد. و اللّٰه العالم.

**س ۱۲۴۹**

**اشاره**

- آیا می‌توان مانند سائر عقود در نکاح نیز قائل به معاطات شد؟

ج

- در نکاح معاطات جاری نیست.

**س ۱۲۵۰**

**اشاره**

- اگر خود زن و مرد بگویند که ما عقد خوانده‌ایم آیا از آنها پذیرفته
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶
می‌شود یا خیر؟ و اگر انسان به فرزندان آنها نسبت حرام‌زاده بدهد آیا قذف است یا خیر؟

ج

- اقرار آنها به خواندن عقد در زن و شوهر بودنشان کافی است و نسبت حرام زاده دادن به اولاد آنان قذف است. و اللّٰه العالم.

**س ۱۲۵۱**

**اشاره**

- اگر زید و زینب شخصی را برای اجراء عقد وکیل نمایند و عاقد به آنها بگوید که ظهر عقد شما را می‌خوانم و بعد از مدتی متوجه شود عقدی که قرار بود بخواند فراموش کرده و نخوانده است درحالی‌که نمی‌داند وکیل عقد دائمی بوده یا عقد انقطاعی و

در صورت انقطاعی بودن مدت و اجرت را نمی‌داند وظیفه و تکلیف شرعی عاقد چیست؟

ج

- در مورد سؤال وکیل دو عقد بخواند یکی بعنوان دوام و یکی بعنوان انقطاع بمدّت و مهر معیّن عند الزوجین.

**س ۱۲۵۲**

**اشاره**

- شخصی مثلًا از طرف ده نفر وکیل برای اجراء عقد دائم شده و بعد از اجراء عقد، عاقد یقین دارد که یکی از این عقدها باطل بوده در صورتی که عاقد اسامی موکلین و زوجین را نمی‌داند و هیچ یک از آنان را نمی‌شناسد و ضمناً مقدار مهریه را هم فراموش نموده وظیفه شرعی عاقد چیست؟

ج

- در فرض سؤال تمام ده عقد را تکرار کند به این نحو که یک عقد بعنوان موکلین (زوجین) که اوّل او را وکیل کرده‌اند بهمان مهریّه‌ای که خودشان تعیین نموده‌اند و یک عقد بعنوان زوجین که دوّم او را وکیل کرده‌اند و همینطور تا عقد دهم چون مسلماً همه اینها در آن واحد و همزمان عاقد را وکیل نکرده‌اند و طبعاً بحسب زمان توکیل یکی اوّل بوده و یکی دوّم و یکی سوّم الی آخر و این در صورتی است که بطلان عقد مربوط به اجراء عقد و مجری عقد باشد چنانچه ظاهر سؤال است و إلّا عاقد مسئولیتی ندارد.

**س ۱۲۵۳**

**اشاره**

- زوجه در حین عقد ازدواج با شوهر خود شرط می‌کند که من بعد از ازدواج در یکی از ادارات دولتی استخدام خواهم شد و شوهر این شرط را قبول می‌کند بیان فرمائید آیا شوهر می‌تواند بعد از ازدواج مانع از استخدام زوجه خود
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۷
بشود یا نه؟

ج

- در مورد سؤال با اشتراط در ضمن عقد و قبول زوج، زوج نمی‌تواند مانع استخدام برای شغل حلال بشود. و اللّه العالم.

### س ۱۲۵۴

#### اشاره

- اگر زوجه در عقد دائم شرط نماید که با شما ازدواج می‌کنم به شرط اینکه بعد از ۵ سال مرا مطلّقه نمائید و زوج هم این شرط را قبول نماید آیا این شرط سایغ و لازم الوفاء می‌باشد یا خیر؟

#### ج

- ظاهراً شرط فعل است و اشتراط آن با اینکه طلاق در ید زوج است و عقد دائم اقتضاء دوام را دارد منافات ندارد و سائغ و لازم الوفاء است.

### س ۱۲۵۵

#### اشاره

- اگر زن ضمن عقد نکاح دائم یا موقت شرط کند که زوج مادامی‌که زوجه را در عقد خویش دارد حق ازدواج دائم یا موقت با دیگری ندارد، آیا این شرط نافذ است یا خیر؟ و اگر نافذ است در صورت تخلف زوج ازدواج دوم باطل است؟ آیا زوجه مشروط لها حق فسخ دارد یا نه؟

#### ج

- شرط سلب حق ازدواج دوم شرعی نیست و باطل است ولی اگر بر او شرط کند که با زن دیگر ازدواج نکند واجب است به آن عمل کند، ولی در صورت تخلف نه زوجه حق فسخ دارد و نه ازدواج دوم باطل است. بلی ممکن است حاکم شرع جامع الشرائط او را به این تخلّف تعزیر شرعی نماید.

### س ۱۲۵۶

#### اشاره

- اگر زنی راضی شود که مردی او را بعقد غیر دائم خود درآورد بدون اینکه تعیین مدت و مبلغ مهریه بشود بعد مرد بگوید من صیغه تو را جاری کردم عمری، و چون زن جاهل به مسأله بوده قبول کرده و نزدیکی هم کرده‌اند آیا چنین عقدی صحیح بوده و به هم محرم شده‌اند؟

#### ج

- ظاهر این ستکه مقصود از اجراء صیغه عمری همان عقد متعارف و دائم بوده و زن هم آن را امضاء کرده است بنابراین چنانچه مهر را معین کرده باشد همان مهر المسمی و اگر معین نکرده مهر المثل را به زن بدهکار است و در این صورت زن زوجه آن مرد است و به او محرم است، مع ذلک اگر عقد را تجدید نمایند یا مرد زن را طلاق بدهد مطابق با احتیاط است و اگر نزاع و اختلاف دارند باید مرافعه شرعیه نمایند.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸

### س ۱۲۵۷

#### اشاره

- قصد و نیت زوجین عقد غیر دائم بوده و زوجه هم حاضر و راضی به عقد دائم نبوده و صیغه عقد بعنوان غیر دائم اجراء شده است، چون زوجین جاهل به مسأله بوده‌اند مدت و مهر را معین نکرده‌اند مرد گفته من تورا صیغه خود کرده‌ام و تو از امروز زن من هستی بعد از مدتی زن سؤال کرده که من تا چه زمانی صیغه تو هستم مرد جواب داده عمری، و زن هم راضی به صیغه دائم نیست در این صورت حکم مسأله را بیان فرمائید.

#### ج

- در فرض سؤال، عقدی که واقع شده باطل بوده چون مرد بر خلاف مورد وکالت عمل نموده، ولی اگر هر دو جاهل بوده‌اند گناهی نکرده‌اند و نزدیکی آنها وطی بشبهه بوده لکن به یکدیگر محرم نیستند فقط زن باید عدّه وطی بشبهه نگهدارد که مانند عدّه طلاق است و مبدء آن بنابر احتیاط از زمان برطرف شدن شبهه است و این در صورتیست که زن حامله نشده باشد و الّا انقضاء عده به وضع حمل است، مگر اینکه مدت باقی مانده برای وضع حمل کمتر از مقدار عدّه طلاق باشد در این صورت باید بمقدار عدّه طلاق، عدّه نگهدارد و اگر زن یائسه است عدّه ندارد و اگر نزاع در صورت مسأله دارند مرافعه شرعیه لازم است مع ذلک چنانکه قبلًا جواب داده شده تجدید عقد بصورت دائم یا موقت یا طلاق و نگهداشتن عده موافق با احتیاط است.

### س ۱۲۵۸

#### اشاره

- این جانب دختری هستم جهت ناراحتی زنانگی به دکتری مراجعه کردم ایشان بعد از معاینه به من پیشنهاد ازدواج نمود منهم موافقت کردم و ایشان گفتند چون شما بالغه و رشیده هستی اذن پدر لازم نیست و اگر هم بعداً لازم شد رضایت او را می‌گیریم بالاخره عقدی فیما بین خواندیم بدون تعیین مدت (با گفتن زوجتك نفسی از طرف من و لفظ قبلت از طرف او) و بعد از چندین جلسه آمیزشی در مطب روزی از من خواست که برای پیشگیری از آبروریزی نوشته‌ای به او بدهم و من هم این نوشته پیوست را به

ایشان دادم در آنجا فقط لفظ موقت را نوشتم درحالی‌که مدت در کار نبود، و بعداً بمنظور حفظ آبروی آقای دکتر با پیشنهاد ایشان یک عقد بعنوان موقت به مدت ۲ ماه و بدون تعیین مهریه خوانده شد قرار شد که طی این دو ماه به دفتر ازدواج رسمی رفته ثبت عقدنامه بشود که بعداً این آقا حاضر نشد استدعا دارم با توجه به نوشته پیوستی و اظهار حالی که به عرض میرسد بفرمائید: ۱- آیا من شرعاً زن او هستم یا نه؟ ۲- و او باید مهر المثل بپردازد یا نه؟ ۳- و نیز نیرنگی که به من زده بکارت من را از بین برده آیا ارش بکارت را هم باید بپردازد یا نه؟

ج

- از موضوع مورد سؤال اطلاعی ندارم اگر زن باکره و بالغه رشیده به همین نحوی که مرقوم شده بدون ذکر مدت و مهر، به ازدواج مردی در آید و پدر دختر هم بعد از عقد و اطلاع، اذن داده باشد آن زن همسر دائمی آن مرد است و تمام آثار مزاوجت دائمه بر آن مترتب است و در این صورت عقد موقت بعدی بی‌اعتبار و باطل است و مرد مذکور باید به زن مهر المثل بپردازد و از باب ازاله بکارت بر مرد که شوهر زن است چیزی زاید بر مهر المثل نیست و اگر پدر دختر اذن نداده باشد مرقوم دارید تا حکم مسأله در جواب بیان شود و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹

### س ۱۲۵۹

#### اشاره

- اگر از جانب زن جهت جاری نمودن صیغه وکالت داشته باشم و با فردی عاقد که مرا کاملًا می‌شناسد و به وکالت من از جانب آن زن مطمئن است موضوع در میان گذاشته شود و خواستار جاری نمودن صیغه شوم آیا عقد- در صورتی که من با عاقد به صورت تلفنی تماس داشته‌ام نه حضوری- از نظر شرع مقدس اسلام صحیح است یا نه؟

ج

- اگر زن مذکوره عاقله و رشیده باشد به هر کسی که وکالت دهد خود آن وکیل می‌تواند صیغه عقد را برایش جاری نماید بلی چنانچه حق توکیل غیر هم به وکیل داده باشد وکیل می‌تواند دیگری را هم برای اجراء صیغه و لو با تلفن وکیل نماید. و اللّٰه العالم.

## اجازه پدر در ازدواج

### س ۱۲۶۰

#### اشاره

- در صیغه موقت و در عقد دائم آیا اجازه پدر برای دختر باکره شرط است یا نه و اگر دختری پدر ندارد و جد هم ندارد می‌شود او را عقد کرد (در موقت یا دائم)؟

**ج**

- بنا بر احتیاط شرط است و اگر ازدواج او با کفو باشد و با عدم کفو دیگر پدر امتناع کند اذن پدر ساقط است و اگر پدر یا جدّ پدری ندارد جز اجازه و رضایت خود دختر رشیده اجازه دیگری لازم نیست. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰

**س ۱۲۶۱**

**اشاره**

- اگر در ازدواج صغیره یا باکره رشیده بالغه بین جد پدری و پدر تعارض شد، کدامیک مقدّم است؟

**ج**

- هر یک از جدّ پدری یا پدر که سبقت بر تزویج صغیره بنماید محلّی برای دیگری باقی نمی‌ماند چون هر یک به طور استقلال ولایت دارند و ظاهراً نسبت به اذن در تزویج بالغه رشیده هم حکم که بنابر احتیاط است همین است. و اللَّه العالم.

**س ۱۲۶۲**

**اشاره**

- پدرانی که دختر باکره خودشان را رها کرده‌اند و کار فرزند را به خودش واگذار کرده‌اند و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در کار دختر نمی‌کنند بازهم در عقد، اذن چنین ولی لازم است؟

**ج**

- در فرض مذکور در سؤال هم، بنابر احتیاط واجب دختر باکره باید از پدر یا جدّ پدری اذن بگیرد و اگر پدر و جدّ پدری به امور دختر بی‌تفاوت باشند و با استیذان از آنها از مداخله در امور دختر و اعمال ولایت بدون وجه خودداری داشته باشند اعتبار اذن آنها ساقط است.

**س ۱۲۶۳**

**اشاره**

– دختری که مجرد است و پسری را دوست دارد می‌خواهد با او ازدواج کند خانواده‌اش و دیگر اقوام با او مخالفند تکلیف این دختر چیست؟

**ج**

– تکلیف دختر این است که به هر طریق است اگر پدر یا جدّ پدری دارد احتیاطاً از او اذن ازدواج با جوان مورد نظر را بگیرد و موافقت سایر ارحام لازم نیست.

**س ۱۲۶۴**

**اشاره**

– این جانب زنی هستم به علت ناسازگاری شوهرم ۱۲ سال پیش طلاق گرفته‌ام البته وکیل شوهرم در دادگاه حاضر بود در حضور وکیل حکم طلاق صادر گردید از او دو تا دختر بچه داشتم در دادگاه تمام اختیارات دخترها به من موکول شد قبول نمودم با تمام زحمات و کار و کوشش شبانه روزی در این دوازده سال مشغول نگهداری و تحصیل بچه‌ها بودم و الآن به حد بلوغ رسیده‌اند می‌خواهند ازدواج نمایند– البته با هم کفو خودشان– می‌گویند باید اجازه پدر باشد تا عقد جاری شود از آن موقع تا حالا هیچ نوع اطلاعی از او

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱

نداریم از حی و میت او هم خبری نداریم با توجه به اینکه آن موقع توسط وکیلش تمام اختیارات به عهده من گذاشته شده است آیا بازهم باید اجازه پدر باشد یا همان اختیارات کافیست لطفاً نظر مبارکتان را بیان فرمایید.

**ج**

– در فرض سؤال چنانچه دسترسی به پدر و یا جد پدری ندارید اعتبار اذن پدر و یا جد پدری ساقط است در صورتی که دخترها بالغه رشیده باشند می‌توانند با کفو خود ازدواج کنند. و اللّه العالم.

**س ۱۲۶۵**

**اشاره**

– حدود ۶ سال قبل شوهرم مرا از خانه بیرون کرده و نوشته‌ای داده که هیچ‌گونه حقّی به فرزندانش ندارد حدود ۲ ماه است دختر

بزرگم را شوهر داده‌ام با این حال بازهم پـدرش را در جریان گذاشـتم، گفته بود به من مربوط نیست در این مورد شاهـد هم دارم و دختر را عقـد کردم حال می‌گوینـد این عقـد از نظر قانون اشـکال دارد پدر دختر هم حالا آمده می‌گوید من شـکایت می‌کنم، لطفاً حکم شرعی آن را مرقوم فرمائید.

### ج

– در ازدواج دختر رشیده بالغه احوط استیذان از پدر است بلی چنانچه پدر نسبت به امور دختر بی‌تفاوت باشد و یا استیذان از او در امر دختر مداخله نکرده و اعمال ولایت ننموده است اعتبار اذن او ساقط است و عقد انجام شده با رضایت دختر رشیده صحیح است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللَّه العالم.

### س ۱۲۶۶

### اشاره

– آیا عموی دختر بـدون حضور پـدر– در صورتی که مادر دختر هم رضایت نداشـته باشـد– می‌توانـد دختر برادرش را نامزد کسـی نماید؟ در صورت رضایت نداشتن، پدر شرعاً می‌تواند نامزدی را به هم بزند؟

### ج

– عمو بر دختر برادر خود ولایت ندارد و نامزد کردن دختر یا عقد از طرف او فضولی است. و اللَّه العالم.

### س ۱۲۶۷

### اشاره

– عمرم بین دوازده و سـیزده سـال است پـدرم من را به زور به ازدواج پیرمردی در آورده است که حـد اقل ۶۵ سال عمر دارد و بابا بزرگم محسوب می‌گردد و من کوچکترین رضایت قلبی و قبول واقعی به این ازدواج نداشـتم و نـدارم امّا پـدرم بخاطر ارضاء هوای نفسانی خودش با جبر و اکراه و ظلم این کار

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲

را کرده و من چون یک زن مسلمان هستم می‌خواهم بدانم حکم اللَّه درباره این ازدواج چیست؟

### ج

– در فرض مذکور اگر پدر بعد از رسـیدن دختر به سنّ بلوغ بدون رضایت و اذن دختر او را شوهر داده است و او اکراهاً قبول کرده

است ازدواج باطل است.

و اللَّه العالم.

### س ۱۲۶۸

### اشاره

– محترماً بعرض میرسانم که مـدتی قبل به اصـرار و اجبار پدرم بین این جانب و مردی صـیغه ای خوانده شده که من از ابتداء به این امر راضـی نبوده و اکنون نیز در هیچ شـرایطی حاضر به ازدواج با او نمی‌باشم، لازم به ذکر است که در این مدت هیچ رابطه و رفت و آمدی بین ما نبوده است. از محضر شما استدعای راهنمائی دارم.

### ج

– از قضـیه شخصـیه اطلاع نـداریم بطور کلی چنانچه دختر رضایت به عقد نداشـته و پس از اجرای صـیغه عقد حتی با اصـرار پدر و مادر هم راضی به ازدواج نشده است عقد باطل می‌باشد و جدائی نیاز به طلاق ندارد. و اللَّه العالم.

### س ۱۲۶۹

### اشاره

– شخصـی دختر ۹ سـاله‌اش را بـا کتـک و ضـرب وادار به ازدواج و عقـدش را جاری می‌کنـد حالا دختر رضایت نـدارد به پـدرش می‌گویـد شـما جبراً عقـد جاری نموده‌ایـد مدت دو سال شده که هنوز هم دختر رضایت ندارد مسـتدعی است حکم شـرعی را بیان فرمائید.

### ج

– با فرض اینکه دختر نه سال قمری تمام داشـته باشـد پـدر نمی‌توانـد او را مجبور به ازدواج نماید و اگر با جبر و اکراه پدر رضایت داده باشد عقد نافذ نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۲۷۰

### اشاره

– مـدتی پیش مردی به خواسـتگاری دخـترم آمـد پـدر دختـر در مسـافرت بود و دختر به هیـچ وجه راضـی به این ازدواج نبود، ولی

خواستگار مرا با چرب‌زبانی اغفال و یک روحانی را آورد و صیغه عقد دخترم را خواند. از آنجا که پدر دختر (شوهرم) از این
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳
ازدواج بی‌خبر بوده و دختر هم راضی به این امر نبوده لطفاً بفرمایید صحت یا عدم صحت صیغه به چه شکلی است؟

**ج**

- مسأله فروض و شقوق مختلف دارد اگر دختر به عاقد وکالت در اجراء صیغه نداده باشد عقد فضولی است و با رد دختر باطل و بی‌اثر است، و اگر وکالت داده باشد و عقد بوکالت از او خوانده شده باشد و دختر که علی الفرض کبیره است مدعی اکراه بر اذن و وکالت باشد باید اگر زوج منکر ادعاء اوست، دختر دعوای اکراه را ثابت نماید و با اثبات اکراه عقد واقع شده باطل و بی‌اثر است و الا آثار صحت عقد بر آن مترتب است و چون بنظر حقیر احتیاط واجب در عقد باکره این ستکه با اذن از پدر یا جد پدری او باشد رعایت این احتیاط بتحصیل اذن پدر یا جد یا طلاق شوهر لازم است بلی رجوع به غیر با رعایت الاعلم فالاعلم در این احتیاط جائز است و در هر یک از این فروض اگر بین زن و مرد اختلاف باشد رفع آن مرافعه شرعیه لازم دارد.

**س ۱۲۷۱**

**اشاره**

- عقد ازدواجی خوانده شده است دختر از اوّل با ازدواج مزبور مخالف بوده و راضی به عقد نبوده است و بعد هم کاملًا اظهار نارضایتی می‌کند و می‌گوید حین عقد هم پدرم مرا تهدید و مجبور نمود تا اذن بدهم تا جائی که نامبرده می‌گوید اگر اصرار بر ازدواج شود خودکشی می‌کنم لطف نموده حکم شرعی را مرقوم فرمائید (ضمناً پدر دختر هم اعتراف به اجبار وی دارد)

**ج**

- در فرض مذکور که دختر عاقله و بالغه بوده و عقد بدون اذن دختر واقع شده و اگر اذن داده بتهدید و اکراه بوده صحیح نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

**س ۱۲۷۲**

**اشاره**

- شخصی دختری را فریب میدهد و از او وکالت نامه‌ای می‌گیرد و او را برای خود صیغه می‌کند و بدون آنکه پدر و مادر دختر بدانند عمل زناشوئی را انجام میدهد و پس از چند ماه پدر و مادر متوجه می‌شوند و مخالفت می‌نمایند
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴
ولی این شخص می‌گوید خودم صیغه دختر را جاری نموده‌ام و آنچه حق و حقوق او باشد میدهم ولی پدر و مادر می‌گویند چون

رضایت ما نسبت به صیغه دختر نبوده و نیست صیغه باطل است لذا از محضر جنابعالی تقاضا داریم حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال اگر دختر باکره بوده و پدر دختر بعد از عقد اجازه داده است حق اعتراض ندارد و اگر اجازه نکرده و رد کرده است احتیاط این ستکه یا مرد زن را طلاق دهد یا با اذن زن و اجازه پدر عقد تجدید شود و اگر مرد از طلاق خودداری می کند و پدر دختر نیز از اذن برای عقد جدید امتناع می‌ورزد در صورتی که امتناع او خلاف مصلحت دختر باشد طرفین با رضایت به عقد جدید اکتفاء کنند و الّا با مرافعه شرعیه رفع نزاع می‌شود.

س ۱۲۷۳

اشاره

– کسی که بر او ازدواج واجب است اگر ازدواج نکند احتمال قوی است که مرتکب فعل حرام بشود یا ضرر بدنی پیدا شود، لکن پدر و مادرش اذن نمی‌دهند اگر آن مرد بدون اذن پدر و مادرش ازدواج کند، پدر و مادرش اذیت می‌شوند آیا ازدواج نمودن این شخص بدون اذن و رضایت پدر و مادرش جائز است یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال ازدواج مرد مذکور اشکال ندارد بلکه واجب است و اذیت شدن پدر و مادر در فرض سؤال نمی‌تواند مانع شرعی باشد. و اللَّه العالم.

عیبهائی که موجب به هم زدن عقد نکاح می‌شود

س ۱۲۷۴

اشاره

– آیا حکم به جواز فسخ نکاح در صورت وجود عیبهای مجوز فسخ، در نکاح موقت هم جاری است؟

ج

– در عیوبی که مجوز فسخ نکاح است فرقی بین ازدواج دائم و موقت نیست.

س ۱۲۷۵

**اشاره**

- اگر قبل از ازدواج از طرف زوجه اظهاراتی شود که موجب تدلیس و فریب گردد و عقد بر حَسَبِ اظهارات زوجه با فریب و تدلیس اجرا گردد آیا مهر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵

المُسمّی بر ذمه زوج خواهد بود یا مهر المثل؟ و در صورتی که عقد ازدواج با شروطی که قبلًا ذکر شده اجراء شود و بعداً برای زوج معلوم شود که شروط ذکر شده واقعیت ندارد آیا این عقد موجب این خواهد بود که مهر المُسمّی بر ذمّه زوج باشد؟ یا مهر المثل بر او تعلّق خواهد گرفت؟

**ج**

- بطور کلی در عیوب موجبه جواز فسخ اظهار خلاف آن یا سکوت از اظهار آن در صورت مخفی بودن عیب، تدلیس است هر چند با وجود نفسِ عیبِ موجبِ خیار و جهل زوج به آن وضعاً این تدلیس حکم زائدی ندارد امّا تدلیس در صفات کمال در صورتی محقق می‌شود که بنابر اخبار و توصیف خلاف واقع زوجه یا ولیّ او در متن عقد وجود صفتی ذکر شود یا عقد مبنیاً بر همان اخبار و توصیف و بناء بر اتّصاف زوجه به آن واقع شود، بطوری که عرفاً مثل مذکور در عقد باشد که در این صورت زوج خیار فسخ دارد و به هر حال در هر دو صورت مهر المسمی- اگر زوجه خودش مدلّسه نبوده و زوج پس از دخول ملتفت شده و عقد را فسخ کرده باشد- بذمه زوج است و بعد از اداء آن به زوجه می‌تواند رجوع به مدلّس کرده و از او مطالبه نماید و اگر فسخ قبل از دخول واقع شود چیزی بر ذمّه زوج نیست. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

**س ۱۲۷۶**

**اشاره**

- این جانب حدود یک سال پیش با بیوه‌زنی ازدواج کردم که کلاه سرم گذاشته وقتی به خانه آوردم فهمیدم که ایشان قرن می‌باشد یعنی آلا-تش را گوشت گرفته وقتی به خانواده‌اش اظهار کردم گفتند شما صبر کن تا برای درمانش پول تهیه کنیم ولی حالا زیر قولشان زده‌اند حکم شرعی را بفرمائید.

**ج**

- در فرض سؤال، که زوجه قرن داشته زوج بعد از عقد مطلع شده حق فسخ عقد را داشته و می‌توانسته عقد را فسخ کند و این خیار فسخ فوری است حال که فسخ نکرده اگر عدم فسخ بجهت جهل به اینکه اختیار فسخ دارد بوده و یا خیال می‌کرده تأخیر فسخ موجب سقوط خیار فسخ نیست بازهم اختیار فسخ باقی است و بعد از علم به مسأله می‌تواند فوراً فسخ کند و اگر بعد از علم به

مسأله فسخ نکند خیار فسخ او ساقط می‌شود و لو اینکه عدم فسخ بجهت معالجه بوده است.

### س ۱۲۷۷

### اشاره

– قبل از عقد، پدر دختر سلامتی چشم شوهر را شرط می کند و پدر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶

شوهر قول سلامتی چشم فرزند خود را می‌دهد و عقد بر همین اساس به اعتماد بر حرف پدر شوهر جاری می گردد. پس از ۶ ماه و قبل از دخول کشف می‌شود بطلان ادعای پدر شوهر و اینکه فرزندش کور و نابینا بوده است و پدر شوهر تدلیس نموده است آیا دختر حق فسخ عقد را دارد یا خیر؟ و در صورت وجود چنین حقی از برای دختر آیا مستحق مهریه می‌شود یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال که عقد مبتیّاً بر سلامت چشم واقع شده و بعد کشف خلاف شده دختر می‌تواند عقد را فسخ کند و با عدم تحقق دخول استحقاق مهریه ندارد. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۲۷۸

### اشاره

– بعد از ازدواج با دختری معلوم می‌شود که اعور است آیا زوج حق فسخ دارد یا نه؟

### ج

– مجرد اعور بودن زوجه موجب خیار فسخ برای زوج نیست مگر آن که در عقد شرط عدم اعور بودن شده باشد. و اللّه العالم

### س ۱۲۷۹

### اشاره

– این جانب با دختری ازدواج نموده‌ام بعد از عقد متوجه شدم که دختر به مرض صرع که دارای طیف وسیعی می‌باشد مبتلا است لذا متمنی است از نظر شرع بیان فرمائید که آیا اختیار فسخ را دارم یا خیر و اگر خواستم عقد را فسخ کنم آیا مهریه هم باید بدهم یا خیر، ضمناً من با این دختر به عنوان صحیح و سالم ازدواج کرده‌ام.

ج

– بیماری مذکور در سؤال، از عیوب مجوزه فسخ نیست بلی اگر در ضـمن صـیغه عقد شـرط صحت و سلامت شده و یا قبل از عقد شرط شود و عقـد مبنی بر آن واقع شـده باشد بطوری که مثل ذکر کردن شود نه مجرّد مذاکره قبلی، در این صورت زوج حق فسـخ دارد و چنانچه دخول واقع شـده تمام مهر را بایـد بدهـد و بعـد می‌توانـد عوض آن را از کسـی که تدلیس کرده بگیرد و اگر دخول واقع نشده چیزی از بابت مهر بر ذمّه او نیست و چنانچه نزاع موضوعی باشد محتاج به مرافعه شرعیه است.

س ۱۲۸۰

اشاره

– آیا از اطلاق عقد و عرف و قرائن می‌توان شرط بکر بودن را
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۱۷
استنباط کرد؟

ج

– مجرد اطلاق عقد مفید شـرط بکر بودن زوجه نیست بلکه موقوف به اشتراط در متن عقد و مذاکره قبل از عقد و واقع ساختن عقد مبتیّاً بر آن است که در صورت دوّم هم حکم اشتراط در متن عقد را دارد.

س ۱۲۸۱

اشاره

– الف: شخصی دختری را بعقد خود در آورده و قبل از عقد مادر خود را که برای دیدن دختر فرستاده بوده دختر را با موهای زیبا و بلند دیده و بعد از عقد معلوم شده که موها مصـنوعی بوده و بعضـی از قسمتهای سر دختر مو ندارد یا بقدری موهایش کم است که کالعدم است وقتی اطلاع از این موضوع پیدا کرده گفته من این دختر را نمی‌خواهم چون تدلیس کرده‌اند.
ب: و نیز اگر دختر را با چادر و مقنعه دیده باشند و متوجه نقصی که پوشیده بوده نشده‌اند. حکم چیست؟
ج: اگر زوج قبل از عقد بطور کلی گفته باشد که هر چه هست بگوئید «منظورش اینکه هر عیب و نقصی دختر دارد بگوئید و نگفته باشند» آیا در این صورت تدلیس موجب فسخ عقد صدق دارد یا نه؟
د: مراد مرحوم سید که در وسیلهٔ النجاهٔ صفحه ۲۰۵ مسأله ۱۳ در قسم سوم می‌فرماید: «إذا وصفها بصفتی الکمال أو عدم النقص قبل العقد عند الخطبهٔ و المقاولهٔ ثم اوقع العقد مبنیاً علی ما ذکر کان بمنزلهٔ الاشتراط فیوجب الخیار» چیست؟

### ج

– الف: در فرض سؤال ظاهراً تدلیس صادق است ولی احتیاط به طلاق ترک نشود. و اللَّه العالم.

ب– در این فرض صدق تدلیس محلّ تأمّل است. و اللَّه العالم.

ج: در این فرض در صورت معیوب بودن ظاهراً تدلیس صدق می‌کند.

و اللَّه العالم.

د: منظور از عبارت مرحوم سیّد– قدس سرّه الشریف– این است که: در مجلس اجرای عقد قبل از عقد، مقاوله و صحبت شده و عقد را مبنیاً بر آن مقاوله که فلان صفت را دارد و یا فلان نقص را ندارد واقع بسازند. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸

### س ۱۲۸۲

### اشاره

– مردی با فریب و تزویر از یک دختر ۱۸ ساله برای پسر خود که می‌گوید ۲۷ سال دارد و نیز سالم است خواستگاری می‌کند. درحالی‌که بعد معلوم می‌شود سن پسر از ۴۰ سال تجاوز کرده و فاقد یک‌دست نیز می‌باشد علاوه بر این، عیبهای دیگری هم دارد که دختر اطّلاع نداشته، و بر این اظهارات عقد نکاح صورت می‌گیرد بعد از عقد وقتی دختر از عیوب مرد اطلاع پیدا می‌کند اصل عقد نکاح را رد می‌کند و ما پیش وکیل پسر رفتیم که مسأله را حل کنیم و طلاق بدهد او حاضر نشد و دختر می‌گوید که اگر جدائی صورت نگیرد من دست بخودکشی میزنم امیدواریم که مشکل ما را حل نمائید.

### ج

– بطور کلی چنانچه سالم بودن و مقدار سنّ زوج در متن عقد ازدواج شرط شود و یا قبل از عقد مذاکره شود و عقد مبنیاً بر آن واقع شود و بعد از عقد کشف خلاف بشود زوجه می‌تواند عقد ازدواج را فسخ نماید و محتاج به طلاق نیست و بعد از فسخ عقد، زوجه می‌تواند با دیگری ازدواج نماید و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۲۸۳

### اشاره

– آموزگاری هستم که در تاریخ ۴ / ۹ / ۱۳۷۳ ازدواج نمودم. چون با خانواده همسرم همسایه دور بودیم شناخت کافی از خصوصیات او نداشتم فقط شنیده بودم که ایشان از عینک استفاده می‌کنند. وقتی که از شماره چشم او پرسیدم نمره چشم ایشان را ۵/ ۰ و ۷۵/ ۰ بیان کرده بودند که این مقدار به نظر حقیر مانعی نداشت. امّا بعد از عروسی به خاطر مشاهده مشکلات و ناتوانی ایشان، به چشم پزشک مراجعه کردیم و پزشک بعد از آزمایش نمره آن را ۷۵/ ۱۸ و ۷۵/ ۱۹ اعلام نمود البته نمره چشم ایشان

بالاتر از این شماره بود منتها عینکی که شماره‌اش بیشتر از این باشد، به علت ضخامت زیاد قابل استفاده نمی‌باشد.
بنـده برای ازدواج مبلغ پانصد هزار تومان هزینه نمودم که غالباً از طریق وام‌های مأخوذ، بوده است که در حال حاضـر ماهیانه اقساط آنها را می‌پردازم حالا با وجود این مشـکلات زنـدگی هر روز برایم سـخت و سـخت‌تر شـده تا جایی که در حال حاضـر غیر ممکن گشـته است در صـورتی کـه مهریه ایشـان یـک میلیـون تومـان می‌باشـد بنـده ۱۴۰ / ۰۰۰ تومـان از بـابت مهریـه پرداخـت نمـوده‌ام خواهشمندم که به

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹

سؤالات زیر پاسخ فرموده تا ملاک عمل شرعی این جانب قرار گیرد.
الف: در صورتی که جدایی صورت گیرد وضعیّت مهریه ایشان چگونه خواهد بود؟
ب: با توجّه به اینکه این جانب ناخواسـته مخارج زیادی را متحمل شده‌ام به طوری که با توجه به کارمند بودنم تا پایان عمر نخواهم توانست ضـربه آن را جبران نمـایم از نظر شـرعی چه کسـی بایـد تـاوان آن را بپردازد. آیا مسـئول آن خانواده همسـرم و خود ایشان نمی‌باشند؟

### ج

– به طور کلی در مثل مورد سؤال چنانچه در عقـد وصـفی جهت زوجه قیـد شـده که زوجه واجد آن وصف نیست و یا عقد مبنیاً بر آن واقع شده و لو اینکه در متن عقد ذکر نشده و زوجه واجد آن وصف نیست زوج می‌تواند عقد را فسخ کند و این خیار فسخ بعد از علم به حکم و موضوع فوری است و بعـد از فسخ چنانچه دخول واقع نشده چیزی بر زوج نیست و اگر دخول واقع شده زوج باید مهر را بدهـد بلی چنانچه تدلیسـی در بین باشـد می‌تواند مهریه را از مدلّس بگیرد و اگر مدلّس خود زوجه باشد بر زوج چیزی لازم نیست بدهد و اگر در متن عقد آن صفت شرط نشده و همچنین عقد مبنیّاً بر آن واقع نشده زوج اختیار فسخ ندارد و جدایی موقوف به طلاـق است و در این صورت اگر دخول واقع شـده تمام مهر و اگر دخول واقع نشـده بایـد نصف مهر را بپردازد و در هر صورت کسـی ضامن مخارجی که زوج در عقد و عروسـی خرج نموده نیست، بلی اگر اشـیایی از قبیل طلا و لباس تهیه کرده و تحت اختیار زوجه قرار داده ولی تملیک به زوجه ننموده و هنوز موجود است می‌توانـد آنها را پس بگیرد و به هر حال، در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.
و اللّٰه العالم.

### س ۱۲۸۴

### اشاره

– پس از ازدواج با دختری، متوجه شدم که از سـمعک اسـتفاده می‌کند به همین علت تقاضای طلاق (فسخ) نمودم. مسـتدعی اسـت در مورد مهریه ما را راهنمائی فرمائید.

### ج

– به طور کلی ناشنوائی جزء عیوب مجوزه فسخ نیست بنابراین چنانچه در ضمن عقد شرط سلامت زوجه نشده و قبل از عقد هم تدلیسی در کار نبوده، زوج

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰

ضامن پرداخت مهریه است پس اگر دخول واقع نشده نصف مهر و اگر واقع شده باید تمام مهر را بپردازد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و الله العالم

### س ۱۲۸۵

#### اشاره

– جوانی بیست و پنج‌ساله با دختری به این عنوان که بیست و سه‌ساله و سالم می‌باشد با توجه به اینکه در موقع تحقیق و مذاکرات با بستگان زوجه او را ۲۳ ساله و سالم معرفی کرده‌اند ازدواج می‌کند و عقد بر پایه آن صورت می‌گیرد ولی پس از مدتی که حتی یک ماه طول نمی‌کشد زوج و بستگان او متوجه می‌شوند که اولًا زوجه و بستگان او سن واقعی او را که بیست و نه سال بوده است و همچنین مبتلا بودن مشار الیها را به بیماری دیابت (مرض قند) که از نوع ارثی بوده و طبعاً در وضع حمل و نوزاد هم تأثیر بسزایی دارد مستور و مخفی داشته‌اند و نتیجتاً زوج از ازدواج مزبور پشیمان است سؤال اینکه: آیا دو عیب اشاره شده از موارد مجوز فسخ نکاح است یا خیر در صورت فسخ آیا مهریه به زوجه تعلق می‌گیرد یا خیر؟

#### ج

– آنچه بعنوان عیب در سؤال ذکر شده از عیوب مجوزه فسخ نیست بلی اگر در متن صیغه عقد قید شود که دختر ۲۳ ساله باشد و مبتلا به هیچ‌گونه بیماری نباشد و یا اینکه قبل از عقد شرط سن و سلامت از هر عیبی ذکر شود و عقد مبنی بر آن باشد بطوری که مثل ذکر کردن در خود عقد شود در این صورت زوج اختیار فسخ دارد و مهریه را اگر دخول واقع شده زوج باید بپردازد لکن پس از پرداخت می‌تواند به تدلیس‌کننده مراجعه کند و عوض آن را بگیرد و اگر دخول واقع نشده چیزی بر زوج نیست.

### س ۱۲۸۶

#### اشاره

– دختری مدّت ۷ سال است که ازدواج کرده و بعلت مشکلات جسمی شوهر طبق تشخیص پزشکان متخصص بچه‌دار نمی‌شوند و ضعف از طرف شوهر است آیا دختر می‌تواند شرعاً از طریق دادگاه تقاضای طلاق نماید؟

#### ج

– عقیم بودن مرد موجب جواز اجبار مرد به طلاق نیست، بلی در بعض موارد زن می‌تواند عقد را فسخ نماید به مسأله ۲۳۸۹ توضیح

المسائل رجوع نمائید.

و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱

### س ۱۲۸۷

### اشاره

- احتراماً بعرض می‌رسد این جانب با مردی ازدواج کرده‌ام و مدت ۵ ماه با او زندگی کرده‌ام ولی هنوز او قادر به ازاله بکارت نیست و از طرفی توافق اخلاقی نداریم و چندین بار مرا کتک زده و تهدید به مرگ کرده، چون زندگی با او قابل تحمّل نبود ناچار شده‌ام بخانه پدرم پناه ببرم در تمام این مدت دیناری نفقه نداده است و مدتی است که به محل نامعلومی رفته اطلاعی از او ندارم و نمی‌توانم برای همیشه بلا تکلیف بمانم.

### ج

- بطور کلی اگر زنی با مردی ازدواج کند که آن مرد قادر به نزدیکی نیست اگر بخواهد عقد را فسخ کند باید به حاکم شرع جامع الشرائط رجوع نماید تا حاکم شرع یک سال به مرد مهلت دهد چنانچه نتوانست با آن، زن یا زن دیگر نزدیکی کند پس از آن زن می‌تواند عقد را بهم بزند و محتاج به طلاق نیست.

### س ۱۲۸۸

### اشاره

- زن محترمه‌ای در چند سال قبل ازدواج کرده و در این مدت فقط در ابتدا یک بار وطی واقع شده و دیگر زوج قدرت و توانائی نزدیکی پیدا ننموده و عنین شده آیا زوجه حق فسخ دارد یا خیر و اگر حق ندارد و شوهر هم راضی به طلاق نیست مستدعی است حکم شرعی را بیان فرمایید.

### ج

- در فرض سؤال، زوجه حق فسخ ندارد و جدایی منحصر به طلاق است و اگر زن می‌خواهد جدا شود باید از طریق بخشیدن مهریه و غیره مرد را به هر حال راضی به طلاق کند. و اللَّه العالم.

### س ۱۲۸۹

### اشاره

– دختر این جانب دوسال پیش ازدواج نمود و پس از مدتی شوهرش دچار بیماری جنون گردید طوری که دیگر موقع نماز را تشخیص نمی‌دهد و دادگاه طلاق او را با توجه به مدارک موجود در پرونده صادر نموده خواهشمند است مارا راهنمایی نمایید که طلاق درست است یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال، که شوهر مبتلا به جنون شده بطوری که اوقات نماز را تشخیص نمیدهد زوجه می‌تواند نکاح را فسخ کند یعنی بگوید (نکاحی که بین من و شوهرم واقع شده فسخ کردم) و احتیاج به طلاق نیست و باید از تاریخ وقوع فسخ، عدّه نگهدارد و پس از انقضاء عدّه آزاد است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲

### س ۱۲۹۰

### اشاره

– اگر چنانچه زوج یا زوجه کسی دچار جنون گردد که در زمان وقوع عقد وجود نداشته است و جنون نامبرده نیز به تأیید پزشکی قانونی و اطباء معالج نیز رسیده باشد، طبق موازین شرع مقدس اسلام آیا زوج در زمان جنون زوجه حق فسخ نکاح را دارد یا خیر و در صورت فسخ نکاح در زمان جنون از طرف زوج آیا این فسخ صحیح است و حقی که زوجه بر گردن زوج دارد که باید زوج به او بدهد چیست؟

### ج

– در فرض سؤال که جنون بعد از عقد، واقع شده اگر زوج دیوانه شده زوجه حق فسخ دارد پس اگر وقوع جنون بعد از نزدیکی و انجام عمل زناشوئی بوده باید مهریه زوجه از مال زوج، با اجازه مجتهد جامع الشرائط پرداخته شود و اگر قبل از نزدیکی مجنون شده زوجه مهر ندارد و اگر زوجه بعد از وقوع عقد مجنونه شده زوج حق فسخ ندارد و جدائی با طلاق حاصل می‌شود. و اللّه العالم.

## مهریه

### س ۱۲۹۱

### اشاره

– فقهاء عظام فرموده‌انـد اگر زوجین ضـمن اجراء عقـد، صـداق را معیّن ننمایند و بعد از عقد توافق به صداق کنند صداق بعد العقد کالمذکور فی العقد لازم الوفاء است.
سؤال این است که اگر زوجین در حین اجراء عقـد مبلغی را بعنوان مهریه تعیین کننـد و بعـد از عقـد نیز مبلغی به صـداق تعیین شده اضافه نمایند آیا در این فرض نیز صداق اضافی بعد از عقد کالمذکور فی العقد لازم الوفاء می‌باشد یا خیر؟

**ج**

– در مورد سؤال صـداق اضافی بعد از عقد اگر در ضـمن عقد لازم دیگر مانند بیع و مصالحه قرار داد نشده لازم الوفاء نیست. و اللّه العالم.

**س ۱۲۹۲**

**اشاره**

– اگر زنی مدتی بعد از ازدواج ناقص شود مثلًا کور شود آیا شوهر که او را طلاق می‌دهد مدیون مهر هست؟

**ج**

– بلی مـدیون است و بایـد به او ادا نماید پس اگر طلاق پیش از نزدیکی و مواقعه با همسـر واقع شود شوهر نصف مهر را و اگر بعد از نزدیکی باشد همه مهر را باید بدهد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳

**س ۱۲۹۳**

**اشاره**

– اگر شخصـی در نکاح موقت مهریه و اجرت را سـفر مشـهد مقـدس و یا عمره مفرده قرار بدهد آیا این عقد صـحیح خواهد بود یا خیر؟

**ج**

– اشکال ندارد.

**س ۱۲۹۴**

#### اشاره

– اگر زنی در زمان زندگی با شوهرش از او طلب مهرش را نماید و مرد از پرداخت آن عاجز باشد زندگی آنها چگونه است؟

#### ج

– اگر شوهر قدرت اداء مهریه زوجه را ندارد فعلًا تکلیفی ندارد و هر وقت متمکن شد در صورت مطالبه زوجه واجب است بپردازد. و اللّه العالم.

### س ۱۲۹۵

#### اشاره

– زوج از بچه دار شدن جلوگیری می‌کند و عدم جلوگیری را مشروط کرده است به اینکه زوجه مهریه‌اش را به او ببخشد و او را بریء الذمه کند.

اگر زوجه مهریه‌اش را ببخشد تا زوج جلوگیری را کنار بگذارد آیا این بخشش صحیح است؟ و آیا زوج بریء الذمه می‌شود؟

#### ج

– در فرض سؤال، چنانچه زوجه مهریه خود را به زوج بخشیده بشرط اینکه زوج از بچه دار شدن ممانعت نکند و زوج به آن شرط عمل کند این بخشش صحیح است و زوج بریء الذّمة می‌شود.

### س ۱۲۹۶

#### اشاره

– ۴۰ سال پیش زمین متری یک هزار تومان بوده فعلًا همان زمین متری ده هزار تومان می‌باشد در آن زمان قباله ازدواج خانمی هزار تومان بوده و شوهر نداده فعلًا اگر هزار تومان به زن بدهد آیا ذمّه او بری می‌شود یا نه و همچنین مثلًا شخصی ۴۰ سال قبل از کسی هزار تومان قرض کرده و از روی فراموشی یا عمداً نداده فعلًا چقدر باید به او بدهد؟

#### ج

– در فرض سؤال اگر اختلاف مالیت دین یا مهریه زیاد و غیر متعارف باشد به طوری که عرف پرداخت آن را به مبلغ سابق بدل آن

نمی‌شمارد و در این مدت بستانکار مطالبه می‌نموده و بدهکار خواه مدیون باشد یا زوج باشد بدهی را نپرداخته باشد احتیاط این است که طرفین با مصالحه و تراضی رفع اختلاف بنماید.

### س ۱۲۹۷

### اشاره

– لطفاً نظر مبارک خود را در خصوص مصوبه مجلس شورای اسلامی

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴

پیرامون پرداخت مهریه زنان طبق ارزش پولی روز (یوم الاداء) بیان فرمائید.

### ج

– در صورتی که زوجه مطالبه مهریه خود را کرده باشد و زوج هم متمکّن از اداء بوده و نپرداخته بعید نیست که ارزش ریالی روز محاسبه شود مع هذا احوط مصالحه زوجین با یکدیگر است و اگر مطالبه نکرده زوج همان مقدار مهر را که عقد بر آن خوانده شده بدهکار است. و الله العالم

### س ۱۲۹۸

### اشاره

– اگر کسی مهر همسرش را از خانه و باغ یا پول تبدیل به چیزی از مال خویش کند مثلًا به عنوان قرض بگیرد و خرج خانه‌ای کند و رسید بدهد آیا رسید کافی است یا باید حتماً طبق قولی که داده است که من به جای مهریه شما یک ثلث از خانه را به شما میدهم، عمل کند و چنانچه آن خانه را بفروشد و خانه‌ای دیگر بخرد و در سند قید نکند اشکالی دارد یا خیر؟

### ج

– بمقدار قیمت فروش خانه و باغ از ملک همسر به او مدیون است و باید بپردازد.

### س ۱۲۹۹

### اشاره

– امروزه رایج شده مثلًا ۳۰۰ سکه بهار آزادی را به عنوان مهریه قرار می‌دهند در صورتی که نه حالا و نه در آینده کسی قدرت

پرداخت ندارد (و به عنوان اینکه مهر را که داد و که گرفت) می‌باشد) آیا در این صورت عقد صحیح است یا خیر؟

ج

- عقد صحیح است و شوهر ضامن مهریه هم می‌شود البته مستحب است مهریه کم گرفته شود.

### اختلاف در مهریه

س ۱۳۰۰

اشاره

- اگر بین زن و شوهر بعد از مدتی زندگی زناشویی شدن اختلاف شود و زن بگوید که صیغه مدت ده سال بوده و مهر ۳۰۰۰ روپیه، شوهر می‌گوید مدت سی سال و مهر هشتاد روپیه بوده است، آیا کدام قول مسموع است و چه باید کرد؟

ج

- در فرض سؤال، نسبت به مدت در صورت عدم بینه قول زن با یمین مقدم است و قول مرد نسبت به مهریه با عدم بینه، همراه با یمین مقدم است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵

س ۱۳۰۱

اشاره

- زن به عقد شخصی درآمده و قبل از دخول مرد فوت نموده یا شهید شده، مهر زن تمام باید داده شود یا نصف؟

ج

- تمام مهریه باید از ترکه او داده شود. و اللَّه العالم.

س ۱۳۰۲

اشاره

– مرد مقلد شخصی است که می‌فرماید در صورت فوت زوج قبل از دخول نصف مهر و زن مقلد کسی است که می‌فرماید تمام مهر لازم است، در صورت فوت مرد قبل از دخول تکلیف چیست؟

ج

– در فرض سؤال به جهت رفع نزاع باید به حاکم شرع جامع الشرائط مراجعه نمایند و آنچه حاکم شرع حکم کند باید طبق آن رفتار شود. و اللَّه العالم.

س ۱۳۰۳

اشاره

– اگر زوجه در موقع ازدواج بگوید دو دانگ از همین خانه را که در آن زندگی می کنی مهریه من کن و مرد چون یقین دارد که چنین چیزی در دفاتر رسمی و محضر انجام نمی‌شود می گوید اگر بشود من قبول دارم لذا به چندین محضر رسمی ازدواج مراجعه می کنند قبول نمی‌شود سرانجام با رضایت زوجه و پدرش و با مبلغ وجه رایج او را عقد می کنند که در قباله ازدواج فقط وجه نقد قید شده آیا غیر از مبلغ تعیین شده در محضر و ثبت شده در قباله و عقدنامه زوجه طلبی از آن زوج دارد؟

ج

– در فرض سؤال زوجه غیر از مبلغی که در متن عقد ازدواج به عنوان مهریه معین شده چیزی از زوج طلب ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۳۰۴

اشاره

– در محل ما رسم این بوده که پدر خانواده برای فرزندان پسر جهت مهریه عروس آب ملك و گوسفند در جلسه عقد معلوم و معیّن می کردند و تحویل می‌دادند شخصی ۳ پسر داشته یکی از آنها در زنده بودن پدر گوسفندهای مهریه عیالش را تحویل گرفته و دو نفر دیگر پسرها گوسفندها را تحویل نگرفته‌اند و پدر فوت کرده آیا دو پسر دیگر می‌توانند گوسفندهای مهریه عیالشان را از اموال موجود آن مرحوم برداشت کنند یا خیر؟

ج

– اگر منظور این است که پدر از ملك خودش بدون اینکه به پسر تملیك

کرده باشد مهریّه برای زوجه پسر قرار میدهد این عمل صحیح نیست باید مهریه زوجه از مال خود زوج باشد نه پدر زوج، و اگر منظور این است که پدر ملک و آب و گوسفند که می‌خواهد مهریه زوجه پسر خود قرار دهد اوّل به پسر تملیک می‌نماید سپس آنچه ملک پسر شده مهریه قرار داده می‌شود بنابراین آنچه پدر تملیک پسر نموده و پسر هم آن را مهریه زوجه خود قرار داده اگر در تحت ید پدر و جزء اموال او باشد بانتاج آن متعلّق به زوجه است و بقیه را ورثه تقسیم می‌کنند.

**س ۱۳۰۵**

**اشاره**

- شخصی این جانب را به عقد و همسری پسرش درآورده است و مبلغ صداق به عهده پسرش می‌باشد و هشت مثقال طلا به عهده پدر زوج بوده است که خودش در زمان حیاتش گردن گرفته و با خط خود نوشته الحال فوت نموده است و ما می‌خواهیم بدانیم که آیا آن هشت مثقال طلا را چه کسی باید به ما پرداخت کند؟

**ج**

- در فرض سؤال: چنانچه هشت مثقال طلا، جزء صداق بوده و آن مرحوم بعهده گرفته باید از اموالش بردارند و به عروسش بدهند و اگر مربوط به صداق نیست فقط وعده داده که هشت مثقال طلا بعهده من که بدهم در این صورت حق ندارند از مال او بردارند. و اللَّه العالم.

**س ۱۳۰۶**

**اشاره**

- نظر جنابعالی در مورد گرفتن شیر بها چیست؟

**ج**

- گرفتن شیربها با رضایت دهنده شیربهاء اشکال ندارد.

**س ۱۳۰۷**

**اشاره**

- دختری که بعد از عقد در خانه پدرش به سر می‌برد و خواهان طلاق است و در دادگاه هم دادخواست طلاق صادر کرده است

آیا در این صورت مهریه را مستحق می‌شود یا خیر؟ آیا در این صورت حق نفقه گرفتن را دارد یا خیر؟ و داماد می گوید. زن گرفتم که زندگی کنم نه طلاق بدهم اگر ایشان طلاق می‌خواهد تمام مخارج من را باید بدهد جواب را صراحتاً مرقوم فرمائید.

#### ج

– امر طلاق با زوج است و می‌توانـد مخارجی را که کرده و صداق را به عنوان عوض خلع در طلاق خلعی مطالبه کند بنابراین اکراه و اجبار در طلاق جایز نیست ولی خودش با اختیار خودش بدون اکراه زوجه را قبل از دخول طلاق

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷

بدهـد نصف مهر را بایـد به او بپردازد و نسبت به نفقه در فرض سؤال که زوجه ناشـزه بوده نفقه را هم طلبکار نیست و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

#### س ۱۳۰۸

#### اشاره

– خانمی هسـتم که با مردی که دارای چهار فرزند بود ازدواج کردم و همسـرم فوت شده سؤالم اینست که آیا طلاهایی که همسـرم برایم خریده، می‌شود بجای مهریه حساب شود یا نه؟

#### ج

– در فرض سؤال ظـاهر اینست که طلاهـای مورد سؤال اگر در حـدّ متعـارف بوده هـدیه محسوب است و متعلّق به زوجه است و از ماترك و مهریه محسوب نمی‌شود و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### احکام ازدواج موقت

#### س ۱۳۰۹

#### اشاره

– آیا دختر باکره می‌تواند بدون اجازه پدر ازدواج موقت بکند اگر می‌تواند اولاد متعه حق دارند که ارث از پدر ببرند؟

#### ج

– بنابر احتیاط، دختر باکره اگر پدر دارد در ازدواج اعمّ از متعه و دائمی باید از پدر اجازه بگیرد و اولاد متعه نیز ارث می‌برند. و اللّه

العالم.

### س ۱۳۱۰

### اشاره

– آیا پسر می‌توانـد با تعهـد عـدم دخول، دختر باکره را بـدون اذن پدر و یا جدّ پدری او و فقط با رضایت دختر، برای مدتی صـیغه نماید؟

### ج

– در جهت مورد سؤال، قصـد عدم دخول تأثیری ندارد و به نظر حقیر با شـرط عدم دخول هم در ازدواج با دختر باکره بنابر احتیاط واجب اذن پدر لازم است.

### س ۱۳۱۱

### اشاره

– دختر و پسـرهای امروزه که در مـدارس و دبیرسـتانها و دانشـگاهها و مؤسـسات بـا هم معاشـر هسـتند برای محرمیت می‌خواهنـد با خوانـدن صـیغه این معاشـرتها حرام نباشد چون حضـرت عالی اذن پدر را در باکره احتیاط واجب می‌فرمائید و در این موارد چه بسـا هست که پدرها راضـی نمی‌شوند و با آنکه نمی‌شود اذن گرفت اجازه می‌فرمائید که این احتیاط ترک شود و بدون اذن ولی صـیغه جاری گردد یا خیر؟ و دیگر آنکه بعضی موارد هست که پسر و دختر به هم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸
علاقه دارند و تحصـیل اذن از پدر بواسـطه شـرم و حیاء و موانع دیگر مشکل است آیا ترک این احتیاط در این صورت جائز است یا خیر؟

### ج

– در این احتیاط می‌توانند به مجتهد دیگری مراجعه نمایند.

### س ۱۳۱۲

### اشاره

– متعه بیشتر برای متأهلین سفارش شده یا برای مجردین؟ و آیا در صورت نیاز است یا در غیر صورت نیاز هم منعی ندارد؟

**ج**

– ازدواج موقّت برای کسی منعی ندارد و قیود مذکوره در سؤال را هم ندارد. و اللّٰه العالم.

**س ۱۳۱۳**

**اشاره**

– آیا صیغه کردن به یک روز یا یک هفته و یا یک ماه جایز است یا نه؟
و آیا زن صیغه شده بعد از تمام شدن وقت عده دارد یا نه؟

**ج**

– بلی جایز است و در صورتی که بعد از صیغه کردن، دخول واقع شود و زن یائسه نباشد عده دارد. و اللّٰه العالم.

**س ۱۳۱۴**

**اشاره**

– اگر ضـمن عقد متعه، زوجه شرط عدم مباشرت را نمود ولی پس از عقد، زوج عنفاً دخول نماید آیا زانی محسوب است اگر زانی نیست حاکم حق تعزیر او را دارد؟ و آیا اضافه بر مهر المتعه چیزی به زوجه مدیون می‌شود؟

**ج**

– در فرض سؤال زنا محسوب نمی‌شود و تعزیر بستگی بنظر حاکم دارد و نسبت به مهر هم اگر مهر المثل بیشتر باشد احوط تحصیل رضایت زوجه است.

**س ۱۳۱۵**

**اشاره**

– آیا در بخشـش بقیه مـدت در متعه نیت قلبی و قصد هبه بدون آنکه بر زبان جاری کند کافی است؟ و آیا باید زن آن را بشـنود یا

در غیاب وی نیز می‌توان بخشید؟

### ج

- برای بخشیدن تنها نیت قلبی کافی نیست ولی شنیدن زن هم لازم نیست لکن برای اینکه اختلافی واقع نشود بهتر است در حضور زن مدت را ببخشد.

### س ۱۳۱۶

### اشاره

- اگر در ضمن عقد موقت شرط شود که مثلًا بعد از اتمام شش ماه ازدواج دائم با مهر معین صورت گیرد اگر زوج به شرط عمل نکند و راضی به ازدواج دائم نشود آن مهر به عهده او می‌آید؟
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹

### ج

- اگر در ضمن عقد موقّت شرط شده که زوج بعد از تمام شدن مدّت عقد موقّت زوجه را بعقد دائم عقد نماید بر زوج واجب است که بشرط عمل کند ولی اگر زوج بشرط عمل نکند مهریّه‌ای بر او لازم نیست.

### س ۱۳۱۷

### اشاره

- در ازدواج موقت مثلًا اگر طرفین بیرون از منزل با هم دیده شوند برای اثبات اینکه صیغه خوانده شده مراجعه به پدر دختر کافی است یا حتماً باید مانند ازدواج دائم ثبت شده باشد؟ در مورد بیوه‌ها و غیره چگونه ثابت می‌شود که بین طرفین صیغه خوانده شده تا برادران بسیج و یا آمر به معروف و ناهی از منکر مطمئن شوند که فسادی در میان نیست؟

### ج

- در صحت ازدواج ثبت محضری شرط نیست وقتی زن و مرد مسلمان بگویند که با هم ازدواج کرده‌ایم حرف آنها شرعاً مسموع است.

### س ۱۳۱۸

### اشاره

- زوج در حال عصبانیت و ناراحتی و اختلاف به زوجه موقت خود اعلان ابراء مدت عقد می‌نماید و از یکدیگر فاصله می گیرند آیا این زن می‌تواند با دیگری ازدواج نماید و یا آنکه زوجیت زوج باقی است و برای تجدید عقد نیاز به صیغه جدید نمی‌باشد؟

### ج

- در مورد سؤال چنانچه به اختیار مدت او را بخشیده و لو عصبانی بوده، آن زن از زوجیت او خارج شده و بعد از خروج عدّه می‌تواند با دیگری ازدواج کند، و اگر بخواهد به زوج قبلی برگردد محتاج به عقد جدید است و اگر در حال عصبانیت بی‌اختیار شده و در آن حال مدت را بخشیده است زوجیت باقی است.

### س ۱۳۱۹

### اشاره

- پسری بعد از مراسم خواستگاری رسمی وطی مراحلِ مقدماتی، دختری را برای چند ماه صیغه نموده است تا اینکه در فرصت مناسب و یا بعد از پایان تحصیل یا خدمت نظام و ... او را عقد نماید. اگر قبل از پایان مدت صیغه بین دختر و پسر آمیزش انجام گیرد و این آمیزش به حمل منجر گردد آیا ممکن است در این صورت پسر مدت مانده صیغه را ببخشد و در زمان حمل، همان دختر را عقد نماید، یا اینکه حمل مانع از عقد می گردد؟ چنانچه حمل مانع از عقد گردد خواهشمند است فتوای خود را در زمینه عده این دختر بیان بفرمائید.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰

### ج

- بخشیدن مدت مانده در حال حمل و عقد او بعد از بخشیدن مدت، هرچند حمل داشته باشد برای خود آن شخص اشکال ندارد.

### س ۱۳۲۰

### اشاره

- فردی در دوران قبل از بلوغ پدرش دو دختر به اسم خاتون و فاطمه برای او عقد منقطع کرده این شخص قبل از رسیدن به مرحله بلوغ یکی از دخترها را (که اسمش خاتون است) دو بار رخصت نموده (به اصطلاح آن منطقه لفظ رخصت برای ابراء مدت به کار می‌رود) و والدین خاتون عقد او را با یک نفر دیگر بستند، این فرد پس از بالغ شدن خواست با دختر دومی (که اسمش فاطمه

است) عروسی کند اما خانواده این دختر به او چنین گفتند تو خاتون را در دوران قبل از بلوغ رخصت نمودی و این شرعاً صحیح نیست لذا اکنون او را مجدداً رخصت بنمائید و الّا دخترمان را در خانه‌ات نمی‌فرستیم. او این خواسته را قبول نموده خاتون را پس از بالغ شدن برای سومین بار رخصت نمود و نصف مهریه‌اش را نیز پرداخت. حالا او بعد از عروسی با فاطمه ادعا می‌نماید که رخصتی را که به خاتون داده بودم بدون قصد بود و برای گرفتن فاطمه مجبور بودم این رخصت را بدهم، لذا به آنها کلک زدم، ضمناً شاهدی هم به این مدعی ندارد. آیا این رخصت درست است یا خیر؟ و خاتون را وقتی که در کودکی رخصت داده و عقد با دیگری بسته بوده‌اند آیا این عقد درست بوده یا خیر؟ لطفاً جواب را تفصیلًا بفرمائید.

ج

- در فرض سؤال بذل مدت از طرف زوج غیر بالغ صحیح نیست و ازدواج دیگری با او در این صورت باطل است و حکم ازدواج با ذات بعل را دارد ولی بذل مدت بعد از بلوغ زوج صحیح است و اگر بعد از بذل ادعا کند که بدون قصد بوده در اختلاف بین او و زوجه‌ای که مدت او را بخشیده بدون بیّنه و اثبات شرعی ادعاء او اثر ندارد ولی اگر زوجه ادعاء او را قبول داشته باشد ظاهراً دیگران حتی زوجه دیگری که بذل مدت را از او خواسته است نمی‌توانند به آن اعتراض نمایند. و اللَّه العالم.

س ۱۳۲۱

اشاره

- اگر خانمی به عقد موقّت پسری در آمد بعد از اختتام وقت و گذشت مدّتها به عقد موقّت پدر آن پسر در آید آیا می‌تواند پس از اتمام وقت پدر به عقد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱

دائم همان پسر در آید؟ و آیا عقد موقّت او با پدر مانعی نداشته؟

ج

- در فرض زن مذکور بر پدر آن پسر حرام مؤبد است و عقد موقت یا دائم پدر با آن زن باطل است و در صورتی که پدر با آن زن نزدیکی کرده باشد عقد مجدد پسر با آن زن نیز باطل است و جائز نیست.

روابط زناشوئی

س ۱۳۲۲

اشاره

- اگر زن در ایـام حیض باشـد و مرد اجباراً با وی در ایام حیض آمیزش نمایـد آیا موجب کفّاره می‌شود؟ و مقـدار و کیفیّت کفّاره چگونه است و کفّاره به عهده چه کسی می‌باشد؟

**ج**

- در ایام حیض نزدیکی شوهر با زن حرام است و از جهت کفاره چنانچه ایام حیض به سه قسـمت مساوی تقسیم شود اگر شوهر در قسمت اوّل نزدیکی کند مستحب بلکه احوط است که ۱۸ نخود طلا کفّاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوّم نزدیکی کند ۹ نخود و در قسمت سوم ۴/ ۵ نخود و اگر شوهر با زور و اجبار این معصیت را بنماید زن گناهکار نیست.

**س ۱۳۲۳**

**اشاره**

- اگر زنی در حـال حیض بعقـد مردی درآیـد و در همان حیض هم شوهر با او همبستری کنـد با توجه به اینکه زن می‌دانسـته شاید اشـکالی در کار باشد ولی به ملاحظه شوهر اطلاع نداده آیا اشـکالی در عقد هست یا نه آیا کفاره بر زن هست یا نه تکلیف این زن چیست؟

**ج**

- در مورد سؤال چنـانچه زن مـذکور در عـدّه نبوده ازدواج او در حال حیض اشـکال نـدارد ولی همبستر شـدن در حال حیض حرام است اما عقد را باطل نمی‌کند و نسبت به کفاره هم‌بستر شدن در حال حیض به مسأله شماره ۴۵۸ توضیح المسائل مراجعه نمائید.

**س ۱۳۲۴**

**اشاره**

- زن من بـا توجه به دردی که در دست و کمر دارد به علت رومـاتیزم و با توجه به میل ایشان به قضا نشـدن نمازشان، همیشه اجازه جماع در شب و یا در وقتی که من میل دارم به من نمی‌دهد، به همین علت ما درگیری داریم و هر چند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲

ایشان را تهدید به ازدواج دوم و غیره کردم مؤثر واقع نشده است من باید چه کار کنم؟

**ج**

- وظیفه شـرعی زوجه تمکین از زوج است و حسن شوهرداری تا آنجا فضیلت دارد که جهاد زن شـمرده شـده و برای او اجر جهاد

دارد بنابراین یک بانوی مؤمنه‌ای که در انجام وظائف اسلامی اهتمام دارد و به عبادات مستحبه نیز توفیق می‌یابد باید به اطاعت امر خدا و روابط همسری با شوهرش کمال اهمیّت را بدهد و از معصیت نشوز و خودداری از اداء حقوق شوهر بپرهیزد و برای اداء مستحب مرتکب حرام و مخالفت شوهر نشود و حتی اگر در صورت اطاعت از شوهر نتواند نماز واجب را با غسل به جا آورد معذور از غسل باشد نباید از اطاعت شوهر خودداری نماید زیرا تیمم بدل از غسل برای او کافی است بدیهی است مرد هم مناسب است که در این جهت بطور متعارف رفتار کند و حسن معاشرت با همسر را رعایت نماید.

### س ۱۳۲۵

#### اشاره

– وطی همسر دبراً چه حکمی دارد؟

#### ج

– احوط بدون رضایت زوجه ترک است.

### س ۱۳۲۶

#### اشاره

– زنی که شوهرش عنّین است، در زمانی که شوهر او را به ملاعبه می‌طلبد آیا می‌تواند به بهانه اینکه شوهر عنن دارد از ملاعبه سرباز زند و اطاعت نکند؟

#### ج

– عنن زوج مجوز تخلف زوجه از تقاضای ملاعبه توسط زوج نمی‌شود.

### س ۱۳۲۷

#### اشاره

– مردی که عنین است آیا می‌تواند همسر خود را با شیء خارجی جنب نماید؟

#### ج

- زوجه می‌تواند با هر نقطه از بدن زوج خود را جنب نماید اما جواز استفاده از اشیاء خارجی توسط زوج محل اشکال است.

### س ۱۳۲۸

#### اشاره

- آیا بوسیدن زوجه و یا انجام عمل جنسی در حضور زوجه دوم و یا انجام این اعمال با هر دو در یک زمان جایز است؟

#### ج

- در مورد سؤال بوسیدن اشکال ندارد ولی جماع کراهت دارد البته نگاه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳

کردن زوجه به عورت زوجه دیگر حرام است. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۲۹

#### اشاره

- زن و شوهری پای فیلم سکسی ویدئو می‌نشینند و فیلم را می‌بینند و تحریک می‌شوند و عمل زناشوئی انجام می‌دهند چه صورت دارد؟

#### ج

- مشاهده اینگونه فیلمها برای همه حرام است. و اللَّه العالم

### س ۱۳۳۰

#### اشاره

- اگر شخصی با خود بازی کند اما هنگام خروج منی از خروج آن جلوگیری نماید و منی خارج نشود، آیا این عمل حرام است؟

#### ج

- حرام است.

## احکام نشوز

### س ۱۳۳۱

#### اشاره

– در ذیل مسأله حق امتناع زوجه از تمکین تا دریافت مهر حالّ خود قبل از دخول قیودی را ذکر کرده‌اند و من جمله فرموده‌اند: حق مطالبه مهر برای زوجه زمانی است که وی مهیا بر تمکین باشد و عذر شرعی و عادی از قبیل احرام و حبس نداشته باشد امّا در موردی که زوجه عذر شرعی و یا عقلی نداشته و امتناعش از تمکین به خاطر دریافت مهر و استیفاء حق شرعی خود نباشد بلکه عصیاناً تمکین نکند مطلبی صریحاً نفرموده‌اند فقط مرحوم صاحب جواهر- پس از نقل کلام که مسأله را مشکل دانسته و صریحاً اظهار نظری نکرده‌اند- فرموده‌اند در این مورد زوجه حق مطالبه مهر نداشته و ناشزه محسوب می گردد خواهشمند است نظر مبارک را در این مورد و نیز مراد از تمکین را از حیث اختصاص به دخول یا شمول آن نسبت به سایر استمتاعات بیان فرمایید.

#### ج

– در موردی که زوجه به جهتی غیر از عذر شرعی و دریافت مهریه از تمکین خودداری کند ناشزه محسوب می‌شود. و تمکین علاوه بر دخول بنابر احتیاط شامل سایر تمتّعات نیز می گردد. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۳۲

#### اشاره

– بعد از عقد نکاح آیا زن در صورت اعسار زوج از پرداخت مهریه، می‌تواند بخاطر دریافت مهریه تمکین ننماید و در صورت جواز آیا تمکین فقط منحصر است به بضع، یا سایر استمتاعات را هم شامل است؟ آیا عدم تمکین
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴
مصداق نشوز است؟

#### ج

– در صورتی که مهریه حال باشد زوجه قبل از اخذ مهریه می‌تواند از تمکین نسبت به همه استمتاعات اعم از دخول و غیره ممانعت نماید و عدم تمکین جهت اخذ مهریه نشوز محسوب نمی‌شود. و الله العالم

### س ۱۳۳۳

**اشاره**

– در دوران نامزدی و در فاصله بین عقد و عروسی که گاهی چندین ماه طول می‌کشد، دختر بیشتر در خانه پدرش بسر می‌برد آیا احکام مربوط به لازم بودن اطاعت از شوهر در این مدت بر او صدق می‌کند یا اینکه این امر مختص به بعد از عروسی و شروع زندگی رسمی است؟

**ج**

– پس از اجرای عقد، اطاعت زن از شوهر لازم میشود اگر چه دختر هنوز در خانه پدر باشد.

**س ۱۳۳۴**

**اشاره**

– اگر خانمی در عقد دائم وظایف زناشوئی را انجام دهد و در مواقعی که شوهر در منزل نیست بدون اجازه او بخواهد به تدریس یا خیاطی بیرون منزل برود چه صورت دارد (ناگفته نماند شوهر این امور را اجازه نمی‌دهد)؟

**ج**

– اگر زن در عقد نکاح، شرط اشتغال به تدریس یا خیاطی در خارج منزل را نکرده باشد شوهر حق ممانعت دارد و در این صورت خروج زن بدون اجازه شوهر معصیت است.

**س ۱۳۳۵**

**اشاره**

– احتراماً معروض میدارد همسر این جانب مدت سه سال و نیم است خانه خود را بی‌هیچ دلیل و بدون هیچ‌گونه رضایت این جانب به همراه تنها فرزندمان ترک کرده و تاکنون در خانه پدرش بسر می‌برد و این در حالی است که هیچ‌گونه مشکل مالی، جسمانی و انحرافات اخلاقی و یا فکری متوجه این جانب نمیباشد. آیا ایشان بدون رضایت این جانب خانه‌اش را ترک گفته ناشزه است یا نه؟

**ج**

– در فرض سؤال زوجه ناشزه محسوب می‌شود و استحقاق نفقه و کسوه را از زوج ندارد. و اللّٰه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵

### س ۱۳۳۶

### اشاره

– زوجه بـدون اجازه زوج منزل شوهرش را ترک کرده و فعلًا در منزل پـدرش می‌باشد پدر و مادر کراراً در زندگی زوجین دخالت نموده و مانع از ادامه زنـدگی طرفین می‌باشد و همسـر با القاء پدر و مادرش از زوج اطاعت نمی‌کند، مادامی‌که زن در منزل پدرش باشد حق نفقه دارد یا نه؟ و ثانیاً زوجه ناشزه محسوب می‌شود یا نه؟

### ج

– به طور کلی چنانچه زوجه بـدون عذر شـرعی به منزل زوج نرود ناشـزه است و در صورت نشوز نفقه‌اش بر شوهر واجب نیست. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۳۷

### اشاره

– آیا زن می‌تواند از شوهر خود (بعد از گذشت چند سال) تقاضای بچه کند؟

### ج

– اگر منظور این است که شوهر می‌گوید بچه نمی‌خواهم وزن تقاضای بچه می‌کند اصل تقاضا اشکال ندارد ولی الزام‌آور نیست. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۳۸

### اشاره

– زنی که شوهر او در خانه نیست او از خانه شوهر به دیگران کمک و از خانه شوهر در تمام کارهای بیرون از خانه شرکت می‌کند در حالی که شوهر از ۱ الی ۴ هفته در خانه نیست وظیفه این زن نسبت به شوهر چیست آیا می‌تواند موارد بالا را انجام دهد؟

### ج

- باید آنچه را به دیگران کمک می کند با اجازه شوهر باشد و خروجش از منزل نیز محتاج به اجازه شوهر است.

### احکام نفقه

#### س ۱۳۳۹

##### اشاره

- به زنی که شوهرش فوت کرده نفقه میرسد یا خیر؟

##### ج

- پس از فوت شوهر، زوجه دائمه از او ارث می‌برد و لکن در زمان عده وفات حق نفقه ندارد.

#### س ۱۳۴۰

##### اشاره

- اگر زوجه در ضمن عقد نکاح با شوهر خود شرط نماید که نفقه مرا مثلًا روزی یکصد تومان پول نقد پرداخت نمائید و شوهر نیز به این قرارداد عمل می کند ولی بعد از چند سال مبلغ قید شده کفایت از نفقه زوجه را نمی کند، آیا
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶
زوجه می‌تواند بیشتر از مبلغ تعیین شده در ضمن عقد را از شوهر خود مطالبه نماید یا نه؟

##### ج

- در مورد سؤال در صورت عدم کفایت مبلغ مذکور از نفقه زوجه، زوج باید، بمقدار کفایت نفقه زوجه را تتمیم نماید. و اللَّه العالم.

#### س ۱۳۴۱

##### اشاره

- دختری که شوهر کرده ولی با شوهر توافق ندارد و حقوق و نفقه چون تصرف ننموده نمی‌دهد آیا نفقه و چیز دیگری به آن دختر شرعاً بدهکار میباشد یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال که زوج توافق نـدارد اگر زوجه تمکین دارد نفقه خود را از زوج طلبکار است و می‌تواند تمام مهر خود را از زوج مطالبه نماید و اگر زوج قبل از دخول او را طلاق بدهد زوجه بیش از نصف مهر طلبکار نیست. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۴۲

#### اشاره

– مردی به علت بچه‌دار نشدن دختر نوزادی را از یکی از زایشـگاههای تهران بعنوان فرزندی قبول می‌کند. حقیقت امر را به مسئول زایشـگاه نمی‌گویند و با موافقت مادر بچّه، نوزاد را تحویل گرفته و بدون رعایت مقررات ثبت احوال اقدام به گرفتن شناسنامه برای بچّه بنام خود می‌کند و از طریق شـیر دادن بوسـیله محارم، دائی رضائی بچه و علی الظاهر طبق شناسنامه پدر او می‌شود. سن بچه در حال حاضر به ۱۳ سال رسـیده است و از لحاظ نفقه، حفاظت و سایر مسائل عاطفی، تربیتی، ناموسـی بلا تکلیف مانـده است. از پیدا کردن پـدر و مادر واقعی بچه از طرفی مأیوس شده‌انـد و از طرفی ایجاد مفسـده می‌شود. مرد بعلت عـدم برگشت همسـرش و از هم پاشـیدن زنـدگی‌اش حاضـر به پرداخت نفقه نیست و می‌گویـد من پدر واقعی و نسبی‌اش نیسـتم که نفقه بر من واجب باشد. زن هم می‌گویـد طبق شناسـنامه تو پـدرش هستی باید خرجی‌اش را بدهی. خواهشـمند است نظر شارع مقدس اسـلام را در این مورد مرقوم فرمائید.

ج

– اگر بطـور شـرعی در مـورد کودك تعهـدی داده باشـند بایـد بنحوی که تعهّـد داده‌انـد عمـل نماینـد بلی اگر تعهّـد نکرده باشـند مسئولیّتی ندارند. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۴۳

#### اشاره

– شخصی زوجه خود را در مقابل بذل مبلغ پنجاه هزار تومان طلاق
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷
خلعی داد از جناب عالی خواهشمند است که بیان فرمائید نفقه زن در ایّام عده چطور می‌شود؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه زوجه از زوج خود حمل نداشته باشد در ایام عده طلاق خلع حق نفقه بر زوج ندارد. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۴۴

### اشاره

– شوهرم مدت یک سال است فرزندانم را برداشته به کشور افغانستان فرار کرده و مرا بدون سرپرست و بدون خرجی گذاشته از نظر شرع مقدس اسلام تکلیف من چیست؟

### ج

– به طور کلّی در صورتی که زوج نفقه زوجه را ندهد زوجه می‌تواند به حاکم شرع جامع الشرائط مراجعه کند تا حاکم شرع زوج را و ادرار نماید که یا نفقه بدهد و یا او را مطلّقه نماید. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۴۵

### اشاره

– مخارج اولاد تا چند سال بر پدر واجب است بعضی فرزندان می‌خواهند درس بخوانند آیا تا پایان تحصیلات، پدر باید هزینه تحصیلات آنها را بدهد یا نه؟

### ج

– مخارج لازمه فرزند مانند لباس و خوراک تا موقعی که خودش متمکن از تأمین اینگونه مخارج نباشد بر پدر واجب است چه فرزند بچه باشد و چه جوان و یا پیر مگر اینکه پدر خودش متمکن نباشد و اما مخارج دیگر نظیر ادامه تحصیل بر پدر واجب نیست.

### س ۱۳۴۶

### اشاره

– آیا ساختمان فرزند جزء نفقه پدر قرار می‌گیرد یا خیر؟

### ج

– در صورتی که واجب النفقه قدرت بر تهیه مسکن نداشته باشد و کسی که باید نفقه او را بدهد قادر باشد باید مسکن را نیز تهیه

کند هر چند به نحو اجاره و غیره و تفصیل نفقات در وسیلة النجاة: (القول فی نفقة الأقارب) مسأله ۱ و ۲ و ۸ مذکور است! توضیح اینکه: تهیه مسکن فقط نسبت به خود واجب النفقه لازم است نه زوجه تحت تکفّل او. و اللّٰه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۸

### حضانت

### س ۱۳۴۷

#### اشاره

- پدری در محضر دادگاه اذن در حضانت دختر کبیر خود را به مادر مطلّقه وی داده است آیا رجوع پدر از اذنِ داده شده جایز است یا خیر؟

#### ج

- بطور کلّی حضانت فرزند با بلوغ و رشد او منتفی میشود و پدر و مادر حق حضانت او را ندارند و اختیار زندگی با هر کدام از پدر و یا مادر با خود فرزند است.

### س ۱۳۴۸

#### اشاره

- پس از فوت پدر، آیا مادر در قبال حضانت فرزندان صغیر متوفی می‌تواند از جد پدری مطالبه اجرت نماید یا خیر؟ و آیا حق‌الزحمه حضانت اطفال صغیر به او تعلق می‌گیرد یا خیر؟

#### ج

- حق حضانت اطفال بعد از فوت پدر با مادر است تا موقعی که مکلّف شوند و بعید نیست بتواند در مقابل آن اجرت بگیرد پس اگر اطفال خودشان اموالی دارند می‌تواند اجرت خود را با اجازه جدّ پدری از اموال آنها بر دارد و اگر مالی ندارند می‌تواند از جدّ پدری مطالبه کند و در هر صورت احتیاط در ترک اجرت گرفتن است.

### س ۱۳۴۹

#### اشاره

– آیا پدر شرعاً مجاز است که مادر مطلّقه را از دیدار فرزندش که تحت حضانت پدر است محروم کند؟

ج

– اگر مفسده و ضرری برای فرزند نداشته باشد جایز است ولی بدون وجود مصلحت لازم خلاف انصاف و دور از اخلاق مؤمن است.

س ۱۳۵۰

اشاره

– آیا مادر شرعاً بدون اذن پدر می‌تواند کاری را برای فرزند (چه در حضانت مادر باشد و چه پدر) انجام دهد، مثلًا آیا می‌تواند بدون اذن پدر گوش دختر را سوراخ کند (برای گوشواره) و یا سر او را اصلاح کند و یا تصرفاتی مانند آن؟

ج

– اگر تحت حضانت مادر نباشد بدون اذن پدر جایز نیست و اگر تحت حضانت مادر است کارهائی مانند اصلاح سر و حفظ نظافت او داخل در حضانت است و جایز است ولی سوراخ کردن گوش او بدون اذن پدر جایز نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۹

س ۱۳۵۱

اشاره

گرفتن اولاد از مادر وقتی که حضانت با پدر است در صورتی که موجب مشقت غیر قابل تحمل برای مادر باشد یا باعث عدم رشد روانی فرزند شود یا هر دو در عسر و حرج بیفتند جایز است یا نه؟

ج

– در صورتی که جدا کردن فرزند از مادر برای فرزند مفسده و ضرر داشته باشد نباید او را از مادر جدا کنند.

س ۱۳۵۲

اشاره

– شخصی نوه دختری خود را نزد برادرزاده‌اش در سن صغیری گذاشته است حالا ـ دختر به سن بلوغ رسیده است. اگر این مادر بزرگ بخواهد نوه خود را به نزد خودش ببرد آیا پسر برادر حق مطالبه مصرف خویش را دارد یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال اگر برادرزاده تبرعاً مخارج دختر را پرداخته باشد حق مطالبه از غیر ندارد و اگر به امر مادر بزرگ خرج کرده و قصد مجانی نداشته می‌تواند از مادر بزرگ مطالبه نماید.

## احکام شیر دادن

### س ۱۳۵۳

اشاره

– آیا مادر می‌تواند بعد از دو سال شیر به بچه‌اش بدهد یا خیر و در صورت منع آیا حرام است یا مکروه؟

ج

– شیر دادن بیشتر از دو سال حرام نیست ولی مذموم است.

### س ۱۳۵۴

اشاره

– اگر زنی بچه دخترش را شیر دهد دخترش بر شوهرش حرام است، آیا شیر کامل و همراه با شرایطش منظور است یا یک مرتبه شیر دادن هم نشر حرمت می‌کند و همچنین شیر دادن که باعث حرمت است در صورتی است که قبل از ۲ سال باشد آیا منظور ۲ سال شمسی است یا ۲ سال قمری؟

ج

– منظور شیر کامل است و کمتر از آن اثری ندارد و منظور از دو سال مذکور، سال قمری است.

### س ۱۳۵۵

**اشاره**

- پسری از خانمی شیر خورده است خواهر این پسر می‌تواند با پسر آن زن شیر دهنده ازدواج بکند یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال، ازدواج آن دو اشکال ندارد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۰

**س ۱۳۵۶**

**اشاره**

- چنانچه زن بی‌شوهری که شیر داشته باشد به اختیار خودش پسری را با شیر پستان خود قبل از اینکه دو سالش تمام شود شیر بدهد. آیا همین پسر می‌تواند با همین زن بی‌شوهر عقد دائم بکند یا خیر؟

**ج**

- رضاعی که موجب محرمیت است آنست که شیر را از پستان زنی بخورد که بواسطه حمل شیر دار شده است و در فرض سؤال که زن بدون شوهر شیر داده محرمیت حاصل نشده است.

**س ۱۳۵۷**

**اشاره**

- اگر زن مقلد شخصی است که ده مرتبه شیر دادن را موجب حرمت در رضاع میداند و مرد مقلد کسی است که ۱۵ مرتبه شیر دادن را موجب نشر حرمت میداند در این فرض اگر مادر زن نوه دختری خود را ده مرتبه شیر داده باشد تکلیف شرعی زوجین چه خواهد بود؟

**ج**

- در فرض سؤال احوط و اولی این است که زوج، او را طلاق دهد و دیگر با او ازدواج نکند و اگر نخواهد او را طلاق بدهد باید زوجین مراجعه به حاکم شرع جامع الشرائط بنماید و طبق آنچه حاکم شرع در مقام قضاوت حکم می‌کند عمل کنند. و اللّٰه العالم.

### س ۱۳۵۸

### اشاره

– در فرض سؤال قبل اگر مقلّد زوج حکم را نافذ ندانـد و به حاکم شـرع جامع الشـرائط مراجعه نمودنـد و حاکم هم ده مرتبه شـیر دادن را موجب نشر حرمت در رضاع دانست وظیفه شرعی زوجین چه خواهد بود؟

### ج

– حکم مجتهـد جـامع الشـرائط در مرافعـات و دعـاوی باجمـاع نافـذ است مـع ذلـک در این صورت زوج بـا وجود حکم حـاکم در مواردی که امتناع از اداء حقوق زوجه موجب ردّ حکم حاکم نمی‌شود باید بوظیفه شرعی شخصی خود عمل کند. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۵۹

### اشاره

– احتراماً به اطلاع می‌رسانـد که این جانب در سن دوماهگی مادرم را از دست دادم و بعـد از آن از سـینه مادربزرگم که مادر پدرم می‌باشـد شـیر خوردم و شـیر خوردن از سـینه مـادربزرگم تا موقعی بود که مرا از شـیر گرفتنـد، یعنی شـیر کامل از سـینه مادربزرگم خورده‌ام در آن موقع مادربزرگم فرزندی روی دست

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۴۱

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۱

داشت و آن هم از سینه مـادرش شـیر می‌خورد حال می‌خواهم بـدانم که دختر عمویم که دختر پسـر مادر بزرگم است بر من حلال است یا خیر. (در ضـمن موقعی که من از سـینه مادر بزرگم شـیر می‌خوردم، دختر عمویم هنوز بـدنیا نیامده بود یعنی عمویم ازدواج نکرده بود)؟

### ج

– در مورد سؤال ازدواج شما با دختر مذکوره صحیح نیست.

### س ۱۳۶۰

### اشاره

- اگر مادر زن نوه دختری خود را با شرائطی که در رضاع گفته شده شیر کامل بدهد با توجه به اینکه علم دارد این شیر دادن موجب حرمت دخترش به شوهر خواهد شد و جدائی زن از شوهر موجب ناراحتی داماد می‌شود آیا در فرض سؤال جائز است مادر زن به نوه دختری خود شیر دهد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال جائز نیست مادر زن نوه دختری خود را شیر دهد. و اللّٰه العالم.

### س ۱۳۶۱

### اشاره

- خانمی به نوه دختری خودش شیر داده است حال بعد از ۳۰ سال که صاحب فرزندان زیادی شده‌اند مثلًا ۸ الی ۹ تا فرزند فهمیده‌اند که به همدیگر حرام می‌باشند و باید از هم جدا شوند ولی خانواده او و فرزندانش ناراحت هستند در این رابطه اگر می‌شود راهنمائی فرمائید در ضمن تکلیف بچه‌ها چه می‌شود؟

### ج

- در مورد سؤال چنانچه شیر خوردن بمقداری بوده که باعث نشر حرمت هست دختر بانوی مذکوره به شوهرش حرام ابدی است و باید از یکدیگر جدا شوند و محتاج بطلاق نیست ولی چون بعداً زوجین حکم و یا موضوع را فهمیده‌اند اولاد آنها که در خلال این مدت بوجود آمده‌اند در حکم حلال زاده هستند و از آنها ارث می‌برند ولی اگر شک داشته باشید که شیر خوردن بقدری که شرعاً موجب نشر حرمت می‌شود بوده یا نه و طریق شرعی هم برای اثبات آن در بین نیست به ازدواج دختر مرضعه با شوهرش ضرر نمی‌زند و بقوت خود باقی است و تفصیل مسأله را در رساله ملاحظه نمائید.

### س ۱۳۶۲

### اشاره

- بانوئی، نوه دختری خود را چند ماه شیر داده است، آیا در این صورت داماد این بانو با دختر او (یعنی پدر و مادر طفل شیر خوار) با هم،

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۲

نامحرم می‌شوند؟

و آیا خود این بانوی شیر دهنده (که مادر بزرگ طفل شیر خوار حساب می‌شود) با شوهرش (که پدر بزرگ طفل است) نامحرم می‌شوند؟

**ج**

- در فرض سؤال، چنانچه شیر کامل با شرائطی که در رساله ذکر شده داده باشد پدر و مادر طفل به همدیگر حرام میشوند ولی پدر بزرگ طفل و مادر بزرگ او به همدیگر حرام نمی‌شوند.

**س ۱۳۶۳**

**اشاره**

- بانوئی از دنیا رفته است و خواهر وی جای او را گرفته، یعنی با شوهر خواهرش ازدواج کرده است، سپس فرزند دختر خواهرش را (یعنی نوه دختری خواهرش را) چند ماه شیر داده، پدر و مادر طفل شیر خوار با هم نامحرم می‌شوند؟
و آیا پدر بزرگ و مادر بزرگ، یعنی خاله مادر طفل شیر خوار (که دایه و شیر دهنده این طفل بوده) با شوهرش- که قبلًا شوهر خواهرش بوده- نامحرم می‌شوند؟

**ج**

- در فرض سؤال، چنانچه خواهری که جای خواهر فوت شده را گرفته شیرش از شوهر فعلی (پدر دختر خواهر) باشد پدر و مادر طفل شیر خوار به همدیگر حرام می‌شوند ولی اگر شیر از شوهر قبلی او باشد، یا دختر خواهرش دختر شوهر فعلیش نباشد، پدر و مادر طفل به همدیگر حرام نمی‌شوند و در هر دو صورت پدر بزرگ و نامادری به هم حرام نمی‌شوند.

**س ۱۳۶۴**

**اشاره**

- اگر خاله نوه خواهر خود را اشکال ایجاد می‌شود یا خیر؟

**ج**

- در فرض سؤال، آن بچه فرزند رضاعی مرضعه محسوب است، و با فرزندان مرضعه نمی‌تواند ازدواج کند. و اللَّه العالم.

**س ۱۳۶۵**

**اشاره**

- از زوجینی که چندین سال است ازدواج نموده‌اند و بچه دار نشده‌اند و پزشکان متخصص حاذق به آنها پاسخ منفی داده‌اند چون خیلی آرزوی فرزند دارند پسری یا دختری نزد خود آورده و به عنوان فرزند آن را بزرگ می‌کنند. آیا بعد از بلوغ که طفل مزبور نسبت به زوجین نامحرم می‌شود تکلیف زوجین

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۳

چیست و چنانچه کسی مایل به این کار باشد ابتداءً چه وظائف شرعی را باید انجام دهد؟

ج

- در فرض سؤال طفل مذکور بر زوجین نامحرم است به این معنی اگر پسر باشد بر زوجه نامحرم است و اگر دختر باشد بر زوج بلی در صورتی که طفل قبل از دو سالگی از شیر خواهر و یا از شیر زوجه برادر به مقدار رضاع محرّم شیر بخورد محرمیّت نسبت به کسی که خواهرزاده و یا برادر زاده رضاعی او شده حاصل می‌شود و در هر صورت آن طفل از آن زوجین ارث نمی‌برد. و اللّه العالم.

احکام لحوق فرزند

س ۱۳۶۶

اشاره

- اگر دو بچه یکی پسر و دیگری دختر در بیمارستان متولد شوند درحالی‌که نه مادرها و نه قابله و نه کارمندان بیمارستان میدانند که احد مولودین از کدامیک از آنان متولد شده کیفیت لحوق بچه‌ها را به مادرشان بیان فرمائید و آیا در این گونه موارد آزمایش خون پدر و مادر و شیر آنها حجت شرعی خواهد بود یا خیر؟

ج

- اگر طرفین یعنی اولیاء این دو بچه از آزمایش خون یقین به نتیجه آزمایش پیدا کنند طبق یقین خود عمل نمایند و اگر یقین پیدا نمی‌کنند ظاهر این ستکه باید رجوع به قرعه نمایند

س ۱۳۶۷

اشاره

- ازدواج مجدد من برای بچه بوده حال که صاحب ۲ فرزند شدم بچه‌های من با همسر اول من بسیار مأنوس هستند و همچنین زن اول من با بچه‌ها نهایت علاقه دارد زن اوّل میل دارد که شناسنامه بچه‌ها بنام او باشد یعنی در شناسنامه قید شود که زن اوّل مادر

بچه‌ها باشد در صورتی که مادر اصلی بچه‌ها که همسر دوّم من است حرفی ندارد و من هم حرفی ندارم آیا شرعاً این عمل جایز است؟

ج

- این عمل جائز نیست و در نسلهای بعدی اشکالات تداخل پیش خواهد آمد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۴

س ۱۳۶۸

اشاره

- از آنجائی که فرزند متولد شده از زوجی دیگر را میتوان به فرزندی قبول نمود و فرزندخواندگی توسط شرع مقدس صحه گذاشته شده است و سن مولود اهمیتی در فرزندخواندگی ندارد- مولود می‌تواند یک روزه باشد یا چندساله، می‌تواند نه‌ماهه به دنیا آمده باشد یا هفت‌ماهه و یا حتی زودتر- لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان فرزندخواندگی را از دوران جنینی آغاز نمود؟ بعبارت دیگر آیا می‌توان جنین حاصل از نطفه شوهر (اسپرم شوهر) و تخمک همسرش را پس از انعقاد نطفه و تشکیل شدن جنین در همان یکی دو روز اول به فرزندخواندگی داد و زوج دیگری او را به فرزندی قبول نماید؟ اگر این مسأله جایز باشد آیا میتوان جنین تشکیل شده را در رحم مادر خوانده‌اش قرار داد که پس از تولد او را بزرگ نماید؟

ج

- فرزندخواندگی به هیچ یک از صور مذکوره در سؤال اعتبار ندارد و احکام فرزند در محرمیت وارث بردن و غیرهما بر آن مرتب نمی‌شود و قرآن مجید فرزند خوانده را از پدر خوانده نفی فرموده است و هر چند نطفه زن و شوهری را پس از انعقاد در رحم زن دیگر قرار دهند به او ملحق نخواهد شد و به والدین حقیقی خود ملحق است. و اللَّه العالم.

س ۱۳۶۹

اشاره

- فرضاً زنی ایّام قاعدگی وی دیروز تمام شد و وظایف شرعی از قبیل غسل و ... انجام داد و قبل از اینکه شوهر با وی نزدیکی کند متأسفانه با عنف و زور به وی تجاوز شد و حامله شد وظیفه زن نسبت به بچه چیست؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه شوهر آن زن هم با او مواقعه نموده به طوری که الحاق بچه به شوهر زن محتمل باشد بچه ملحق به زن و شوهر او است و حلال زاده است بلی اگر احتمال الحاق ولد به زوج نباشد و یقین داشته باشند که از زنای به عنف متکوّن شده در این صورت بچه ملحق به مادر است و نسبت به مادر حلال زاده محسوب می‌شود. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۷۰

### اشاره

– شخصی با شخص دیگر عمل لواط انجام داده پس از مدتی خواهر مفعول را فاعل گرفته در موقع ازدواج جاهل به مسأله بوده وقتی که علم پیدا کرده

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۵

از زن جدا شده آیا آن بچه‌هایی که در زمان جهل به مسأله به دنیا آمده‌اند حلال‌زاده هستند یا حرامزاده؟

### ج

– در مورد سؤال که جاهل بوده‌اند بچه‌هایی که در زمان جهل به مسأله به وجود آمده‌اند فرزند شرعی هستند و حرام‌زاده نیستند.

## احکام محارم

### س ۱۳۷۱

### اشاره

– در باب محارم از حیث نظر شبهه‌ای مطرح گردیده که رفع و جواب مورد استدعاست: مرحوم صاحب جواهر در خصوص جواز نظر به محارم فرموده است: «و کذا له ان ینظر الی المحارم الّتی یحرم علیه نکاحهن نسباً او رضاعاً او مصاهرهٔ او ملکاً ما عدا العورهٔ مع عدم تلذذ و ریبه». مرحوم آیت اللّه آقای سید أبو الحسن اصفهانی طالب ثراه در وسیلهٔ النجاهٔ فرموده‌اند: «و المراد بالمحارم من یحرم علیه نکاحهن من جههٔ النسب أو الرضاع أو المصاهرهٔ» مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی قدس سرّه نیز در تعالیق خود بر وسیلهٔ النجاهٔ در این خصوص حاشیه‌ای ندارند. شبهه این است با حذف قید «مؤبداً» که در عبارات برخی دیگر از فقهاء از جمله شهید ثانی در لمعه: «یجوز النظر الی ...

المحارم و هو من یحرم علیه نکاحهن مؤبداً بنسب، او رضاع، او مصاهرهٔ خلا العورهٔ ...» و مرحوم آیت اللّه العظمی خوئی (قدس سره) در منهاج الصالحین: «یجوز للرجل النظر الی ... المحارم الّتی یحرم علیه نکاحهن مؤبداً لسبب أو مصاهرهٔ أو رضاع بشرط عدم التلذذ ...» آمده است؛ اخت الزوجه از عداد محارم خارج نگردیده است در حالی که با وجود این قید خارج می گردد. آیا فقهائی که قید مزبور را حذف کرده‌اند قائل به جواز نظر به اخت الزوجه‌اند یا خیر؟ نظر مبارك را نیز در موضوع مرقوم فرمائید.

### ج

- فقهائی که قید مؤبد را نفرموده‌اند نظر به جمله (المحارم التی یحرم علیه نکاحهن) در حرمت ابدیّه داشته‌اند و قید مؤبد ظاهراً به نظرشان توضیحی می‌باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۶

به هر حال همه در حرمت نظر نسبت به اخت الزوجه اتفاق دارند. و اللّه العالم.

### س ۱۳۷۲

### اشاره

- شخصی پدرش فوت نموده است و مادرش شوهر می‌کند فرزندانی از آنها متولد می‌شود آیا فرزندان پسر به دخترانی که از فرزندان شوهر قبلی بدنیا آمده و بزرگ می‌باشند محرم هستند یا خیر؟

### ج

- اگر مقصود این است که فرزندان شوهر دوم زن که از همسر دیگر داشته به فرزندان این زن که از شوهر اول داشته محرم هستند یا نه، جواب این ستکه آنها که نه از جانب پدر و نه مادر با هم خواهر و برادر نیستند به هم محرم نیستند، و اگر مقصود این است که فرزندان این زن که از شوهر اول و دوّم دارد به هم محرم هستند یا نه جواب واضح است برادر و خواهر مادری هستند و به هم محرم می‌باشند اگر مقصود اینست که فرزندان این فرزندها در صورت دوّم که همه از یک مادرند با هم محرمند یا خیر جواب اینست که آنها دختر عمو و پسرعموی مادری یا دخترخاله و پسر خاله مادری یا دختردائی و پسرعمّه مادری یا دختر عمه و پسردائی مادری هستند و هیچ‌کدام از جهت نسب به هم محرم نیستند.

### س ۱۳۷۳

### اشاره

- آیا محارم سببی پس از قطع سبب بازهم محرمند؟ مثلًا مادر زن پس از اینکه زن را طلاق بدهند آیا باز محرم می‌ماند یا خیر؟ و آیا می‌تواند پس از طلاق زن با مادر زن ازدواج نماید یا خیر؟

### ج

- در مواردی که حرمت نکاح در حال جمع بین او و زوجه است مثل خواهرزن و دختر زن غیر مدخول بها پس از قطع سبب بر طرف می‌شود و در مورد مثل مادر زن بعد از قطع سبب نیز محرمیت باقی است و پس از طلاق زن هم ازدواج با مادر او جائز نیست.

### س ۱۳۷۴

### اشاره

- ضمن عرض سلام مستدعی است بفرمائید علاوه بر حرمت ازدواج ابو المرتضع با اولاد مرضعه و صاحب لبن آیا بین ایشان محرمیت هم وجود دارد یا خیر؟

### ج

- در مورد سؤال علاوه بر حرمت ازدواج جواز نظر در حدّی که به محارم دیگر جایز است از تعلیلی که در صحیح ایّوب بن نوح (وسائل باب ۱۶ از ابواب ما
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۷
یحرم بالرضاع ح ۱) حرمت ازدواج بر آن معلل شده است (لأنّ ولدها صار بمنزلهٔ ولدك) قابل استظهار و استفاده است و اطلاق کلمات جمعی از بزرگان و اعاظم فقهاء- قدس اللَّه اسرارهم- نیز مؤید بر این استظهار است. و اللَّه العالم.

### س ۱۳۷۵

### اشاره

- زن اجنبیه در شرایط فعلی به چه کسانی اطلاق می‌گردد؟

### ج

- هر زنی که از راه نسب مانند مادر و خواهر و دختر و عمه و خاله یا بوسیله شیر خوردن که تفصیل آن در توضیح المسائل ذکر شده و یا از راه دامادی به انسان محرم نباشد، اجنبیه است و شرائط فعلی اثری در این حکم ندارد.

### س ۱۳۷۶

### اشاره

- زن و شوهری بچه دار نمی‌شدند بچه بیگانه را آورده‌اند و بزرگ شده در منزل اینها چه راهی دارد دختر به شوهر و یا پسر به زن محرم شود.
باضافه شناسنامه فرزندی گرفته‌اند قانوناً وارث زن و شوهر شده آیا این کار درست است یا نه؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه آن بچه دختر است با اجازه ولی شرعی او آن را صیغه موقت پدر آن شوهر اگر زنده است بنمایند و اگر پسر است با ازدواج با مادر آن زن بعد از بلوغ و انجام دخول اگر مادر آن زن شوهر نداشته باشد محرمیّت حاصل میشود و لکن این راهها همه جا عملی نیست در هر صورت شناسنامه فرزندی گرفتن برای آن بچه جائز نیست و با شناسنامه گرفتن هم شرعاً وارث آن زن و شوهر نمی‌شود.

س ۱۳۷۷

اشاره

– عروس دختر و عروس پسرم و عروس خواهر و عروس برادرم به من محرم هستند یا نه؟

ج

– عروس دختر و پسر شما به شما محرم هستند ولی عروس برادر و خواهرتان به شما نامحرم هستند.

س ۱۳۷۸

اشاره

– دائی مادر زن من، با همسرم محرم است یا نه؟

ج

– بطور کلّی دختر هر شخصی خواه آن شخص مرد باشد یا زن بر دائی آن شخص محرم است هر چند در سلسله نسب بلا واسطه یا مع الواسطه فرزند خواهر شخص باشند محرم او میشوند بنابراین دائی مادر زن شما بر خود آن زن محرم است
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۸
بلی اگر همسر دیگر داشته باشید دائی مادر این همسر به او محرم نیست.

س ۱۳۷۹

اشاره

– پسرم می‌تواند (از زن اول) با دختر زن دوم من (دختر خوانده) می‌توانند ازدواج کنند؟

**ج**

– در فرض سؤال، ازدواج پسر شما از زن اول با دختر زن دوم که از شوهر اول دارد مانعی ندارد. و اللّه العلم.

**س ۱۳۸۰**

**اشاره**

– مرد و زنی چندی با هم زندگی کردند و اولاددار نشدند بدین مناسبت از هم جدا شدند و هر کدام همسری دیگر اختیار کردند و هر دو از همسران جدید خود صاحب فرزندانی شدند حال می‌خواهند دختران زن که از شوهر دوم دارد و پسران مرد که از زن دوم به وجود آمده ازدواج کنند آیا جایز است یا خیر؟

**ج**

– ازدواج مذکور اشکالی ندارد.

**س ۱۳۸۱**

**اشاره**

– در عقد دائم مادر عروس محرم ابدی برای داماد می‌شود آیا در عقد موقت هم اینطور است؟ و آیا پدر داماد هم محرم أبدی برای عروس می‌شود؟

**ج**

– در حکم مذکور فرقی بین عقد دائم و موقت نیست و پدر داماد هم با عروس محرم ابدی است. و اللَّه العالم

## احکام ازدواج‌های حرام

**س ۱۳۸۲**

**اشاره**

– اگر کسی با زن شوهردار زنا کند بعداً می‌تواند با او ازدواج کند یا نه، اگر کسی با زن شوهردار ملاعبه کند و تفخیذ نماید امّا دخول نکند می‌تواند بعداً با او ازدواج کند یا نه؟

ج

– در فرض سؤال، زن بر زانی حرام ابدی می‌شود ولی در ملاعبه و تفخیذ این حکم نیست هرچند معصیت بسیار بزرگی است، و اللّه العالم

س ۱۳۸۳

اشاره

– عرض می‌شود که شخصی با دخترخاله خود (هند) که (منکوحه عمرو است) زنا کرده است و بعد از مدّتی با دختر هند (که اسمش جمیله است) زنا بالجبر کرده است و بعداً جمیله را عقد کرده آیا این عقد درست است یا خیر؟

یعنی عقد با دختر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۹

مدخول بها مطلقاً حرام است یا مقیّد به عقد است؟

ج

– بنابر احتیاط واجب عقد با دختر مزنی بها اعمّ از اینکه مزنی بها در عقد غیر باشد یا نباشد حرام است.

س ۱۳۸۴

اشاره

– اگر مردی با زنی که در متعه دیگریست زنا کند پس از انقضای متعه و عدّه شرعی می‌تواند با وی ازدواج کند یا حرام مؤبّد است؟

ج

– زنای با زن شوهر دار موجب حرمت ابدیه است و از این جهت فرقی بین نکاح دائم و موقت نیست.

س ۱۳۸۵

### اشاره

- شخصـی شوهر زنی را به عمد کشـته و زن مقتول را قاتل با رضایت زن به عقد گرفته آیا این ازدواج مشروع است و اولادی که از این ازدواج متولد می‌شوند حلال‌زاده‌اند یا خیر؟

### ج

- ازدواج مـذکور اگر بعـد از گذشـتن عده وفات (چهار ماه و ده روز) واقع شده باشد اشـکال ندارد و فرزندی که از این ازدواج به وجود می‌آید حلال‌زاده است مگر اینکه مرد مذکور درحالی‌که زن شوهر داشـته با او زنا کرده باشد که در این صورت ازدواج با او جایز نیست و این زن بر آن مرد حرام است. و اللَّه العالم.

## س ۱۳۸۶

### اشاره

- حـدود هشت سال قبل فردی به خواسـتگاری دختر خاله‌اش رفـت و آن دختر که او را به هیـچ عنوان دوست نداشت جواب رد داد ولی مرد با پافشاری و تهدیدات مکرّر خانواده زن را راضی کرد ولی دختر همچنان ناراضی بود تا اینکه شب عقد دختر که هیچ راه فراری ندیـد ناچار به گوشه‌ای رفت و مخفی شـد ولی برادرها و پـدرش او را پیـدا کرده و با کتک و تهدید او را به عقد آن فرد در آوردنـد و موقعی که عروسـی کردند چند مدتی زن نمی‌گذاشت شوهرش با او هم بستر شود و خلاصه او را نزد فالگیری بردند و او گفت اگر می‌خواهی شوهرت تو را طلاق دهـد بایـد مدتی با او خوش‌رفتاری کنی و هرکاری که گفت انجام دهی تا او از تو نفرت پیدا کند و طلاقت بدهد و زن هم همین کار را می‌کند خلاصه بچه‌دار می‌شوند و مدت ۷ سال با هم زندگی می‌کنند ولی زن حتی راضی نبود که شوهرش به او نگاه کند چه رسد با هم هم بستر شوند و ظاهراً و

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۵۰

قلباً به این ازدواج راضـی نبود و شـرایط او طوری بود که نمی‌توانست طلاق بگیرد حال با این شـرایط اگر آن زن با مرد غریبه‌ای زنا کنـد آیا آن مرد می‌توانـد با او ازدواج کنـد یا خیر البته شوهر قبلی او زن دیگری گرفته و این زن را طلاق می‌خواهـد بدهد و سؤال دیگر اینکه آیا این زن احتیاج به طلاق گرفتن و عده نگه داشتن دارد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه دختر راضـی نبوده و به اجبار او را عقـد کرده باشـند عقد فضولی است و اگر بعد از خواندن عقد با اظهار نارضائی از وقوع عقـد از هم بستر شـدن خودداری می‌کرده عقـد باطل شـده و بر فرض که بعـد هم راضـی شده باشد اثری ندارد و زنای او با مرد دیگر گرچه گناه بسیار بزرگی بوده و بایـد توبه کند لکن ازدواجش با مرد زانی اشـکال ندارد و در این فرض نیازی به طلاق نیست و عدّه هم ندارد و اگر پسـر خاله به اجبار، با او هم بستر شده باید مهر المثل او را بدهد لکن اگر بعد از عقد و قبل از

ردّ آن راضـی به عقد فضولی شده باشد شرعاً همسر پسر خاله است و در این صورت جدائی او محتاج به طلاق است و باید عدّه هم نگهـدارد و ازدواجش با مرد زانی حرام ابـدی است به هر صورت این حکم است و در تعیین موضوع لازم است مسأله کاملًا به زن و مرد تفهیم شود که اگر جریان بصورت دوم باشد دوباره این زن و مرد گرفتار معصیت بزرگ زنا نشوند.

### س ۱۳۸۷

#### اشاره

- اگر کسی لواط کند غیر از مادر و دختر و خواهر مفعول اقوام و منسوبین دیگر مفعول مانند: (دختر عمو- دختر دایی- دختر خاله) بر فاعل حرام مؤبد می‌شوند؟

#### ج

- در فرض سؤال فقـط مـادر و دختر و خواهر مفعول بر فاعـل حرام‌انـد و سائر منسوبین مفعولماننـد دختر عمو و دختر دائی و دختر خاله به جهت لواط بر فاعل حرام نمی‌شوند.

### س ۱۳۸۸

#### اشاره

- جوانی ۲۱ سـاله هسـتم ... در سوم راهنمایی مشـغول به تحصـیل بودم با توجه به عـدم آگاهی از مسائل شـرعی و احکام اسـلام با پسری عمل لواط انجام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۱

دادم و دقیقاً می‌دانم که عمل دخول انجام نشده آیا من می‌توانم با خواهر او ازدواج نمایم؟

#### ج

- در فرض سؤال که یقین به عدم دخول و لو بعض حشفه، دارید ازدواج با خواهر لواط دهنده اشکال ندارد.

### س ۱۳۸۹

#### اشاره

- آیا جایز است شوهر کافر و زن او مسلمان باشد؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۳۹۰

اشاره

- با زنی که یقین به زانیه بودن او داریم و یقین داریم عده نگه نمی‌دارد می‌توان ازدواج کرد یا خیر؟

ج

- اگر مشهوره به زنا باشد احتیاط ترک است.

لقاح مصنوعی (حاملگی خارج از رحم)

اشاره

[۱]

س ۱۳۹۱

اشاره

- تزریق نطفه مرد بیگانه به زنی که از شوهرش بچه‌دار نمی‌شود چه صورت دارد؟

ج

- جائز نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۳۹۲

اشاره

- تزریق منی حیوان بحیوان دیگر یا به انسان را جایز می‌دانید یا خیر؟

### ج

- تزریق منی حیوان به حیوان دیگر جایز است ولی تزریق منی حیوان به انسان یا انسان به انسان فروع و شقوقی دارد که در بعضی فروع آن اگر قصد استیلاد نباشد و بمنظور عقلائی دیگر مثل معالجه باشد یا تزریق منی زوج به زوجه باشد در صورتی که انجام این کار مستلزم فعل حرامی نباشد حکم به جواز می‌شود و بعضی فروع آن محکوم به حرمت و در بعض فروع آن حکم به جواز محل اشکال است بهر صورت بطور کلی نمی‌توان این عمل را محکوم به جواز یا عدم جواز دانست بهتر این است که بطور موردی سؤال شود تا جواب همان مورد داده شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۲

### س ۱۳۹۳

### اشاره

- زن و شوهری که صاحب فرزند نمی‌شوند به دکتر مراجعه می‌کنند دکتر به آنها می‌گوید نطفه شما ضعیف است باید تقویت شود و زن و شوهر خیال می‌کنند که دکتر می‌خواهد با تزریق آمپول و یا داروهای تقویتی نطفه آنان را تقویت کند ولی دکتر بدون اطلاع زوجین منی شخص اجنبی را به رحم زوجه تلقیح می‌کند. لطفاً بیان فرمائید آیا دکتر مجوز شرعی برای این عمل دارد و در صورت مشروع نبودن فعل دکتر حکم شرعی را در خصوص پزشک بیان فرمائید؟

### ج

- عمل مذکور حرام است و پزشکی که آن را انجام داده طبق نظر حاکم شرعی محکوم به تعزیر می‌شود.

### س ۱۳۹۴

### اشاره

- آیا می‌توان نطفه زن و شوهری را که بچه‌دار نمی‌شوند با هم ترکیب نموده و به صورت یک نطفه واحد و آماده (یعنی نطفه‌ای که در نهایت تبدیل به انسان می‌شود) در رَحِم زن دیگری پرورش داد؟
س ۱۳۹۵- آیا این مورد فوق در مورد زنی است که رحم او استعداد پرورش انسان را ندارد یا شامل زنانی که استعداد پرورش انسان را دارند نیز می‌شود؟
س ۱۳۹۶- آیا مورد فوق را می‌توان در قالب عقد اجاره قرارداد؟

### ج

- در مورد زنی که رحم او استعداد پرورش انسان را ندارد فتوا به جواز ترکیب نطفه شوهر او با نطفه او و قرار دادن آن در رحم زن دیگر به شرط اینکه متوقف بر ارتکاب فعل حرام یا مستلزم آن نباشد وجه واضح و قوی دارد و اگر استعداد مذکور را دارا باشد چون این عمل با مصالح و نظامات تکوینی و تشریعی که مورد عنایت شارع مقدس است معارض و موجب تفویت و تضییع آنها است احوط ترک این عمل است. و اللّه العالم.

### س ۱۳۹۷

### اشاره

- زنی از شوهر خود بچه‌دار نمی‌شود، آیا جایز است نطفه مرد دیگری غیر از شوهر بوسیله دستگاه در رحم او قرار داده شود و بدین وسیله حامله گردد، و اگر جایز است، آیا تمام احکام مادری و فرزندی مانند محرمیّت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۳
وارث و ... جاری می گردد؟

### ج

- اگر مقصود انعقاد نطفه مرد اجنبی و زن اجنبیه است جائز نیست و اگر مقصود این است که نطفه زن و نطفه شوهرش پس از انعقاد به رحم زن دیگر منتقل نماید در صورتی که انجام این عمل مستلزم فعل حرام نباشد حکم به جواز خصوصاً در صورتی که رحم زن استعداد نگاهداری جنین نداشته باشد بعید نیست.

### س ۱۳۹۸

### اشاره

- اخیراً در علم پزشکی برای افراد نازا و آنان که صاحب فرزند نمی‌شوند عمل JWI را تجویز می‌نمایند به این صورت که اسپرم زوج را گرفته پس از عملیات پزشکی در رحم زوجه لقاح از خارج می‌نمایند در صورت عدم موفقیت اقدام به عمل FWI می‌نمایند که این عمل هم همچون عمل گذشته است امّا با این تفاوت که اسپرم مرد را گرفته پس از عملیات پزشکی و پس از گذشت دو یا سه روز و بارېری اسپرم در دستگاه مخصوص و بدون حضور زوج لقاح از خارج به رحم زوجه می‌نمایند لذا خواهشمندیم نظر مبارك را بفرمائید با تشکر فراوان.

### ج

- اگر اسپرم زوج را به رحم زوجه وارد کنند چه بنحو صورت اول و چه صورت دوّم و در خلال این عملیات هیچ گونه خلاف

شرعی مانند نگاه یا مسّ نامحرم و یا امور دیگر واقع نشود که البته بسیار بعید است اشـکال ندارد و اگر مستلزم حتی یک فعل حرام باشد جایز نیست.

س ۱۳۹۹

اشاره

- انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه چه حکمی دارد؟

ج

- اگر مستلزم فعل حرامی نگردد حکم جواز بعید نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۴۰۰

اشاره

- احکام مربوط به فرزندی که از طریق لقاح مصنوعی متولد شود را از نظر طهارت و ارث و ... بیان فرمایید؟

ج

- در فرض سؤال ولـد با مسـلمان بودن احـد والدین محکوم به طهارت است و بعض احکام مثل حرمت نکاح با محارم بر آن مرتب است ولی ارث بردن ولد از صاحب نطفه محل اشکال بلکه ظاهراً محکوم به عدم است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۴

جلوگیری

س ۱۴۰۱

اشاره

- با توجه به لزوم کنترل جمعیت آیا بستن لوله برای خانمها اشکال دارد یا نه؟

ج

- عقیم کردن زن و یا مرد جائز نیست ولی جلوگیری موقت از انعقاد نطفه اشکال ندارد.

### س ۱۴۰۲

#### اشاره

- استفاده از دستگاه آ- یو- دی (که برای جلوگیری موقت از بارداری، ماماهای زن در رحم خانمها قرار می‌دهند) چه حکمی دارد؟
لازم به تذکر است که مرحوم آیهٔ اللّٰه العظمی گلپایگانی (ره) مسأله ضرورت را در اینجا مطرح کرده‌اند. بفرمائید آیا تنظیم خانواده‌ها ضرورت محسوب می‌شود یا خیر؟

#### ج

- جلوگیری موقت اگر مستلزم حرام نباشد اشکال ندارد عقیم کردن جائز نیست و تنظیم خانواده شرعاً ضرورت محسوب نمی‌شود.

### س ۱۴۰۳

#### اشاره

- در مسأله ۲۴۴۶ رساله حضرت عالی آمده: نگاه به عورت دیگری حرام است و ... آیا در گذاشتن دستگاه آ- یو- دی که نگاه به عورت صورت می گیرد، می‌توان به خاطر مسأله اضطرار مسأله فوق را نادیده گرفت؟

#### ج

- تنظیم خانواده ملاک اضطرار نیست.

### س ۱۴۰۴

#### اشاره

- بستن لوله‌های مردان با رضایت زن و شوهر از نظر شما چه حکمی دارد؟

#### ج

- عقیم کردن جائز نیست و رضایت زن و شوهر مجوّز نیست.

### س ۱۴۰۵

### اشاره

- برای جلوگیری طبیعی مرد یا زن شرعاً چه صورت دارد و اگر جایز است رضایت طرفین شرط است یا نه؟

### ج

- عقیم کردن جایز نیست ولی جلوگیری موقت اشکال ندارد و احتیاط واجب اینست که زن با اذن شوهر انجام دهد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۵

### س ۱۴۰۶

### اشاره

- بستن لوله چه برای زنها و چه برای مردها با توجه بدستور دولت و کنترل موالید جایز است یا نه؟

### ج

- بطور موقت که باز کردن آن ممکن باشد بشرط اینکه مستلزم فعل حرامی مثل نظر و لمس اجنبی یا نظر غیر شوهر بر عورت نباشد جائز است و بطور دائم عقیم کردن جائز نیست.

### س ۱۴۰۷

### اشاره

- بعد از اینکه چند تا بچه به دنیا بیاید آیا زن می‌تواند با رضایت شوهر، تخمدان خود را به وسیله عمل در بیاورد؟ تا بچه دار نشود.

### ج

- جایز نیست. و اللَّه العالم.

## سقط جنین

### س ۱۴۰۸

#### اشاره

– محترماً نظر به اینکه این جانب دارای شش فرزند هستم که دوتای آخری آنها دوقلو بوده و الآن شش سال سن دارند و اخیراً مجدداً خانمم باردار شده خواهشمند است با عنایت به تعداد فرزندان و مشکلات زندگی فردی و اجتماعی نظر خود را در سقط جنین بفرمائید.

#### ج

– در فرض سؤال مجوز شرعی برای سقط جنین وجود ندارد و اسقاط آن معصیت دارد و موجب دیه هم هست قال اللّٰه تعالی: (و لا تقتلوا أولادکم خشیهٔ املاق نحن نرزقهم و إیاکم انّ قتلهم کان خطأ کبیرا)، شاید همین فرزندی که شخص بفکر سقط آن افتاده است موجب وسعت رزق و رفع مشکلات زندگی و سعادت دنیا و آخرت پدر و مادر شود امر رزق و روزی با خداوند متعال است (فو رب السماء و الأرض إنه لحق مثل ما إنکم تنطقون).

### س ۱۴۰۹

#### اشاره

– هرگاه دکتر تشخیص دهد که حمل برای مادر زیان دارد و اگر در شکم بماند یا هر دو می‌میرند یا یکی از آن دو، آیا سقط جنین جایز است؟

#### ج

– در مثل دو غریقی که هر دو در معرض هلاکت باشند و انسان نتواند هر دو را نجات دهد مخیر است که یکی از آنها را نجات دهد اما اگر هر دو در معرض غرق
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۶
شدن باشند و نجات یکی از آنها توقف بر هلاک کردن دیگری داشته باشد مثل همین فرض مورد سؤال، جایز نیست.

### س ۱۴۱۰

#### اشاره

- در مراکز درمانی تخصصی بیماریهای زنان و زایمان می‌نمایند می‌توان توسط آزمایشات تشخیصی داد که جنین بعد از تولد دچار عقب‌ماندگی ذهنی و این بعداً بطور قطع منجر به مرگ وی خواهد شد. آیا کادر پزشکی در این موارد مجاز به سقط جنین می‌باشند یا خیر؟

### ج

- عمل مذکور، جایز نیست هر چند قطع داشته باشید که جنین عقب مانده و بعداً هم منجر به مرگ او می‌شود، و دیه هم دارد که بر عهده مباشر است. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۷

## طلاق

### اشاره

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۹
طلاق

### احکام طلاق

### س ۱۴۱۱

### اشاره

- اگر کسی با رضایت زن خود را طلاق رجعی بدهد آیا اگر بعد از طلاق در بین عدّه رجوع کند این رجوع شوهر به رضایت زن موکول است یا نه؟

### ج

- در طلاق رجعی جواز رجوع زوج به زوجه در بین عدّه مشروط به رضایت زوجه نیست.

### س ۱۴۱۲

### اشاره

- اگر شخصی از طرف عده‌ای وکیل برای خواندن طلاق شود و بعد از اجراء طلاق که بعضی از آنها رجعی و بعضی دیگر بائن است یقین نماید که یکی از طلاقها باطل و شرائط صحت نداشته است در فرض سؤال اگر کسی که طلاق را خوانده است اسامی

مطلّق و مطلقه را نداند و آنان را نشناسد وظیفه شرعی او چه خواهد بود؟

ج

- در فرض سؤال وکیل باید به ترتیب موکّل اوّلی و دوّمی و سوّمی و هکذا

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۰

الی آخر از طرف هر یک از آنها زوجه او را طلاق رجعی و خلعی بما بـذلت که واقعاً معین است اجراء طلاق کنـد و در مورد لزوم اجراء طلاق در طهر غیر مواقعه دو طلاق به فاصله ده روز انجام دهد.

س ۱۴۱۳

اشاره

- شخصـی که در طهر غیر مواقعه می‌خواهد عیال خود را طلاق بدهد اگر شبههً یا بزنا با این زن نزدیکی انجام بگیرد شوهر می‌تواند او را طلاق بدهد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال زنا و یا وطی بشبهه از غیر زوج مضرّ بطلاق زوج نیست.

و اللَّه العالم

س ۱۴۱۴

اشاره

- مردی با زنی به مـدّت دو ماه با اجرای صـیغه موقّت با هم بوده‌اند، پس از دو ماه بدون اجرای صـیغه عقد با توافق طرفین تبدیل به دائمی گردیده و بعد از یک سال و نیم زندگی می‌خواهند از یکدیگر جدا شوند. آیا اجرای صیغه طلاق لازم است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که بعد از تمام شدن مدّت عقد انقطاعی بدون اجراء عقد با هم زندگی زناشوئی داشته‌اند نسبت به یکدیگر اجنبی هستند و محتاج بطلاق نیست و پس از جدائی اگر هر دو جاهل به مسأله بوده‌اند در صورتی که زن حامل نباشد باید بمقدار سه طهر عـدّه نگه دارد و اگر حامل باشـد تا موقع وضع حمل بایـد عـدّه نگه دارد و با فرض جهل هر دو چنانچه فرزنـدی بوجود آمده باشـد محکوم به حلال‌زاده است ولی اگر هر دو یـا یکی از آنهـا عـالم بمسأله بوده مقـاربت آنهـا نسبت به آنکه عـالم به مسأله بوده زنا

محسوب می‌شود، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

### س ۱۴۱۵

#### اشاره

– حـدود یک ماه قبل این جانب با دختری با موافقت پـدرش ازدواج کردم اما بعـد از یک هفته بعلت مخالفت دائی آن خانم با این ازدواج عدّه‌ای از من خواهش کردند طلاق دهم اما من راضـی به طلاق نبودم اما مع الوصف به شخصـی برای طلاق وکالت دادم و او طلاق داد با شرائط فوق آیا چنین طلاقی صحیح است یا خیر؟

#### ج

– در فرض سؤال که طلاق دادن به جهت خواهش عدّه‌ای بوده نه اجبار و اکراه آنها، طلاق صحیح است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۱

### س ۱۴۱۶

#### اشاره

– فردی همسـر خود را طلاق داده است در حالی که قادر به اسـتعلام بوده است، سپس همسر وی اظهار داشته است من در آن موقع طاهر نبوده‌ام، آیا قول او قبول است؟

#### ج

– در فرض سؤال قول زوجه قبول است و طلاق باطل است. و اللَّه العالم

### س ۱۴۱۷

#### اشاره

– آیا استعلام شرط صحت است؟

#### ج

– برای زوج حاضـر، استعلام، لازم است لکن اگر بدون استعلام، طلاق داد و بعد معلوم شد شرائط طلاق موجود بوده طلاق صحیح است و اگر معلوم شد شرایط موجود نبوده و یا حقیقت امر (تحقق شرایط یا عدم) معلوم نشد طلاق باطل است. و اللَّه العالم

### س ۱۴۱۸

### اشاره

– چنانچه زن بعد از اظهار اوّل، اظهار دارد که پاک بوده‌ام، حکم طلاق چیست؟

### ج

– در مورد سؤال، اظهار دوّمی اثری ندارد و طلاق محکوم به بطلان است مگر اینکه شوهر یقین کند که اظهار دوّم صـحیح است. و اللَّه العالم

### س ۱۴۱۹

### اشاره

– زنی دارم چنـد سال است از من قهر کرده و هر چنـد به دنبال او می‌فرسـتم حاضـر نیست با من سازش کنـد و بنده هم به هیچ وجه حاضـر نیسـتم او را طلاق دهم و دادگاه به اجبار می‌گویـد بایـد طلاق داده شود و بنـده هم راضـی نیسـتم حالا بفرماییـد که تکلیف چیست؟

### ج

– طلاق بـدون رضایت و اذن زوج باطل است ولی اگر طوری است که واقعاً نمی‌توانیـد با هم زنـدگی کنید و توافق اخلاقی ندارید مناسب است رضایت و اذن بدهید تا راحت شوید. و اللَّه العالم

### س ۱۴۲۰

### اشاره

– این جانب در سه مرحله از همسرم به صورت طلاق خلع جدا شده‌ام و دارای شش فرزند هستم. در زمان طلاق نوبت دوم هنگامی که در دفترخـانه حضور پیـدا کردیم همسـرم در عـادت ماهانه به سـر می‌برد ولی به خاطر اینکه طلاق صورت گیرد این مطلب را از مسئول دفتر طلاق پنهان نگه داشت و اعلام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۲

کرد که پاک می‌باشد در صورتی که بعد از اجرای طلاق مادر و خواهر و دختر خاله همسرم می‌دانستند که همسرم بر خلاف گفته‌اش در عادت ماهانه می‌باشد، و هنگام طلاق نوبت سوم نیز دو نفر شاهد طلاق ما بودند که هر دو نفر شرب خمر داشتند و از مواد تریاک هم مُکرر استفاده می‌کرده و می‌کنند. نظر به اینکه دخترمان در حال ازدواج می‌باشد من و همسرم تصمیم گرفتیم به زندگی‌مان ادامه دهیم ضمناً از مدت طلاق سوّم هشت ماه گذشته است. لذا خواهشمندیم نظر شرعی و قانونی آن را اعلام بفرمایید.

**ج**

- به طور کلّی طلاق زوجه مدخول بها در حال حیض باطل است و همچنین طلاق در نزد غیر عدلین باطل است و در صورت بطلان طلاق، زوجه مذکوره به زوجیّت باقی است. و اللَّه العالم

**س ۱۴۲۱**

**اشاره**

- با توجه به اینکه ازدواج مجدد این جانب به علت عدم تمکین عام و خاص همسر اوّل و به حکم دادگاه صورت گرفته است، آیا ایشان می‌توانند به استناد شرطی که در قباله‌های ازدواج گذاشته شده مبنی بر اینکه هرگاه زوج بدون رضایت زوجه اقدام به ازدواج نماید زوجه وکیل است خود را مطلّقه نماید، بدون رضایت این جانب خود را مطلقه نماید؟

**ج**

- در فرض سؤال چنانچه شما در موقع ازدواج واقعاً زوجه را وکیل در طلاق نموده باشید و وکالت تعلیقی نباشد زوجه می‌تواند خود را مطلّقه نماید لکن اگر قبل از اجراء طلاق، زوجه را از وکالت عزل نمایید منعزل و اختیار طلاق با خود شما می‌شود و اگر وکالت تعلیقی بوده که اصل وکالت محقق نشده است.

**س ۱۴۲۲**

**اشاره**

- با توجه به اینکه طلاق به تقاضای زوجه بوده و خود ایشان از ابتدای ازدواج بدون دلیل موجّه و قابل قبول حاضر به زندگی نبوده‌اند و هنوز هم دوشیزه بوده و ساکن منزل پدری می‌باشند ولی این جانب حاضر به سازش و شروع زندگی می‌باشم.

**ج**

- در فرض سؤال اگر شما وکالت زوجه را هر چند منجزه و صحیحه واقع شده باشد ابطال کنید چنانچه با رضایت خودتان طلاق دهید باید نصف مهر را

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۳

بپردازید ولی می‌توانید رضایت بطلاق را مشروط به بذل مهریه نمایید و در هر صورت این جانب به شما نصیحت می کنم اگر زوجه به هیچ‌وجه حاضر به ادامه زندگی با شما نیست و تقاضای طلاق دارد با توجه به اینکه همسر دیگری اختیار کرده‌اید او را مطلقه نمایید انشاء الله مأجور خواهید بود. و اللَّه العالم

### س ۱۴۲۳

### اشاره

- زنی بعد از اجرای صیغه عقد نکاح با شوهرش ناسازگاری می کند و آمیزش هم صورت نگرفته بدون طلاق از هم فاصله می گیرند و زن با فرد دیگری نامزد می‌شود و عقد دائمی هم اجرا می گردد بعداً زوج دوّم اطلاع پیدا می کند که این زن شوهر دارد و بازهم ارتباطش را با این زن قطع نمی کند و با هم رفت و آمد دارند. حالا- از باب اینکه زوج اوّل بتواند جلو منکر را بگیرد می‌تواند این زن را طلاق ندهد چون اگر طلاق بدهد باعث می‌شود که زن با زوج دوّم ادامه زندگی بدهد. آیا حرمت ابدی از یک طرف ایجاد می‌شود چون زن می‌دانسته است معقوده است با این حال بازهم با شخص دیگری عقد دائم انجام می گیرد و حالا این زن با این مرد دوّم حرام ابدی و مرد برای زن حرام مؤبد می‌شود؟

### ج

- با علم زن و یا مرد دوّم به اینکه عقد زن شوهردار باطل است به مجرد عقد حرمت ابدی حاصل می‌شود و لو دخول انجام نشده باشد و اگر تنها راه جلوگیری از ارتباط آن دو عدم طلاق زوج باشد نباید او را طلاق دهد، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللَّه العالم

## طلاق خلع

### س ۱۴۲۴

### اشاره

- این جانب طی درگیری از شوهرم جدا شده‌ام و با توجه به اینکه دوازده سکه بهار آزادی مهریه‌ام بود در حضور سه شاهد کلیّه حق و حقوقم را بخشیده‌ام و طلاق گرفته‌ام لذا ایشان بعد از چهل روز از جدایی ما به اتفاق دو نفر با حیله و نیرنگ بعنوان دادن نفقه به این جانب مراجعه کرده است و با اشاره‌ای کوتاه به دست من ادعا میکند که رجوع کرده‌ام حال این جانب رجوع ایشان را

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۴

قبول ندارم دستور چه می‌فرمایید؟

**ج**

- بطور کلّی چنانچه زوجه مایل نباشد با زوج خود زندگی کند و همه یا مقداری از مهریه خود را به زوج ببخشد که او را طلاق خلع بدهد بعد از وقوع چنین طلاقی زوج در عدّه حق رجوع به زوجه را ندارد بلی اگر قبل از خروج عدّه زوجه رجوع به بذل کند زوج در ایام عدّه میتواند رجوع کند. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

**س ۱۴۲۵**

**اشاره**

- حدود دو سال قبل متارکه کرده‌ام و نوع طلاق خلع می‌باشد دو ماه بعد از طلاق شوهرم رجوع کرده بدون اینکه من به مهرم رجوع کنم آیا من شرعاً زن آن شخص هستم یا نه خواهشمندم در این مورد مرا راهنمایی کنید آیا رجوع صحیح است یا نه؟

**ج**

- بطور کلی اگر در طلاق خلع زوجه به مهریه رجوع نکرده رجوع زوج اثری ندارد و زوجه شرعاً زوجه او محسوب نمی‌شود.

**س ۱۴۲۶**

**اشاره**

- صیغه طلاق خلع و مبارات را اگر بصورت صیغه رجعی اجراء نماید صحیح است یا اعاده لازم است؟

**ج**

- اگر بعد از بذل زوجه بلا فاصله طلاق واقع شود و طلاق را مقیّد به علی ما بذلت نماید و لو بدون کلمه خلع و مبارات باشد طلاق خلع و مبارات صحیح است.

**س ۱۴۲۷**

**اشاره**

– اگر زنی برای شوهرش بنویسد که من مهرم را می‌بخشم و هر آنچه را از شما گرفته‌ام پس میدهم و هر آنچه را که داده‌ام می‌بخشم بشرط اینکه مرا طلاق دهی، شوهر نیز نوشته است که بنده با این درخواست با این شرایط موافقت می کنم، این ورقه موافقت برای طلاق بحساب می‌آید؟ و یا این نوشته دلالت بر وکالت ضمنی میکند؟ اگر شخص ثالث با استناد به این ورقه صیغه طلاق را جاری کند طلاق صحیح است یا خیر؟

**ج**

– عبارات مذکوره در سؤال که زوجه برای زوج نوشته بمنزله بذل- که در طلاق خلع لازم است- نیست و آنچه از آن استفاده میشود جلب موافقت زوج برای طلاق است و جواب زوج هم انشاء توکیل نیست فقط موافقت با طلاق است علاوه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۵

بر اینکه بعد از بذل زوجه باید زوج بدون فاصله بذل را قبول کند که در فرض سؤال چون بصورت نامه بوده، محقق نشده و در هر حال آنچه بعنوان طلاق خلع واقع شده اثر طلاق خلع را ندارد بلی اگر به توکیل زوج بوده و مشتمل بر لفظ طلاق هم بوده بعنوان طلاق رجعی صحیح است.

**س ۱۴۲۸**

**اشاره**

– کسی که زوجه‌اش حامله است و به طلاق خُلعی او را مطلقه می‌کند و زن قبل از وضع حمل به بذل رجوع نمی‌کند آیا این شخص می‌تواند قبل از وضع حمل به زوجه‌اش رجوع نماید و یا با خواهر زنش ازدواج کند یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال که زوجه قبل از وضع حمل به بذل رجوع نمی‌کند زوج حق رجوع ندارد و می‌تواند با خواهر مطلقه ازدواج کند.

**س ۱۴۲۹**

**اشاره**

– خانمی کل مهریه‌اش را که عبارت از مبلغ هفتصد هزار تومان وجه و پنج عدد سکه طلا- (بهار آزادی) بوده در مقابل اینکه شوهرش او را مطلّقه نماید صلح نموده به مبلغ یکصد هزار تومان طی ۲ قسط پنجاه هزار تومانی (قسط ۶ ماهه) پرداخت شود فلذا با وکالت از طرف زوجین و طبق حکم دادگاه مدنی خاص و با عنایت به اینکه زوج نیز قبول نموده صیغه طلاق خلع جاری گردیده. اینک زوجین نامبرده بر سر نوع طلاق مشاجره دارند زوج مدعی است به طلاق رجعی، و زوجه ادعای خلع دارد و زوج تصمیم به رجوع داشته ولی زوجه حاضر به سازش نمیشود (بلحاظ کراهت شدید از شوهر) لذا استدعا دارم در این خصوص حکم شرعی را

بیان فرمائید.

### ج

- در تحقق طلاق خلع بـذل چیزی در مقابـل طلاق از طرف زوجه و قبول زوج و یـا وکیـل آنها معتبر است بنابراین در مورد سؤال چنـانچه منظور از مصـالحه این است که منهای صـد هزار تومان بقیه مهریّه در مقابل طلاق خلع بـذل شـده و طلاق هم در مقابل آن بـذل واقع شـده طلاق خلع اشـکال نـدارد ولی اگر در مقابل طلاق خلع چیزی قرار ندادهانـد فقط اصل مصالحه در مقابل طلاق خلع قرار داده شـده کمـا اینکه ظـاهر سؤال است وقـوع طلاق خلع در این فرض مورد اشـکال است. بلی در این فرض چنـانچه در مقـام اجرای طلاق کلمه طالق یا مطلّقه به تنهایی و یا منضماً به
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۶
کلمه مختلعه گفته شده طلاق بعنوان رجعی محقّق شده. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللَّه العالم.

### س ۱۴۳۰

### اشاره

- خانمی بعـد از اینکه از شوهرش طلاق خلع گرفته است و بعـد از اتمام عـدّه با دیگری ازدواج نموده و سپس بعـد از مـدتی که با شوهر دوّم خود مباشـرت هم نموده فهمیـده که هنگام طلاق خلع در طهر مواقعه بوده و طلاق خلع صـحیح نبوده بلا فاصـله از شوهر دوّم بـدون طلاق جـدا شـده و مجـدداً از شوهر اوّل طلاق خلع گرفته حالا سؤال اینست که آیا از شوهر دوّم بعنوان مهر المثل چیزی بزن تعلق می‌گیرد یا نه و آیا الآن وکیل با توجه باینکه عقـد بـذل و طلاق خلع قبلی صـحیح بوده بایـد طلاق خلع بخوانـد و یا طلاق رجعی نظر باینکه فقهاء فرموده‌اند طلاق خلع باید بلا فاصله بعد از عقد بذل خوانده شود؟
نظر شریفتان را بفرمائید.

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه وکالت سابق از طرف زوج، برای قبول بذل و طلاق خلع و نیز وکالت از طرف زوجه برای بذل باقی است وکیل باید طلاق خلع بدهد و در هر حال نسبت به مهر المثل بنابر احتیاط، زوجین با یکدیگر مصالحه نمایند. و اللَّه العالم.

## احکام عده

### س ۱۴۳۱

### اشاره

– احتراماً چنانچه مستحضرید در اکثر فتاوا و از جمله فتوای حضرتعالی مدت عده برای زنان چهار ماه ذکر گردیده است و این در حالی است که اخیراً تحقیقات پزشکی گویای مستند و مستدل این مطلب است که مدت عده کمتر از هجده ماه سبب بروز بیماریهای جنسی و احیاناً ایدز می‌شود. حال آیا به منظور پیشگیری از بروز امراض جنسی و ایدز آیا می‌توان مدت عده را به هجده ماه افزایش داد؟

**ج**

– توجه داشته باشید که حکمت عده عدم اختلاط میاه و پاکی نسب است نه مصونیت از ایدز یا بیمارهای دیگر و در عده وفات، مدت چهار ماه و ده روز و در طلاق میزان دیگری دارد و اما مبتلا بودن زوج و یا زوجه به مرض مسری و غیره

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۷

مربوطه به عدّه نیست و آن باید با آزمایش طبی روشن شود و علاوه اختیار با خود زن و مرد است می‌توانند پس از گذشتن مدت عده شرعی ازدواج نمایند و می‌توانند بعد از هجده ماه و بیشتر ازدواج کنند به هر حال زیاد کردن مدت عدّه به این عنوان بدعت و حرام است. و اللّه العالم

**س ۱۴۳۲**

**اشاره**

– آیا زن بعد از تمام شدن عدّه طلاق میتواند شوهر خود را غسل (میّت) بدهد و اگر بعد از انقضای عدّه شوهر کرده باشد حکم مسأله چه صورتی دارد؟

**ج**

– در فرض سؤال قبل از تمام شدن عدّه نیز جواز غسل محلّ اشکال است بلکه اقرب عدم جواز است.

**س ۱۴۳۳**

**اشاره**

– زنی بعد از پاک شدن از حیض با شوهرش نزدیکی کرده است و بعد از آن طلاق داده شده است. بعداً معلوم شده از همین نزدیکی کردن حامله است.

آیا آن طلاق صحیح است یا خیر؟ و نیز آیا زن می‌تواند بعد از زایمان شوهر کند یا خیر؟

در صورت صحیح بودن طلاق مهریه و مخارج دیگر بعهده شوهر می‌باشد یا خیر؟ آیا پدر دختر حق بخشیدن مهریه و جهیزیه دختر به شوهرش را دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه یقین داشته باشند که اجراء صیغه طلاق بعد از حامله شدن واقع شده طلاق صحیح است و زن میتواند بعد از زایمان شوهر کند و احتیاط مستحب آن است که دوباره او را طلاق دهد ولی قبل از طلاق دوم با او معامله زن و شوهری ننماید و شوهر باید مهریه و همچنین نفقه زن را در تمام مدت حمل بدهد و مخارج ولادت طفل نیز بر عهده شوهر است و پدر دختر حق بخشیدن مهریه و نفقه او را ندارد مگر با رضایت و وکالت خود دختر.

س ۱۴۳۴

اشاره

- خانمی که در اثر عمل جراحی رحم او را برداشته‌اند و یا لوله‌های رحم او را بسته‌اند که آبستن نمیشود و خانمی که یائسه نیست، ولی اصلًا خون حیض ندیده و نمی‌بیند اگر او را طلاق بدهند عدّه دارد یا ندارد؟

ج

- بلی زن مذکوره، عدّه دارد با سایر زنها تفاوت ندارد مگر اینکه پس از برداشتن رحم مطلقاً حائض نشود که در این صورت اجراء صیغه طلاق باید پس از

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۸

گذشتن سه ماه تمام از تاریخ نزدیکی با همسر باشد و پس از طلاق هم سه ماه تمام عدّه نگهدارد و همچنین زن مذکوره در ذیل سؤال.

س ۱۴۳۵

اشاره

- زید زوجه حامله خود را طلاق می‌دهد و بعد از طلاق فوت زید با وضع حمل زوجه مطلّقه در یک آن اتّفاق می‌افتد آیا در صورت تقارن فوت زید با وضع حمل، زوجه از ماترک میّت ارث می‌برد یا نه و در فرض سؤال آیا زوجه باید عدّه وفات نگهدارد یا خیر؟

ج

- در فرض مذکور تحقّق وضع حمل موجب خروج زوجه از عدّه است و تقارن فوت زوج با آن مفهومش تحقق موت بعد از انقضاء

عـدّه است و اگر مقصود تقـارن موت با حال تحقق وضع حمل باشـد ظاهر اینست که تا تحقّق خارجی عرفی صادق نشـده، موت در حال عـدّه است و در این صورت زن از شوهر ارث می‌برد و باید عدّه وفات نگهدارد و فرض تحقق وضع حمل با موت در آن واحد فرض نادر و اثبات آن بسیار مشکل است.

### س ۱۴۳۶

#### اشاره

- این جـانب همسر خود را طلاـق داده‌ام در حـال عصـبانیّت شدیـد همسـرم بعلّت عصـبانیت زیاد به مجری طلاق نگفته که در ایّام عادت ماهانه است و اصـلًا از مسأله در عادت اطّلاع نداشـته است پس از مدّتی که متوجه شده به محضـر دار مراجعه نموده و جریان را گفته است جـواب داده اگر چه طلاـق باطـل است لکن بعلت ثبت نمی‌توانم تغییر دهم خواهشـمندم تکلیف این جانبـان را از نظر زوجیت و بطلان ثبت بیان فرمایید.

#### ج

- بطور کلّی طلاـق بایـد در طهر غیر مواقعه باشـد و چنانچه در حال عادت حیض ماهانه واقع شـده باشـد باطل است، و در خصوص مورد سؤال چنانچه زن مدّعیه است که در حین اجراء صـیغه طلاق پاک نبوده و در حیض بوده و مرد نیز یقین بصدق او داشـته باشد و دعوی طرف دیگر نداشـته باشد طلاق محکوم ببطلان است و زوجیّت آنها باقی است بنابراین سـر دفتر طلاق نیز که باسـتناد اخبار زن بطهارت از حیض طلاق را جاری کرده بایـد با تقاضای زوجین این جریان را در حاشـیه دفتر طلاق و در طلاق‌نامه ثبت نمایـد و بامضاء آنها برساند و اگر نزاعی در

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۹

بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۴۳۷

#### اشاره

- دختری را برای پسـری عقـد کرده‌انـد و دخول نموده از دُبر و بـدون اینکه عدّه نگهدارد برای پسـر دیگری عقد کرده چه صورتی دارد؟

#### ج

- در فرض سؤال عقـد دوّم باطل است و دختر باید عدّه نگهدارد و بعد میتواند با دیگری ازدواج کند پس اگر در ازدواج دوّم دختر و پسـر دوم هر دو جاهل بمسأله بوده‌اند گناهی نکرده‌اند و چنانچه با پسـر دوم نزدیکی بعمل نیامده بعد از تمام شدن عدّه دختر اگر

پسر دوم بخواهد با او ازدواج کند باید بعقد جدید باشد و اگر نزدیکی بعمل آمده هر چند از دبر باشد دختر بر او حرام ابدی شده و دیگر نمیتوانند با او ازدواج کند و در این صورت دختر باید بعد از تمام شدن عدّه اول یک عدّه هم برای نزدیکی با پسر دوم نگهدارد و بعد از تمام شدن هر دو عدّه ازدواجش با غیر مرد دوم مانع ندارد و اگر هر دو عالم بمسأله بوده‌اند چه دخول واقع شده باشد و چه واقع نشده بیکدیگر حرام ابدی شده‌اند.

### س ۱۴۳۸

#### اشاره

- زنی که مرتب برای افراد متعدد در عقد نکاح موقت قرار می‌گیرد نیاز به عده دارد؟

#### ج

- با فرض اینکه یائسه نباشد و مدخوله باشد عده دارد و چنانچه حیض می‌بیند عده او بعد از تمام شدن مدت یا بذل آن، دو حیض تمام است و اگر در سنّ من تحیض است و حیض نمی‌بیند عده او چهل و پنج روز است. و اللَّه العالم

## طلاق غائب

### س ۱۴۳۹

#### اشاره

- شخصی از تاریخ ۳/ ۱/ ۶۳ مفقود الاثر تا تاریخ ۳/ ۱/ ۷۴ از حیات و ممات او اطلاع در دست نیست همسر ایشان در تاریخ ۳/ ۱/ ۷۳ شوهر نموده حکم این موضوع را طبق فتوای حضرت عالی خواهانم.

#### ج

- بطور کلّی اگر زوجه یقین بموت زوج، حاصل کند و از تاریخ یقین به موت، چهار ماه و ده روز عدّه وفات نگهدارد پس از آن میتواند شوهر کند لکن اگر بعد از شوهر رفتن معلوم شود که در تاریخ ازدواج او با مرد دوّم شوهر او زنده بوده

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۰

ازدواج باطل است، و به زوجیّت شوهر اوّل باقی است و باید از مرد دوّم بدون طلاق جدا شود و چنانچه دخول هم واقع شده باشد بر مرد دوّم حرام ابدی است و چنانچه زوجه شک در حیات و موت شوهر داشته باشد حق ازدواج با کسی را ندارد مگر اینکه به دستور مجتهد جامع الشرائط که در رساله‌ها ذکر شده عمل کرده باشد.

### س ۱۴۴۰

اشاره

- شوهر دخترم مـدت ۴ سـال است که مفقود الاـثر گردیـده است و از طریق روزنامه‌های کثیر الانتشار هم آگهی پخش نموده‌ایم و لکن متأسـفانه هیـچ گونه اطلاع از ایشان بدست نیاوردیم و دختر حقیر از ایشان صاحب یک دختر بچه نیز شده است و هم اکنون ۶ ساله است لذا از محضر مبارك حضرت عالی استدعی داریم که تکلیف ما را معیّن و مشخّص فرمائید.

ج

- بطور کلّی زنی که شوهر او مفقود الاـثر شـده و موت و حیات او معلوم نیست و اموالی هم نـدارد که نفقه زوجه او از آن پرداخت شود و متبرعی هم که نفقه زوجه او را تأمین نماید نباشد در این صورت میتواند به حاکم شـرع جامع الشـرائط مراجعه نماید و حاکم ضرب الاجل تعیین مینماید که تا مدت چهار سال از حال شوهر مفقود الاثر او زیر نظر آن مجتهد تفحص شود و بعد از گذشت این چهار سال که در آن فحص ادامه داشته چنانچه حال او معلوم نشد بحاکم شرع مراجعه می‌نماید و حاکم شرع او را مطلّقه می‌نماید و بعد از گذشتن چهار ماه و ده روز از زمان طلاق می‌تواند با مرد دیگر ازدواج نماید.

سه طلاقه

س ۱۴۴۱

اشاره

- مردی زنش را سه طلاقه شرعی نموده است میدانیم که این زوجه بر این زوج حرام مؤبّد است مگر آنکه محلّل در کار باشد لیکن همین شوهر در عـدّه طلاـق سوّم بـا او زنـا کرده است اکنون سؤال این است که آیـا بعـد از محلّل میتوانـد این زن را بنکاح خود در آورد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال زانی میتواند بعد از محلّل با آن زن ازدواج کند. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۱

س ۱۴۴۲

اشاره

– اگر فردی سه بار زوجه غیر مدخول بهای خودش را طلاق داد اگر باز قصد ازدواج با او را داشته باشد آیا احتیاج به محلّل دارد یا نه؟

### ج

– در فرض سؤال، ازدواج مطلّق با زوجه مفروضه بدون محلّل حرام است.

### س ۱۴۴۳

### اشاره

– در جواب سؤال زنی که با شوهرش شرط کرده بود که بعد از پنج سال ازدواج او را طلاق بدهد فرموده بودید که این شرط فعل منافات با مقتضای عقد و دوام عقد ندارد و لازم الوفاء می‌باشد.
درحالی‌که فقهاء فرموده‌اند اگر مطلقه ثلاثه با محلّل شرط کند که با تو ازدواج می‌کنم به شرط اینکه بعد از مواقعه مرا طلاق بدهی بطلان این شرط عند الفقهاء مفروغ عنه عنه بلکه متفق علیه می‌باشد مستدعی است نظر مبارک را در فرع مذکور بیان و فرق بین مسألتین را به طور مشروح و مستدلّ بیان فرمائید.

### ج

– آنچه ظاهراً در مسأله محلل بطلان آن مورد اتفاق است این است که بر محلل شرط کند (اذا حلّلها فلا نکاح بینهما) که مفادش این است که بعد از وقوع وطی محلّل، نکاح به خودی خود مرتفع باشد و زوجیت بین آنها نباشد که این شرط را علاوه بر آنکه مخالف اجماع شمرده‌اند با کتاب و سنّت که دلالت دارند بر اینکه نکاح (لا یرتفع بغیر الطلاق الا فی موارد مخصوصه لیس المقام منها) مخالف است علاوه بر اینکه از بعض روایات نیز بطلان این شرط قابل استفاده است مثل صحیح محمد بن قیس عن ابی جعفر علیه السلام (ح ۲ ب ۱۰ من ابواب المهور) بلکه خبر دیگر محمد بن قیس (ح ۱ ب ۳۸ من ابواب المهور) و اما نسبت به شرط طلاق بر زوج که شرط فعل است نه نتیجه، اجماع بر بطلان محقق و مسلم نیست و اگر هم باشد اجماع کاشف از رأی معصوم علیه السلام یا خبر معتبر نیست مضافاً بر اینکه در مورد شرط عدم طلاق بر زوج خبر دلالت بر جواز و صحت دارد (کافی ج ۵ ح ۴۰۴ عن منصور بن بزرج و وسائل ب ۲۰ من ابواب المهور) و ظاهراً فرقی بین فعل و ترک طلاق نیست و با عدم معارضه با اخبار دیگر وجهی برای عدم عمل و حمل بر تقیه نیست مع ذلک در مسأله محلّل ینبغی مراعات الاحتیاط بترک شرط الطلاق.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۲

### ظهار

### س ۱۴۴۴

**اشاره**

- شخصی آگاه به مسأله در حال مجامعت با همسرش ظهار کرده تکلیف زوجین چیست؟

**ج**

- ظهار در حال مجامعت اثری ندارد. و اللَّه العالم

**س ۱۴۴۵**

**اشاره**

- اگر کسی زنی را به عربی طلاق ظهار دهد و متن عربی را به این صورت بگوید «ظهرك كظهر امی» ولی شاهد هم نداشته باشد. وظیفه این فرد چیست؟

**ج**

- در فرض سؤال که دو نفر شاهد عادل حضور نداشته ظهار اثری ندارد. و اللَّه العالم.

**س ۱۴۴۶**

**اشاره**

- شخصی از روی ناراحتی به زن دائمی خود بگوید تو دیگر جای مادر و خواهرم هستی آیا این زن حرام ابدی میشود؟

**ج**

- اگر شرایط لازم برای طلاق موجود نبوده موجب حرمت زوجه نمی‌شود و اگر با تمام شرائط باشد موجب حرمت می‌شود ولی با اداء کفاره رفع حرمت میشود.

**س ۱۴۴۷**

**اشاره**

– کفاره ظهار چیست؟

ج

– کفاره ظهار بترتیب بنده آزاد کردن، دو ماه روز گرفتن و اطعام ۶۰ مسکین است.

### مسائل متفرقه طلاق

#### س ۱۴۴۸

##### اشاره

– اگر زنی در منزل همسر خود چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی در عذاب باشد و همسر وی از او خواسته باشد عقایدی را که خلاف اعتقادات یک مسلمان است به زور بپذیرد، حکم شرعی چیست؟

ج

– هرگونه آزار رساندن چه روحی و چه جسمی حرام است و گاهی موجب دیه می‌شود و آزار شونده می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه و دادخواهی کند و چنانچه عقایدی را که می‌خواهد به زن بزور تحمیل کند از عقایدی باشد که موجب کفر است و خود اقرار باعتقاد به آنها داشته باشد کافر است و زن از زوجیت او
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۳
خارج است و بدون طلاق بعد از گذشتن عده می‌تواند شوهر کند. و اللَّه العالم

#### س ۱۴۴۹

##### اشاره

– با توجه به وکالت ضمن عقد زوجه وکیل است تا در صورت تحقق شرایط مذکور در عقدنامه به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید. آیا عدم تمایل به ادامه زندگی از سوی زوجه عسر و حرج محسوب می‌شود تا به استناد آن زوجه بتواند تقاضای طلاق از دادگاه بنماید؟

ج

– مجرد عدم تمایل به ادامه زندگی عسر و حرج محسوب نمی‌شود.

و اللَّه العالم

### س ۱۴۵۰

### اشاره

- مـدتی قبل به عقد جوانی درآمدم، بعد از مدتی بین ما اختلاف پیدا شد و من چندین بار به خانه والدین خود برگشـتم بعداً وی از کرده خود پشـیمان شد و پوزش طلبید و مرا به منزل برد وی قول داد که دیگر دعوی نخواهد کرد اما موقعی که خانه برد بمن گفت که نیازهای جنسـی و هوسـهای شیطانی دوستش را نیز تأمین کنم ولی من از این فعل قبیح و شنیع امتناع نمودم در نتیجه او مرا کتک زد و مورد شکنجه قرار داد. مرا از این وضعیت نجات دهید.

### ج

- از خصوص مورد اطلاع نـداریم بطور کلّی شوهر حق نـدارد که زوجه خود را به گناه و ادرار کنـد و بر زن واجب است که از این عمـل شـنیع خودداری نمایـد و چنـانچه شوهر از معاشـرت بمعروف و یـا تسـریح باحسـان امتناع نمایـد زوجه میتوانـد به حاکم شـرع مراجعه، تا حاکم او را مجبور به یکی از دو امر نماید و در صورت امتناع زوج، با درخواست زوجه، حاکم شـرع او را مطلّقه می کند. و اللَّه العالم.

### س ۱۴۵۱

### اشاره

- شـرایط سیزده گانه‌ای که در ورقه‌ای که به پیوست ارسـال می‌شود منـدرج در دفـتر اسـناد ازدواج و عقـدنامه می‌باشـد به تصویب شورایعـالی قضائی رسـیده است و سـردفتر ازدواج مکلف است شـرایط مـذکور را مورد به مورد به زوجین تفهیم نمایـد و آن شـرط معتبر است که مورد توافق زوجین واقع و به امضای آنها رسیده باشد پس از این مقدمه استدعا دارم به سؤالاتی که ذیلًا ذکر می‌شود جواب مرقوم فرمائید.

۱- آیا شرط اوّل که در مورد نصف دارائی است شرط فعل است یا

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۷۴

شرط نتیجه؟

۲- آیا وکالت بلاعزل با حق توکیل نیز که در ضـمن عقـد نکاح یا عقـد خارج لازم زوج به زوجه می‌دهد که در موارد دوازده گانه حق طلاق با زوجه باشد شـرط فعل است یا شـرط نتیجه؟ چون زوجه پیش از اجرای صیغه عقد و نکاح با قبول تمام شرایط از طرف زوج حاضر است که با مشارٌ الیه ازدواج کند).

۳- در صورتی که شـرط نتیجه باشـد آیا زوج می‌توانـد زوجه را از وکالتی که به مشارٌ الیها داده عزل کند؟ یا با توافق زوجین زوجه از وکالت عزل شود؟ و شرائط دوازدگانه اسقاط و ملغی شود یا زوجه خود را از وکیل بودن از طرف زوج عزل کند.

۴- در صورتی که وکـالت بلاعزل با حق توکیل غیری که زوج در ضـمن عقـد نکاح یا عقـد خارج لازم به زوجه داده باشـد که در موارد دوازده‌گـانه حق طلاـق با زوجه باشـد نه شـرط فعل باشـد نه شـرط نتیجه آیا زوج می‌توانـد زوجه را از وکالت بلاعزل با حق توکیل غیری که در ضـمن نکاح یا عقـد خارج لازم به مشار الیها داده عزل کند و یا با توافق زوجین از وکالت عزل یا خود زوجه از وکـالتی که زوج به مشـار الیهـا داده خود را عزل کنـد یا اینکه تا زمانی که زوجه همسـر زوج می‌باشـد و نکاح منحل نشـده وکالت بلاـعزل با حق توکیل غیری که زوج به زوجه در ضـمن عقـد نکاح یا عقـد خارج لازم داده به قوت خود باقی است. در صورتی که زوج مرتکب یکی از موارد دوازده‌گانه شـد زوجه می‌توانـد با اختیار خود اعمال وکالت نکند و خود را با انجام تشـریفات شـرعی و قانونی مطلّقه نماید هر زمانی که اراده کند این اختیار را دارد که اعمال وکالت را بکند.

## ج

الف- شرط اوّل شرط فعل است و لکن چون مجهول است باطل می‌باشد و التزام به آن الزام‌آور نیست. و اللَّه العالم

ج ب- این شـرط نیز شـرط فعل است لکن یادآوری دو امر لازم است اوّل اینکه وکالت مذکوره در صورتی صـحیح است که منجّز باشـد و اگر تعلیقی باشـد باطل و بی‌اثر است دوّم اینکه بعد از تحقق وکالت منجّزه اگر زوج زوجه را از وکالت عزل نماید زوجه از وکالت منعزل می‌شود و قید بلاعزل در این جهت اثری ندارد و از

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۵

این توضـیح جواب سؤالات بعدی روشن می‌شود ضـمناً اگر زوجه به طور صـحیح از طرف زوج وکالت داشته باشد و زوج هم او را از وکـالت عزل نکرده باشـد مختـار است در این که خود را مطلّقه نمایـد و یـا بر زوجیت بـا زوج خود باقی باشـد و به هر حال الزام اشخاص بر شرط این امور در ضمن عقد یا عقد خارج جایز نیست.

و اللَّه العالم

## س ۱۴۵۲

### اشاره

- احتراماً به اسـتحضار حضـرتعالی می‌رسانـد که مردی از دادگـاه تقاضـای طلاـق همسـرش را می‌نمایـد و بر اساس مقررات دولت جمهوری اسـلامی در صورتی که طلاق به تقاضای مرد باشد، چنانچه زوجه کارهایی را که شـرعاً در خانه شوهر به عهده وی نبوده است انجام داده باشـد، دادگاه می‌بایست اجرهٔ المثل کارهای انجام شده را محاسبه و حکم به پرداخت آن بدهد و یا مبلغی از بابت نحله به زوجه پرداخت شود (زوجه در جلسه دادگاه اظهار می‌دارد: که من حاضـر به طلاق نیستم و اگر شوهرم خواست طلاق بدهد بایـد مهریه و نفقه من را نقـداً بپردازد و اجرهٔ المثل سالهایی را که با هم زنـدگی کرده‌ایم و ۱۶ سال می‌باشد ولی در صورت جلسـه دادگاه ۱۴ سـال ذکر شـده به مبلغ یـک میلیون تومـان می‌خواهم و کـار منزل را انجـام داده و اکثر کارها به امر و اجبار شوهرم بوده است) دادگاه اقدام به محاسـبه اجرهٔ المثل طبق نظر کارشـناس می‌نماید و شوهر نیز رسماً قبول می‌کند که اجرهٔ المثل را بپردازد ولی زوجه بـا قصـد اینکه شوهرش وی را طلاق ندهـد و در فرض عـدم طلاق و اسـتمرار زنـدگی اظهار می‌دارد (من اجرهٔ المثل خود را نمی‌خواهم و به شوهرم بخشـیدم و با طلاق موافق نیسـتم و حاضرم با شوهرم با خوبی و خوشی زندگی کنم) با این وجود زوج اقدام

به طلاق وی نموده است.

لازم به ذکر است که: زوج و زوجه هر دو معلم بوده و زوجه تمام حقوق خود را در طی سالهای زندگی مشترک صرف احداث منزلی که سند آن به نام زوج بوده و همچنین اموری که شرعاً به عهده زوج بوده، نموده است.

اکنون با توجه به توضیحات فوق حضرتعالی مرقوم بفرمایید:

الف- آیا زوجه می‌تواند با توجه به انجام طلاق و اتمام عده، اجرة المثل

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۶

معین شده را از زوج تقاضا نماید؟

ب- با توجه به اینکه صرف حقوق معلمی توسط زوجه، به امید استمرار زندگی در منزل زوج بوده است، آیا زوجه می‌تواند مبالغ هزینه شده از ملک خود را مسترد داشته و از همسر سابق بگیرد؟

**ج**

- در مسأله طلاق شرعاً جواز و صحت آن موکول بپرداخت وجهی بعنوان اجرة المثل عمل زوجه و حتی پرداخت نفقه او نیست و در مسأله اجرة المثل کار و عمل در خانه زوج اگر بدستور شوهر و بقصد گرفتن اجرت انجام داده باشد اجرة المثل را طلبکار است خواه شوهر او را طلاق بدهد یا همسری آنها برقرار باشد و اگر بدستور شوهر نبوده و یا بقصد گرفتن مزد انجام نداده اجرة المثل عمل را طلبکار نیست خواه شوهر او را طلاق بدهد یا طلاق ندهد و در این جهت اگر زن مدعی دستور زوج باشد باید دعوای خود را اثبات نماید و به هر صورت اگر زوجه طلبی را که از زوج دارد خواه از باب اجرة المثل عمل در خانه زوج باشد یا از جهت دیگر (مثل صداق) بزوج ببخشد بشرط اینکه او را طلاق ندهد و زوج او را طلاق بدهد زوج میتواند بخشش و هبه را فسخ نماید و طلب خود را از او بگیرد و نسبت به مخارجی که زوجه در خانه شوهر کرده اگر بدستور او بوده از زوج طلبکار است و هر مبلغی را که باو داده اگر بقصد بخشش و هبه نبوده نیز از شوهر طلبکار است و در این مسائل حقّی که زوجه پیدا میکند ثابت است خواه طلاق بین آنها واقع شود یا نشود چنانچه باختیاری که زوج نسبت به طلاق دارد ارتباط ندارد باید هر مسلمان مرد باشد یا زن تسلیم حکم خدا باشد. والله العالم

**س ۱۴۵۳**

**اشاره**

- زنی از شوهرش شکایت کرده و در دادگاه که او قادر به امر زناشوئی نیست و به علت پیری از همبستری عاجز است و من در حال اضطرار بسر می‌برم اگر از قرائنی صدق گفتارش ثابت شود این نوع اضطرار موجب طلاق او می‌باشد یا خیر؟

**ج**

- امر طلاق با زوج است و علّت مذکور موجب الزام زوج به طلاق نیست. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۷

امر به معروف و نهی از منکر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۸

## امر به معروف و نهی از منکر

### مراتب امر به معروف و نهی از منکر

#### س ۱۴۵۴

#### اشاره

- حدود و مراتب امر بمعروف و نهی از منکر را بیان فرمایید؟

#### ج

- امر بمعروف و نهی از منکر از فرائض مهمّه‌ای است که سایر فرائض به آن اقامه و احکام خـدا به آن اجرا می‌شود و حـدود و ابعاد آن بسیار گسترده است و ظرافت و لطافتهـائی را که بایـد در آن به کـار گرفته شود بایـد ملاحظه نمود تا طوری ادا شود که مؤثر و جـالب و مقبـول ذوقهـای سـلیم باشـد و اسـباب تنفّر دیگران از دین فراهم نشود و دین بصورت یـک نهـاد خشن معرفی نشود و آمر بمعروف و نـاهی از منکر مورد بغض مردم قرار نگیرنـد کارهایشـان مهما امکن بصورت خیرخواهانه و لیّن باشـد و مراتب را رعایت نماینـد و مخصوصاً درجات احکام را بشناسـند و رعایت کننـد و عکس العمل در برابر همه معاصـی نباید در یک حدّ باشد خلاصـه دقایق و لطایف بسیار برای اعمال آن لازم است و مهمتر از همه این است که افرادی که امر بمعروف می‌نمایند خودشان تربیت دینی صحیح داشـته باشند و با عمل امر بمعروف نمایند و مطالب دیگر که اجمالی از آن را در رساله امر بمعروف و نهی از منکر حقیر که شاید متجاوز از چهل سال پیش نگاشته شده مراجعه نمائید.

موفق باشید.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۰

#### س ۱۴۵۵

#### اشاره

- در چه صورت می‌توان در باب نهی از منکر از برخورد فیزیکی استفاده نمود؟

#### ج

– در هرکجا که موجب ورود جراحتی باشد باید با اجازه مجتهد جامع الشرایط باشد. والله العالم

### س ۱۴۵۶

### اشاره

– جوانی بسیجی هستم، تقاضا داشتم توضیح دهید ک، ه وظیفه ما در برابر افرادی که از محرمات استفاده می‌کنند مانند مشروبات الکی و با حالت مست و یا حالتی دیگر در خیابانها و جامعه حاضر می‌شوند و همچنین با دختران و زنان مردم برخورد ناشایست و دور از شئونات اسلامی دارند چیست؟

و همچنین آیا می‌توانیم با دختران و پسرانی که با لباسهای مبتذل و بسیار زننده که باعث تحرک شهوت انسان می‌شود چگونه باید برخورد کرد؟ آیا می‌توان در مواردی که در بالاـ ذکر شده با آنها برخورد فیزیکی داشت؟ در برابر بعضی از آنها به زور متوسل شد؟ البته این نکته یادآور می‌شوم که دیده شده که افراد مسئول مانند نیروی انتظامی بسیار در این مورد قصد کرده‌اند و به وظیفه خود عمل نمی‌کنند.

### ج

– در تمام موارد مذکور وظیفه هر مسلمانی امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط و حدود آن است، اگر احتمال تأثیر در گفتن می‌دهد بگوئید چنانچه بدانید تذکّر شما مفید نیست واجب نیست تذکر دهید و نسبت به زد و خورد با این افراد فعلًا مصلحت آن است که این امر را به عهده مسئولین مربوطه قرار دهید بلی اگر ببینید که نسبت به نوامیس مسلمین هتک حرمت می‌شود با تذکّر شما یا دیگران رفع مزاحمت نمی‌شود و راه منع منحصر به ضرب زدن به مقدار لازم، و نه بیشتر برای دفع آنها جایز است. والله العالم

### س ۱۴۵۷

### اشاره

– با کسانی که به نماز اهمیّت نمی‌دهند چگونه برخورد کنیم؟

### ج

– باید آنها را امر بمعروف نمود و آنها را از زشتی ترک نماز و اهمیّت این فریضه بزرگ الهی آگاه نمود.

### س ۱۴۵۸

### اشاره

- چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم که در دل فرد اثر کند و به

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۱

امر ما عمل کند؟

**ج**

- اگر خود آمر به معروف و ناهی از منکر عامل به معروف و تارك منکر باشد ان شاء اللّه حرف او اثر میکند در حدیث دارد که مردم را با غیر زبان دعوت به کارهای خوب و ترك کارهای زشت کنید یعنی با عمل و روش و رفتار خوب دعوت کنید.

**س ۱۴۵۹**

**اشاره**

- اگر شخصی در ماشینی یا منزلی قرار گرفته که نوار غنا گذاشته‌اند و شخص بداند نهی از منکر سودی ندارد تکلیف شخص چیست؟

**ج**

- در مورد سؤال که میداند نهی از منکر سودی ندارد نهی از منکر واجب نیست ولی در صورت عدم عسر و حرج باید ماشین و محل را ترك کند.

**س ۱۴۶۰**

**اشاره**

- اگر کسی مساله‌ای را که می‌داند کتمان کند مشمول آیه شریفه ان الذین یکتمون ما أنزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئك یلعنهم اللّه و یلعنهم اللاعنون هست یا نه؟

**ج**

- کتمان ما انزل اللّه تعالی از عقائد و احکام بدون عذر شرعی جایز نیست و کتمان کنند مشمول این آیه کریمه است.

**س ۱۴۶۱**

**اشاره**

– این جانب مدتی است که با یک مسأله شرعی روبرو شده‌ام و آن اینکه در این روستا جوانی است ۱۸ ساله که به عمل زشت لواط عادت نموده جوانان این روستا را منحرف نموده با توجه به اینکه جو طایفه‌ای در این روستا برقرار است نمی‌شود نامبرده را به حاکم شرع معرفی نمود (چون اگر اسمی از فاعلین آورده شود جنگ و نزاع طایفه‌ای پیش می‌آید) آیا اگر کسی این شخص فاسق را که باعث انحراف جوانان معصوم میشود به هلاکت برساند آیا در پیشگاه خداوند سبحان مسئول خواهد بود یا خیر؟

**ج**

– کشتن او بدون اثبات در نزد حاکم شرعی مجتهد جامع الشرائط جایز نیست و اگر بطور غیر علنی می‌توانید موضوع را در نزد حاکم شرع ثابت نمائید تا حکم شرع لازم را بدهد واو را نهی از منکر کنید تا از این عمل شنیع که مفاسد آن از جهات متعدّد بسیار است دست بردارد.

**س ۱۴۶۲**

**اشاره**

– وظیفه مردم را در قبال بد حجابی و مفاسدی که در جامعه موجود
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۲
است چگونه می‌بینید؟

**ج**

– وظیفه مردم نهی از منکر است با رعایت آداب و شرایط و مراتب آن و تفصیل را در توضیح المسائل ملاحظه نمائید.

**س ۱۴۶۳**

**اشاره**

– اگر کسی ببیند دزد وارد خانه همسایه شده و اگر فریاد بزند و یا اینکه همسایه‌ها را مطلع کند دزد فرار خواهد کرد مستدعی است بیان فرمائید در اینگونه موارد حفظ مال مؤمن واجب است یا خیر؟

**ج**

- در مورد سؤال از باب نهی از منکر مانع شدن از دزدی لازم است.

و اللّه العالم

### مبارزه با مفاسد اجتماعی

#### س ۱۴۶۴

##### اشاره

- آیا در برابر خلافهایی که در جامعه دیـده می‌شود و توسط برادران بسیج جلوگیری بعمل می‌آید، تنبیه لازم است، در چه مواردی و تا چه حد؟

##### ج

- باید ضوابط امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود.

#### س ۱۴۶۵

##### اشاره

- آیـا گشت و رفت و آمـد در امـاکن عمومی به عنوان مبـارزه و برخورد با مفاسـد و بـدحجابی جایز است یا نه؟ حـدود آن را بیان بفرمائید.

##### ج

- شـرائط و برنامه امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن در فقه بیان شـده و اختصار آن را می‌توانیـد در نوشـته‌ای که از حقیر به نـام «راه اصـلاح یـا امر به معروف و نهی» از منکر طبع شـده ملاحظه نماییـد و رفتن به مراکز و اماکن عمومی مثل بازار و خیابان که معرض وقوع بعض منکرات باشـد برای انجـام این وظیفه جـایز است و بـا علم به آن لازم است و حکومت اسـلامی برای صـیانت از اخلاق جامعه و جلوگیری از مفاسـد هم می‌توانـد بلکه وظیفه دارد که افرادی را برای منع از منکرات به گشت‌وگـذار در این اماکن معین نماید اما جهت نهی از منکراتی که ظاهر نیست به صرف احتمال وقوع آن فحص و کاوش و تفتیش جایز نیست. و اللّه العالم

#### س ۱۴۶۶

##### اشاره

- در خصوص فریضتین امر به معروف و نهی از منکر دیـده شـده برادران جهت تذکر به محل تجمع بد حجابها و گروههای رپ در پارکها و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۳

مجتمع‌های تجاری می‌روند با علم به اینکه در این مکانها افراد بدحجاب و رپ حضور دارند آیا این کار جایز است یا نه؟

**ج**

- رفتن به آن محلها جهت نهی از منکر اشکال ندارد بلکه لازم است.

و اللَّه العالم

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۸۳

**س ۱۴۶۷**

**اشاره**

- مکانهایی که توسط شـهرداری ساخته می‌شود و موجب فساد بیش از حد می‌شود بطوری که با تذکرات مکرر مردم شـهرداری در احیـا و بهبود آن اهتمـام فراوان دارد مثـل پیست دوچرخه سواری که دیـده شـده دختران و پسـران مختلـط در آنجا بازی می‌کننـد و مفسـده‌های عدیده‌ای دارد از سوی هیچ مقامی اقدامی نمی‌شود در صورتی که هیچ راهی جهت جلوگیری از این منکر علنی نباشـد آیا از بین بردن آن جایز است یا خیر؟

**ج**

- در اینگونه امور باید به مسئولین مربوطه مراجعه نمایید تا از طریق آنها اقدام شود و یا به علمای اعلام مسـموع الکلام منطقه دامت برکاتهم مراجعه شود که پس از رسیدگی تذکر لازم را بدهند.

**س ۱۴۶۸**

**اشاره**

- بعضـی از اساتید حوزه به طلاب جوان اجازه نمی‌دهند به طور دسـته جمعی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر شـرکت کنند آیا امر استاد مقدم است؟

**ج**

– امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که شرایط آن موجود باشد محتاج به اجازه نیست بلی اگر مجتهد از مورد خاصی نهی نماید اطاعت او لازم است.
و اللَّه العالم

### س ۱۴۶۹

### اشاره

– اگر نیروهای انتظامی در برخورد با مفاسد اجتماعی جدیت نشان ندهند آیا وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

### ج

– امر به معروف و نهی از منکر دو واجب شرعی است و بر همه واجب است چه نیروی انتظامی برخورد با مفاسد به نحو جدی داشته باشند یا نه البته با رعایت شرائط و ضوابط شرعی.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۴

### س ۱۴۷۰

### اشاره

– متأسفانه مدتی است که در جامعه ما رایج شده است که خانمها موهای خود را از زیر روسری یا چادر خود بیرون می‌گذارند شما چه پیشنهادی برای ما جوانان برای جلوگیری از انحراف ما دارید؟ وظیفه ما در این موارد چیست؟ (با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر نیز مشکل است).

### ج

– در هر موردی که احتمال تأثیر بدهید امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید و از ملامت ملامت کنندگان در راه خدا نترسید و پیشنهاد ما همان دستورات ائمه هدی علیهم السلام است که تأمل در عظمت معصیت خدای حاضر و ناظر و عظمت و عزت طاعت خدا و بهره‌های عظیم آن بنمائید و تا می‌توانید خود را در مظان برخورد با این صحنه‌ها قرار ندهید و تکیه‌گاه معنوی خود را با عمل به واجبات و ترک محرمات قوی کنید و تا می‌توانید از تشریفات متداوله عصر حاضر در امر ازدواج بکاهید در اوّلین ازمنه امکان ازدواج نمائید انشاء اللَّه موفق باشید.
و اللَّه العالم.

### س ۱۴۷۱

### اشاره

– همانطور که مستحضرید، یکی از سنتهای ملّی ملت ایران برپائی عید نوروز است، که پیرایه‌هائی نیز برای آن قرار داده شده، که از جمله مراسم چهارشنبه سوری و سیزده بدر است، که در طول سالهای اخیر برپائی این برنامه‌ها علاوه بر بجا گذاشتن تلفات و خسارات جانی و مالی، موجب هتک حرمت مسائل شرعی شده و در روز سیزده بدر در صحراها و بیابانها برخی علاوه بر اختلاط محرم و نامحرم به رقص و پایکوبی و انجام برخی محرمات دیگر می‌پردازند، از آنجائی که متأسفانه روز به روز این گونه سنتها در حال رواج است، خواهشمند است نظر مبارک را در مورد این عید و پیرایه‌های آن بیان فرمائید، تا متدیّنین وظیفه خود را در قبال آن بدانند.

### ج

– رقص و اختلاط محرم و نامحرم در هر روز و هرجا حرام است خواه در عید نوروز باشد یا سیزده و یا غیر اینها و همچنین هر عملی که موجب هتک حرمت اسلام باشد و همچنین آتش بازی در چهارشنبه سوری و یا هر وقت دیگر و شخص
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۵
مسلمان باید اسلام را بر همه شئون و مراسم مقدّم بدارد و آنچه که ایرانیان قبل از اسلام مذکوره بنام مراسم ملّی و غیره انجام میداده‌اند محکوم اسلام است و اسلام بر آن خط بطلان کشیده و کسی که مجدّداً بخواهد تحت هر نامی و عنوانی آن را احیاء کند بر خلاف وظیفه اسلامی خود عمل کرده است. و اللّٰه العالم.

### س ۱۴۷۲

### اشاره

– برخی معتقدند گناهانی مانند بدحجابی در انظار مردم یا پخش نوارهای مبتذل در ماشین‌ها یا مغازه‌ها یا برپائی مجالس له و لعب و عروسی که شئون اسلامی در آنها رعایت نمی‌شود علاوهٔ بر حرمت این اعمال، آنها از باب اشاعه فساد یا اعانت بر اثم نیز گناه محسوب شده و در حقیقت با یک عمل چند گناه انجام داده می‌شود که چه بسا گناه اشاعه فساد بزرگتر باشد. خواهشمند است ارائه طریق فرمائید.

### ج

– تظاهر بگناه که شکستن حریم شرع مقدس و عادی نمودن گناه است و جنبه بدآموزی نیز دارد و اشاعه فساد هم محسوب می‌شود ممکن است از دو جهت گناه باشد بلکه گاهی از جهات متعدده و بالنتیجه حرمت آن شدیدتر است. و اللّه العالم

## توقیف و از بین بردن وسائل فساد

### س ۱۴۷۳

#### اشاره

- توقیف نمودن اشـیایی که جنبه حرام دارنـد ماننـد فیلم ویـدئو، عکس نامشـروع و نوار ترانه که از نظر شارع مقـدس حرام شـمرده می‌شوند همچنین مواد مخدر بدون اجازه صاحبش و از بین بردن آنها چه حکمی دارد؟ چنانچه به آنان حرام بودن موارد فوق تذکر داده شود و آنان لجاجت به خرج دادند آیا می‌توان اشیاء آنان را غصب نمود؟

#### ج

- اگر اصـرار بر اسـتفاده از وسائل مذکوره به نحو حرام داشـته باشند چنانکه ممکن باشد و فسادی تولید نشود عکس را می‌توانید از بین ببریـد و نوار یا وسائل دیگر را در صورت امکان پاك کنیـد و بعـد از پاك کردن به جای خود برگردانید و از بین بردن هروئین نیز اشکال ندارد چون منفعت عقلائیه ندارد.

### س ۱۴۷۴

#### اشاره

- برادرم با ویدئو و با ضبط صوت علاوه بر گوش دادن و دیدن
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۶
نوارهای مبتـذل و فیلمهای مربوط به خواننـدگان مبتـذل و فیلمهای نیمه برهنه از زنان، اقدام به تکثیر نوارها برای افراد مختلف کرده است تصـمیم گرفتم که در قالب یك نمایش این ابزار را که باعث فاسـد شـدن خودش و بچه‌های خواهرم و خانواده‌ام و افرادی که برادرم برای آنها تکثیر می‌کند را از خانه دور کنم.
به این ترتیب که تظاهر کنیم وقتی که آنها برای مهمانی از خانه بیرون رفته‌انـد دزد وسایل را ربوده است. و بعـد آنها را به جایی که از آنها اسـتفاده درست می‌شود (مثل مـدرسه یا مؤسـسه تبلیغات اسـلامی و ...) بـدهیم. از نظر شـرعی با توجه به بسـته بودن راههای دیگر نهی از منکر عمل ما را درست می‌دانید یا خیر.

#### ج

- در فرض سؤال اگر بـدون دور نگه داشـتن وسایل مـذکور از او نهی از منکر امکان نـدارد می‌توانیـد آن وسایل را در محلی که از بین نرود و محفوظ باشد بگذارید تا هر وقت مقتضی شد در دسترس و اختیار او قرار دهید ولی استفاده حلال دیگران از آن اگر چه برای تبلیغات اسلامی باشد چون بدون اذن مالك است جایز نیست.

## معاشرت با اهل منکر

### س ۱۴۷۵

### اشاره

– تقریباً دو سال پیش بود که از دفتر حضرت آیت اللَّه العظمی گلپایگانی استفتائی به این مضمون پرسیدم که بنده در شهر دیگری غیر از شهر خود زندگی می کنم، در خوابگاه دانشگاه بعضی اوقات هم اتاقیهای من به رادیو که موسیقی پخش میکرد یا نوار موسیقی گوش می‌دادند البته به فتوای مراجعشان این عمل برای آنها اشکال نداشت. در جواب فرموده بودند که اگر شما به اختیار و بعمد گوش ندهید و اگر صدا قهراً به گوش شما بخورد برای شما اشکال ندارد. در مورد این قسمت از فتوا که فرموده‌اند به اختیار و به عمد گوش ندهید– انسان خیلی جاها که می‌رود که در رفتن آنها مجبور نیست امّا می‌بیند که رفتن به آنجا از جهتی منفعتی برای وی دارد مثلًا بازدید از یک نمایشگاه کتاب اگر در اینجا موسیقی پخش میکردند انسان باید ترک کند یا خیر، یا مثلًا به خانه اقوام و آشنایان یا دوستان دعوت می‌شود و در آنجا از رادیو و یا مثلًا تلویزیون

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۷

موسیقی پخش می‌شود آیا در اینجا باید مجلس را ترک کند یا خیر؟

### ج

– بطور کلّی در مکانها و یا مجالس و منازلی که رفتن به آنجاها ضرورت دارد مثلًا کار لازمی است که باید انجام شود و همچنین در مسافرتهای متعارف حکم همان است که بیان شده و در موارد دیگر مانند رفت و آمد به منزل آشنایان در صورتی که ضرورتی در بین نباشد اگر در نظر آنها هم حرام است باید نهی از منکر نمائید و الّا نباید بروید و اگر آنها بر طبق نظر مرجع تقلید خودشان حرام نمیدانند باید در رفتن بمجالسشان اکتفا بموارد ضرورت و مقدار ضرورت نمائید.

### س ۱۴۷۶

### اشاره

– ارتباط با بعض ساداتی که نسبت به دین بی‌اعتنا بوده و ارتباط با آنها خوف خطر دوری از دین دارد چگونه است. و آیا سادات به هر طریقی که باشند وجه تمایزی با دیگران دارند؟

### ج

– در ارتباط با مواضعی که نسبت به دین و تکالیف دینی دارند تکالیف و وظایف همان است که با دیگران معمول می‌شود باید با شرایط و آداب و مراتب امر به معروف و نهی از منکر عمل نمود مع ذلک احترام از جهت سیادت آنها بطوری که موجب تشویق

آنها بر معاصی نشود خصوصاً اگر سبب تنبّه و اتصال آنها شود بمورد است.

### س ۱۴۷۷

#### اشاره

- رفت و آمد در منازل کسانی که نماز نمی‌خوانند چه حکمی دارد؟

#### ج

- رفت و آمد در منازل کسانی که نماز نمی‌خوانند، به منظور امر به معروف و ارشاد اشکال ندارد بلکه خوب است ولی اگر اصرار بر ترک نماز دارند و در امر به معروف احتمال تأثیر نباشد ترک مراوده نمایند.

### س ۱۴۷۸

#### اشاره

- هم‌نشینی و هم غذا شدن با افراد بی‌نماز جایز است یا نه؟

#### ج

- همنشینی با بی‌نماز وهم غذا شدن با او بمنظور امر بمعروف و ارشاد اشکال ندارد، بلکه مطلوب است ولی در صورتی که به هیچ‌وجه تحت تأثیر قرار نگیرد معاشرت با او مذموم است.

### س ۱۴۷۹

#### اشاره

- همراهی و رفاقت با کسانی که نسبت به برخی مسائل شرعی و مراجع عظام بی‌اعتنایی می‌کنند چه حکمی دارد؟

#### ج

- باید آنها را ارشاد کرد و اگر معلوم شد که مغرضند و تذکّرات سودی ندارد

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۸۸

لازم است با آنها قطع رابطه شود.

### س ۱۴۸۰

### اشاره

– قطع رابطه و مراوده بـا خویشاونـدانی که نسـبت به دین بی‌اعتنـا هسـتند و رابطه با آنان باعث انجام برخی گناهان (غیبت، تهمت و فساد اخلاقی) می گردد چگونه است؟

### ج

– در فرض سؤال چنانچه نتواند با معاشرت سالم و مصون از گناه تدریجاً آنها را ارشاد کند باید قطع رابطه کند.

### س ۱۴۸۱

### اشاره

– رفتن به خانه اقوامی که بدانیم در صورت رفتن به خانه آنها حتماً گناهی را مرتکب می‌شویم چه صورت دارد؟ (تنها راه دوری از آن گناه نرفتن به خانه آنها است)

### ج

– در فرض سؤال نباید برود.

### س ۱۴۸۲

### اشاره

– من در خـانواده ای زنـدگی می کنم که اکثر اعضـاء آن أهـل نوارهـای مبتـذل و فیلمهای منافی عفّت هسـتند و هنگامی که من در مقابـل این اعمـال آنهـا عکس العمـل نشـان می‌دهم و آنهـا را امر به معروف و نهی از منکر می کنم در مقابـل این کـار بـا آزارهـا و اذیت‌های آنها مواجه می‌شوم آنها با من بدرفتاری کرده و بر من سختی‌های زیادی را تحمیل می کنند مرا راهنمائی فرمائید.

### ج

– در صورتی که ترک منزل موجب عسر و حرج است و احتمال تأثیر نهی از منکر نمی‌دهید، تکلیف از شما ساقط است لکن باید مراقب باشید خودتان آلوده نشوید و حتی المقدور از محرّمات مذکوره اجتناب نمائید.

## بیدار کردن برای نماز

### س ۱۴۸۳

### اشاره

– اگر شخصی بواسطه بیماری با قرص خواب، خوابیده و اگر هنگام نماز وی را از خواب بیدار نمایند موجب ناراحتی و تشدید کسالت وی گردد آیا باید شخص مذکور را از خواب بیدار نمایند یا نه؟

### ج

– در مورد سؤال، چنانچه بیدار کردن شخص مذکور برای او ضرر دارد بیدار
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۹
کردن او جایز نیست. و اللَّه العالم

### س ۱۴۸۴

### اشاره

– آیا شخص بیدار وظیفه دارد که شخص خواب را برای نماز بیدار کند؟

### ج

– اگر اذیت نمی‌شود بیدار کردن او اشکال ندارد و اما اینکه وظیفه باشد معلوم نیست مگر نسبت به افراد خانواده برای عادت دادن آنها به اداء نماز.

### س ۱۴۸۵

### اشاره

– شخصی در مسجد خوابیده در موقع اقامه نماز جماعت جایز است بیدار کردن آن شخص یا خیر؟

ج

- اگر موجب اذیت و ناراحت شدن آن شخص نشود بیدار کردن او اشکال ندارد.

## دفاع

### س ۱۴۸۶

اشاره

- حدّ مقاومت در مقابل جانی یا سارق برای جلوگیری از تجاوز یا هتک ناموس و یا سرقت را بیان فرمایید.
الف- آنجا که احتمال آبروریزی مجنی علیه در کار باشد.
ب- آنجا که احتمال قتل یا ضرب و جرح شدید مجنی علیه باشد.
ج- آنجا که مال زیاد معمولی یا کم مورد تعرض باشد.
د- جایی که مقاومت منجر به قتل جانی یا سارق شود؟ و اگر از موارد عدم جواز برخورد با جانی یا سارق باشد تکلیف قاتل مدافع و دم متجاوز چیست؟

ج

- الف و ب اشکال ندارد. ج- دفاع جایز است مگر مال بقدری کم باشد که قابل اعتنا نیست. د- دفاع جایز است هر چند منتهی به قتل جانی یا سارق شود و خون آنها هدر است ولی اگر از موارد عدم جواز دفاع باشد مثل اینکه در دفاع مراعات الاسهل فالاسهل (۱- تنبیه و اخطار ۲- صیحه زدن و تهدید ۳- ضرب با دست ۴- با عصا ۵- با وسیله‌ای که مجروح کند ۶- قتل) را نکند و از حد کافی و مجاز در دفاع تجاوز کند مدافع ضامن است علی الاحوط. و اللّٰه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۰

### س ۱۴۸۷

اشاره

- آیا در مواردی مثل شرب خمر و مسائلی که با ناموس مردم مرتبط است، بازهم باید از مرتبه اول امر به معروف و نهی از منکر (یعنی مرحله اظهار تنفر قلبی) آغاز کرد؟

ج

– دفاع از ناموس در صورتی که صدق فعلی دفاع داشته باشد جایز بلکه واجب است ولی اگر با مراتب ابتدائی نهی از منکر ممکن است بآن اکتفا شود و در صورت عدم امکان تا قتل شخص مهاجم جایز است و در شرب خمر نیز مراتب نهی از منکر رعایت شود.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۱

احکام غیر مسلمین

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۳

## احکام غیر مسلمین

### دست دادن و معاشرت

#### س ۱۴۸۸

##### اشاره

– معاشرت با اهل کتاب و هم غذا شدن با آنها چه حکمی دارد؟

##### ج

– ذبائح اهل کتاب مردار و نجس است و خوردن آن جائز نیست و خودشان نیز بنابر احتیاط واجب نجس هستند بنا بر این هرچه که در حال رطوبت با آن ملاقات نمایند بنابر احتیاط واجب نجس می‌شود.

#### س ۱۴۸۹

##### اشاره

– اگر دست تر به در و دیوار یا اشیاء متعلّق به مسیحیان، یهودیان و هندوها بخورد حکمش چیست؟

##### ج

– با علم به نجاست محلّ باید دست را آب بکشید و الّا لازم نیست.

#### س ۱۴۹۰

##### اشاره

- با غیر مسلمان کتابی اگر با دست تر و مرطوب مصافحه نمائیم باید دست خود را آب بکشیم یا خیر؟

### ج

- بنا بر احتیاط واجب دست خود را آب بکشید.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۴

### س ۱۴۹۱

### اشاره

- مردی زرتشتی است که با زن مسلمان می‌خواهد ازدواج موقّت نماید آیا جایز است؟

### ج

- ازدواج زن مسلمان با زرتشتی و لو به نحو موقّت باطل است. اللّه العالم

### س ۱۴۹۲

### اشاره

- آیـا به فتوای حضـرتعالی زردشتی‌ها در همه مسائل ملحق به اهل کتاب هسـتند من جمله آیا زردشتی‌ها پاك هسـتند و آیا ازدواج دائم و موقّت با زن و دختر زردشتی جایز است؟

### ج

- زردشتی‌ها مانند اهل کتاب بنابر احتیاط نجس هستند و نسبت بنکاح آنها احوط ترک است چه بنحو دوام و چه انقطاع.

### س ۱۴۹۳

### اشاره

- نگاه کردن و ازدواج و حکم طهارت و نجاست اهل ذمّه چیست؟

**ج**

– نگـاه به مواضـعی از کـافره که عادتشان بر عـدم ستر آن مواضع است بـدون تلـذذ و ریبه جائز است و ازدواج موقت با کتابیه جایز است و بطور دوام خلاف احتیاط است و اهل کتاب بنظر این جانب بنابر احتیاط محکوم به نجاستند.

**س ۱۴۹۴**

**اشاره**

– متعه اهل کتاب و کافر (کسی که معتقد به ادیان آسمانی نیست) جایز است یا خیر؟

**ج**

– متعه نمودن اهل کتاب جایز است ولی متعه سایر کفار جایز نیست.

**س ۱۴۹۵**

**اشاره**

– رفتن غیر مسلمان و یا اهل تسنن به حرمهای مقدس معصومین علیهم السلام و امامزادگان چه حکمی دارد؟

**ج**

– نسبت به اهل تسنن مانع ندارد و نسبت به کفار محلّ اشکال است.

**س ۱۴۹۶**

**اشاره**

– فرقه‌ای از صابئین در خوزستان می‌باشند آیا این افراد اهل کتاب هستند؟ آیا پاک می‌باشند یا نه؟

**ج**

– اهل کتاب بودن صابئین برای ما ثابت نیست.

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۹۵

## فرقه‌های صوفیه

### س ۱۴۹۷

#### اشاره

- نظر مبارک در مورد صوفیه و عقائد آنها چیست؟

#### ج

- صوفیه با فرقه‌ها و انشعابات بسیاری که دارند اگر چه در انحراف در یک سطح نیستند و بسا برخی از آنان خارج از ربقه اسلام شمرده نشوند در مجموع منحرفند و عقائد خاصه‌ای که دارند غیر اسلامی است.

### س ۱۴۹۸

#### اشاره

- اگر در مسأله غلات و مجسمه و مجبره و صوفیه که مرحوم سید در عروه دارد نظری دارید مرقوم فرمائید.

#### ج

- نظر حقیر همانند نظر شریف استادنا الاعظم الزعیم الاکبر آیت اللّٰه العظمی بروجردی- قدس سرّه- با نظر مرحوم سید صاحب عروه- اعلی الله مقامه- مطابق است، مع ذلک به مؤمنین توصیه می‌نمایم که بطور کلی اگر چه ترتیب آثار کفر و احکام کافر همانطور که در عروه فرموده است با عدم التزام و عدم التفات به لوازم فاسده این عقاید بر آنها نشود، از معاشرت و مجالست و مخصوصاً مزاوجت و رفاقت با آنها جداً پرهیز و احتراز نمایند که معرض خطرات و مفاسد بزرگ است.

### س ۱۴۹۹

#### اشاره

- نظر حضرتعالی در مورد بر خورد با بهائیت و تصوّف چیست؟

#### ج

- بطـور کلی برخـورد مساعـدتی و مـوافقت‌آمیز و هر ارتبـاطی کـه مـوجب ترویـج و تقـویت فرق ضـاله باشـد جـائز نیسـت و ترک مصاحبت و مجالست با آنها لازم است.

### س ۱۵۰۰

### اشاره

- رفتن به خانقـاه دراویش (صوفیه) جهت اسـتماع مرثیه و سوگواری ائمه اطهـار علیهم السـلام، یا اقامه فاتحه و شـرکت در آن جایز است یا خیر؟

### ج

- ترویج باطل است و جائز نیست.

### س ۱۵۰۱

### اشاره

- کمک به ساختمان خانقاه دراویش و هرگونه مساعدت‌های جنسی به آنان چگونه است؟

### ج

- کمک به ساختمان خانقاه و همچنین هر کمک جنسی که مربوط به مسلک و مرام آنها باشد جائز نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۶

### س ۱۵۰۲

### اشاره

- در مجالس صوفیه، شرکت کردن و یا جنس خریدن از آنها جایز است یا نه؟

### ج

– شرکت در مجالس آنها جائز نیست و جنس خریدن هم اگر موجب تقویت آنها بشود جائز نیست.

### س ۱۵۰۳

### اشاره

– سه سال پیش به علت عدم آگاهی به حکم شرعی مسأله، خانمی را از اهل فرقه عَلیُ‌اللهی) به صورت عقد عادی به عنوان همسری انتخاب کرده‌ام در این مدت به علت داشتن مذهب خاص خودش به انجام تکالیف شرعی مقید نیستند نماز نمی‌خواند، روزه نمی‌گیرد و سایر تکالیف شرعی را انجام نمی‌دهد و از فرقه خود پیروی می‌کند بنابراین: آیا عقد ما صحیح است یا خیر؟ اگر باطل است حق مهریه و سایر حقوق را دارند یا نه؟ تکلیف بچه‌های ما چیست؟

### ج

– به طور کلی در نظیر مورد سؤال، چنانچه زوجه واقعاً حضرت امیر المؤمنین (ع) را خدا بداند عقد باطل و جدایی زوج از او لازم است و محتاج به طلاق نیست و چون زوج نمی‌دانسته و ازدواج نموده بچه در فرض سؤال ملحق به پدر و شرعاً محکوم به حلال زاده بودن است و نسبت به لزوم پرداخت مهریه با اینکه زوجه موصوفه محکوم به کفر است وجهی به نظر نمی‌رسد. و اللَّه العالم

### س ۱۵۰۴

### اشاره

– آیا فرقه‌ای که خود را اهل حق می‌نامند مسلمانند یا نه؟ و اگر مسلمانی، از این فرقه را بکشد قصاص نمودن آن مسلمان جایز است؟

### ج

– در مورد سؤال، کسانی که حضرت علی علیه السلام را خدا می‌دانند و یا منکر یکی از ضروریات اسلام باشند محکوم به کفر هستند و مسلمان را به جهت قتل کافر نمی‌شود قصاص کرد ولی حاکم شرع طبق موازین می‌تواند قاتل را تعزیر نماید.
و اللَّه العالم

### س ۱۵۰۵

### اشاره

- فرقه «علی اللهی» که معروف به اهل حق می‌باشند، عده‌ای از آنها در استانهای متعدد کشور (همدان، کرمانشاه، سنندج، کنگاور) و روستاهای آن منطقه سکونت دارند و عقیده اینها بر این است که نه به اصول دین و نه به فروع دین) و سایر احکام اسلامی از قبیل غسل و غیره عمل نمی‌کنند، آیا ازدواج با آنها

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۷

یا بالعکس چه حکمی دارد و غذا خوردن و معاشرت با آنها چه حکمی دارد.

#### ج

- اگر فرقه مذکوره، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خدا بدانند یا منکر ضروری دین مانند نماز و روزه و مانند اینها شوند کافرند و واضح است که ازدواج با آنها جائز نیست و باطل است و اگر آن بزرگوار را خدا ندانند و منکر ضروری دین هم نشوند چون انحرافات عقیدتی و اخلاقی و عملی بسیار دارند ازدواج با آنها محلّ اشکال است بلکه اجتناب از آن لازم است بلی افرادی از آنها که قائل بشهادتین میباشند و اقرار بعقائد باطله و انکار ضروریات دین از آنها ثابت نیست محقون الدم و مال و جان و عرضشان محترم است.

### س ۱۵۰۶

#### اشاره

- آیا بلند گذاشتن شارب تا روی لب استحباب دارد یا نه؟

#### ج

- استحباب ندارد و به عنوان تشبه به فرقه صوفیه حرام است.

### س ۱۵۰۷

#### اشاره

- این جانب مدتی است در خصوص فرقه‌های دراویش تحقیق می‌نمایم که یک فرقه علی‌اللهی هستند و فرقه دیگر ۶ امامی و قادریه، خاکساری و ... ولی با فرقه‌ای که خود را کامل‌ترین و بهترین شیعه‌ها می‌دانند فرقه سلسله نعمت اللهی معروف به ۱۲۱ بیشتر ارتباط داشته و تحقیق نمودم طبق تحقیقات این حقیر اکثر دراویش این سلسله که این جانب با آنها ارتباط داشته‌ام در شریعت خیلی ضعیف هستند و گاهاً اعتقادی هم ندارند چرا که اظهار میدارند شریعت ظاهر است. و در همین رابطه وقتی سؤال می‌کنیم مقلد چه کسی هستید می‌گویند در حال تحقیق برای پیدا کردن مجتهد عادل و اعلم هستیم و فعلًا به احتیاط عمل می‌کنم و دستورات دینی را از نماینده قطبمان سؤال می‌کنیم چرا که قطب ما نائب امام زمان (عج) است و اکثر علماء و مجتهدین این امر را تائید نموده‌اند (البته

به گفته دراویش) که این جانب کتب آن فرقه را تهیه و مطالعه و به مطالبی برخورد کرده‌ام که از حضرتعالی استدعا دارم این حقیر را راهنمایی و رهنمود فرمائید.

قطب آنان مصاحبه‌ای انجام داده که در یکی از کتاب‌های آن فرقه به چاپ رسیده البته قطب مذکور مرحوم گردیده ولی جانشین آن کاملًا اعتقاد به مطالب فوق‌الذکر دارد. متن مصاحبه به پیوست ارسال و سؤالاتی در خصوص متن مصاحبه مطرح می گردد.

۱- در سؤال ۴ مصاحبه مطرح شده که ما دستورات ظاهری را از مجتهدین می گیریم و آنها باید دستورات باطن و ..، را از ما بگیرند نظر جنابعالی در این خصوص چیست.

۲- در سؤال ۶ مصاحبه مطرح شده که ما جانشین امام زمان (عج) هستیم و اجازه‌نامه کتبی داریم خواهشمند است مرقوم فرمائید صحت دارد یا خیر؟

۳- در سؤال ۸ مصاحبه عنوان شده اجازه‌نامه در این زمان موجود است، چرا علماء در این خصوص پی گیری نمی کنند تا صحت آن یا عدم صحت آن را به مردم ابلاغ دارند؟

۴- در سؤال ۱۲ مصاحبه مطرح شده جانشین قطب با الهام از خداوند تعیین میشود آیا صحت دارد که از طرف خداوند وحی میشود چگونه؟

ج

۱- مندرجات در جواب سؤال ۴ صحیح نیست و آنچه عقل و نقل در روایات معصومین سلام الله علیهم اجمعین بر آن دلالت دارد ارجاع عموم مردم به علماء و مجتهدین شیعه است و در این جهت أئمّه علیهم السّلام تفصیلی بین ظاهر و باطن نداده‌اند و اینکه در اصلاح باطن باید بما مراجعه شود ادعای بدون دلیل، بلکه معلوم العدم است و هرکس به مجتهدین مراجعه و بر طبق نظرات آنها عمل نماید ظاهر و باطنش هر دو کامل میشود و اللّه العالم.

ج ۲ و ۳- مطلب مذکور در جواب سؤال ۶ صحت ندارد و اجازه مذکور در سؤال ۸ مطلقاً جعلی است و اگر چنین امری واقعاً وجود داشت در اخبار و آثار أئمّه علیهم السلام دیده می‌شد و در زمان غیبت کبری امام زمان سلام الله علیه جانشین خصوصی ندارد و در اخبار و روایات دستور داده‌اند کسی که چنین ادعائی کند او را تکذیب کنید.

ج ۴- الهام الهی که قابل اتباع است مخصوص انبیاء و ائمّه علیهم السلام است و الهام در قلوب غیر این بزرگواران ثابت نیست که الهام الهی باشد و حجیّت ندارد و ظاهراً اشخاص مذکور، چون دلیلی برای اثبات مدعای خود ندارند متوسّل به اینگونه امور (الهام) می‌شوند که خود را از مضیقه اثبات مدعی راحت کنند شما ملاحظه نمائید در کلمات خدای متعال در قرآن و کلمات حضرت رسول اکرم و أئمّه هدی علیهم صلوات الله سفارش ساختن مساجد فراوان است و عین و اثری از ساختن مراکزی که اینان می‌سازند وجود ندارد.

لازم به تذکر است که بر سایر بندهای این مصاحبه نیز اگر اصل آن جعلی نباشد اشکالات بسیار وارد است از جمله اینکه می گوید: جانشینی به ارث نیست ولی اتفاقاً اجازه من از پدر و جدّ رسیده بعد از او هم که به پسرش رسیده می گوید اتفاقی است و بعد از او که به پسر پسرش رسیده باز هم اتفاقی و پس از پسرش که پسر دیگرش مدّعی شده باز هم اتفاقی است.

خلاصه حرف‌های سست و بی‌پایه این فرقه واقعاً مضحک است شما اگر بخواهید مختصری از وضع دراویش و دعاوی مضحکه آنها اطلاع پیدا کنید می‌توانید به کتاب خیراتیّه و کتاب فضائح الصّوفیه یا حدیقهٔ الشیعه و کتاب‌های دیگر مثل عرفان و تصوّف و کتاب صوفی و عارف چه می گوید و کتاب‌های عباسعلی کیوان که از بزرگان آنها بود و بعد از آنها برگشته و کتابی که اخیراً بنام

«از کوی صوفیان تا حضور عارفان» تألیف سید تقی واحدی صالح علی شاه است مراجعه فرمائید.

## فرقه ضاله بهائیت

### س ۱۵۰۷

#### اشاره

- بسیاری از بهائیون مقیم جمهوری اسلامی اظهار می‌دارنـد که ما تابع قوانین عمومی ایران بوده و هیـچ تخلفی را مرتکب نشده‌ایم لیکن متحمـل تضـییع حقوق هستیم آیـا اصولًا بهـائیون بالاخص بهائیت مقیم ایران اهل ذمّه محسوب می‌شود یا خیر؟ و آیا پرداخت دیه به اولیای دم شخص بهایی ضروری است یا خیر؟

#### ج

- بهائی‌هـا اهـل ذمّه نیسـتند و دیه ندارنـد اهل ذمّه بر یهود و نصاری و مجوس اطلاق می‌شود به شـرط اینکه مقرّرات شـرعی ذمّه را عمل بنمایند. و اللَّه العالم

### س ۱۵۰۸

#### اشاره

- آیا عدم پذیرش درخواست انحصار وراثت از ورّاث بهائی توسط محاکم دادگستری محمل شرعی دارد؟

#### ج

- درخواست انحصار وراثت اگر برای تعیین ورثه مسـلمان او باشـد مانعی ندارد ولی اگر برای تعیین بازماندگان بهائی او باشد چون توارث بین آنها مشروعیت ندارد قبول درخواست مذکور جایز نیست. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۸

### س ۱۵۰۹

#### اشاره

- آیا پذیرش بهائیون و ثبت نام آنها در از مؤسسات آموزشی بر طبق مصالح و موازین اسلامی است؟

### ج

– ثبت نـام آنهـا به عنوان بهـائی که یـک سازمـان جاسوسـی و ضـدّ اسـلامی است جایز نیست و خلاف مصالـح اسـلامی و اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی است.
و اللَّه العالم

### س ۱۵۱۰

### اشاره

– وظیفه مسـلمان در برخورد با فرد بهائی در موارد زیر چیست؟ خریدوفروش مسائل مربوط به اجاره و عاریه نسبت به لوازم زندگی پذیرفتن هدایای آنان.

### ج

– در صورتی که امور مذکوره در سؤال موجب تقویت آنها بشود جائز نیست. و اللَّه العالم

### س ۱۵۱۱

### اشاره

– نظر شما پیرامون گفتگو و دست دادن و اظهار دوستی با فرقه ضاله بهائیّت چیست؟

### ج

– اظهار دوستی با بهائی با دست دادن و صورتهای دیگر جایز نیست.

## کتب ضلال

### س ۱۵۱۲

### اشاره

– نظر خود را در مورد خوانـدن کتابهایی که باعث بازشـدن ذهن خواننـده نسـبت به دسایسـی که ابرقـدرتها بر ضـدّ دیگران به کار می‌برند– مانند کتابهایی که فرضاً یک سیاستمدار یا یک جاسوس نوشته است با توجه به اینکه ممکن است نکات غیر اخلاقی هم تا

حدّی در آن باشد- بیان کنید.

**ج**

- موارد مختلف است باید خصوص هر کتاب مورد سؤال قرار گیرد تا جواب مربوط به آن کتاب گفته شود ولی به طور کلّی مطالعه کتابهایی که ممکن است موجب انحراف در عقیده و یا اخلاق مطالعه گردد جایز نیست. و اللَّه العالم

**س ۱۵۱۳**

**اشاره**

- آیا خواندن کتب غیر اسلامی مانند بهائیت و کمونیسم و سایر مرامهای الحادی حرام است یا خیر؟

**ج**

- حفظ و نگهداری کتب ضلال و خواندن آنها حرام است مگر برای کسی که
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۹
قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشد و غرض صحیحی- مانند ردّ مطالب باطله- داشته باشد. و اللَّه العالم

**س ۱۵۱۴**

**اشاره**

- ملاک مضل بودن کتاب چیست؟

**ج**

- ملاک مضلّ بودن کتاب آن است که مشتمل بر مطالبی باشد که معرضیت گمراه نمودن خواننده را از نظر مذهبی داشته باشد. و اللَّه العالم

**س ۱۵۱۵**

**اشاره**

- خریدوفروش کتب صوفیه و مطالعه آن چه حکمی دارد؟

ج

- طبع و نشر و خرید و حفظ و مطالعه کتب صوفیه حرام است و کتابهایشان حکم کتب ضلال را دارد که مطالعه آن فقط برای اهل نظر جهت ابطال باطل آنها جایز است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۱

حقوق پدر و مادر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۳

## حقوق پدر و مادر

### س ۱۵۱۶

#### اشاره

- نیکی به پدر و مادر تا چه حد لازم است؟

ج

- پدر و مادر در صورتی که عاجز از اراده امور زندگی خود باشند واجب النفقه فرزند هستند و اما حدود احسان به آنها را می‌توان از این دو آیه کریمه به ضمیمه روایاتی که در شرح آنها وارد شده فهمید: (و قضی ربک إلّا تعبدوا إلا إیّاه و با والدین احسانا امّا یبلغنّ عند الکبر احدهما أو کلاهما فلا تقل لهما افّ و لا تنهرهما و قل لهما قولًا کریماً و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمهٔ و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً- آیات ۲۳ و ۲۴ از سوره بنی اسرائیل) خلاصه معنی آیات و شرح آن بضمیمه روایات این است- ای انسان اگر پدر و مادر نزد تو زندگی کردند تا پیر شدند یا یکی از آنها زندگی کرد و پیر شد یعنی بجائی رسیدند در پیری که مانند بچه احتیاج به کسی دارند که از آنها تعهّد نماید و به آنها برسد، به آنها (افّ) نگو یعنی کلامی که انزجار از آن فهمیده شود نگو در حدیث وارد شده اگر در مقام چیزی آسان‌تر از (افّ) و کمتر از آن بود خداوند آن را می‌فرمود حاصل این که والدین را به هیچ قلیل و کثیری آزار نکن و بعضی فرموده‌اند یعنی اگر خود را به بول و غائط آلوده کردند، استقذار نکن و آنها را پاکیزه کن همانطور که آنها تو را در

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۴

حالی که طفل بودی از قذارات پاکیزه می‌کردند و نیز آنها را با غلظت و فریاد زدن ناراحت نکن و اگر چیزی خواستند مضایقه منما و با آنها به گفتار نرم و لطیف و خوب که متضمّن کرامت و عزت آنها باشد تکلم کن و در تواضع و کوچکی قولی و عملی و محبّت به آنها مبالغه کن همانطور که در زمان کودکی تو، آنها با تو اینگونه رفتار می‌کردند و صدای خود را بلند نکن و از آنها تقدّم نگیر و در حقشان چه در حال حیات و چه بعد از مرگشان به طلب رحمت و مغفرت دعا کن در مقابل زحماتی که برای تربیت تو در زمان کودکیت تحمل نموده‌اند و خداوند در این آیات فرزندان را به احسان به والدین سفارش نموده ولی سفارش

فرزنـدان را به والدین نکرده چون محبّت والدین به فرزند زیاد است و محتاج به سـفارش نیست ولی محبّت فرزند به والدین کمتر و محتاج به سـفارش است و توصـیه نسـبت بخصوص حال پیری والدین برای این است که در دوران پیری به خاطر ضعفی که دارند و تحمیل به فرزنـد هسـتند احتیاجاتشان بیشتر است و الّا در همه احوال (پیری و قبل از پیری) بایـد مورد محبّت فرزنـدان قرار گیرند در امور مباحه خواست آنها را بر خواست خود مقدّم بدار و تمام آنچه بیان شد مصداق احسان و برّ به والدین است، و در ضمن حدیثی قریب باین مضـمون وارد شده که شخصـی به خدمت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله مشرف شد و عرض کرد یا آیا بعد از این که پدر و مادرم از دنیا رفتند آیا بازهم من وظیفه‌ای که در رابطه با آنها بر عهده‌ام باشد دارم فرمود بلی برای آنها استغفار کن و دوست آنها را اکرام کن. و اللّه العالم

### س ۱۵۱۷

#### اشاره

- اطاعت از والدین تا کی واجب است؟

#### ج

- همیشه واجب است یعنی اگر فرزند پیر هم شده باشد باید از پدر و مادر اطاعت کند.

### س ۱۵۱۸

#### اشاره

- حق پدر و مادر در مقابل فرزند چه چیزهایی است؟

#### ج

- بر فرزنـد واجب است پـدر و مادر را در غیر آنچه معصـیت است اطاعت کنـد و اگر فرزنـد هم متمکن است و آنها فقیرند مخارج آنها را بدهد و کاری که موجب اذیّت آنها است هر چند آن کار، فی نفسه جایز باشد انجام ندهد و بعد از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۵
مرگ آنها هم فراموششان نکند. و اللّه العالم

### س ۱۵۱۹

#### اشاره

- حق یک فرزند به گردن پدر و مادر چه چیزهایی است؟

#### ج

– پدر و مادر باید بچه را به آداب دینی تربیت کنند و نام خوب برایش انتخاب کنند و اگر احتیاجات لازم در زندگی برای خوراك و پوشاك و مسکن دارد در حدّ توانایی تأمین کنند. و اللَّه العالم

### س ۱۵۲۰

#### اشاره

– پدر و مادرم از نماز شب خواندن من اظهار نارضایتی می‌کند زیرا بمجرد کوچکترین صدایی از خواب بیدار میشوند و من نمی‌توانم رضایت آنها را جلب کنم، تکلیف من چیست؟

#### ج

– نماز شب عمل بسیار مطلوبی است لکن اگر مستلزم مزاحمت برای پدر و مادر باشد مطلوب نیست، بلی اگر بتوانید طوری عمل کنید که اسباب زحمت آنها نباشد مثلًا محل خواب و وضو گرفتن و انجام نماز را تغییر دهید حتی المقدور نماز شب را ترك نکنید. و اللَّه العالم.

### س ۱۵۲۱

#### اشاره

– آیا اطاعت امر و حکم پدر شوهر و مادر شوهر مثل حکم شوهر برای عروس، لازم است؟ یا خیر؟

#### ج

– اطاعت پدر و مادر شوهر بر عروس لازم نیست. و اللَّه العالم

### س ۱۵۲۲

#### اشاره

– دختری که کارمند است و زحمت خانه‌داری را هم دارد نمی‌تواند زود به زود به منزل پدرش برود و پدر هم از این وضع ناراضی است آیا شرعاً معصیتی مرتکب شده است؟

#### ج

– چنانچه دختر کوتاهی و مسامحه در رفتن پیش پدر نکند معصیتی نکرده ولی باید سعی کند که بواسطه عذرهای بی‌مورد و سرگرمی به امور مادّی خود را از خدمت به پدر و ترضیه خاطر او محروم نکند و در معرض عاق پدر شدن قرار ندهد.

### س ۱۵۲۳

### اشاره

– رفتن به کلاس قرآن برای قرائت صحیح لازم‌تر است یا اطاعت والدین؟

### ج

– در صورتی که همزمان باشد اطاعت والدین مقدم است بلی اطاعت والدین در ترک واجب یا فعل حرام جائز نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۶

### س ۱۵۲۴

### اشاره

– برای محصلی که نمی‌توانـد در کنار پدر و مادر ادامه تحصـیل بدهد و باید نظیر طلاب خارجی از پدر و مادر دور باشد تحصـیل بدون رضایت پدر و مادر جایز است یا نه؟

### ج

– اگر تحصـیل علوم دینی برای آنها واجب عینی نباشـد و پـدر و مادر از مسافرت برای تحصـیل منع می‌کنند و مخالفت آنها موجب اذیت و آزار پدر و مادر می‌شود رضایت آنها را تحصیل نمایند. و اللّه العالم.

### س ۱۵۲۵

### اشاره

– آیا رضایت والدین برای شرکت در کلاسهای ورزشی لازم است؟

### ج

– اگر والدین منع کنند و شرکت واجب نباشد و مخالفت موجب عقوق و اذیت آنها شود شرکت جایز نیست.

### س ۱۵۲۶

### اشاره

– اگر پدر یا مادر به فرزند بگوید که من راضـی نیسـتم که نمازهایت را در خانه بخوانی و باید نمازهایت را در مسـجد بخوانی، آیا بر فرزند واجب می‌شود که در مسجد نماز بخواند؟ اگر در منزل نماز خواند حکم نماز او چیست؟

### ج

– در فرض سؤال، اگر پدر و مادر از مخالفت در موردی که امر می‌کنند جدّاً اذیت بشوند، نباید مخالفت کرد. و الله العالم

### س ۱۵۲۷

#### اشاره

– اگر پـدر یا مادر بر فرزنـد امر کننـد که کار مسـتحبّی را انجام بدهـد مثلًا صدقه بدهد یا روزه بگیرد و یا ... آیا این فرزند باید این فرمان را اطاعت کند؟ اگر تمکّن انجام این کار مستحبّ را نداشته باشد وظیفه او چیست؟

#### ج

– اگر متمکن نباشد واجب نیست. و الله العالم

### س ۱۵۲۸

#### اشاره

– اگر پـدر و مادر به قصد توهین و تحقیر به فرزندشان ناسـزا و فحش بگویند یا اینکه او را کتک بزنند در این صورت وظیفه فرزند چیست؟ آیا اجازه جواب دادن دارد یا نه؟

#### ج

– نبایـد به پـدر و مادر توهین کرد و البته سـزاوار نیست پدر و مادر هم بدون دلیل شـرعی موجب نارضایتی فرزند را فراهم نمایند و اگر ضرب و شتم به حدی باشد که سرخ یا سیاه یا مجروح شود موجب دیه نیز می‌گردد. و الله العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۷
قوانین و مقررات جمهوری اسلامی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۹

## قوانین و مقررات

### انتخابات

### س ۱۵۲۹

#### اشاره

– نظر حضرتعالی در مورد رأی دادن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری چیست؟

ج

– بایـد مردان متدیّن و صالح که کفایت محافظت از قوانین اسـلام و حقوق ضـعفاء و شـئون جامعه اسـلامی را داشـته باشـند انتخاب شوند.

س ۱۵۳۰

اشاره

– کسـی که شـناخت کامـل نسـبت به نامزدهـای ریـاست جمهوری یـا نماینـدگان مجلس نـدارد و تنها اطلاع او بر اساس پوسترهای تبلیغاتی است می‌تواند به چنین شخصی رأی بدهد؟

ج

– به مردی که به او شناخت کامل و لازم دارد رأی بدهد. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۰

رعایت قوانین

س ۱۵۳۱

اشاره

– رعایت قوانین جمهوری اسلامی تا چه حد لازم است؟

ج

– رعایت قوانین جمهوری اسلام لازم است مگر موردی که خلاف شرع باشد.

س ۱۵۳۲

اشاره

– تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی و بطور کلی قوانین جمهوری اسلامی چه حکمی دارد؟

### ج

– تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی و همچنین سایر قوانین مشروعه جایز نیست.

### س ۱۵۳۳

### اشاره

– چنانچه یکی از کارکنان بانکها یا مؤسسات دولتی با استفاده از اسم و عنوان و تخصص خود در ساعات غیر اداری برای کسی که مشتری بانک یا مؤسسه است کار کنـد و حقوق دریافت نمایـد در صورتی که در بانک یا مؤسسه خود به تخصص او نیاز باشد و حاضر به انجام کار اضافی نگردد آیا حقوق دوم او چه وضعی دارد حلال است یا حرام؟

### ج

– جائز است کارمند در غیر ساعات اداری برای دیگران کار کند، و شرعاً ملزم بقبول اضافه کار در اداره نیست.

### س ۱۵۳۴

### اشاره

– آیا دولت را مالک میدانید یا خیر؟

### ج

– بطور کلی جهت مالک است دولت باشد یا غیر آن لکن هرگونه تصرّف در آن محتاج باجازه مجتهد جامع الشرائط است.

### س ۱۵۳۵

### اشاره

– در عصر فعلی که مردم برای گرفتن کوپن از بانکها و یا برای گرفتن ارزاق عمومی از مغازه‌ها و یا نانوائیها صف می‌کشند آیا رعایت حق تقدم در این موارد واجب است یا خیر؟

### ج

- در موارد مذکور بنابر احتیاط حق تقدم مراعات شود. و اللّٰه العالم

### س ۱۵۳۶

#### اشاره

- اگر شخصی از تحویل بلیط اتوبوس واحد استنکاف نماید از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

#### ج

- استنکاف از پرداخت بلیط جایز نیست و موجب ضمان مسافر می گردد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۱

### س ۱۵۳۷

#### اشاره

- آیا دولت اسلامی می‌تواند به علت مصالحی مهم، صحت بعض عقود یا ایقاعات (مثل ازدواج یا طلاق) را منوط به ثبت در دفاتر رسمی کشور یا منوط به گذراندن مراحلی خاص کند؟

#### ج

- صحت عقد و ایقاع موقوف به ثبت در دفتر نیست. و اللّٰه العالم

### س ۱۵۳۸

#### اشاره

- کارمندی که چندین بار کار محوله را صحیح و کامل انجام نداده ولی حقوقش را دریافت کرده چگونه باید جبران نماید؟

#### ج

- باید از حقوقی که گرفته به نسبت کم کاری برگرداند و اگر برگرداندن انسان به اداره مربوطه موجب سوء استفاده اشخاص دیگر باشد به حساب دولت واریز کند. و اللّٰه العالم

### س ۱۵۳۹

#### اشاره

– اگر کارمندی در جمهوری اسلامی ایران، به دلیل مشکلات اجتماعی و خانوادگی نتواند کار خود را ادامه دهد و با استعفایش نیز موافقت نشود آیا جایز است با عدم حضور در محلّ کار باعث اخراج خود گردد؟

#### ج

– در مورد سؤال اگر مدت اجیری موقع استخدام دقیقاً ذکر نشده عدم حضور با عدم اخذ اجرت که باعث اخراج او بشود حرام نیست. و اللّه العالم

### رشوه

### س ۱۵۴۰

#### اشاره

– اگر در اداره‌ای کار مرا راه نمی‌اندازند مگر با گرفتن پول آیا این پول را میشود بعنوان صدقه داد؟ و با اطمینان به پایمال شدن حق، آیا شخص میتواند با دادن رشوه به صورتهای گوناگون، حق خود را بگیرد و از پایمال شدن حق خود ممانعت کند؟

#### ج

– اگر رسیدن بحق مسلّم و مشروع بدون پرداخت وجهی به کسی که اداء یا احقاق حق با اوست میسّر نمی‌شود جایز است ولی بر گیرنده پول حرام است.

### س ۱۵۴۱

#### اشاره

– پرداخت رشوه به جهت طفره رفتن از خدمت سربازی چه صورتی دارد؟ بر فرض حرام بودن پرداخت رشوه آیا گرفتن این کارت معافیت نیز محذور شرعی دارد؟

#### ج

- بطور کلی عمل بر خلاف مقرّرات مشروع نظام اسلامی جائز نیست و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۲
گرفتن وجه برای دادن کارت پایان خدمت جعلی حرام است.

## س ۱۵۴۲

### اشاره

- این جانب در یکی از دوایر شهرداری مشغول کار هستم و امرار معاش خود و خانواده از طریق حقوق دریافتی از آن اداره تأمین می‌شود و در آمد دیگری ندارم- در شهرداری مثل همه سازمانهای دیگر برای دریافت عوارض مربوط به امور خدماتی و عمرانی ضوابط و معیارهای مشخصی وجود دارد، ولی شخصاً شاهد هستم در برخی موارد این قوانین و مقررات رعایت نشده و گاهی بیشتر گاهی کمتر از حد معمول از مؤدیان دریافت می‌شود و نیز مؤدیان در غالب موارد از پرداخت آن وجوهات رضایت ندارند از طرفی حیف‌ومیل‌هائی در بودجه شهرداری صورت می گیرد که غالباً به نفع تعداد معدودی می‌باشد.
الف- آیا حقوق دریافتی من از شهرداری اشکال دارد؟
ب- نظر به اینکه بطور غیر مستقیم در حیف‌ومیل اموال شهرداری سهیم هستم آیا ادامه فعالیت حقیر در آن اداره جایز است؟ (در تصمیم‌گیری ما نقشی نداریم).

### ج

الف- چنانچه شغل شما در شهرداری عملی باشد که شرعاً جایز است حقوق شما حلال است مگر اینکه یقین داشته باشید که حقوق شما عین همان پولهائی است که بدون رضایت و یا بر خلاف مقرّرات از اشخاص گرفته‌اند و با عدم یقین اشکال ندارد.
ج ب- اگر در حیف‌ومیل اموال، سهیم باشید هر چند بطور غیر مستقیم باشد و ادامه فعّالیت شما در آنجا ملازم با حیف‌ومیل باشد یعنی بدون آن، نتوانید شغل خود را ادامه دهید، ادامه فعالیت جایز نیست.

## س ۱۵۴۳

### اشاره

- اگر شخصی در شب عید مبلغی را با میل و رضای خود و آشکارا به عنوان عیدی به مسئول ارگان، یا اداره و یا بانکی بدهد و مسئول مربوطه عین مبلغ عیدی را به نسبت بین کارمندان خود تقسیم نماید. آیا از نظر شرع مقدس اسلام رشوه محسوب می‌شود یا خیر؟

### ج

- دادن مبلغی به عنوان عیدی و هدیه به کارمندان اداره و یا ارگان و یا بانک

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۳

مانعی نـدارد و عنوان رشوه پیدا نمی‌کند لکن نباید طوری شود که بر اثر عادت به گرفتن عیدی، کارمندان در انجام امور افرادی که عیدی نمی‌دهند کوتاهی نمایند.

و اللَّه العالم

## استفاده از تسهیلات و امکانات دولتی

### س ۱۵۴۴

#### اشاره

- به معلمین مقداری پول به نام حق مسـکن میدهند در صورتی که آنها صرف جهت استفاده از مسکن نمی‌کنند آیا گرفتن این پول از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

#### ج

- اشکال ندارد.

### س ۱۵۴۵

#### اشاره

- شـرکت سهامی مخابرات استان در مهر ماه سال جاری در یک اقدام غیر منتظره تعدادی تلفن موبایل به رؤسای ادارات و مراکز به صورت خـارج از نوبت و بـا نرخ دولتی ۶۲۰ هزار تومـان واگـذار نمود، طی مـدت یـک هفته برخی از افراد فوق بـا فروش تلفنهای مـذکور به مبلغ یک میلیون و هفتصـد هزار تومان سودی معادل یک میلیون و یکصـد هزار تومان نصـیب خویش نمودند. اقدام فوق باعث بدبینی و یأس فراوان در بین مردم خصوصاً افراد حزب اللهی و دلسوز انقلاب گردید. حال با توجه به سود بادآورده یک شـبه از بیت المال و دادن امتیاز خاص به افراد خاص و همچنین با توجه به اینکه سال گذشته نیز به تعداد کثیری از افراد مذکور خودروی دولتی تعلق گرفت که اختلاف فروش در بازار با قیمت خرید یک میلیون تومان به بالا بود متمنی است نظر مبارک را درباره اینگونه امتیازات که از بودجه بیت المال داده می‌شود و معاملات مذکور مرقوم فرمایید.

#### ج

- ظاهر این معامله اعطای حق اسـتفاده از تلفن مـذکور به خریدار است بنابراین اگر اعطای این حق برای اسـتفاده به شـخص خریدار

باشد که غیر قابل واگذاری به دیگری باشد فروش آن به دیگری صحیح نیست و شرکت برای اینکه از این امکانات سوء استفاده نشود لازم است معامله را فسخ و حق اعطا شده را باطل نماید و اگر اعطای حق استفاده از تلفن مطلق باشد و مشروط به عدم واگذاری به غیر نباشد در صورتی که اصل اعطای این امتیازات به اشخاص بر اساس مصلحت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۴

نظام و ملاحظات لازمه مشروعیت داشته باشد واگذاری آن به دیگران به مبلغ بیشتر اشکال ندارد و الا اصل مشروعیت عمل مورد سؤال می‌شود و همچنین است حکم نسبت به واگذاری ماشین به اشخاص به نرخ دولتی. و اللَّه العالم

**س ۱۵۴۶**

**اشاره**

- عده‌ای بعنوانهای مختلف مانند: قالی‌بافی، دامداری و غیره وام می‌گیرند و آن پول را در مصرفی غیر از آنچه که بنامش گرفته‌اند صرف می‌کنند و بعضاً هیچ ارتباطی با دامداری و قالیبافی ندارند ولی به دروغ سندی تنظیم نموده وعده‌ای را شاهد می‌گیرند و تحت این عناوین اخذ وام نموده و در مسیرهای دیگر خرج می‌کنند، تکلیف شرعی این وامها چیست؟ مصرف کردن آن در مسیر زیارت و غیره چگونه است؟

س ۱۵۴۷- استفاده کردن از امتیازاتی که گاهی اوقات دولت برای کارمندان خود در نظر می‌گیرد توسط افراد عادی و غیر کارمند چه حکمی دارد.

**ج**

- بستگی به مقرّرات اداره مربوطه دارد. و اللَّه العالم

**س ۱۵۴۸**

**اشاره**

- مدتی قبل یکی از دوستان ما می‌خواست به مشهد مقدس جهت زیارت امام علی به موسی الرضا (ع) مسافرت کند. چون خودش کارمند نبود از یکی از دوستان معلمش درخواست کرد تا از اداره آموزش و پرورش معرفی بگیرد و بعد آن شخص با معرفی‌نامه دوستش به مشهد مسافرت کرد و در مدت اقامت در مدارسی که آموزش و پرورش جهت کارمندان خود در مشهد در نظر گرفته بود سکنی گزید آیا اینگونه استفاده از اموال بیت المال را با استفاده از معرفی‌نامه شخص دیگری جایز است یا خیر؟

**ج**

- بستگی به مقرّرات اداره مربوطه دارد. و اللَّه العالم

### س ۱۵۴۹

#### اشاره

- چون شخص از اول قصد چنین استفاده‌ای را داشته آیا غاصب می‌باشد یا نه؟ تکلیف نمازهایی که با استفاده از آب آن مدرسه وضو گرفته و یا در محل خوانده است چگونه است؟

#### ج

- چنانچه بر خلاف مقرّرات اداره مربوطه نبوده اشکال ندارد و الّا نسبت به
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۵
تصرّفات مذکوره ضامن است و نمازها را هم باید اعاده نماید. و اللّه العالم

### س ۱۵۵۰

#### اشاره

- آیا اگر شخصی از اول قصد چنین استفاده‌ای را از اموال بیت المال داشته باشد مسافرتش جزء مسافرت‌های حرام است که باید نماز را کامل بخواند یا خیر؟

#### ج

- با فرض اینکه غرض اصلی از مسافرت زیارت می‌باشد سفر حرام محسوب نمی‌شود گرچه با توجه به عدم مشروعیت چنین استفاده‌هایی مرتکب حرام شده است. و اللّه العالم

### س ۱۵۵۱

#### اشاره

- معلمی که نمی‌دانسته و برای او معرفی‌نامه گرفته است آیا ضامن است یا خیر؟

#### ج

- در فرض سؤال، جهل معلم مرقوم و شخصی که معرفی‌نامه خلاف واقع داده به عدم جواز این استفاده بعید است ولی با پرداخت اجرهٔ المثل به اداره مربوطه از طرف استفاده‌کننده ضمان آنها منتفی می‌شود. و اللّٰه العالم

### س ۱۵۵۲

### اشاره

- چنانچه شرکتی با این هدف که از موقعیت شغلی کارگزاران دولت یا بانکها برای کسب امتیازات مالی و پشتیبانی از برنامه‌های شرکت بهره‌مند شود، آنان را بعنوان عضو هیئت مدیره شرکت معرفی یا انتخاب نموده یا با واگذاری سهام در سرمایه شرکت شریک نماید و آن شخص نیز به هر ترتیب از قصد شرکت آگاه باشد، آیا حقوقی که از طرف شرکت به آنان پرداخت میشود یا اصل و سود سهامی که از طریق مذکور بنام آنها ثبت گردیده برای گیرنده حلال است یا حرام؟

### ج

- اگر امور مذکور موجب انجام عملی بر خلاف مقرّرات مشروعه اداره متبوعه نباشد و یا موجب تضییع حقی از مردم و مراجعین اداری او نگردد اشکال ندارد.

### س ۱۵۵۳

### اشاره

- نماز خواندن بر روی چمنهای پارکها و یا مکانهایی که از نظر قانونی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۶
اشکال دارد (جریمه دارد یا موجب تذکر می‌شود) جایز است یا خیر؟

### ج

- با اجازه مسئولین مربوطه اشکالی ندارد. و اللّٰه العالم

### س ۱۵۵۴

### اشاره

- شخصی فرزند برادر خود را که در خردسالی پدر و مادر را از دست داده است بعنوان فرزند خوانده پذیرفته و نام او را در

شناسنامه خود و همسرش آورده است و در حال حاضر چون کارمند دولت است از امتیازاتی که ویژه فرزندان کارمندان دولت است از قبیل دفترچه بیمه و گرفتن وجهی تحت عنوان حق اولاد، استفاده می کند، می‌خواهد بداند آیا استفاده از این حقوق که مخصوص فرزندان کارمندان است مجاز و شرعی است یا خیر؟

ج

- وارد کردن نام برادر زاده را در شناسنامه کسانی که واقعاً پدر و مادر او نیستند جایز نیست و بعدها موجب اشکالات بسیاری از جهت محرمیت به اشخاص، ازدواج، ارث و مسائل بسیار دیگری است و اما استفاده از امتیازات ویژه فرزندان کارمندان دولت بستگی به مقرّرات دولت دارد اگر این امتیازات برای اشخاصی است که تحت تکفّل کارمند دولت باشند هر چند فرزند نباشند دریافت آن اشکال ندارد و الّا جایز نیست.

### تصرف در اموال و ثروت عمومی

### س ۱۵۵۵

### اشاره

- آیا کسانی که از روی جهالت و نادانی یا از روی ناراحتی به اموال خصوصی یا دولتی ضرری برسانند و بعداً پشیمان شوند ضامن هستند؟ اگر قبل از بلوغ مرتکب این کار شوند و بعد از بلوغ پشیمان شوند اگر ندانند ضرری که زده‌اند متوجه کدامیک از نهادهای دولتی است وظیفه چیست؟

ج

- بمقدار خسارتی که وارد نموده در صورت امکان به نهاد مربوطه برگرداند و الا۔ در اختیار مجتهد جامع الشرائط بگذارد که بمصرف شرعی برساند. و اللّه العالم

### س ۱۵۵۶

### اشاره

- آیا می‌شود مسئول اداره یا ارگانی با صلاح دید خود بودجه بیت المال را صرف افطاری ماه مبارك رمضان نماید؟

ج

– تابع مقرّرات دولت است و در صورتی که بر خلاف مقرّرات باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۷

مدعوّین ضامن هستند و بمقدار ارزش غذائی که مصرف کرده‌اند به اداره یا ارگان مربوطه واریز کنند بلی در صورت جهل مدعوین ضامن به اینکه خلاف مقررات است قرار ضمان بر دعوت‌کننده است بلی اگر مشمول مربوط اجناس را بثمن کلی در ذمه برای خودش خریده باشد و از پول دولت پرداخت کرده باشد خودش هم ضامن دولت است و هم باید بهای اجناس خریداری شده را بفروشنده بپردازد و بمصرف‌کنندگان هم چیزی تعلق نمی‌گیرد در صورت علم بخلاف مقرّرات بودن مرتکب معصیت هم شده‌اند باید توبه کنند.

### س ۱۵۵۷

#### اشاره

– رودخانه‌ای که در مسیر حرکت آن زمینهای کشاورزی از چند روستا به ترتیب واقع شده و در سالهائی که خشکسالی نیست زمینهای کشاورزی همه روستاها از آب همین رودخانه مشروب می‌شوند و گاهی که خشکسالی می‌شود آب رودخانه کفایت تمامی روستاها را نمی‌کند لطفاً بیان بفرمائید آیا لازم است آب رودخانه را کشاورزان چند روستا تقسیم نمایند یا حق استفاده از آب رودخانه با روستائی است که ابتداء در مسیر آب قرار دارد؟

#### ج

– در مورد سؤال الاسبق فالاسبق در استفاده از رودخانه مقدم است و با عدم اسبقیت الاقرب فالاقرب نسبت به محل استفاده آب مقدم است ولی اگر سیره و معمول محلّ به نحو دیگر است طبق همان عمل شود.

### س ۱۵۵۸

#### اشاره

– اخیراً منطقه ما گروهی مبلغی را به عنوان سهام روی هم گذاشتند و شرکت بهره‌برداری از منابع طبیعی ایجاد کردند و البته پروانه و اجازه فعالیت نیز دارند، آیا از نظر شرع مقدس، گروه کمی از افراد به چنین بهانه می‌توانند از سرمایه بیش از ۶۰ میلیون ایرانی بهره‌برداری کنند و سودش را فقط بین خودشان تقسیم کنند؟

#### ج

– جنگلهای طبیعی از انفال است و برای همه مسلمین استفاده از آن جائز است، اختصاص دادن آن به بعضی دون بعض جائز نیست بنابراین اگر این اشخاص مانع از حیازت دیگران نشوند اشکال ندارد.

### س ۱۵۵۹

### اشاره

- با فرض اینکه شرکت آب و فاضلاب به عنوان یک شرکت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۸

خصوصی کنار رودخانه، خیابان و یا مراکز عمومی دیگر شهر اقدام به حفر چاه برای آب آشامیدنی کند آیا مالک چاه می‌شود یا خیر بر فرض مالکیت آیا این چاه نیز حریم دارد؟

### ج

- اگر عمل مذکور معارض با منافعی که این اماکن و مراکز برای عموم دارد، مثل صیانت شهر از خطر سیل و آسانی عبور و مرور و جهات لازم دیگر، نباشد حکم سایر تصرفات مباحه در این اماکن را دارد و در مثل رودخانه حصول مالکیت بعید نیست اما در مثل طرق و شوارع عامه ظاهراً بیش از حق سبق و اولویت و عدم جواز معارضه غیر با سابق حاصل نمی‌شود و لذا فروش چاه‌های مورد سؤال و اجاره دادن آنها جایز نیست و هم چنین جواز منع استفاده دیگران از این محل‌ها در صورت عدم تعارض با شرکت یا فرد سابق محل تأمل است و نسبت به حریم آن تا مقداری که ضرری به چاه اول نداشته باشد حریم معتبر است.

### س ۱۵۶۰

### اشاره

- اگر به شرکت آب و فاضلاب به عنوان یک شرکت خصوصی یا به فردی خاص اجازه داده شود از آب انهار کبیره که از مباحات عامه است آب شهر را تأمین کند و شرکت مزبور هزینه لوله و لوله‌گذاری کنتور و نصب آن را از مشترکین دریافت نماید:

الف) آیا شرکت یا فرد خاص مالک آب داخل کانال یا لوله می‌شود یا خیر؟

بر فرض ملکیت، با توجه به نقش انحصاری و بدون رقیب وی و ضروری بودن آب برای مشترکین آیا می‌توانند به قیمت دلخواه بفروشد؟

ب) چه معیاری را برای رسیدن به قیمت عادلانه برای آب در موارد فوق معرفی می‌فرمائید؟

### ج

- مسأله صوری دارد یک صورت این ستکه شرکت خصوصی عامل که وسایل امکان استفاده دیگران را از انهار کبیره فراهم می‌کند موجب انحصار طریق استفاده دیگران از نهر کبیر نمی‌شود در این صورت نصب تجهیزات لازم برای امکان استفاده از آب و وارد کردن آن در مخازن و لوله‌ها بی‌اشکال است و حیازت آب به این وسیله سبب ملکیت او می‌شود و می‌تواند استفاده از آن به

هر قیمتی که با اشخاص تراضی کند واگذار نماید صورت دیگر آنست که اقدام او سبب انحصار استفاده باو شود در این صورت شرکت خصوصی یا فرد خاص حق این اقدام را

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۹

ندارد مگر با اجازه فقیه جامع الشرائط که با رعایت مصالح عامه در مدت معیّن و تحت ضوابطی که همه مقرون بصلاح رفاه عموم باشد و اجحاف و تضییع حق ضعفا نشود اقدام نماید صورت سوم این ستکه امکان برقراری تجهیزات متعدد فراهم باشد و بواسطه همین جهت شرکت‌ها و افراد رغبت به اقدام برای تأمین آب نداشته باشند و مردم در مضیقه باشند در این صورت ممکن است فقیه جامع الشرائط از وجوه شرعیه مثل زکات یا سهم مبارك امام علیه السلام اقدام نماید و سپس آب را به همان قیمتی که فراهم میشود در اختیار مردم قرار دهد.

### س ۱۵۶۱

- الف: در آپارتمانی ۵ طبقه زندگی می‌کنیم ساکنین طبقه ۵ ماههاست بعلت نبود پمپ‌آب و عدم فشار آب شهری در طول ۲۴ ساعت طوری است که کمتر از ۵ یا ۶ ساعت آن هم از نیم‌شب به بعد آب دارند. و هنگام پرداخت هزینه کارکرد آب به علت این که کل ساختمان صرفاً دارای یک کنتور آب می‌باشد از همه ساکنین به طور مساوی هر رقمی که سازمان آب اعلام می‌نمایند تقسیم نموده و دریافت میگردد.

۱- ساکنین طبقه‌های بالائی که طبعاً آب کمتری دارند و مصرف کمتر، اظهار می‌نمایند شرعاً به این تقسیم مساوات راضی نیستیم آیا دین شرعی برای طبقات زیرین که دائماً از آب بهره‌مند هستند مفروض است

۲- چنانچه رضایت طبقات فوقانی جلب نگردد تکلیف نماز و وضوی مهمانان قبلی طبقات زیرین، و خود ساکنین طبقات از حیث وضو و غسل چگونه است؟

### ج ۱

### اشاره

- در مورد سؤال ساکنین طبقات زیری نسبت به زیادی مصرف ضامن هستند. و الله العالم

ج ۲- نماز و وضوی مهمانان اشکال ندارد و همچنین وضو و نماز ساکنین طبقه‌های زیرین نیز اشکال ندارد ولی پول مصرف زائد را ضامن هستند. و الله العالم

### س ۱۵۶۲

### اشاره

- شخصی یک دستگاه رادیو از امور تربیتی جایزه گرفته است که این جایزه حق او نبوده حال با توجه به اینکه مدتها از آن زمان می‌گذرد تکلیف این

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۰

شخص برای جبران این گناه چیست آیا می‌تواند مقداری پول برابر با قیمت رادیو به حساب مدرسه‌سازی بپردازد در این صورت آیا قیمت فعلی رادیو باید محاسبه شود یا قیمت قبلی؟

ج

- در فرض سؤال باید عین رادیو را اگر باقی است و الّا مثل آن را به اداره مربوطه برگرداند.

س ۱۵۶۳

اشاره

- آیا دست‌فروشی در پیاده‌روها و مسیر عبور و مرور مردم جایز است؟

ج

- اگر موجب سدّ معبر مسلمین و مزاحمت با عبور اشخاص شود جایز نیست. و اللَّه العالم.

## تصرف در اموال دولت غیر اسلامی

س ۱۵۶۴

اشاره

- خوردن مال حکومت غیر اسلامی مثلًا (برق بدون کنتور و امثال آن) جایز است؟

ج

- اگر در حال حرب با دولت مذکور نباشند جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۵۶۵

اشاره

- برداشتن اجناس و وسائل قیمتی که در سرزمینهای غیر اسلامی و غیر مسلمان‌نشین پیدا می‌شوند اگر مورد احتیاج افراد مسلمان باشد و موجب سوء ظنّ نگردد چه حکمی دارند؟

### ج

- اگر تصرف در آن معرض سوء ظن دیگران به امانت و صحت عمل مسلمانان باشد به هر ترتیبی که در عرف آنها معمول است عمل شود، و الّا اشکال ندارد.

### س ۱۵۶۶

### اشاره

- عدم استفاده از بلیط در مترو و اتوبوس داخل شهری یا بین شهری و تصاحب بعضی از اجناس بشکل غیر قانونی در صورت نیاز به آنها و عدم استطاعت مالی در تهیه آن در بلاد کفر چه حکمی دارد؟ (قابل توجه است که درصد دزدیها محاسبه شده در فروشگاها روی قیمت اجناس برده می‌شود).

### ج

- مسلمانان در بلاد بیگانه طوری معاملات و معاشرت خود را قرار دهند که
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۱
موجب جلب اعتماد و حسن ظنّ آنها بمسلمین شوند و مسلمانان را صالح و درستکار و امین بشناسند.

## احتکار، واسطه‌گری و دلالی و گران‌فروشی و قاچاق کالا

### س ۱۵۶۷

### اشاره

- آیا احتکار از نظر شرع مقدس اسلام عملی حرام است یا مکروه؟

### ج

- احتکار در صورت اضطرار و احتیاج مردم و نبودن کسانی که بمقدار کفایت، اشیاء مورد احتکار را در اختیار مردم بگذارند حرام است و حبس طعام بمنظور بالا رفتن قیمت در صورتی که موجب اضرار بمردم نباشد و حوائج مردم بوسیله غیر محتکر تأمین شود مکروه است و اگر حبس طعام بخاطر صرف در احتیاجات شخصی خود حبس‌کننده باشد نه حرام است و نه مکروه. و اللّٰه العالم.

### س ۱۵۶۸

### اشاره

- آیا موضوع احتکار تنها منحصر به کالاهای مذکور در روایات می‌باشد یا اینکه شامل تمام نیازمندیهای مردم است؟

### ج

- احتکـار محقق می‌شود به حبس گنـدم و جو و خرمـا و مویز و روغن، و همه آنچه که موجب نیاز ضـروری عامه است و فقـدان یا کمی آن موجب اختلال در معیشت مردم و نظام حیات اقتصادی آنان است ملحق به طعام است. ذکر این مطلب لازم است که جایز نیست محتکر را مجبور به فروش اجناس خود به قیمت معینی کننـد بلکه حق دارد بقیمتی که می‌خواهد بفروشد مگر در صورتی که بخواهد اجحاف کند که حاکم شـرع جامع الشـرائط او را مجبور به ترک اجحاف می‌کند بدون اینکه قیمتی و نرخی برای اجناسـش تعیین کند و اگر امتناع کرد حاکم شرع نرخ تعیین می‌کند نرخی که در آن اجحاف بر خریداران نباشد. و اللَّه العالم.

### س ۱۵۶۹

### اشاره

- کسانی هستند که واسطه می‌شوند و جنس دولتی را گرانتر از نرخ دولتی به دیگران می‌فروشند، این کار حرام است یا خیر؟

### ج

- فروش اجناس دولتی به قیمت گرانتر از قیمت تعیین شده جائز نیست.
و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۲

### س ۱۵۷۰

### اشاره

- فروش بعضـی از داروهـا منحصـراً با تجویز و نسـخه پزشک صورت می‌گیرد که فروش آنها بـدون نسـخه از نظر قانونی منع دارد، برخی نیـاز به نسـخه پزشک نـدارد و می‌توان آنها را بـدون نسـخه به بیمار داد. قسـمتی دیگر از داروها مخـدّر است و فقط معتادین اسـتفاده می‌نماینـد و در کـل موارد یـاد شـده، بصورت سـهمیه به داروخانه‌هـا تحویـل می‌گیرد و بایـد به نرخ دولتی در اختیار مردم گذاشته شود. آیا می‌توان آنها را در بازار آزاد به قیمت خیلی بالاتر و در اختیار معتادین با قیمت گران قرار داد یا خیر؟

ج

- در صورتی که با داروخانه شرط شده باشد که به نرخ دولتی و طبق قانون توزیع شود و صاحب داروخانه قبول کرده باشد تخلّف از آن جایز نیست و در صورت تخلّف طرفی که شرط کرده می‌تواند معامله را فسخ نماید. و اللَّه العالم.

س ۱۵۷۱

اشاره

- اگر برای حلوا درست کردن مثلًا ۳ کیلو آرد از نانوائی بخریم آیا اشکال دارد؟

ج

- اگر آرد را دولت به نانوا فروخته و شرط کرده که آن را نان کند و به مردم بدهد بر نانوا فروختن آن جائز نیست و مردم هم نباید آرد را از نانوا بخرند.

س ۱۵۷۲

اشاره

- اجناسی که به قیمت دولتی خریداری می‌شود اگر کسی آنها را در بازار آزاد به قیمت گران بفروشد چه حکمی دارد؟

ج

- این امر بستگی به مقرّرات دولت دارد. و اللَّه العالم

س ۱۵۷۳

اشاره

- این جانب کارگری هستم در یک پمپ‌بنزین مشغول کار هستم کارفرما جنسهایش را از دولت خریداری می‌کند و با دولت قرارداد بسته که جنس آنان را با نرخی که دولت تعیین می‌کند به فروش برساند اما به بنده دستور می‌دهد که از قیمت دولتی گرانتر بفروشم من هم به گفته کارفرما جنسها را از نرخ دولتی گرانتر به فروش می‌رسانم آیا بنده نیز در این مورد مسئولیتی دارم یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال، بر شما جایز نیست به دستور کارفرما اجناس را گرانتر از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۳
نرخ دولتی بفروشید ولی به قیمت مصوب هم بدون اجازه کارفرما حق فروش ندارید. و اللَّه العالم

**س ۱۵۷۴**

**اشاره**

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۱۲۳
بعضی از تجّار ایرانی جنسهایی به عنوان تجارت از طریق بنادر به ایران وارد می‌کنند در صورتی که از نظر گمرک این اجناس مرجوعی تشخیص داده شوند به علّت عدم ارجاع آنها در بندر، متروکه باقی می‌ماند. گمرک آنها را بعد از مدتی در معرض فروش قرار می‌دهد آیا خرید و تصرف در این چنین جنسها جایز است یا خیر؟ (در ضمن رضایت و عدم رضایت تاجر معلوم نمی‌باشد).

**ج**

– خرید جنس باید با رضایت مالك شرعی آن باشد بلی اگر یقین حاصل شود که مالك از آن باختیار اعراض کرده تصرّف در آن جایز است. و اللَّه العالم.

**س ۱۵۷۵**

**اشاره**

– وارد کردن کالاهائی که دولت ممنوع کرده با پرداخت رشوه به مأمور گمرک برای ورود چنین کالائی جایز است؟

**ج**

– در این مورد طبق مقررات جمهوری اسلامی عمل شود.

**س ۱۵۷۶**

**اشاره**

- خریدن و تصرف در اشیاء مصادره شده توسط نیروهای انتظامی یا گمرک و سایر نهادهای دولتی جایز است؟

ج

- اگر مشروع بودن مصادره محرز نباشد جایز نیست. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۵

مراسم و مجالس مذهبی

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۷

## مراسم و مجالس مذهبی

### مداحی و نقالی

#### س ۱۵۷۷

#### اشاره

- نظر شرع را در مورد نقالی بیان فرمائید.

ج

- نقّالی اگر نقل صحیح تاریخ زندگی و اخلاق و سیره انبیاء عظام و ائمه طاهرین علیهم السلام باشد اشکالی ندارد بلکه مفید و مستحب است ولی اگر از روی شمایل و نقش باشد همان ذهنیت‌های غیر واقعی را در اذهان ترسیم می‌نماید و در بعضی موارد خلاف ادب و احترام می‌شود. و اللَّه العالم

#### س ۱۵۷۸

#### اشاره

- برخی از ذاکرین در مدائح اهل بیت علیهم السلام تعبیراتی را بکار می‌برند که بنظر می‌رسد با شأن اهل بیت علیهم السلام منافات دارد، آیا بکار بردن اینگونه الفاظ چه صورت دارد؟

ج

– باید از بهترین مدایح که مشتمل بر مضامین صحیح و اقتباس از آیات و احادیث و نکات شعری ادیبانه و دور از غلو است، استفاده شود.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۸

### جشن‌های مذهبی و مجالس مولودی

**س ۱۵۷۹**

**اشاره**

– آیا دست زدن در مجالس مولودی ائمه اطهار (ع) جایز است و همچنین اگر در هنگام دست زدن، بدن و شانه‌ها با ریتم شعر تکان بخورد، چه حکمی دارد؟

**ج**

– لهو است و اشکال دارد و مخصوصاً اشکالش در صورت دوّم بیشتر است و مشابه مجالس رقص و سماع بعض فرق باطله است و علاوه با احترام و قداست این مجالس عزیز مناسب نیست و معلوم نیست این چه گرایشی است که بعضی به امور لهویه و ملاهی پیدا کرده‌اند و چه شیطانی پشت ترویج این حرکات است.

**س ۱۵۸۰**

**اشاره**

– چند صباحی است که در ایام موالید ائمه اطهار علیهم السلام مجالس با شکوه و با عظمتی جهت سرور و شادباش می‌گیرند، امّا در مجالس زنانه، خانم جلسه زنان حاضر در جلسه مکلف می‌کند که برخیزند و برقصند تا این که حاجت خویش را بگیرند زیرا استدلالشان این است که خود ائمه به ما گفته‌اند در شادی ما شاد و در غم ما غمناک باشید.

**ج**

– رقص زن فقط برای شوهر به تنهائی جایز است و در سایر موارد حرام می‌باشد، و خوشنودی ائمه اطهار سلام اللّه علیهم اجمعین با عمل حرام انجام نمی‌گیرد و آنچه فرموده‌اند یفرحون لفرحنا مقصود این نیست که مجلس معصیت گرفته شود و اعمال خلاف شرع در آن صورت بگیرد کما آن که سیره افراد لاابالی و غیر متشرع در مجالس چنین است خداوند متعال گویندگان و شنوندگان را به آنچه وظیفه شرعی آنهاست هدایت فرماید تا با برداشت غلط از آیات و روایات موجبات اضلال مردم را فراهم ننمایند.

**س ۱۵۸۱**

#### اشاره

- در مجالسی که به عنوان تولی و تبری برای خشنودی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برگزار می گردد چنانچه در مجلسی که فقط بانوان شرکت دارند و صدای آنان به نامحرمان نرسد بخوانند و برقصند چگونه است؟

#### ج

- در مورد سؤال رقصیدن اشکال دارد و خوانندگی هم اگر غنا باشد حرام است و اگر غنا نباشد مانعی ندارد و کف زدن اگر به نحو لهوی باشد اشکال دارد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۹

مجالسی که به عنوان تولی و تبری برگزار می‌شود هرچه از محرمات و مشتبهات منزه باشد اولی است.

### س ۱۵۸۲

#### اشاره

- معمولًا در مراسم عید الزهراء سلام اللّه علیها کف زدن و پایکوبی و رقص را مستند بحدیث رفع القلم می‌دانند آیا صحیح می‌باشد؟

#### ج

- عید الزّهراء با سائر ایّام در این جهت فرقی ندارد و مورد رفع القلم نیست.

### س ۱۵۸۳

#### اشاره

- شرکت در مراسمی که بعنوان جشن ولادت ائمه معصومین علیهم السلام جهت شادی به کف زدن و دست زنی نسبتاً شدید مشغول میشوند چه حکمی دارد؟

#### ج

- اگر کف زدن با نحوه خاصی که تناسب با مجالس لهو دارد انجام شود جایز نیست و شرکت در آن مجلس هم جایز نیست بنحو

کلی در اینگونه مراسم مناسب است به ذکر مدایح ائمه علیهم السلام بپردازید که هم موجب سرور است و هم ثواب و نیز یادآوری فضائل آن بزرگواران که موجب تشدید محبّت و ولایت و بالنتیجه تکمیل معرفت خواهد شد و دست زدن بر خلاف شأن اینگونه مجالس است علاوه بر اینکه ممکن است تدریجاً امور دیگری هم که قطعاً جایز نیست در این مجالس وارد شود.

### س ۱۵۸۴

#### اشاره

- ساز و دهل (و ساز نقاره) در روز تولد یکی از ائمه اطهار یا در جشن عروسی جایز است یا نه؟

#### ج

- استفاده از آلات مذکوره در هیچ روزی جایز نیست.

### س ۱۵۸۵

#### اشاره

- گوش دادن به نوار موسیقی در روز تولد ائمه اطهار یا در جشن عروسی اشکال دارد یا نه؟

#### ج

- در موارد مذکوره و غیر آن مطلقاً حرام است.

### س ۱۵۸۶

#### اشاره

- در مراسم تولد یا رحلت ائمه اطهار آیا زدن نی اشکال دارد یا نه؟

#### ج

- در موارد مذکوره و غیر آن مطلقاً حرام است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۰

## عزاداری

### روضه‌خوانی

#### س ۱۵۸۷

**اشاره**

- این جانب به عنوان روضه‌خوان در مجالس مطالب و روایت‌ها را علی الخصوص ذکر مصیبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را بیشتر از کتاب طریق البکاء ایراد می‌کنم کتاب مذکور تا چه حدّ معتبر و روایت‌های آن صحیح است؟

**ج**

- کتاب طریق البکاء مشتمل بر ضعاف است جهت ذکر مصائب اهل بیت عصمت علیهم السلام خوب است از کتب مرحوم محدث قمی مثل منتهی الآمال و نفس المهموم که به فارسی هم ترجمه شده و مثل قمقام ذخّار و ابصار العین که آن هم ترجمه شده استفاده شود. و اللّٰه العالم

#### س ۱۵۸۸

**اشاره**

- به نظر حضرتعالی خواندن اشعار بی‌معنا و مفهوم توسط افرادی در مجالس عزاداری ائمهٔ علیهم السلام چه حکمی دارد؟

**ج**

- در صورتی که لغو و بی‌فایده باشد از آن اجتناب شود.

#### س ۱۵۸۹

**اشاره**

- روضه‌خوانی زنان در مجالس زنانه چگونه است؟

**ج**

- روضه‌خوانی زنان در مجالس زنانه در صورتی که نامحرم صدای آنها را نشنود مانعی ندارد. و اللّٰه العالم

### لباس عزا

س ۱۵۹۰

اشاره

- پوشیدن لباس سیاه رنگ در عزاداری ایام محرّم و صفر چگونه است (آیا کراهت دارد؟)

ج

- بعنوان عزا و اظهار حزن در مصیبت اهل بیت علیهم السلام رجحان دارد.

س ۱۵۹۱

اشاره

- در ایام محرم و صـفر که شخصی لباس مشکی پوشیده آیا اگر با همین لباس نماز بخواند و چون به منظور امام حسین (ع) پوشیده است بازهم برای نماز کراهت دارد؟

ج

- چون بعنوان اظهار حزن پوشیده و از این جهت دارای رجحان است ممکن است در مورد سؤال کراهت آن مرتفع شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۱

س ۱۵۹۲

اشاره

- آیا به نظر جنابعالی پیراهن سفید در ماه محرم پوشیدن مورد اشکال است؟

ج

- اگر به قصد اعراض از عزاداری سیّد الشهداء علیه السلام نباشد اشکال ندارد.
و اللَّه العالم

زنجیرزنی و سینه‌زنی

س ۱۵۹۳

اشاره

– نظر به اینکه روش جمعی از محبین و شیفتگان عزاداری حضرت ابا عبد اللَّه الحسین علیه السلام عزاداری بنحو سنتی اعم از سینه زدن و زنجیر زدن بوده و می‌باشد اخیراً بعضی در زدن زنجیر شبهه کرده‌اند نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

ج

– ان للحسین علیه السلام حرارهٔ مکنونهٔ فی قلوب المؤمنین لا تبرد أبداً سینه زنی و زنجیر زنی در عزای سید مظلومان حضرت أبی عبد الله الحسین سید الشهداء علیه السلام از شعائر مذهبی است و موجب احیاء حقّ و زنده نگهداشتن مراسم عاشورا یعنی بهترین و والاترین جلوه جهاد فی سبیل اللَّه و فداکاری و جانبازی بندگان صالح خدا مخصوصاً حضرت امام حسین و اهل بیت بزرگوارش علیهم السلام و قیام آنان در برابر باطل بگونه‌ای که ابعاد آن قیام الهی فوق حدّ تصور است می‌باشد چنانچه عزاداری بصورت نوحه‌خوانی و گریه کردن و گریاندن بسیار مطلوب و مرغوب و موجب اجر و مورد تأکید ائمه اهل بیت علیهم السلام است.

### س ۱۵۹۴

اشاره

– اگر فردی طوری سینه یا زنجیر بزند که بدنش کبود یا قرمز بشود آیا باید کفاره بدهد؟

ج

– اگر ضرر معتد به برای بدن نداشته باشد در عزای حضرت سید الشهداء علیه السلام مانعی ندارد.

### س ۱۵۹۵

اشاره

– زدن زنجیر بطوری که پشت انسان سیاه شود در عزاداری چگونه است، حمل عَلَم در دسته‌ها که هم گران قیمت است و هم از نظر وزن سنگین

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۲

است چه صورت دارد؟

ج

– در مراسم عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام اشکال ندارد و حمل علم بعید نیست از تعظیم شعائر محسوب شود و بی‌اشکال باشد.

### س ۱۵۹۶

**اشاره**

- حکم جرح و سرخ شدن بدن در عزاداری برای حضرت سیّد الشهداء و معصومین (ع) چگونه است؟

**ج**

- سرخ شدن بدن و مجروح شدن آن در صورتی که عرفاً قابل تحمل باشد اشکال ندارد.

**س ۱۵۹۷**

**اشاره**

- آیا سینه زدن عزاداران حسینی با سینه لخت جایز است؟

**ج**

- اگر در معرض دید زنان نامحرم نباشد اشکال ندارد. و اللَّه العالم.

**س ۱۵۹۸**

**اشاره**

- همان‌طور که مستحضرید در بعضی از دسته‌های عزاداری آقای امام حسین علیه السّلام، گروهی از زنان پشت سر دسته در کوچه و خیابان حرکت می‌کنند نظر جنابعالی در مورد این موضوع چیست؟

**ج**

- با توجّه باینکه وجوب مثل نماز جمعه از بانوان ساقط است و یکی از حکمتهای آن حضور نیافتن در این مجامع عمومی است اگر بانوان همراه دسته‌جات نباشند به سفارشات اسلامی نزدیکتر است و اگر حضور آنها معرض مفسده و نظر اجانب باشد جایز نیست. و اللّه العالم

**تعزیه**

**س ۱۵۹۹**

**اشاره**

- به مناسبت ایام محرم و صفر و ایام وفات و شهادت ائمه اطهار علیهم السلام مراسم تعزیه برگزار می‌شود و این مراسم به نحوی است که بعضی افراد نقش امام معصوم یا نقش شخصیتهایی برجسته مثل حضرت عباس علیه السلام را اجرا می‌کنند و در بعض

تعزیه‌ها کسانی که این نقشها را به عهده می‌گیرند دارای اخلاق و سابقه درخشانی نیستند فقط به جهت اینکه خوب برنامه اجرا می‌کنند آن نقش را بعهده می‌گیرند، نظر مبارک را نسبت به اصل

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۱۳۳

موضوع و اینکه نقش امام معصوم را به نمایش می‌گذارند بیان نمائید؟

ج

- بطور کلی تعزیه‌خوانی چنانچه مشتمل بر محرمات نباشد اشکال ندارد. و درخشان بودن سابقه تعزیه‌خوان شرط نیست ولی اگر سوء سابقه خصوص سوء حال فعلی عرفاً توهین باشد نباید آن اشخاص مجری باشند و اصولًا مناسب این است که عزاداری حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام به صورت مجلس روضه‌خوانی برگزار شود تا سخنرانان عالم و وعاظ و روضه‌خوانهای متعهد ضمن ذکر مصائب آن بزرگواران با ذکر فضائل و مناقب و تاریخ زندگی ایشان و بیان احادیث و احکام و تبلیغ معارف اسلام و دفع بدع و شبهات، مردم را آگاه و به مکتب اهل بیت علیهم السلام هدایت و ارشاد نمایند.

## آلات لهو در عزاداری

### س ۱۶۰۰

#### اشاره

- استفاده از وسائلی چون طبل، سنج، دوهل و بعضا نی، و دستگاههای دیگر چه حکمی دارد؟

ج

- به مسأله ۲۸۳۳ توضیح المسائل مراجعه فرمائید. و اللّه العالم

### س ۱۶۰۱

#### اشاره

- استفاده از انواع علم‌ها؟ و چلچراغها در دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج

- فی حدّ نفسه اشکال ندارد ولی در همه امور رعایت اعتدال و میانه‌روی خوب است و باید عمده نظر به حقایق قیام بزرگ حسینی علیه السّلام و گرفتن درس دین‌داری و فداکاری برای دین و ثواب عزاداری و تعظیم شعائر باشد. و اللّه العالم

### س ۱۶۰۲

#### اشاره

- نظر مبارك راجع به طبل و سنج جهت هماهنگ نمودن سينه و زنجير زدن در عزاداری ماه محرم چيست؟

#### ج

- مراسم عزاداری حضرت سيد الشهداء عليه السلام كه به صورت مجالس روضه و سخنرانی و حركت هيئتهای عزا برگزار می‌شود از شعائر بزرگ مذهب و موجب احياء آثار اهل بيت عليهم السلام و از علائم شعور دينی و تبلور احساسات مذهبی است بايد مظاهر آن مظاهر ايمانی بوده و هر چه از آلايش استعمال اين

جامع الاحكام، ج ۲، ص: ۱۳۴

وسائل و آلات منزه‌تر باشد و ساده و بی‌پيرايه‌تر برگزار شود شكوه معنوی آن برتر و جلوه‌های آموزنده آن بيشتر می‌شود اين پيرايه‌ها و آلايش‌ها خصوصاً استفاده از آلات لهو كه شرعاً ممنوع است از حال عزا و سوگواری و توجه به مفاهيم بلند و آموزنده اين مراسم مانع می‌شود اميد است در برگزاری اين شعائر همگان موفق و مشمول عنايات خاصه حضرت بقيةُ اللَّه ارواح العالمين له الفداء باشند.

جامع الاحكام، ج ۲، ص: ۱۳۵

راديو و تلويزيون

جامع الاحكام، ج ۲، ص: ۱۳۷

## راديو و تلويزيون

### [أحكام راديو و تلويزيون

#### س ۱۶۰۳

#### اشاره

- نظر شما درباره برنامه‌های تلويزيون و راديو چيست؟

#### ج

- برنامه‌ها مختلف است بعضی از آنها اسلامی و بی‌اشكال است مثل برنامه‌های قرآنی و اذان و اخلاقيات و سخنرانيهای مذهبی كه اشخاص شناخته شده و مورد اعتماد ايراد می‌نمايند و خلاصه آنچه در چهارچوب تعاليم اسلام موجب تقويت وجدان دينی و معرفت و آگاهی افراد بجريانهای سياسی و دامهای ابليسی و انحرافی دشمنان اسلام باشد و سبب شناخت بيشتر انسان نسبت به دين و زندگی سالم و آزاد و ترقی دنيا و آخرت و اينگونه امور گردد و حس استقلال اسلامی و فروتن نبودن در برابر كفار و مستكبرين را تقويت نمايد چنان كه برنامه‌های خبری و علمی آن نيز اشكال ندارد و كلا آنچه در مسير تربيت و توسعه بينش افراد باشد مفيد است لكن بايد از بخشهائی از آن كه متضمن غنا و ساز و آواز و استعمال آلات طرب و به اصطلاح موسيقی و لو سنتی باشد

اجتناب نمود.

### س ۱۶۰۱

#### اشاره

– نگاه کردن به فیلمها و صحنه‌های تلویزیون و ویدئو که جز اتلاف
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۸
وقت فایده‌ای بر او نیست آیا جایز است یا داخل در «عمره فی ما أفناه» می گردد؟

#### ج

– این فیلمها اگر قبیح و موجب فساد و اختلاف باشند مسلماً پخش آنها و نظر به آنها حرام است و بقیه هم اگر ضرری جز اتلاف وقت و عمر عزیز نداشته باشند برای اینکه شخص عاقل خود را به آن مشغول نکند و بیهوده عمر را تلف ننماید و مداومت و استمرار و اعتیاد به آن پیدا نکند برای لزوم اجتناب از آن کافی است و یکی از مواردی که بر حسب بعض احادیث روز قیامت انسان به غبن خود آگاه میشود از آن روز یوم التغابن نامیده شده همین ساعات عمر است که می‌بینید بی‌حاصل از دستش رفته است و مصداق «ان الانسان لفی خسر» شده است.

### س ۱۶۰۵

#### اشاره

– آهنگهایی که از تلویزیون و رادیو و پخش می‌شود و همچنین فیلمهای خارجی که زنان با سرهای باز و لباسهای ناجور بازی می کنند آیا تماشای این فیلمها اشکال دارد یا خیر؟ و همچنین سرودهایی که از تلویزیون و رادیوپخش می گردد؟

#### ج

– چون آهنگهای مورد سؤال نوعاً لهو محسوب می‌شود حرام است و همچنین نظر به فیلمهای مذکور و سائر فیلمهای مبتذل جایز نیست و سرودها اگر به الحان غنا خوانده شود نیز حرام است.

### س ۱۶۰۶

#### اشاره

- گوش دادن به دکلمه زن که از رادیوی جمهوری اسلامی یا نوار مشابه آن پخش می گردد چگونه است؟

**ج**

- اگر موجب تحریک و خلاف شرع نشود مانعی ندارد.

**س ۱۶۰۷**

**اشاره**

- نظر کردن خانمها به فیلمهای ورزشی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود بویژه در ورزش کشتی و شنا که اکثر بدن مردان نمایان است چگونه است؟

**ج**

- جائز نیست.

**س ۱۶۰۸**

**اشاره**

- سرودها و موسیقی‌هائی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود بـا مجوز وزارت و ارشاد اسلامی و با نامعلوم بودن آلات لهوشان چه حکمی دارد؟

**ج**

- موسیقی مطلقاً حرام است و سرودها اگر غنا نباشد اشکال ندارد و مجوّز مذکور تأثیری در ملاک حرمت ندارد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۹

**س ۱۶۰۹**

**اشاره**

- حکم سرودها و موسیقی‌هائی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود چیست؟ غناء مطربیّت شخصی است یا نوعی؟

ج

- در صورتی که همراه موسیقی و یا مشتمل بر غناء باشد جائز نیست و مطربیّت نوعی است. و اللَّه العالم

س ۱۶۱۰

اشاره

- آیا خریدن تلویزیون برای استفاده در منزل مجاز است یا خیر؟

ج

- اگر خرید تلویزیون برای استفاده از منافع حلال آن باشد مانعی ندارد ولی استفاده محرم از قبیل موسیقی و غنا از آن جایز نیست. و اللَّه العالم

فیلم و سینما

س ۱۶۱۱

اشاره

- آیا فعالیت در سینما و تلویزیون شرعاً مانعی ندارد؟

ج

- چنانچه عملی که انجام می‌دهد خلاف شرع نباشد مانعی ندارد. و اللّه العالم

س ۱۶۱۲

اشاره

- مردانی که نقش زنان کفار را به نمایش میگذارند میتوانند لباس زنانه بپوشند؟

ج

- نمیتوانند.

**س ۱۶۱۳**

**اشاره**

- نشان دادن چهره کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و سایر ائمه علیهم السلام در حالات زیر چه حکمی دارد؟

الف: نشان دادن چهره کامل بدون هیچ‌گونه تغییر در چهره‌پردازی (چهره بازیگر بدون گریم کردن و تغییر در نقش ائمه)

ب: نشان دادن چهره کامل همراه با گریم، به گونه‌ای که تماشاگر با کمی دقت مصنوعی بودن آن را بفهمد.

ج- استفاده از اشخاصی که در تمام مدت بازیگری خود فقط نقش ائمه علیهم السلام را بازی کنند.

د: استفاده از بازیگرانی که فقط نقشهای مثبت را بازی می‌کنند.

**ج**

- نشان دادن چهره حضرت زهرا علیها السلام اهانت به آن حضرت است و باید ترک شود و نشان دادن چهره حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین صلوات اللّه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۰

علیهم اجمعین چون حاکی از چهره واقعی آن بزرگواران نیست و به اختلاف کسانی که خود را شبیه ایشان می‌نمایند چهره‌های گوناگون که بسا برخی از آنها نامناسب است ارائه می‌شود و اشخاصی که در نقش شبیه آنها عمل می‌کنند گاه در بین مردم اعتبار اخلاقی ندارند و حتی ممکن است اشخاصی باشند که سوابق خوبی در جامعه ندارند و خلاصه به جهات متعدّد که در اینجا مجال شرح آن نیست موجب اهانت و تحریف بعضی حقایق می‌شود لذا مورد تجویز نیست. و اللّه العالم.

**س ۱۶۱۴**

**اشاره**

- شرایط افرادی که میتوانند در نقش ائمهٔ علیهم السلام ایفاء نقش نمایند چیست؟

**ج**

- باید طوری باشد که باعث توهین به آن بزرگواران نشود.

**س ۱۶۱۵**

### اشاره

– کسانی که نقش کفار را ایفاء میکنند (با توجه به سؤال قبل) آیا باید دارای همان شرایط باشند یا اینکه هر کسی بدون قید و شرط میتواند در نقش کفار باشد و لو از نظر اجتماعی وجیه نباشد؟

### ج

– بملاحظه کفار شرط خاصی ندارد باید مسلمان شرائط و تکالیف اسلامی را رعایت نماید و مواظب باشد که این برنامه‌ها موجب ترویج فساد و اخلاق کفار در بین مسلمین نشود.

### س ۱۶۱۶

### اشاره

– بازی افراد در نمایشها و فیلمها در نقش زن و شوهر و خواهر و برادر و دیدن آنها را جایز می‌دانید یا خیر؟

### ج

– هرگاه اجنبی از یکدیگر و غیر محرم باشند جایز نیست و دیدن آنها بستگی بنحوه پوشش آنها دارد.

## رادیوهای بیگانه

### س ۱۶۱۷

### اشاره

– به نظر حضرتعالی نشر اخبار مستمعه از رادیوهای خارجی که بر ضد حکومت اسلامی تبلیغ می‌کنند در بین مردم عادی چه حکمی دارد؟

### ج

– نشر اخباری که موجب ضعف نظام اسلامی می‌باشد جائز نیست.

### س ۱۶۱۸

### اشاره

– اشخاصی هستند که هرچه از رادیوهای بیگانه می‌شنوند قبول
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۱
می‌کنند و برای کسان دیگر هم نقل می‌نمایند، لازمه پاسخگوئی به این افراد گوش دادن به رادیوهای بیگانه است، آیا گوش دادن به منظور پاسخگوئی جائز است؟

### ج

– بمنظور پاسخ‌گوئی و رفع اشتباه دیگران جایز است.

### س ۱۶۱۹

### اشاره

– استفاده مطالب تاریخی و سیاسی از رادیوهای بیگانه جائز است یا خیر؟ زیرا بعضاً دروغ یا تحریف شده می‌باشد و گاهی همراه با آهنگ می‌باشد.

### ج

– در صورتی که مشتمل بر آهنگ یا تبلیغات سوء و منحرف باشد جائز نیست. و اللّٰه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۳
ورزش
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۵

## ورزش

### مسابقات ورزشی و تماشای آن

### س ۱۶۲۰

### اشاره

– ورزش «فوتبال- والیبال» و غیره که برد و باختی در میان نیست صرف ورزش است چه حکمی دارد؟

ج

- صرف ورزش که مشتمل بر فعل محرّم نباشد اشکال ندارد.

س ۱۶۲۱

اشاره

- در بسیاری از کشورها ورزش و بازی، از ارزش بیش از حد برخوردار می‌باشد و در نتیجه جوانهای ما هم برای درآمدی بیشتر و همچنین برای مقبولیت در جامعه می‌خواهند فقط ورزشکار بشوند- آیا رفتن بچه‌های مسلمان به اماکنی برای گذراندن تمام وقت در لهو و لعب بنام ورزش به مصلحت اسلام و مسلمین می‌باشد.

ج

- بدیهی است مصلحت اسلام و مسلمین نیست و اشتغال به ورزش زاید بر آنچه برای سلامت جسم مفید است لهو یا لغو است و بحکم «وَ الَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» مؤمن از آن خودداری مینماید و بهر حال اینگونه اعمال با
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۶
توجه بتعالیم اسلامی و تربیتی که منظور این دین حنیف است اگر حرام نباشد قطعاً مذموم و مکروه است.

س ۱۶۲۲

اشاره

- تماشای برنامه‌های ورزشی که از تلویزیون پخش می‌شود با توجه به لباسی که بازیکنان پوشیده‌اند (قسمت‌هائی از اندام پوشیده نیست) برای خانمی که به سن تکلیف رسیده چه حکمی دارد؟

ج

- چون این گونه برنامه‌ها معرض تهییج و مظفر ریبه و التذاذ است، تماشای آن برای خانمها محل اشکال است خداوند تعالی همه را از شرور و فتن و مصائد و مکاره شیطان حفظ فرماید. و اللّه العالم

س ۱۶۲۳

اشاره

- بفرمایید برای ورزشکار مسلمان و متعهد چگونه لباسی مناسب است؟

### ج

- مناسب با ادب و شرف و حیا و وقار مسلمان در لباس ورزشی این است که بطوری که معمول شده کوتاه نباشد و علاوه بر قسمتهای بالای بدن بین ناف و زانو را هم بپوشاند. (ما بین السرة و الرکبة عورة)

### س ۱۶۲۴

### اشاره

- تبلیغات بیش از حد، بسیاری از جمله دختران را به سوی فوتبال و جمع‌آوری عکسهای فوتبالیستها و نصب آنها در منازل کشانده و اثرات نامطلوبی را از نظر تحصیلی و الگودهی داشته و در برخی موارد موجب بروز برخی منکرات در جامعه گردیده است ارشاد حضرتعالی در این زمینه چیست؟

و نگاه کردن زنان به صحنه‌های ورزشی مانند شنا و کشتی و ... چه می‌باشد؟

### ج

- متأسفانه نسبت به این امور بیش از حد تشویق و ترغیب می‌شود و عواقب سوء و آثار منفی بسیار دارد از جمله اثرات نامطلوبی که در سؤال ذکر کرده‌اید و آثار نامطلوب دیگر و فعلًا بصورت سرمایه پرسودی برای عده‌ای شده است. و نگاه کردن زنان هم به این گونه صحنه‌ها با توجه به عوارض قطعیه نامناسبی که دارد جایز نیست و خانواده‌های متدین از آن خودداری می‌کنند و اگر وضع، بشکل کنونی پیش برود شاید در مدتی نه چندان دور، ورزش بانوان هم به صورت غیر مشروع و مفسد اخلاق جامعه امری عادی و متعارف شود و هیچ‌کس هم اعتراض نکند خداوند همه را از شرور و فتن آخر الزمان محفوظ فرماید.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۷

### س ۱۶۲۵

### اشاره

- در مسابقه‌ای که شرطبندی جایز است (مثلًا تیراندازی) مبلغ شرط برای بازنده سنگین است و او را دچار مشکل می‌کند آیا عمل به شرط لازم است؟

### ج

- در موردی که عقد سبق و رمایه دارای شرائط صحت باشد وفا بشرط لازم است.

### س ۱۶۲۶

### اشاره

- در مسابقاتی که امروزه کاربرد نظامی دارند، از قبیل موتور سواری در صحرا آیا شرط برد و باخت جایز است؟

### ج

- جواز آن محلّ تأمّل است ولی حکومت می‌تواند برای برنده این مسابقات جوائزی قرار دهد.

### س ۱۶۲۷

### اشاره

- خریدوفروش عکسهای ورزشی چه حکمی دارد ضمناً برخی از این عکسها رنگی و با شورت می‌باشند راهنمایی لازم را مبذول فرمائید و آیا سود حاصله از ورزش حلال است؟

### ج

- خرید و فروش آن عکسها اگر موجب ترویج فساد و انحراف اخلاق نگردد حرام نیست ولی برای افرادی که نگاه کردن به آنها موجب تحریک می‌شود نگاه کردن جایز نیست اما سزاوار است مؤمنین از ترویج و نشر اینگونه عکسها که موجب سرگرمی جوانان مسلمان به مسائل کم ارزش و دوری آنها از اهداف مقدس اسلامی و رشد و پیشرفت جامعه اسلامی می گردد خودداری نمایند. و اللّه العالم

### س ۱۶۲۸

### اشاره

- در بعضی مسابقات مخارج تهیه وسایل بازی از قبیل توپ و جایزه از بازیکنان دریافت می‌شود. دریافت مخارج جایزه از بازیکنان توسط برگزار کنندگان مسابقات چه حکمی دارد؟

ج

– در صورتی که فقط بازی کنندگان مخارج اعطاء جوایز را خودشان می‌دهند صورت قمار و برد و باخت دارد و حرام است.

س ۱۶۲۹

اشاره

– در شهری یکی از ورزشهای جایز، معمولًا با شرط برد و باخت انجام می‌شود (یعنی به صورت حرام) انجام این بازی در آن شهر و شهرهای
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۸
دیگر بدون این شرط چه حکمی دارد؟

ج

– اگر انجام آن بدون برد و باخت حلال باشد اشکال ندارد.

س ۱۶۳۰

اشاره

– در شهری یک بازی را بازیکنان معمولًا مقارن با یک کار حرام می‌نمایند. این بازی در آن شهر چه حکمی دارد؟

ج

– اگر عملی حلال باشد مقارن واقع شدن آن با عمل حرام در صورتی که بهم مربوط نباشند و عمل حلال مقدمه یا ملازم عمل حرام نباشد اشکال ندارد.

س ۱۶۳۱

اشاره

– در بعضی مسابقات، تماشاگران بر روی برد و باخت بازیکنان شرطبندی می‌کنند این عمل چه حکمی دارد؟

ج

- جایز نیست.

### س ۱۶۳۲

#### اشاره

- بر فرض مذکور در سؤال قبل آیا بازیکنان در صورت اطلاع لازم است بازی خود را ترک کنند؟

ج

- بر آنها ترک بازی در صورتی که حلال باشد واجب نیست.

### س ۱۶۳۳

#### اشاره

- بازی دو نفر نامحرم چه حکمی دارد؟

ج

- چون در بیشتر موارد معرض ریبه و فساد است حرام است و بطور کلّی مسلمان متّقی و متعهّد مطلقاً اختلاط با نامحرم پرهیز می‌نماید.

### س ۱۶۳۴

#### اشاره

- مسابقه دو نفر نامحرم: در یک ورزش که حرکات تند ندارد، طرفین تماس با هم ندارند و نگاه لذت نمی‌کنند، مثلًا مسابقه تیراندازی چه حکمی دارد؟

ج

– همان طور که گفته شد اگر مورد حلال برای این اعمال فرض شود این برنامه‌ها با سنن و آداب اسلامی در ارتباط مردان با زنان سازگار نیست و غالباً انگیزه آن شکستن سنن اسلامی و افکار شیطانی است و در جامعه اسلامی این برنامه‌ها زمینه وقوع ندارد.

### س ۱۶۳۵

### اشاره

– شرکت در مسابقاتی که حریف در آن از کشور دشمن مسلمین
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۹
می‌باشد و انجام مسابقه به منزله رسمیت دادن به آن کشور است، چه حکمی دارد؟

### ج

– اگر مسلمانان بطور متعارف رسمیت آن کشور را نپذیرفته باشند یا اصلًا آن را غاصب و غیر قانونی بدانند مسابقه با آن حریف جائز نیست.

### س ۱۶۳۶

### اشاره

– مسابقات علمی نظامی با شرط برد و باخت چه حکمی دارد؟

### ج

– اگر جایزه را حکومت یا شخص ثالثی بدهد که بین بازیکنان برد و باخت نباشد بی‌اشکال است.

### س ۱۶۳۷

### اشاره

– جوائز مسابقه ورزشی یا در مسابقات علمی رادیوئی یا تلویزیون و یا جوائز قرض الحسنه بانکی و همچنین جوائزی که معمول است بصورت کتبی و تعیین جوائز توسط قرعه به کسانی که جواب درست داده‌اند، اعطا می‌شود.
واصل عمل چه حکمی دارد؟

ج

- موارد مختلف است اگر شرکت کنندگان پول جمع می‌کنند و مقداری از آن را بعنوان جائزه به بعضی می‌دهند اشکال دارد.

### بکس

### س ۱۶۳۸

#### اشاره

- بکس (مشت زنی) حرفه‌ای و آماتوری چه حکمی دارد؟

ج

- با اینکه معرض خطر و ضرر برای طرفین است جایز نیست.

### س ۱۶۳۹

#### اشاره

- در بعضی از ورزشها استفاده از ضربه‌گیرها از نظر قوانین ورزشی الزامی است. تخلف از این قوانین، که احتمالًا موجب خطر شوند، چه حکمی دارند؟

ج

- اگر تخلف و عدم استفاده از ضربه‌گیرها معرض خطر باشد جایز نیست.

### س ۱۶۴۰

#### اشاره

- حکم مسابقه بوکس و شمشیر بازی چون غالباً به زخمی شدن و صدمه زدن به طرف منجر میشود چیست؟

ج

- بکس جائز نیست و در صورت سیاه شدن و یا کبود و یا سرخ شدن و یا

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۰

مجروح شدن عضو، دیه دارد که در توضیح المسائل مقدار هر یک ذکر شده است و شمشیر بازی اگر موجب صدمات بدنی باشد همین حکم را دارد.

### احکام ورزشهای خطرناک

#### س ۱۶۴۱

##### اشاره

- در شمشیر بازی یا بوکس اگر یکی از طرفین مسابقه کشته شود ضامن کیست؟

##### ج

- بحسب موارد قتل عمد و شبه عمد و خطا، حکم قتل فرق دارد پس اگر عمدی بوده مباشر قتل، قصاص می‌شود و اگر شبه عمد بوده باید دیه بدهد و اگر خطا بوده دیه بر عاقله است.

#### س ۱۶۴۲

##### اشاره

- بعضی مربیان، حرکات ورزشی را دقیق نمی‌آموزند و این باعث ناراحتی‌هایی در مفصل و اندام ورزشکار می‌شود آیا مربی ضامن است؟

##### ج

- کسی که به فنّ و عملی جاهل است جائز نیست بعنوان معلّم و مربّی آن فنّ مردم را اغفال کند و اگر کسی را مغرور به انجام عملی نماید که موجب زیان و ضرر شود طبق ضوابط شرعی ضامن است و باید از او جلوگیری شود.

#### س ۱۶۴۳

##### اشاره

- یک مربی ورزشی بدون رضایت والدین کودکی نابالغ را به کلاس راه می‌دهد کودک بدون تقصیر مربی در اثر سانحه ورزشی

مجروح می گردد آیا مربّی ضامن است؟

**ج**

– بدون اذن پدر نباید او را بپذیرد و اگر بسبب شرکت او در ورزش صدمه‌ای بر او وارد شود که عرفاً بعنوان سبب اقوی از مباشر به مربّی ورزشی نسبت داده شود مربّی ضامن میشود، ولی اگر شخص دیگری مباشرت در ایراد جرح داشته مباشر ضامن است.

**س ۱۶۴۴**

**اشاره**

– در فرض سؤال قبل اگر کودک کشته شود، آیا مربّی ضامن است؟

**ج**

– دائر مدار منتسب شدن قتل بمربّی است ولی اگر شخص دیگری او را کشته باشد همان شخص قاتل مسئول است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۱

**مسائل مربوط به ورزش**

**س ۱۶۴۵**

**اشاره**

– در بعضی از سبکهای ورزشی، استاد ضمن آموزش فنون رزمی مطالبی را از عقاید غیر اسلامی، معمولًا به طور مرموز در پوشش آیات و روایت القاء می‌نماید. شرکت در کلاسهای این اساتید چه حکمی دارد؟

**ج**

– حرام است.

**س ۱۶۴۶**

**اشاره**

- بر فرض سؤال قبل، اساتیدی فقط فنون ورزشی این سبکها را آموزش می‌دهند و از آموزش عقاید خودداری می‌کنند. شرکت در کلاسهای این اساتید چه حکمی دارد؟

**ج**

- اشکال ندارد.

**س ۱۶۴۷**

**اشاره**

- چه نوع ورزشهایی برای جوانان مسلمان مناسب است؟

**ج**

- هر ورزش مشروعی که برای پرورش و تربیت قوای جسمانی و همچنین برای آمادگی نظامی و رزمی جوانان برای مقابله نظامی با دشمنان اسلام مفید باشد مطلوب و بلکه در بعض موارد تا حدودی لازم است.

**س ۱۶۴۸**

**اشاره**

- افراط در ورزش بطوری که مسائل جدّی زندگی را تحت الشعاع قرار دهد چه حکمی دارد؟

**ج**

- بصورتهائی که رایج است و از حدود نظر به فوائد تربیت بدنی آن بیرون است رجحان ندارد و اگر مستلزم ترک کار و تحصیل معاش واجب و اختلال امور زندگی یا اخلاقی شود جایز نیست.

**س ۱۶۴۹**

**اشاره**

- افراط یا عدم یادگیری درست بعضی حرکات ورزش باعث ناراحتیهای مفصلی یا عضلانی می‌گردد بخصوص در ورزشهای

رزمی؛ حکم در افراط یا عدم توجه به تذکرات استاد چیست؟

ج

– در ورزشهای رزمی باید بتذکرات استاد توجه شود و در هر موردی که عدم توجه به تذکّرات استاد باعث ضرر و نقص در بدن بشود عدم توجّه حرام است.

س ۱۶۵۰

اشاره

– بعضی جوانان مسلمان به ورزش کم توجهی دارند و تقویت عضلات خود را در دوران جوانی منظور نمی‌دارند ورزش برای جوانان چه حکمی دارد؟

ج

– اینگونه اشخاص کار مفیدی را ترک کرده‌اند.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۳

فعالیت اجتماعی بانوان

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۵

## فعالیت اجتماعی بانوان

### ورزش بانوان

س ۱۶۵۱

اشاره

– مستدعی است نظر مبارک خویش را در مورد ورزشهای بانوان از قبیل– دوچرخه سواری اسب سواری، قایقرانی و دو میدانی در اماکن و معابر عمومی بیان فرمایید. در ضمن بفرمایید تماشای این نوع برنامه‌ها از تلویزیون چه حکمی دارد؟

ج

– اجراء این گونه برنامه‌های خلاف عفّت و غیرت و سنن و تعالیم اسلامی باسم ورزش در اماکن و معابر عمومی علاوه بر آنکه

نمـایش و جلوه دادن مفـاتن بـدن بـانوان بمردان اجنبی است مسـتلزم ترویـج فحشـاء و منکرات و مفاسـد عظیمه است و تماشای این برنامه‌ها و تشویق و ترغیب به آنها حرام است خداوند متعال جامعه اسـلامی ما را که در عصـر حاضر پرچم اسلام و حاکمیت احکام اسـلام را در دنیا به اهتزاز درآورده و مسـلمانان را سربلند و عزیز قرار داده از اینگونه خطرات که موجب تشویش اذهان و خدشه‌دار شدن شخصیت اسلامی ما است حفظ فرماید.

### س ۱۶۵۲

#### اشاره

- حضور بانوان در میادین ورزشی مردان، وقتی که مردان با شورت و زیرپوش یا فقط با شورت بازی می‌کنند، چه حکمی دارد؟

#### ج

- نگاه کردن به بدن اجنبی یا اجنبیه حرام است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۶

### س ۱۶۵۳

#### اشاره

- حضور بانوان در میادین ورزشی مردان، وقتی که مردان لباس کامل به تن دارند مثلًا (ورزشهای رزمی) چه حکمی دارد؟

#### ج

- جواز آن مورد تأمّل است.

### س ۱۶۵۴

#### اشاره

- حضور مردان در میادین ورزشی زنان چه حکمی دارد؟

#### ج

- اگر مستلزم نظر ببدن آنها باشد بی‌شبهه حرام است و بدون آن اگر مستوره هم باشند چون مستلزم نظر به مفاتن بدن که از زیر لباس ظاهر است میباشد و معرض ریبه و فتنه و التذاذ است جایز نیست اصولًا این برنامه‌ها با مجموعه تعالیم اسلام در مورد روابط مردان با بانوان سازگار نیست و مرد مسلمان غیرتمند و هم چنین زن عفیفه مسلمان که به آداب اسلامی و در مجتمع اسلامی تربیت شده باشد وارد در این رشته برنامه‌های مفسده‌انگیز و خلاف عفت و غیرت اسلامی نخواهد شد نعوذ باللّه من شرور انفسنا.

### س ۱۶۵۵

### اشاره

- تماشای مسابقات ورزشی مردان از تلویزیون، وقتی که مردان شورت و زیرپوش یا فقط شورت بتن دارند، چه حکمی دارد؟

### ج

- برای مردها اشکال ندارد.

## شرکت در کلاسهای مختلط

### س ۱۶۵۶

### اشاره

- هم اکنون در کلیه واحدهای دانشگاههای آزاد اسلامی در کل کشور کلاسهای خانمها و آقایان جدا هستند نظر حضرتعالی چیست؟

### ج

- البته جدا کردن کلاسهای دختران و پسران کار لازمی است چون معلوم است که کلاسهای مختلط مفسده زیاد دارد بطور کلی ورود زن در صحنه اجتماع و دوشادوش مردان و به طور مختلط با آنها در همه امور، شرکت کردن، مفاسد بسیار دارد که مجال شرحش نیست و بلکه از کثرت وضوح، نیاز بشرح ندارد گذشته از اینکه بموازات آن، لطمه‌های فراوان به خانواده و تربیت اطفال و امور منزل وارد می‌شود خداوند متعال جامعه مسلمانان را از فتنه‌ها و مفاسدی که بیشترش در اثر غرب‌گرائی و تقلید از کفار و اعمال و رفتار آنها است حفظ فرماید و عفاف و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۷

حجاب و شخصیت ارزشمند اسلامی بانوان مسلمان را در حصن حصین ایمان و تعهد خودشان از هر گزند و خطری مصون بدارد و مردها را نیز در اظهار غیرت و شجاعت و صراحت بیان توفیق عطا فرماید.

### س ۱۶۵۷

#### اشاره

- من دختری هستم دبیرستانی با اینکه مدرسه‌مان دخترانه است ولی تمام معلمهایمان مرد هستند و نیمی از معلّمها مجرد می‌باشند معلّمها در سر کلاس در حالی تدریس می‌کنند که با نگاه کردن توأم است و خود معلّمها به هیچ وجه راضی نیستند تدریسشان با نگاه نکردن توأم باشد و ما مطمئنیم که حد اقل برای یک معلّم شده با قصد لذّت نگاه می‌کند و در این موقعیّت ما اگر با پوشیه سر کلاس بیاییم اکثر اهالی روستا و خود معلّمها استهزاء و مسخره‌مان می‌کنند و یا اکثر دخترها راضی و حاضر به زدن پوشیه نیستند اکنون نظر خود را در مورد مدرسه رفتن ما مرقوم فرمایید که ما تکلیف خود را بدانیم.

#### ج

- با اهتمامی که وزارت آموزش و پرورش در رعایت جهات مذهبی ابراز میدارد با اینکه برای اسلامی شدن آموزشگاهها تأکیدات زیاد شده است مسئولین آموزش و پرورش منطقه موظفند ترتیبی بدهند که وضع اسلامی در کلاس بر قرار شود و الّا اگر کلاس بوضعی باشد که در سؤال مرقوم شده است حضور در آن جایز نیست.

### س ۱۶۵۸

#### اشاره

- حکم شرکت جستن در کلاسهای مختلط از پسر و دختر دانشگاهها چیست؟

#### ج

- تحصیل علوم نافعه فی نفسه راجح است ولی در خصوص مورد سؤال حکم بر حسب موارد اشخاص مختلف است.

### س ۱۶۵۹

#### اشاره

- در کلاس‌های ما دخترها یک طرف و پسرها یک طرف هستند.
گاهی اوقات شده است که من تنها داخل کلاس شده‌ام و از پسرها کسی نبوده و یک یا چند دختر همکلاسی ما فقط در کلاسند.
با توجه به اینکه وظیفه من سلام کردن است آیا به آنها که دختر هستند سلام بکنم یا خیر؟ گرچه اگر سلام نکنم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۸

مرا امُّل حساب می‌کنند و اگر سلام کنیم ممکن است سوء برداشت‌هایی شود.

ج

- در مواقعی که پسرها نیستند و فقط دخترها هستند حتی المقدور وارد کلاس نشوید تا هیچ گونه اتّهام و یا سوء برداشتی نشود. و اللَّه العالم

س ۱۶۶۰

اشاره

- در محیطهای دانشگاهی فرانسه هنگام بر خورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر ناگزیر به مصافحه هستیم و الّا حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می‌شود. مصافحه (دست دادن) با زنان غیر مسلمان در این بلاد چه حکمی دارد.

ج

- مصافحه با اجنبیه بدون حایل (مثل دستکش) جایز نیست باید عذر شرعی خود را برای آنها بیان کنید تا بفهمند که غرض خلاف ادب نیست بلکه بر اساس ادب و احترام به شخصیت اسلامی زن است اگر همه مسلمانانی که با بیگانگان در ارتباطند این جهت را رعایت کنند آنها این عمل را که یک ادب اسلامی است مثل سائر ممیّزات و مشخصات مسلمان مانند نخوردن گوشت خوک و نیاشامیدن شراب خواهند شناخت و این سوء تفاهم مرتفع میشود.

س ۱۶۶۱

اشاره

- ارتباط و دوستی بین دختر و پسر تا چه حدّ از نظر شرعی صحیح است؟ آیا ارتباط تلفنی جایز است؟

ج

- ارتباط برقرار کردن بین دو نامحرم با تلفن و غیره به هیچ نحوش صحیح نیست و معرض فتنه و فساد است. و اللَّه العالم

مشاغل اجتماعی بانوان

س ۱۶۶۲

**اشاره**

- وضعیت حقوق زن که در ارتباط با کار (شغلش) دریافت می‌کنند در رابطه با شوهر چه وضعیتی دارد؟

**ج**

- حقوقی که زن دریافت می‌نماید ملک خود اوست و به شوهر تعلّق ندارد.

**س ۱۶۶۳**

**اشاره**

- این جانب معلمی هستم که در یکی از مناطق محروم استان همدان مشغول تدریس هستم و نیز دانشجوی رشته مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور می‌باشم و نیز در مدارس مختلط تدریس می‌کنم و دانشگاه هم به صورت مختلط
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۹
است البته با رعایت حجاب اسلامی طبق مسأله شماره ۲۸۷۶ رساله عملیه جنابعالی این کار را جایز ندانسته است. می‌خواستم بدانم که آیا این مسأله مربوط به زمان سابق و زمانهایی است که شئونات اسلامی رعایت نمی‌شود یا هم اکنون را هم در بر می‌گیرد.

**ج**

- همانطوری که در مسأله ۲۸۷۶ توضیح المسائل ذکر شده چنانچه سنن اسلامی در ارتباط با بانوان و مردان رعایت نشود و در مدارس و مراکز تعلیم و تربیت کارهای حرام مثل خواندن غنا و نواختن آلات موسیقی و ملاحی و مناهی به فرزندان مردم تعلیم کنند حکمش مثل زمان سابق است و فرقی با این زمان ندارد ولی البته انتظار در عصر حاضر که انقلاب اسلامی مسلمانان فداکار برای نوسازی جامعه بر اساس معیارهای مقدس و الهی اسلامی به لطف خدا پیروز شد این ستکه همه مراکز مخصوصاً مراکز تعلیم و تربیت و مدارس و دانشگاه‌ها با مراعات تعالیم نجات‌بخش اسلام بهترین جلوه‌های قداست را همگام با کسب موفقیّتهای بزرگ علمی و تحصیلی داشته باشند.

**س ۱۶۶۴**

**اشاره**

- کار کردن زنان و مردان در ادارات در یک اطاق چگونه می‌باشد؟

**ج**

– اگر نظر و لمس و یا امور دیگری مثل خلوت مرد نامحرم با زن نامحرم که شرعاً حرام است واقع نشود و موجب فساد اخلاق نباشد فی حدّ نفسه اشکال ندارد و لکن نوعاً خالی از فساد نیست.

### س ۱۶۶۵

#### اشاره

– خانمی است که با رضایت شوهرش برای تـدریس در آموزش و پرورش می‌رود، ولی بعـداً شوهرش ضـرر آن را بیش از منفعتش می‌بینـد و از رفتن ایشان ممانعت بعمل می‌آورد، آیا ادامه تدریس ایشان منوط به اجازه شوهرش است یا اینکه چون در ابتداء شوهر راضی بوده است اکنون نمی‌تواند جلوگیری کند؟

#### ج

– ظاهر این سـتکه جواز ادامه شغل همسر دائر مدار بقاء اذن شوهر است بلی اگر زن با اذن شوهر طبق ضوابط شرعی اجیر شده باشد عدول شوهر از اذن موجب فسخ اجاره نمیشود. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۰

### س ۱۶۶۶

#### اشاره

– رانندگی بانوان با حجاب اسلامی چه صورتی دارد؟

#### ج

– رانندگی بانوان فی حد نفسه جایز است ولی در معابر و خیابانها که غالباً مستلزم برخورد با مردها است اگر هم مستلزم فعل حرامی نشود بدون ضرورت و ناچاری ترک آن اولی و با عفت اسلامی زن موافقتر است.

### س ۱۶۶۷

#### اشاره

– اسلام به دختران و زنان ماندن در خانه و کارهای مربوط به آن را انجام دادن توصیه می‌کند، یا تحصیل در مدارس و دانشگاهها؟

### ج

– در این مسأله حکم دختران با بانوان شوهردار تاحدی تفاوت دارد بطور کلی در خانه ماندن زن اگر ضرورتهای شرعی یا جهات مرجحه مهمتر در بین نباشد اولی و ارجح است و حتی برای مخدرات شرعاً امتیازی هست که برای بانوانی که عادت به بیرون رفتن دارند نیست مثل اینکه قاضی دادگاه بخواهش مدّعی نمیتواند خانم مخدّره را به دادگاه احضار نماید بلکه باید خودش یا شخصی را برای سؤال نزد او بفرستد مع ذلک تحصیل در مدارس بمقداری که عرفاً ضرورت دارد یا برای مشاغل یا مصالحی که موجب بی‌نیازی بانوان از مراجعه به مرد اجنبی میشود مثل رشته‌های مختلف پزشکی در صورتی که تحصیل با مراعات تکالیف شرعی انجام شود مستحسن و در بعض موارد واجب کفائی است. اما ادامه تحصیل برای بانوان شوهردار باید با موافقت شوهر باشد راجع به خانه‌داری هم معلوم باشد که بر خانمها خدمت در خانه واجب نیست ولی خانه‌داری و همکاری با شوهر و اداره خانه فضیلت و ثواب بسیار دارد و از اعمال صالحه مهمّه بانوان است. و اللَّه العالم.

## صدای زن

### س ۱۶۶۸

### اشاره

– در مجالسی که بین اقوام و اقارب بعنوان شب‌نشینی، میهمانی و غیره تشکیل می‌شود غالباً زنان آنها هم حضور دارند، تکلم کردن زنها در اینگونه مجالس چه صورت دارد، درحالی‌که مردان صدای آنها را استماع کرده و آنها را می‌شناسند؟

### ج

– اگر معرض تلذّذ و ریبه شنوندگان نامحرم نباشد اشکال ندارد. و اللَّه العالم

### س ۱۶۶۹

### اشاره

– صحبت با همراه خود در معابر (مسیرهای رفت و آمد مثلًا خانه تا

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۱

مدرسه) در صورتی که نامحرم صدای ما را بشنود آیا از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

### ج

– صحبت به نحو متعارف اشکال ندارد ولی اگر طوری صحبت کنید که نحوه صحبت نظر شنونده نامحرم را جلب می کند جایز نیست. و اللّه العالم

### س ۱۶۷۰

### اشاره

– گاهی اوقات مشاهده میشود زنان شاعره با حضور در برنامه‌های شب شعر، به قرائت سروده‌های خود که معمولًا با احساسات شاعرانه و تغییر صداها و حرکتهای موزون دستها که مستلزم جلب توجه به متن شعر است همراه میباشد می‌پردازد ... و برخی موارد در کنفرانسها و سمینارها از سخنرانان زن استفاده میشود که هیچ اجباری به حضور آن سخنران خاص جلسه نیست و میتوان از خطبای مرد دیگر استفاده نمود نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

### ج

– قال الله تعالی فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ برنامه‌های مرقوم چون غالبا ساده و بی‌پیرایه انجام نمی‌شود و از تهییج و تحریک افرادی که به فرمایش قرآن در دل بیماری دارند مصون نیست و متضمن اختلاط زن و مرد و مفاسد بسیار است، مجاز نیست و گرایش به تشکیل این مجالس از وسوسه‌های شیطانی و تسویلات نفس اماره است.

### س ۱۶۷۱

### اشاره

– گوش دادن به صدای زن نامحرم در موارد زیر چه حکمی دارد؟
الف) گفتگوی معمولی ب) خنده و گریه ج) آوازخوانی د) قرآن‌خوانی.

### ج

– در آوازه‌خوانی جائز نیست ولی در موارد دیگری که در سؤال ذکر شده چنانچه معرض تلذّذ و فتنه نباشد مانعی ندارد.

### س ۱۶۷۲

### اشاره

– آیا در صورتی که امام مرد و مأمومین زن باشند وجود مکبر زن اشکال دارد؟

**ج**

- محل اشکال است.

**س ۱۶۷۳**

**اشاره**

- اگر کسی از راه تلفن مزاحم شود و با او دوست و با او حرف بزند از نظر اسلام اشکال دارد؟

**ج**

- صحبت زن با اجنبی اگر با ریبه و لذت باشد حرام است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۲

**س ۱۶۷۴**

**اشاره**

- استماع صدای زن در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف) قرآن ب) سرود ج) همخوانی

**ج**

- در هر موردی که معرضیت برای انگیزش شهوت و تحریک اجنبی داشته باشد جایز نیست و غالباً معرضیّت دارد.

**س ۱۶۷۵**

**اشاره**

- قرآن خواندن یا سرود و دکلمه خواندن دختران دانش‌آموز در حضور معلمان مرد چه حکمی دارد؟

**ج**

– دختران و بانوان از خواندن سرود بصورت دسته جمعی خودداری نمایند. و اللّٰه العالم

### س ۱۶۷۶

#### اشاره

– شنیدن صوت ... قرآن زن برای مرد (به صرف استماع کلام خدا) چطور است؟ تواشیح و همخوانی چطور؟

#### ج

– اگر غناء نباشد و التذاذ و ریبه نیز در بین نباشد اشکال ندارد.

### س ۱۶۷۷

#### اشاره

– دختری هستم ۱۵ ساله هشت ماه است که خداوند سعادت حفظ ۱۷۶ آیه از سوره مبارکه بقره را به روش ترتیل حفظ هستم. در مهد قرآن شهرستان ما که چند شاخه هم شده است (در زمان و مکانهای مختلف برای دخترها و پسرها) هرچند وقت یک بار آقایانی از استان جهت سنجش وضع کلاسها به مهد آمده و از ما پرسشهایی می‌کنند. از نظر شما خواندن قرآن من برای این افراد که مسلماً نامحرم هستند اشکال دارد یا خیر؟

#### ج

– اقدام شما به حفظ و تلاوت قرآن و ان شاء اللّٰه تقید به سایر امور مذهبی قابل تقدیر است و من جهت موفقیت امثال شما دعا می‌کنم و اما نسبت به قرآن خواندن زن با صدای بلند که مرد نامحرم آن را می‌شنود در صورتی که معرض ریبه و تلذذ باشد اشکال دارد. و اللّٰه العالم

### س ۱۶۷۸

#### اشاره

– خواندن قرآن توسط زن نزد مردان چه حکمی دارد؟

#### ج

- اگر معرض التـذاذ مرد اجنبی باشـد جـائز نیست «و لا تخضـعن بالقول فیطمع الـذی فی قلبه مرض» بطور کلی اجراء این برنامه‌ها از سوی زنها با حضور مردها غالباً خالی از رجحان و در بعض موارد معرض ریبه و تهییج و حرام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۳

است بر حسب بعض روایات جز در موارد ضـرورت یا برای حوائج متعارف توصـیه شده است که زن در حضور مرد اجنبی سـکوت نماید.

**س ۱۶۷۹**

**اشاره**

- آواز دسته جمعی زنان چه حکمی دارد؟

**ج**

- برای خودشان و برای محارمشان اگر غنا نباشد اشکال ندارد.

**س ۱۶۸۰**

**اشاره**

- خوانندگی زن برای زنان چه حکمی دارد؟

**ج**

- اگر غنا نباشد و همراه با استفاده از آلات لهو نباشد اشکال ندارد.

**س ۱۶۸۱**

**اشاره**

- خوانندگی زن اگر بصورت محزون باشد، در نزد مردان چه حکمی دارد؟

**ج**

- برای غیر شوهر به هر نوعی که معرض ریبه و التذاذ و تهییج شهوت باشد جائز نیست.

### آرایش بانوان

#### س ۱۶۸۲

##### اشاره

- آرایش کردن خانمها در بیرون از خانه و یا آنهایی که مشغول کار و یا درس هستند چه حکمی دارد؟

##### ج

- اگر در معرض دید نامحرم است باید خود را بپوشاند.

#### س ۱۶۸۳

##### اشاره

- آرایش ابرو برای خانم چه حکمی دارد؟ آیا زینت شمرده می‌شود که در این صورت پوشانیدن آن از نامحرم لازم باشد؟

##### ج

- بلی زینت است باید از نامحرم، مستور شود.

#### س ۱۶۸۴

##### اشاره

- در داخل شهرها، آرایشگاههای زنانه‌ای هستند که انواع و اقسام آرایشها را انجام می‌دهند و حتی بسیاری از خانم‌های بد حجاب در آن آرایشگاهها می‌روند و آرایش می کنند؛ با علم به این مسأله که هیچ آرایشگاه زنانه‌ای نیست که با آرایش در آن برخی زنان خود را برای مردان بیگانه به معرض نمایش نگذارند آیا می‌شود مردی همسرش را جهت آرایش و پوشیدن لباس عروس به آرایشگاه بفرستد یا خیر؟

##### ج

- صرف آرایش افراد بد حجاب در آرایشگاه زنانه موجب اشکال برای

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۴

آرایش دیگران نمی‌شود.

### س ۱۶۸۵

#### اشاره

- رنگ زدن ناخن‌ها با رنگ‌های مصنوعی (مانند لاک) در غیر مواقع غسل و وضوء به عنوان زینت چگونه است؟

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۱۶۴

#### ج

- مانعی ندارد. و اللَّه العالم

## پوشش و حجاب بانوان

### س ۱۶۸۶

#### اشاره

- آیا پوشانیدن کف و روی پا از نامحرم برای زن لازم است؟

#### ج

- بنابر احتیاط لازم است.

### س ۱۶۸۷

#### اشاره

- دست دادن زن با مرد نامحرم از زیر چادر چه حکمی دارد؟

#### ج

- در صورتی که معرض فساد نباشد و همراه با فشردن نباشد اشکال ندارد ولی خلاف رسوم اسلامی و معمول بین مسلمین است شخص متدین باتقوا از آن اجتناب میکند، از پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- روایت شده که فرمودند: «نحن معاشر الانبیاء لا نصافح النساء».

### س ۱۶۸۸

### اشاره

- آیا زن می‌تواند لباس یا کفش مرد را به مدّت کوتاهی بپوشد و بالعکس؟

### ج

- قدر متیقّن از حرمت این ستکه مرد پوشش مختص به زنها و زن پوشش مختص بمردها را لباس خود قرار دهد، بنابراین پوشیدن موقت در منزل و امثال آن اشکال ندارد.

### س ۱۶۸۹

### اشاره

- بلند گذاشتن ناخن دست‌ها برای خانم‌ها با ملاحظه رعایت نظافت آنها چه صورتی دارد؟

### ج

- کار مناسبی نیست و بر خلاف شئون زن مسلمان است. و اللَّه العالم

### س ۱۶۸۹

### اشاره

- ازدواج با زنان بد حجاب آیا جایز است یا خیر؟

### ج

- ازدواج با بـد حجاب بنفسه باطل و حرام نیست بلکه اگر مطمئن باشـد که بتواند طرف را با موعظه وادار به پوشـیدن حجاب کامل نماید بسیار خوب است ولی اگر اطمینان به ترک بد حجابی نداشته باشد اقدام به ازدواج با او نکند. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۵

### س ۱۶۹۱

#### اشاره

- آیا پوشیدن مانتو با مقنعه کفایت از چادر و حجاب می‌کند؟

#### ج

- مناسب است خانمها جهت پوشش از چادر استفاده کنند. و اللَّه العالم

### س ۱۶۹۲

#### اشاره

- پوشیدن جورابهای نازک و بدن‌نما برای خانمها در جلوی افراد نامحرم چه حکمی دارد؟

#### ج

- جایز نیست.

### س ۱۶۹۳

#### اشاره

- بیرون گذاشتن موی سر از چادر و یا روسری از سوی خانمها در انظار عمومی و در دید نامحرمان چه صورت دارد؟

#### ج

- حرام است.

**س ۱۶۹۴**

**اشاره**

- پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب نظرکننده در اجتماع برای آقایان و خانمها چه حکمی دارد؟

**ج**

- مجرد رنگ موجب حرمت نیست لکن اگر بنحوی باشد که انگشت‌نما باشد یا موجب مفسده دیگری شود باید از آن اجتناب گردد.

**س ۱۶۹۵**

**اشاره**

- تراشیدن ریش از سوی آقایان و همچنین زینت‌آلات طلا اعم از انگشتر، ساعت و یا گردنبند برای آقایان چه صورتی دارد؟

**ج**

- حرام است و نماز مرد به همراه زینت‌آلات طلا باطل است.

**س ۱۶۹۶**

**اشاره**

- شرکت در مجالس عروسی و جشنهایی که در آن برنامه‌های موسیقی اجرا می‌شود چگونه است؟

**ج**

- جایز نیست.

**س ۱۶۹۵**

**اشاره**

- آیا اینکه بعضـی مواقع کاغذهایی نوشته می‌شود بدین مضمون که مثلًا دختری در حرم حضرت زینب خوابش برد و حضرت از او خواست که به زنان بگوینـد حجاب را رعایت کننـد و ... و در پایان از خواننـده کاغـذ خواسـته می‌شود از روی این کاغـذ چنـد بار بنویسـید و اگر ننویسـد اتفاق بـدی برای او می‌افتـد نظر حضـرت عالی در این مورد چیست و گاهاً دیـده شـده پشت مفاتیـح نوشـته می‌شود؟

**ج**

- رعایت حجاب در اسلام از مسائل ضروری است ولی نقل خواب بنحو مذکور و نشر آن وجه صحیحی ندارد.

**س ۱۶۹۶**

**اشاره**

- آیا پوشیدن دستها تا مچ و پاها و صورت برای زنها لازم است، یا خیر؟ توضیح دهید.

**ج**

- پاها باید پوشیده شود و نسبت به دست و صورت بنابر احتیاط واجب باید پوشیده شود. و اللَّه العالم

**س ۱۶۹۷**

**اشاره**

- حکم چادر با توجه به آیه ۵۹ سوره احزاب چیست؟

**ج**

- چادر بهترین پوشش اسلامی است و با آن مفاتن بدن مستور و عفت جامعه حفظ می‌شود.

**س ۱۶۹۸**

**اشاره**

- نظر حضرتعالی در مورد مباح بودن یا کراهت یا استحباب نقاب زدن (روبند) برای بانوان در جامعه امروز چیست؟

ج

– حفظ حجاب برای زن از امور واجبه است و احتیاط واجب برای زن، مستور نمودن صورت است با هر وسیله‌ای که ممکن است. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۷

احکام نگاه کردن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۹

## احکام نگاه کردن

### نگاه به زن مسلمان

س ۱۷۰۰

اشاره

– نگاه مرد به صورت اجنبیه بدون شهوت و ریبه حلال است یا حرام؟

ج

– حرمت نگاه در مفروض سؤال خالی از قوت نیست.

س ۱۷۰۱

اشاره

– می‌دانید که زن‌هایی مثل زن عمو، دایی و .. و نیز زن‌های همسایه هستند که فرد به هر حال با آنها غریبه نیست. اگر شخص آنها را از نظر ظاهری نشناسد یا موقع برخورد نگاهی نکند. از لحاظ عرفی فکر می‌کنند هدف ما بی‌احترامی به آنها بوده، به علاوه ممکن است فرد جاها و مواقع مختلف به آنها برخورد کرده باشد ولی چون نمی‌خواسته نگاه کند و یا اصلًا قیافه آنها را نمی‌شناخته است با آنها مانند غریبه‌ها برخورد کرده و طبعاً احوال پرسی هم از خویش وابسته به آن زن‌ها هستند نکرده و این باعث پیدایش یک سری کدورت‌هایی می‌شود. با توجه به اینکه آن زن‌ها غالباً ما را نگاه کرده و می‌شناسند بفرمایید در مورد طرز

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۰

برخورد و نگاه کردن به آنها نظرتان چیست؟

**ج**

– قطع معاشرت و آشنایی نکنید ولی نگاه هم نکنید و علّت را برای آنها بگویید که حکم شرع است و بر همه واجب است اطاعت کنند. و اللَّه العالم

**س ۱۷۰۲**

**اشاره**

– نگاه بی‌اختیار مرد بزن بی‌روسری چه حکمی دارد؟ و آیا صحبت زن با مرد خویشاوند و غیر خویشاوند جایز است؟

**ج**

– در صورتی که بدون قصد و بر حسب اتفاق چشم انسان به زن نامحرم بیفتد و زود نظر خود را برگرداند و نگاه را ادامه ندهد اشکال ندارد و صحبت کردن با نامحرم خویشاوند باشد یا غیر خویشاوند اگر به صورت و موی آنها نگاه نکند و در صحبت کردن قصد لذت نکند اشکال ندارد.

**س ۱۷۰۳**

**اشاره**

– اگر زنی آرایش کرده وارد خیابان شود و جوان بی‌تقصیر به او نگاه کند حکمش چیست؟

**ج**

– اگر نگاه بی‌اختیار بیفتد گناه نیست و همین که دید فوراً نگاهش را بردارد که بر حسب روایات موجب زیاد شدن ایمان می‌گردد ولی نگاه عمدی گناه است و اگر خدای نخواسته کسی مرتکب آن شد باید فوراً توبه کند.

**س ۱۷۰۴**

**اشاره**

– آیا احکام نظر در همسر مطلقه (یا همسر موقتی که وقتش تمام شده باشد) مشابه فردی است که هیچ وقت محرم نبوده؟ مثلًا دیدن عکسهای خانوادگی گذشته که محرم یکدیگر بوده‌اند و بارها آنها را در گذشته دیده است چه حکمی دارد؟

**ج**

- همسر مطلقه که در عده رجعیه نباشد و همسر موقتی که مدتش تمام شده باشد حکم اجنبیه را دارد، لکن حرمت نگاه بعکس مذکور معلوم نیست.

**س ۱۷۰۵**

**اشاره**

- صحبت با زن نامحرم چه صورت دارد، نگاه به وجه و کفین زن نامحرم بدون شهوت چه صورت دارد، انداختن عکس زن نامحرم چه صورت دارد؟

**ج**

- صحبت با زن نامحرم اگر قصد ریبه و تلذّذ نباشد اشکال ندارد و نگاه به
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۱
وجه و کفّین اگر با قصد لذت باشد حرام است و نظر بدون لذت را هم بنابر احتیاط واجب باید ترک کند و انداختن عکس هم اگر مستلزم نظر نباشد اشکال ندارد و الا حکمش همان است که گفته شد. و اللّه العالم.

**س ۱۷۰۶**

**اشاره**

- اگر مجبور شویم به صورت و دست نامحرمی (بدون قصد لذت) نگاه کنیم چگونه است؟

**ج**

- اجبار به معنی متعارف در بین مردم مجوز معصیت نیست بلی اگر اجبار شرعی باشد مثلًا بخاطر امری که اهمیّت آن شرعاً بیشتر از نظر به نامحرم است و اهمیت آن شرعاً ثابت شده باشد در این صورت اشکال ندارد.

### نگاه به زن غیر مسلمان

**س ۱۷۰۷**

**اشاره**

- نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین بدون لذت و شهوت و بدون آنکه مقدمه گناه شود چه حکمی دارد؟

**ج**

- چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست. و اللَّه العالم

**س ۱۷۰۸**

**اشاره**

- احتراماً خواهشمندم حکم شرعی نگاه کردن به فیلم‌هایی که بازیگر زن خارجی (احیاناً مسیحی) در آن ایفای نقش می‌کند و موها و بقیه اعضای بدن پوشش اسلامی را ندارد را مرقوم فرمایید.

**ج**

- چنانچه نظر همراه با التذاذ باشد و یا مفسده اخلاق و لو در آینده داشته باشد جایز نیست. و اللَّه العالم

**نگاه برای خواستگاری**

**س ۱۷۰۹**

**اشاره**

- برای اینکه انسان جمال و زیبائی زن را ببیند در وقت ازدواج تا چند مرتبه می‌تواند عروس را ببیند و چه مقدار از بدن او را حق دارد ببیند؟

**ج**

- بنابر احتیاط واجب اکتفا کند به دیدن وجه و کفّین و اگر با یک مرتبه نگاه مقصود حاصل نشود یعنی اطلاع بر حال او پیدا نکند تکرار نظر مانع ندارد و شرط است در جواز نظر اینکه از حال او قبل از نظر، اطلاع نداشته باشد و احتمال تزویج با او را بدهد و الا جایز نیست.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۲

## نگاه زن به مرد

### س ۱۷۱۰

#### اشاره

– دانش‌آموزان و دانشـجویان دختری که در کلاس درس آقایان شـرکت می‌کنند وظیفه آنها نسبت به نگاه کردن، سؤال و جواب و دیگر برخوردهای بین شاگرد و استاد چیست؟

#### ج

– نگاه عمدی با التذاذ و ریبه حرام و بدون آن نیز بنابر احتیاط واجب ترک شود و اما صحبت کردن در صورتی که التذاذ و ریبه در بین نباشد اشکال ندارد و الّا جایز نیست. و اللّٰه العالم

### س ۱۷۱۱

#### اشاره

– آیا بر زن واجب است وجه و کفّین را از نامحرم بپوشاند و آیا نگاه اجنبی به وجه و کفین اجنبیه و نامحرم و بالعکس جایز است و آیا نگاه زن نامحرم به سر و گردن و پاهای مرد نامحرم آن مقداری که معمولًا آن را نمی‌پوشانند جایز است؟

#### ج

– بلی پوشانـدن وجـه و کفّیـن بنـابر احتیـاط لازم است و نگـاه اجنـبی بآنهـا حرام است و نگـاه زن به مواضـعی که در بین متـدینین پوشاندن آنها مرسوم نبوده مانند سرو گردن چنانچه بدون نظر شهوت باشد اشکال ندارد.

### س ۱۷۱۲

#### اشاره

– حکم نگاه کردن زنان به بازو، آرنج مردان نامحرم چیست؟

#### ج

- جایز نیست.

### س ۱۷۱۳

#### اشاره

- چنانچه زنی بدون قصد و لذت به مرد نگاه کند جایز است؟

#### ج

- به مواضعی که بر حسب متعارف مردان آن را نمی‌پوشانند جایز است ولی احتیاط ترک نظر استقلالی است.

### س ۱۷۱۴

#### اشاره

- آیا نگاه کردن زنان به مردان شناگر در سواحل و استخرها جایز است؟ در صورتی که چنین موردی پیش آمد وظیفه ما چیست؟

#### ج

- جایز نیست و در مواردی که پیش بیاید در صورت امکان و احتمال تأثیر باید نهی از منکر نمود. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۳

## نگاه به عکس و فیلم

### س ۱۷۱۵

#### اشاره

- نگاه کردن به عکس بانوانی که آنان را می‌شناسیم و حجاب اسلامی هم دارند بدون قصد و لذّت چگونه است؟

#### ج

- خلاف احتیاط و غیرت اسلامی است.

### س ۱۷۱۶

#### اشاره

- نگاه کردن به عکس بانوانی که آنان را می‌شناسیم و حجاب اسلامی ندارند بدون قصد و لذت چه صورتی دارد؟

#### ج

- اشکال دارد.

### س ۱۷۱۷

#### اشاره

- نگاه کردن به عکس برهنه زنان مسلمان ناشناس بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

#### ج

- چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست. و اللَّه العالم

### س ۱۷۱۸

#### اشاره

- نگاه کردن به دست و ناخن‌های رنگ‌آمیزی شده خانم‌ها یا عکس‌هایی که دست و ناخن‌های بلند رنگ‌آمیزی‌شده خانمها را نشان می‌دهد، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

#### ج

- نگاه به دست و ناخن‌های رنگ‌آمیزی‌شده آنان اشکال دارد و نگاه به عکس ناخن‌های رنگ‌آمیزی شده هم اگر همراه با قصد لذّت و ریبه باشد جایز نیست. و اللَّه العالم

### س ۱۷۱۹

**اشاره**

- دیدن زن بی‌حجاب در تلویزیون چه صورت دارد؟

**ج**

- اگر معرض ریبه یا التذاذ نباشد و زن را نشناسد جواز آن بعید نیست.

## عکس گرفتن و فیلمبرداری از زن

**س ۱۷۲۰**

**اشاره**

- اخیراً یعنی چند سالی است که در بین بعضی از مخدرات مذهبی عکس گرفتن در مجالس عروسی و جشنها و یا مهمانیهای خودمانی شایع گشته و حتّی بدون چادر با موهای پریشان و مثلًا آستینهای کوتاه مرتکب این امر می‌گردند و مدّعی هستند که چاپ‌کننده این فیلمها خانمها می‌باشند و بیگانه و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۴
اجنبی آن را نگاه نمی‌کند، امّا تحقیقی که حقیر در این امر نموده‌ام خبری که دال بر چاپ فیلم از جانب بانوان باشد بدست نیامد و یا می‌گویند الآن چاپ فیلم توسط دستگاه کامپیوتر انجام می‌شود ولی در آن طرف دستگاه مردی ایستاده عکسها را گرفته داخل پاکت می‌گذارد، علی ایّ حال نظر اینگونه افراد این است که اگر عکس را بیگانه چاپ کند چون نمی‌شناسد اشکالی ندارد آیا نظر حضرتعالی در این مورد چیست و آیا اجازه می‌فرمایید به صورت مزبور عکس گرفته شود حتی اینکه چاپ‌کننده مرد باشد و صاحبان عکس را نشناسند؟

**ج**

- نفس عمل در صورتی که در تمام مراحل بوسیله بانوان انجام گیرد اشکال ندارد و در صورتی که در معرض بعض مفاسد اخلاقی و یا بر خلاف عفت و حیاء باشد اشکال دارد و اگر متصدی ظهور فیلم مرد نامحرم باشد و صاحبان عکس را بشناسد نگاه کردن به آنها جایز نیست و در صورتی که آنها را نمی‌شناسد جواز نگاه محل اشکال است. و اللّٰه العالم

**س ۱۷۲۱**

**اشاره**

- فیلمبرداری از مجالس عروسی و جشن عقد کنان با توجه به اینکه کلیه مراسم و حتی رقص‌های زنان دیگر فیلمبرداری شود؛ چه حکمی دارد؟

**ج**

- اگر در معرض دید نامحرم و ترویج فساد باشد اشکال دارد.

### پوشش آقایان

**س ۱۷۲۲**

**اشاره**

- حدود پوشش شرعی آقایان چیست؟ آیا لباس آستین کوتاه جایز است؟

**ج**

- در جایی که معرض نظر اجنبیه است احتیاط برای مرد پوشیدن لباس آستین‌دار است. و اللَّه العالم.

**س ۱۷۲۳**

**اشاره**

- آیا استفاده از لباس بدن‌نما برای آقایان بنحوی که حجم کامل بدن مشخص باشد جایز است؟

**ج**

- خلاف شرم و حیا و متانت است و اگر موجب رؤیت بدن باشد برای ستر مواضعی که پوشاندن آن واجب است، کافی نیست. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۵

**س ۱۷۲۴**

**اشاره**

– منظور از حدّ شرعی حجاب برای آقایان چیست؟ این امر مورد شبهه جامعه قرار دارد و می گویند با مسائلی که از سوی بعضی افراد صادر می‌شود، لباس احرام در زمان حج از لحاظ حجاب مردان به زیر سؤال می‌رود.

ج

– بر مردان بر حسب حکم اوّلی، مستور نمودن عورتین واجب است و همه اعمّ از مرد و زن و محرم و نامحرم بجز همسر و مملو که نظر بر عورتین مرد حرام است و همچنین نظر زن اجنبی بسایر مواضع مرد بجز جاهائی که پوشاندن آنها برای مرد از سابق متعارف نبوده حرام است و در حال نماز و طواف هم اگر عورتین مستور نباشد نماز و طواف باطل است و این احکام با قطع نظر از سایر ملاحظات است، لکن بعض احکام با ملاحظات دیگر، رعایت آنها لازم است مثلًا ظاهر شدن مرد در اجتماع و در بین زنان و مردان با پیراهن آستین کوتاه که بازوها نمایان است طبعاً در بسیاری از موارد جلب توجه زنان را می کند و در انظار مردان نیز سبک است و تدریجاً موجب فساد اخلاق و شیوع بی‌عفتی در مردان و زنان و تبعات دیگر می‌شود لذا رعایت پوشش خوب برای مردان پوششی که موجب اینگونه امور نباشد راجح بلکه لازم بنظر می‌رسد و پوشش مخصوص در حال احرام یک امر استثنائی است که خود مشتمل بر اسرار و حکمتهائی است و با سایر احوال. قابل مقایسه نیست. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۷

لباس و زینت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۹

## لباس و زینت

### لباس

#### س ۱۷۲۵

#### اشاره

– مستدعی است بیان فرمائید چنانچه کسی لباس محلی شهر خود را در شهر دیگر بپوشد به نحوی که جلب نظر کند چه حکمی دارد؟ در ثانی اگر از این کار هدفی داشته باشد مثلًا لباس اهالی آن شهر را مناسب نداند و قصدش این باشد که مردم را به پوشیدن لباس محلی شهر خودشان تشویق کند- با این فرض که لباس محلی مردم شهر را اسلامی‌تر بداند و یا لااقل سعی کند به وسیله آن لباس محلی از تهاجم فرهنگی بیگانه و و مانند آن جلوگیری کند- این عمل چه حکمی پیدا خواهد نمود؟

ج

– پوشیدن لباس مربوط به شهر و یا قبیله خاصی از مسلمین با آنکه مردم می‌دانند مربوط به آنهاست اشکال ندارد و به آن صدق لباس شهرت نمی کند، بلی چنانچه به نحوی باشد که عرفاً انگشت‌نما شود به عنوان لباس شهرت اشکال دارد و البته این مسأله غیر از

تشبه به کفار است.

### س ۱۷۲۶

### اشاره

- آیا اگر یک فرد غیر روحانی با عبا رفت و آمد کند این را خلاف

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۰

عرف و یا لباس شهرت می گویند؟ یا لباس خلاف عرف به لباسی می گویند که در بین مردم بیگانه و عجیب باشد؟

### ج

- موارد خلاف عرف مختلف است و عرف آن را بخوبی تشخیص میدهد و پوشیدن عبا و رفت و آمد با آن برای غیر روحانی اشکال ندارد.

### س ۱۷۲۷

### اشاره

- اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباس‌هایی مد شده که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد (مانند رپ، هوی و ...) نظر به اینکه پوشیدن این لباس‌ها و خود را اینگونه آرایش دادن عرفاً از مصادیق تشبیه به کفار است آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

### ج

- به طور کلّی تشبّه به کفار حرام است و جوانان مسلمان بایـد از آرایش بنحو مـذکور پوشیدن اینگونه البسه اجتناب نمایند. و اللّه العالم

### س ۱۷۲۸

### اشاره

- آیا لباسهایی که معمولًا شأن و موقعیت قاریان قرآن کریم نیست، از مصادیق لباس شهرت برای ایشان می‌باشد؟

ج

- مجرد مخالف شأن بودن لباس، آن را لباس شهرت نمی‌کند. و اللّه العالم

### س ۱۷۲۹

#### اشاره

- پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب‌نظرکننده در اجتماع، برای خانمها چه صورتی دارد؟

ج

- اگر به نحوی است که جلب نظر و توجه اجنبی می‌کند جایز نیست. و اللّه العالم

### س ۱۷۳۰

#### اشاره

- پوشیدن لباسهای مارك دار، لباس و شلوار لی و ... چه حکمی دارد؟

ج

- برای زنان که موجب تهییج و جلب توجه اجنبی است جایز نیست و برای مردان هم بر خلاف شئون و متانت آنها است. و اللّه العالم

### س ۱۷۳۱

#### اشاره

- استفاده از کراوات چه صورت دارد؟

ج

- گرچه حرام بودن آن مسلم نیست ولی سزاوار نیست مسلمین از آن استفاده کنند بلکه احتیاط ترك استفاده از آن است خداوند

متعال مسلمین را در حفظ استقلال و شخصیت اسلامی در همه ابعاد موفق فرماید. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۱

### س ۱۷۳۲

#### اشاره

- با توجّه به تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و مسلمین که از جمله می‌خواهند همچون گذشته با الان و غیر ساده بودن لباس مردان به ویژه جوانان و الوان غیر ساده بودن چادر و روپوش و جوراب زنان و یا نازک بودن آنها، جامعه را بفساد بکشانند، آیا تولید و مصرف اینگونه البسه چه حکمی دارد؟

#### ج

- عرضه هر نوع لباس و کفش و جوراب و هر کالا که معرض فساد جوانان و انحطاط جامعه و سلب مصونیت اخلاقی عموم باشد جایز نیست.

### س ۱۷۳۳

#### اشاره

- عکسهای مبتذلی از زنان مکشفه و مردان بی‌حیا که بر روی البسه، روفرشیها و ظروف و بالشها و ... انداخته می‌شود چه صورتی دارد؟

#### ج

- استفاده از اینگونه البسه و فرشها اگر ترویج فحشاء و بدآموزی به افراد بر آن مترتب میشود جائز نیست ولی مجرّد داشتن عکس موجب حرمت تولید و خرید و فروش آنها نمیشود.

### س ۱۷۳۴

#### اشاره

- لباسی که از پوست پلنگ است از اروپا می‌آورند آیا پوشیدن آن جایز است و پاک است یا نجس؟

#### ج

- در فرض سؤال که از بلاد کفر آورده شده پوشیدن آن جایز نیست و نجس هم هست بلی اگر مسلمان پلنگ را با رعایت شرائط ذبح کند پاک است ولی در این صورت هم نماز با آن باطل است.

#### س ۱۷۳۵

#### اشاره

- از موارد زیر کدام مستحب است؟
الف- عبا (در غیر از نماز)
ب- شال کمر (که دیده می‌شود بعضی از علما التزام به بستن آن دارند)
ج- کلاه (مثل آنچه که مسجدی‌ها بر سر می‌گذارند)
د- عصا (برای پایین تر از ۴۰ سال و برای غیر از سفر)

#### ج

- استحباب هیچ‌یک از موارد مذکوره بنظر نرسیده است.

#### س ۱۷۳۶

#### اشاره

- پارچه‌هائی که از بلاد کفر می‌آورند (چینی، ژاپنی و ...) حکم حلال یا حرام، پاک یا نجس بودن آنها چیست اگر چه می‌گویند با دستگاه تمام
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۲
اتوماتیک است. و با دست انسان تماس ندارد ولی می‌دانیم که سازنده آن دستگاهها نیز همان کفار و مشرکین هستند؟

#### ج

- پارچه‌های غیر پوستی چنانچه علم به نجاست آن نداشته باشید محکوم بطهارت است. و اللَّه العالم

### استعمال طلا برای مرد

#### س ۱۷۳۷

### اشاره

– استعمال طلای سفید برای مرد به عنوان زینت چه حکمی دارد؟

### ج

– با فرض طلا بودن حرام است.

### س ۱۷۳۸

### اشاره

– اگر بجنس طلای زرد چیزی اضافه کنند که مثلًا نقره‌ای شود، آیا حرمت استعمال برای مردان باقیست؟

### ج

– جواز دائر مدار این ستکه عرفاً آن را طلا نگویند، استفاده از طلا با خلیط مس و یا نقره برای مردان جایز نبست و در این صورت فرقی بین طلای سرخ و زرد و سفید نیست.

### س ۱۷۹۸

### اشاره

– پلاتین و یا طلای سفید برای مرد اشکال دارد؟

### ج

– اگر پلاتین طلا نباشد و فلزّ دیگر باشد برای مرد اشکال ندارد.

## تراشیدن ریش

### س ۱۷۴۰

### اشاره

- شغل برادرم آرایش‌گری است و گاهی به تقاضای افراد ریش آنها را می‌تراشد یعنی تیغ می‌زند چنانچه مزد گرفتن حرام باشد می‌شود برای تخلص از اجرهٔ حرام به امور زیر متمسک شد؟
الف- شخصی که ریش خود را می‌تراشد اجرت را هبه کند یا صلح کند؟
ب- اجرتی که در مقابل اصلاح سر است بگیرد و در مقابل ریش اجرت نگیرد.
ج- به افراد بگوید پولی که از شما می‌گیرم از بابت تراشیدن ریش حرام است ولی شما راضی باشید پول را به من بدهید؟
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۳

#### ج

- الف- ریش تراشیدن حرام است و باید آن را ترک کند ولی اگر مبلغی را که باو میدهد بطور جدی (نه صوری) با قصد به او هبه نماید ظاهراً رفع اشکال از پول می‌شود ولی حرمت عمل رفع نمی‌شود.
ج- ب- اگر طرفین بر آن قرار بگذارند اشکال ندارد ولی در این صورت هم حرمت عمل باقی است.
ج- ج- رفع اشکال نمی‌شود. و اللّٰه العالم

### س ۱۷۴۱

#### اشاره

- خریدوفروش تیغ و ماشین خودتراش که صرفاً جهت تراشیدن ریش به کار می‌رود چه حکمی دارد؟

#### ج

- اشیاء مذکوره فوائد محلله نیز دارد بنابراین خریدوفروش آن اشکال ندارد مگر این که فروشنده به قصد این که مشتری از آن در جهت ریش‌تراشی استفاده کند فروخته باشد که در این صورت معامله باطل است. و اللّٰه العالم

### س ۱۷۴۲

#### اشاره

- کوتاه کردن ریش با ماشینهای معمولی دستی تا حدود یک میلیمتر جایز است؟

#### ج

- باید بنحوی باشد که عرفاً صدق ریش کند. و اللّه العالم

### س ۱۷۴۳

#### اشاره

- آیا تراشیدن دو طرف گونه‌ها و گذاشتن ریش روی چانه کافی است و این مقدار صدق ریش می‌کند؟

#### ج

- تراشیدن اطراف ریش حرام نیست ولی تراشیدن خود ریش به هر صورت باشد و لو به نحو مذکور در سؤال جایز نیست.

### س ۱۷۴۴

#### اشاره

- نظر حضرتعالی پیرامون تراشیدن سبیل و ریش چیست؟

#### ج

- تراشیدن ریش حرام است ولی تراشیدن سبیل اشکال ندارد.

### س ۱۷۴۵

#### اشاره

- اگر مقدور است تا حدودی علت وجوب گذاردن ریش را توضیح فرمایید.

#### ج

- حرمت تراشیدن ریش از بعض روایات معتضده به سیره متشرّعه استفاده می‌شود و فقیه اگر وجوب یا حرمت کاری را از ادلّه استفاده نماید دانستن فلسفه آن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۴

لازم نیست هر چند در خصوص مورد ضررهای بهداشتی برای پوست صورت و لثه از قول اطباء متخصص نقل شده است و در این

مورد می‌توانید به کتاب اوّلین دانشگاه و آخرین پیامبر اثر شهید دکتر رضا پاك‌نژاد و همچنین کتاب تراش ریش از نظر بهداشت مراجعه نمایید. و اللَّه العالم

### س ۱۷۵۴۶

### اشاره

- آیا افرادی که در اثر ریش گذاشتن احساس خارش می‌کنند بنحوی که موجب اذیّت می‌شود می‌توانند ریش خود را بتراشند؟

### ج

- احساس خارش مجوز تراشیدن ریش نیست. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۵

مواد مخدر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۷

## مواد مخدر

### س ۱۷۴۷

### اشاره

- تقاضا دارد فتوای آن مرجع عالیقدر را درباره مصرف مواد مخدر و مقدمات آن از قبیل- کشت، تولید، نگهداری، مخفی کردن، حمل، توزیع، خریدوفروش اعلام فرمائید.

### ج

- ضرر این سموم مهلك و خطرات خانمانسوز آنها برای دین و ایمان و شرف و استقلال و سلامت روح و جسم و همه شئون جامعه از واضحات است. هر عمل و معامله و حمل و نقلی که موجب سلب مصونیت جامعه اسلامی از خطر ابتلاء افراد باعتیاد به این سموم گردد مؤکداً حرام است، و نهی از منکر و جلوگیری از آن علاوه بر اینکه از وظائف مستقیم حکومت است بر همگان نیز طبق ضوابط شرعی واجب است، وهمه باید هم آهنگ از این منکر و سایر منکرات که موجب فساد و تباهی اخلاق اسلامی جامعه است جلوگیری نمایند.

### س ۱۷۴۸

### اشاره

- نظر حضرتعالی در ارتباط با استعمال دخانیات تریاك و مواد مخدر و سیگار چیست؟

ج

- ضرر اعتیاد به مواد مخدّره مسلم است لذا شرعاً حرام است و استعمال

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۸

دخانیات نیز در هر موردی که ضرر معتدّ به داشته باشد حرام است.

س ۱۷۴۹

اشاره

- معتادان به تریاك سوخته تریاك را جمع کرده و آن را طبخ می‌کنند و از آن شیره بدست می‌آید آیا شیره تریاك حلال است؟

ج

- شیره حکم خود تریاك را دارد.

س ۱۷۵۰

اشاره

- خوردن شراب مانع می‌شود که انسان تا چهل روز نماز او مورد قبول حق تعالی واقع نشود آیا خوردن عرق (که از تبخیر شراب بدست آید) چنین حکمی را دارد؟

ج

- عرق و شراب هر دو حرام و احکام آنها یکی است.

س ۱۷۵۱

اشاره

- استفاده از مواد مخدر به شرطی که در کنار آن از غذاهای مقوی و تأمین کننده نیازهای بدن استفاده شود چه حکمی دارد؟

ج

- جواز آن محل تأمل است علاوه بر اینکه تجویز آن فتح باب عذر ارتکاب این سمّ مهلك و خطرناك برای دیگران است و خلاف مصلحت نوعی تحریم این سمّ است.

### س ۱۷۵۲

#### اشاره

- آیا شروع کردن به استفاده از سیگار و دخانیات حرام است و آیا ترک آن واجب؟ و آیا ترک سیگار در جامعه برای افرادی که مورد نظر و توجه می‌باشند مانند: مسئولین ادارات و سازمانها، مسئولین مجامع فرهنگی- آموزشی چون دانشگاهها و مدارس، بسیجیان، رزمندگان، معلمین، پاسداران، پزشکان و روحانیون واجب است؟ بر کدام دسته مورد تأکید بیشتری دارید؟

#### ج

- میزان در حرمت این است که ضرر معتد به داشته باشد و همین طور نسبت به وجوب ترک، بلی مواردی که موجب ایذاء غیر شود در آن مورد نیز از جهت عنوان ایذاء حرام است ولی در این صورت، حرمت مخصوص به همان مورد تحقق ایذاء است و البته از جنبه اخلاقی و حفظ متانت در شرائط کنونی عدم شروع به آن و یا ترک آن برای اصناف مذکوره تأکید بیشتر می‌دارد. و اللّٰه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۹
وصیت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۱

## وصیت

### وصی

### س ۱۷۵۳

#### اشاره

- شخصی در زمان حیات زید قبول کرد که وصی او باشد پس از چند سال از فوت زید کلیه امور مربوط به اموال زید را به دیگری تحویل داده آیا با این کار ابراء ذمه از آن شخص می گردد؟

#### ج

- در فرض سؤال که وصی در زمان حیات موصی وصیت را پذیرفته است واجب است طبق آن عمل نماید و تحویل آن به غیر موجب ابراء ذمه وصی نمی‌شود. بلی وصی می تواند برای انجام امور وصایت دیگری را وکیل کند. و اللّٰه العالم

### س ۱۷۵۴

### اشاره

- شخصی در حضور عده‌ای از مؤمنین و فرزندان وصیت کرد که قطعه زمین معینی را پس از فوتش بعنوان ثلث مال محسوب دارند و درآمـد آن را در امور خیریّه مصـرف نمایند اما وصـیّت‌نامه در دست نیست و وصـی هم معلوم نیست که چه کسـی است فرزندان شخص متوفی سالها در آمد زمین را صرف

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۲

امور خیریه محل نمودنـد آیا این وصـیت لازم الاجراء است. و در صورت لزوم چون وصـی معلوم نیست پسـران و دختران با شـرائط تقوی مساویند یا خیر؟

### ج

- بطور کلی اگر شرعاً وصیّت ثابت شود و بیش از ثلث ترکه نباشد نافذ و عمل به آن واجب است و اگر وصی معلوم نباشد هر یک از ورثه اعم از پسر یا دختر که علم بوصیّت دارد می‌تواند آن را اجرا و عملی نماید.

### س ۱۷۵۵

### اشاره

- خانم محترمه‌ای (مقلـد مرحوم آیت الله آقا نجفی ره) حدود ۲۰ سال قبل فوت کرده و وصـیتنامه مفصلی تنظیم و جهت انجام امور وصیتنامه ۶ نفر را بـه عنـوان وصـی و نـاظر تعییـن کرده است. و جهت حق الزحمه این ۶ نفر ۱۲٪ از ثلـث مـاترک را قرار داده که بالسویه میان این شش نفر تقسیم شود.

در طول این سالها ۳ نفر از این ۶ نفر فوت کرده‌اند اکنون این سؤال مطرح است که:

آیـا حق الوصایه ۳ نفر متوفی به ۳ نفر باقی مانـده می‌رسد؟ (یعنی ۳ نفر باقی مانـده سـهم هر یک از آنها ۴٪ می‌شود؟ یـا اینکه حق الوصایه ۳ نفر متوفی داخل در ثلث ما ترک شده و ۳ نفر باقی مانده همان ۲٪ قبلی را بایستی به عنوان حق الوصایه خود بردارند؟

### ج

- با طلب مغفرت برای مرحومه موصـیه که نوه مرحوم عالم مجاهد و مرجع شـهیر آیهٔ اللّه آقای آقا نجفی اصفهانی علیه و علی والده الفقیه وجده المحقق صاحب الحاشـیهٔ و عم أبیه صاحب الفصول و علی اخوته المرحومین آیات اللّه الشیخ محمد حسین والد صاحب الوقایهٔ و الشـیخ محمد علی و المجاهد الکبیر الحاج آقا نور اللّه الرحمهٔ عن اللّه و الرضوان می‌باشد از این وصـیت‌نامه که قوت ایمان و تقوی و تعبـد و تعهّد دینی این بیت شـریف ظاهر و لائح است اسـتظهار می‌شود که مقصود از تعیین دوازده درصد برای شـش نفر نامبردگان تملیک مجانی به آنها نبوده بلکه غرض تعیین حق العمل سه نفر مشروط علیهم و حق النظاره سه نفر ناظر بوده علی هذا با فوت هر یـک از ناظرین حق نظارت او نسبت به آینـده منتفی می‌شود و ظاهراً سـهم او در ملکیت مشـروط علیهم باقی می‌مانـد و به

آنها تعلّق دارد اگر چه احتیاط این ستکه نسبت به آن با سائر ورثه مصالحه نمایند و اما اگر بعض از مشروط



علیهم فوت کرده باشند نظر به اینکه انفاذ شرط بر عهده ورثه او است و چیزی که برای او معین شده در مقابل عمل او است به وارث و قائم مقام او که عمل انجام می‌دهد می‌رسد نکته لازم به تذکر این ستکه چون ظاهر عبارت اعتبار استحصال نظارت هر یک از سه ناظر است احتیاط این ستکه بجای ناظر متوفی از طرف مجتهد جامع الشرائط شخصی معین شود و اگر اجرة المثل عمل او کمتر از سهم ناظر متوفی از دوازده درصد است به همان اجرة المثل اکتفا شود.

### س ۱۷۵۶

#### اشاره

- آیا جایز است که با عدم حضور وصی میّت، اموال میّت رسیدگی شود یا خیر؟

#### ج

- رسیدگی به اموال میّت و عمل به وصایای او باید با حضور و دخالت وصی باشد. و اللَّه العالم

## تصرف بر خلاف وصیّت

### س ۱۷۵۷

#### اشاره

- آیا عمل به وصیت واجب است؟

#### ج

- عمل به وصیت شرعی واجب است. و اللَّه العالم

### س ۱۷۵۸

#### اشاره

- مسلمانی از دار دنیا رفت وصیّت کرد که دو فرزند بزرگش وصی او شوند و یک سوم از محصول زمین مزروعی را بعنوان ثلث مال در نظر گرفته بود که هر ساله در جهت امور خیریه صرف نمایند. ولی این دو فرزند یکی اهل دین و دیانت دیگری بر عکس

اول میباشد یعنی کلّ زراعت را بخودش اختصاص میدهد برای پدر هیچ‌گونه خرجی نمی‌کند آیا با این وجود میشود زمین را بفروشند کلّیه پولش را بعنوان ثلث برای میّت خرج کنند یا خیر؟

### ج

- باید طبق وصیت زمین مذکور را حفظ کنند و عوائد آن را مصرف امور خیریه بنمایند و تصاحب عوائد زمین و عدم صرف آن در امور خیریه غصب و حرام است.

## س ۱۷۵۹

### اشاره

- آیا جایز است که وصی پول سهمیّه میّت را که از فروش یکی از ملکهای مورد وصیت دریافت کرده است برای رفاه ورثه در خرید خانه صرف

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۴

کند و بعداً پس از فروش ملک دوم مورد وصیت یکجا تمام ثلث میّت را به مصرف شرعی برساند.

### ج

- جائز نیست.

## س ۱۷۶۰

### اشاره

- آیا وصی شرعاً می‌تواند و حق دارد که قسمتی از ثلث میّت را که بایستی در امر خیر مصرف شود به عنوان قرض الحسنه به یکی از ورثه قرض دهد تا وی برای خود خانه‌ای تهیه کند و یا کار ازدواج خود را سر و سامان بخشد و بعداً به تدریج و کم کم وجه را دریافت نماید و صرف امور خیریه بنماید.

### ج

- وصی شرعاً چنین حقی ندارد.

## س ۱۷۶۱

### اشاره

- در فاصله بین فوت و فروش ملك مورد وصیت بعضی از ورثه از آن خانه (ملك مورد وصیت) استفاده کرده‌اند حال بیان فرمائید که آیا لازم است مال الاجاره‌ای برای آن در نظر گرفته شود و ۱۳ بر ثلث افزوده گردد و یا نیازی به چنین محاسبه‌ای نیست؟

### ج

- اگر تأخیر غیر فاحش بوده مال الاجاره لازم نیست و اگر تأخیر فاحش بوده اجرهٔ المثل اجاره محاسبه و به ثلث اضافه شود.

### س ۱۷۶۲

### اشاره

- اگر طبق گفته میّت عمل نشود وصی می‌تواند در کار میّت دخالت کند؟

### ج

- وصی باید برای عمل به وصایای میّت دخالت کند. و اللَّه العالم

### س ۱۷۶۳

### اشاره

- بعرض می‌رساند که پدر این جانب قطعه زمینی در آبادان دارد و وصیت کرد محصول آن زمین برای خانواده کاشف الغطاء ارسال شود. در زمان جنگ محصول زمین که خرما باشد از بین رفت و همچنین به خانواده کاشف الغطاء دست رسی ندارم و ظاهراً کسی از این خانواده محترم نمانده حالا این جانب در جهت تعمیر زمین چه تکلیفی دارم؟ و در ضمن اگر محصولی داد صرف چه چیزی نمایم؟

### ج

- در فرض مسأله میتوانید از عوائد زمین جهت تعمیر آن مصرف نمائید

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۵

و بقیه عوائد آن باید بخانواده مرحوم کاشف الغطاء قدس سرّه داده شود و بعید است کسی از آن خانواده باقی نمانده باشد باید از

اشخاص مطلع کسب اطلاع نمائید تا آنها را شناسایی نمایند ولی در صورتی که نسل آن مرحوم بکلی منقرض شده باشد که بسیار بعید است قطعه زمین متعلق به ورثه حین الفوت موصی است.

### س ۱۷۶۴

### اشاره

- وصیت‌نامه ای توسط شخصی در قید حیات تنظیم و در متن وصیت‌نامه وراث را راهنمائی نموده‌اند که سهم الارث خود را به برادر کوچک خودشان و همچنین مادرشان واگذاری نمایند تمام وراث در قید حیات موصی، نامه را تنفیذ و امضاء نموده‌اند که حاکی از قبول آنان نسبت به وصیت‌نامه می‌باشد سؤال این است که اولًا: عمل به وصیت‌نامه با توجه به امضای تمام وراث ذیل وصیت‌نامه واجب می‌باشد یا خیر؟ (با توجه به اینکه وصیت مازاد بر ثلث ترکه می‌باشد).
ثانیاً: بر فرض اینکه از نظر قانون وراث موظّف به عمل کردن بر طبق وصیت‌نامه نباشند آیا در صورت مخالفت مرتکب معصیت شده‌اند یا خیر؟

### ج

- در مورد سؤال که طبق وصیّت‌نامه درخواست و تقاضای موصی را ورّاث قبول کرده‌اند بنابر احتیاط همانطوری که موصی از آنها خواسته عمل نمایند.

### س ۱۷۶۵

### اشاره

- شخصی در حال حیات به دامادش گفته که وصیت می‌کنم پانصد هزار تومان از مال مرا بعد از فوت در بانک بگذارید و یا به کسی بدهید و از ربح آن سالی پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنید دامادش گفته این کار جایز نیست و لذا وصیت کرده که از مبلغ پانصد هزار تومان هر سالی پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنید سپس از دنیا رفته ورثه این مبلغ را به کسی به مضاربه داده‌اند که از منافع آن پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنند و مازاد را به زوجه او بدهند آیا این عمل جایز است یا باید از اصل مال سالی پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنند تا تمام شود؟

### ج

- در فرض سؤال، به مضاربه دادن مبلغ مذکور جایز نیست بلکه باید آن مبلغ را در محل امنی محفوظ بدارند و هر سال مبلغ پنجاه هزار تومان از آن را صرف
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۶

روضه‌خوانی بنمایند تا تمام شود.

### وصیت به ثلث

#### س ۱۷۶۶

##### اشاره

- کسی که وصیّت میکند ثلث اموال مرا خرج خیرات از قبیل خمس و نماز و روزه و غیره نمائید آیا جمیع اموال از قبیل پول نقد زمین کشاورزی ماشین باری تریلی و لودر را شامل میشود یا بعضی از این اموال را؟

##### ج

- بلی در فرض مذکور وصیت جمیع اموال موصی را شامل میشود.

#### س ۱۷۶۷

##### اشاره

- شخصی متولّی و وصیّ شده بر ثلث شخص که بعد از مرگ باغی را با دویست درخت خرما صرف در امور خیریه کند آیا می‌شود این باغ را فروخت و آن را جهت آن مرحوم صرف در خیرات نمود؟

##### ج

- باید چگونگی وصیت ملاحظه شود اگر موصی وصیت کرده که باغ را بعنوان ثلث صرف در خیرات بنمائید وصی میتواند بفروشد و صرف در خیرات نماید و اگر وصیت کرده که باغ بماند و عوائد آن صرف خیرات شود در این صورت باغ را نباید بفروشند بلکه باید عوائد آن را صرف خیرات نمایند.

#### س ۱۷۶۸

##### اشاره

- شخصی متولی ثلث کسی است در اثر جنگ درختان خرما که ثلث آن مرحوم است از بین رفت دولت خسارت نخلها را داده الآن با این پول چه کار کند صرف در خیرات کند یا واجب است درخت بکارد؟

ج

- باید غرس اشجار کند.

س ۱۷۶۹

اشاره

- پدر این جانب وصیت کرده که ثلث مالم را برای این جانب خرج کنید و وصی پدرم هم می‌خواهد تمام ثلث را یک جا بگیرد و ما از ایشان مهلت می‌خواهیم که به ما مهلت دهد ولی ایشان قبول نمی‌کند لطفاً بفرمائید وظیفه ما در این مورد چیست؟

ج

- تأخیر در عمل بوصیت بدون عذر شرعی جائز نیست شما باید ثلث را در اختیار وصیّ قرار دهید و تأخیر نیندازید.

س ۱۷۷۰

اشاره

- آیا میتوان مقداری از ثلث مال میّتی را که وصیت کرده برای نماز
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۷
و روزه و ردّ مظالم از آن استفاده شود جهت بنای مسجد جدید الاحداث استفاده نمود؟

ج

- با فرض اینکه مصرف ثلث را در انجام نماز و روزه و ردّ مظالم تعیین نموده باشد صرف آن در موارد دیگر هرچه باشد جایز نیست.

س ۱۷۷۱

اشاره

- شخصی فوت کرده ثلث مالش را وصیت کرده چند سال نماز و روزه و مابقی را در راه خدا مصرف کنند در ضمن چند تا پسر و دختر بی‌سرپرست و محتاج دارد آیا می‌شود از مابقی ثلث که در مورد خاصی وصیت نشده به فرزندان محتاج ایشان داده شود یا

خیر؟

ج

- در فرض سؤال، وصیت از اولاد خود موصی منصرف است. و اللَّه العالم

س ۱۷۷۲

اشاره

- شخصی در زمان حیات خود ثلث مال خود را محاسبه نموده و با قیمت آن روز وصیت نموده که صرف نماز و روزه و امور خیریه گردد حال که فوت نموده ثلث مال او که شامل وسیله نقلیه و لوازم دیگر می‌باشد، قیمتش بیشتر از قیمت زمان محاسبه می‌باشد آیا کدام قیمت معتبر است؟ قیمت فعلی یا قیمت قبلی که خود محاسبه کرده؟
ثانیاً اگر لوازمی که به عنوان ثلث قرار داده نماء و سودی داشته باشد آیا آن نماء و سود هم جزء ثلث محسوب می گردد یا فقط عین همان لوازم ثلث اوست؟

ج

- در فرض مذکور چنانچه با تعیین قیمت ثلث حین الوصیهٔ وصیت بمبلغ معین کرده باشد وصیت در همان مبلغ نافذ است و اگر با وجود تعیین قیمت، به ثلث اموال حین الوصیهٔ وصیت کرده اعیان متعلق وصیت است و قیمت فعلی آن بایـد در آنچه موصی معین کرده صرف شود و نماء و سودی که بعد از وصیت حاصل شده نیز جزء کل ترکه است. بلی نماء و سودی که پس از فوت موصی برای عین تعیین شده برای ثلث حاصل شود تابع عین است و از ثلث محسوب می‌شود.

س ۱۷۷۳

اشاره

- آیا ثلث متوفی که وصیت شده بصورت خیرات و اطعام بفقراء مصرف شود میتوان کل یا قسمتی از آن را بصورت قرض و دین به زن و فرزندان آن مرحوم داد و این در صورتی است که آنان احتیاج فوری و خیلی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۸
شدید به این مقدار مال دارند و پس از رفع مشکلشان به موصی الیه برگردانند؟

ج

- ثلث میّت بایـد بـدون تأخیر بمصارف تعیین شده برسد و قرض دادن آن و لو مختصـر هم باشد به اشـخاص مذکور در سؤال جایز نیست.

### س ۱۷۷۴

### اشاره

- احتراماً مرحوم والد در زمان حیات وصیت نموده که کل سرمایه حجره‌شان که در حدود سی میلیون ریال میباشد به عنوان قسمتی از ثلث منظور گردد حـدود سه هفته قبل از فوت، ایشان مبلغ بیست و چهار ملیون ریال از سـرمایه فوق را جهت سـفارش خرید چای در اختیار اخوی محترمشان قرار میدهد. اینک حدود ۵ ماه از فوت ایشان میگـذرد چای مذکور وارد و فروخته شده است با توجه به متن وصـیت‌نامه، مبنی بر اینکه سـرمایه حجره تماماً بایـد صـرف ثلث گرد و در واقع متعلق به ورثه نمیباشـد و با عنایت به اینکه این جـانب به عنوان پسـر ارشـد تنها وصـی ایشان میباشم خواهشـمند است نظر مبارک را در مورد اینکه مبلغ مزبور در اختیار این جانب قرار گیرد تا به مصرف خیرات برسانم مرقوم فرمائید.

### ج

- در مورد سؤال کلّ سـرمایه موجود در حجره حین الفوت موصـی از کالا و نقد اگر زائد بر ثلث ترکه نشده باشد جزء مال الوصایه است و باید بوسیله وصی در مواردی که موصی معین کرده صرف شود.

### س ۱۷۷۵

### اشاره

- اگر در حال وصـیت چیزی مشـخص را برای خانمش وصیت کرده باشد و پسر بزرگ نه در حال مرگ مادرش شیء مورد نظر را و نه بعد از فوت مادرش پرداخت نکند مدیون نیست؟

### ج

- اگر آنچه برای همسـر خود وصـیت کرده از ثلث بیشتر نبوده یا اگر بیشتر بوده ورثه امضاء کرده باشـند شـیء مورد وصـیت بعد از فوت موصـی لها (همسـر) بورثه او می‌رسد و کما فرض اللَّه بین پسـر بزرگ و سائر ورثه تقسـیم می‌شود و پسـر بزرگ اگر مخالفت کند یا اگر در اختیار اوست سهم سائر ورثه را ندهد مسئول و ضامن است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۹

## وصیت بیش از ثلث

### س ۱۷۷۶

### اشاره

- در باب ارث که پسر ۲ برابر دختر می‌برد آیا برای پدر و مادر جائز است که وصیت کنند که وارث ذکور و اناث مساوی ارث ببرند یا نه؟

### ج

- وصیت تا مقدار ثلث نافذ است و زائد بر آن موقوف بامضاء و اجازه ورثه است بنابراین انسان میتواند وصیت کند از ثلث مالم فلان مبلغ به فلان دخترم مثلًا علاوه بر سهم الارث بدهید و اما وصیت به اینکه پسر و دختر بعنوان ارث مساوی باشند نفوذ ندارد.

### س ۱۷۷۷

### اشاره

- انسان میتواند وصیت کند تا همسرم زنده است منزل مسکونی باید در اختیار او باشد و هیچ‌کدام از ورثه حق دخالت و تصرف ندارند آیا در این مورد رضایت و عدم رضایت وراث اثر دارد یا ندارد؟

### ج

- بلی میتواند و رضایت ورثه شرط نیست ولی باید توجه داشت که در این وصیت هم باید ملاحظه ثلث بشود یعنی مجموع وصیتهای مالی او که وصیت به ثلث نموده و از جمله همین وصیت از ثلث ترکه بیشتر نشود.

### س ۱۷۷۸

### اشاره

- شخصی وصیت نمود که وضع خانه مسکونی او و املاک صحرا به همان وضع که هست باقی بماند و ورثه بهم نزنند و در اختیار همسر باشد تا چندی که حیات دارد و بعد از فوت همسرش ورثه سهم خود را ببرند و ضمناً ثلث اموال منقول و غیر منقول را به مصرف نماز روزه و مخارج بعد از مرگ و خیرات مبرات برسانند و اگر قبل از فوت همسر ورثه خواستند تقسیم کنند باید با اجازه مشار الیها باشد آیا وصیت نافذ است یا نه و آیا تقسیم موقوف به اجازه مشار الیها می‌باشد یا نه؟

### ج

- در مورد سؤال اگر موصی اوّل ثلث مال خود را جهت صرف در استیجار نماز و روزه و مخارج بعد از مرگ و خیرات معین نموده وصیت او نسبت به اینکه خانه و غیره مادام الحیوهٔ در اختیار همسرش باشد وصیّت زائد بر ثلث است و نفوذ آن موقوف بر اجازه ورثه است و اگر اوّل درباره همسرش وصیت نموده و بعد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۰

نسبت به ثلث وصیت کرده حکم دیگری دارد در صورت حاجت مرقوم دارید تا جواب داده شود. و اللَّه العالم

### س ۱۷۷۹

### اشاره

- شوهر این جانبه فوت نموده است وصیت کرده و صریحاً نوشته است فرزندانم هیچ گونه حقی ندارند که مادرشان را از عمارت و خانه بیرون نمایند آیا این وصیت نافذ است یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه وصایای مالی متوفی مانند مخارج ایام ثلثه و اجرهٔ المثل تصرفات همسرانش در خانه و اثاث البیت تا چندی که زنده هستند و شوهر نکرده‌اند مجموعاً از ثلث ترکه، تجاوز نکند نافذ است و نسبت به زائد بر ثلث منوط بامضاء کبار ورثه است و در سهم صغار، نفوذ ندارد و اگر مجموع وصایا از ثلث تجاوز کند و ورثه مازاد بر ثلث را اجازه نکنند باید بمقداری که ثلث وافی باشد عمل کنند با رعایت ترتیبی که در وصیت‌نامه ذکر شده است توضیحاً بدهی مالی میّت مانند مهریه و خمس و مظالم و غیرها اگر متوفی وصیت نکرده باشد که از ثلث پرداخته شود از اصل ترکه خارج میگردد و بعد ملاحظه ثلث می‌شود.

### س ۱۷۸۰

### اشاره

- شخصی از دنیا رفته است و وصیّت نموده که کلیّه اموال او را صرف راه خیر کنند، و این شخص فرزند ندارد و وارثین او یک همسر و پنج برادر ویک خواهر میباشد یکی از برادرانش را وصی خود قرار داده و فقط گفته طبقه بالای ساختمان و مغازه‌های جنب خیابان مال همسرم باشد، حال نظریه مبارک را راجع به این وصیّت بیان فرمائید، چنانچه یکی از ورّاث بخواهد سهمیه خود را بگیرد وصی مسئولیتی دارد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال، پس از اداء دیون واجبه و پرداخت خمس، وصیت نسبت به ثلث بقیه ماترک او نافذ و زائد بر ثلث محتاج به

امضاء ورثه هر کدام نسبت به سهم خود است و اگر امضاء نکنند هر وارثی میتواند سهم الارث خود را از دو ثلث ترکه مطالبه نماید و در این صورت باید وصی سهم الارث مطالبه‌کننده را بدهد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۱

### منجزات مریض

#### س ۱۷۸۱

##### اشاره

- آیا وصیت مریض یا سفیه نافذ است؟

##### ج

- وصیت مریضی که عقل و شعور او بجاست نافذ و قبول است و سفیه هم نسبت به چیزهائی که احتیاج به صرف مال ندارد صحیح است و در امور مالی صحیح نیست. و اللّٰه العالم

#### س ۱۷۸۲

##### اشاره

- شخصی با داشتن چند فرزند دختر و پسر در سن ۷۵ سالگی در اثر عارضه سکته مغزی از زبان و دست فلج شده ولی میتوانسته منظور خود را با ایماء و اشاره به اطرافیان بفهماند بنا به اظهار یکی از پسران آن مرحوم چند ماه قبل از فوت که منزل آن پسر مهمان بوده مغازه شخصی خود را که مدت ده سال تعطیل بوده در حضور عیال همان پسر به او بخشید بعد از این جریان روزهای متوالی مکرّر منزل بقیه فرزندان رفت و آمد داشته ولی در این مورد به هیچ یک از فرزندان اظهار نکرده‌اند حال تکلیف ورثه در این مورد چیست (توضیح آن که آن مرحوم وصیت‌نامه معتبر و سه وصی داشته است)؟

##### ج

- بطور کلی اگر او در حال صحت مشاعر به فرزند خود هبه نموده و بخشیده باشد و به قبض فرزند خود داده باشد هبه نافذ و صحیح است ولی اگر این کیفیّت مورد اختلاف باشد مرافعه شرعیّه لازم است.

#### س ۱۷۸۳

##### اشاره

– پدرم در حال موت (یعنی چند روز قبل از موت) می‌توانست حرف بزند ولی با اشاره مطلب و مقصود خود را رساند آیا وصیت او نافذ است یا نه؟

**ج**

– بلی در فرض سؤال که با اشاره مقصود موصی عرفاً مفهوم باشد صحّت وصیّت بعید نیست اگر چه با امکان مصالحه احوط تصالح است. و اللَّه العالم

**س ۱۷۸۴**

**اشاره**

– شخصی در مرض موتش وصیت نموده تمام ما یملک او از جمله زمینی که دارد مصرف تکفین و تدفین و خیرات نماید و وارث او اولاد خواهر از طبقه دوّم می‌باشد آیا این وصیت زائد بر ثلث محتاج بامضاء ورثه است یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال نفوذ وصیت در زائد بر ثلث نسبت به سهم کبار ورثه
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۲
محتاج به امضاء کبار ورثه است و اگر ورثه صغیر دارد وصیت در زائد بر ثلث نسبت به سهم صغار معلّق به بعد از بلوغ آنها است که اگر بعد از بلوغ اجازه کردند در سهم خودشان نافذ است و الّا نفوذ ندارد.

**س ۱۷۸۵**

**اشاره**

– شخصی دو سال قبل از فوتش با وجود مرضی که منجر به فوت او شده است جمیع ما یملک خود حتی الوتد فی الجدار را فروخته به همسرش (ورثه شرعی او از ارث محروم شده‌اند) آیا این معامله صحت شرعی دارد یا خیر؟
اگر در فرض مذکور احتمال اجبار در معامله باشد حکم آن چیست؟
اگر در فرض مذکور احتمال قصد ضرر زدن به ورثه باشد حکم آن چیست؟

**ج**

– معامله مذکور محکوم به صحت است و احتمال اجبار و قصد ضرر زدن مضرّ بصحهٔ معامله نیست.

## دیون میّت

### س ۱۷۸۶

#### اشاره

– شخصی در حال حیات خود خمس و زکاه و حج مدیون است ولی مضایقه و مسامحه می‌کند تا از دنیا می‌رود و ضمناً فرد متوفّی بچّه صغیر دارد آیا تکلیف خمس و زکات و حج او چه می‌شود نحوه پرداخت بدهکاری ایشان به چه صورت است و چنانچه نماز روزه بدهکار باشد به چه شکل باید اداء گردد؟

#### ج

– در مورد سؤال بمقداری که متوفّی خمس و زکات مدیون است و همچنین به مقدار اجرت حجّ میقاتی باید از اصل ترکه میّت قبل از تقسیم ارث اداء شود و اما نسبت به نماز و روزه میّت چنانچه وصیّت نکرده باشد به عهده پسر بزرگ او است و اگر وصیّت کرده باشد از ثلث ترکه او باید نماز و روزه او را استیجار کنند البتّه وصیّت در زائد بر ثلث نفوذ ندارد. و اللَّه العالم

### س ۱۷۸۷

#### اشاره

– پدر این جانب هشتاد سال عمر نمود در زمان حیات خود چندان پایبند به اعمال واجب شرعیه من جمله نماز، روزه و حج نبود اکنون که ایشان

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۳

فوت نموده‌اند معادل حدود یک ملیون تومان (ملک) از خود بجای گذاشته، همسری علیل و دو پسر و چهار دختر هم از ایشان باقی‌مانده‌است، اعمال واجب شرعیه ایشان که به جای نیاورده‌اند تکلیفی داریم؟ آیا با وجود عدم وصیت ما تکلیفی نسبت به نماز، روزه، حج و احتمالًا خمس و سهم امام ایشان داریم یا نه؟

#### ج

– در فرض سؤال اگر به ملک او خمس تعلق نگرفته مثل اینکه خودش آن را نخریده و به ارث به او رسیده باشد از بابت خود این ملک ظاهراً اداء خمس واجب نیست ولی اگر آن را خریداری کرده یا کسی به او بخشیده خمس آن باید اداء شود و همچنین اگر می‌دانید که از راههای دیگر اشتغال ذمه به خمس یا زکات دارد باید از مال او اداء شود و همچنین اگر کفاره افطار عمدی یا عذری

بر ذمّه او باشـد بایـد از مال او اداء شود و اما نسبت به حج اگر وضع مالی او طرزی بود که بدون آنکه در معاش اختلالی واقع شود می‌توانست به حـج برود و راه هم باز بوده بایـد برای او حـج میقاتی بگیرید و اگر وضع معاش بطرزی بوده که واجب الحج نبوده از بابت حـج چیزی بر ذمه او نیست و امّا قضاء نماز و روزه او اگر بجهت عذر شـرعی انجام نداده باشد بر پسـر بزرگتر او واجب اسـت بلکه بنابر احتیاط اگر عمداً هم بجا نیاورده باشد پسر بزرگتر باید آن را قضاء یا برای قضاء آن اجیر بگیرد.

## س ۱۷۸۸

### اشاره

- این جانب به شخصی وکالت رسمی دادم که مقداری از درآمدهای مرا از اجاره مغازه و امثال آن جمع‌آوری و به من تحویل دهد نامبرده درآمدها را جمع کرده و قبل از تحویل فوت نموده است اکنون ورثه او اظهار می‌دارند که پرداخت دیون موکول به انحصار وراثت و امثال ذلک است خواهشـمند است مرقوم فرمائید دیون متوفی از اصل ما ترک کسـر می‌شود یا باید پس از تقسـیم ما ترک پرداخت شود؟

### ج

- ورثه بایـد دیون متوفّی را از اصـل ترکه پرداخت نماینـد و تـأخیر آن بـدون رضایت طلب کار جائز نیست و این محتاج به انحصار وراثت نیست.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۴

## س ۱۷۸۹

### اشاره

- شخصـی در کوره آجرپزی در اثر ریزش خـاک جـان خود را از دست می‌دهـد. و صـاحب کار دیه متوفی را می‌پردازد. از متوفی اولاـد به جای نمانـده و ورثه او منحصـر است به پـدر و مادر و زنش و ضـمناً مـدیون هم می‌باشـد و غیر از اثاثیه منزل از قبیل فرش، یخچال تلویزیون و .... از اموال دنیا چیزی از او باقی نمانده آیا قبل از پرداخت دیون و بدهی او ماترک و دیه بر ورثه تقسیم می‌شود یـا بعـد از پرداخت دیون او؟ در صورتی که دیون او تمـام مـا ترک و دیه را فرا بگیرد و یـا بیشتر از آن مسأله چه حکمی دارد؟ در صورتی که قضای نماز و روزه بر گردن او باشد آیا قضای آنها از ما ترک و دیه قبل از تقسیم بر ورثه برداشته می‌شود یا خیر؟
دیگر اینکه نفقه زن را در ایام عدّه چه کسی باید پرداخت کند و از کجا؟
پولهائی که پـدر متوفی از خودش بدون رضایت به عنوان شـیربهاء یا عناوین دیگر به فامیل عروسـش داده و مقدار آن هم زیاد بوده در صورت داشتن شهود می‌تواند آنها را پس بگیرد یا حق ندارد؟

### ج

- در مورد سؤال باید قبلًا دیون مالی میّت از ترکه میّت که دیه هم جزء ترکه میّت محسوب است ادا شود سپس اگر چیزی باقی ماند بین ورثه کما فرض اللَّه تقسیم شود و برای قضای نماز و روزه او اگر وصیت نکرده باشد از ترکه او برداشته نمی‌شود و لکن در فرض سؤال که متوفی اولاد ندارد احتیاط واجب این است که اگر قضاء بعهده میت باشد پدرش آن را قضا نماید و زوجه در ایام عدّه وفات نفقه ندارد، و اما نسبت به چیزهایی که پدر متوفی به فامیل عروس تملیک نموده چنانچه هبه یعنی بخشش بوده و متّهب‌ها نسبت نسبی با واهب ندارند اگر عین اشیا موجود باشد می‌تواند پس بگیرد، ولی اگر عین آنها موجود نباشد نمی‌تواند چیزی مطالبه کند و این در صورتی است که صاحب کار شرعاً مدیون پرداخت دیه باشد ولی اگر مدیون نباشد و تبرعاً یا طبق روش عرفی آن را بورثه بدهد جزء ترکه میت محسوب نمی‌شود و به هر نحوی که صاحب کارخانه بورثه پرداخت، ملك خود آنها است و اداء دیون میت از آن واجب نیست.

### س ۱۷۹۰

### اشاره

- این جانب برادری داشتم مجرّد بوده چندی قبل بدون وصیّت‌نامه در

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۵

سن ۶۰ سالگی فوت کرده دارای ۳ برادر و دو خواهر میباشد از ایشان یک خانه بجا مانده که برادر بزرگتر می گوید خانه را بفروشیم برایش نماز و روزه بخریم ولی دیگر ورثه با این برنامه مخالفند آیا برادر بزرگتر می‌تواند بدون رضایت دیگر ورثه خانه را بفروشد و صرف نماز و روزه کند یا خیر؟

### ج

- در مورد سؤال برادر بزرگتر بدون رضایت بقیه ورثه حق ندارد سهم آنها را بفروشد بلی نسبت به سهم خودش بهر نحو مایل است میتواند اقدام نماید ولی سزاوار است هر یک از ورثه از سهم خود برای میّت خیراتی مثل استیجار نماز و روزه بدهند.

### س ۱۷۹۰

### اشاره

- معروض میدارد ... بر اینکه شخصی فوت نموده ... پای صغیر در میان است خانه بهمین حال بماند و قرض ... کم کم از مالی باقی و غیره جور کرده ادا میکنم آیا بالغ وضع میتوانند خانه را بفروشند یا خیر و در صورت جواز فروش شرعاً کیفیت ارث بر گردن ورثه چگونه بوده و حق ... ترکه چه نحوی است و آنچه جهیزیه که ... است متعلق بزوجه است یا اینکه جزء اموال میّت است؟

### ج

- در مورد سؤال، باید از ترکه میّت قرض میّت اداء شود و لو بفروختن خانه و صغیر بودن وارث مانع از جواز بیع نیست بلی اگر طلب کار برای اداء دین مهلت بدهد تأخیر اداء دین مانعی ندارد، و کیفیت تقسیم ارث در مورد سؤال این است که بعد از أداء دیون و وصیت نافذه میّت پدر و مادر هر یک یک ششم و زوجه میّت یک هشتم از ترکه را میبرد و بقیه ترکه به پسر او میرسد و جهیزیه‌ای که زوجه با خود بمنزل شوهر آورده متعلّق به زوجه است به ورثه متوفی تعلّق ندارد و ضمناً چون ولی صغیر جدّ پدری او است باید با ملاحظه صرفه و مصلحت صغیر عمل نماید.
در صورتی که مادر صغیر اینگونه اظهار شفقت به او می‌نماید و طلبکارها هم مهلت می‌دهند اگر پدر و مادر هم که هر یک شش یک خانه را می‌برند بنحوی ملاحظه صغیر را بنمایند احسان به او است و اجر و ثواب دارد.

### س ۱۷۹۱

### اشاره

- شخصی در وصیت خود فقط از مجالس و ختم و مصارف در مساجد یا قبرستان یادآوری کرده ولی از واجبات مثل نماز و روزه و رد مظالم و غیره مثل نماز وحشت و ختم قرآن و ختم در ماه رمضان یادآوری نکرده (با وجود وارث صغر) حم شرعی را بیان فرمائید.

### ج

- در فرض سؤال آنچه برای مصارف مذکوره تعیین نموده اگر از ثلث مجموع ترکه بیشتر نباشد باید بر حسب وصیت انجام شود و اگر بیشتر از ثلث باشد در مقدار زائد بر ثلث منوط بامضاء کبار ورثه است نسبت به سهم خودشان و در سهم صغار نفوذ ندارد و اگر ورثه یقین داشته باشند که واجبات مالی مثل مظالم و کفاره و خمس و مهریه زن بر ذمّه دارد باید از ترکه او بپردازند هرچند وصیّت نکرده باشد و بعد از پرداخت آنها ثلث باقیمانده را در مواردی که در وصیت تعیین شده مصرف نمایند و اگر یقین دارند که نماز و روزه بر ذمّه دارد بر پسر بزرگ واجب است آنها را انجام دهد.

### س ۱۷۹۲

### اشاره

- اگر شخص وفات کند و ورثه او همه صغیر باشند چنانچه شخص متوفی وصیت نکرده باشد آیا میشود از اموال شخص متوفی که بعد از وفاتش تعلق به ورثه صغیرش گرفته برداشته صرف در خیرات و فاتحه نمایند و آیا قرض میّت را می‌شود پرداخت نمایند و یا نمی‌توانند و ضمناً آیا میشود خمس را از مال او اداء کرد یا نمی‌شود؟

### ج

- اگر یقین به تعلّق خمس به اموال متوفی داشته باشند، یا بدانند که ذمه او مشغول است باید خمس و سایر دیون را بپردازند و سپس اموال را تقسیم نمایند و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۶

از سهم صغار نمیتوانند خرج مجالس فاتحه و خیرات برای میّت نمایند.

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۲۰۶

**س ۱۷۹۳**

**اشاره**

- کسی که در حیات خود ربا می‌خورده بعد از فوت او با اموالش چه‌کار باید کرد؟

**ج**

- هر مقداری که ربا گرفته باید از ترکه او به کسانی که ربا داده‌اند و یا ورثه آنها پرداخت شود.

**س ۱۷۹۴**

**اشاره**

- پدرم در وصیت‌نامه خود خواستار انجام امورات شرعیه از قبیل نماز، روزه، رد مظالم، تدفین و مراسم هفته و چهل و سالگرد شد که از اصل مال او پرداخت شود ولی تعیین ثلث در ما ترک و یا اینکه مستطیع می‌باشد یا خیر چیزی بیان ننموده است تکلیف چیست؟

**ج**

- در مورد سؤال، نسبت به مظالم در صورتی که اشتغال ذمه موصی یقینی باشد و مخارج تدفین از اصل ترکه ادا می‌شود و اما اگر یقینی نباشد مانند اجرت نماز و روزه و مراسم هفته و چهلم و سالگرد از ثلث خارج می‌شود و در صورتی که زاید بر ثلث باشد نسبت به مقدار زاید موقوف به اجازه کبار ورثه از سهم خودشان است. و اللّٰه العالم

**س ۱۷۹۵**

**اشاره**

– شخصی وصیت نموده که اولادش ۲۰ سال قضای نماز و روزه به جا آورند در صورتی که موصی عمداً و بدون عذر نماز و روزه‌اش را بجا نیاورده آیا این وصیت نافذ است و بر اولاد اکبر ذکور واجب است به این وصیت عمل نمایند یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال اگر اکبر ذکور یقین دارد این مقدار نماز و روزه بعهده والد او بوده واجب است بعد از موت والد خود انجام دهد اگر چه عمداً ترک کرده باشد و اگر وصیت کرده که پسر بزرگتر از ترکه او برایش نماز و روزه استیجار نماید پسر بزرگتر می‌تواند در صورتی که ثلث ترکه وافی برای این کار است از آن بردارد و در مازاد بر ثلث اجازه ورثه لازم است.

س ۱۷۹۶

اشاره

– شخصی وفات کرده حدود ۴ میلیون تومان به مردم بدهکار است و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۷

دارای ۷ فرزند که ۴ تن آنها صغیر می‌باشند. از مال دنیا فقط سه دانگ خانه دارد و مختصر اثاثیه منزل هم دارد اجناس هم دارد که کفاف قرض او را نمی‌دهد در این مورد چه جواب مرقوم می‌دارید و در بانک صادرات هم سه نفر ضامن‌اند.

ج

– در فرض سؤال، باید ورثه از ترکه متوفی هر چند خانه و اثاث خانه باشد و هر چند متوفّی صغیر هم داشته باشد به مقداری که ترکه وفا می‌کند از دین او بپردازند و اگر دینی باقی بماند ورثه یا پدر متوفّی تکلیفی نسبت به آن ندارند و اگر ضمانت بانکی به این نحو بوده که آن سه نفر ضامن شده‌اند که بانک به متوفّی وام بدهد مشروط به اینکه اگر متوفی آن وام را به بانک برنگرداند آنها بدهند ضمانت باطل است و چیزی بر عهده ضامن نیست. و اللَّه العالم

احکام متفرقه وصیت

س ۱۷۹۷

اشاره

– مادر ما از دنیا رفته است و وصیت نموده که ثلث مالش را صرف نماز و روزه او کنند و بقیه بین ورثه تقسیم شود. حال برادر ما، تمام ما ترک را ضبط کرده و نه سهم ما را می‌دهد و نه سهم ثلث را، و می گوید چون من عیال وار هستم ثلث بمن میرسد

خواهشمندم تکلیف ورثه را تعیین فرمائید.

ج

- بطور کلی اگر متوفی وصیت کرده باشد ثلث را در مورد خاصی مصرف کنند باید بهمان مصرف برسد و ورثه هم هر یک سهم الارث خود را می‌بردند. و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۷۹۸

اشاره

- شخصی به این عبارت در وصیت‌نامه خود نوشته است. مبلغ شش میلیون تومان در بانک سپه بنام این جانب و دو دختر این جانب می‌باشد که طبق قرارداد شرعی که با آنها گذاشته شده، استفاده از آنها تا زنده بودن مربوط به خود این جانب می‌باشد، و اگر تا زمانی که زنده هستم و آنها شوهر کردند به خاطر جهیزیه‌ای که دادم آنها مال کلّ ورثه است و اگر شوهر نکرده باشند هرکدام دو ملیون که به نامشان می‌باشد غیر از سهم الارث متعلق به خود آنها می‌باشد.
مشار الیه به رحمت خدا رفته، درحالی‌که دو دختر نامبرده هنوز شوهر
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۸
نکرده‌اند، آیا وصیت او که ظاهر در وصیت تملیکیه و در تعلیق ملکیت آنها به شوهر نکردن آنها در حیات موصی است شرعاً معتبر است یا خیر؟

ج

- با حمل بر صحت قرارداد واقع فیما بین موصی و دختران او ظاهر این ستکه مصالحه‌ای بین آنها در مورد چهار ملیون تومان از مبلغ مرقوم واقع شده که بر حسب آن چهار میلیون تومان را به دخترهایش صلح کرده و شرط کرده که مادام الحیوة حق تصرّفاتی را که منافی با مالکیت آنها نباشد در آن داشته باشد و چنانچه آنها در زمان حیات او شوهر رفتند جهیزیه آنها را در مقابل این وجه تهیه نماید بنابراین در صورتی که در زمان حیات او دخترها بشوهر نرفته‌اند این چهار میلیون تومان در ملکیت آنها باقی میماند و چنانچه فرضاً قرار داد مذکور قابل حمل بر صحت نباشد و چهار ملیون تومان ملك خود موصی باشد بر حسب این عبارت حدّ اقل وصیّت تملیکیه است و اگر زائد بر ثلث ترکه میّت نباشد نافذ است و در مازاد محتاج بامضاء سائر ورثه است و به دخترهای نامبرده علاوه بر سهم الارث آنها تعلق دارد و چون دلیل بر لزوم جزم و تنجیز در عقود اجماع است و با فرض تحقق آن و حمل آن بر اجماع تعبدی، قدر متیقن آن بعض عقود مثل بیع و نکاح و وکالت است و شامل وصیت که در اصل آن نیز تعلیق وجود دارد نمیشود و بر حسب اطلاقات این وصیّت محکوم بصحت است.

س ۱۷۹۹

### اشاره

- شخصی طی وصیت‌نامه پیوست به شرح متن وصیّت‌نامه ملکی را ثلث خود قرار داده است چند سؤال شرعی مطرح است
الف: اینکه نوشته شده اولاد ذکور مقصود اولاد ذکور پس از پنجاه سال است یا حین الفوت و یا ورثه آنها؟
ب: آیا قبل از تمام شدن مدت ۵۰ سال اجازه تبدیل به احسن داده می‌شود یا خیر؟

### ج

- الف: استظهار اینکه مراد موصی از عبارت (و پس از مدّت پنجاه سال مورد ثلث باید بین أولاد ذکور بالسویه تقسیم نمایند) اولاد ذکور پس از پنجاه سال باشد قریب بنظر میرسد چنانچه ظاهر این ستکه در صورتی که اولاد ذکور بلا واسطه حین الوصیه موصی زنده باشند فرزندان آنها را شامل نیست ولی چنانچه پس از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۹
پنجاه سال بعض اولاد ذکور بلا واسطه فوت شده باشند فرزندان آنها با اولاد بلا واسطه در بردن سهم از مورد وصیّت مشارکت خواهند داشت و اگر چه ظاهر این است که با اولاد بلا واسطه بالسویه سهم میبرند احتیاط این است که با تراضی و مصالحه عمل نمایند و اگر همه اولاد بلا واسطه فوت شده باشند بین اولاد مع الواسطه بالسویه تقسیم میشود.
ب: قبل از تمام شدن مدت پنجاه سال تبدیل مورد وصیّت بعنوان تبدیل باحسن جایز نیست. و اللَّه العالم.

### س ۱۸۰۰

### اشاره

- الف: شخصی وصیت کرده که وصی او از ثلث ماترک، حیاطش را از ورثه‌اش بمدت سی سال اجاره کنند تا پسرش در آنجا سکونت کند. آیا در این صورت ورثه می‌توانند این وصیّت را قبول نکنند یا اجاره ندهند، و در این صورت تکلیف وصی چیست؟
ب: اگر میّت، ورثه صغیر یا غایب داشته باشد جایز است او را در حیاط خود غسل داد یا نه؟ برای اینکه میّت را در حیاط خود غسل دهند اجازه ورثه لازم است یا نه؟

### ج

- الف: در فرض سؤال، وصیّ باید برای اجاره نمودن حیاط، مراجعه به ورثه کند لکن بر ورثه واجب نیست حیاط را اجاره دهند بلی اگر اجاره دادند وصی باید از ثلث آن را اجاره نماید. و اللَّه العالم
ب: در مثل این فرض بنابر احتیاط اجازه ورثه لازم است اگر وارث صغیر داشته باشد احتیاطاً باید با اجازه ولی شرعی سهم صغیر را برای هر تصرّفی اجاره نمایند و مال الاجاره بمصرف صغیر برسد و در مورد غایب از حاکم شرع جامع الشرائط اذن بگیرند. و اللَّه العالم

### س ۱۸۰۱

#### اشاره

- الف- آیا در سکنی و عمری جایز است که شرطی شود یا نه مثلًا شخصی حیاط خود را یا قسمتی از آن را عمری می‌کند بزوجه‌اش مشروط بر این که مادامی‌که ازدواج نکرده تا آخر عمر در آنجا سکونت کند و در صورت ازدواج دیگر حقی نداشته باشد؟

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۰

ب- و آیا جایز است که انسان وصیت کند که پس از تمام شدن عمری یعنی پس از وفات کسی که برایش عمری شده ملک عمری شده به شخص معینی داده شود. البته در صورتی که بیشتر از ثلث نباشد یا نه.

#### ج

- الف: جایز است سکنی به این صورت باشد که شوهر سکنای خانه خود را تا موقعی که زوجه‌اش شوهر نکرده برای او قرار دهد و اگر به این صورت، قرار داد، زوجه بعد از ازدواج حق سکونت ندارد و اگر ازدواج نکرد و لو تا آخر عمر، حق دارد و عمری قرار دادن به صورت شرط، به نحو مذکور در سؤال هم مانع ندارد. و اللّه العالم.

ج- ب: در عمری ملک عمری شده به ملکیت، مالک آن باقی است بنابراین، وصیت به این که بعد از اتمام شدن عمری، ملک، به شخص معینی داده شود و حسب الفرض، زائد بر ثلث هم نباشد اشکال ندارد. و اللَّه العالم

### س ۱۸۰۲

#### اشاره

- اگر ورثه در اثر تقلید از مراجع مختلف اختلاف نظر داشته باشند، به چه نحوی باید عمل نمایند؟

#### ج

- در صورت مفروضه چنانچه ورثه با یکدیگر در نحوه عمل توافق کنند احوط است و الّا رفع امر به حاکم شرع جامع الشرائط می‌شود و او طبق نظر خود حکم می‌کند. و اللَّه العالم

### س ۱۸۰۳

#### اشاره

– از این به بعد ورثه نسبت به استفاده از ترکه تقسیم ناشده همچون استفاده از میوه درختان چگونه باید عمل کنند؟ آیا حکم رفتن به خانه برادر و خواهر و دوست را دارد؟ یا باید هر کس به اندازه سهم آینده‌اش استفاده نماید؟
(و لو مقدار اندک یک کیلو میوه)

ج

– اگر استفاده از آنها با تراضی نسبت به یکدیگر باشد اشکال ندارد و الّا حکم بقیّه اموال متوفّی را دارد که هر یک از ورثه در آن حسب السهم شریکند. و اللَّه العالم

س ۱۸۰۳

اشاره

– اگر شخصی در زنده بودن خود با عقل و هوش سالم ملکی را در وصیت‌نامه‌ای که نوشته است به نوه خود ببخشد و در وصیّت‌نامه ذکر کند که کسی از وراث حقی به او ندارند و وصیت‌نامه هم به مهر و امضای شورای روستا رسیده باشد و این شخص هم ملک آن مرحوم را که به او بخشیده احیا کرده باشد و تمام دستورات شخص فوت شده را که در وصیت‌نامه ذکر شده است از قبیل نماز و روزه و رد مظالم و بدهی‌های دیگر و تکالیف آن مرحوم را انجام داده باشد آیا وراث می‌توانند این ملک را به تصرف خود در بیاورند؟

ج

– بطور کلی اگر کسی در حال حیات ملکی را به نوه خود و یا به هر کس دیگر ببخشد و ملک را در اختیار متهب قرار دهد یعنی به قبض او بدهد ورثه حقی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۱
به آن ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللَّه العالم

س ۱۸۰۴

اشاره

– در مواردی که هزینه مخارج هفتم و چهلم و ... باعث تصرف در اموال میت که صغیردار و یا بخطر افتادن آبروی شخص مصیبت‌دیده می‌شود و برای حفظ آبروی خود ناچار به گرفتن قرض از این و آن می‌شود، حکم شرعی چیست؟

ج

– در مورد سؤال، چنانچه متوفی وصیت به صرف مخارج ایام هفته و چهلم و غیره نموده باشد بمقدار ثلث ترکه با ملاحظه سایر وصایای نافذه اعتبار دارد و لو ورثه صغیر داشته باشد ولی اگر وصیت نکرده باشد از سهم ورثه صغیر صرف در مخارج ایام هفته و چهلم و غیره جائز نیست و کبار مختارند از مال خودشان مصرف نمایند البته توجه داشته باشید در صورتی که ورثه هم متمکن نباشند نباید خود را با قرض و غیره در مضیقه قرار دهند. یادآوری این مطلب لازم است که اگر مؤمنین بجای بعض مخارج غیر لازم که در اینگونه موارد مرسوم شده است و چنانچه در سؤال نوشته‌اید گاهی باید تصرّف در مال صغیره یا قرض کردن انجام شود اموری را که بیشتر بدرد متوفی می‌خورد نظیر قضاء نماز و روزه و اداء حقوق واجبه مانند خمس و زکاهٔ و مظالم بجا آورند بسیار بهتر و بلکه در بعض موارد لازم است. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۱۳

ارث

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۱۵

# ارث

## تقسیم ارث

### س ۱۸۰۵

#### اشاره

– زنی فوت کرده اولاد ندارد پدر و مادر و چهار برادر و ۲ خواهر دارد تکلیف تقسیم ارث و مهری که طلب دارد و جهیزیه‌ای که در خانه شوهر دارد چیست؟

#### ج

– در فرض سؤال بعد از اداء دیون مالی و وصیت نافذ، نصف ترکه آن زن به شوهرش می‌رسد و مهریّه و جهیزیه هم جزء ترکه او محسوب است و یک ششم ترکه او به مادرش می‌رسد و بقیه ترکه به پدر او می‌رسد.

### س ۱۸۰۶

#### اشاره

– در صورتی که شخصی بدون وصیت از دنیا رفته و فرزند بزرگ هم دارد و صغیری به تکلیف نرسیده نیز دارد مصارف اموال او چه حکمی دارد؟

**ج**

– در فرض سؤال آنچه را که ورثه می‌داننـد بر ذمّه متوفی است مانند دیون به مردم و یا وجوهات شـرعیه و یا حج باید از اموال او به مصرف آنها برسانند هر چند صغیر داشته باشد توضیح اینکه دیون مالی از اصل مال خارج می‌شود و بعد
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۶
باقیمانده بین ورثه تقسیم میگردد و قضاء نماز و روزه هم اگر بر ذمه میّت باشد بر عهده پسر بزرگ است یا خودش انجام دهد و یا از مال شخصی خودش استیجار نماید.

**س ۱۸۰۷**

**اشاره**

– شخصی در زمان حیات خویش حقوق تنها وارث خود را که خواهرش بوده بعنوان مصالحه از او سلب نموده که با پرداختن مبلغ ۱۴۰۰۰ تومان به وارث خود، مشار الیها هیچ‌گونه حقی نسبت به ارث برادر خود بعد از وفات وی نداشته باشد و جمیع ما یملك را نیز به همسر خویش صلح نموده است و این صلح و مصالحه دو سال قبل از فوت مشار الیه و در حالت مرضی بوده است که منجر به وفات وی شده است با توجه به اجمالی که گذشت آیا این صلح و مصالحه صحیح است و مانع ارث می‌شود یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال، صلح مذکور صحیح نیست و مانع ارث نمی‌شود ولی صلح به همسر اگر با شرائط صحت واقع شود نافذ است و خواهر مصالح نسبت به مورد صلح بعنوان ارث حقی ندارد.

**س ۱۸۰۸**

**اشاره**

– اشخاصی که در شرکتهای غیر دولتی و یا کارخانه‌های شخصی مشغول کار هستند در صورت فوت از طرف شرکت مبلغی به ورثه آنان وجه نقد می‌دهند آیا این وجه داخل در ترکه میّت است یا نه؟

**ج**

– این امر تابع مقرّرات شرکت و یا کارخانه مربوطه است و حکم ترکه را ندارد.

**س ۱۸۰۹**

اشاره

- اگر زنی که خانه دار است از اموال شوهر بـدون رضایت او، و باغ یا زمین و طلا هم جهت زینت ایشان خریـداری نموده است که شوهر طلا را به او بخشیده است آیا بعد از فوت زن، این اموال مال شوهر است یا مال وارث زن؟

ج

- در مورد سؤال اگر خریـد زمین و باغ و غیره به ذمه بوده (کما اینکه معمولا همینطور است) آنها ملك زوجه شده و بعد از فوت او به ورثه او می‌رسـد و لو اینکه از مال شوهرش بدون رضایت او قیمت آنها را پرداخته باشد بلی هر مقدار از مال شوهر بدون رضایت شوهر برداشته باید از مال او برداشته شود و به شوهر و یا ورثه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۷

او داده شود و امـا نسبت به طلاجـات هر مقـدار طلاجات را شوهر به زوجه خود بخشـیده است حکم بقیه ترکه زوجه را دارد و اگر نبخشیده متعلق به شوهر است و به وارث زوجه نمی‌رسد.

س ۱۸۱۰

اشاره

- کسانی که از میت باقی مانده‌انـد: ۱- زوجه دائمی (که دختر عموی متوفی بوده) ۲- دختر عموی دیگر از مادر دیگر ۳- یک نفر پسر دایی ۴- از دایی دیگر سه پسـر دایی و سه دختر دایی ابوینی ۵- دو پسـر خاله و دو دختر خاله از یک مادر و پدر (ابوینی) لطفاً معلوم فرمائید آیا دختر دایی‌ها و پسر و دختر خاله‌ها بطور مساوی ارث می‌برند یا «للذکر مثل حظ الانثیین»؟

ج

- در مـورد سـؤال، زوجه دائمی او به عنوان زوجیّت ربع ترکه را ارث می‌برد البته زوجه در مورد سؤال از زمین منزل مسـکونی ارث نمی‌برد و از قیمت هوایی منزل ربع می‌برد و ثلث ترکه را اولاـد دایی و خاله او می‌برد و در مورد سؤال که فرض شـده از دو دایی و یک خاله اولاد باقیمانـده، سـهم الارث یک دایی به اولاد او می‌رسـد یعنی مثلًا یکی از دائی‌ها که فقط یک فرزنـد از او باقی مانـده تمام سـهم الارث یک دایی به یگانه فرزند او می‌رسد و سهم الارث یک دایی دیگر به شش فرزند او (سه پسر و سه دختر) می‌رسد و سـهم الارث یک خاله به دو پسـر و دو دختر که از او باقی مانده می‌رسد و به نظر این جانب نسبت به تقسـیم سـهم الارث دایی و خـاله ابوینی و همچنین اولاـد آنهـا بنـابر احتیـاط مصالحه شود و بقیه ترکه به اولاد عموی ابوینی او که زوجه او می‌باشـد می‌رسـد و دختر عموی دیگر که در سؤال برای او ذکر شده چون نوشـته‌اید از مادر دیگر است یعنی فقط أبی است با بودن دختر عموی ابوینی (که زوجه اوست) ارث نمی‌برد. و اللّٰه العالم

### س ۱۸۱۱

#### اشاره

- متوفی اضـافه بر اموالی که داشته یـک بـاب منزل و یـک دسـتگاه تلفن را قانونـاً به نام یکی از ورثه نموده و در زمان حیات خود تصـمیم فروش آن را داشـته، از نظر شـرعی برای بقیه ورثه چه حکمی دارد آیـا این دو شـیء متعلق به کلیه ورثه یا این که به مالک قانونی آن تعلق دارد؟

#### ج

- در فرض سؤال، اگر منزل و تلفن را با اینکه بنام یکی از ورثه کرده
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۸
نبخشـیده و چنانچه در سؤال مـذکور است قصـد فروش آن را داشـته متعلّق بهمه ورثه است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۸۱۲

#### اشاره

- مقـدار نسـبتاً زیـادی کتب فقهی، تفسـیری، اعتقـادی، اخلاقی و غیره از یکی از علماء که برحمت ایزدی پیوسـته موجود است، آن مرحوم دارای سه فرزند است یک پسـر روحانی و دو دختر، حال سؤال این است: آیا کتابها فقط به پسر می‌رسد یا جزء ماترک میت است که بحسب قانون ارث بین ورثه باید تقسـیم شود ضـمناً بر فرض اینکه فقط به پسـر می‌رسد، بعد از پدر آن پسر هم از دنیا رفته در این فرض کتابها به پسر بزرگ می‌رسد یا باید بین همه ورثه تقسیم شود.

#### ج

- کتابها متعلّق به همه ورثه است هر چند پسر روحانی داشته باشد بنابراین موردی برای سؤال دوّم باقی نمی‌ماند.

### س ۱۸۱۳

#### اشاره

- باسـتحضار می‌رساند که پدری با داشتن همسر ۲ پسر و ۲ دختر فوت می‌نمایـد و بعد از فوت پدر یک پسـر و یک دختر نیز فوت می‌کننـد حال می‌مانـد یک پسـر و یک دختر و مادرشان، تا اینکه دختر شوهر می‌کند و یک دختری از او بجا می‌ماند و خودش نیز

می‌میرد حال می‌ماند یک پسر و یک دختر که خواهرزاده پسر می‌باشد حالا امر بفرمائید؟
خواهر زاده چقدر ارث از دارائی می‌برد- و مادر چقدر از ارث و از دخترش که فوت کرده چقدر ارث می‌برد؟

**ج**

- در فرض سؤال، پس از فوت پدر یک هشتم از تمام ترکه او بعد از استثناء دیون میّت و وصیّت نافذه به همسرش می‌رسد و بقیه طوری تقسیم می‌شود که هر پسری دو برابر دختر ببرد و بعد از فوت یک پسر و یک دختر اگر اولاد نداشته‌اند سهم الارثی که از پدر به آنها رسیده به مادرشان می‌رسد و بعد از فوت دختری که شوهر رفته و یک دختر دارد سهم الارث پدری و سایر اموالی که دارد یک چهارم آن به شوهر و بقیه چهار قسمت می‌شود یک قسمت به مادرش و سه قسمت به دخترش می‌رسد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۹

### طبقات

### س ۱۸۱۴

**اشاره**

- متوفی در وصیت نامه خود زمین خویش را برای دختر خویش وصیت نموده چون اولاد ذکور نداشته و مدتی بعد از فوت متوفی دختر ایشان نیز فوت کرده مادر دختر در قید حیات است آیا زمین متوفی بعد از فوت دختر برای مادرش انتقال پیدا میکند چون دختر وارث دیگر ندارد یا به پسر عموی دختر منتقل می‌شود اگر بعد از فوت دختر زمین به مادر منتقل شود، و پسر عموی دختر با قدرت خود تصرف کرده باشد حکم مسأله چیست؟

**ج**

- بعد از فوت دختر اگر دختر مادر داشته ارث او به پسر عمویش نمی‌رسد و تصرّف پسر عمو بدون رضایت مالک شرعی غصب و حرام و موجب ضمان اجرهٔ المثل است.

### س ۱۸۱۵

**اشاره**

- در باب ارث فقهاء عظام میفرمایند طبقه اول ورّاث پدر و مادر و اولاد هستند و با نبودن اولاد، اولاد اولاد هر چه پائین بروند سؤال این است که اگر میت هم اولاد دارد و هم اولاد اولاد از اولادهای دیگر آیا اولاد میت مانع و حاجب از ارث برادرزاده‌ها یا خواهرزاده هستند یا خیر. برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها سهم پدر و یا مادر خود را می‌برند و اولاد میت تا هستند فقط حاجب از ارث

فرزندان خود می‌باشند نه فرزندان برادر و یا خواهر.

### ج

- با بودن اولاد بلاواسطه اولاد اولاد (یعنی نوه مطلقاً) ارث نمی‌برد.

### س ۱۸۱۶

### اشاره

- محترماً بعرض عالی میرساند شخصی دار فانی را وداع کرده است فرزندانی از او باقی مانده است و زوجه او هم در حیات می‌باشد و وصیّت ننموده است و یکی از پسران مرحوم فرزندی دارد آیا این نوه که پدرش قبل از پدر بزرگش از دنیا رفته است در ارث سهیم می‌باشد یا خیر؟

### ج

- در مورد سؤال که متوفی فرزند بلا واسطه دارد نوه او ارث نمی‌برد. و اللّٰه العالم

### س ۱۸۱۷

### اشاره

- خانمی چندین سال قبل فوت نموده که در هنگام فوت اولاد و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۰
همسر و پدر و مادر نداشته فقط شش خواهر داشته که پنج خواهر با او پدر و مادری بوده‌اند و یک خواهر هم پدری تنها بوده یعنی از مادر با زن فوت شده جدا بوده بفرمائید آیا با بود خواهران پدر و مادری خواهر پدری تنها سهم ارث میبرد یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال، با بود خواهران پدر و مادری- خواهر پدری تنها از متوفی ارث نمیبرد.

### س ۱۸۱۸

### اشاره

– پسر بنده فوت کرد و یک زن و یک بچه از او باقی ماند بعد از مدتی بچه فرزندم هم فوت کرد آیا بنده و زوجه پسرم از بچه و فرزندم ارث می‌بریم یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال، موقعی که پسر شما فوت نموده وارث او پدر و مادر و بچه و زوجه او بوده یعنی یک ششم به مادر و یک ششم به پدر و یک هشتم به زوجه می‌رسد و بقیه متعلق به بچه اوست و موقعی که بچه فرزند شما فوت نموده آنچه از بچه فرزند شما باقی مانده به مادرش می‌رسد و با وجود مادر به شما که جد او محسوب میشوید از مال او ارث نمی‌رسد.

### س ۱۸۱۹

### اشاره

– خانمی دو شوهر کرده است شوهر اول قبل از خودش برحمت خدا رفته مهریه خانم از شوهر اول یک ساعت آب ملک می‌باشد شوهر دوم این خانم هم زنده می‌باشد این خانم ۴ برادر ۳ خواهر دارد و شوهر اولی ۲ برادر ۲ خواهر از نظر ارث چه حکمی دارد؟ (در ضمن این خانم از هیچ‌کدام از شوهرها بچه ندارد)

### ج

– در مورد سؤال بعد از اداء دیون و وصیت نافذه نصف ترکه آن خانم هر چه هست به شوهر دوم او می‌رسد و بقیه ترکه بین برادران و خواهران او کما فرض اللّه تقسیم می‌شود اگر برادران و خواهران ابوینی هستند هر برادر دو برابر خواهر ارث میبرد. و با وجود خواهر و برادر ابوینی برادر و خواهر ابی ارث نمیبرد و ارث او به برادر و خواهر شوهر اول نمی‌رسد.

### س ۱۸۲۰

### اشاره

– میت ورّاث طبقه اول و طبقه دوم ندارد عیال هم نگرفته بوده از طبقه
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۱
سوم عمه و خاله هم ندارد ۲ عمو داشته که هر دو فوت شده‌اند از یک عمو ۱ پسر داشته که آن هم فوت شده و یک نوه پسر از آن مانده و عمو دیگر سه دختر داشته هر سه فوت شده‌اند و چهار نوه پسر و یک نوه دختر مانده که موجودند و یک دائی داشته که فوت شده و یک پسر دائی زنده است لطفاً حکم ارث را ذیلًا مرقوم بفرمائید.

ج

- بطور کلی با بودن پسر دائی، نوه عمو ارث نمی‌برد.

### س ۱۸۲۱

#### اشاره

- شخصی فوت کرده که فرزند ندارد و خواهر و برادر هم ندارد فقط چند خاله زاده دارد که همه خاله‌زاده‌های پدر و مادری هستند یعنی مادر متوفّی با مادر خاله زاده‌ها همگی خواهرهای پدر و مادری بوده‌اند آیا این خاله‌زاده‌ها از متوفی ارث می‌برند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه متوفی خاله‌های متعددی داشته سهم هر یک از خاله‌ها به فرزندش می‌رسد توضیح اینکه اگر از یک خاله مثلًا یک بچه دارد و از خاله دیگر مثلًا پنج بچه، سهم خاله اول به آن یک بچه می‌رسد و سهم خاله دوم به آن پنج بچه، که به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود چه فرزندان خاله از یک جنس باشند و پسر و دختر باشند.

### س ۱۸۲۲

#### اشاره

- آیا هر وقت شخصی قبل از پدرش فوت نماید فرزندان آن شخص از ارث پدری او بهره‌مند میشوند یا خیر؟ (یعنی شخصی فوت می‌نماید و چند تا بچّه هم دارد و پدر آن شخص در حیات میباشد. آیا فرزندان متوفی از پدر پدر یعنی از جد خود ارث میبرند یا خیر)؟

ج

- در فرض سؤال، اگر پدر پدر فرزند داشته باشد یا بودن فرزند بلا واسطه نوه‌ها که فرزندان بواسطه باشند ارث نمی‌برند.

### س ۱۸۲۳

#### اشاره

- شخصی فوت کرده همسر نداشته بلا عقب است نامبرده سه نفر خواهر ناتنی مادری دارد ویک برادر پدری دارد ویک خواهر پدر

و مادری دارد توضیح بفرمائید ترکه ایشان به چه نحو تقسیم می‌شود؟

ج

– در فرض سؤال بعد از اداء دیون مالی و وصیّت نافذه، ثلث مال او به سه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۲

خواهر مادری او می‌رسد که بین خودشان بطور مساوی تقسیم میکنند و دو ثلث بقیه به خواهر ابوینی او می‌رسد و با بود خواهر ابوینی برادر پدری او ارث نمی‌برد.

س ۱۸۲۴

اشاره

– خانمی از دنیا رفته و دارای هیچ فرزندی نیست و در ضمن شوهر و پدر و مادر ایشان هم از دنیا رفته‌اند و ایشان دارای یک خواهر ابوینی و یک برادر ویک خواهر امّی میباشد. آیا به ایشان ارث می‌رسد و قسم هر کدام چقدر می‌باشد؟

ج

– در فرض سؤال، بعد از اداء دیون مالی و وصیّت نافذه متوفّی، ترکه او سه قسمت می‌شود ثلث آن به برادر و خواهر امّی می‌رسد که بین خود بطور مساوی تقسیم میکنند و دو ثلث آن به خواهر ابوینی می‌رسد.

احکام ارث زوجین

س ۱۸۲۵

اشاره

– خانه‌ای داریم به قیمت شش میلیون و پانصد و شصت هزار تومان لطفاً جنابعالی معلوم کنید سهم هر کدام از افراد ذیل را، خانواده دارای ۵ دختر و ۲ پسر می‌باشد در ضمن سهم زوجه را هم تعیین کنید چون پدر خانواده در قید حیات نیستند.

ج

– به نظر این جانب چنانچه زوجه از متوفّی فرزند دارد مانند بقیّه ورثه از همه ترکه اعم از منقول و غیر منقول ارث می‌برد و سهم او ۱۸ است و بقیه به فرزندان متوفی می‌رسد و هر پسری دو برابر دختر می‌برد. و اللّٰه العالم

### س ۱۸۲۶

#### اشاره

- احتراماً به عرض می‌رسانـد خانمی است که سه سال پیش ازدواج نموده که حـدود ۵ مـاه پیش بر اثر بیماری فوت نموده است در ضمن بچه هم ندارند تکلیف مهریه و جهیزیه ایشان به چه صورت می‌باشد؟

#### ج

- در فرض سؤال، نصف ما ترک زوجه اعمّ از مهریه و جهیزیه و طلاجات و سایر اموال او، به زوج و بقیه به پدر و مادرش می‌رسد.

### س ۱۸۲۷

#### اشاره

- زیـد حیـاط مسـکونی خود را بـا مخلفـات و ما فیها من الاثاث از ثلث ما ترک به یکی از ورثه یا غیر ورثه وصیت نموده است آیا همسرش از اعیان آن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۳

سهمیه می‌برد یا نه و در صورت عدم آیا از سایر ما ترک معادل آن را می‌برد یا نه؟

(توضیح اینکه سایر ما ترک شـخص معهود کلا اراضی بدون اعیان هستند که اگر زن از مخلفات ارث نبرد دیگر چیزی که ارث به آن تعلق گیرد وجود ندارد).

#### ج

- بنظر این جـانب چنـانچه زوجه از متوفی فرزنـد نداشـته باشـد از زمین خـانه ارث نمی‌برد نه عینـاً و نه قیمتاً ولی از قیمت اعیانی در صورتی که متوفی از زن دیگر دارای فرزنـد باشد هشت یک و در صورت نداشـتن فرزند چهار یک می‌برد و از بقیه اموال میّت چه زمین و چه غیر آن ارث می‌برد و چنانچه زوجه از متوفی فرزند داشـته باشد از همه اموال میّت ارث می‌برد و در فرض سؤال که خانه و اموال منقول متوفی بعنوان ثلث تعیین گردیده زوجه از زمینهای زوج سهم الارث خود را می‌برد.

### س ۱۸۲۸

#### اشاره

- در تاریخ ۲۲/ ۱/ ۷۰ عقـد زناشوئی بین من و شوهرم انجام شـد، شوهرم چون مرد شـصت‌ساله بود نسبت به سـنش خریـد آینه و

شمعدان را قبیح می‌دانست و قرار شد پول آینه و شمعدان را در هر زمان که شد بدهد. ولی نداد و عند المطالبه باقی ماند.
در عقدنامه نوشته یک جلد کلام اللّه مجید پول طلا بقیمت سیصد هزار تومان و آینه و شمعدان پول آینه و شمعدان مشخص نیست. حالا ـ ورثه شوهرم می‌خواهند مهریه و مطالبات شرعی بالا را بپردازند آیا باید به قیمت آن زمان باشد یا خیر؟ قیمت زمان فوت شوهرم محاسبه شود یا خیر؟ نسبت به وضع مالی شوهرم که بسیار خوب بوده محاسبه شود یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال که در عقدنامه آئینه و شمعدان جزء مهریه آمده اگر نوع آن مشخص شده باید خود آن و یا قیمت فعلی آنها از ترکه او پرداخت شود، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۸۲۹

### اشاره

– شوهر مرحومم دارای خانه مسکونی و دکان و زمین و اموال منقول می‌باشد از متوفی فرزندی دارم سهم الارث این جانبه در ماترک او به چه ترتیبی است لطفاً بیان فرمائید؟

### ج

– به نظر حقیر پس از اخراج مخارج تغسیل و تکفین و دفن و دیون ثابته که
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۲۴
مهر زوجه نیز از آن محسوب است یک هشتم از عین کل ترکه اعم از منقول و غیر منقول که منزل مسکونی را نیز شامل می‌شود، به شما می‌رسد.

### س ۱۸۳۰

### اشاره

– با توجه به اینکه شوهر این جانبه در یک درگیری و نزاع فوت نموده و از او دارای فرزندی نمی‌باشم و چون دارای پدر و مادر می‌باشد لذا تقاضا می‌شود سهم الارث این جانبه را در ذیل این ورقه مرقوم دارید؟

### ج

– در فرض سؤال که زوج اولاد ندارد زوجه یک از تمام ترکه او باستثناء عین و قیمت زمین خانه حکم اموال او است و زوجه از آن

سهم خود را می‌برد.

## س ۱۸۳۱

### اشاره

– دختر این جانب که حدود ۱۴ ماه در عقد دائمی شخصی بوده است و حدود ۱۰ روز به ازدواج رسمی آنها مانده بود که دخترم بر اثر حادثه سوختگی در بیمارستان فوت نمود.
در ضمن به اطلاع می‌رسانم که مهریه آن مرحومه از قرار زیر می‌باشد. یک جلد کلام اللَّه مجید. آئینه شمعدان. ۵ مثقال طلا. ۱۱۲ سکه بهار آزادی. شیر بهاء مبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان که دریافت نموده‌ام، و ۵ مثقال طلا هم بعنوان مهریه برای دختر خریده‌اند و تحویل داده‌اند مقدار زیادی لباس و وسایل لازمه ازدواج که شوهرش خریداری نموده است. این جانب در این مدت که فرزندم در عقد ایشان بوده مقداری جهیزیه برایش تهیه نموده بودم که در صدد بودم بطور کامل تکمیل نمایم که بر حسب حادثه دخترم فوت شد از محضر جنابعالی خواستارم که بطور کامل و واضح در مورد مسائل شرعیه آن مرحومه و مسائل مربوط به نماز و روزه را پاسخ بفرمائید.

### ج

– در مورد سؤال، آنچه مهریه بوده تمام آن را استحقاق دارد و مانند سایر اموالش اگر داشته باشد، بین ورثه تقسیم می‌شود و همچنین طلائی که شوهر برای دختر خریده و تحویل او داده و نیز لباسها و سائر اشیائی که زوج تحویل داده و تملیک نموده تماماً متعلق به دختر است و آنچه بعنوان شیربها گرفته‌اید هر مقدار که عین آن باقی است با مطالبه زوج باید برگردانید و آن مقداری که در آن تصرف شده
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۵
برگرداندن آن لازم نیست و حق ندارند آن را مطالبه نمایند و جهیزیه را هم اگر تحویل نداده‌اید متعلق به خودتان است و باحتیاط واجب هر مقدار نماز و روزه که یقین دارید بر ذمه دختر بوده باید برایش بجا آورید یا برایش استیجار نمائید یادآوری می‌شود تقسیم ارث دختر بدین گونه است نصف تمام ترکه دختر به زوج و ثلث آن به مادر و بقیه به پدر می‌رسد.

## س ۱۸۳۲

### اشاره

– این جانب پسری داشتم که در اثر تصادف فوت نموده است که دارای زن و یک پسر و حقیر و مادرش وارثین او هستیم و تمام دارائی مرحوم پول خونی است که به ما داده‌اند به اضافه یک قطعه زمین بدونِ ساختمان و مبلغ ۱۵۰ /۰۰۰ تومان (صد و پنجاه هزار تومان) پول مهریه زوجه اوست:
آیا پول مهریه را از اصل مال باید بدهیم یا از سهمیه پسر مرحوم ضمناً جهیزیه زن مرحوم به خود زن تعلق می‌گیرد یا خیر؟ (چون به

عنوان شیربهای او گرفته شده).

### ج

– در فرض مسأله مهریه از اصل مال بایـد اداء شود و آنچه از جهیزیه که ملک زن بوده متعلق به خود زن است و کسـی در آن حقی ندارد. و اللَّه العالم.

### س ۱۸۳۳

### اشاره

– شوهرم چندی قبل مرحوم شد و اولاد هم نداشت، خواستم ۲ مسأله را بعرض برسانم:
الف: اول اینکه مهریه من زمین است. از تاریخ ازدواج با ایشان تا ۱۶ سال قبل که عازم مکه مکرمه بود بمن گفت اگر اجاره زمینت را تا حال که عازم مکه هستم بمن صـلح کنی من شـما را هم با خود می‌برم، من هم صلح کردم و با ایشان به مکه رفتم. از ۱۶ سال قبـل تا حال که فوت کردنـد هر چه مطالبه می‌کردم مقـداری از اجاره زمینم را بمن بـده تا برای دوا و دکتر یا کمبود لباس و غیره به مصرف برسانم ایشان امتناع می‌کردند. آیا این اجاره را باید از اموال ایشان برادرش که وارث است بدهد یا خیر؟
ب: و دیگر اینکه آیا من از زمین مزروعی ایشان حق دارم یا خیر؟

### ج

– الف: در مورد سؤال چنانچه اجاره زمین را نگرفته‌اید و نبخشده‌اید
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۶
میتوانید از ترکه زوج حق خود را مطالبه نمائید. و اللَّه العالم.
ب: بنظر این جانب زوجه از زمین مزروعی ارث میبرد. و اللَّه العالم.

### س ۱۸۳۴

### اشاره

– بنـده به عقـد دائمی فردی در آمـدم بـا اینکه ایشـان مریض بوده و هیـچ‌گونه ابراز نکرده مـدتی قبـل نامبرده فوت نمود آیا از مهر چیزی بمن تعلق می‌گیرد یا نه و چه کسی مدیون می‌باشد؟

### ج

– بطور کلی اگر مردی در مرضـی که به آن مرض از دنیا رفته زنی عقـد کرده و با او نزدیکی نکرده آن زن از آن زوج ارث نمیبرد و حق مهر ندارد و اگر در آن مرض حین العقد از دنیا رفته و لکن علت موت او مرض دیگر یا از جهت دیگر باشد احتیاط این است که با ورثه در مهر و میراث مصالحه نمایند و زوجه نیز احتیاطاً عده وفات نگه دارد. و اللَّه العالم.

### س ۱۸۳۵

### اشاره

– اگر وارث میّت فقط یک خواهر پدری و یک خواهر مادری و یک زوجه باشد، ارث میان آنان چگونه تقسیم می‌شود؟

### ج

– در فرض سؤال زوجه ربع مـال و خواهر مـادری یک شـشم مال و بقیه را خواهر پـدری میبرد و زوجه در مورد سؤال از زمین خانه ارث نمیبرد نه از خود زمین و نه از قیمت آن ولی از قیمت هوائی آن ارث میبرد. و اللَّه العالم.

### س ۱۸۳۶

### اشاره

– شخصی در حدود ۷۰ ساله که سـکته ناقصی هم باو رسیده بود و همیشه قرص میخورد با این حال با دختری ازدواج کرده و بخانه آورده و در حـدود یک ماه یا کمتر با هم بودنـد و در این مـدت مقـدمات جماع را هم فراهم کرده‌انـد. ولی مرد در اثر مریضـی که داشت یا پیری قادر به مجامعت نشده است حال آن مرد وفات کرده مستدعی است حکم مهر و ارث زوجه را بیان فرمائید.

### ج

– در فرض سؤال، زوجه تمام مهر را از شوهر طلبکار است و سـهم الارث خود را نیز اگر موت زوج مسـتند به آن سـکته نبوده، کما فرض اللَّه می‌برد، و اللَّه العالم.

### س ۱۸۳۷

### اشاره

– آیا کادوهایی را که هنگام عروسی آورده‌اند به زوجه تعلق می گیرد یا جزو ارثیه زوج است؟

ج

– هر کادویی که برای شخص زوجه آورده شده مثل این که پدر و مادر
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۷
زوجه و یا منصوبین دیگر او اشیایی را بعنوان کادو به قصد این که مال زوجه باشد آورده باشند متعلق به زوجه است و جزء ارثیه متوفی نیست. و اللَّه العالم

س ۱۸۳۸

اشاره

– آیا لباسهایی که شوهرم برایم خریده و به او تملیک نکرده بعد از فوت شوهرم می‌توانم استفاده نمایم؟ (در ضمن از همسرم فرزندی ندارم).

ج

– لباسهای زوجه که شوهر برای او خریده بعد از فوت شوهر جزء اموال شوهر محسوب است و همه ورثه از آن ارث می‌برند البته زوجه هم سهم الارث خود را از آن لباسها میبرد.

س ۱۸۳۹

اشاره

– آیا زنی که در عقد دائم بوده، ولی هنوز مراسم عروسی برگزار نشده است، از شوهر متوفای خود، ارث می‌برد یا نه؟

ج

– بلی زوجه دائم از شوهر ارث می‌برد هر چند عروسی نکرده باشد. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۰

اشاره

– آیا در صورت تعلق ارث، مقدار سهم الارث یک چهارم از دیه کامل است یا کمتر؟

ج

– در صورتی که زوج مقتول اولاد نداشته باشد زوجه یک چهارم از دیه کامل زوج را ارث می‌برد. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۱

اشاره

– آیا زن دائمه بر خلاف مصالحه خانواده شوهر حق الارث خود را مطالبه کند؟

ج

– زوجه می‌تواند نسبت به سهم الارث خود از دیه مصالحه نکند و تمام ربع دیه کامله را مطالبه نماید. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۲

اشاره

– آیا با توجه به اینکه تمام درآمد شوهرم از تهران برای پدر و مادرش ارسال می‌شد، حقیر می‌توانم از خانواده شوهر، مهریه را مطالبه کنم؟ به چه میزان، مهریه کامل یا نصف آن؟

ج

– از خانواده شوهر نمی‌توانید مهریه طلب کنید ولی از ماترک میّت که از جمله آنها دیه است می‌توانید تمام مهریه خود را مطالبه نمایید و بر ورثه او واجب

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۸

است که مهریه زوجه او را مانند سایر دیون متوفی از ما ترک او بپردازند. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۴

اشاره

– بیوه‌زنی هستم که از شوهر مرحومم یک باب خانه مسکونی به ارث مانده است ۱/ ۴ (یک چهارم) این خانه مهریه این جانب است، آیا از بقیه زمین خانه ارث می‌برم یا خیر؟ لازم به توضیح است که ساختمان این خانه مخروبه است و ارزشی ندارد ولی زمین

آن دارای ارزش است. ضمناً از شوهر مرحومم فرزندی وجود ندارد و ورّاث آن مرحوم طبقه دوم (برادرزادگان) می‌باشند.

**ج**

- در فرض سؤال، شما فقط ۱۴ که مهریه است حق دارید و از بقیّه زمین خانه مذکور، ارث نمی‌برید. و اللَّه العالم

**س ۱۸۴۴**

**اشاره**

- این جانب دارای ۴ فرزند ذکور که سه فرزند ازدواج نموده که مشترکاً کشاورزی موتور آب و نانوایی و غیره داشته و کار می‌کنیم و هیچ گونه اموال و املاک در اختیار هیچ‌کدام و به تصرّفشان ندادم اخیراً یکی از فرزندانم که کر و لال و دارای جنون ادواری بود. در عین حال که در امورات کشاورزی فردی کارآمد بود ولی هزینه درمان سالانه وی نیز زیاد بود مرحوم شده ضمناً ایشان فاقد فرزند نیز می‌باشد مرقوم فرمایید حقوق شرعی همسر ایشان به ذمه این جانب چگونه می‌باشد؟

**ج**

- در مورد سؤال هر مقدار که فرزند متوفای شما به دستور شما برای شما کار کرده و در حال جنون بوده اجرهٔ المثل کار خود را استحقاق دارد و اگر در حال افاقه بوده، و قصد مجّان در کار کردن نداشته اجرهٔ المثل کار خود را (اگر اجرهٔ المسمّی در بین نبوده) استحقاق دارد که بعد از کسر نمودن مخارج خود و زوجه‌اش (اگر مخارج آنها را شما مجّانی نمی‌داده‌اید) آنچه باقی مانده ترکه آن مرحوم محسوب است که بعد از اداء دیون مالی و وصیت نافذه بین ورثه او که زوجه هم یکی از آنها است کما فرض اللَّه تقسیم می‌شود و مهریه زوجه اگر قبلًا داده نشده جزء دیون میّت محسوب است و اگر متوفی مالی از خود باقی نگذاشته و از پدر هم چیزی به عنوان کار طلب ندارد زوجه او حقّی به پدر متوفّی ندارد. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۹

**ارث کسانی که در یک حادثه کشته شده‌اند و تقدم و تأخر فوت آنها معلوم نیست.**

**س ۱۸۴۵**

**اشاره**

- در مورد ارث بردن اشخاصی که از یکدیگر ارث میبرند و بواسطه هدم و غرق و یا غیر اینها فوت شوند، به صورتی که تاریخ فوت (تقدم و تأخر و تقارن) مجهول باشد، آیا احکام مربوط به هدم و غرق در مورد غرق در غیر از آب نیز اثری دارد یا خیر؟

#### ج

– بنظر این جانب احکام مـذکوره اختصاص به هـدم و غرق در آب نـدارد بلکه در هر حادثه ای که مشابه آنها باشـدماننـد غرق در غیر آب و یا سقوط هواپیما و تصادف ماشین جاری است. و اللَّه العالم.

### س ۱۸۴۶

#### اشاره

– به عرض می‌رسانـد که زن و شوهری که فاقـد اولاد می‌باشـند در اثر سانحه تصادف اتومبیل دار فانی را وداع گفته‌انـد از آن مقام محترم تقاضامندیم حکم شرعی را بیان فرمائید.

#### ج

– در مورد سؤال چنـانچه تقـدم و تأخر و تقارن فوت زوج و زوجه معلوم نیست و وارث طبقه اول نیز ندارنـد آنچه زوج هنگام فوت داشـته بعـد از اخراج دیون مـالی و وصـیت نافـذه چهار یک ترکه زوج بعنوان ارث بزوجه می‌رسـد و از زوجه هم به وارث زنـده او می‌رسد (البته زوجه از زمین خانه ارث نمیبرد) و همچنین آنچه زوجه حین فوت داشـته بعد از اداء دیون مالی و وصـیت نافذه نصف آن بعنوان ارث به زوج می‌رسـد و از زوج هم به وارث زنـده او می‌رسـد و بقیه ترکه هر کدام به سایر ورثه خود آنها کما فرض اللَّه می‌رسد.

### س ۱۸۴۷

#### اشاره

– در یک حادثه رانندگی تمام اعضای یک خانواده اعم از مرد- زن- یک پسـر و دو دختر همگی فوت می‌کنند ولی به نقل قول از کسانی که بعد از تصادف بالای سـر آنها میرسـند اظهار میدارند که یکی از فرزندان آنها که دختر بوده یکی دو ساعت زنده بوده و بعداً فوت می‌کند ولی هیچ کسـی که بگوید که آن چهار نفر بقیه کدام اوّل فوت نموده و کدام بعد، وجود ندارد و کسـی نمی‌داند جز
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۰
خداونـد تبـارک و تعـالی و بـا توجّه به اینکه همگی از دار دنیـا رفته‌انـد انـد و بـا فرض اینکه آخرین فردی که از آن خـانواده فوت می‌کند همان دختر باشد مستدعی است نحوه تقسیم ارث آنان را بیان فرمائید.
الف: مرد متوفی دارای پـدر و مادر و چهار برادر و پنـج خواهر می‌باشـد و برادران و خواهران مرد متوفی همگی از یک پدر و مادر می‌باشند.
ب: زن (متوفی فیه) دارای پـدر و مادر و سه برادر و یک خواهر می‌باشـد که برادران و خواهر (زن متوفی فیه) همگی از یک پـدر و

مادر می‌باشد.

ج

- در فرض سؤال برادران و خواهران مرد متوفی از او ارث نمیبرند بلکه ارث او به پدر و مادر زنده و فرزندان و زوجه او که در تصادم فوت نموده‌اند می‌رسد یعنی بعد از اداء دین و وصیت نافذ متوفی یک ششم از ترکه به پدر و یک ششم به مادر ویک هشتم به زوجه او می‌رسد و بقیه به فرزندان او می‌رسد که پسر دو برابر دختر میبرد و آنچه به فرزندان رسیده دو ثلث آن به جد و جده پدری و یک ثلث آن به جد و جده مادری آنها می‌رسد و یک هشتم زوجه به دختری که بعد فوت نموده و پدر و مادر زوجه می‌رسد و سهم این دختر نیز به اجداد چهارگانه او می‌رسد که کما فرض اللَّه بین آنها تقسیم می‌شود و اگر زوجه و فرزندان قبل از فوت مالی داشته‌اند تقسیم آن هم با بعض تفاوت بهمان تفصیل است که راجع به اموال مرد متوفی ذکر شد که باید با راهنمائی شخص مسأله دان تقسیم شود. و اللَّه العالم.

## میراث غائب و مفقود الاثر

### س ۱۸۴۸

#### اشاره

- این جانب خواهری دارم که مدت چهار سال است که مفقود الأثر شده و چند خواهر و برادر دارد خواهشمند است نسبت به تقسیم اموال او، ما راهنمائی فرمائید.

ج

- در مورد سؤال، تا ورثه یقین بفوت مفقود الأثر پیدا نکنند نمیتوانند ترکه او را تقسیم کنند و در صورت یقین به فوت بعد از اداء دیون شرعی، بمقدار یکه یقین دارند که در ذمّه متوفّی و در عین ترکه او هست، میتوانند اموال او را بین خود کما فرض اللَّه تقسیم کنند. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۱

### س ۱۸۴۹

#### اشاره

- شخصی در حدود ۷۰ سال پیش در سن ۳۰ سالگی رفته روسیه، و تا حال از وی خبری نرسیده زنده است یا مرده دارای اولاد است یا نه، یک برادر ابوینی داشته و یک برادر امی برادر ابوینی‌اش در حدود ۱۴ سال پیش وفات کرده و دارای اولاد هم بود.

اکنون در مورد املاـك او چه میتوان کرد؟ عمر طبیعی تـا چنـد سال است؟ اگر فرض کنیم که زنـده است، در املاك او چه کسـی اولی بتصرف است؟

## ج

– در فرض سؤال باید بمقداری صبر کنند که یا از طریق تواتر اخبار و یا قرائن علم بموت او حاصل گردد و یا بیّنه شرعیه بر موت او قائم شود و یا از جهت طولانی شدن مدّت غیبت او اطمینان پیدا کنند که مرده است و تا به این مرحله نرسیده حق تصـرّف در اموال او را ندارنـد و مـوقعی که موت او به یکی از راههـائی که گفته شـد به ثبوت شـرعی رسـید وارث او کسـی است که در حین ثبوت شرعی موت وارث می‌باشـد پس اگر امروز مثلًا موت او شـرعاً ثابت شود وارث او منحصـراً برادر امی است و اگر بعـدها ثابت شود حکم مسأله از جهت ارث ممکن است تفاوت پیـدا کنـد و اگر فرزنـدان برادر ابوینی مدعی باشـند که موت او قبل از موت پدرشان بوده است باید به ثبوت شرعی برسانند، و الا مسموع نیست. و اللّه العالم.

## س ۱۸۵۰

## اشاره

– احتراماً بعرض میرساند که اخوی این جانب دوازده سال قبل در جنگ مفقود الأثر گردیده و مشـخص نبود که شـهید است یا اسیر و اکنون پس از دوازده سال شـهادت او مسلّم و محرز شده است. این شـهید همسـر داشته اما فرزند ندارد استدعا دارد به سؤال ذیل پاسخ فرمائید:

الف: حقوق این شـهید در طول این دوازده سال بطور کامل و یکجا توسط همسـر او گرفته شـده و خرج می‌شـده است آیا تمام این حقوق از او بوده است یا اینکه چیزی از آن بعنوان ارث یا غیره به پدر و مادر و برادر و خواهر آن شهید می‌رسد)؟

ب: اکنون که شـهادت او مسلّم شده است مقداری پول بعنوان پول خون یا غرامت توسط اداره ای که آن شهید در آن کار می‌کرده داده می‌شود این پول از چه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۲

کسی است آیا منحصراً از همسر اوست یا فقط سایر ورثه یا باید بین آنان تقسیم شود؟

ج: با توجه به اینکه وی در سال ۶۱ شهید شده و خبر شهادتش در سال ۷۳ آمده است و از طرفی پدر آن شـهید در سال ۶۶ مرحوم شده آیا پدر آن شـهید از شـهید ارث می‌برد یا شهید از پدر خود ارث می‌برد و ملاك روز شهادت آن شهید است یا روزی که خبر شهادت او آمده است؟

د: دو سال قبل از آنکه شـهادت آن شـهید محرز شود همسر او از بنیاد شهید تقاضای طلاق نموده و رئیس بنیاد شهید حکم طلاق او را صادر کرده او را طلاق داده است آیا این همسر از آن شهید ارث می‌برد یا خیر و آیا از پول خون ارث می‌برد یا نه و آیا در مدّت این دو سال حق داشته است که حقوق شهید را گرفته و خرج کند یا خیر؟

## ج

– الف: در مورد سؤال باید از مسئولین بنیاد شهید سؤال شود و طبق مقرّرات بنیاد شهید که حقوق را می‌دهد رفتار شود و حکم ارث را ندارد. و اللَّه العالم.

ب: حکم جواب اوّل را دارد. و اللَّه العالم.

ج: با فرض اینکه فرزند قبل از فوت پدر شهید شده فرزند مذکور از پدر ارث نمی‌برد ولی پدر از آن شهید ارث میبرد یعنی ملاک روز شهادت آن شهید است نه روز خبر شهادت. و اللَّه العالم.

د: در مورد سؤال که در وقت شهادت شهید زوجیت محقق بوده زوجه از ما ترک شهید ارث می‌برد و امّا نسبت به پول خون و حقوق دریافتی به جواب اول و دوم مراجعه نمائید. و اللَّه العالم.

## نزاع در ارث

### س ۱۸۵۱

#### اشاره

– ملکی دو قسمت آن در بالای جاده و قسمت دیگر آن در زیر جاده واقع است. در مورخ ۸/ ۱۰/ ۷۴ این زمین‌ها بین وراث طبق نوشته‌ای تقسیم شده است. دو نفر از وراث از کیفیت زمینها با اطلاع بوده و وارث دیگر بی‌اطلاع

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۳

و بی‌سواد بوده است زمینی که در زیر جاده و متعلق به شخص بیسواد است دارای عیوب زیادی است خواهشمند است جهت حل اختلاف بین سه فرد مسلمان نظر خود را بیان فرمائید.

#### ج

– در فرض سؤال وارثی که مغبون شده حق فسخ تقسیم را دارد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

### س ۱۸۵۲

#### اشاره

– ملکی بعد از فوت پدر حدود ۴۰ سال است که در دست ماست ولی هنوز هم تقسیم نشده است حالا وارثین سه برادر از ما ادعای زمین و سود حاصله از آن را می‌کنند. حق ارث و طلب سود حاصله را دارند یا نه؟

#### ج

– در مورد سؤال با فرض اینکه زمین موروثی بین ورثه تقسیم نشده یعنی همه وارثین حق خود را از آن نبرده‌اند باید سهم آنها با

اجرهٔ المثل اجاره سهمشان را متصرف بپردازد مگر اینکه سائر ورثه عین یا منافع آن را به ورثه‌ای که متصرفند واگذار کرده باشند و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیّه لازم است.

### س ۱۸۵۳

### اشاره

– در مسئله ارث بعضی موارد اتفاق افتاده زمین مزروعی نزد اولاد برادر مانده مثلًا ۳۰ سال، برادر و خواهر مرحوم شده اولاد خواهر ادعای حق مادر را میکنند آیا اولاد برادر بایـد اثبات هبه یا رضایت خواهر نمایـد یا ذو الید مقدم است و اولاد خواهر باید ثابت کند که امانت مانده (واقع قضیه هم معلوم نیست که خواهر راضی شده یا نه)؟

### ج

– در مورد سؤال اگر ذو الیـد قبول دارد که ملـک قبلًا متعلّق به دیگری بوده است بایـد بطریق شـرعی اثبات کنـد که ملک به هبه و غیره به او منتقل شـده و مجرّد ذو الید بودن در این فرض اثر ندارد اجمالًا فرض سؤال نزاع موضوعی است و محتاج به مرافعه شـرعیه است.

### س ۱۸۵۴

### اشاره

– محترماً بعرض عـالی میرسـانم شخصـی فوت شـده و در بین ورثه هم صـغیر هست و طلبکـار هم دارد بـا چه شـرایطی طلب ثـابت می‌شود و ورثه ملزم به دادن دین از اموال مرحوم شـده اگر چـک یا سـفته ارائه بدهنـد و یا بگوینـد در دفتر مرحوم هم نوشـته شـده است آیا با اینها در طلب ثابت می‌شود و واجب می‌شود
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۴
به ورثه دین مورّث را از مالش بدهند؟

### ج

– دعـوای دین بر میّت بـا اقـامه بیّنه و قسم مـدّعی، ثـابت می‌شـود و به مجرّد چـک و سـفته در صورتی که حـتی بـا ضمّ قرائن دیگر مـوجب علم نشود حکم بثبوت آن نمی‌شود و بر ورثه نیز بـا عـدم علم به اشـتغال ذمه میّت تکلیفی نیست بلی اگر ورثه قطع باشـتغال ذمّه میت و شک در اداء دین داشته باشند بعید نیست که استصحاب اشتغال ذمّه جاری بشود. و اللَّه العالم.

### س ۱۸۵۵

### اشاره

- الف: زن و شوهری مدّت ۵۲ سال زندگی مشترك داشته‌اند و صاحب اولاد نشده‌اند زوج فوت نموده و حال زوجه ادّعا دارد که در زمان حیات از ایشان مطالبه اجاره زمین مزروعی شخصی خود را نموده و شوهر نپرداخته، آیا می‌تواند از ورثه مطالبه نماید؟
ب: زوجه فوق بعد از سه سال شوهرداری بخاطر بچّه دار نشدن سه جریب زمینِ خود به شوهر صلح نموده است آیا بعد از فوتِ ایشان شرعاً این زمین به زوجه عودت داده می‌شود یا خیر؟ در صورتی که زمینِ مذکور به زوجه تعلق بگیرد اجاره بها دارد یا خیر؟
ج: آیا طلب زوجه قبل از تقسیم به ورثه برداشته شود یا بعد از تقسیم به ورثه؟

### ج

- الف: فرض سؤال از مصادیق ادّعای بر میّت است که نیاز به بیّنه و قسم مدّعی در نزد حاکم شرع جامع الشرائط دارد. و اللَّه العالم.
ب: با فرض تحقق صلح صحیح شرعی ملك مذکور از ما ترك زوج محسوب می‌شود. و اللَّه العالم.
ج: کلّیه دیون میّت که از جمله آن طلب زوجه است، قبل از تقسیم ترکه باید ادا شود.

### س ۱۸۵۶

### اشاره

- شخصی سفارش می‌دهد که وسیله‌ای را برای او خریداری نمایند تا پس از تحویل گرفتن پول آن را بدهد. وسیله خریداری می‌شود و به وی تحویل می گردد ولی آن فرد وجه آن را نمی‌دهد و خریدار نیز که فرزند وی بوده مطالبه
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۵
نمی کند و پس از مدتی سفارش دهنده فوت می کند و از وسیله خریداری شده نیز استفاده نمی‌نماید آیا وسیله خریداری شده متعلق به ورثه است یا متعلق به فرزندی که خریده و پول آن را نگرفته.

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه همه ورثه قبول دارند که پول وسیله خریداری شده پرداخت نشده باید پول آن را از ترکه میّت بپردازند و وسیله متعلّق بهمه ورثه است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۸۵۷

### اشاره

– اعیانی خانه مسکونی که ملک زید بوده پس از فوت او به فرزندان صغیر و کبیرش رسیده و یکی از آنها اقدام به تهدید بنا کرده است، آیا دیگران سهمی در این خانه جدید دارند؟

**ج**

– در مورد سؤال چنانچه وارثی که خانه را تجدید بنا کرده با اجازه ورثه از مال خودش برای شخص خودش بنا کرده ورّاث دیگر از آن سهمی ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است توضیح آنکه در اجازه نسبت به سهم صغیر امر باقیم شرعی او است که طبق مصلحت او عمل نماید.

**س ۱۸۵۸**

**اشاره**

– هنگام تقسیم ترکه پدر سهم دختران را ندادند و آنها سکوت نموده پس از گذشت چند سال مدعی شده‌اند آیا سکوت آنها دلیل بر رضایتشان نبوده است؟

**ج**

– در مورد سؤال مجرد خاموشی دختران هنگام تقسیم ترکه پدر، دلیل اعراض از سهم خود و یا تملیک آنها سهم خود را به برادران نیست. و اللَّه العالم

**س ۱۸۵۹**

**اشاره**

– چنانچه افرادی از ورثه ماترک متوفی را از قبیل اثاث البیت و آب و زمین و اشجار پنهان و آشکار بنفع خود تصرف نموده و حق سایر ورثه ضعیف را نداده‌اند، تصرف در اموال آنها شرعاً چه صورتی دارد؟

**ج**

– بطور کلی تصرف هر یک از ورثه در ماترک متوفی بدون رضایت وارثی که حقّش پرداخت نشده حرام است. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۶

**نماء ارث**

### س ۱۸۶۰

#### اشاره

– شخصـی در وصـیت‌نامه خود اینچنین وصیت نموده است که عینا بیان می گردد «هر چه در بانک دارم به اسم خودم مبلغ ۶۷۰۰۰۰ تومان بابت مهریه همسـرم مـدیون می‌باشم بدهید و بقیه را از کارخانه برداشت کنید و به او بدهید» با توجه به گذشت زمان به علت طی نمودن مراحـل اداری انحصـار وراثت و ترخیص پول از بانـک مقـداری سود بر این پول اضافه شـده است که در حال حاضـر از مبلغ دین افزون تر است لطفاً بفرمائید مبلغ اضافی از دین متعلق به فرد مذکور می‌باشد یا باید بین ورثه تقسیم شود؟

#### ج

– در فرض سؤال آنچه بر پول مذکور اضافه شده متعلّق بهمه ورثه است و باید کما فرض اللّه حسب السهم تقسیم شود.

### ارث دیه

### س ۱۸۶۱

#### اشاره

– آیا تقسـیم دیه بین ورّاث بر حسب سهم الارث صورت می گیرد بالسویّه؟ دیه متوفایی که وراث او منحصر به پدر و مادر می‌باشند به چه نسبت بین ایشان تقسیم می‌شود؟

#### ج

– دیه هم مانند سایر اموال، طبق سهام ارث تقسیم می‌شود بلی متقرّب به ام از دیه ارث نمی‌برد و در صورت انحصار وارث به پدر و مادر تقسـیم دیه متوفی به این نحو است که اگر مادر حاجب نـدارد یک ثلث به مادر و دو ثلث به پـدر می‌رسـد و اگر حاجب دارد ۱۶ به مادر و ۵۶ به پـدر می‌رسد و مقصود از حاجب این است که متوفی دو برادر یا یک برادر و دو خواهر و یا چهار خواهر پدری داشته باشد. و اللّه العالم

### س ۱۸۶۲

#### اشاره

– شخصی در اثر تصادف ماشینش با ماشین دیگر کشته شده است آیا همسر نیز مانند بقیه اولیاء مقتول از دیه‌ای که گرفته می‌شود یا

نه؟

ج

– همسر نیز جزء ورثه است و از دیه ارث می‌برد.

س ۱۸۶۳

اشاره

– در قتل خطایی و قتل شبه عمد آیا قاتل از مورث ارث می‌برد یا نه؟

ج

– قاتل در مورد قتل خطایی از مقتول ارث می‌برد ولی از دیه‌ای که عاقله

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۷

می‌پردازد ارث نمی‌برد و شبه عمد هم همین حکم را دارد. و اللَّه العالم

س ۱۸۶۴

اشاره

– اگر مردی زوجه خود را با مرد اجنبی در یک فراش ببیند یا در حالتی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و هر دوتای آنها را بکشد، آیا زوج از زوجه خود ارث می‌برد یا نه؟

ج

– آنچه را فقهاء ذکر نموده‌اند این است که اگر مردی زوجه خود را در حال زنا ببیند جایز است در همان حال هر دو را بکشد پس اگر در چنین حالتی قتل انجام شود زوج از زوجه ارث می‌برد. و اللَّه العالم

ارث محجور

س ۱۸۶۵

اشاره

– پـدر این جانب حـدود چهار سال پیش فوت نموده است از ایشان همسر، فرزنـدان و مادر ایشان در قیـد حیاتند و با توجه به اینکه مادر نامبرده که ۱۶ از ما یملک ارث می‌برد اکنون هوش و حواسی ندارد.

الف: آیا فرزندان ایشان می‌توانند نسبت به حساب و کتاب و تحویل سهم ایشان اقدام کنند یا خیر؟

ب: از مادر متوفی یک پسر و سه دختر در قید حیاتند آیا تمام فرزندان باید دخالت کنند یا وکالت فقط با پسر ایشان است؟

**ج**

– در مورد سؤال امر اموال نـام برده بـا رعـایت غبطه و مصـلحت با حاکم جامع الشـرائط است و مـداخله فرزنـدان در مال او با اجازه حاکم شرع جائز است. و اللَّه العالم.

**س ۱۸۶۶**

**اشاره**

– آیا به دیوانه ارث پدری می‌رسد یا نه؟

**ج**

– بلی به دیوانه هم ارث می‌رسد و در این جهت فرقی با عاقل ندارد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۸

**ارث صغیر**

**س ۱۸۶۷**

**اشاره**

– شوهر بنـده فوت نموده است متوفی دارای عیال و یک فرزند ذکور ۵/ ۵ ساله و یک مادر می‌باشند طفل صغیر فعلًا تحت حضانت مادر قرار دارد.

سؤال شـرعی این است که آیـا عیـال متوفی شـرعاً حق دارد مهریه‌اش را از ماترک متوفی وصول نمایـد و وسـیله معاش صـغیر از چه راهی تأمین می‌شود و مادر صغیر می‌تواند موجودی نقدی و غیر نقدی متوفی را در اختیار خود بگیرد و هزینه زندگی صغیر را تأمین سازد یا اینکه جدّ مادری این وظیفه را عهده‌دار شود؟

ج

- در فرض سؤال یک ششم ترکه متوفّی به مادرش و یک هشتم آن بشما می‌رسد و بقیه متعلّق به فرزند است و اگر متوفّی برای خودش وصی تعیین ننموده شما میتوانید با اجازه مجتهد جامع الشرائط مهریه خود را بر دارید و معاش صغیر را از سهم الارث خودش مصرف کنید لکن برای مخارج خودتان نمیتوانید از سهم صغیر مصرف کنید. و اللّه العالم.

س ۱۸۶۸

اشاره

- زید از دنیا رفته وارث او مادر و همسر و سه فرزند هستند بعد از مدتی مادر او هم از دنیا می‌رود حال همسر متوفی با داشتن سه فرزند صغیر اقدام به فروش مغازه و منزل مسکونی متوفی نموده است آیا این کار برای اداره زندگی آنها جایز است؟

ج

- در مورد سؤال ترکه متوفی بعد از موتش باین طریق تقسیم می‌شود که بعد از اداء دیون میّت اگر داشته باشد و مهریه همسر، (۱۶) شش یک سهم مادر و (۱۸) هشت یک سهم همسر و بقیه متعلّق به فرزندان او است و هر پسری دو برابر دختر میبرد و بعد از فوت مادر متوفی سهم الارث او به فرزندانش که برادر و خواهر متوفای مذکور هستند می‌رسد و همسر متوفی اگر از طرف مجتهد جامع الشرائط قیّم صغار شده باید در مخارج و حفظ اموال صغار ملاحظه و مصلحت آنها را بنمایند و همچنین اگر خود متوفی او را قیّم نموده باشد و الا حق تصرف در اموال را ندارد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۹

ارث فرزندی که از لقاح مصنوعی متولد می‌شود

س ۱۸۶۹

اشاره

- ارث بردن فرزند متولد از لقاح مصنوعی- که عبارت از قرار دادن نطفه مرد است در رحم زن- اگر نطفه از یک مرد اجنبی باشد چه حالتی دارد؟ و آیا این فرزند از مادر و مادر از فرزند ارث می‌برد؟

ج

- احتیاط لازم بر این طفل و سایر ورثه این است که با یکدیگر مصالحه نمایند. و اللّه العالم

### ارث فرزند خوانده

#### س ۱۸۷۰

#### اشاره

- از نظر دين اسلام، فرزند خوانده، حكم فرزند واقعى را ندارد (ارث نمى‌برد با همسر انسان محرم نمى‌شود) حالا شخصى، فرزند نداشته فرزند كسى را به عنوان فرزندى گرفته مدت ۲۰ سال نگه داشته از او كار گرفته آيا شرعاً نبايد اجرت المثل به او پرداخت كند؟ لقب آن كودك را به لقب خودش تغيير داده است؟ حالا تكليف اين فرزند خوانده چيست؟

#### ج

- اگر بچه مذكور، از زمانى كه بتكليف رسيده با رضايت خود بدون مطالبه اجرت كار كرده نسبت به اين مدّت حق مطالبه اجرت ندارد ولى اجرهٔ المثل قبل از زمان بلوغ را طلبكار است و اگر براى بچه بعنوان فرزند خودش شناسنامه گرفته بايد ابطال كند و بايد معلوم كند كه فرزند واقعى او نيست تا امر مشتبه نشود و از جهت ارث و سلسله نسب و محرميّت و غيرها و لو در آينده با مشكلات عديده مواجه نشوند.

جامع الاحكام، ج۲، ص: ۲۴۱

تصرف در مال غير

جامع الاحكام، ج۲، ص: ۲۴۳

## تصرف در مال غير

### اراضى اصلاحات ارضى و زمين‌شهرى

#### س ۱۸۷۱

#### اشاره

- فرد تحويل‌گيرنده زمين از سازمان زمين‌شهرى كه بعضاً مالك اصلى آنها اعلام نارضايتى مى‌كنند چه وظيفه‌اى دارد؟

#### ج

- اگر مالك شرعى زمين راضى نباشد جايز نيست و هر تصرّف در ملكى كه به خود شخص تعلق نداشته باشد بايد با اذن مالك شرعى آن باشد خواه مالك شخصى باشد يا جهت و شخصيت حقوقى، و با احتمال عقلائى مالكيت سازمان و جهل به مالكيت غير، تصرف در آن با اذن سازمان جايز است.

### س ۱۸۷۲

#### اشاره

- زمینی را که بوسیله قانون اصلاحات ارضی مالکش به حکومت وقت فروخته باشد و این زمین را حکومت وقت به کشاورزی که روی آن کار می‌کرده است فروخته است آیا خریدن اینگونه زمین‌ها از کشاورزی که امروزه مالک است جایز می‌باشد؟

#### ج

- چنانچه مالک زمین با طیب نفس و رضا و رغبت زمین را به حکومت وقت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۴

فروخته و کشاورز زمین را با رعایت ضوابط شرعی خریداری کرده باشد خریدن آن از کشاورز مرقوم اشکال ندارد، و الّا اختیار آن با مالک شرعی آن است.

### س ۱۸۷۳

#### اشاره

- در روستاهای کشور بعد از اصلاحات ارضی برای روستائیان سند اصلاحات ارضی صادر گردیده است روستائیان در مواقع نیاز یک قطعه زمین از آن سند طبق عرف محل با حضور چند نفر شهود با سند عادی به دیگری میفروشند و صیغه هم جاری می‌گردد آیا چنین سند عادی در شرع مقدس اسلام و قانون جمهوری اسلامی قابل قبول است یا خیر؟

#### ج

- زمینهائی که با سند تقسیم اراضی در تصرّف روستائیان قرار گرفته اگر با رضایت واقعی مالک در اختیار آنها قرار گرفته فروش آنها با سند عادی اشکال ندارد ولی اگر بی‌رضایت مالک به روستائیان فروخته شده به ملکیت مالک اصلی باقی است و قابل خریدوفروش با سند عادی یا رسمی نیست و متصرف غاصب و ضامن است. و اللّه العالم.

### س ۱۸۷۴

#### اشاره

- ملکی در مدت ۳۰ سال قبل از طرف دولت توسط اداره کشاورزی به کشاورزی فروخته شده است و این کشاورز راضی نیست که وضوخانه برای مسجد در این زمین ساخته شود آیا برای این که صاحب زمین راضی نیست اگر این وضوخانه را بسازند غصبی

است یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال اگر کشاورز مالک شرعی آن زمین باشد ساختن وضوخانه در آن زمین بدون رضایت او جائز نیست و غصب است و احکام غصب بر آن جاری است و اگر کشاورز مالک شرعی نیست اختیار با مالک آن است.

### س ۱۸۷۵

### اشاره

– با توجه به اینکه دولت بعد از واگذاری زمین کشاورزی به روستائیان، پول زمین‌ها را بصورت اقساط دریافت کرده است، شرعاً تصرف و زراعت در زمین‌های فوق صحیح می‌باشد یا خیر؟

### ج

– در فرض مسأله اگر مالکین شرعی زمین راضی باشند مانعی ندارد و الّا باید بنحوی که ممکن است رضایت آنان جلب شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۵

### س ۱۸۷۶

### اشاره

– آیا خریدن محصولات کشاورزی از کشاورزی که زمینش غصبی است مثلًا از زمینهای اصلاحات ارضی است جایز است؟ اگر این کشاورز محصولی را که از این زمین غصبی بدست آمده است بفروشد آیا جایز است که این محصول را از آن فرد دوم بخریم؟ اگر این کشاورز مقدار دیگری زمین هم داشته باشد که غصبی نیست و ما ندانیم که این محصول از کدامیک از این دو زمین بدست آمده است آیا لازم است که از او در این مورد سؤال کنیم؟

### ج

– معامله صحیح است، بلی در صورتی که زراعت را در زمین غصبی انجام داده باشد فعل حرام، مرتکب شده و ضامن اجرة المثل مدت تصرّف نیز هست.
و اللّه العالم.

### تصرف زن و فرزند در مال پدر

#### س ۱۸۸۷

#### اشاره

– فرزندی که پدر او در سال فقط ۲ هفته الی ۴ هفته در خانه باشد و فرزند بخواهد چیزی را به دیگران بدهد آیا اشکال دارد؟

#### ج

– باید آنچه به دیگران می‌دهد با رضایت پدر باشد.

#### س ۱۸۷۸

#### اشاره

– زنی که شوهر او در خانه نیست آیا این زن می‌توانـد از خانه شوهر به دیگران کمک کنـد و از خانه شوهر در تمام کارهای بیرون از خانه شرکت کند؟

#### ج

– باید آنچه را به دیگران کمک می‌کند با اجازه شوهر باشد و خروجش از منزل نیز محتاج به اجازه شوهر است.

### اشراف بر خانه همسایه

#### س ۱۸۷۹

#### اشاره

– آیا جایز است شخص آن قدر ساختمان منزل خود را بالا ببرد تا مشرف به خانه‌های همسایه گردد یا خیر؟

#### ج

– ظاهراً دلیلی بر عدم جواز نیست و اشراف بر خانه همسایه که فعل شخص است غیر از تعلیه بناء است بفرمایش علامه قدس سرّه (و یمنع فی الملک من الاشراف علی الجار لا من التعلیهٔ المقتضیهٔ لإمکانه).

### س ۱۸۸۰

#### اشاره

- شخصی در همسایگی ما پنجره اتاقش را به سمت حیاط ما باز
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۶
می‌نماید و به حیاط این جانب نظر می‌کند آیا جایز است یا نه؟

#### ج

- پنجره باز کردن برای او جایز است ولی نظر نمودنش بداخل حیاط شما جایز نیست و شما می‌توانید روی دیوار خودتان حائلی که جلو پنجره او را بگیرد احداث نمائید. و اللّه العالم

## مسائل متفرقه تصرف در مال غیر

### س ۱۸۸۱

#### اشاره

- کوچه بن‌بستی هست که چندین خانوار در آن ساکن هستند و همه در آن کوچه به منزلشان در دارند و یک قسمت کوچه حریم بعضـی از ساکنین کوچه هست که قبلًا در نداشته فعلًا یکی از ساکنین می‌خواهد از حریم خودش به کوچه در قرار بدهد و بعضی از همسایه‌ها مانع می‌شوند آیا همسایه مجاور یا مقابل می‌تواند از حریم و دیوار خود این شخص مانع درب قرار دادن آن باشد یا خیر؟

#### ج

- در مورد سؤال مالک دیوار بدون اجازه کسانی که منزلشان به کوچه درب دارد حق تردد در کوچه مذکوره را ندارد و مجرد مالکیت دیوار مجوز تردد نیست.

### س ۱۸۸۲

#### اشاره

- جاده‌ای است عمومی که می‌خواهند توسعه داده و آسفالت کنند اکثر مردم موافقت کرده‌اند و زمین خود را داده‌اند شخصی زمین خود را به هیچ عنوان نمی‌دهد و لو به فروختن آیا جایز است جبراً و با تهدید زمین را از او گرفت یا خیر؟

**ج**

– اجبار او بر فروش، بدون ضرورتهای شرع‌پسند جایز نیست.

**س ۱۸۸۳**

**اشاره**

– اگر شاخه درخت کسی در باغ همسایه برود آیا همسایه می‌تواند میوه این شاخه را تصرف کند؟

**ج**

– در فرض سؤال، جواز تصرف همسایه در میوه درخت یا شاخه او منوط به اجازه صاحب درخت است.

**س ۱۸۸۴**

**اشاره**

– اگر شاخه‌های درخت زید عمرو را از استفاده نمودن از بام خود
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۷
مانع شود آیا بر زید قطع شاخه‌های درخت خود لازم است یا نه و اگر لازم باشد و زید راضـی به قطع نباشد قطع نمودن آن با رجوع به حاکم شرع و بدون رجوع به حاکم توسط عمرو چه صورت دارد؟

**ج**

– در فرض سؤال عمرو می‌توانـد از زیـد که مالـک درخت است بخواهـد که شاخه‌های درخت خود را از فضای ملک عمرو خارج کنـد و یا قطع کنـد و اگر زیـد که صاحب درخت است امتناع کنـد خود عمرو می‌توانـد اگر ممکن است بـدون قطع کردن شاخه را برگرداند به ملک خود زید و اگر برگرداندن ممکن نیست می‌تواند آن را با اجازه حاکم قطع کند. و اللَّه العالم

**س ۱۸۸۵**

**اشاره**

- در زمان کودکی مالی از راه غیر مشروع به زید رسیده و شاید از ماجرا بی‌خبر باشد آیا بر من واجب است که به او بگویم که این مال چگونه به دستش رسیده یا نه؟

### ج

- گفتن او به عنوان ارشاد جاهل مانع ندارد. و اللَّه العالم

### س ۱۸۸۶

### اشاره

- در حدود سی و هشت سال قبل در اثر جاری شدن سیل نهالی از زمین زید به زمین عمرو آمده و نهال مزبور الحال بزرگ شده و قیمت آن در حدود دوازده هزار تومان است صاحب نهال می‌گوید مال من است و صاحب زمین می‌گوید مال من است مستدعی است حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

### ج

- در مورد سؤال چنانچه صاحب نهال (زید) از آن نهال اعراض کرده بوده دیگر حقّی به آن ندارد و اگر اعراض نکرده درخت متعلق به او است. و اللَّه العالم

### س ۱۸۸۷

### اشاره

- شخصی مقداری از طلای همسرش را فروخته و خرج نموده و حالا فوت کرده است آیا ولی میت عین طلاها را به زوجه متوفی بدهد یا قیمت آن را بپردازد؟

### ج

- اگر طلا ملک زوجه بوده و به شوهر نبخشیده بوده باید از ترکه متوفی پرداخت شود پس اگر مانند سکه بوده و بدون اذن زوجه فروخته و یا زوجه آن را قرض داده بوده باید مثل آن را بدهند ولی اگر مانند گوشواره و گلوبند و انگشتر بوده در صورتی که با اذن زوجه فروخته همان قیمت فروخته شده را اگر زوجه به او

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۸

نبخشیده بدهکار بزوجه است و اگر بدون اذن او بوده مسأله تفضیل دارد.

## خسارت وارده بر مال غیر

### س ۱۸۸۸

### اشاره

– شخصی به خیال اینکه مال متوفی به او می‌رسد، از مال متوفی سه کیلو نخود برداشته و کاشته است آیا حاصل این سه کیلو که مثلًا پنجاه کیلو هست به وراث متوفی می‌رسد یا کسی که آن را کاشته، و در صورت رسیدن به وراث، آیا به این شخص (کشت‌کننده نخود) مزدی می‌رسد یا نه؟

### ج

– در فرض سؤال، تمام پنجاه کیلو متعلّق به ورثه متوفی است و شخص مذکور، هر چند اشتباه کرده و به خاطر این عمل گناه نکرده لکن مستحق اجرت نیست. و اللَّه العالم

### س ۱۸۸۹

### اشاره

– اگر شخص یا اشخاصی ملک زراعتی شخصی را بزور تصرّف نمایند علاوه بر اینکه اصل زمین را باید به مالک اصلی برگرداند آیا محصولات کشاورزی زمین را ضامن هستند که به مالک اصلی برگردانند یا نه؟ و همچنین اگر خساراتی بر اشجار و ساختمانهای مسکونی زمین مغصوبه وارد آورده باشند نیز ضامن هستند یا نه؟ و هکذا زمینهای زراعتی که در قلمرو ملک مالک اصلی احداث نموده‌اند ملک مالک اصلی است یا ملک احداث‌کننده؟

### ج

– غصب حرام است و غاصب ضامن اجرهٔ المثل عین مغصوبه در مدّت غصب است و همچنین غاصب ضامن خسارات وارده بر اشجار و ساختمان مغصوبه است و اگر زمین مغصوبه را غاصب آباد و تعمیر کرده باشد حق مطالبه اجرت در مقابل آن را از مالک زمین ندارد بلی محصولی که غاصب در زمین مغصوبه زراعت کرده ملک خود او است.

### س ۱۸۹۰

### اشاره

- در خصوص املاک اصلاحات ارضی که شخصی از آن زارع اولیه بعنوان نصفه کاری در آن کشاورزی می کند آیا برای زارع دوم درآمد آن ملک حلال است یا خیر؟

ج

- بطور کلّی تصرّف در ملک شرعی دیگری بدون اذن و رضایت او حرام و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۹

غصب است و متصرّف اجرهٔ المثل زمین را به صاحب شرعی آن مدیون است ولی زراعتی که در ملک غصبی شده باشد متعلّق بزارع است.

**س ۱۸۹۱**

**اشاره**

- شخصی که متنبه شده و به جبران ما فات پرداخته در ضمن اصلاح خود به یاد می‌آورد که در سن نوجوانی ۲ رأس گوسفند پیدا کرده و به جای آنکه دنبال صاحبان آنها بگردد یکی را فروخته و پول آن را مصرف و دیگری را ذبح کرده و خورده حال اگر بخواهد به قیمت آن وقت نوجوانی از جانب صاحبش صدقه بدهد مبلغ چندانی نخواهد بود و مشکلی نیست ولی اگر بخواهد به قیمت یوم الدفع بپردازد مبلغ زیادی می‌شود که از توان او خارج است اینک بفرمائید تکلیف او چیست؟

ج

- باید بمقدار قیمت یوم التلف صدقه بدهد.

**س ۱۸۹۲**

**اشاره**

- آیا زمینی که دارای سند مالکیت رسمی می‌باشد می‌توان آن را تصرف نمود بدون آن که معوض یا وجه آن را بدهند؟ در صورتی که بخواهند وجه آن را بدهند باید به نرخ چه سالی کارشناسی شود؟

ج

- بطور کلی حکم غصب معلوم است که غاصب حق تصرف ندارد و باید ملک را به مالک برگرداند و اجرت المثل مدت تصرف را نیز ضامن است و بدون رضایت مالک نمی‌تواند به جای زمین قیمت یا معوض را بدهد و در صورت رضایت مالک به قیمت باید

به هر نرخی که مالک رضایت بدهد پرداخت شود، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللَّه العالم

### س ۱۸۹۳

### اشاره

- شخصی در کودکی بدون اجازه مقداری از مال کسی را برداشته و می‌خواهد جبران نماید بطوری که صاحب مال هم نفهمد آیا از طرف صاحبش صدقه دهد یا در خانه او بگذارد؟

### ج

- داخل در مال او کند بطوری که یقین کند که به دست او رسیده است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۰

## تصرف در مال صغیر

### س ۱۸۹۴

### اشاره

- اگر در معامله‌ای که ولی قهری برای فرزند صغیرش انجام داده رعایت غبطه و مصلحت صغیر نشده باشد آیا آن معامله صحیح است یا خیر؟

### ج

- اگر معامله ولی در اموال صغار بر اساس غبطه و مصلحت صغار نباشد نفوذ ندارد.

### س ۱۸۹۵

### اشاره

- آیا به منزل صغیر می‌شود رفت و آمد کرد یا نه؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه ولیّ شرعی یعنی جدّ پدری داشته باشد و یا خود متوفّی و یا حاکم شرع جامع الشرائط قیّم تعیین نموده باشند با اجازه آنها رفت و آمد مانع ندارد.

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص ۲۵۰

**س ۱۸۹۶**

**اشاره**

– شخصی سه فرزند صغیر دارد این شخص در حال حیات خود به دیگر ورّاث می گوید من اجازه می‌دهم که بعد از وفات من اشخاص تا چهل روز به خانه‌ام رفت و آمد نمایند آیا این مقدار اجازه مجوز ورود افراد به خانه او می‌شود یا خیر؟

**ج**

– همین مقدار کافی است.

**س ۱۸۹۷**

**اشاره**

– این جانب با دختر عمویم که دارای یک پسر و یک دختر صغیر از شوهر قبلی است ازدواج نمودم و خودم هم صاحب یک دختر و یک پسر هستم و خودم مبلغی با رضایت قیّم که مادرشان است بعنوان اجاره خانه پرداخت می کنم و محل کار من در قم است و سکونت دائمی در آن خانه دارم و خرج بچه‌های خودم به عهده من است و چون عقد رسمی است مبلغی بعنوان خرجی به زنم پرداخت می کنم آیا به بچه‌های خودم کرایه تعلق می گیرد یا نه؟ آیا مهمانی که به خاطر من به آن خانه می‌آید اشکال شرعی دارد یا نه؟

**ج**

– در فرض سؤال، شما باید در مدّت اجاره، مال الاجاره عادله بر طبق قیمت روز برای سکونت خود و بچه‌هایتان تعیین نمائید و در صورتی که بچه‌های همسرتان جد پدری نداشته باشند با اجازه مجتهد جامع الشرائط باشد و در این
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۱
صورت سکونت بلا اشکال است.

**س ۱۸۹۸**

**اشاره**

– در سال ۱۳۷۰ مرد خانواده مرحوم شد و یک سال و نیم بعد یکی از پسران او فوت کرده و از وی بچه‌های صغیر باقی است. طبق معمول همسر وی (همسر پدربزرگ صغیر) در خانه مسکونی مرحوم زندگی می‌کند آیا می‌تواند با اجازه وراثی که در قید حیاتند بعضی از لوازم غیر ضروری منزل را به فروش رساند و لوازم دیگری که مورد نیازشان می‌باشد جایگزین نماید؟

**ج**

– اجازه وراث اثری نسبت به سهم صغیر ندارد بلی اگر فروش و یا تبدیل به مصلحت صغیر باشد در این صورت ولیّ یا قیّم شرعی صغیر می‌تواند این را به فروش برساند یا تبدیل نماید. و اللّٰه العالم

**س ۱۸۹۹**

**اشاره**

– پدری مغازه فرزند صغیر خود را به مدت معین با شرط واگذاری، به غیر اجاره داده است پدر فوت شده، آیا مادر طفل صغیر که قیّم است حق دارد اجاره را فسخ نماید یا خیر و آیا مستأجر حق دارد اجاره را به غیر واگذار نماید یا خیر؟

**ج**

– در مورد سؤال، چنانچه نحوه واگذاری، به نحو مشروع (که تفصیل آن در توضیح المسائل مسأله شماره ۲۸۵۱ مذکور است) بوده قیّم نمی‌تواند فسخ کند ولی بعد از تمام شدن مدت اجاره، قیّم باید ملک را تحویل بگیرد و نسبت به باقیمانده مدت اجاره هم اگر شرط واگذاری به غیر در ضمن عقد لازم ذکر شده باشد مستأجر می‌تواند بقیه مدت را به غیر واگذار نماید و الّا نمی‌تواند. و اللّٰه العالم

**س ۱۹۰۰**

**اشاره**

– بنده چند سال قبل با زنی ازدواج نمودم که آن زن دو فرزند داشت پس از ازدواج و گذشت شش سال آن زن و فرزندانش از من ادعاء مال می‌کنند و در موقع ازدواج تمام دارائی آنها یک گاو ماده و یک رأس الاغ و بیست هزار پول افغانی بود که نزد این جانب بود، چیز دیگری نزدم نداشتند آیا آنان حق مطالبه اشیاء فوق الذکر را دارند یا نه البته با توجه به اینکه من مدت شش سال

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۲

مخارج‌شان را داده‌ام و از افغانستان به ایران آوردم آیا در صورتی که آنها حق مطالبه این ۳ قلم را داشته باشند من هم حق مطالبه مخارج آنها را که پرداخت نموده‌ام دارم یا نه؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه در انفاق به آن دو فرزند قصد مجان نبوده و بدستور ولی شرعی آنها در صورتی که صغیر بوده‌اند به آنان انفاق نموده‌اید می‌توانید مقداری که نفقه به آنها داده‌اید مطالبه واخذ نمائید و بقیه اموال را به ایشان مسترد دارید و چنانچه قصد مجان داشته‌اید و یا بدون اذن ولی شرعی صغار چیزی بر ایشان خرج کرده‌اید نمی‌توانید مطالبه نمائید و اموالشان را باید مسترد نمائید. و اللَّه العالم.

س ۱۹۰۱

اشاره

– آیا مادر می‌تواند جهت نگهداری و سرپرستی فرزندانش مثلًا در حد یک کارگر ساده و یا بیشتر حقوق دریافت بدارد؟ (البته بعد از دریافت مهریه و حق الارث خود) ضمناً بعرض می‌رساند پدربزرگ پدری نیز درگذشته است.

ج

– در مورد سؤال با نظر وصی، اگر باشد و اگر وصی در بین نیست با نظر حاکم شرع جامع الشرائط پرداخت اجرت به مادر مانعی ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۹۰۲

اشاره

– شخصی ۱۶ سال قبل فوت کرده فرزند ارشد ایشان اموال باقی مانده از پدرش را که نزد او به امانت گذاشته شده بوده به نفع خود می‌فروشد، بدون اجازه حاکم شرع و دادستان و قیم و تا این تاریخ هیچ مبلغی به سه صغیر پرداخت نشده است آیا شرعاً حق فروش دارد یا خیر؟ آیا با توجه به اینکه دیناری پرداخت ننموده به قیمت ۱۶ سال قبل ارزیابی شود یا امروز؟

ج

– بطور کلی معامله آنچه فرزند ارشد از ترکه بدون اذن سائر ورثه و شرکاء و قیم صغار فروخته نسبت به سهم شرکاء فضولی است که در صورت رد باید عین آن (در صورت باقی بودن) و در صورت تلف عین اگر قیمی است قیمت یوم التلف آن را حساب نماید

توضیح اینکه در فروش اموال صغار علاوه بر اذن قیم رعایت مصلحت آنها نیز لازم است.

### س ۱۹۰۳

#### اشاره

– اگر پدر شخص متوفی که قیم و ولی قهری صغار متوفی هم می‌باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۳

اقرار به شرکت زوجه آن مرحوم نسبت به خانه موروثی از باب مهرش بنماید آیا نسبت به سهم صغار آن مرحوم از باب قاعده «من ملك شيئاً ملك الاقرار به» نفوذ دارد و میتوان نسبت به سهم بوده صغار هم مالك دانست همانطور که از باب اقرار نسبت بسهم خود ولی قهری مالکیت و شرکت زن محرز می‌شود؟

#### ج

– اقرار ولیّ علیه مولّی علیه بما هو اقرار نفوذ ندارد لکن ولیّ میتواند طبق یقین خود عمل نماید بلی اقرار ولیّ نسبت به تصرّفات و اعمالی که بر حسب ولایت در اموال مولّی علیه می‌نماید، نافذ است. و اللَّه العالم.

### قیّم صغیر

### س ۱۹۰۴

#### اشاره

– شخصی بدون وصیّت، به رحمت خدا رفته است و چند پسر و دختر صغیر و کبیر و دو برادر دارد، اما صغار ولیّ شرعی ندارند. آیا ممکن است پسر بزرگ او را با نظارت عموهایش قیّم اطفال صغار قرار داد یا نه؟

#### ج

– در فرض سؤال به مجتهد جامع الشّرائط یا مأذون از مجتهد در امور حسبیه اگر در محل باشد مراجعه نمایید تا با رسیدگی و ملاحظه مصلحت صغار، برادر صغار را اگر صالح شناخت یا شخص صالح دیگر را به عنوان قیّم معین نماید این در صورتی است که صغار جدّ پدری نداشته باشند و الّا امر آنها با جدّ پدری آنها است. و اللَّه العالم

### س ۱۹۰۵

#### اشاره

– یکی از دو برادر که باجناق هم هستند، از دنیا رفته آیا باجناق دوّم می‌تواند سرپرستی خانواده برادرش را که از دنیا رفته بعهده بگیرد یا اینکه زن باید خودش قیّم شود. (در ضمن این زن دارای ۵ بچه است که بزرگترین آنها ۸ سال دارد و بی‌سرپرست می‌باشند) به همین خاطر برادرش که باجناق هم هست می‌خواهد سرپرستی خانواده برادر را بعهده بگیرد آیا این کار شرعاً صحیح است؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه متوفّی باجناق و یا زوجه خودش را وصی و قیّم صغار قرار نداده باشد آنها هیچ کدام شرعاً قیّم صغار نیستند اگر صغار جدّ پدری ندارند باید برای صغار توسط مجتهد جامع الشرائط قیّم تعیین شود.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۴

## مال پیدا شده و بدون صاحب

### س ۱۹۰۶

#### اشاره

– میزان در تشخیص مال مجهول المالك و لقطه چیست؟

ج

– لقطه در اصطلاح فقهاء عظام عبارت است از هر مالی که مالکش آن را گم کرده، و مجهول المالك در اصطلاح آن بزرگواران مالی است که مالک آن معلوم نیست ولی گمشده هم نیست مثلًا زمینی است که مردم مالک آن را نمی‌شناسند یا با فوت مالك ورثه را نمی‌شناسند. و اللَّه العالم.

### س ۱۹۰۷

#### اشاره

– لطفاً محل مصرف مجهول المالك را بیان فرمایید؟

ج

– فقرای غیر سادات، که باید از طرف مالک واقعی به عنوان صدقه به آنها پرداخت شود و احتیاطاً با اذن مجتهد جامع الشرائط باشد. و اللَّه العالم

### س ۱۹۰۸

### اشاره

– در یکی از دبیرستانها مقداری طلا به تدریج پیدا شده علی رغم تلاش و پیگیری مسئولین دبیرستان صاحبان طلا پیدا نشده است بفرمایید تکلیف شرعی چیست؟

### ج

– در مورد سؤال اگر به مقدار یک سال تعریف شده و مأیوس از پیدا شدن صاحب آنها هستید، مجازید آنها را از طرف صاحبانش به فقیر غیر سید صدقه بدهید. و اللَّه العالم

### س ۱۹۰۹

### اشاره

– اگر شخصی کوپن پیدا کند تکلیف او چیست؟

### ج

– باید مکرّراً اعلام کند تا صاحبش پیدا شود و در صورتی که بعد از اعلام مأیوس از پیدا شدن صاحبش بشود باید آن را به فقیر غیر سیّد بعنوان صدقه از جانب صاحبش بدهد و احتیاطاً از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.

### س ۱۹۱۰

### اشاره

– شخصی مبلغی پول خارجی (مانند دلار و پوند) پیدا کرده است و از پیدا شدن صاحب پول ناامید است و یا طبق موازین شرع آن را تعریف کرده است و پول پیدا شده زیاد و مورد توجه است و می‌خواهد آن را از طرف صاحب پول به چند نفر صدقه بدهد و این پول پیدا شده دو نوع قیمت و ارزش دارد قیمت دولتی هر دلار مثلًا ۳۰۰ تومان و قیمت آن در بازار آزاد ۴۵۰ تومان آیا این

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۵۵

شخص مجاز است این پول را برای این منظور به پول ایرانی تبدیل نماید و در صورت جواز قیمت قانونی و دولتی آن را صدقه بدهد یا باید قیمت آزاد آن را به فقرا پرداخت نماید؟

### ج

– در فرض سؤال، می‌تواند خود پولهای خارجی را از طرف صاحبش صدقه بدهد و اگر فروخته باشد باید تمام ثمنی را که گرفته صدقه بدهد و نمی‌تواند به مقدار نرخ دولتی صدقه بدهد و بقیه را برای خود بردارد، لکن اگر صاحبش بعداً پیدا شد باید به او بگوید که صدقه دارم پس اگر راضی به صدقه نشد باید وجه را به او برگرداند و این در صورتی است که بدون تعریف از پیدا شدن صاحبش مأیوس باشد و اگر طبق دستور شرع تعریف کرده جایز است پولها را تملک کند با ضمانت این که اگر صاحبش پیدا شد و راضی نشد، به او برگرداند و یا از طرف صاحبش صدقه بدهد و اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد پول را به او برگرداند.

و اللّه العالم

### س ۱۹۱۱

### اشاره

– چنانچه قطعه جنس قیمتی (مانند طلا و ساعت و ...) باشد پیداکننده طبق شرع حاکم شرع آن را تعریف نموده و یا از پیدا شدن آن جنس ناامید بوده است آیا پیدا کننده آنها شرعاً مجاز است به کارشناس و خبره مراجعه کرده طبق تعیین قیمت این اجناس را بفروشد و یا خودش به همان قیمت تعیین‌شده آنها بر دارد و پول آنها را بفقرا بدهد و یا باید خود جنس را به یک نفر فقیر بدهد؟ لازم به یادآوری است که منظور از این فروش بردن سود مشخص نیست.

### ج

– در فرض سؤال، خود اجناس را صدقه بدهد بلی می‌تواند آنها را پس از صدقه دادن به فقیر بخرد و می‌تواند به همان نحوی که در سؤال قبل ذکر شد برای خود تملّک کند. و اللّه العالم

### س ۱۹۱۲

### اشاره

– فردی حدود پنج سال پیش چند کارتن سیگار پیدا نموده است و حدود چهار سال است تفحص نموده است ولی از صاحب سیگارها ناامید و مأیوس شده است در حال حاضر ارزش این سیگارها به قیمت فعلی حدود مبلغ صد هزار تومان می‌باشد و فردی که پول سیگارها نزد اوست ساکن روستا می‌باشد و در این روستا توسط اهالی یک باب منزل به عنوان خانه روحانی ساخته شده

است که فعلًا خانه مـذکور احتیاج مبرم به تعمیرات اساسـی دارد چنانچه اجازه می‌فرمائیـد پول مـذکور را خرج منزل روحانی نمایند کتباً مرقوم فرمائیـد و چنانچه خانه مـذکور شـرائط آن را ندارد آیا اجازه می‌فرمائید که مبلغ فوق را بین ۲۰ نفر از اهالی همین روستا تقسیم نمایند.

**ج**

– در مورد سؤال صـرف پول مـذکور در تعمیر خانه عالم جائز نیست، بلکه باید پول مذکور به فقیر غیر سـیّد عوض صاحبش صدقه داده شود مجازید که پول را به بیست نفر از فقرای غیر سیّد روستای مذکور بپردازید.

**س ۱۹۱۲**

**اشاره**

– سالیان متمادی زمینی بی‌صاحب است و هیـچ کسـی هم ادعایی نسـبت به آن نـدارد و حتی کسانی که کشت می‌کننـد هم نه قرار دادی و نه مدرکی در دست ندارند وظیفه آنان چیست می‌شود وقف کرد و یا فروخت و در راه خیر
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۶
مصرف کرد؟

**ج**

– در فرض مذکور اگر مأیوس از دسترسی به صاحبان آن باشید باید با اجازه حاکم شرع آن را به فقراء غیر سید تحویل دهید. و اللَّه العالم

**س ۱۹۱۳**

**اشاره**

– حدود ۱۰ سـال پیش بـا یک افغانی شـریک شـدیم که خانه‌ای بسازیم و بفروشـیم خانه را ساختیم و قولنامه کردیم بعـد از قولنامه کردن او خـواست به افغانسـتان برود و پولی که داده بود نگرفت و رفت که بیایـد و تـا امروز برنگشـته سـهم اسـتفاده او از این خـانه ۱۵۰۰۰۰ ریال شده است تکلیف ما با این پول چیست؟

**ج**

– در صورتی که از پیـدا شـدن صاحب آن مأیوس باشـید مجازیـد وجه را از طرف صاحبش به فقیر غیر سـید صدقه بدهید البته اگر

صاحب پول پیدا شد و راضی بصدقه نگردید باید وجه را مجدداً به او بپردازید.

### س ۱۹۱۴

### اشاره

- چاه نفتی نزدیک محل ما بود سرپرست آن برای محل لوله‌کشی کرد که مردم از آب لوله استفاده کنند بعداً برنامه بهم خورد لوله‌ها همچنان ماندند. نیامد آنها را ببرد اگر کسی یک تکه لوله را ببرد و استفاده شخصی کند از نظر شرعی چگونه است؟

### ج

- اگر صاحب لوله از آن اعراض کرده باشد استفاده از آن برای غیر جائز است و اگر اعراض معلوم نیست تصرّف در آن جایز نیست.

### س ۱۹۱۵

### اشاره

- در زمینهای روستائی و کشاورزی درختهای گردوئی می‌روید که بذر آن را کلاغ از جاهای دیگر می‌آورد و در زمین پنهان می‌کند و درخت گردو سبز می‌شود و رشد می‌کند و به آن کلاغ کاشته می‌گویند می‌دانیم که بذر این درخت مجهول المالک است حال تکلیف صاحب زمین در مورد این درخت چیست؟

### ج

- در اینگونه موارد که صاحبان گردو می‌دانند، گردوها معرضیّت برای خوردن و یا اتلاف بوسیله حیوانات دارد ظاهراً اعراض صدق می‌کند و کسی که در زمین او درخت بعمل آمده میتواند آن را تملک کند. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۵۷

### س ۱۹۱۶

### اشاره

- در روستاها مردم مرغ و اردک و غاز خود را در بیرون رها می‌نمایند تخمی که این حیوانات در مزارع و یا حاشیه مرداب می‌گذارند با علم به اینکه این تخمها یا خوراک حیوانات وحشی می‌شوند و یا از بین می‌رود آیا صاحب زمین زراعی و یا اهالی

می توانند از آن تخمها استفاده نمایند؟

ج

- اگر از عمل صاحبان آنها ثابت شود که اعراض از تخم آنها کرده‌اند برداشتن آن اشکال ندارد و اگر اعراض ثابت نشود حکم مجهول المالك را دارد. و اللّه العالم.

س ۱۹۱۷

اشاره

- کتابهائی که در فرودگاه جده طی سال گذشته توسط مأموران سعودی از زائران خانه خدا اخذ و ضبط گردیده، اکنون به سازمان حج و زیارت عودت داده شده است. درحالی که اکثر کتابها تکراری و مشابه و صاحبان آنها در بین هفتاد هزار از زائران سال گذشته نامشخص است و تشخیص کتابها هم حتی از سوی صاحبان آنها کاری است دشوار و گاهی غیر ممکن و مراجعه صاحبان آنها به سازمان برای دریافت کتب موجب عسر و حرج می‌باشد لطفاً حکم شرعی را نسبت به این کتابها بیان فرمائید.

ج

- در صورتی که اطمینان حاصل شود که صاحبان آنها بعد از ضبط دولت عربستان اعراض از آن نموده‌اند تصرّف اشکال ندارد و الّا در صورتی که صاحبان آنها معلوم باشند باید به آنها برگردانند و اگر معلوم نباشد مجهول المالك است و حکم آن را دارد. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۹
شرکت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۱

## شرکت

### احکام شرکت

س ۱۹۱۹

اشاره

- اگر انسان مشترکاً با شخصی لباسی را بخرد و آن شخص بگوید من راضی نیستم، با آن می‌شود نماز خواند یا خیر؟

### ج

– نماز با لباس مذکور جایز نیست مگر با اذن شریک.

### س ۱۹۲۰

### اشاره

– این جانب بیست و پنج سال قبل خانه‌ای مسکونی به مساحت تقریبی صد و هفتاد متر مربع دارای دو اتاق و یک آشپزخانه بدون هیچ گونه امکانات دیگر شراکتاً به طور مساوی با زید خریداری کرده و از آن تاریخ تاکنون بدون هیچ گونه صحبت و یا قرار داد خاصی در اختیار این جانب بوده است و در خلال این مدت این حقیر با سرمایه شخصی خود مبادرت به تجدید بنا و احداث ساختمان جدید و سایر امکانات رفاهی از قبیل لوله‌کشی آب، گاز، برق، تلفن و غیره نموده و در این خصوص نیز نامبرده نه مخالفتی با این کار داشته و نه پولی بابت احداث ساختمان جدید و سایر امکانات آن پرداخته است و اکنون پس از گذشت بیست و پنج سال اظهار می‌دارد که در تمام ساختمان شریک می‌باشد،

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۲

مستدعی است در این خصوص حکم شرعی را بیان نمائید.

### ج

– در مورد سؤال چنانچه تجدید بناء و ایجاد امکانات رفاهی با سرمایه شخصی خود شما بوده دیگری در آن بناء و امکانات رفاهی شریک نیست.

### س ۱۹۲۱

### اشاره

– شخصی کالای مواد اولیه مانند (نخ و پارچه) را نقد، با شرکت دیگران به قیمت نقدی خریداری می کند سپس کالای خریداری شده را خودش به مدت با قیمت زیادتری برمی‌دارد نخ و پارچه را برای خودش تکمیل نموده به فروش می‌رساند سؤال بنده این است تفاوتی که به صاحب پول بابت مدت کالای خریداری شده که خودش برمی‌دارد می‌دهد چه صورتی دارد این معادله صحیح است یا خدای نخواسته اشکال شرعی دارد؟ (ضمناً پوشیده نباشد صاحب پول یا شریک کالای مذکور را روشن نکرده و نمی کند فقط با اعتمادی که نسبت به ایشان دارد معامله صورت می گیرد).

### ج

- در صحت خریدوفروش شرط است مالی که مورد معامله واقع می‌شود مجهول نباشد و بوصف و دیگر خصوصیات لازم معلوم و معین باشد لذا با فرض تعیین و مشخص بودن مورد معامله شریکی که تمام آن را برای خود برمی‌دارد اگر از طرف سائر شرکاء وکالت در فروش سهام آنها بخودش به مبلغ معین یا هر مبلغی که خواست داشته باشد مسأله صحیح است و اضافه قیمتش که به شریک می‌پردازد مانعی ندارد. و اللّٰه العالم.

### س ۱۹۲۲

#### اشاره

- چند نفر برادر در زمان پدرشان و بعد از فوت ایشان زندگی داشته و با هم کار کرده‌اند و یکی را بعنوان امین و بزرگ قرار داده‌اند ولی ایشان خیانت کرده و قسمتی از املاک و دارائی که خریده‌اند بنام خود کرده آیا این چهار برادر شریک هستند و یا اینکه فقط مخصوص صاحب سند است؟

#### ج

- در مورد سؤال، چنانچه املاک مذکوره برای چهار برادر خریداری شده ولی یکی از آنها در مقام نوشتن قباله ملک را باسم خود ثبت کرده این ثبت کردن شرعاً اثری ندارد و ملک متعلّق بهمه چهار برادر است ولی اگر امین و بزرگ ملک را برای خودش خریده و در این صورت اگر معامله عین به عین بوده نسبت به سهم

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۶۳

برادران معامله فضولی است در صورت اجازه معامله از طرف آنها ملک خریداری شده متعلق به همه برادران است و در صورت عدم اجازه آنها معامله نسبت به سهم آنها باطل است و اگر نسبت به ثمن معامله ذمّه‌ای بوده ملک متعلق به خریدار است و دیگران در آن حقی ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

### س ۱۹۲۳

#### اشاره

- این جانب ساکن یکی از روستاهای استان مرکزی مدت زیادی با پدرم مشترک زندگی می‌کردم و اموال از منقول و غیر منقول با هم تهیه کردیم و شاید بتوان گفت که بنده در جمع‌آوری مال نقش بیشتری داشتم حال پدرم می‌گوید شما از این اموال حقی ندارید چون هرچه فرزند مال داشته باشد مال پدر است خواهشمند است حکم شرعی را بیان فرمائید که آیا بنده حقی دارم یا نه؟

#### ج

- بطور کلی ملک فرزند متعلق به پدر نیست بلکه متعلق به خود فرزند است و چنانچه تحصیل اموال منقول و غیر منقول در گذشته

معلوم نباشد که بچه نحو بوده آیا برای پدر بوده یا برای خودش و یا هر دو قسم بوده اگر کار را با مصالحه تمام کنند موافق با احتیاط است بلی اگر نزاع موضوعی در بین باشد محتاج به مرافعه شرعیه است. و اللّٰه العالم.

### س ۱۹۲۴

### اشاره

- پدرم سرمایه مغازه‌اش را در اختیار من و برادرم گذاشته تا سود حاصل از آن مال ما باشد مدت سه سال با هم کار کردیم و سود را هم ضمیمه سرمایه نمودیم پس از بررسی اموال معلوم شد که مقداری از سود را برادرم بدون رضایتم برداشته و بقیه سود با اصل سرمایه در اختیار پدرم می‌باشد و حقم را نمی‌دهند آیا می‌توانم بدون رضایت پدرم حقم را تدریجاً از سرمایه‌ای که سود در آن است بردارم یا نه و اگر راه دیگری هست راهنمایی فرمایید.

### ج

- در فرض سؤال تملیک سود قبل از حصول آن از جانب پدر به شما و برادرتان صورت شرعی نداشته و اگر معاملات به عین سرمایه دکان و سود آن انجام می‌شده تمام آن ملك پدر شماست به هر نحوی که روی آن عمل کند مختار است فقط شما اجرة المثل عمل خودتان را اگر بیشتر از سودی که به شما در آن معامله

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۴

می‌رسیده نباشد طلبکارید و می‌توانید آن را با مراجعه به حاکم شرع جامع الشرائط و اذن او از سرمایه و سود موجود تقاصاً برداشت کنید، و اگر معاملات را برای خودتان و به اثمان کلی خریداری می‌کردید آنچه را به ذمه خریده‌اید ملك شما شده و معاملاتی که روی آن شده همه به خود شما و برادرتان مربوط می‌شود هرچند ثمن آنها را بعداً از سرمایه دکان داده باشید به هر حال چون در این صورت مسأله تفاصیلی پیدا می‌کند و تفکیک معاملات واقع شده از یکدیگر محتاج به محاسبات دقیق است بهتر این است که با پدر و برادرتان در این جریان تراضی نموده و به مصالحه و سازش رفع اختلاف نمایید. و اللّٰه العالم

### س ۱۹۲۵

### اشاره

- جمعی از مردم به شرکت یک حلقه چاه عمیق جهت شرب زراعت خود حفر نموده‌اند که این چاه هم با موتور وهم با برق کار میکند عده‌ای از شرکاء هر رشن آب مالکی خود را هرچند ساعت که باشد استفاده میکنند وعده دیگر همه رشن‌ها احتیاج به گرفتن سهم آب خود ندارند و آبی نمیگیرند ولی کارکرد موتور هم هزینه مصرف برق وهم هزینه کار کرد موتور و فرسودگی موتور را نسبت به سهم خود پرداخت مینمایند آیا آن عده که از آب موتور همیشه وهمه رشن‌ها استفاده نمی‌کنند چنانچه موتور مرقوم احتیاج به تعمیر و یا هزینه مصرف برق داشته باشد بایستی با آن عده که همه رشن‌ها از کارکرد موتور استفاده میکنند هزینه پرداخت نمایند یا خیر و آیا آن عده که همه رشن‌ها به مالکیت خود را از موتور مذکور استفاده مینمایند رضایت بقیه که همه

رشن‌ها از آب موتور استفاده نمی‌کنند را احتیاج دارد و یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال، هزینه برق و تعمیر بایـد به نسبت مقـدار اسـتفاده از آب پرداخت شود، و تصـرّف در مال مشترک باید با رضایت شرکاء باشـد ولی چنانچه از اوّل رشن‌بنـدی، قرار همه شـرکاء بر این بوده که هر کس به نسـبت سـهم خود حق اسـتفاده از موتور را دارد، چه بقیّه شرکاء از موتور استفاده کنند و چه نکنند مادام که از رضایتی که داده‌اند عدول نکرده‌اند تجدید رضایت لازم نیست.

### س ۱۹۲۶

### اشاره

– آیا در امور مربوط به شرکت‌های سهامی عام (با تعداد شرکاء و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۵

سهامـداران زیـاد) و غیر دولتی رأی اکثریت و بالای ۵۰ درصـد آن گونه که در مـدیریت و اداره این شـرکت‌ها نافـذ است در امور مرتبط با مالکیت نظیر هبه، پاداش و دخل و تصرف در اموال نیز نافذ بوده و یا صرفاً در محدوده و حیطه اموال و حق السهم شرکاء و سهامدارانی که نسبت به انجام چنین اموری اعلام رضایت نمایند عملی می‌باشد؟

### ج

– در مورد سؤال رأی شرکاء در امور مربوط به مالکیت فقط در محدوده حق السهم خود معتبر است.

### س ۱۹۲۷

### اشاره

– آیـا اسـتفاده از اموال نظیر خودروهـا و منـازل سازمـانی که عملًا متعلق به کلیه سـهامداران بوده و رضایت تمامی آنان محل تردید است، مجاز می‌باشد؟

### ج

– در صورت شک در رضایت تمام و یا بعض شرکاء تصرّف جایز نیست.

و اللّٰه العالم

### س ۱۹۲۸

#### اشاره

- در صورت علم و اطلاع از نارضایتی تعدادی از شرکاء و یا سهامداران چه حکمی دارد؟

#### ج

- تصرّف جایز نیست. و اللَّه العالم

### س ۱۹۲۹

#### اشاره

- کارخانه برنجکوبی بین چند وارث باید تقسیم بشود یکی از شرکاء می گوید یا سهمیه مرا بخرید یا بفروشید یکی از شرکاء میگوید نه میفروشم و نه میخرم درب کارخانه را می‌بندم تکلیف سایر شرکاء و سایر وراث چیست؟ (اگر کارخانه بسته شود ضرر زیادی به این شرکاء وارد می‌زند و عده زیادی شالی در کارخانه گذاشته‌اند که تبدیل به برنج نمایند).

#### ج

- تصرّف هر یک از شرکاء در کارخانه باید به رضایت سائر شرکاء باشد و باید با هم در اداره کارخانه توافق کند و اگر یک نفر یا بیشتر از شرکاء از توافق خودداری کند با مراجعه به دادگاه شرعی دادگاه حکم لازم را برای جلوگیری از تعطیل کارخانه و ورود ضرر بشرکاء صادر می کند، و شریکی را که از توافق خودداری کرده ملزم به قبول می‌نماید و اگر جلوگیری از بسته شدن کارخانه متوقف بر فروش آن به شریک ممتنع یا خرید سهم او باشد در این مورد نیز تصمیم عادلانه گرفته می‌شود، لازم بیاد آوری است شریکی که بدون اذن و وکالت از طرف سائر شرکاء
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۶
مخارجی برای کار خانه نموده حق مطالبه آن را از آنها ندارد.

### س ۱۹۳۰

#### اشاره

- کارخانه برنجکوبی چند وارث و چند شریک دارد شوهر یکی از وراث که حقی در کارخانه دارد بدون اجازه شرکاء کارخانه را تعمیر و لوازم خریده چند سال بهره‌برداری می کند از درآمدش مخارج خود را بر میدارد و منافع را بین شرکاء تقسیم می کند اکنون

اختلاف پیدا کرده‌اند میگوید چون بدون اجازه این عمل را انجام دادم باید مصالحی خود را بردارم آیا حقی دارد که مصالح که خریده بعد از چند سال ببرد یا نه ثانیاً چنانچه حق برداشتن داشته باشد، ضرری که به اصل کارخانه وارد می‌آید مربوط به این شخص هست یا نه؟

#### ج

– در فرض سؤال، کسی که بدون اجازه شرکاء کارخانه را تعمیر کرده مخارجی را که بعنوان انجام بعض کارها مانند نصب ادوات و یا نظائر آن متحمل شده نمیتواند مطالبه کند ولی اعیان مصالحی که بکار رفته متعلق به او است و میتواند بردارد هر چند سالها بر آن گذشته باشد مگر اینکه صریحاً اعلام کرده باشد که این مصالح را به شرکاء بخشیده‌ام بلی اگر برداشتن مصالح، مستلزم تخریب باشد باید خرابیها را از مال خود جبران نماید و اگر مخارجی را که برای تعمیر و خرید لوازم می‌کرده از عوائد کارخانه بوده نسبت بسهم شرکاء ضامن است و اگر صورت عمل آنها در این چند سال بنحوی بوده که عرفاً شخصی که شوهر یکی از شرکاء است به عنوان وکالت عمل مینموده و مصالح را از عوائد کارخانه خریداری میکرده مصالح متعلّق به همه شرکاء است و به هر صورت در هر یک از این مسائل چون نزاع موضوعی در بین است باید مراجعه به دادگاه شرعی شود.

### س ۱۹۳۱

#### اشاره

– ۶ ماه قبل تعدادی از فرهنگیان تصمیم می‌گیرند که یک مدرسه غیر انتفاعی تأسیس کنند و با یکی از فرهنگیان که مجوّز تأسیس مدرسه دارد مشارکت می‌نمایند و در مدت ۴ سال با تلاش زیاد مدرسه را سر و سامانی می‌دهند سپس بین آنها اختلاف افتاده و چون مدرسه قانوناً بنام یک نفر است در اختیار همان یک نفر قرار می‌گیرد و بقیه بالاجبار دستشان از مدرسه کوتاه می‌شود و سایر اعضا اگر چه پس از چند ماه و تعدادی پس از یک سال سهم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۷

خود از میز و صندلی و سرمایه موجود در حساب بانکی را گرفتند ولی هنوز مدعی هستند که زحمات آنها در این مدت بی‌نتیجه مانده. این جانب پس از گذشت یک سال از جدایی آنها با صاحب امتیاز فوق مشارکت نموده‌ام. حال با توجه به اینکه اعضای قبلی مدعی هستند که رضایتشان جلب نشده خواهشمندم این جانب را راهنمایی فرمائید که آیا می‌توانیم به مشارکت با گروه جدید ادامه دهم یا خیر؟

#### ج

– در فرض سؤال چنانچه شرکاء سهم خود را از همه اعیان گرفته‌اند تصرف در آن اعیان برای صاحب امتیاز و شریک بعدی مانعی ندارد و ادّعای حق شرکاء سابق نسبت به افزایش اعتبار مدرسه و امثال ذلک بجهت تلاش آنها در مدرسه، با توجه به اینکه می‌دانسته‌اند امتیاز بنام دیگری است شرعاً اعتباری ندارد. و اللّه العالم.

### س ۱۹۳۲

#### اشاره

– خرید سهام از شرکتهای دولتی و یا سرمایه‌گذاری در شهرک‌سازی و یا فروشگاههای زنجیره‌ای که سال بسال به صاحبان سهام مقداری سود پرداخت می‌شود چه حکمی دارد؟

#### ج

– اگر کارخانه‌ای را مثلا سهم‌بندی کنند و بفروشند اشکال ندارد و اشخاصی که از آن سهام میخرند در سود و زیان آن حسب السهم شریک می‌شوند و قبل از وجود کارخانه یا شهرک، فروش معنی ندارد، بلی اگر از اشخاص پول بگیرند که با آن پولها مشترکا کارخانه یا شهرک بسازند و اشخاصی را که پول داده‌اند به نسبت پولی که داده‌اند شریک کنند بلامانع است و مانند فرض اوّل در سود و زیان، حسب السهم شریک می‌شوند. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۹
احکام شفعه
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۱

## احکام شفعه

### س ۱۹۳۳

#### اشاره

– زمینی از مرحوم پدرمان به من و چهار خواهرم به ارث رسید و خواهرانم پس از تقسیم زمین سهم خود را به شخص دیگری فروختند که این شخص اسباب ناراحتی مرا فراهم نموده، آیا حق شفعه برای این جانب هست یا خیر؟

#### ج

– در مفروض سؤال شما حق شفعه ندارید حق شفعه در مورد دو نفر شریک است و شما چند شریک بوده‌اید.

### س ۱۹۳۴

#### اشاره

– اگر در یک محدوده سه چهار قطعه زمین پهلوی هم باشد و آب نهر و یا کاریز آن نیز یکی باشد صاحب زمین قطعه چهارم اگر بخواهد زمین خود را اجاره دهد سالانه به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان اجاره می‌کنند، همین مبلغ را بیشتر همسایه‌های صاحب زمین می‌دهند ولی صاحب زمین حاضر نمی‌شود، آیا شرکاء حق شفعه دارند؟

ج

- در فرض مذکور حق شفعه ثابت نیست.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۲

س ۱۹۳۵

اشاره

- اگر یکی از شرکاء بخواهد سهم آب زمین خود را به غریبه‌ای بفروشد آیا سایر شرکاء می‌تواند مانع شوند و آیا در اجازه زمین یا آب حق شفعه هست؟

ج

- حکم این مسأله حکم مسأله قبلی است.

س ۱۹۳۶

اشاره

- شخصی یک مقدار زمین کشاورزی را به پسر دائی خودش هبه نموده که این پسر دائی به مدت هفت سال از این زمین استفاده برده و بعد از هفت سال این زمین را به کسی دیگر فروخته و مدّت هفت سال دیگر این شخص ثانی از آن زمین استفاده برده بعد از چهارده سال پسر عموی صاحب اوّلی زمین که زمینش را هبه کرده ادعای شفعه بر این زمین را نموده آیا حق شفعه برای پسر عموی بعد از چهارده سال ثابت می‌شود یا نه؟

ج

- در مورد سؤال حق الشّفعه شده مگر آن که شفیع از فروش زمین تا هفت سال بعد مطلع نشده باشد.

س ۱۹۳۷

اشاره

- شخص زارعی زمینی را به مقدار ۲۵ جریب بمدت تقریباً ۵۰ سال به عنوان مزارعهٔ کشت و زرع می‌کرد و در این مدت نهال زیادی در آن غرس کرده که بعضی آنها به ثمر رسیده و بعضی در شرف ثمر رسیدن است اکنون صاحب زمین می‌خواهد آن را به دیگری بفروشد زارع می‌گوید بنده زمین را خریدارم و قیمت آن را مطابق عرف محل می‌پردازم ولی مالک زمین قبول نمی‌کند با توجه به آنکه زارع در اشجار مغروسه با مالک زمین شریک است و طبق فتوای حضرت آیهٔ اللّه العظمی گلپایگانی زارع حق ریشه در زمین مذکور طلب دارد و فقهاء رضوان اللّه تعالی علیه در کتاب شفعه فتوی می‌دهند که اگر شخصی با مالک در زمین شریک

نباشد ولی در نهر و یا طریق آن شریک باشد حق الشفعهٔ طلب دارد و همین طور که در اشجار آن شرکت دارد تبعاً للارض آیا زارع مذکور حق اولویت خرید زمین دارد یا نه و اصولًا برای چنین زارعی حق الشفعهٔ ثابت است یا خیر حکم اللَّه را بیان فرمائید.

### ج

- اگر مالک و زارع در زمین و اشجار شریک باشند و مالک سهم خود از زمین و درخت را با هم به کسی بفروشد زارع حق شفعه دارد و اگر مالک در همین فرض که با زارع در زمین و درخت شریک هستند درخت را تنها بفروشد زارع حق شفعه ندارد و نیز در فرض سؤال که زارع فقط در درخت شریک باشد و مالک سهم خود را از زمین و درخت به کسی بفروشد زارع نسبت به هیچ یک از زمین و درخت حق شفعه ندارد. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۵

هبه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۷

## هبه

### س ۱۹۳۹

### اشاره

- شخصی منزلی را تملیک پسرش کرده مسلوب المنفعه ما دام الحیاهٔ این تملیک صحیح است یا نه؟

### ج

- معنای این تملیک هبه و بخشش به فرزند است ولی مادام که بقبض او نداده میتواند از هبه خود برگردد و در این صورت اگر بخواهند معامله با اینکه ما دام الحیات مسلوب المنفعه باشد تمام شود به صورت مصالحه تملیک نماید و فرزندش اگر کبیر است قبول کند و اگر صغیر است خود پدرش از طرف او قبول نماید.

### س ۱۹۴۰

### اشاره

- شخصی شش پسر و شش دختر دارد و به دخترها هنگام ازدواج جهیزیه لازم داده ولی به پسرها چیزی نداده است آیا جایز است آنچه از اموالش باقی مانده است همه را به عنوان هبه بین پسرها تقسیم کند؟

### ج

- مانع ندارد و برای تحقق و لزوم هبه و هدیه باید اموال مورد هدیه را به قبض و تصرف پسرها بدهد و الّا اگر فوت کند و به قبض و تصرف آنها نداده باشد دخترها نیز از آن اموال کما فرض اللَّه ارث میبرند.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۸

### س ۱۹۴۱

#### اشاره

- شخصی می‌خواهد پسرش را زن بدهد آیا می‌تواند بدون اجازه سایر فرزندانش هرچه بخواهد از اموال و دارائیش را به آن پسر ببخشد؟

#### ج

- پدر می‌تواند هرچه می‌خواهد از اموالش را به یکی از فرزندانش ببخشد و اجازه سایر فرزندان لازم نیست. بلی رعایت انصاف لازم است تا اینکه موجب اختلاف و مشاجره بین آنها نشود.

### س ۱۹۴۲

#### اشاره

- پدر این جانب حدود چهار سال پیش فوت نموده است از ایشان همسر فرزندان و مادر ایشان در قید حیاتند که نتیجتاً ۱۶ از ما یملک به مادر متوفی میرسد مادر متوفی چند روز بعد از فوت پدرم که در آن زمان گاهی حواسش جمع و گاهی حواس‌پرتی داشت در حال جمع بودن حواس سهم خودرا صریحاً به بقیّه وارث بخشیده است ولی اکنون هیچ‌گونه هوش و حواسی ندارد و با توجه به اینکه مادر متوفّی یک پسر و سه دختر دیگر دارد که همگی در قید حیاتند آیا این بخشش صحیح است یا خیر و از نظر شرعی تکلیف ما چیست؟
لازم به تذکر است که مورد بخشش تمام در تصرف این جانبان (سایر ورثه) بوده و هست.

#### ج

- در مورد سؤال چنانچه آن مادر درحالی‌که مشاعرش سالم بوده سهم الارث خودرا به کسی بخشیده و به قبض متهب داده یعنی در اختیار متهب قرار داده یا در اختیار او بوده مال موهوب ملک متّهب شده و دیگران حقی در آن ندارند و اگر مشاعر واهبه حین هبه سالم نبوده مال موهوب به ملکیّت او باقی است. و اللَّه العالم

### س ۱۹۴۳

#### اشاره

- زیدی ملک مشاعی به عمر هبه غیر معوضه نموده آیا زید می‌تواند ملک هبه شده را از وارث عمر و مطالبه نماید (در حالی که ملک موجود است و در آن هیچ گونه تغییری داده نشده)؟ آیا انجام امور واجبه و مستحبه در آن ملک اشکال شرعی ندارد؟

ج

- در صورتی که عین موهوبه به قبض موهوب له داده شـده باشـد بعد از موت موهوب له، هبه لازم می‌شود هر چند هبه غیر معوّضـه باشد و عین موهوبه هم موجود باشد بنابراین واهب حق ندارد عین موهوبه را از ورثه موهوب له مطالبه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۹

کند. و اللَّه العالم

س ۱۹۴۴

اشاره

- اگر شخصـی منزل را بنام همسرش در محضـر اسـناد ثبت کند ولی نه صـیغه هبه بخواند و نه اقباض شرعی کند باین معنی که این منزل را نه تخلیه کرده، نه در اختیارش قرار داده، بلکه خودش با فرزنـدانش و همسـر مـذکور در آن منزل زنـدگانی می‌کند تا اینکه آن زن وفات می‌کند آیا این منزل ملک آن زن محسوب می‌شود، یا مال شوهر است که پولش را ادا کرده است؟

ج

- بطور کلی در هبه صـیغه خواندن لازم نیست بلکه اگر مالک ملکی را بقصد تملیک مجانی در اختیار کسـی قرار دهد یعنی بقبض او بدهـد ملکیت حاصـل میشود بلی چنـانچه در هبه قبض محقّق نشـده باشـد ملکیت حاصـل نمی‌شود و در مورد سؤال تحقیق قبض محل اشکال است بلی اگر معلوم شود که تصرف شخص مذکور باذن همسرش بوده در تحقق قبض کافی است.

س ۱۹۴۵

اشاره

- مقـدار یـک هزار و دویست کیلو نسق زراعتی داشـته قبـل انقلاب به فرد یا افراد بخشـیده‌ام صـیغه در بین هم جاری نشـده حتی از طرف دولت حق واگذاری را نداشـته‌ام حال مغبون می‌باشم آیا می‌توانیم در این مدت چند سالی که از آن بهربرداری کرده‌اند نسق خود را پس بگیرم؟

ج

- بطـور کلّی اگر متّهب ذی رحم نباشـد و هبه معـوضه نبوده است و یـا اگر معوضه بوده تصـرف در عوض نکرده باشـید حق رجوع دارید.

س ۱۹۴۶

اشاره

– آیا پدر می‌تواند، زمینی را که سی سال پیش به دخترش بخشیده و او در آن زمین زراعت کرده است بازپس گیرد؟

ج

– بخشش و هبه به ذی رحم با حصول قبض لازم است و قابل برگشت نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۹۴۷

اشاره

– زیـد فرزندی نداشت لذا چندین سـند تنظیم نموده و در آن سـندها قسـمتی از اموال خود را به یکی از ارحامش و پاره دیگر را به یکی دیگر داده و آن سندها را به عنوان اقرارنامه به ثبت رسانیده است (چون زمینهای ما ثبتی نیست)
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۰
و بعد که صاحب اولاد شده از این کار پشـیمان و سـندها را پاره نموده است و پس از وفات وی یکی از همان اشخاصـی که قسمتی از اموال را به او داده بود رفته و از دفتر ثبت رونوشت سندها را گرفته و آورده و اموال و ما ترک زید را طبق سندهای کذایی جابجا کرده‌اند. حال بیان فرمایید که این اموال برای آنها حلال است یا نه؟ در صورتی که می‌دانیم که زید این اموال را یا به عنوان وصیت و یا به عنوان بـذل به آنها داده و می‌دانیم که وصـیت و بـذل بدون قبض و اقباض هر دو قابل فسخ است و سـند بهر عنوان که تنظیم شده فقط صوری بوده است.

ج

– در فرض سؤال چنـانچه فقط تنظیم سـند نموده و اموال را به قبض آنها نـداده تصـرف موهوب له و یا موصـی له در آن اموال جایز نیست و تصرف آنها غاصبانه است.

س ۱۹۴۸

اشاره

– اگر افرادی پول و یا کالائی به کسی بخشیده باشند بعد از فوت آن شخص افراد می‌توانند آنچه را که بخشیده‌اند عین همان را که موجود باشد مالک شوند یا خیر؟ و چنانچه این مالکیت با رضایت بقیّه ورّاث باشد مسأله چه صورتی خواهد داشت؟

ج

– بعد از قبض موهوب و موت واهب یا موهوب له هبه لازم است و واهب یا وارث او حق رجوع ندارند. و اللَّه العالم.

س ۱۹۴۹

اشاره

– شخصی فوت کرده و از او سه دختر و یک پسر مانده پدر مرحوم حصّه از زمین خود را به پسر این مرحوم هبه می کند با این شرط که مادر این بچه با برادر مرحوم ازدواج کند و خودش از طرف نوه ولایهٔ قبض می کند. آیا هبه صحیح است؟ و بر فرض صحهٔ قابل فسخ است؟ پسر موهوب له بعد از یک سال از ازدواج مادرش می‌میرد، بعد جدّش تمام زمین را به پسرانش هبه و تملیک می کند. آیا این هبه دوم نسبهٔ بحصهٔ قابل فسخ است؟

ج

– در مورد سؤال، هبه مذکوره محکوم بصحت است و چون هبه به ذی رحم است فسخ آن جائز نیست، هبه دوم نسبت به سهم الارث سائر ورثه متوفی بدون رضایت آنها صحیح نیست. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۱

مضاربه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۳

## مضاربه

### س ۱۹۵۰

#### اشاره

– مبلغ ۳۵۰ هزار تومان را به شخصی داده‌ام که با پول من کاسبی کند و در ازای هر ۱۰۰ هزار تومان ماهی ۳ هزار تومان بطور ثابت به من می‌دهد امروزه این معامله را پول مضاربه ای می گویند خواهشمندم حلال و یا حرام بودن آن را مشخص کنید.

ج

– مضاربه بنحو مذکور در سؤال صحیح نیست یکی از شرائط شرعی مضاربه آن است که سهم سود هر یک از طرفین به نحو کسر مشاع مانند ثلث، نصف و ربع مقرّر گردد و اما تعیین مقدار معیّن مانند ماهی ۳ هزار تومان برای صاحب پول صحیح نیست بلی صاحب پول آخر هر ماه و یا آخر سال می‌تواند سهم سود خودرا در صورتی که سودی حاصل شده باشد به مبلغ مذکور مصالحه نماید. و اللَّه العالم

### س ۱۹۵۱

#### اشاره

– مبلغی پول به آقائی داده‌ام که ماهیانه مبلغی را بعنوان سود بدهد ولی ورشکست می گردد و می گوید که کار نکرده‌ام تا به شما سود بدهم حکم شرعی آن را بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال چنانچه پول را به نحو مضاربه و با رعایت شرائط آن در اختیار عامل قرار داده است در صورتی که عامل معامله‌ای نکرده باشد و سودی

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۸۴

عایـد نشـده باشـد، صـاحب پول حق دریافت سود نـدارد و اگر پول را قرض داده که در ماه مبلغی سود بگیرد چه معامله بشود و چه نشود، در این صورت حکم ربا دارد و جایز نیست.

### س ۱۹۵۲

#### اشاره

– اگر پولی را به شـخص کاسبی بـدهیم که معامله کنـد و نامبرده در قبال آن بگوید اگر ضـرر کردم خودم ضـررش را قبول دارم و اگر سود کردم هر مـاه مبلغ معینی حـد اقل بشـما می‌پردازم مثلًا در قبال ۵۰۰۰۰۰ تومان ماهیانه ۱۳۰۰۰ تومـان می‌پردازم و اگر سود بهتری داشتم ممکن است چیزی اضافه بدهم این معامله شرعاً صحیح است یا خیر و منفعت این پول حلال است یا خیر؟

#### ج

– این معامله مشـروعیت ندارد و اگر غرض این بوده که گیرنده پول برای خودش با آن معامله کند عنوان قرض ربوی پیدا می‌کند و حرام است.

### س ۱۹۵۳

#### اشاره

– برای اینکه پولی را به کسی بدهیم که کاسبی کند و سودی به صاحب پول بدهد راه صحیح شرعی آن چیست؟

#### ج

– پول را به عنوان مضـاربه به کـاسب بدهـد که او بـا آن معـامله کنـد به این صورت که مثلًا ثلث یـا نصف یـا ربع درآمـد متعلّق به صاحب پول دو ثلث یا نصف یا سه چهارم متعلق به کاسب و عامل باشد و اگر سـرمایه تلف شود از صاحب سـرمایه باشد و کاسـب ضامن نباشد.

### س ۱۹۵۴

#### اشاره

– کسـانی که پولی را به انسان می‌دهنـد که با آن معاملاتی بشود و شـخص وکیل می‌گردد که معاملات را انجام داده و در قبال آن پول سودی را که مورد توافق طرفین می‌باشد به طرف سرمایه‌گذار متعهد گردد به چه شکل می‌باشد؟

ج

– اگر بصورت مضاربه عمل کند بی‌اشکال است ولی بصورتی که مرقوم شده صحیح نیست.

س ۱۹۵۵

اشاره

– مبلغ پانصد هزار تومان میخواهم به کسی بدهم که با آن کار کند و از قرار هر ماه مبلغ سی هزار تومان به بنده بدهد آیا این عمل جایز است یا خیر؟

ج

– عمل بنحو مذکور صحیح نیست و راه صحیح این است که با کاسب قرار بگذارد که سود این پول هرچه شد نصف یا ثلث آن مثلًا مال من و بقیه مال تو باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۵

یعنی بنحو کسر مشاع (درصد) تعیین نمایند بلی اگر آنچه را ماهیانه می‌گیرد بعنوان علی الحساب بگیرد و در آخر ماه یا سال تمام سود سهم خود را به آنچه تا آن موقع گرفته، مصالحه نماید اشکال ندارد.

س ۱۹۵۶

اشاره

– این جانب مبلغی پول در یک شرکتی گذاشته‌ام بدون هیچ‌گونه قراردادی و هیچ‌گونه حرفی در هر سه ماه مبلغی پول به این جانب می‌دهند آیا از نظر شرع مقدس اسلام صحیح است یا خیر؟

ج

– بطور کلی چنانچه قرض را مشروط به گرفتن زیاده نداده باشید و خود شخص مبلغی می‌دهد و طوری باشد که اگر ندهد شما خود را طلبکار ندانید و مطالبه ننمایید اشکال ندارد و همچنین است اگر به جهت انجام معامله مشروع پول را به او پرداخته‌اید و او هم از سود معاملات به شما می‌پردازد. و اللّٰه العالم

س ۱۹۵۷

اشاره

– پولی بعنوان قرض الحسنه به تاجری می‌دهیم و همان قدر هم رسید می‌گیریم نه بیشتر او با آن پول کار می‌کند و بدون اینکه هیچ شرط و قراری با هم بگذاریم او خود ماهیانه مبلغی باختیار خود بما می‌دهد و یا می‌بخشد این مسأله چه حکمی دارد حلال است یا

حرام؟

ج

– چنـانچه در قرض قرارداد سود نباشـد و قرض‌گیرنـده بـا رضـایت و طیب خاطر چیزی به قرض دهنـده بدهـد اشـکال نـدارد، بلکه مستحب است. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۷
اراضی موات
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۹

## اراضی موات

### س ۱۹۵۸

#### اشاره

– زمینهـای بـایری در خـارج از شـهر تهران که متعلق به خـانواده شخصـی کلیمی بنـام القانیـان بوده است توسـط بنیاد مستضـعفان و جانبازان به اشـخاص فروخته شـده و نامبردگان در زمینهای مزبور اقدام به عمران و آبادانی و خیابان‌کشـی و درختکاری نموده‌اند و حالیه بصورت قطعات اقدام به فروش می‌نمایند.
استدعا دارد با توجه به مراتب مشروحه نظر مبارکتان را در مورد خرید قطعاتی از املاک فوق الذکر اعلام و ذیلًا مرقوم فرمائید.

ج

– از جریان این موضوع شخصـی اطلاع نداریم بطور کلّی اگر زمین موات باشد و حریم معموره نباشد از انفال است و هیچ شخصـی حقیقی یا حقوقی مالک آن نمیشود و خریـدوفروش آن مشـروعیت ندارد علی هذا اگر اراضـی مرقوم که علی الفرض در ید القانیان بوده موات بوده است به او تعلق نداشـته و به اشخاصـی که آن را احیـاء کرده یـا احیـاء بنماینـد تعلّق دارد و اگر در حالتی که موات بوده آن را از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۰
شخص حقیقی یا حقوقی خریده باشـند میتوانند مبلغی را که پرداخته‌اند استرداد نمایند و اگر وضع زمین بصورت دیگر است توضیح دهید تا جواب مقتضی داده شود.

### س ۱۹۵۹

#### اشاره

– آیا احیاء اراضی موات مطلقاً موجب تملک میشود یا نیاز به اجازه ولیّ فقیه دارد (البته بعد از تشکیل حکومت اسلامی).

ج

- احیاء زمین موات با شرائطی که در جای خود ذکر شده موجب تملّک احیاءکننده است.

### س ۱۹۶۰

### اشاره

- شخصی در سال ۱۳۱۰ شمسی یک قطعه زمین از اراضی موات را احیاء می‌نماید در سال ۱۳۲۰ شمسی پس از انجام مراحل و تشریفات ثبتی و قانونی در زمین احیاء شده مبادرت به احداث بناء نموده و در سال ۱۳۳۸ شمسی زمین و اعیانی مستحدثه را به فرزند خود انتقال میدهد اگر چه بر طبق فتاوای جمهور علماء شیعه (من أحیا أرضاً میتةً فهی له) زمین شرعاً محکوم به مالکیت مُحیی بوده مع ذلک با توجه باینکه دولت وقت (رژیم سابق) ادعا می‌نماید که زمین احیاء شده جزء اراضی خالصه دولت میباشد (در حالتی که کمترین بیّنه و حجت شرعیه بر خالصه بودن زمین وجود نداشت) دوباره من غیر وجه شرعی بهاء زمین را (به قیمت عادله روز) از منتقل الیه اخذ می‌نماید آیا از نظر معظم له مالکیت و تصرف شخصی منتقل الیه نسبت به قطعه زمین شرعاً ثابت است یا خیر؟

### ج

- بطور کلی هر زمین موات را که حریم محیات نباشد هر کس احیا کند مالك آن می‌شود و اگر برای زراعت و کارهای کسبی و شغلی احیا کرده باشد خمس آن را باید بدهد و اگر برای خانه مسکونی مورد حاجت احیاء کرده خمس هم ندارد.

### س ۱۹۶۱

### اشاره

- شخصی زمینی را می‌خرد، بعداً معلوم می‌شود به دلیل موات بودن سازمان زمین آن را به نام خود نموده و به فروشنده و یا خریدار زمین می گوید
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۱
مبلغی را می‌بایستی پرداخت تا ما به شما حق تصرّف بدهیم و خریدار زمین ناچاراً این مبلغ را می‌پردازد، آیا فروشنده بدلیل تعیین نکردن چنین عیبی و یا عدم احیاء آن و یا عدم پرداخت آن مبلغ قانونی، شرعاً ضامن پول آن خریدار هست یا نه؟ و چنانکه این معامله بخواهد شرعی باشد، چگونه خواهد بود؟ و آیا خریدار و فروشنده می‌توانند برای مشروع نمودن معامله بصورتی مصالحه نمایند؟

### ج

- در فرض سؤال، چنانچه زمین مورد معامله موات بوده و هیچ‌گونه احیائی در آن انجام نشده باشد خریدوفروش آن صحیح نیست و در حقیقت مالك ندارد و کسی که آن را فروخته باید وجهی را که گرفته به خریدار پس بدهد و هم چنین کسی حق ممانعت از احیاء یا گرفتن وجهی از کسانی که می‌خواهند آن را احیاء نمایند ندارد همان احیاء زمین موات سبب مالکیت آن می‌شود ولی اگر

زمین بصورتی احیاء شده باشد و احیاءکننده آن را فروخته باشد و به تصرف خریدار داده باشد و دیگری بطور قهر از او مطالبه وجهی بنماید فروشنده ضامن نیست و اگر فروشنده بدون پرداخت وجه به دیگری قادر به تصرف دادن زمین به خریدار نباشد و نپردازد اصل معامله اشکال پیدا می‌کند و به هر حال اگر طرفین با هم مصالحه و تراضی نمایند اشکال برطرف می‌شود. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۳

قرض

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۵

## قرض

### قرض ربوی

#### س ۱۹۶۲

##### اشاره

- آیا دریافت وام ربوی در حال ضرورت جایز است یا خیر؟

##### ج

- ضرورتهای متعارفی که مردم آن را ضرورت حساب می‌کنند مجوز گرفتن وام ربوی نیست. بلی اگر بحد الجاء و اضطراری برسد که ارتکاب حرام جایز می‌شود بمقدار دفع اضطرار جایز است. و اللّه العالم

#### س ۱۹۶۳

##### اشاره

- اگر شخصی مبلغی بعنوان قرض از فردی گرفته باشد و طرفین قرار گذاشته باشند که شخص مقروض هر ماه مبلغی به عنوان بهره پول (مثل بانکهای فعلی) پرداخت نماید و پس از گذشت ماهها و تمدید آن مبلغ بهره پول همانطور مستمر و معمول بوده است. بفرمائید:

۱- اکنون که مبلغ بهره از کلّ قرض اولیّه بیشتر شده است آیا بدهکار می‌تواند این معامله را فسخ نماید و بهره‌ها را از قرض اولیّه کم کند؟

۲- اگر بدهکار متوجه ربوی بودن این معامله گردید با آن که در قرارداد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۶

ملتزم شده است که مبلغ را پرداخت نماید، آیا ملزم به رعایت این قرارداد و پرداخت آن می‌باشد یا خیر؟

۳- حکم این گونه قراردادها چیست؟

### ج

– بطور کلّی در صورتی که قرض دهنده مبلغی معادل یا بیشتر از اصل قرض به عنوان ربا از قرض گیرنده دریافت کرده باشد ذمّه قرض گیرنده از بدهی به قرض دهنده به تهاتر بری شده و مقرض حق مطالبه از مقترض را ندارد. و اللَّه العالم.

### س ۱۹۶۴

### اشاره

– الف: یک نفر میگوید مقداری پارچه پنبه نقد خریداری نموده ام و حالا شما پول پارچه را نقد بدهید و من چک آن را مدت یک ماه از قرار هر یک کیلو پارچه پنبه ۴۵ تومان برای مدت آن نفع میدهم آیا معامله صحیح است- و اگر معامله صحیح نیست می‌تواند ۴۵ تومان منافع را بذل کند؟
ب: این جانب معامله را فسخ نموده و چهار قطعه چک را تحویل دادم بعد بدون هیچ گونه شرط و قرار دادی تاریخ چک‌ها را تغییر داده و مبلغ پولی روی چک گذاشته به این جانب داده است آیا این صحیح است یا خیر؟

### ج

– الف: عمل مذکور در سؤال قرض و اقتراض ربوی است و حرام است ولی اگر قرض گیرنده بدون شرط و قرار داد قبلی مبلغی به قرض دهنده هبه نماید اشکال ندارد. و اللَّه العالم
ج- ب: در صورت عدم قرارداد سود، اگر مدیون به رضا و رغبت خود علاوه بر طلب چیزی به طلبکار بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است و ثواب نیز دارد. و اللَّه العالم

### س ۱۹۶۵

### اشاره

– شخصی ۵۵ سال پیش از شخص دیگری به عنوان قرض الحسنه ۲۰۰ تومان اسکناس معادل ۲۰۰۰ ریال قرض گرفته تاکنون موفق نشده که قرض را ادا کند راجع به این مسأله تکلیف این شخص چیست؟ دستور بفرمایید که آیا همان وجه دریافت شده را باید داد یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال شخص قرض گیرنده که تاکنون بدهی را نپرداخته همان مبلغ دویست تومان را بدهکار است ولی اگر قرض دهنده

مطالبه می کرده و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۷

قرض گیرنـده بـا قـدرت بر اداء مسامحه می کرده بایـد ضـرر قرض دهنـده را از این جهت جبران نمایـد و احتیاط این است که با هم مصالحه و تراضی نمایند. و اللّه العالم

### س ۱۹۶۶

### اشاره

- بعضـی‌ها می گوینـد ربا گرفتن یا دادن به بانک اشـکالی ندارد چون خطاب تأکلوا الربا خطاب به اشـخاص است و بانک شـخص نمی‌باشد. آیا این حرف نزد حضرتعالی صحیح است یا نه؟

### ج

- ربا دادن و گرفتن نسـبت به اشخاص و یا بانک حرام است و تفاوتی در این جهت بین شخص و عنوان نیست چون از ادلّه استظهار میشود که نفس ربا حرام است.

### س ۱۹۶۷

### اشاره

- اگر بپـذیریم پول هماننـد سـایر منـابع اقتصاد مشـمول کمیابی است و بنا به این کمیابی دارای قیمت به نام نرخ بهره بوده آیا با این تفسیر می‌توان نرخ بهره را بعنوان غیر ربا تلقی کرد؟

### ج

- تفسیر مذکور مقتضی ربا نبودن بهره پول در قرض نیست.

### س ۱۹۶۸

### اشاره

- آیا انسان اگر پول داشته باشد و مثلًا به یک طلافروش بدهد و ماهی سه هزار تومان پول بگیرد اشکال دارد؟

**ج**

– اگر قرض داده و ماهی مبلغی بعنوان سود بگیرد ربا و حرام است.

**س ۱۹۶۹**

**اشاره**

– عده‌ای دارای صندوق تعاونی محلی می‌باشند و از این صندوق وامی می‌گیرند در ازای آن وام در هنگام پرداخت، مبالغی را بیش از وام گرفته شده (که مبلغ اضافه آن از پیش تعیین شده) می‌پردازد آیا این پرداخت اضافی حکم ربا را دارد و یا خیر؟

**ج**

– اگر وام مشروط به پرداخت اضافه باشد ربا و حرام است.

**س ۱۹۷۰**

**اشاره**

– از طرف دانشگاه هر ترم پولی به عنوان کمک هزینه تحصیلی به ما داده می‌شود پس از پایان درس و اشتغال به کار آن پول را با ده درصد اضافه از ما پس می‌گیرند و نمی‌دانیم تحت چه شرایطی ده در صد اضافه گرفته می‌شود. آیا
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۸
گرفتن این کمک هزینه اشکال داد یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال که بعنوان کمک هزینه داده می‌شود و بعد هم پس می‌گیرند قرض است و زیاده گرفتن ربا و حرام است بلی اگر شما پول را که می‌گیرید مبنی بر دادن ده درصد اضافه نگیرید و ملتزم به آن نباشید و در این معنی قصد جدّی داشته باشید و بدانید که در این صورت هم متصدیان امر راضی بتصرف شما در آن پول هستند گرفتن پول برای شما اشکال ندارد هر چند زیاده را از شما جبراً بگیرند. و اللّه العالم.

**س ۱۹۷۱**

**اشاره**

- چنانچه برای زراعت و یا غیر آن پولی به اسم مساعـده از کسـی بگیرد و قرار داد کند که محصول کار را نزد پول دهنده برده و به او بفروشد و حق العمل فروش بردارد چه صورت دارد؟

**ج**

- ربا و حرام است.

**س ۱۹۷۲**

**اشاره**

- شخصـی که وضع مالی‌اش خوب نبوده پولی از کسی قرض گرفته و صاحب پول از قرض‌گیرنده مبلغی به عنوان نزول گرفته است تکلیف قرض‌گیرنده چیست؟

**ج**

- قرض‌گیرنده میتواند آنچه را بعنوان نزول به قرض دهنده داده است از او مطالبه کند و میتواند هم به او ببخشد.

**س ۱۹۷۳**

**اشاره**

- زید نیاز به پول دارد و عمر بادام دارد زید بادام از عمر کیلویی ۴۶۰ تومان می‌خرد تا پول را پس از ۳ ماه به عمر بدهد و در همان مجلس عمر بادام را از زید کیلویی ۴۳۰ تومان می‌خرد و پول را به زید می‌دهد، حکم این مسأله چیست؟

**ج**

- اگر معامله اوّل مشروط به معامله دوّم باشد صحیح نیست. واله العالم

**س ۱۹۷۴**

**اشاره**

- شخصـی مبلغ پولی را به صورت نزول به کسـی می‌دهـد که مثلًا در هر مـاهی در مقابل صـد هزار تومان سه یا پنـج هزار تومان به

عنوان سود به صاحب پول پرداخت کند و پس از پایان مدت تعیین شده اصل تمام پول را به صاحب پول

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۹

برگرداند. آیا چنین معامله شرعیّت دارد؟ در صورت بطلان معامله مبلغ پولی را که به عنوان سود (نزول) به صاحب پول پرداخت شده است می‌تواند برگرداند و یا از اصل پول حساب کند؟

ج

- پول دادن و سود گرفتن به نحو مذکور در سؤال ربا و حرام است و اگر کسی به این نحو به کسی پول قرض داد و سود گرفت، شخص قرض‌گیرنده می‌تواند آنچه را به عنوان سود داده برگرداند و یا از اصل بدهی کسر نماید. واله العالم

## فرار از ربا

### س ۱۹۷۵

اشاره

- اگر کسی برای فرار از ربا مقداری از خانه زید را می‌خرد و به او اجاره می‌دهد تا مدت معینی و این مقدار پول را در قبال اجاره از او می‌گیرد و بعد از فرارسیدن مدت دوباره پولش را می‌گیرد آیا این صحیح است یا نه؟

ج

- اگر خانه را با قصد جدی بفروشد و در ضمن شرط کند که تا مدت معینی اختیار فسخ معامله را داشته باشد و در همان مدت تعیین شده معامله را فسخ کند و خانه خود را پس بگیرد صحیح است ولی اگر آن مدت بگذرد و معامله را فسخ نکند دیگر حقی به خانه ندارد و اجاره دادن آن خانه از طرف خریدار به فروشنده اشکال ندارد. و اللّٰه العالم

### س ۱۹۷۶

اشاره

- صندوقی دارای ۲۰ عضو، که ماهانه مبلغی را به عنوان پس‌انداز در اختیار مسئول آن میگذارند و طبق نوبت به همه اعضاء آن بدون هیچ شرطی وام قرض الحسنه داده میشود، گاهی یکی از اعضاء یا غیر اعضاء معامله‌ای میکند مثلًا خانه یا زمین یا دستگاه یا مغازه و غیره میخرد و صندوق با دادن مبلغی آن جنس را با آن شخص شریک میشود و در همین مجلس آن جنس را به او و گرانتر و به صورت اقساط میفروشد آیا این معامله جائز است یا نه؟ و اگر جائز نیست برای تصحیح معامله چه راه حل پیشنهاد میفرمائید؟

**ج**

– در مورد سؤال، اگر صندوق یک پنجم جنس را از فروشنده میخرد و به آن
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۰
شخص به قیمت گرانتر می‌فروشد اشکال ندارد.

**س ۱۹۷۷**

**اشاره**

– شخصـی که میخواهـد وام در مـدت معینی بگیرد آیا میتوانـد مبلغی به وام‌دهنـده صـلح کند و در ضـمن آن مصالحه وام مزبور را شرط کند مثلًا بگوید پنجاه هزار تومان بتو صلح میکنم بشرط آنکه دویست هزار تومان ده ماه بمن قرض بدهی و او هم این صلح را قبول کند؟

**ج**

– اشکال ندارد.

### تصرف در مالی که از راه رباخواری به دست آمده

**س ۱۹۷۸**

**اشاره**

– اگر کسی به عنوان نزول خوار در جامعه باشد و مسئولین و مردم نیز از این امر آگاه باشند و بعد آن فرد فوت کند آیا از نظر شرع لازم است بر وارثین او که مال مردم را برگردانند به صاحبان اصلیش یا خیر؟

**ج**

– اگر شرعاً ثابت شود که متوفی ربا گرفته و معلوم باشد که از این بابت چه مقدار مدیون است باید به صاحبان آنها برگردانده شود ولی اگر احتمال داده شود که متوفّی آنچه اضافه می‌گرفته به صورتهای شـرعی دریافت می‌کرده بر ورثه او که باین احتمال اطمینان به اشتغال ذمّه او ندارند چیزی نیست و اگر کسی ادعائی بر متوفی دارد باید با مراجعه نزد حاکم شرعی ثابت نماید.

**س ۱۹۷۹**

**اشاره**

– آیا ربا خوار اموالی را که از طریق ربا بدست آورده باید به صاحبانش برگرداند؟

**ج**

– بلی باید به صاحبانش برگرداند.

**س ۱۹۸۰**

**اشاره**

– با اشخاصی زندگی می‌کنیم که احتمالًا بعضی از غذاهائی که به خانه می‌آورند مخلوط به مال ربوی است تکلیف چیست؟

**ج**

– در فرض سؤال، تا یقین نداشته باشید عین آنچه را که به خانه شما می‌آورند از مال حرام است برای شما اشکالی ندارد و مجرد اینکه اموال او مخلوط بحرام است موجب عدم جواز تصرّفات شما نمیشود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۱

**س ۱۹۸۱**

**اشاره**

– معامله با کسانی که سالهای قبل ربا می‌خوردند چه صورتی دارد.

**ج**

– در فرض سؤال، چنانچه پولی که بشما می‌دهد یقین نداشته باشید که آن پول حرام است اشکال ندارد.

**ربا بین پدر و فرزند**

**س ۱۹۸۲**

**اشاره**

– آیا دختر می‌تواند از پدر ربا دریافت نماید ضمناً اگر دختر دارای شوهر باشد تکلیف چیست؟

**ج**

– ربا گرفتن دختر از پدر و بالعکس اشکال ندارد، و تفاوتی ندارد که دختر شوهر داشته باشد یا نداشته باشد. و اللَّه العالم.

**س ۱۹۸۳**

**اشاره**

– آیا بین مادر و فرزند، و زن و شوهر ربا جایز است یا نه؟

**ج**

– ربا گرفتن پدر و فرزند و زن و شوهر از یکدیگر اشکال ندارد ولی ربا گرفتن مادر و فرزند از یکدیگر جائز نیست. و اللَّه العالم

**کارمزد**

**س ۱۹۸۴**

**اشاره**

– بعضـی از صـندوقهای قرض‌الحسنه هنگام پرداخت وام به وام‌گیرنده، از یک تا پنج درصد مبلغ وام را به عنوان کارمزد و هزینه از وام کسـر می‌کننـد و بقیه را به وام‌گیرنـده می‌دهنـد به گونه‌ای که اگر وام‌گیرنـده این عمل را نپـذیرد وام تعطیل می‌گردد و آیا این عمل صورت شرعی دارد؟ آیا شرط در قرض اشکال دارد یا نه؟

**ج**

– در فرض سؤال اگر وجهی را که صـندوق قرض می‌دهد ملک صـندوق یا مشترک بین صـندوق و اشـخاص باشد شرط مذکور به نفع صندوق و در حکم زیاده و ربا و حرام است. ولی اگر وجوهی که قرض داده می‌شود ملک اشخاص باشد و صندوق فقط وکیل صاحبـان وجوه و واسـطه‌گی بین طرفین را در وقوع معامله عهـده‌دار باشـد می‌توانـد آنچه را برای انجام معامله هزینه می‌نمایـد و هم چنین حق‌العمل واسـطه‌گی خود را برای اداره امور صـندوق و اسـتمرار عمل آن از قرض‌گیرنـده دریافت نمایـد و بـدون قبول آن از طرف قرض‌گیرنده معامله را انجام ندهد. و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۲

اگر وجوهی که به قرض داده می‌شود ملک صندوق باشد و قرض و استقراض متوقف بر عملی باشد که عرفاً مالیّت داشته باشد مثل نوشتن سند و نگاه‌داری حساب و صندوق به درخواست قرض‌گیرنده نه شرط و الزام بر او آن عمل را انجام دهد یا اوراقی را مصرف نماید قرض‌گیرنده باید اجرهٔ المسمی یا اجرهٔ المثل عمل صندوق و بهای اوراق را بپردازد مع ذلک گرچه با هر یک از این دو راه و راههای دیگر از جمله فروش دفترچه حساب به متقاضی وام می‌توان بطور مشروع مخارج صندوق قرض الحسنه را تأمین نمود، سزاوار است برای اینکه این اقدام خیر کامل و موجب اجر و ثواب بیشتر و اعانت زیادتر به ضعفا گردد مخارج صندوق را مؤمنین از تبرعات و هدایا به صندوق یا معاملات مشروع دیگر تأمین نمایند و از قرض‌گیرنده بطور مشروع هم وجهی بیش از اصل قرض نگیرند.

### س ۱۹۸۵

#### اشاره

– آیا صندوقهای قرض الحسنه می‌توانند مخارج و هزینه‌های پرداخت و دریافت وام را از گیرنده آن طلب کنند؟

#### ج

– اگر صندوق قرض الحسنه و مسئولان آن بعنوان واسطه بین صاحبان وجوه عمل می‌کنند که بوکالت از آنها پول آنها را به وام‌گیرنده قرض می‌دهند، که وام‌دهنده، صندوق یا مسئول صندوق نباشد، و خود صاحب پول باشد در این صورت صندوق و مسئول آن می‌تواند مبلغ معینی را بعنوان حق العمل و مخارج کاغذ و غیره از گیرنده وام بگیرد ولی اگر وجوهی که گرفته می‌شود جزء موجودی صندوق و ضمیمه وجوه بودجه و اعتبار وامی صندوق می‌شود که طبعاً صندوق هم وام‌دهنده می‌شود وام دادن بشرط اینکه وام‌گیرنده پول و بهای این هزینه‌ها را بصندوق بدهد اشکال دارد و حکم ربا را دارد، راه دیگر علاوه بر صورت اولی که صندوق بوکالت عمل کند این است که وام‌گیرنده قبل از گرفتن وام مبلغ معینی به بانک بشرط اینکه بانک مبلغ معینی را به او وام بدهد هبه کند مثلًا یک هزار تومان نقد به صندوق به این شرط که یکصد هزار تومان به او قرض الحسنه بدهد هبه کند و یک هزار تومان را به صندوق بدهد و بعد صندوق یکصد هزار تومان به او قرض بدهد، ولی بهتر از همه که ثواب آن بیشتر و با نیت خیرخواهانه مؤسسین موافقتر است و خلوص نیت وام‌دهندگان را بیشتر جلوه می‌دهد و اعانت به ضعفاء و برادران و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۳

خواهران ایمانی نیازمند است این است که این افراد موفقی که صندوق تشکیل می‌دهند هزینه‌ها و مخارج را نیز از کیسه احسان خود یا کمک محسنین و نیکوکاران دیگر بدهند و از وام‌گیرنده چیزی بنام هزینه و غیره دریافت ننمایند، هم اکنون بعضی صندوقها به این صورت عمل می‌نمایند.

## عملیات بانکی (جوائز حساب قرض الحسنه و سود سپرده بانکی)

### س ۱۹۸۶

### اشاره

- شخصی فقط بخاطر اعتماد و حفاظت پولش را در حساب قرض‌الحسنه بانک می‌گذارند و بانک به طریق قرعه جوایزی به صاحبان حساب می‌دهد این جایزه حلال است یا حرام (خصوصاً اگر نظر ضمنی هم بجایزه داشته باشد و در صورت حلّیت در مازاد مؤونه خمس به آن جایزه میرسد).

### ج

- ظاهراً در صورتی که دادوستد مبنی بر شرکت دادن او در قرعه‌کشی برای جایز نباشد جایزه حلال است و در مازاد بر مصرف در مؤونه خمس به آن تعلّق می‌گیرد.

### س ۱۹۸۷

### اشاره

- اگر کسی با قصد دریافت سود پولی در حساب خود در بانک بگذارد گرفتن اضافی جایز است یا خیر؟

### ج

- اگر با قرار دریافت سود باشد اگر چه به زبان هم نیاورند جایز نیست.

### س ۱۹۸۸

### اشاره

- سپردن پول در بانکهای جمهوری اسلامی بقصد اخذ بهره معین چه حکمی دارد؟

### ج

- قرض بشرط سود مطلقا حرام است بنابراین اگر سپردن پول و دادوستد آن بر مبنا و شرط پرداخت بهره باشد ربا و حرام است.

### س ۱۹۸۹

### اشاره

- سپردن پول در صندوقهای قرض الحسنه به قصد دریافت جوایز غیر معین چه حکمی دارد؟

**ج**

- اگر سپردن پول به بانک قرض الحسنه به شرط شرکت دادن قرض دهنده در قرعه‌کشی جوائز نباشد و خود بانک برای تشویق قرض‌دهندگان جوائزی معین کند و قرض دهنده پول را به قصد قرض الحسنه بلا شرط بدهد اشکال ندارد هر چند قرض دهنده از برنامه جوائز بانک مطلع باشد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۴

**س ۱۹۹۰**

**اشاره**

- پولی که در بانک به رسم کوتاه مدّت بدون قید یا شرطی گذاشته می‌شود بعد از مدتی مبلغی بصاحب پول می‌دهند به رسم علی الحساب آیا جائز است یا خیر بیان فرمائید؟

**ج**

- اگر بطریق مضاربه شرعیه پول را به بانک بدهد و یا وکالت بدهد که بانک از طرف او معاملات شرعیّه انجام دهد اشکال ندارد ولی وام به شرط سود ربا و حرام است.

**س ۱۹۹۱**

**اشاره**

- در جمهوری اسلامی ایران که وضع بانکها تغییر کرده گذاشتن سپرده و گرفتن ماهیانه مبلغی چه صورت دارد و نیز گرفتن وام از بانک و دادن مبلغ بعنوان کار مزد یا چیزی دیگر چه صورت دارد؟

**ج**

- اگر بانک با آن پول معاملات شرعی انجام دهد و شرائط آن معاملات را هم رعایت کند و مراجعه‌کننده هم بانک را وکیل در انجام آن معاملات کند اشکال ندارد و اگر قرض بشرط سود بدهد ربا و حرام است. و اللّٰه العالم.

### س ۱۹۹۲

#### اشاره

- قسمتی از مقرّرات مادّه واحده بانک ملّی ایران ذیلًا درج میگردد خواهشمند است ملاحظه فرمائید با توجه به مقرّرات جاری بانک سپرده‌ها به نظر جنابعالی صحیح است یا خیر صراحتاً اعلام نظر فرمائید متشکرم.
(مادّه واحده بانک ملّی ایران به وکالت از طرف سپرده‌گذار با داشتن حق توکیل وجه سپرده را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا بطور مشاع بکار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله طبق آئین‌نامه و مقرّرات مربوط یا داشتن حق مصالحه منافع بین بانک و سپرده‌گذاران به تناسب مبلغ و مدّت بکار گرفته شده تأدیه خواهد نمود).

#### ج

- اگر سپرده‌گذار با توجه بمفاد ماده واحده مسئولین بانک را وکیل کند اشکال ندارد. و اللَّه العالم.

### س ۱۹۹۳

#### اشاره

- بانکها در جمهوری اسلامی تحت عناوین شرعیّه «مضاربه- مساقات- مزارعه- شرکت- جعاله و ...» با مشتریان و بالعکس قرارداد منعقد میکند و هر ماه علی الحساب ۱۴٪ یا کمتر و بیشتر در اختیار مشتریان قرار داده و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۵
در پایان مدت تصفیه حساب میکند نظر باینکه مردم عادی و مشتریان عموماً شرایط و قیود مندرج در برگه قرارداد را مطالعه نمی‌کنند و نوعاً به امضاء کردن اکتفاء می‌کنند و بدین وسیله رضایت خودرا در پذیرش کلیّه شرایط و قیود اعلام میدارند آیا صرف امضاء کردن یا قبول کلیّه شرایط بطور شفاهی با آنکه از خصوصیات و عناوین شرعیّه آگاهی ندارند سبب تحقق عقود مذکور و مشروعیّت آنها می‌شود یا لازم به تفهیم و تفهّم از طرف بانکها یا متعاقدین می‌باشد.

#### ج

- صحت در کلیه عضو المعاملات توجه طرفین و تعیین نوع معامله در رعایت شرایطی که در صحت آن معتبر است لازم است و بامضاء ناآگاهانه و خالی از قصد نوع و شرایط معامله اکتفا جایز نیست. و اللَّه العالم.

### س ۱۹۹۴

#### اشاره

- پول را جهت حفظ و نگهـداری در بانک به حساب می گذاریم پس از مدتی بانک مقداری سود به صاحب حساب می‌پردازد آیا اشکالی دارد و در صورت اشکال اگر چنین پولی را دریافت نموده‌ایم باید چه کرد؟

ج

- چنانچه پول را فقط جهت نگهداری در بانک بگذارید و منظور شـما گرفتن سود نباشد بطوری که اگر بانک سود را ندهد مطالبه نمی کنید اشکال ندارد.

### س ۱۹۹۵

#### اشاره

- پرداخت سود بانکها با تضمین سود و فروش اوراق با سود تضمینی چه حکمی دارند؟ و جرائم دیر کرد اقساط وام بانکی چطور؟

ج

- اگر پرداخت سود تحت عنوان یکی از معاملات شـرعی با مراعات شـرائط شـرعی آن باشـد مانعی ندارد و الّا جائز نیست و گرفتن جرائم دیرکرد اقساط جائز نیست مگر اینکه در ضمن عقد شرط شده باشد و برای مهلت و تأخیر در مطالبه نباشد.

### س ۱۹۹۶

#### اشاره

- بانکها وامهایی به عنوان مضاربه و شـرکت و امثال ذلک در اختیار افراد قرار می‌دهنـد و مقداری سود دریافت میدارند و در مقابل تأخیر در پرداخت اقساط، دیرکرد می گیرند بفرمائید اینگونه وامها شرعاً چه صورتی دارد؟

ج

- در مضاربه شرط دریافت سود سهم صاحب سرمایه از عامل به اقساط اگر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۶

چه سود حاصل نشـده باشـد صـحیح نیست بلی نسبت به پرداخت سود حاصل شـده شـرط اقساط جایز است لکن گرفتن دیرکرد به صورت مرسوم فعلی جایز نیست و در این صورت اگر در ضمن عقد شرط کنند که اگر در پرداخت قسط تأخیر کند فلان مبلغ معین را بدهد جائز است بشرط این که به اذن در تأخیر و تأجیل معجّل در مقابل پرداخت زیاده برگشت نکند.

### س ۱۹۹۷

### اشاره

- آیا مادر می‌تواند در ضمن قراردادی که با بانک منعقد می کند بگوید:
من این مبلغ پول را به صورت امانت در اختیار بانک می گذارم و بانک متعهد است در صورتی که فرزندم به سن رشد رسید، آن را تحت اختیار او قرار دهد و تا زمانی که او به سن قانونی نرسیده، این امانت در تصرف بانک می‌باشد و حق دخل و تصرف با خودم (مادر) است؟

### ج

- واگذاشتن پول به عنوان امانت صحیح نیست چون بانک آن را نگه نمی‌دارد و در آن تصرف می کند و بر مالی که در گردش و تصرف است امانت صدق نمی کند و اگر مال به عنوان هبه به فرزند صغیر تملیک شود حصول ملکیت برای صغیر متوقف بر قبض ولیّ شرعی (پدر و جدّ پدری و با فوت آنها مجتهد جامع الشرائط) است بنابراین اگر مادر در حالی می‌خواهد پول در بانک برای فرزند صغیر بگذارد که با شوهر خود زندگی می کند می‌تواند با گفتگوی قبلی مال را به عنوان هبه به فرزند، به پدر او که ولی شرعی است بدهد و او ولایةً قبض نماید و در این خصوص نوشته‌ای تنظیم نمایند با گواهی محضر رسمی و قانونی و بعد پول را به نام فرزند در بانک بگذارد چون قبض ولی شرعی محقق نشده به ملکیت مادر باقی است و نتیجه‌ای برای فرزند ندارد و در این مورد بهتر این است که پول را به نام خود در بانک بگذارد و وصیتنامه رسمی تنظیم نماید و در آن وصیت کند که بانک آن را به فرزندش بدهند در این صورت اگر مبلغ مذکور زاید بر ثلث کل ترکه نباشد تمام آن و الّا با عدم امضاء سایر ورثه مبلغی از آن که معادل با ثلث باشد به فرزند او داده می‌شود. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۷

### س ۱۹۹۸

### اشاره

- این جانب مقداری زمین در شهرستان داشتم که بعد از اعلام دولت مبنی بر دادن وام مخصوص به کارمندان آن را فروختم و در بانک مسکن گذاشتم تا وام مسکن بگیرم، حالا که نوبت وام رسیده می گویند حرام است یا اشکال دارد و از طرفی من در برخی مسائل از امام خمینی (ره) عدول کرده‌ام و در بعضی مسائل مقلد ایشان مانده‌ام والان مقلد شما هستم. حالا نمی‌دانم وام بنده چه حکمی دارد از طرفی چون در فروش زمین ضرر کرده‌ام و اکنون نیز مشکل مسکن دارم و به دشواری افتاده‌ام راه چاره چیست؟ لطفاً راهنمایی کنید ضمناً در استخاره خرید خانه بد و برای وام و ساختن خانه خوب آمده است، لطفاً مرا راهنمایی فرمائید تا مشکل مسکن من حل شده و به حرام نیز نیافتم.

**ج**

– وام با سود ربا و حرام است و استخاره برای انجام عمل حرام معنی ندارد. اشکال این عمل از دو جهت است اول گذاردن پول در بانک مسکن و بعبارت دیگر قرض دادن آن به بانک به شرط اینکه بانک وام مسکن به او بدهد این معامله ربوی حرام است ولی حال که انجام شده وام‌دهنده میتواند به بانک اعلام کند که از حق عرفی الزامی که بر بانک دارد صرف نظر کرده است و بانک خود مختار است در این صورت اگر بانک خودش وام مسکن را به او بدهد ظاهراً اشکال ندارد، و دوم از جهت اینکه بانک مسکن بخواهد چیزی زیادتر از اصل وام از وام‌گیرنده دریافت کند در این صورت این مسائله هم اگر بصورت وام به شرط سود باشد ربا و حرام است و اگر بعنوانی از عناوین شرعیه مثل مشارکت و حتی فروش اسکناس به مبلغی بیشتر انجام شود ظاهراً رفع اشکال می‌شود.

**س ۱۹۹۹**

**اشاره**

– من جانباز جنگ تحمیلی هستم و برای ساختن منزل مسکونی بانک مبلغی وام پرداخت می‌کند ولی چند در صد بهره می‌گیرد آیا جایز است (لازم به ذکر است که من نمی‌دانم بنابر چه ضوابطی آن بهره را می‌گیرند).

**ج**

– قرض به شرط سود ربا حرام است بلی چنانچه پول را قرض ندهد بلکه به عنوان یکی از معاملات شرعی با مراعات شرائط شرعی آن معامله باشد اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۸

**س ۲۰۰۰**

**اشاره**

– در عملیات بانکی بدون ربا در سیستم بانکی جمهوری اسلامی ایران اساس کار بر معاملات مجاز و مشروع استوار است. چنانچه شخصی از بانکی تحت عنوان یکی از عقود مشارکت– مضاربه– جعاله– فروش اقساطی و غیرهم وجهی در قبال تضمین معتبر یا ترهین ملک و امثال آن بنام تسهیلات بانکی دریافت کند و آن وجه را در راه غیر از آنچه با بانک قرار داد داشته مصرف کند آیا مرتکب فعل حرام شده یا آن عمل حلال است؟ به عنوان نمونه فردی برای تعمیرات مسکن خود عقد جعاله منعقد کند و وجه اعطائی را صرف خرید سهام شرکتها یا سرمایه‌گذاری در جای دیگر یا خرید اتومبیل یا تأمین جهیزیه عروسی فرزند خود نماید. اگر منفعتی از این راه بدست آورد مشروع است یا خیر؟ اگر منفعت بدست آمده را روی اصل وجه بگذارد سپس به صورتی تمام یا قسمتی از آن را مطابق قرار داد اولیه با بانک مصرف کند چه حکمی دارد؟ اکنون اگر بانک از مصرف وجه اعطائی در راه غیر قرار

داد مطلع شود شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

**ج**

- اگر گرفتن وجه از بانک مشروط به استفاده در مورد خاص باشد و مشتری آن را در مورد دیگری مصرف نماید بانک پس از اطلاع می‌تواند قرار داد را فسخ و وجه خود را مطالبه کند ولی معاملاتی که مشتری بذمّه انجام داده باطل نیست.

**س ۲۰۰۱**

**اشاره**

- سودی که از بانکها هر ماه به صاحب پول می‌پردازند می‌شود با مالیات و عوارض دیگر مصالحه نمود یا نه؟

**ج**

- مورد اشکال است.

**س ۲۰۰۲**

**اشاره**

- چرا بانکها معمولًا یک نرخ مشارکت را برای کلیّه عقود در نظر می‌گیرند آیا با وجود تفاوت عقود مختلف در بازدهی و ریسک آن که طبیعتاً درجات یا نرخهای مشارکت متفاوتی را می‌طلبد با نفس بانکداری اسلامی مطابقت دارد یا خیر؟

**ج**

- در عقود مشروعه نحوه معامله در حدود مشروع بستگی به تراضی متعاملین دارد، و متعاملین ملزم به اینکه مقدار بازدهی را در نظر بگیرند نمی‌باشند.

**س ۲۰۰۳**

**اشاره**

- این جانب برای بازسازی و نوسازی منزل پدری از بانک مسکن و در سال ۶۸ وام گرفته‌ام آیا مشارکت بانک با این جانب و

خرید اقساطی این جانب

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۹

از بانک اشکال دارد یا خیر و به طور کلّی وامی که برای تعمیرات و یا بنای جدید از بانک می‌گیریم در مدت ۱۵ سال به صورت اقساط اشکال دارد یا خیر؟

**ج**

– از جمله طرق شرعیه تخلّص از ربا این است که بانک خانه شما را یا قسمتی از آن را نقداً از شما واقعاً بخرد و سپس آن را اقساطی به شما بفروشد ولی اگر معامله صوری باشد و در واقع وام به شرط سود باشد ربا و حرام است.

**س ۲۰۰۴**

**اشاره**

– افرادی هستند که در بانک مسکن پول پس‌انداز می‌کنند تا از طریق قرعه‌کشی صاحب خانه شوند. این روش خانه دار شدن برای افرادی که پول زیادی ندارند تا یکجا خانه بخرند و از این طریق عمل می‌کنند چه حکمی از نظر شرع مقدس اسلام دارد؟

**ج**

– در فرض سؤال، چنانچه پول را به داعی اینکه او را در قرعه‌کشی شرکت دهند و احتمالًا صاحب خانه شود در بانک بگذارد مانع ندارد ولی اگر به شرط شرکت دادن در قرعه‌کشی باشد در حکم ربا است و جائز نیست.

**س ۲۰۰۵**

**اشاره**

– آیا بانکها شرعاً می‌توانند پولی را که در بانک به امانت گذارده شده با دستور دادگستری و یا اداره تأمین اجتماعی خودشان بدون اجازه صاحب حساب برداشت نمایند؟

**ج**

– پولهایی که در بانک گذارده میشود حکم امانت ندارد چون به حال خود باقی نمی‌ماند و در تغییر و تبدیل و مورد استفاده اشخاص است بلکه قرض دادن به بانک است و به هرحال برداشت پول بدون اجازه صاحب خود حساب جائز نیست و در واقع برداشت نمی‌شود و بانک ضامن پرداخت آن به صاحب وجه است بلی در بعض موارد مثل اینکه مجتهد جامع الشرائط حکم به

افلاس شخصی بکند و از تصرف در این گونه اموالش ممنوع شود پرداخت آن به صاحب حساب جائز نیست و باید طبق دستور مجتهد جامع الشرائط عمل شود. و اللَّه العالم.

### س ۲۰۰۶

#### اشاره

- بانک میگوید مثلا بیست هزار (۲۰۰۰۰) تومان برای گرفتن سکه نام‌نویسی کنید، پس از مدت دو ماه که برای گرفتن سکه میرود، میگوید مثلا دو هزار تومان دیگر بدهید، آیا گرفتن سکه اشکال دارد، (یا اینکه در بازار قیمت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۰
آن بیشتر است) همچنین اسم نوشتن برای ماشین که بعد از مدت دو سال تحویل می‌دهد و بخاطر پولی که قبلا گرفته بوده، قیمت را کمتر از قیمت روز حساب می کند؟

#### ج

جامع الاحکام ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۱۰
اگر از اوّل قیمت سکه را تعیین نکنند چون معامله واقع نمیشود بانک میتواند در موقع تحویل، قیمت را تعیین و بر مبنای آن ثمن را تعیین کند و برای کسی که قبلا پول بحساب ریخته اشکال ندارد بلی اگر این مبلغ را ببانک بدهد بشرط اینکه در موقع معین سکه به او بفروشد اشکال ربا دارد و همچنین پول برای ماشین دادن بشرط اینکه در موقع ماشین به او بفروشند اشکال دارد. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۱
احکام خوراکیها
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۳

## احکام خوراکیها

### وسیله ذبح

### س ۲۰۰۷

#### اشاره

- ذبح حیوان با کارد استیل چه حکمی دارد؟

#### ج

- اگر استیل آهن باشد اشکال ندارد. و اللّه العالم

### س ۲۰۰۸

### اشاره

- حضرت عالی فرموده‌اید که در ذبح یکی از شرایطش آهن است و اگر روکش آن آهن باشد و یا مخلوط و از نقره و مس و دیگر فلزات باشد، صحیح است یا نه؟

### ج

- باید فقط آهن باشد بلی اگر مخلوط آن که غیر آهن است بقدری کم باشد که چیزی بحساب نیاید و عرفا آهن محسوب شود اشکال ندارد. و اللّه العالم

## گفتن بسم اللّه وقت ذبح

### س ۲۰۰۹

### اشاره

- در مورد اینکه در کشتارگاههای مرغ که مرغها را به دستگاهی می‌بندند و سر آنها را می‌برد می‌خواستم بدانم که آیا این‌طور سر بریدن اشکالی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۴
ندارد و این مرغها را که ما می‌خوریم حلال است یا خیر؟

### ج

- در فرض سؤال چنانچه آنچه را در ذبح معتبر است مانند بسم اللّه گفتن و رو بقبله بودن رعایت نمایند بعید نیست ذبیحه حلال شود بشرط اینکه اگر ذبح بطور تدریجی انجام می‌گیرد برای هر مرغی بسم اللّه گفته شود و اگر دفعتا چند مرغ با هم ذبح می‌شود برای هر دفعه بسم اللّه بگوید.

### س ۲۰۱۰

### اشاره

- آیا نوشتن «بسم اللّه» بر دیوار کشتارگاه، در ذبح کفایت می‌کند؟

**ج**

- کفایت نمی‌کند.

**س ۲۰۱۱**

**اشاره**

- آیا گفتن یک بسم اللّه در صبح هنگام شروع کار دستگاه تا هنگام غروب کفایت می‌کند؟

**ج**

- کفایت نمی‌کند.

**س ۲۰۱۲**

**اشاره**

- در صورتی که جواب دو سؤال قبل منفی است تکلیف ما، با توجه به اینکه نمی‌دانیم مرغ‌های موجود در سطح شهر از کدام کشتارگاه آمده و هنگام ذبح بسم اللّه گفته شده است یا نه چیست؟

**ج**

- اگر از دست مسلمان میخرید و احتمال میدهید که ذبح شرعی شده باشد اشکال ندارد و پاک و حلال است.

**س ۲۰۱۳**

**اشاره**

- آیا گفتن یک مرتبه بسم اللّه هنگام روشن کردن دستگاه در کشتار مرغ کافی است؟

ج

- ظاهرا برای هر مرتبه روشن کردن دستگاه کافی است بشرط اینکه همه مرغها دفعهٔ با هم ذبح شوند ولی اگر پی‌درپی ذبح شوند اگر چه سریعا انجام شود کفایت یک مرتبه بسم اللّه برای حلیت مرغهائی که بعد از مرغ اوّل ذبح میشود محل اشکال است بلکه کافی نیست.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۵

### ذبح‌کننده

#### س ۲۰۱۴

اشاره

- حکم ذبیحه سنّیهای مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی چیست؟

ج

- ذبیحه آنها پاک است.

#### س ۲۰۱۵

اشاره

- حکم ذبیحه «محارب» و اهل کتاب چیست؟

ج

- محاربینی که محکوم بکفر هستند و همچنین ذبیحه اهل کتاب نجس و حرام است.

#### س ۲۰۱۶

اشاره

- حکم ذبیحه «جاحد النّبی» چگونه می‌باشد؟

ج

- جاحد النّبی صلی اللّه علیه و آله کافر است و ذبیح او حرام و نجس است.

س ۲۰۱۷

اشاره

- حکم ذبیحه «غلاهٔ»، «خوارج»، «ناصبی»، «ساب النّبی (ص) أو أحد الائمهٔ (ع)» چیست؟

ج

- ذبیحه غلاهٔ و خوارج و ساب النبی (ص) و ائمه علیهم السلام حرام و نجس است.

س ۲۰۱۸

اشاره

- حکم ذبیحه «مجسمه»، «مشبهه»، «جبریه»، «مفوضه» و ذبیحه «قدریه» چیست؟

ج

- طوائف مذکور اگر شهادتین را و لو اجمالا قبول دارند و توجه به توالی فاسد اعتقاد خود از لحاظ استلزام انکار ضروری ندارند ذبیحه آنها پاک است.

غذائی که به وسیله غیر مسلمان تهیه می‌شود

س ۲۰۱۹

اشاره

- از غذاهایی که غیر مسلمان- کتابی یا غیر کتابی- درست می‌کند اعم از برنج و غیر برنج و گوشت و غیر گوشت جایز است که از آنها بخوریم یا خیر؟

ج

– اگر غذا با دست و یا عضو دیگر غیر مسلمان ملاقات کرده باشد خوردن آن جایز نیست و همچنین اگر با گوشت غیر مذکّی درست شده باشد.

### س ۲۰۲۰

#### اشاره

– سوسیس‌هایی که از کشورهای خارجی وارد می‌شود چه حکمی دارد؟

#### ج

– در فرض سؤال اگر مشتمل بر گوشت و پیه و مانند آن باشد که حلیّت آن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۶

موقوف بر تذکیه است و از بلاد کفر وارد شده و شک در تذکیه آن داشته باشد محکوم به حرمت و نجاست است. و اللّه العالم.

### س ۲۰۲۱

#### اشاره

– آیا کنسروهایی که در کشورهای خارج بسته‌بندی می‌شود و در ایران بفروش می‌رسد خوردن آن چه صورت دارد آیا حلال است یا حرام؟

#### ج

– در مورد سؤال اگر یقین ندارید که ماهی فلس‌دار را زنده از آب گرفته‌اند خوردن آنها حرام است. و اللّه العالم.

### س ۲۰۲۲

#### اشاره

– اگر یک نفر غیر مسلمان– کتابی یا غیر کتابی– و یا مورد اعتماد و غیر اعتماد بگوید گوشت درون غذا یا این گوشت مثلًا ذبح اسلامی است می‌شود از او قبول کرد یا خیر؟

ج

– اگر از گفته کسی یقین به تذکیه شرعی پیدا شود و یا بیّنه شرعی به تذکیه اقامه شود گوشت محکوم به تذکیه است و الا محکوم به نجاست است.

### غذائی که بوسیله مسلمان تهیه می‌شود

س ۲۰۲۳

اشاره

– اگر یک نفر مسلمان ولی نه چندان قابل اعتماد مدعی است که این غذا یا گوشت از مذبوح اسلامی درست شده جایز است از او بپذیریم یا خیر؟

ج

– قول یک نفر حجّت نیست هر چند مورد اعتماد باشد مگر اینکه از قول او یقین حاصل شود یا ذی الید باشد.

س ۲۰۲۴

اشاره

– اگر یک نفر مسلمان اعم از مورد اعتماد و غیر اعتماد ما را برای صرف غذا در منزلش دعوت کند خوردن غذای او جایز است یا خیر؟ و آیا در مورد اسلامی بودن نتیجه باید سؤال کرد یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال استفاده از غذای دعوت‌کننده جایز است و سؤال لازم نیست.

س ۲۰۲۵

اشاره

– اقوامی که می‌دانیم از منبع غیر شرعی، امرار معاش می‌کنند، ارتباط با آنها در صورتی که اطمینان نداشته باشیم که غذا یا آبی که برای ما می‌آورند از

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۷
همان منبع است خوردن آن چگونه است؟

### ج

- در صورتی که نمی‌دانید از آن منبع است اشکال ندارد.

### س ۲۰۲۶

### اشاره

- آیا برای شوفر خوراک مجانی که در هتلهای بین راه یا ارزانتر از سرنشینان ماشین می‌دهند حلال است؟ و همچنین مأمورین خرید ارگانها و یا گروه‌ها که بخاطر خریدشان از فروشنده به آنان تخفیف میدهند بعد از اتمام معامله پذیرائی می‌کنند آیا این کار جایز است؟

### ج

- در مورد راننده اگر توقف او در مکان خاصی از لحاظ سرنشینان ماشین تفاوت نداشته باشد خوراک مجانی یا ارزانتر برای او بی‌اشکال است و با وجود تفاوت اگر خوراک در برابر این عمل باشد بی‌اشکال نیست و در مورد مأمورین ارگانها و گروهها نیز اگر این برنامه موجب شود که جنس را به قیمتی که بیشتر از قیمتی که خرید آن از فروشنده یا محل دیگر ممکن باشد خریداری کند اشکال دارد و خیانت است.

## حیوانات حرام گوشت

### س ۲۰۲۷

### اشاره

- نظر خود را نسبت به خرچنگ که در آب زندگی می‌کند بمنظور صادرات به کشورهای غیر مسلمان بیان فرمائید. (البته کشورهای مسلمان غیر تشیّع مصرف‌کننده کل موجوداتی که از دریا صید می‌کنند می‌باشند.)
آنچه مسلم است این است که منفعت محلله خریدوفروش و نهایتاً آمدن ارز به کشور که با صدور این قبیل کالاها که در کشور ایران مصرف نداشته و می‌توان با تولید و پرورش آن مبالغ بسیار زیادی ارز وارد کشور کرد و با پول آن اقتصاد شیعه و مملکت را بهبود بخشید. لذا خواهشمند است موضوع فوق را از هر دو دیدگاه مصرفی و اقتصادی ملاحظه فرموده نظر مبارک را اعلام فرمائید؟

### ج

– خوردن خرچنگ جائز نیست و فروختن آن نیز برای خوردن جائز نیست بلی چنانچه خرچنگ منفعت محلّله داشته باشد از قبیل خوراک طیور و غیره، فروختن آن برای این جهت اشکال ندارد.

### س ۲۰۲۸

### اشاره

– بین گروهی مردم بخصوص افرادی که در زمینه شکار حیوانات
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۸
دخالتی دارند شایع است که گوشت خرگوش و نوعی جوجه‌تیغی که علفخوار است و جثه بزرگی دارد و گویا شکنبه هم دارد مکروه است و می‌توان گوشت این جانوران را خورد تقاضا می‌نمایم حکم شرعی این مسأله را بیان بفرمائید.

### ج

– گوشت خرگوش و جوجه‌تیغی هر نوع که باشند حرام است.

### س ۲۰۲۹

### اشاره

– آیا فروش گوشت کوسه جایز است و حلال میباشد یا خیر؟

### ج

– کوسه حرام گوشت است و اگر گوشت آن منافع محلّله‌ای داشته باشد فروش آن بمنظور صرف در آن منافع اشکال ندارد.

### س ۲۰۳۰

### اشاره

– بنظر حضرتعالی طاووس از اقسام مأکول اللحم است یا خیر؟

ج

– طاووس مأکول اللحم نیست.

س ۲۰۳۱

اشاره

– در حرمت گوشت خرگوش بین نر و ماده آن فرق است یا نه؟

ج

– نر و ماده آن در حرمت گوشت آن تفاوت ندارد. و اللَّه العالم

## احکام ماهی‌ها

س ۲۰۳۲

اشاره

– اگر ماهی در تور ماهیگیری درون آب بمیرد آیا حرام می‌شود یا نه؟

ج

– حلال است.

س ۲۰۳۳

اشاره

– خوردن خاویار ماهی فلس‌دار چگونه است؟

ج

– حلال است.

### س ۲۰۳۴

#### اشاره

– ما صیادان و ماهیگیران، ماهی به اسم خشاك صید می‌نماییم و به عاملین ماهی می‌فروشیم و ایشان می گویند که ما به کشور ژاپن می‌فروشیم. آیا خوردن و خریدوفروش این ماهی حلال است یا حرام؟

#### ج

– چنانچه ماهی مذکور، فلس ندارد خوردن آن حرام است و امّا فروش آن در صورتی که منافع حلال مانند مصارف دامی یا داروئی داشته باشد جایز است ولی فروش به جهت اکل حرام است.

### س ۲۰۳۵

#### اشاره

– ماهی فلس دار که از غیر مسلمان خریداری می‌شود و ماهی بازار
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۹
غیر مسلمانها چه حکمی دارد؟

#### ج

– در فرض سؤال اگر احراز تذکیه شرعی نشود خوردن آن جایز نیست و با اینکه از دست غیر مسلمان و بازار کفّار گرفته می‌شود اگر مسبوق بودن آن به مسلمان معلوم نیست خوردن آن نیز جایز نیست.

### س ۲۰۳۶

#### اشاره

– خوردن نوشابه‌های خارجی از نظر شرعی چه حکمی دارند آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

#### ج

– اگر یقین به نجاست آنها نداشته باشید مانعی ندارد البته سزاوار است که مسلمین از محصولات کفّار که ضرورتی در مصرف آن ندارند اجتناب نمایند. و اللَّه العالم

## مسائل متفرقه خوراکیها

### س ۲۰۳۷

#### اشاره

– بره‌ای که از شیر سگ خورده آیا مثل خوردن شیر از خوک است و آن احکام را دارد؟

#### ج

– حکم شیر خوک را ندارد. و اللَّه العالم

### س ۲۰۳۸

#### اشاره

– چیزهایی که در ذبیحه گوسفند حرام است مثل مغز حرام که در میان تیره پشت است در مرغ اگر یافت شود حرام است؟

#### ج

– بلی اگر هر یک از آنها در مرغ باشد حرام است. و اللَّه العالم

### س ۲۰۳۹

#### اشاره

– خوردن تخم مرغ آغشته به خون چه حکمی دارد؟

#### ج

– خون تخم مرغ بنابر احتیاط واجب نجس است و خوردن آن حرام است.

**س ۲۰۴۰**

**اشاره**

– آیا استفاده کشمش در داخل غذا که در بعضی موارد باید آن را سرخ یا در بعضی مواقع در داخل غذاهای دیگر در آب جوش قرار می‌گیرد جایز است؟

**ج**

– کشمش به جوش آمدن و سرخ کردن نجس نمیشود و خوردن آن نیز اشکال ندارد.

**س ۲۰۴۱**

**اشاره**

– جوشاندن اقسام خرما و کشمش و خوردن آن دو و سرخ کردن خرما
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۰
و کشمش در روغن همچنین استفاده از کشمش در آبدوغ و دیگر موارد جایز است یا خیر؟

**ج**

– هیچ یک از موارد مذکور در سؤال اشکال ندارد. و اللَّه العالم

**س ۲۰۴۲**

**اشاره**

– با توجه به رعایت شرع اسلام در مورد ذبح شرعی حیوانات مکرراً مشاهده می‌شود که مذبوح را به سمت راست خوابانیده و با دست چپ سر مذبوح را جدا می‌کنند، و عده‌ای هم به سمت چپ خوابانیده و با دست راست سر حیوان را جدا می‌کنند لذا از محضر حضرتعالی استدعا دارم جواب صحیح ذبح حیوان را اعلام و توضیح اینکه در غیر این صورت مذبوح چه حکمی را خواهد داشت.

**ج**

- مقادیم بدن حیوان که بطرف قبله باشد فرقی نمی‌کند بر سمت راست خوابانده شود یا بر سمت چپ. و اللّه العالم

### س ۲۰۴۳

### اشاره

- چون بعضی از اقلیت‌های مذهبی گوشت برخی از حیوانات را که از نظر شرع مقدس اسلام حرام است مصرف می‌نمایند:

۱- آیا مجاز است که مسلمانی در تولید و بسته‌بندی این نوع گوشتها (مانند خوک، گراز و ...) صرفا برای مصرف غیر مسلمین و یا صادرات تولید نماید.

۲- آیا می‌شود که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده شود با ایجاد واحدهای صنعتی نسبت به تولید وف روش فرآورده‌های این نوع گوشتها توسط اقلیت‌های مذهبی و صرفا برای مصرف اقلیت‌های مذهبی کشور و یا صادرات به کشورهای غیر مسلمان اقدام شود.

۳- آیا می‌شود توسط دولت اجازه داد تا اقلیت‌های مذهبی نسبت به تولید مشروبات الکلی صرفا برای صادرات و یا مصرف غیر مسلمین اقدام کنند.

### ج

- هیچ‌یک از موارد مذکوره در سؤال جایز نیست مضافا باینکه موجب وهن نظام مقدّس جمهوری اسلامی و لطمه شدید به وجهه اسلام است اعاذنا اللّه من الفتن و اتباع الهوی، و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۱

قضاوت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۳

## قضاوت

### مستند حکم قاضی

### س ۲۰۴۴

### اشاره

- آیا قاضی موظف است به علم خود عمل نماید یا فقط مجاز به عمل است؟

### ج

– ظاهر ادلّه وجوب عمل به علم است.

### س ۲۰۴۵

### اشاره

– آیا قاضی به علمی که از راه حدس برای او حاصل شده می‌تواند عمل نماید؟ (بعنوان مثال اگر خارج از محتویات پرونده قاضی حدس بزند که شخص مجرم است و منشأ علم او نیز همین حدس باشد آیا می‌تواند به استناد آن علم حکم نماید؟)

### ج

– اگر برای قاضی علم حاصل شود تفاوت نمی‌کند که از مطالعه پرونده یا قرائن خارجیه دیگر باشد و در هر دو صورت منشأ علم او حدس است و در اعتبار علم اگر حاصل شود فرقی بین اینکه سبب آن حسّ یا حدس باشد نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۴

### س ۲۰۴۶

### اشاره

– در صورتی که منشأ علم قاضی، رؤیت و شهود او باشد چه فرقی با شهادت دارد؟ و آیا می‌توان گفت قاضی نیز مانند یک شاهد است و در صورت تکمیل شهود (بینه شرعی) که قاضی نیز جزء آن است می‌توان حکم نمود؟

### ج

– قول به اینکه علم قاضی مانند یک شاهد است و برای حجیّت آن شاهد دیگر لازم است، ظاهراً بین فقهاء قائل ندارد، و از جهات متعدّد مردود است و اگر منشأ علم قاضی حسّ باشد فرقش با بیّنه که باید عن حسّ باشد این ستکه در حجّیت بینه برای قاضی حصول علم شرط نیست و اگر اتفاقاً علم برای او حاصل شد حکم او مستند به علم است که اقوی از بیّنه است به هر حال در حکم حاکم به علم، علم او موضوعیت دارد.

### س ۲۰۴۷

### اشاره

– در کتب فقهاء امامیه بعضا و همچنین در قانون مجازات اسلامی ایران یکی از راههای ثبوت ادعای مدعی و یا موضوع ادعاء شده

را علم قاضی می‌دانند حال در اینجا چند سؤال مطرح است:

۱- آیا علم قاضی باید بر اساس مدارک و دلائل و قرائن وجود در پرونده باشد تا حجت باشد؟

۲- با وجود دلایل و مدارک و محتویات پرونده اگر خود قاضی شاهد قضیه بوده و آن را از نزدیک دیده باشد می‌تواند بر همان مشاهدات خود حکم صادر نماید؟

۳- آیا با وجود مدارک و محتویات و قرائن پرونده اگر قاضی علم و یقین بر خلاف آنها پیدا کرد نمی‌تواند به علم خود عمل کند؟

**ج**

- در تمام موارد سؤال، قاضی می‌تواند بر طبق علم خود حکم کند.

و اللّه العالم

**س ۲۰۴۸**

**اشاره**

- اگر قاضی به یک حالت روحی، وجدانی دست یابد که بدون داشتن هیچ دلیل و مدرکی و بدون هیچ مشاهده حسّی، برایش علم و یقین حاصل شود آیا در این صورت می‌تواند طبق همین علم و یقین خود حکم صادر نماید؟

**ج**

- در فرض مذکور اگر قاضی قطّاع باشد اگر چه قطاع برای خودش حجت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۵

است ولی وجود این حال در شخص و خروج او از متعارف موجب سلب صلاحیت و عدم نفوذ حکم او و بلکه حرمت مداخله او در امور قضائی است.

**س ۲۰۴۹**

**اشاره**

- طرق شرعی احراز عدالت شاهد در قضاوت را ذکر فرمایید؟

**ج**

- ۱- قاضی شخصاً عدالت شاهد را از حسن ظاهر مثل مواظبت او در فعل واجبات و ترک محرمات و شرکت در جماعات و غیرها

احراز کند. ۲- دو نفر شاهد معلوم العدالة عند القاضی شهادت به عدالت او بدهند. ۳- شهرت و شیاعی که موجب اطمینان باشد.

### س ۲۰۵۰

#### اشاره

- نظر اسلام را پیرامون اعتبار اسنادی که توسط دستگاههای مدرن تهیه می‌شود بیان فرمایید: مانند فاکس، فیلم، عکس، نوار ضبط، تلفنگرام، زیراکس، فتوکپی، پرینتر و اسکنر کامپیوتر و ... کدام یک می‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد و به عنوان مؤید تا چه حدّ قابل استفاده‌اند؟

#### ج

- اسناد مذکوره با اسناد متعارفه در جهت اعتبار تفاوتی ندارند زیرا در هر دو قسم باید اطمینان به صحت مضمون و صحت استناد به صاحب آن حاصل شود.

### س ۲۰۵۱

#### اشاره

- آیا یک شاهد همراه با قسم مدعی را برای اثبات دعوا کافی می‌دانید؟

#### ج

- در بعض موارد مانند دین یک شاهد و یمین مدعی برای اثبات دعوی کافی است.
و اللّه العالم

### س ۲۰۵۲

#### اشاره

- قتلی واقع شده و قاتل مردد بین دو نفر است قاضی ظن دارد که قاتل احد الفردین لا بعینه هست و شواهد و قرائن هم ظن قاضی را تأیید می‌کند در این صورت آیا با قرعه معین کنند قاتل را یا برنامه دیگری است؟

#### ج

- در فرض سؤال، چنانچه اولیای مقتول مدعی هستند که قاتل یکی از این دو نفر است ولی بینه شرعیه ندارند و برای قاضی از شواهد و قرائن ظن به صدق اولیای مقتول حاصل شده از موارد لوث است که باید مدعی قسامه بیاورد اگر قسامه آورد، قاتل در یکی از دو نفر بطور لا بعینه تعیین می‌شود و در این صورت باید هر دو نفر را قسم بدهند پس اگر هر دو قسم خوردند بر عدم قتل و یا هیچ یک قسم نخوردند باید دیه را مشترکاً به ورثه مقتول بدهند ولی اگر یکی از دو نفر قسم خورد

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۲۶

و دیگری نکول کرد قتل بر ناکل ثابت می‌شود. و اللَّه العالم

## س ۲۰۵۳

### اشاره

- اگر مقتولی در شارع عام یا در اماکنی که محل آمد و رفت عمومی است به صورت مجهول الهویه کشف شود و در مقام بررسی و تحقیقات در محاکم قضائی از جهت استناد عمل مجرمانه قتل نسبت به شخصی با وجود قرائن ظنیه از موارد لوث تشخیص گردد و برای مقتول ولی دمی شناخته نشود اجرای قسامه با چه شخصی است و اگر با ولی امر مسلمین است به چه کیفیت؟

### ج

- در صورت مذکوره که ولی دم مقتول مجهول است و یا لااقل معلوم العدم نیست قضیه متروکه می‌ماند، هر وقت ولی دم معلوم شد و ادعا کرد طبق موازین باب قسامه عمل میشود و الا (الحاکم ولی الغائب) در مثل این مورد که در صورت اقامه قسامه از طرف قاتل موجب سلب قاعده (الغائب علی حجّته) می‌شود جاری نیست، ولی اگر معلوم باشد که مقتول وارثی غیر از امام علیه السلام ندارد، مثل اینکه همه ورثه او کافر باشند و از جهت ولاء عتق و ضمان جریره نیز وارث نداشته باشد، در این صورت قول به ولایت حاکم جامع الشرائط بر طلب قسامه بعید نیست.

## س ۲۰۵۴

### اشاره

- شخصی با کمک دو نفر، جوانی را عالماً و عامداً بعلت وجود اختلافات شدید با ضربات کارد مجروح کرده بعد از حمل به بیمارستان فوت میکند. پدر متوجه فوت فرزندش در بیمارستان میشود و بلافاصله مسلحانه به منظور انتقام از قاتل فرزندش بیمارستان را ترک دفعتاً به عموی قاتل که او نیز از محرکین بوده است بر خورد و با شلیک یک رگبار پنج تیری او را بقتل میرساند و خود را به مأمورین معرفی و سلاح را نیز تحویل و اقرار به قتل قاتل فرزندش می کند و بر اقرار خود نیز باقی است. اولیاء مقتول دوّم اخیراً مدعی هستند که پدر مقتول اول قاتل نیست بلکه فرزند دیگرش که در بیمارستان بر بالین مقتول اوّل بوده قاتل است و چند نفر شاهد نیز در این زمینه معرفی کرده‌اند که شهادتشان محلّ تأمل است. لطفاً بفرمائید از نظر شرع انور قاتل قتل اخیر پدر مقتول اول

است که اقرار به قتل نموده و بر اقرار خود نیز باقی است یا فرزند منکر او که مورد ادعای اولیاء مقتول دوم میباشد؟

#### ج

– در مورد سؤال، در صورتی که ورثه مقتول مدّعی باشند که قاتل برادر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۷

مقتول اوّل است و به پدر مقتول اوّل ادّعا نداشته باشند و بر ادعاء خود در محضر حاکم شرع بیّنه شرعیّه اقامه نمایند اقرار مقرّ به قتل موجب ردّ بینه نمی‌شود مگر اینکه حاکم شرع از قرائن و امارات یقین به صدق مقرّ پیدا کند که در این صورت بر طبق بیّنه حکم نمی‌دهد و حکم علیه مقرّ نیز در صورتی صادر میشود که ورثه علیه او اقامه دعوی نمایند. و اللَّه العالم.

### س ۲۰۵۵

#### اشاره

– همانطور که در باب قتل در موارد لوث احتیاج به قسامه می‌باشد (البته در دادگاه) آیا در آیات و یا احادیث و روایات نصّی بر اینکه بتوان در دادگاه در حضور قاضی قسم به نفع متهم خورد و بی‌گناهی متهم را با قسم خوردن ثابت کرد وجود دارد یا نه؟ (مثلًا یک عده قسم بخورند که این شخص قاتل نمی‌باشد)

۲– علی فرض عدم وجود دلیل بر مطلب فوق آیا از ضمن ادله یا فحوای احادیث و روایات می‌شود این مطلب را فهمید؟

#### ج

– آنچه از ادلّه شرعیه نسبت به قسم استفاده می‌شود این است که منکر و یا مدّعی در موارد خاصّی خودشان و یا بانضمام منسوبین ذکور در مورد قسامه قسم می‌خورند و در غیر این موارد جهت اثبات دعوای دیگری یا ردّ آن قسم پذیرفته نیست. و اللَّه العالم.

### س ۲۰۵۶

#### اشاره

– اگر متّهمی به محکمه و قاضی کتباً اعلام کند که من از تخلّفات و تقصیرات منتسبه مبرّا هستم و از محکمه و قاضی بخواهد که او را احضار کنند، حضوراً توضیحات لازم را بدهد و مدارک بی‌گناهی خود را ارائه نماید در چنین فرضی آیا قاضی و دادگاه حق دارد به تقاضای او توجهی نکرده و بدون احضار متهم غیاباً رأی صادر کند و اگر چنین حکمی صادر شود محکوم به بطلان است یا خیر؟

#### ج

- در موردی که به نظر قاضی جامع الشرائط حضور متّهم لازم نباشد نظر قاضی متّبع است بلی اگر قاضی احتمال هم بدهد که با حضور متهم که با حضور متهم نظرش تغییر می‌کند حضور متهم لازم است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۸

### شرائط قاضی

#### س ۲۰۵۷

#### اشاره

- قضاوت غیر مجتهد مأذون از ناحیه مجتهد در زمان غیبت امام علیه السلام جایز است یا خیر؟

#### ج

- فعلًا به نظر این جانب مسأله محلّ اشکال است. و اللَّه العالم.

#### س ۲۰۵۸

#### اشاره

- در صورت کمبود قاضی آیا قضاوت قاضی غیر مجتهد را تجویز می‌فرمایید و این قاضی غیر مجتهد باید طبق نظرات مقلد خود حکم کند یا طبق نظرات مقلَّد متهمان یا قانون مدون؟

#### ج

- قضاوت قاضی غیر مجتهد صحیح نیست فقط می‌تواند بیان فتوی کند که باید بگوید فتوای مرجع تقلید متهم در این مورد چنین است و حکم کردن اختصاص به مجتهد دارد. و اللَّه العالم

#### س ۲۰۵۹

#### اشاره

- در مورد دادگاه‌های اداری که به تخلفات کارمندان رسیدگی می‌کنند و حکم به پرداخت جریمه و یا انفصال از خدمت به طور موقّت یا دائم و امثال اینها صادر می‌نمایند آیا همان شرایطی که در قاضی لازم است از قبیل اجتهاد و عدالت و غیره در اعضاء

حکم‌دهندگان این دادگاه‌ها لازم است وجود داشته باشد یا لازم نیست؟

ج

– به طور کلّی در هر موضوعی که اختلافی در بین باشد که رفع آن محتاج به حکم قاضی باشد باید رفع نزاع به وسیله قاضی جامع الشرائط انجام بگیرد. و اللَّه العالم

**س ۲۰۶۰**

**اشاره**

– مستدعی است نظر مبارکتان را در رابطه با قضاوت زنان و ورود زنان به دستگاه قضاء جهت رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری و امور حسبیّه از بدو تشکیل پرونده، مرحله تحقیقات و ختم رسیدگی و اصدار و ابلاغ و اجرای حکم مرقوم فرمائید.

ج

– قضاوت زنان جائز نیست و از اوّل پیدایش اسلام تاکنون در هیچ عصری زن متصدی منصب قضاوت نبوده است و ورود آنها به دستگاه قضائی هرچند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۹

قاضی نباشند هم مستلزم مفاسد و تبعات سوء اخلاقی است این گرایشهای غیر اسلامی همه از غرب‌گرائی و تبلیغات استعمارگران و خودباختگی برخی از زنان و مردان مسلمان است خداوند متعال استقلال و عزت بانوان اسلامی و شخصیت آنها را از این خطرات حفظ نماید. و اللَّه العالم.

**س ۲۰۶۱**

**اشاره**

– با توجه به اینکه تحقیقی از طرف دانشگاه در مورد قضاوت زن در اسلام برایمان تعیین شده است لذا در جهت این امر در صورت ممکن نظر و دلایل مورد نظرتان را مرقوم فرمایید.

ج

– مسأله مشروط بودن جواز قضاء به ذکوریت قاضی از مسائل مسلمه و مورد اجماع و اتفاق است و علاوه بر دلالت روایات و سیره مستمره و ارتکاز متشرعه و اقتضاء مجموع برنامه‌ها و تعالیم اسلامی در مورد بانوان، مقتضای اصل نیز عدم نفوذ قضاء زنان است. و

اللَّه العالم

### س ۲۰۶۲

#### اشاره

- آیا حسب فتوای حضرت عالی قاضی تحکیم جایز است و حکم او نافذ است یا نه؟

#### ج

- حکم قاضی تحکیم در صورتی که واجد شرایط باشد نافذ است. و اللَّه العالم

## تجدید نظر در حکم قاضی

### س ۲۰۶۳

#### اشاره

- بدواً به استحضار می‌رساند در قوانین سابق قانون‌گذار در مواردی که احکام صادره قابلیت تجدید نظر داشته و از آنها تجدید نظر خواهی شـده است، قائل به اثر تعلیقی بوده است یعنی اجراء حکم تا صدور مرجع استینافی معلق بوده و اجراء آن ممکن نبوده است. سؤال این که در کتب فقهاء خصوصاً در باب حدود قائل به عدم وجود اثر تعلیقی هستند بواسطه صدور حکم از جانب مجتهد جامع الشرائط بوده است یا شامل قضاوت قاضی مأذون نیز می‌باشد؟

#### ج

- اصل جواز اذن در قضاء به غیر مجتهـد خصوصاً در باب حدود محل اشـکال بلکه محکوم به عدم جواز است و اگر در باب حدود از جانب حاکم شرع
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۰
واجد شرائط حکم صادر شد قابل تعلیق نیست. و اللَّه العالم.

### س ۲۰۶۴

#### اشاره

- آیا ولایت حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع) و به تبع آن فقیه جامع الشـرائط که والی مسلمین است، تا این حد گسترش دارد

که برای کلیه احکام قضائی اولًا قائل به قابلیت تجدید نظر خواهی شود و ثانیاً اثر تعلیقی را بر آن بار نماید؟

ج

– منع از اصدار حکم قبل از رجوع به امام علیه السلام بعضاً یا کلًا از جانب امام علیه السلام جایز است ولی بعد از صدور حکم موردی که واقع شده باشد فعلًا در نظر نیست و به هر حال نسبت به مجتهد جامع الشرائط منع قبلی و تعلیق حکم او بعد از اصدار جایز نیست. بلی شخص مجتهد می‌تواند در موارد نادره اگر مصلحت اهم لازم الاستیفاء در معرض تفویت باشد یا مفسده اهم واجب الدفع در بین باشد از اصدار حکم یا اجراء آن منع نماید. و اللَّه العالم.

س ۲۰۶۵

اشاره

– بر فرض که شارع مقدس قائل به تجدید نظر در بعضی احکام صادره شود آیا تجدید نظر کردن بدون اثر تعلیقی مجوز شرعی دارد؟ خصوصاً اگر با اجرای حکم بدون جبران خسارات وارده میسر نباشد؟

ج

– عنوان تجدید نظر در حکم قاضی جامع الشرائط مطلقاً مطرح نیست. بلی در موارد تعزیرات شخص حاکم می‌تواند به ملاحظه مقامات و موارد تعزیر را به اخفّ از آنچه که خود حکم داده تخفیف دهد و در واقع تجدید نظر در حکم خود بنماید حتی به شفاعت اشخاص ترتیب اثر بدهد و اجراء حکم را متوقف سازد. و اللَّه العالم.

س ۲۰۶۶

اشاره

– اگر در موضوعی حاکم شرع، حکم صادر کرد ولی مرجع تقلید ما آن را خلاف شرع یا مبتنی بر اشتباه دانست به کدام یک از دو نظر باید ملتزم شد؟

ج

– بطور کلی چنانچه بین حکم قاضی جامع الشرائط و فتوای مرجع تقلید اختلاف باشد حکم قاضی متبع است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۱

## مسائل متفرقه قضاء

### س ۲۰۶۷

#### اشاره

– اگر دو نفر کتابی متحد المذهب دعوایی به محکمه اسلامی آورند؟

#### ج

– در فرض سؤال قاضی مخیّر است بین این که مطابق دین خود آنها حکم کند و یا مطابق دین اسلام. و اللّه العالم

### س ۲۰۶۸

#### اشاره

– اگر دو نفر کتابی مختلف المذهب به محکمه اسلامی دعوایی را بیاورند؟

#### ج

– در فرض سؤال، قاضی مطابق دین مقدس اسلام حکم می‌کند. و اللّه العالم

### س ۲۰۶۹

#### اشاره

– در و صرت رجوع یک مسلمان و یک اهل کتاب وظیفه دادگاه در پذیرش و حکم چگونه است؟

#### ج

– حکم سؤال قبل را دارد. و اللّه العالم

### س ۲۰۷۰

#### اشاره

– اگر یک مسلمان با یک اهل کتاب توافق کرده باشند در صورت بروز اختلاف بین آنان طبق قانون اهل کتاب حکم شود آیا این توافق از نظر محکمه اسلامی محترم است؟

#### ج

– این توافق صحیح نیست. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۳

دیات

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۵

## دیات

### احکام دیه

#### س ۲۰۷۱

#### اشاره

– آیا اخذ دیه امری تعبّدی است یا از مقدار آن می‌توان عدول کرد؟

#### ج

– اصل دیه و مقدار آن تعبّدی است ولی چون حقّی است برای مجنی علیه و یا ورثه او که از طرف شارع مقدس قرار داده شده مجنی علیه و یا ورثه او می‌توانند تمام دیه و یا مقداری از آن را عفو کنند.

#### س ۲۰۷۲

#### اشاره

– آیا دیه به عنوان خسارت است یا مجازات مالی؟

#### ج

– حکم دیه تعبّد است هر چند از حکمت‌های آن یکی از این دو امر یا هر دو باشد.

#### س ۲۰۷۳

اشاره

- آیا همه موارد دیه اصل است (کدامیک از موارد ششگانه)؟

ج

- همه موارد اصل است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۶

س ۲۰۷۴

اشاره

- آیا ضرر و زیان زاید بر دیه قابل مطالبه است یا خیر؟

ج

- زائد بر دیه قابل مطالبه نیست.

س ۲۰۷۵

اشاره

- آیا دیه همان خسارت است یا جانی باید علاوه بر دیه خسارات وارده به مجنیّ علیه و کلیه هزینه‌های درمان را بپردازد؟ جائی که مقدار دیه از خسارت بیشتر، مساوی یا کمتر باشد چه حکمی دارد؟

ج

- جانی زائد بر مقدار دیه ضامن خسارات وارده از جهت درمان و معالجه نیست، بلی در جرح خطائی مادون السمحاق نسبت به مخارج احتیاط آن است که جانی و مجنیّ علیه مصالحه کنند. و اللَّه العالم

س ۲۰۷۶

اشاره

- اولا: ارش مثل دیه مهلت پرداخت دارد یا خیر؟

ثانیا: اگر میزان آن به ثلث برسد به نصف تقلیل می‌یابد یا نه؟ و آیا اصولاـ ارش همان دیه غیر معین است و طبعا آثار و خواص گوناگون آن را دارد یا صدمه و خسارتی است نظیر خسارتهای دیگر.

### ج

– ظاهرا دیات مقدره و همچنین غیرم قدره که بوسیله ارش معلوم می‌شود و در مواردی که با صلح یا حکم حاکم تعیین می گردد در احکام عامّه مشترک می‌باشند. و اللّه العالم

## س ۲۰۷۷

### اشاره

– گرچه فتوای مشهور فقهاء بزرگوار (رض) اینست که دیه را باید یوم الاداء پرداخت نمود و قیمت دیه را یوم الاداء محاسبه می‌نمایند لیکن اخیرا مستندا به نظریه برخی از اساتید و بزرگان عصر حاضر شاید بدلیل برقراری یک رویه و نظم خاص در پرداخت دیه قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم محاسبه می کنند حال سؤال این است نظر مبارک حضرتعالی در پرداخت قیمت دیه یوم الاداء است یا روز صدور حکم و یا روز وقوع حادثه لطفا ارشاد نمائید.

### ج

– در فرض سؤال، به نظر این جانب قیمت دیه را مطابق قول مشهور، باید یوم الاداء محاسبه نمود و وجه وجیهی برای محاسبه آن بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم یا روز وقوع حادثه بنظر نمی‌رسد و وحدت‌رویه که در مواردی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۷
مطرح می‌نمایند و قاضی را ملتزم برعایت آن می کنند موجب اشکالات متعدّد است و در خصوص این مورد جانی یوم الحادثه اشتغال ذمّه به دیه پیدا می کند بلی اگر در یوم حادثه اداء تمام اشیاء معین شده برای دیه معتذر باشد در این صورت ممکن است گفته شود مخیر بین اداء قیمت یوم الحادثه آنچه از دیه قمی است و اداء قیمت یوم الاداء مثل آنچه مثلی است می‌باشد. و اللّه العالم.

## س ۲۰۷۸

### اشاره

– شخصی با مراجعه به دادگاه مدعی است که بر اثر صدمه وارده توسط زید مبلغ یک میلیون تومان هزینه دارو و درمان نموده است درحالی‌که ۴۰۰۰۰۰ تومان دیه به او تعلق گرفته و خواستار ۶۰۰۰۰۰ تومان مابقی می‌باشد دادگاه تکلیفی دارد یا خیر؟

### ج

– مجنیّ علیه بیشتر از دیه مقرّره شرعی چیزی طلبکار نمی‌شود. و اللّه العالم.

## س ۲۰۷۳

### اشاره

– گرچه فتوای مشهور فقهاء بزرگوار (رض) اینست که دیه را باید یوم الاداء پرداخت نمود و قیمت دیه را یوم الاداء محاسبه می‌نمایند لیکن اخیراً مستنداً به نظریه برخی از اساتید و بزرگان عصر حاضر شاید بدلیل برقراری یک رویه و نظم خاص در پرداخت دیه قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم محاسبه می‌کنند حال سؤال این است نظر مبارک حضرتعالی در پرداخت قیمت دیه یوم الاداء است یا روز صدور حکم و یا روز وقوع حادثه لطفاً ارشاد نمائید.

### ج

– در فرض سؤال، به نظر این جانب، قیمت دیه را مطابق قول مشهور، باید یوم الاداء محاسبه نمود و وجه وجیهی برای محاسبه آن بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم یا روز وقوع حادثه بنظر نمی‌رسد و وحدت رویه که در مواردی مطرح می‌نمایند و قاضی را ملتزم برعایت آن می‌کنند موجب اشکالات متعدّد است و در خصوص این مورد جانی یوم الحادثه اشتغال ذمّه به دیه پیدا می‌کند بلی اگر در یوم حادثه اداء تمام اشیاء معین شده برای دیه متعذر باشد در این صورت ممکن است گفته شود مخیر بین اداء قیمت یوم الحادثه آنچه از دیه قیمی است و اداء قیمت یوم الاداء مثل آنچه مثلی است می‌باشد. و اللّه العالم.

## س ۲۰۷۸

### اشاره

– شخصی با مراجعه به دادگاه اعلام می‌دارد برای خرج زیدی که بر اثر ضربه به وی مجروح گردیده ۲۰۰۰۰۰ تومان خرج دارو و درمان نموده است آیا می‌توان از دیه مقرره مبلغ فوق را کسر نمود یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه خرج مذکور را با امر زید صرف نموده می‌تواند از مقدار دیه کسر کند یا دیه را بدهد و بعد مبلغ خرج شده را از زید بگیرد. و اللّه العالم.

## س ۲۰۷۹

### اشاره

– اگر شخصی به بچه‌ای که به سن بلوغ نرسیده جنایت وارد نماید و یا اینکه ضربه‌ای بزند که موجب دیه است آیا ولیّ شرعی (پدر یا جد پدری) و در صورت نبودن آنان حاکم شرع می‌تواند از دیه ضرب و جرح، جانی را عفو نماید یا نه؟

### ج

– ولی شرعی اعمّ از پدر و جدّ پدری و وصی و حاکم شرع حق ندارد دیه ضرب و جرح جانی را عفو کند.

### س ۲۰۸۰

#### اشاره

- اگر شخصی به غیر بالغ امر کند که فلان شخص را به قتل برسان بدون آنکه بچه را اکراه به قتل کرده باشد تکلیف شرعی را نسبت به آمر و قاتل بیان فرمائید.

#### ج

- آمر، حبس ابد می‌شود و دیه مقتول به عهده عاقله قاتل است.

### س ۲۰۸۱

#### اشاره

- شخصی با اسلحه ساچمه‌ای مورد اصابت یک گلوله واقع می‌شود، با توجه به اینکه ساچمه‌های گلوله تفنگ ساچمه‌زنی متفرق و به نقاط مختلف بدن اصابت می‌نمایند و ساچمه‌ها بعضاً وارد بدن می‌شود، آیا اصابت گلوله به شرح فوق در حکم جائفه واحد است و یا اصابت هر عدد ساچمه یک جائفه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۸

محسوب می گردد؟

#### ج

- مجرد فرو رفتن ساچمه بر بدن جائفه نیست و جائفه عبارت است از وارد شدن سلاح به داخل شکم، بنابراین هر یک از ساچمه‌ها که به درون شکم رفته حکم جائفه دارد و الا حکم دیگر دارد و ظاهراً ساچمه‌های متعدّد که به محلّ متعدد بدن اصابت نموده هر یک حکم جدای خود را دارد و دیه آن به تعدد زخم متعدد است. و اللَّه العالم.

### س ۲۰۸۲

#### اشاره

- شخصی در سالهای قبل بواسطه رساندن جنایتی بر دیگری محکوم به دیه شده، و به قیمت درهم از او دریافت دیه شده و مجنی علیه هم رضایت داده است اینک که مبلغ دیه بیشتر معیّن شده مطالبه ما به التفاوت را مینماید آیا چنین ادعایی از او مسموع است یا خیر؟

#### ج

- این مسأله و مطالبه مبلغ بیشتر ظاهراً مبنی بر این است که اجراء حکم صادر بر اداء دیه به قیمت درهم اشتباه بوده، یا از جهت

اینکه دینار و درهم در زمان حاضر وجود خارجی ندارد علی هذا تعیین قیمت آن بی‌موضوع، و دیه متعین در چهار چیز دیگر می‌شود یا از این جهت که گفته شود هزار دینار یا ده هزار درهم که دیه کامله معلوم شده بلحاظ قیمت اشیاء دیگر بوده و جانی مخیّر شده بین اداء قیمت یا تحویل عین یکی از چهار چیز (شتر، و گاو و گوسفند و حلّه) و در هر دو صورت جانی به پرداخت قیمت هر یک از اشیاء چهارگانه هرکدام قیمتشان کمتر است یا تسلیم عین یکی از آنها محکوم می‌شود، اگر چه الزام مجنی علیه بر قبول قیمت و الزام جانی بر اداء آن با وجود عین اشیاء مذکوره بنابر وجه اوّل محلّ اشکال است بنابراین نظر به اینکه اعمال انجام شده بر اساس قیمت درهم صحیح نبوده و مجنی علیه و جانی از جهت جهل به این جهت رضایت داده‌اند باید بر اساس تحویل عین یا قیمت هر کدام از اشیاء چهارگانه که قیمت آن کمتر است دیه ادا شود، اگر جانی مبلغ بیشتری پرداخته استرداد کند و اگر کمتر پرداخته به مجنی علیه بپردازد، بلی اگر مجنی علیه با علم و اطلاع به تفصیل حکم مذکور رضایت داده حق مطالبه ما به التفاوت را ندارد.

## س ۲۰۸۳

### اشاره

- شخصی به علت واژگون شدن خودرو پایش شکسته و اعلان

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۹

بخشش نموده و رضایت به راننده داده، بعد از ۲۱ ماه میگوید حقّم را می‌خواهم آیا بعد از بخشش حق دارد یا ندارد؟ آیا پول خرج کرد را حق دارد یا دیه پا را؟

آیا بعد از اینکه پا خوب شد تمام دیه پا را حق دارد یا ما به التفاوت سالم و ناسالم را؟ آیا ما بین سالم و ناسالم را باید دکتر معین کند یا خود شخص مدعی؟

### ج

- در فرض سؤال مجنی علیه بعد از عفو و بخشش دیگر حق مطالبه دیه و یا خرج کرد را ندارد، و لو اینکه پای او معیوب شده باشد.

## س ۲۰۸۴

### اشاره

- همسر و فرزند خردسالم تصادف کرده‌اند به طوری که هر دو زیر ماشین رفته‌اند و از ناحیه پشت سر تا قسمت بناگوش و تقریباً نزدیک پیشانی پوست گرفته شده و ضربات زیادی از آن تصادف دیده‌اند و همچنین همسرم که با این همه مشکلات زیادی که به وجود آمده بود بعد از مرخص شدن از بیمارستان سریعاً به دادگاه رفته‌اند و بدون دریافت دیه و بدون ضمانت از آن طرف رضایت داده‌اند آیا من حق مطالبه دیه را دارم؟

### ج

– در فرض سؤال که همسرتان رضایت داده و از حق خود صرف نظر نموده دیگر حق مطالبه ندارد لکن نسبت به بچه رضایت مادر، اثری ندارد و می‌توانید دیه آن را مطالبه نمائید.

### س ۲۰۸۵

#### اشاره

– پدرم طی سانحه‌ای به رحمت ایزدی پیوسته است شخصی که رانندگی خودرو سانحه دیده را به عهده داشته است، قاعدتاً توسط مراجع قضائی و قانونی به پرداخت دیه کامل و حبس تعزیری و کفاره محکوم خواهد شد. قرار است این جانب جهت آمرزش روح مرحوم والد از طرح شکایت در مراجع دولتی خودداری نمایم و در عوض، راننده و عاقله‌های ایشان دیه کامل یک مرد مسلمان آزاد را به این جانب تأدیه نمایند که دارای وکالت نامه ثبتی و شرعی از وراث مرحوم می‌باشم. متمنی است پاسخ دهید آیا این عمل حقیر منع شرعی دارد یا خیر؟ و اگر پاسخ منفی است متمنی است در ذیل کمیت و کیفیت دیه کامل مرد مسلمان آزاد را که به قتل خطا تلف شده باشد، مرقوم بفرمائید.

#### ج

– در صورتی که بدون شکایت، عاقله و یا خود قاتل دیه را بپردازند شکایت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۰

کردن لازم نیست و دیه کامله مرد مسلمان یکی از شش چیزی است که در رسائل عملیه ذکر شده به مسأله ۲۸۰۸ توضیح المسائل مراجعه فرمائید، و اختیار تعیین یکی از موارد با قاتل است.

### س ۲۰۸۶

#### اشاره

– این جانب در سنّ پانزده سالگی در حالت جوانی که با کسی درگیری داشته‌ام با چوب سر وی را شکسته‌ام بطوری که پوست سر پاره شده الآن که پنجاه سال گذشته و حقیر او را نمی‌شناسم و نمی‌توانم پیدایش کنم تا رضایتش را حاصل نمایم دیه‌اش را معین کنید تا بپردازم و از مدیونی در بیایم البته مبلغ هزار تومان در این مورد به فقیر داده‌ام لطفاً جواب مرحمت فرمائید.

#### ج

– تفصیل دیه در مورد سؤال این است که اگر پوست سر پاره شده یک شتر و اگر به گوشت رسیده و قدری از آن را پاره کرده دو شتر و اگر خیلی از گوشت را پاره کرده سه شتر و اگر به پرده نازک استخوان رسیده چهار شتر و اگر استخوان نمایان شده پنج شتر و اگر استخوان شکسته ده شتر تا آخر مسأله که در توضیح المسائل مسأله ۲۸۱۵ ذکر شده و اگر دسترسی به او ندارید باید مقداری را که ضامن هستید از طرف او به فقیر غیر سید صدقه بدهید و چون احتیاط آن است که در این امر از حاکم شرع اجازه گرفته شود به شما اجازه داده می‌شود و آنچه را که قبلًا داده‌اید اگر بعنوان صدقه از طرف آن شخص بوده می‌توان از بدهی کسر کنید و

چنانچه به هیچ‌وجه تمکن مالی از پرداخت آن نداشته باشید می‌توانید فقیر غیر سیّدی را پیدا کنید و مبلغ بدهی را از کسی قرض نمائید و به آن فقیر بدهید و او با رضایت قلبی واقعی بعد از قبول، به شما برگرداند البته اگر تمکن داشته باشید که تدریجاً بپردازید عمل بنحو مذکور مبرء ذمّه نیست.

### س ۲۰۸۷

#### اشاره

- در اثر درگیری دسته جمعی یک نفر کشته شده، اهل قریه‌ای که آن نفر را کشته‌اند باید دیه پرداخت نمایند- با توجه به این که بعضی از این مردم که در اینجا زمین دارند در هیچ یک از برنامه دعوی و قتل شرکت نداشتند و در خارج از کشور زندگی می‌کنند آنهائی که در آنجا هستند ادّعا دارند که باید دیه مقتول را همه پرداخت نمایند چه در قتل و دعوی شرکت داشته و چه نداشته‌اند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۱

و در غیر این صورت حق ندارند از زمین شان یا کوه عام استفاده نمایند آیا آنانی که در قریه حاضرند می‌توانند- از آنهائی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و در دعوی و قتل شرکت ندارند مطالبه کنند یا خیر؟

#### ج

- در مورد سؤال کسانی که در درگیری دسته جمعی نبوده‌اند دیه بدهکار نیستند و ممانعت آنها از استفاده ملک مشروعشان جائز نیست.

### س ۲۰۸۸

#### اشاره

- دو نفر عمداً و یا خطأً تیری را به فردی شلیک نموده‌اند که موجب قتل وی گردیده و معلوم است که قتل بوسیله یکی از دو تیر صورت گرفته ولی تیر کدامیک بوده غیر معلوم است حکم شرعی را بیان فرمائید.

#### ج

- در فرض سؤال، چنانچه اولیاء دم بدانند یا احتمال بدهند که خود آن دو نفر میدانند که تیر کدامیک آنها اصابت کرده می‌توانند هر دو نفر را قسم بدهند بر نفی علم، پس اگر هر دو قسم بخورند بر عدم علم یا هیچ‌یک قسم نخورد و قتل عمدی باشد باید دیه را مشترکاً به ورثه مقتول بدهند و اگر خطائی باشد عاقله هر دو مشترکاً بدهند ولی اگر یکی از دو نفر قسم بخورد و دیگری نکول کند قتل بر ناکل ثابت می‌شود که اگر عمدی است قصاص می‌شود و اگر خطائی است دیه بر عاقله اوست.

### س ۲۰۸۹

### اشاره

– شخصی پول خوبی گرفته البته بدستور دادگاه ... شخص فاعل که پول را ... کرده چند صغیر تحت تکفل دارد که از آن پسرش و چنـد آن خون دارد ... این شـکل یـک ماشـین پیکـان بوده و یـک ساختمـان ... ایشـان واگـذار نموده به خانواده مقتول و فعلًا منتظر می‌باشد و هیچ ... ندارد ... کند آیا این پول که خانواده مقتول گرفته می‌توان خرج ساختن مسجد کرد یا خیر؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه قتل شبه عمـد بوده مـدت اداء آن دو سال است و اگر عمـد بوده و تراضـی به دیه شده یک سال و اولیاء مقتول حق ندارنـد قاتل را مجبور به پرداخت فوری کنند علاوه بر اینکه دیه دین است بر ذمّه قاتل، و اولیاء مقتول نمی‌توانند قاتل را مجبور به واگـذاری خانه محلّ سـکونت خود و یا فروش آن نماینـد مانند سایر دیون و در هر حال پولی که بعنوان دیه بر طبق حکم شرع گرفته شود اولیاء مقتول در مصـرف آن مختارند لکن اگر امرار معاش قاتل منحصـر است به ماشین و موهائی که واگذار نموده مقتضـی است کبار ورثه مقتول هر کـدام از سـهم خود مقداری از آنها را با رضایت خود به قاتل برگردانند تا بتواند زندگی خود را اداره کند امید است ان شاء اللَّه از اجر و ثواب الهی بهره‌مند شود.

### س ۲۰۸۹

### اشاره

– این جانب مرتکب قتل غیر عمد شده‌ام و از طرف دادگاه محکوم به مبلغ چهار میلیون و هفتصد هزار تومان به دیه شتر شده‌ام ولی خدا و رسول او گواه بر این مطلب هسـتند که این جانب قادر به پرداخت دیه نیسـتم چون وضع زندگی من بسیار ضعیف و در سطح پایین می‌باشـد و الان مـدت پنـج سال است که در زنـدان به سـر می‌برم (به علت پرداخت نکردن دیه) و خرج و مخارج زندگی این جانب در این مـدت پنج سال از ناحیه فامیلان صورت گرفته لذا نظر حضـرتعالی برای موارد ذکر شده چیست آیا دادگاه می‌تواند از طریق اعسار دیه این جانب را از بیت المال پرداخت نماید؟

### ج

– به طور کلی دیه قتـل (شـبه عمـد) حکم سـائر دیون را دارد، در صورتی که برای قاضـی بعـد از تحقیق ثـابت شود که قاتل غیر از مسـتثنیات دین مالی نـدارد که دیه را ادا کنـد نبایـد او را حبس کنـد بلکه بایـد او را آزاد کند تا وقتی که تمکّن پیدا کرد دیه را ادا کند. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۲

### دیه تنبیه فرزند

### س ۲۰۹۰

**اشاره**

– شخصـی برای تربیت کردن فرزنـدانش دست به کتک با کمربنـد و یا هر چیز دیگری می‌زند و آنان را به وضـعی تنبیه می‌کند که جای آن کبود، سیاه می‌شود و یا خون می‌آید آیا چنین کاری شرعاً جایز است؟

**ج**

– تأدیب فرزنـدان بر پـدر لازم است لکن در حـدودی که شـرع مقدّس اجازه داده و دسـتور شـرع به اتفاق همه مراجع این است که تنبیه باید بنحوی باشد که موجب دیه نشود پس اگر طوری باشد که بدن یا صورت سرخ یا کبود یا سیاه شود و یا خون بیاید حرام و معصیت است و هر یـک دیه دارد که تفصیل آن در توضیح المسائـل مسأله ۲۸۱۶ ذکر شـده ضـمناً یـادآوری می‌شود زدن زیاد مخصوصاً به صورت مذکوره در سؤال، غالباً نتیجه معکوس دارد و در آینده عکس العمل‌های غیر مطلوب از طرف فرزندان دارد به هر حـال بایستی کمال ملاحظه را در تأدیب فرزنـدان نمود که هـدف تربیت باشـد نه تشـفّی قلب و غیره که به خاطر حال عصبی که پیدا شده پیش می‌آید.

**س ۲۰۹۱**

**اشاره**

– شخصـی فرزند خودش را طوری زده است که دیه واجب شده و این شـخص دیه را به صاحب دیه نپرداخت تا فرزند بالغ شد حال باید دیه را بدهد به فرزند و اگر فرزند خودش ببخشد یا مصالحه کند بریء الذّمهٔ می‌شود یا نه؟

**ج**

– در مورد سؤال اگر فرزند دیه را ببخشد و یا مصالحه کند پدر بریء الذمه می‌شود.
و اللَّه العالم

**س ۲۰۹۲**

**اشاره**

– معلّمی که شاگرد خود را کتک بزند بحدّی که دیه واجب شود، دیه را به ولیّ شرعی می‌دهند یا بعد از بلوغ به فرد مضروب؟ و اگر دیه را به پـدر کودک دادنـد آیا او می‌تواند مصـرف کند یا باید نگهدارد و بعداً به فرزند بدهد؟ و اگر کودک کتک خورده بعد از بلوغ و رشد فکری بگوید من راضی هستم و پدر قبلًا مقدار دیه را مصرف کرده باشد باید برگرداند یا خیر؟

**ج**

– در فرض سؤال باید دیه به ولیّ شرعی طفل پرداخت شود و ولیّ باید دیه را برای طفل حفظ کند یا به مصارف لازم او برساند بلی ولیّ می‌تواند بعنوان قرض

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۳

دیه را مصرف نماید و بعد از بلوغ طفل به او بپردازد و طفل بعد از بلوغ می‌تواند عفو نماید و عین دیه را اگر باقی باشد یا عوض آن را به جانی برگرداند ولی بر ولیّ میت که طبق ولایت عمل کرده چیزی نیست. و اللَّه العالم

### دیه جنین

### س ۲۰۹۳

#### اشاره

- زنی اقدام به سقط جنین نموده است آیا کفاره دارد یا نه؟ اگر دارد چه مقدار است و چه چیزی است و باید به چه کسی بدهد؟ آیا دیه به زن تعلّق می‌گیرد یا به شوهرش؟

#### ج

- این کار، دیه دارد و دیه آن در حال نطفه بودن بیست مثقال شرعی طلای سکه دار است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است و اگر علقه یعنی خون بسته باشد چهل مثقال و اگر مضغه یعنی پاره گوشت باشد شصت مثقال و اگر استخوان شده باشد هشتاد مثقال و اگر گوشت آورده ولی هنوز روح در او دمیده نشده باشد صد مثقال و اگر روح دمیده شده چنانچه پسر باشد هزار مثقال و اگر دختر باشد پانصد مثقال و دیه را در مورد سؤال اگر خود زن قرص و دوائی که موجب سقط می‌شود خورده باشد باید زن بدهد و اگر دکتر مرتکب سقط جنین شده دیه بر ذمّه دکتر است.

### س ۲۰۹۴

#### اشاره

- دیه سقط جنین بر زن واجب است یا بر دکتری که آمپول می‌زند یا کورتاژ می‌کند؟

#### ج

- هر کس مباشر سقط باشد ضامن دیه است و در فرض سؤال دکتری که آمپول می‌زند و بچه سقط می‌شود و یا کورتاژ می‌کند مباشر است. و اللَّه العالم

### س ۲۰۹۵

#### اشاره

- اگر زن حامله فوت نماید و دکتر متخصص تشخیص بدهد که حمل زنده است دکتر می‌خواهد طبق وظیفه شرعی و انسانی با

عمل جراحی حمل را زنده از شکم مادر بیرون آورد ولی شخصی از اقرباء زن مانع خارج نمودن حمل می‌شود و بچه در شکم مادر فوت می کند لطفاً بیان فرمائید شخصی که مانع از خارج کردن حمل شده ضامن دیه بچه فوت شده خواهد بود یا خیر؟

#### ج

– اگر شخص مذکور بطور قهر مانع شده باشد ضامن دیه است و الّا منع غیر قهری او سبب سقوط تکلیف ولیّ طفل و همچنین پزشک نمی‌شود ولی با ترک تکلیف و عدم اخراج طفل ظاهراً کسی ضامن دیه نیست هر چند معصیت کرده‌اند. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۴

### س ۲۰۹۶

#### اشاره

– اگر زن حامله کاری کند بچه‌اش سقط شود و در رسائل عملیه می‌نویسند که باید دیه آن را به وارث بچه بدهد و به خود زن از آن چیزی نمی‌رسد اگر شوهر اطلاع داشته و راضی باشد از این کار و اجازه بدهد در سقط جنین، آیا دیه به شوهر یعنی پدر این بچه می‌رسد؟ یا نه بلکه باید ببرادر و خواهر و جد و جده این بچه بدهد که طبقه دوم محسوبند و در صورت عدم تعلق به پدر آیا شوهر در اداء دیه با آن زن شریک است یا خیر؟

#### ج

– در فرض سؤال اگر مادر مباشر سقط جنین بوده دیه بر عهده مادر است و باید آن را بشوهر بدهد، و اگر با موافقت و رضایت شوهر بوده احتیاط این است که پدر بچه و کسانی که بعد از پدر وارث بچه هستند که در مورد سؤال برادر و خواهر و جدّ و جدّه می‌باشند با هم مصالحه کنند و شوهر در اداء دیه با زن شریک نیست.

## دیه اعضاء

### س ۲۰۹۷

#### اشاره

– بر اثر درگیری و در مقام دفاع از نفس بطوری که داشتم خفه می‌شدم در فروردین ماه ۱۳۵۷ در اثر گاز گرفتن بینی یکی از مهاجمان قسمتی از نوک بینی ایشان کنده شد و این موضوع مورد تأیید کارشناس پزشکی قانونی و ریاست دادگاه قرار گرفته است و در نظریه پزشکی قانونی نوشته شده است قسمتی از نوک بینی پارگی و کندگی دارد نقص عضوی بوجود نیامده است.
علی‌هذا نظر باینکه طبق ماده ۳۵۸ قانون مجازات اسلامی دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف دیه کامل انسان تعیین شده خواهشمند است در مقام استفتاء بیان فرمایید، کنده شدن قسمتی از نوک بینی که نقص عضو نیز ایجاد نشده باشد همان میزان دیه را دارد یا خیر؟

ج

- دیه کنده شدن نوک بینی که به آن روثه گفته می‌شود نصف دیه کامله است و در فرض سؤال که قسمتی از نوک بینی جدا شده دیه مقدّره ندارد و باید ارش داده شود و چون تعیین ارش در این زمان ممکن نیست طرفین باید با مصالحه یکدیگر را راضی نمایند بلی اگر در مقام دفاع از خود بوده و بغیر این طریق راه دیگری برای دفاع نداشته چیزی بر او نیست ولی اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۵

لازم است. و اللَّه العالم.

س ۲۰۹۸

اشاره

- اگر گلوله به دست یا پای کسی فرو رود و از طرف دیگر خارج شود و موجب فلج دست یا پا نیز بشود آیا فقط دیه جائفه بر عهده جانی است یا دیه فلج نمودن دست یا پا یا هر دو دیه بر عهده جانی مستقر است و در هر صورت اگر زخم ظاهری نیز ایجاد شده باشد دیه مستقل دارد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال باید دیه فلج شدن که دو ثلث دیه خود عضو است داده شود و با حصول فلج چیزی جهت زخم ظاهری آن زائد بر دو ثلث دیه عضو لازم نیست.

س ۲۰۹۹

اشاره

- اگر در اثر جنایت جانی مچ دست کسی بشکند و در اثر ضربه، محدودیت در حرکت دست به میزان هفتاد در صد ایجاد شود بیان فرمائید دیه چنین جنایتی چه می‌باشد.

ج

- اگر شکستگی زند موجب خشک شدن کف یا شل شدن تمام انگشتها شود دیه آن دو ثلث دیه دست است با توجه به اینکه توانائی حرکت دست هفتاد در صد از بین رفته است بعید نیست که جانی ضامن هفتاد در صد دو ثلث دیه تمام دست باشد لکن احتیاط به مصالحه ترک نشود.

س ۲۱۰۰

### اشاره

– این جانب بعنوان کارگر در موتور آب مشغول کار بودم و موقع برگشت جهت صرف عصرانه و چای به موتورخانه، کارفرما مشغول دسته نمودن بیل بود و بنده را صدا زد بیا اینجا بنشین تا بیل را دسته بزنم و با هم برویم متأسفانه پیشه‌ای از بیل ایشان به چشم بنده فرورفت و ایشان به خانم خود دستور داد با آهن‌ربا پیشه را در بیاور متأسفانه خسارات جبران‌ناپذیری به چشم بنده وارد شده که قادر به جبران آن نیستم چون از نظر مالی خیلی بی‌بضاعت می‌باشم لذا خواهشمندم شما بفرمائید به این امر، ایشان باید دیه بپردازد یا خیر؟

### ج

– در مورد سؤال اگر کار فرما و خانم ایشان باعث مصدوم شدن چشم شده‌اند باید دیه بدهند و نسبت به مقدار آن با هم مصالحه نمائید.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۶

## س ۲۱۰۱

### اشاره

– دیه شرعی مربوط به شکستگی استخوان گونه صورت، طرف چپ را تعیین فرمائید. ضمناً لازم به ذکر می‌باشد که عمل جراحی این شکستگی با پیوند استخوان از قسمت لگن انجام گرفته است.

### ج

– دیه شکستگی استخوان صورت، ده شتر (عشر دیه نفس) است.

## س ۲۰۱۰۲

### اشاره

– پسر بچه ۱۱ ساله‌ای در اثر تصادف با ماشین، مضروب و مجروح گردیده که موارد جرح به شرح زیر می‌باشد:

۱- پوست و گوشت قسمت زیادی از ماهیچه ساق پا و ران مجروح و لِه گردیده (در حدی که گوشت‌های جدا شده از پا به زمین ریخته).

۲- باعث خرد شدن و قطعه‌قطعه شدن کاسه زانو و مفصل گردیده.

۳- بعضی از اعصاب و رگ‌های زیر زانو و ماهیچه‌ها که در سلامت و حرکت پا نقش دارند در حد پاره شدن بوده.

۴- صفحه رشد ما بین مفصل زانو (که از سنین کودکی الی ۱۸ سالگی باعث قد کشیدن و رشد استخوان ساق پا و ران می‌شود) از بین رفته در نتیجه این پا کوتاه می‌ماند و پای دیگر رشد طبیعی خود را دارد. نهایتاً پس از جراحی‌های مکرر و پیوندهای لازم، پای مصدوم کج و کوتاه و زانویش بی‌حرکت و مقداری خمیده مانده که طبق نظریه پزشکی قانونی در مجموع و شرایط فعلی ۶۵

درصـد نقص عضو (نسـبت به ارزش عضوی) ایجاد شده است خواهشـمند است مقدار دیه و یا ارش را که شـخص ضارب و مقصـر نسبت به موارد فوق باید بپردازد را بیان فرمایید.

۵- جهت ترمیم گـوشت و پـوست پـای مصـدوم، از پـای دیگرش گوشت و پوست برداشـته و پیونـد زده‌انـد آیـا پـای سـالم هم که تکه‌برداری شده و اثراتش باقی است، ارش دارد؟

#### ج

- ظاهراً مورد سؤال از موارد رضّ است و چون صـدمه به پای مصـدوم وارد شده و با معالجه بهبودی کامل نیافته دیه آن یک ششـم دیه کـامله است که بایـد پرداخت شود ولی نسـبت به گوشت و پوست پای دیگر مصـدوم که جهت معالجه جراحت وارده برداشـته شده و اثرش نیز باقی مانده جانی ضمانی ندارد. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۷

### س ۲۱۰۳

#### اشاره

- فردی در اثر ضربه وارده به سر وی- خونریزی، داخلی مغزی پیدا کرده است و جرحی به سر وی وارده نشده تا به کیسه مغز برسد آیا این عمل به حکم ماموه و جانی باید ثلث دیه را بپردازد یا آنکه ارش باید بپردازد؟

#### ج

- مورد سؤال ظاهراً از موارد مأمومه نیست و از موارد ارش است و چون تعیین ارش در این زمان به دقت ممکن نیست بایـد اختلاف با مصالحه حل شود. و اللّه العالم.

## قتل عمد و خطا

### س ۲۱۰۴

#### اشاره

- شخصـی غیر وارد، یـک خـانه درست کرده متأسّـفانه یـک عـدّه زیر آوار مانـده، خـانه خراب شـده است، کارشـناسان و معماران ارزیابی نموده و تشخیص میدهند که خانه خراب شده را کسی درست کرده است که وارد نبوده، و در مصالح ساختمانی هم خیانت شده است لذا از حضرت عالی تقاضامندیم که آیا قتل عمد است یا خیر؟

#### ج

- مورد سؤال، قتل عمد محسوب نمی‌شود.

### س ۲۱۰۵

#### اشاره

– ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی– قتل در موارد زیر قتل عمدی است– بند ن: مواردی که قاتل عمداً کاری انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد، نظر حضرتعالی چیست؟

#### ج

– بلی در صورت مذکوره قتل عمد است. و اللَّه العالم

### س د ۲۱۰

#### اشاره

– در قتل اگر قاتل قصد زدن را داشته باشد اما قصد کشتن نداشته باشد اینگونه قتلها عمد است یا خیر و چه حکمی دارد؟ مثلًا برای ترساندن یا تنبیه کردن.

#### ج

– اگر با وسیله‌ای باشد که غالباً قتل به آن واقع می‌شود و ضارب عالم به این جهت باشد اگر چه قصد قتل نداشته باشد حکم قتل عمد را دارد.

### س ۲۱۰۷

#### اشاره

– اگر دو نفر یا بیشتر یک نفر را عمداً بکشند آیا اولیاء مقتول می‌توانند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۸

با پرداخت دیه قاتلین، تمام قاتلین را اعدام کنند یا خیر؟

#### ج

– اولیاء دم می‌توانند با پرداخت دیه اضافی قاتلین را قصاص کنند.

### س ۲۱۰۸

#### اشاره

– ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی، در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می‌شود، نظر حضرتعالی چیست؟

### ج

– مورد سؤال قتل خطا است. و اللّه العالم.

### س ۲۱۰۹

### اشاره

– مردی ۴۰ سال قبل زن سیده‌ای را متعه کرده اولادی از او متولد شده زن دائمی آن آقا، شوهر را وادار کرده که بچه را از بین ببرند دو نفری مقداری تریاک در نعلبکی ریخته او را می‌کشند حالا پشیمان شده‌اند آیا دیه او را باید در چه راه صرف کنند؟ (البته آن سیده که متعه بوده فوت کرده برادر او زنده است).

### ج

– پناه بخداوند متعال از اغوائات شیطان و تسویلات نفس اماره البته عاملان این عمل فجیع باید در توبه و استغفار، اهتمام و اصرار نمایند و کفاره قتل نفس عمدی کفاره جمع، آزاد کردن مملوک، دو ماه پی‌درپی روزه و اطعام شصت مسکین است که هر کدام محلول تریاک را بحلق طفل ریخته و او را کشته است باید از عهده این کفاره برآید و نسبت به آزاد کردن مملوک چون فعلًا غلام و کنیز در دسترس نیست تکلیف ندارد و اما دیه اگر کسی که محلول تریاک را به طفل خورانده پدر او بوده باید دیه بدهد و دیه به وارث او که مادر او بوده می‌رسد و اگر او فوت کرده بوارث او می‌رسد و اگر کشنده طفل که محلول را باو خورانده زن پدر او بوده حکم قتل عمدی را دارد که قصاص است و ناچار باید بوارث مادر مقتول مراجعه نماید که یا به تفصیلی که در فقه معیّن شده تحت نظر حاکم شرع جامع الشرائط قصاص شود و یا ورثه مادر را راضی به عفو و گذشت نمایند البته حکم مجازات هر کدام که بچه را نگاه داشته تا دیگری او را بکشد در صورت ثبوت نزد حاکم شرع حبس دائم است ولی چون موضوع در محضر حاکم مطرح نشده اقرار بجرم نزد او واجب نیست امید است با همان توبه و استغفار جبران بشود. و من یعمل سوءاً أو یظلم نفسه ثم یستغفر اللّه یجد الله غفوراً رحیماً و اللّه العام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۹

### س ۲۱۱۰

### اشاره

– در حال رانندگی با موتورسواری تصادف نموده و منجر به مرگ او شد حال علاوه بر دیه معمولی مبلغی به خاطر وقوع در ماه رجب از من مطالبه می‌شود آیا در قتل خطائی هم می‌توانند چنین مبلغی را مطالبه نمایند یا فقط در قتل عمد و شبه عمد است؟ و در صورت جواز مطالبه به چه کسی باید پرداخت گردد؟

ج

– تغلیظ دیه اضافه بر دیه معمولی در ماههای حرام نسبت به قتل عمد و شبه عمد ثابت ولی در مورد قتل خطائی محلّ اشکال است و بهتر است نسبت بمقدار زائد بر دیه معمولی بین طرفین مصالحه شود و مقدار زائد باید به ورثه مقتول داده شود. و اللّه العالم

### عاقله

### س ۲۱۱۱

#### اشاره

– استحضار دارید نظریه مشهور بین فقها در قتل خطای محض که با بیّنه ثابت می‌شود، آن است که دیه مقتول بر عهده آن دسته از خویشاوندان قاتل که عاقله نامیده می‌شوند، می‌باشد و آنها می‌بایست دیه را پرداخت نمایند و لازم نیست خود قاتل چیزی بپردازد. و همچنین است در جنایات مربوط به صغار یا مجانین که دیه مقتول بر عهده عاقله صغیر یا مجنون است.
آیا این نظریه که حکم مزبور منحصر به جوامعی است که ساختار اجتماعی آنها در قالب یک نظام قبیله‌ای باشد، درست است؟ یا به نظر حضرت عالی، ارتباطی به نوع زندگی اجتماعی نداشته، شامل همه جوامع در همه زمانها و مکانهاست؟

ج

– احکام شرعیّه بطور کلی شامل همه جوامع و اماکن و همه ازمنه و اعصار است و فتح باب مثل این احتمال در مثل این حکم که اختصاص به زمانی دون زمان یا قبیله و مردم خاصی داشته باشد که قابل تسریه به بسیاری از احکام است با خاتمیّت اسلام و جاودانی بودن دین حنیف منافات دارد «و من یبتغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» حلال محمد حلال إلی یوم القیامة و حرامه حرام إلی یوم القیامة.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۰

### س ۲۱۱۲

#### اشاره

– در صورت پذیرش نظریه مشهور، آیا عاقله، تکلیفاً مسئول پرداخت دیه است و ضمان بر عهده خود قاتل می‌باشد، یا این حکم در موارد مزبور، تکلیفاً و وضعاً، بر عهده عاقله ثابت است و قاتل هیچ نوع مسئولیتی ندارد؟

ج

– حکم نسبت به عاقله وضعی است که حکم تکلیفی اداء دیه از آن منتزع است.

### س ۲۱۳۱

### اشاره

– فرزنـد ۳ سـاله این جـانب در یـک جلسه مهمـانی در موقع صـرف میوه که بـا بچه‌هـای دیگر مشـغول بـازی بوده ناگهـان چـاقوی میوه‌خوری پرتاب می‌کنـد و به چشم پسـر بچه دیگری برخورد کرده و بطور کلی یک چشم کودک مضـروب از کار افتاده و بکلی دید ندارد و در اثر بازی این حادثه رخ داده است و بزرگترها هیچ‌گونه مداخله‌ای نداشـته‌اند اسـتدعا دارد طبق موازین شـرعی حکم را مرقوم فرمائید

### ج

– ظاهراً در مورد سؤال دیه بر عاقله است.

## حکم دیه اعضاء میت

### س ۲۱۱۴

### اشاره

– سوزاندن میّت و جدا نمودن سر او از بدن دیه دارد یا نه و در صورت دیه وارث از آن ارث می‌برد یا خیر؟

### ج

– دیه دارد و ورثه از آن ارث نمی‌برد باید مصرف خیرات جهت میّت بشود.

## احکام دیه در سوانح رانندگی

### س ۲۱۱۵

### اشاره

– اگر راننـده‌ای ناگهـان خود را مخیر بین دو محـذور ببینـد مثلًا یا بایـد از تصادف با ماشـین مقابل فرار کنـد و به ناچار با عابر پیاده برخورد نماید و یا با ماشـین مقابل تصادف نموده و موجب قتل مسافرین گردد و سرانجام راه اوّل را انتخاب نموده و با عابر برخورد و موجب قتل عابر شود آیا قتل عمد محسوب

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۱

است و حکمش قصاص است و یا حکم دیگری دارد؟

### ج

- مسأله شقوق و فروض مختلف دارد، یک فرض اینست که راننده ماشین ببیند ماشینی که از روبرو می‌آید بوضع غیر عادی و غیر مجاز چنان در حرکت است که تصادم او با او، و تلف مسافرینش و بلکه مسافرین ماشین روبرو قطعی است و برای نجات خود و مسافرینش راهی غیر از تغییر مسیر و قتل عابر پیاده نباشد در این صورت تغییر مسیر و قتل عابر پیاده برای دفع خطر ماشین مذکور جایز نیست و قتل، قتل عمد و قصاص دارد و دوران امر بین المحذورین نیست فرض دوم این ستکه ماشین او خود بخود با ماشین مقابل یا شیء دیگری تصادم می‌کند و رفع تصادم متوقف بر قتل عابر پیاده است در این صورت نیز قتل عابر جائز نیست و قتل عمد است و مثل این ستکه سیل به خانه‌ای که در آن ده نفر باشند متوجّه باشد و شخصی آن را بخانه‌ای که پنج نفر در آن تلف می‌شوند بگرداند فرض سوّم این ستکه حادثه طوری پیش آمده باشد که راننده یا باید ماشین را باختیار به سمتی که تصادف در جلو دارد ببرد و جمعی را هلاک کند یا بسمتی که منجر بقتل یک نفر می‌شود، برود در این صورت عقلًا بلکه شرعاً باید اقل المحذورین را انتخاب نماید و نظیر آن این ستکه راننده ملاحظه کند یا باید به اختیار ترمز کند و عدّه‌ای تلف شوند یا باید جلو برود و به تصادف با خطر دیگری برخورد کند که در این صورت هم اقلّ المحذورین را باید انتخاب کند و به هر حال در صوری که مسأله دوران امر بین المحذورین باشد و خود راننده سبب حادثه شده باشد چون قتل از روی عمد و قصد واقع می‌شود ظاهراً حکم قتل عمدی را دارد اگر چه احتیاط این ستکه ورثه مقتول به دیه اکتفاء کنند و اگر راننده سبب نشده و حادثه در اثر مثل نقص فنّی و جریان ناگهانی واقع شده حکم قصاص ندارد و باید به دیه اکتفاء شود.

## س ۲۱۱۶

### اشاره

- اتومبیلی با سرعت مجاز و رعایت مقررات راهنمائی و رانندگی از کوچه‌ای در حال عبور بوده که ناگهان فردی از یکی از منازل با سرعت به قصد ورود به منزل مقابل بیرون می‌آید و با اتومبیل برخورد نموده و کشته می‌شود آیا قتل از موارد خطاء محض است و یا خون عابر هدر است؟

### ج

- در این فرض اگر قتل مستند به بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی خود عابر باشد و

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۵۲

راننده با مراعات سرعت مجاز قادر بکنترل وسیله سواری نباشد ظاهر اینست که خون عابر هدر است و الّا قتل به هر صورت واقع شده شبه عمد یا خطا، حکم آن را دارد.

## س ۲۱۱۷

### اشاره

- اگر شخصی از راننده‌ای بخواهد او را به تهران ببرد، در وسط راه بر اثر بارندگی شدید و ترمز کردن راننده، ماشین دچار حادثه شود و شخص مسافر به رحمت خدا واصل شود، راننده اکنون زنده است. سؤال این است که نسبت به کفاره این قتل آیا راننده

مسئولیتی دارد یا نه؟ (در ضمن در موقع بارندگی به امر مسافر راننده تصمیم می‌گیرد سرعت ماشین را کم کند ولی اشتباهاً ترمز می‌کند که منجر به واژگونی ماشین می‌شود)؟

### ج

– در فرض سؤال که قتل بر اثر اشتباه راننده در ترمز گرفتن صورت پذیرفته است قتل خطائی است و کفاره آن بترتیب، عتق رقبه و ۶۰ روز روزه گرفتن و ۶۰ مسکین طعام دادن است که با عجز از هر کدام دیگری واجب می‌شود.

### س ۲۱۱۸

– شخصی ماشین سواری دارد و کارش حمل مسافر و گرفتن کرایه نیست روزی رفیقش را با هدف احسان و خدمت به او سوار میکند که به مقصد برساند بدون کرایه در بین راه بر حسب اتفاق چرخ ماشین می‌ترکد و ماشین واژگون می‌شود و آن شخص فوت می‌کند آیا دیه او بر راننده واجبت یا خیر؟

ج– در فرض سؤال، چنانچه صاحب ماشین هیچ‌گونه مسامحه‌ای در رسیدگی به ماشین و برطرف نمودن عیب و نقص آن و همچنین در مراعات نحوه رانندگی از جهت سرعت و غیره ننموده قتل مستند به راننده نیست و دیه ندارد، و اگر در رعایت امور مذکوره مسامحه شده باشد قتل شبه عمد است و دیه آن بر عهده خود قاتل است. و اللّه العالم

### س ۱۲۱۹

### اشاره

– این جانب راننده نیسان‌بار با شخص موتورسواری تصادف کردم (یعنی موتور آمده روی ماشین) به‌هرحال موتورسوار فوت شده است و منجر بقتل خطایی و دیه متوجه این جانب شده است:

۱– قتل خطایی که دیه بر عاقله شخص فوت شده پسر عمومی مادر پدرم بود

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۳

است و نسبتا بین فامیلهای این جانب متمکن بوده و فعلا از اولیا دم همچنان متمکنند آیا عاقله شامل آنها خواهد شد که مرا در دیه کمك كنند.

۲– دیگر اینکه دیه خطایی در چند مدت باید ادا شود.

### ج

– مدّت پرداخت دیه در قتل خطائی سه سال است و ابتدای مدت از حین موت مقتول است و نسبت بعنوان قتل خطائی بوده یا شبه عمد، اگر راننده وانت هیچ‌گونه تقصیری نکرده و تقصیر از موتور سوار بوده که خود را در معرض تصادف قرار داده راننده وانت ضامن نیست و اگر در وقوع تصادف هیچ‌یك مقصر نبوده است قتل خطائی است و عاقله که باید دیه را بدهد عبارت است از

خویشان پدری قاتل مانند پدر و عمو و جدّ پدری و برادر و پسر عمو و در مورد قتل خطائی، دیه بر عهده قاتل نیست و چنانچه بیان شد بر عاقله است. و اللّه العالم

### س ۲۱۲۰

### اشاره

– در تصادفی ما بین اتوبوس و موتوری و خاور، راکب موتورسیکلت فوت مینماید نحوه تصادف به شرح زیر بوده:

۱– اتوبوس شهری در جاده در حرکت بوده که بعلت متوقف شدن ماشین قبلی متوقف می‌شود و برای اینکه به حرکت خود ادامه بدهد بدون توجه به وضعیت پشت سر خود و نگاه به آئینه سمت چپ فرمان را به سمت چپ می‌پیچد.

۲– موتور سواری که از پشت سر اتوبوس و در جهت اتوبوس حرکت مینموده به محض انحراف اتوبوس به قسمت بدنه جلو اتوبوس اصابت نموده و کنترل موتور از دستش خارج و به وسط جاده پرتاب می‌شود. خاوری که از همان جاده و در جهت مخالف اتوبوس و موتوری در حرکت بوده موتور سوار را زیر لاستیک خود می گیرد و موتوری فوت می‌نماید.

۳– راننده اتوبوس مدعی است موتوری پس از پرتاب شدن و به زمین خوردن بلند شد و ایستاد و اگر راننده خاور سرعتش زیاد نبوده و او را زیر نمی‌گرفت موتوری کشته نمی‌شد. بعضی از شهود و ناظرین صحنه اظهار میدارند راکب موتور پس از خوردن به زمین بلند شد و نشست و دستهای خود را روی سر گرفت که خاور او را زیر گرفت.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۴

۴– هیچ‌گونه خط ترمزی از خاور در جاده مشاهده نشده است.

۵– راننده اتوبوس و بعضی از شهود و ناظرین صحنه اظهار می‌دارند فاصله خاور با راکب حدود بیست متر بوده است ولی راننده خاور مدعی است که فقط صدائی شنیده است و پس از ایستادن متوجه شده موتوری زیر چرخ خاور رفته و منظورش این است که فاصله‌اش با اتوبوس در حین برخورد موتورسیکلت بسیار کم بوده.

۶– کارشناسان تصادف، مقصر در حادثه را راننده اتوبوس بعلت انحراف به چپ می‌دانند با توجه به شرح واقعه و سببیّت اتوبوس و مباشرت خاور حکم موضوع را بیان فرمائید آیا در صورتی که ثابت شود فاصله خاور حدود بیست متر بوده و هیچ‌گونه اثر ترمزی نیز از خاور مشاهده نشده می‌توان راننده خاور را مقصّر صد در صد فرض نمود، یا اینکه در هر صورت سبب اقوی از مباشر بوده و در نتیجه اتوبوس مقصر در حادثه و ضامن دیه است یا حکم دیگری دارد؟

### ج

– با فرض اینکه موتور سواری که به اتوبوس خورده پس از آن زنده بوده و موت او بواسطه این واقع شده که خاور او را زیر گرفته چنانچه خاور با سرعت مجاز در حرکت بوده و راننده قادر به کنترل آن نبوده ظاهراً قتل مستند به راننده اتوبوس می‌شود زیرا سبب اقوی از مباشر است و اگر خاور با سرعت غیر مجاز در حرکت بوده یا راننده قادر به کنترل آن بوده است قتل به راننده خاور مستند می‌شود. البته استناد قتل به راننده خاور موجب سقوط دیه جراحاتی که از جهت اتوبوس به مقتول وارد شده نیست و اگر راننده اتوبوس با راننده خاور در دعوی اختلاف داشته باشند و با بیّنه شرعیّه دعوی احد طرفین ثابت نشود و قاضی نیز از اوضاع و احوال و

امارات علم پیدا نکند مورد، مورد تحالف است و با تحالف طرفین بعید نیست که اگر طرفین به تنصیف دیه توافق نکنند حکم رجوع به قرعه باشد.

### س ۲۱۲۱

### اشاره

- این جانب مدت ۹ سال است که با فردی یک دستگاه اتوبوس که هر کدام سه دانگ از آن را به شراکت خریدیم و در این مدت شریکم راننده آن بوده است و هر چه بدست می‌آورد، بدون پرسیدن از آن هر بار مقداری از درآمد به این جانب می‌داد و در مخارج اتوبوس هم، با هم شریک بودیم. در اواخر ماه صفر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۵

به علت خارج شدن اتوبوس از جاده و واژگون شدن ان راننده شریکم و یک نفر از مسافران آن کشته شدند. لازم به ذکر است که وضع زندگی آنها از لحاظ مالی خوب می‌باشد و قیم آنها نیز خانمش می‌باشد و فرزندان مرحوم ۸ نفر و خانواده خودم نیز ۱۰ نفر می‌باشند. اکنون وظیفه ما نسبت به سهمی که به شراکت داشتیم از لحاظ شرعی چیست؟ آیا خسارت ناشی از حادثه با خانواده شریکم راشد می‌باشد یا به طور شراکت؟

### ج

- بطور کلی مجرد شرکت در ماشین موجب شرکت در ضمان دیه مقتول نیست دیه مقتول اگر قتل شبه عمد باشد بعهده قاتل است و اگر خطائی باشد بعهده عاقله قاتل است و اما نسبت به خسارت وارده بخود ماشین اگر راننده تعدّی و تفریط در محافظت ماشین نکرده باشد ضامن خسارت وارده بر ماشین نیست. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۷

قصاص

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۹

## قصاص

### احکام قصاص

### س ۲۱۲۲

### اشاره

- آیا مجازات قتل عمد فقط قصاص است یا قصاص و دیه؟

ج

– مجازات قتل عمد قصاص است بلی اولیاء دم می‌توانند با دریافت وجه یا بدون آن از قصاص صرف نظر نمایند. و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۳

اشاره

– آیا قصاص حق انحلالی است یا غیر انحلالی (بسیط) است؟

ج

– حق قصاص برای همه اولیاء دم است و اگر بعضی از آنها عفو کنند باید قصاص‌کننده به مقدار سهم عفوکننده از دیه را به ورثه قاتل بدهد و اگر بعضی از اولیاء دم راضی به دیه شوند باید قصاص‌کننده به مقدار سهم راضی شونده از دیه را، به راضی شونده بدهد. و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۴

اشاره

– آیا برای اجرای اعدام در مواردی که شارع نحوه آن را مشخص ننموده است، واجب است حکومت نوعی را انتخاب کند که حد اقل درد را برای
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۰
محکوم دربرداشته باشد؟

ج

– در فرض سؤال بر حاکم شرع واجب نیست کیفیت مذکور در سؤال را انتخاب کند.
و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۵

اشاره

– اگر اولیاء مقتول بعضی صغیر و بعضی کبیر باشند اولیاء کبیر می‌توانند با پرداخت حقّ اولیاء صغیر قصاص کنند؟

**ج**

– مانعی ندارد. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۲۶**

**اشاره**

– آیا ولیّ و یا قیم می‌تواند به نیابت از صغار مطالبه قصاص نماید؟

**ج**

– نمی‌تواند. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۲۷**

**اشاره**

– آیا می‌شود قاتل را در زندان نگه داشت تا اینکه صغار کبیر شوند؟

**ج**

– چنانچه با گرفتن کفیل و ضمان اطمینان به دسترسی به قاتل پیدا شد نگهداری او در زندان مجوز شرعی ندارد و نگهداشتن قاتل در زندان تا کبیر شدن صغیر ظلم بر قاتل است (بلکه اگر کفیل و ضمانی هم نباشد نگهداشتن قاتل در زندان جائز نیست). و اللَّه العالم.

**س ۲۱۲۸**

**اشاره**

– چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو نماید حق قصاص ساقط می‌شود و اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند نظر حضرتعالی چیست؟

### ج

– بر حسب فتوای جمعی از فقهاء عظام حق قصاص ولیّ در صورت مذکوره ساقط نمی‌شود ولی به نظر حقیر جواز قصاص در غایت اشکال است. و اللَّه العالم.

### س ۲۱۲۹

### اشاره

– شخصی دست کسی را می‌گیرد تا قدرت دفاع را از او سلب کند، ثالثی نیز نظارت و دیده‌بانی می‌دهد تا کسی مطلع نگردد و رابعی او را به قتل می‌رساند در این فرض اولًا مجازات قاتل و ممسک و دیده‌بان چیست و ثانیاً مجازات ممسک و دیده‌بان آیا حکم است تا قابل اسقاط نباشد یا حقّ است که با رضایت اولیاء دم قابل اسقاط باشد؟

### ج

– مجازات قاتل قصاص است و مجازات ممسک حبس ابد است و مجازات

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۱

دیده‌بان این است که چشم او را کور کنند و مجازات ممسک و دیده‌بان با رضایت ولیّ دم ساقط می‌شود. و اللَّه العالم.

### س ۲۱۳۰

### اشاره

– در رابطه با این فتوی که «من تعلّق علیه القصاص و قتله غیر ولیّ القصاص یقتصّ منه» آیا حق قصاص از اجنبی و غیر ولیّ قصاص مختص اولیاء دم اوّلی یعنی اولیاء دم مقتول اوّل است یا این قصاص، حقّ اولیاء دم دومی یعنی اولیاء دم قاتل است که خود مقتول ثانی است؟ ضمناً این حق مختص به هر کدام باشد آیا حقّ دیگری باطل و موضوعاً منتفی می‌گردد یا تبدیل به دیه و امثال این می‌گردد؟

### ج

– در فرض سؤال که مثلًا زید قاتل عمرو بوده و فرزند عمرو (ولی دم) حق قصاص داشته و بکر که اجنبی بوده زید قاتل را کشته است چون مقتول زید از جهت این که بدون اذن ولیّ دم (فرزند عمرو) واقع شده ظلماً بوده قصاص برای فرزند زید ثابت است که ولیّ دم زید است و ربطی به ولیّ دم عمرو مقتول (پسر عمرو) ندارد ولیّ دم عمرو حق دیه هم ندارد چون بعد از کشته شدن زید

قاتل عمرو، محلّ قصاص باقی نیست تا زمینه برای تبدّل به دیه فراهم باشد. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۳۱**

**اشاره**

- در صورتی که شخصی بر اثر قتل عمد مهدور الدم می‌شود اما قبل از این که اولیاء دم حق القصاص خویش را استیفاء کنند شخص دیگری فضولهٔ جانی را می‌کشد حال این شخص فضول قصاص می‌شود در مقابل کدام قاتل؟
اگر در مقابل قتل خودش باشد حق اولیاء مقتول اول چه می‌شود در مقابل کدام مقتول؟ اگر در مقابل قاتل خودش باشد حق اولیاء مقتول اول چه می‌شود؟ در صورت تبدیل به دیه چه کسی دیه را خواهد پرداخت؟

**ج**

- در مورد سؤال که شخص دیگر یعنی غیر ولیّ بدون دستور ولیّ دم جانی را کشته شخص مذکور به جهت قتل جانی قصاص می‌شود و چون مقتول اوّل از بین رفته زمینه قصاص برای جنایت او نیز از بین رفته است لذا تبدّل قصاص به دیه هم مورد ندارد و کسی که بی‌اجازه قاتل را کشته، فرزندان قاتل می‌توانند او را قصاص کنند و مربوط به ولیّ دم مقتول اوّل نیست. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۳۲**

**اشاره**

- پسرم با وجود اینکه مریض روانی می‌باشد و تحت نظر پزشکان
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۲
متخصص اعصاب و روان بوده بعلت نزاع به قصاص محکوم و اولیاء مقتول تحت هیچ عنوانی رضایت نمی‌دهند و می‌خواهند فرزند مریض بنده را (که حتی به پزشک قانونی معرفی نکردند و ریاست دادگاه تحت عنوان اینکه از نظر بنده ایشان سلامت است) اعدام نمایند حالیه سؤال دارم که آیا با بودن مدارک و شهود و وجود خود فرد مریض روانی آیا شارع مقدس دین مبین حق اینچنین اجازت به حاکم و حاکمان خود تفویض نموده که چنین فرد روانی را اعدام نمایند یا خیر؟

**ج**

- بطور کلّی چنانچه به طریق شرعی ثابت شود که قاتل حین ارتکاب به قتل مبتلا به جنون بوده قصاص جایز نیست و باید دیه گرفته شود. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۳۳**

### اشاره

– اگر شخصی ولد زنا را به قتل برساند شخص قاتل را می‌توان قصاص کرد یا نه، و در صورت عدم جواز قصاص، مقدار دیه را بیان و وارث آن را مشخص فرمائید.

### ج

– در مورد سؤال چنانچه ولد زنا بالغ بشود و بعد از بلوغ اسلام اختیار کند حکم سائر مسلمین را دارد و قتل عمدی او موجب قصاص است و امر قصاص کردن با حاکم شرع جامع الشرائط است و اگر در فرض بلوغ و اختیار اسلام بغیر عمد کشته شود دیه کامله دارد و دیه به حاکم شرع جامع الشرائط باید داده شود که در موردش مصرف نماید و اگر بعد از بلوغ اظهار اسلام نکند و یا قبل از بلوغ کشته شده در اصل ثبوت دیه و مقدار قصاص قطع عضو پس از پیوند آن تردّد است.

### س ۲۱۳۴

### اشاره

– مردی، زنی را به قتل رسانیده با توجه به این که وقوع قتل در ماه حرام موجب اضافه شدن ثلث دیه می‌شود، اگر اولیاء دم تقاضای قصاص جانی را داشته باشند، باید نصف دیه یک مرد در ماه حرام را به او بپردازند یا نصف دیه یک مرد در غیر ماه حرام را؟

### ج

– نصف دیه یک مرد را در غیر ماه حرام بپردازند کافی است. و اللّه العالم

### س ۲۱۳۵

### اشاره

– در صورتی که بعد از اعدام و قبل از دفن در سردخانه یا پزشکی قانونی و ... در مجرم علائمی حیاتی دیده شود و با مداوا سلامت خود را بازیابد،
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۳
اجرای مجدد حکم چه صورتی دارد؟ آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟

### ج

– در فرض سؤال ظاهراً حکم اجرای حد و قصاص به قوت خود باقی است. و اللّه العالم

### س ۲۱۳۶

#### اشاره

– کسی که قرار است اعدام شود (حداً یا قصاصاً) اگر حدود و تعزیرات دیگری اقل از قتل بر او ثابت شود، می‌توان از آنها صرف نظر نمود؟

#### ج

– در فرض سؤال، نسبت به تعزیر امر موکول به نظر حاکم شرع است ولی حد باید قبل از اعدام اجرا شود، بلی چنانچه حد مربوط به حق الناس باشد و ذیحق بتواند آن را اسقاط کند ممکن است با صرف نظر کردن ذیحق، حد اسقاط شود مانند حدّ قذف. و اللّه العالم

## قصاص قطع عضو پس از پیوند

### س ۲۱۳۷

#### اشاره

– اگر جانی دست فردی را قطع کرد ولی مجدداً توسط طبیب پیوند زده شد در این فرض:
الف) بدون نقص و عیبی، دست مزبور صحیح و سالم شد.
ب) معیوب و شبیه عضو مفلوج است، جانی محکوم به پرداخت چه چیزی خواهد شد؟

#### ج

– اگر قطع دست، عمدی باشد جانی قصاص دارد و اگر غیر عمدی بوده در هر دو فرض دیه آن نصف دیه کامله است. پس اگر شبیه به عمد بوده دیه بر عهده جانی است و اگر خطایی بوده بر عاقله است.

## مصالحه و بخشش قصاص

### س ۲۱۳۸

#### اشاره

– آیا اگر اولیاء دم گذشت کنند قاتل را می‌توان حبس تعزیری کرد؟

ج

– تعزیر بستگی به نظر حاکم شرع دارد. و اللَّه العالم.

س ۲۱۳۹

اشاره

– اگر کسی شخصی را عمداً به قتل برساند و مقتول دیون و بدهکاری به مردم داشته باشد درحالی‌که هیچ ما ترک از او بجانمانده باشد آیا اولیاء مقتول
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۴
می‌توانند قاتل را قصاص نمایند یا باید صلح به دیه نموده بدهی او را بپردازند لطفاً نظر مبارك را در این خصوص بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال مصالحه بر دیه بر ورثه واجب نیست، میتوانند قصاص کنند و یا مصالحه بردیه و یا زیادتر و کمتر بنمایند.

س ۲۱۴۰

اشاره

– چنانچه دو نفر در قتل مردی شریك باشند و حکم به قصاص آنها صادر شده باشد و اولیاء دم خواستار اجرای قصاص در مورد یکی از قاتلان باشند و آن قاتل به جهت خسارتی که به اتومبیل مقتول وارده کرده به پرداخت مبلغی مساوی یا بیشتر از نصف دیه به وارث نیز محکوم شده باشد آیا اولیاء دم می‌توانند به ردّ نصف دیه به قاتل جهت اجرای قصاص ادعای تهاتر نمایند؟ در همین فرض برای پرداخت نصف دیه به قاتل، انتخاب نوع دیه با کیست؟

ج

– در مورد سؤال تعیین نوع دیه با ورثه مقتول است ولی اگر بعضی انواع آن که ارزانتر از همه است نایاب باشد نوع دیگر که ممکن است، به عنوان دیه معلوم می‌شود نه قیمت آنکه نایاب است، و چون خسارتی را که قاتل به مال مقتول رسانده مثلًا یا قیمةً ضامن است و غیر از نوع دیه‌ای است که ورثه مقتول باید به او بپردازند حصول تهاتر مشکل است. و اللّه العالم.

### س ۲۱۴۱

#### اشاره

– شخصی زنش را به قتل رسانده و کسی هم از این ماجرا خبر ندارد آیا راهی وجود دارد؟

#### ج

– با فرض اینکه مرتکب قتل شده، چنانچه رضایت اولیاء مقتوله را تحصیل نماید انشاء اللّه توبه‌اش مورد قبول واقع می‌شود. و اللّه العالم.

### س ۲۱۴۲

#### اشاره

– در مواردی که اولیای دم تقاضای عفو قاتل را داشته باشند و یا مطالبه دیه نمایند، ولی با توجه به عوارض سیاسی اجتماعی، حکومت بخواهد قاتل را قصاص نماید آیا امکان این کار وجود دارد و در صورت عدم رضایت اولیای دم آیا باید مبلغ دیه از بیت المال به آنان پرداخت گردد؟ آیا ولی امر مسلمین با ولایتی که بر خود «ولی دم» دارد می‌تواند بر خلاف وی تقاضای
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۵
قصاص نماید؟

#### ج

– در صورتی که ولیّ دم عفو کند و یا راضی به دیه باشد اعدام به عنوان قصاص جایز نیست. بلی اگر جهت دیگری در بین باشد که حکم آن شرعاً اعدام باشد مسأله دیگری است. و اللّه العالم.

### س ۲۱۴۳

#### اشاره

– اجرای قصاص نفس از ناحیه مادر مشروط به ردّ نصف دیه یک مرد مسلمان به قاتل و تأمین و تضمین سهم صغیره می‌باشد، اگر مادر مقتوله ضمن تقاضای اجرای قصاص اظهار عجز از ردّ نصف دیه به قاتل و نیز سهم صغیره نماید، آیا قصاص قهراً به دیه تبدیل می‌گردد و یا باید رد و تأمین دیه از طریق بیت المال شود و قصاص اجرا گردد؟ و یا حق قصاص تا زمان یسار ولی دم باقی و قاتل رها گردد؟

**ج**

- در فرض سؤال اگر چه فتوای بعض اکابر از معاصرین رحمه اللَّه عدم حق قصاص و عفو برای زنها است ولی اقرب بنظر ثبوت حق مذکور برای زنها است بنابراین اگر زن موسره نباشد و از اداء نصف دیه عاجز باشد تا زمان یسار او اجراء حکم قصاص موقوف و قاتل آزاد می‌شود. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۴۴**

**اشاره**

- اگر قاتل اظهار نماید من حق خودم نسبت به نصف دیه گذشت می‌نمایم و قصاص اجرا شود آیا حق گذشت دارد و یا چون دیه در آتیه جزء ماترک محسوب می گردد حق گذشت ندارد؟

**ج**

- بر حسب روایات نصف دیه باید قبل از قصاص باولیاء قاتل ادا شود و قاتل حق عفو نصف دیه خود را ندارد. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۴۵**

**اشاره**

- در همین فرض اگر قاتل نسبت به سهم خودش اعلام گذشت نماید در صورت عجز ولی دم از تأمین سهم صغیر تکلیف چیست؟

**ج**

- چنانچه گفته شد قاتل حق عفو نصف دیه را ندارد و تأمین سهم صغیر و عدم آن در حکم بجواز قصاص با اداء نصف دیه اثری ندارد. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۴۶**

**اشاره**

- اگر صغیره به سن کِبَر برسد و نسبت به حق خودش از پدر (که قاتل مادر اوست) اعلام گذشت نماید لیکن مادر مقتوله همچنان

مصرّ به

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۶

اجرای قصاص باشد حکم شرع انور چیست؟

**ج**

- مادر مقتوله می‌توانـد با پرداخت نصف دیه به اضافه سـهم دختر از دیه قصاص نمایـد. و اگر وارث مقتوله منحصـر به مادر و دختر باشد در فرض سؤال مادر اگر بخواهد قصاص کند باید ۷۸ دیه را بپردازد. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۴۷**

**اشاره**

- هنگامی که خانواده مقتول می‌خواهنـد برای قصاص نصف دیه را به قاتل بدهنـد انتخاب نوع دیه با ولیّ است یا جانی، در صورت عـدم تمکن اولیـای دم از پرداخت این مبلغ و درخواست آنـان از دسـتگاه قضایی آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت؟ مواردی که عـدم قصاص، عوارض سیاسـی اجتماعی داشـته باشد و به نوعی حکومت باید حضور یابد، در صورت عدم تمکن اولیای دم آیا آن را می‌توان از بیت المال پرداخت؟

**ج**

- اختیـار بـا ولیّ دم است. پرداخت از بیت المـال در مورد سؤال واجب نیست بلکه وجهی نـدارد، بنـابراین در فرض سؤال، خانواده، مقتول حق قصاص ندارند. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۷

حدود

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۹

## حدود

### اجرای حد

**س ۲۱۴۸**

**اشاره**

- اگر قاضـی در مجازات، صورت صـلب را انتخاب کرد- با توجه به اینکه اگر بعـد از سه روز زنده بماند حق حیات دارد- آیا اگر

بخواهد قبل از اجرای حکم از داروها و غذاهای مقاوم کننده بدن استفاده نماید می‌توان او را نهی نمود یا خیر؟ و اگر کسی عصیاناً به او آب یا غذا رساند باید جلوگیری کرد یا نه؟

### ج

- در فرض سؤال که مورد آن قبل از اجرای حکم است دلیلی بر منع نداریم و همچنین نسبت به غذا یا آب رساندن دیگری به او. و اللَّه العالم

### س ۲۱۴۹

### اشاره

- کسی که قرار است کشته شود (تیرباران- حلق آویز یا ...) آیا می‌تواند با هزینه خود از پزشکی بخواهد وی را قبل از قتل بی‌حسّ یا بیهوش نماید تا درد کمتری را متحمّل شود آیا در قصاص اطراف چگونه است؟

### ج

- جواز آن محلّ تأمّل است و همچنین در قصاص اطراف. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۰

### س ۲۱۵۰

### اشاره

- در مواردی که سارق مورد عفو مسروق منه قرار می‌گیرد، آیا حاکم شرع بنا به مصالحی می‌تواند حد را اجرا) نماید یا خیر؟

### ج

- اگر قبل از رفع امر به حاکم مسروق منه سارق را عفو کند حدّ ندارد ولی بعد از رفع به حاکم و ثبوت سرقت، حاکم نمیتواند حدّ را اجرا نکند و لو مسروق منه عف بکند. و اللّه العالم

### س ۲۱۵۱

### اشاره

– در مورد سرقت مستوجب حد بفرمایید:

آیا پس از شکایت مسروق منه و قبل از ثبوت جرم، امکان عفو سارق توسط مسروق منه نسبت به اجرای حد وجود دارد یا خیر؟

**ج**

– بلی قبل از ثبوت حق، مسروق منه میتواند سارق را عفو کند و با عفو او موردی برای محاکمه و حدّ باقی نمی‌ماند چون قدر متیقن از وجوب اجراء حدّ بعد از رفع ام آن بحاکم شرعی ثبوت آن عند الحاکم است و قبل از ثبوت اصل عدم جواز و درء حدود بالشبهات است. و اللّه العالم

**س ۲۱۵۲**

**اشاره**

– توبه محارب در مجازات چه تأثیری دارد؟

**ج**

– اگر محارب قبل از آن که حاکم شرع به او دست پیدا کند، توبه کند حدّ از او ساقط است ولی چنانچه مال کسی را تلف کرده باشد و یا جنایتی وارد کرده باشد ضمان او به توبه ساقط نمی‌شود. و اللَّه العالم

**س ۲۱۵۳**

**اشاره**

– اینکه سرقت مستوجب حدّ در مرتبه اوّل موجب قطع ید سارق می‌شود آیا سارق می‌تواند در حین اجرای حکم از داروی بی‌حسّ‌کننده استفاده کند و یا خیر؟ و آیا می‌تواند بعد از قطع ید با استفاده از امکانات پزشکی به هزینه خود انگشتان دست را پیوند بزند یا خیر؟

**ج**

– در مورد سؤال جواز استفاده از داروی بی‌حسّ‌کننده محل تأمل است ولی پیوند زدن عضو قطع شده ظاهراً مانعی ندارد. و اللَّه العالم.

**س ۲۱۵۴**

### اشاره

- پس از اجرای حد سرقت عضو قطع شده ملک کیست؟ ملک حکومتی است که مجری حدّ است یا شخص محدود، که در صورت دوم ثمره

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۱

آن واضح است- پیوند عضو با جراحی.

### ج

- عضو قطع شده مال کسی نیست و جواز پیوند زدن در مفروض سؤال محل تأمل است و اگر منظور، پیوند زدن به غیر صاحب دست است اشکال ندارد و احتیاط این است که به اذن صاحب دست باشد. و اللَّه العالم.

### حد زنا

### س ۲۱۵۵

### اشاره

- شخصی نزد قاضی دادگاه ۴ بار به زنای محصنه اقرار نموده که حکم صادره مورد تأیید قضات دیوان‌عالی کشور واقع شده لیکن اقرارکننده قبل از اجرای حکم کلیه اقاریر سابق خود را انکار نموده است. در کتب مبسوطه فقهی آمده است که اگر کسی به جرمی اقرار کند که مرتکبش باید رجم گردد سپس منکر شود حد از او ساقط می‌گردد. استدعا دارد آن مرجع عالیقدر نظر فقهی خود را در موضوع فوق بیان فرمائید.

### ج

- بطور کلّی، چنانچه طریق اثبات زناء محصنه اقرار باشد و متهم پس از اقرار اگر چه چهار مرتبه اقرار کرده باشد انکار نماید رجم ساقط می‌شود. و اللّه العالم.

### س ۲۱۵۶

### اشاره

- با توجه به این که در زنای محصنه هنگام اثبات جرم با بیّنه، در صورت فرار مجرم از حفره می‌توان وی را برگرداند و حکم را

اجراء نمود ولی در صورت اقرار این کـار را نمی‌توان انجـام داد بفرمائیـد: آیـا حکـم رجـم را می‌توان به انواع دیگری از قتـل تبـدیل نمود یا خیر؟

ج

– ظاهراً تبدیل جایز نیست و باید رجم شود. و اللّه العالم

**س ۲۱۵۷**

**اشاره**

– اگر قاضـی به علم خود حکم به رجم نمایـد در صورت فرار مجرم از حفره آیا می‌توان او را مجـدداً به حفره برگردانـد و حکم را اجراء نمود یا نمی‌توان و اگر علم قاضی را راه سومی بود و ملحق به بیّنه یا اقرار نباشد تکلیف

ج

– در فرض سؤال ظاهراً علم قاضی حکم بینه را دارد و ملحق به اقرار نیست. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۲

### حد قذف

**س ۲۱۵۸**

**اشاره**

– اگر مردی به همسر خود نسبت رابطه نامشروع با شخص خاصی بدهد حکم شرعی چیست؟

ج

– در صورتی که نزد حاکم شـرع ثابت شود که مرد به زنش چنین نسـبتی داده در حالی که شاهدی بر این ادّعا ندارد باید حدّ قذف (هشتاد تازیانه) بر او جاری شود. و اللَّه العالم

**س ۲۱۵۹**

**اشاره**

- اگر مردی به همسر خود بگوید تو از یک زن هرزه خیابانی بدتری، حکم شرعی چیست؟

ج

- گفتار مذکور توهین و حرام است و اگر برای حاکم شرع ثابت شود گوینده آن تعزیر دارد. و اللَّه العالم

س ۲۱۶۰

اشاره

- آیا بصرف بکر نبودن زوجه می‌توان حکم زنا را نسبت به او ثابت کرد؟

ج

- باکره نبودن دلیل بر زنا نیست و به استناد به آن نسبت زنا دادن جایز نیست.

س ۲۱۶۱

اشاره

- زیـدی در دو الی سه مرتبه متوالی هر بـار تکراراً به من نسـبت نـاروا داده و گفت تو العیـاذ باللّه ولـد الزنا هستی، و تو از بابا، خود نیستی و حرام‌زاده هستی، چون بار دوم تکرار کرد صدایش را ضـبط کردم که نوارش موجود است صدای خودش ضبط شده حکم شرعی آن چیست؟

ج

- در مورد سؤال جملات مذکوره نسـبت به مخاطب قذف نیست البته چون ایذاء مخاطب است حاکم شرع می‌تواند گوینده را تعزیر نمایـد ولی جمله (تو از بابای خودت نیستی) نسبت به مادر مخاطب قـذف محسوب است و مادر می‌تواند طلب حدّ قذف کند و اما در مقام اثبات، صدای ضبط صوت کافی نیست.

ارتداد

س ۲۱۶۲

**اشاره**

- اگر فرزنـدی که از پـدر و مادر مسـلمان متولد شده و بعد از رسـیدن به سن بلوغ برای تحصـیلات به کشورهای غربی رفته و آنجا یکی از ادیان آسمانی یهود یا مسیحیت را پذیرفته آیا از پدر و مادرش که در ایران هستند و وفات
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۳
یافته‌اند ارث می‌برد یا نه؟ و اگر تنها وارث والدین باشد چه صورتی دارد؟

**ج**

- فرزند مذکور، مرتد فطری است و از پدر و مادرش ارث نمی‌برد هر چند تنها فرزند آنها باشد. و اللَّه العالم

**س ۲۱۶۳**

**اشاره**

- اگر کسی نعوذ باللَّه به ساحت یکی از ۱۴ معصوم- علیهم السلام- دشنام دهد آیا مرتد میشود یا خیر؟

**ج**

- بلی مرتد می‌شود.

**س ۲۱۶۴**

**اشاره**

- در صورت ارتداد آیا کشتن او همانجا واجب است و یا اینکه به اجازه حاکم شرع هم نیاز است؟

**ج**

- در صورتی که مفسـده بر قتل او مرتّب نشود (ماننـد این که نتوانـد در حضور حاکم شـرع، ارتـداد او را ثابت کنـد) واجب اسـت شنونده او را بکشد و محتاج به اجازه حاکم شرع نیست.

**س ۲۱۶۵**

**اشاره**

- اگر کسی اقرار کند (چند مرتبه) که این عمل را مرتکب شده آیا واجب القتل است یا نه، باید در حضور حاکم شرع اقرار کند تا واجب القتل شود؟

**ج**

- حضور حاکم شرع شرط نیست.

**س ۲۱۶۶**

**اشاره**

- شخصی است که بارها این عمل را انجام داده و خودش هم اقرار کرده ولی می‌گوید در هر دفعه عصبانی بوده‌ام آیا این عذر از او در حالی که این عمل را مکرراً بجا آورده پذیرفته است یا خیر؟ تکلیف ما در مقابل چنین شخصی چیست؟

**ج**

- اگر عصبانیت بحدی باشد که از حال اختیار خارج شود موجب ارتداد نیست و به هر حال اگر توبه کند توبه‌اش قبول است.

**س ۲۱۶۷**

**اشاره**

- شخصی عصبانی شده و بر اثر خشم و غضب قرآن کریم را پاره پاره نموده و بعداً پشیمان شده در حال حاضر چنین شخصی چه وظیفه و حکمی دارد؟

**ج**

- نعوذ باللّه تعالی من الشیطان الرجیم. این مسأله به دو صورت ممکن است

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۴

مورد سؤال واقع شود یکی از جهت حکم آن، اگر نزد حاکم شرعی ثابت شود، و یکی از جهت حکم فردی و شخصی فاعل این عمل، که فیما بینه و بین اللّه عمل کند، اما حکم حدی که برای این عمل در صورت وقوع بعمد و اختیار و ثبوت آن نزد حاکم مترتب می‌شود قتل است که در صورت ثبوت حاکم (؟؟؟؟؟) و جواز آن از طرف غیر که مثل ساب اللّه و سابّ النبی و الأئمهٔ علیهم

السلام باشد محلّ اشکال است بنابراین در این جهت امر با حاکم است و دائر مدار ثبوت آن عند الحاکم است و اما نسبت به تکلیف شخصی فاعل این اهانت بسیار عظیم اگر بنحوی بوده که میداند این اهانت از او در حال سلب اختیار واقع شده که شاید فرض آن بعید باشد ظاهراً چیزی بر او نیست مع ذلک چون نفس عمل بسیار مغضوب الهی است فاعل آن اگر چه بدون اختیار و بلکه سهو و اشتباه هم از او صادر شده باشد اگر مؤمن باشد صدور آن را از خودش موجب شرمندگی و سقوط مرتبه می‌شمارد و به درگاه خدا با تضرّع از آن معذرت می‌خواهد مثل بنده‌ای که فرزند مولایش را در خواب یا بگمان اینکه دشمن مولی است کشته باشد که مع ذلک در مقام عذرخواهی برمی‌آید و اگر العیاذ باللّه با عمد و اختیار از او این گناه بزرگ صادر شده باشد اوّلًا عقد ازدواج او با زوجه‌اش منحل شده و زوجه‌اش با این عمل قبیح از زوجیّت او خارج می‌شود بنابراین اگر بخواهند با هم بمانند باید با رضایت زوجه دوباره او را عقد نماید و ثانیاً بمجرد صدور این عمل اموال او به ورثه او کما فرض اللّه منتقل شده که باید یا به تصرف آنها بدهد و یا در تصرّف در آن اموال از ورثه اذن بگیرد ولی توبه او قبول است و اگر مسأله نزد حاکم شرع مطرح نشده اقرار نزد او لازم نیست بلکه اگر مطرح شده باشد نیز اقرار نزد او واجب نمی‌باشد.

### س ۲۱۶۸

### اشاره

– وظیفه مردی که همسرش به قرآن اهانت نموده و مقدسات دین را منکر شود چیست؟

### ج

– در فرض سؤال، چنانچه زن درحالی که ادراک و شعور و اختیار او بجا باشد و منکر خدا شود مرتد است پس اگر مدخوله باشد محتاج به طلاق نیست، ولی باید عدّه طلاق نگهدارد و چنانچه در بین عده توبه کند، زوجیت بر میگردد و اگر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۵

توبه نکند تا عدّه تمام شود از شوهر جدا است و اگر مدخوله نباشد در همان لحظه ارتداد از شوهر جدا است و محتاج به طلاق نیست و عدّه ندارد و نسبت به فرزندی که بعد از ارتداد به وجود آید اگر بعد از ارتداد شوهر بداند که زن مرتد شده و بداند که بر شوهر حرام است و با این حال با او نزدیکی کند، فرزند، حرام زاده است و اگر نداند محکوم به حلال زاده است.

## محارب

### س ۲۱۶۹

### اشاره

– آیا در صدق محاربه تجرید سلاح شرط است یا حمل سلاح هم از مصادیق محاربه است؟

ج

- در صدق محارب تجرید سلاح به نحوی که بالفعل موجب اخافه مردم باشد معتبر است. و اللَّه العالم

س ۲۱۷۰

اشاره

- شخصی نقشه ربودن فردی را به منظور اخّاذی کشیده و شخص دوم سلاح و اتومبیل برای این عمل تهیه نموده و شخص سوم مسلحانه اقدام به ربودن مرد مزبور نموده است، آیا بر هر سه محاربه صدق می کند؟

ج

- شخص اول و دوم هر چند گناهکارند اما صدق محاربه بر آنها مشکل است بلکه بر شخص سوم نیز اگر عملش اخافه شخص خاص شمرده می‌شود، صدق آن مشکل است.

س ۲۱۷۱

اشاره

- در حدّ محارب تبدیل تبعید به حبس و بالعکس را جایز می‌دانید یا خیر؟

ج

- در هیچ یک از دو صورت تبدیل نمی‌شود. و اللَّه العالم

س ۲۱۷۲

اشاره

- حد اقل و حد اکثر تبعید در محاربه چند است؟

ج

– حدّ نفی بلد بنابر مشهور یک سال است. و اللَّه العالم

## تعزیر

### س ۲۱۷۳

#### اشاره

– فعل حرامی که مرتکب آن تعزیر می‌شود چه شرائطی باید
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۷۶
داشته باشد؟

#### ج

– اگر فعل حرام از معاصی کبیره‌ای باشد که در شرع برای آن حدّی معین نشده و ارتکاب آن برای مجتهد جامع الشرائط ثابت شود تعزیر دارد. و اللَّه العالم

### س ۲۱۷۴

#### اشاره

– افرادی که اقدام به نگهداری فیلمهای ویدئویی مبتذل (که در آن بدن عریان یا نیمه عریان زن، مجالس لهو و لهب و رقص و ترانه و اختلاط، نشان داده می‌شود) برای تماشا می‌کنند آیا تعزیر می‌شوند؟

#### ج

– بلی مورد تعزیر است. و اللّه العالم

### س ۲۱۷۵

#### اشاره

– افرادی که اقدام به تماشای فیلمهای مذکور را می‌نمایند به تنهایی، یا با خانواده یا با دوستانشان، آیا تعزیر می‌شوند؟

#### ج

- بلی افراد مذکور تعزیر دارند. و اللَّه العالم

### س ۲۱۷۶

#### اشاره

- آیا در حین نزاع تعرّض به حجاب یک زن مسلمان به طور عمد (برداشتن چادر و فحاشی در ملاء عام) مجازات شرعی دارد؟ تا چه حدّ؟

#### ج

- تعزیر مورد سؤال لازم است و مقدار و کیفیت آن منوط به نظر حاکم شرع است.
و اللَّه العالم

### س ۲۱۷۷

#### اشاره

- مردی یا زنی برای انجام عمل نامشروع زنا در منزلی اجتماع کرده‌اند، قبل از این که مرتکب عمل شوند دستگیر شده‌اند آیا تعزیر می‌شوند؟

#### ج

- بلی تعزیر می‌شوند. و اللَّه العالم

### س ۲۱۷۸

#### اشاره

- اگر پسری که هنوز بالغ نشده کم تر از پانزده سال دارد بکارت دختری را بردارد آیا حدّ شرعی زنا بر آن پسر جاری می‌شود یا خیر و اگر هر دو بالغ شرعی نباشد اما زنا انجام داده باشند چه صورت دارد حدّ شرعی جاری است یا خیر؟

#### ج

- در فرض سؤال اوّل پسری که بالغ نشده حدّ شرعی ندارد و مورد سؤال دوم هیچ یک از پسر و دختر حدّ شرعی ندارند لکن هر دو فرض امر تعزیر آنها با حاکم شرع جامع الشرائط است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۷

### س ۲۱۷۹

### اشاره

- آیا در نگهداری متهم در حبس تعزیری (با قرار بازداشت) حد اقل و اکثری معیار هست یا مدت زمان به نظر حاکم است؟

### ج

- بنظر حقیر حبس، تعزیر شرعی نیست ولی تبدیل ضرب به سوط، به حبس در زمان معین یا جزاء نقدی اگر مجرم هم قبول کند با نظر حاکم نه طبق قانون معین، جائز است.
توضیحاً اگر مقصود از کلمه متهم در سؤال شخصی باشد که باتهام جرمی تحت تعقیب واقع شده و جرم او ثابت نشده است چنین شخصی حبس تعزیری ندارد و بازداشت موقت او اگر برای مثلًا منع از امحاء دلائل جرم باشد در بعض موارد فی الجمله جائز است ولی برای پیدا شدن دلیل بر ارتکاب جرم جز در مورد اتهام قتل که تا ۶ روز تجویز شده جایز نیست.
و اللّه العالم.

### س ۲۱۸۰

### اشاره

- چنانچه تعزیر علاوه بر تازیانه مصادیق دیگری داشته باشد؛ (مانند:
حبس، جزای نقدی، تراشیدن سر، چرخاندن در شهر، لغو جواز کسب، ابطال گواهینامه رانندگی، محرومیت از مشاغل دولتی، ثبت سوء سابقه و ...) بفرمائید:
الف) آیا تعبیر «التعزیر دون الحد» فقط در خصوص تازیانه رعایت می‌شود یا شامل دیگر موارد مذکور نیز می‌شود؟
ب- در صورت شمول به موارد دیگر، ملاک «دون الحد» چه می‌باشد؟

### ج

- مصداق تعزیر شرعی خصوص تازیانه است و (دون الحد) یعنی بحسب عدد، کمتر از حد باشد چنانچه همه فقهاء، فهیمده‌اند، و این خود قرینه است بر اینکه تعزیر شامل مذکورات در سؤال نمیشود در رساله (التعزیر احکامه و حدوده) حقیر، وجه این نظر بیان

شده است. و اللّه العالم

---

[۱] ( ۱) خوانندگان محترم برای مطالعه بیشتر در موضوع لقاح، جلوگیری و سقط می‌توانند به کتاب« استفتائات پزشکی» آیة الله صافی مراجعه نمایند.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».